**تفسیر خلاصه یک جلدیِ فارسیِ**

**قرآن کریم**

**( به ترتیب نزول )**

**از : مهندس جمال گنجه ای**

**شناسنامه کتاب**

**نام کتاب : تفسیرخلاصه یک جلدیِ قرآن کریم**

**مولف : جمال گنجه ای**

**تاریخ انتشار مجازی : مهر 92**

**سایتِ محل دسترسی این مطالب www.tafsir.jamal-ganjei.com**

**ایمیل برای سئوال و نظر** [**jamalganjei@gmail.com**](mailto:jamalganjei@gmail.com)

****

**فهرست الفبائی ( شماره صفحه شروع سوره ها در پرانتز)**

**ابراهیم (129) – احزاب (406) – احقاف (95) – اسراء (134) – اعراف (248) – اعلی (26) – آل عمران (380) – انبیاء (171) – انشراح (329) – انشقاق (54) – انعام (231) – انفال (368) –انفطار (30) – بروج (69) – بقره (329) – بلد (19) – بینه (361) – تبت (مسد) (70) – تحریم (474) – تغابن (401) – تکاثر (19) – تکویر (31) – توبه (برائت) (456) – توحید (اخلاص) (10) – تین (13) - جاثیه (92)- جمعه (379) – جن (75) – حاقه (32) – حج (443) – حجر(219) – حجرات (469) – حدید (402) – حشر (375) – حمد (10) – دخان (79) – دهر (انسان) (49) – ذاریات (72) – رحمان (45) – رعد (320) – روم (315) – زخرف (81) – زلزال (11) – زمر (286) – سباء (115) – سجده (الم سجده) (248) – شعراء (153) – شمس (15) – شوری (110) – ص (183) – صافات (177) – صف (363) – ضحی (12) – طارق (15) – طلاق (441) – طور (40) – طه (223) – عادیات (362) – عبس (24) – عصر (10) – علق (18) – عنکبوت (296) – غاشیه (38) – فاطر (ملائکه) (311) – فتح (450) – فجر (21) – فرقان (279) – فصلت (حم سجده) (87) - فلق (12) – فیل (68) – ق (55) – قارعه (11) – قدر (16) – قریش (19) – قصص (190) – قلم (36) – قمر (65) – قیامه (52)– کافرون (25) – کوثر (77) – کهف (267) – لقمان (293) – لیل (14) – مائده (476)– ماعون (362) – مجادله (472) – محمد (قتال) (364) – مدثر (60) – مرسلات (33) – مریم (204) – مزمل (27) – مطففین (51) – معارج (70) – ملک (325) – ممتحنه (453) – منافقون (378) – مومن (غافر) (99)– مومنون (122) – نازعات (62) – ناس (13) – نباء (39) – نجم (22) – نحل (301) – نساء (413) – نصر (456) – نمل (197) – نوح (63) – نور(434) – واقعه (42) – همزه (20) – هود (143) – یس (106) – یوسف (209) – یونس (161)**

**توضیح خلاصه در باره این تفسیر**

یک محیط زیبا و دل افزا را تصور کنید – مثلا یک جنگل انبوه با پرندگان و درخت های پر تنوعی ک احیانا نهرهای دلپذیری هم در اینجا و آنجای آن جاری است ، و در مقابل آن نیز کوه شامخ سر بلندی هم با آبشارها و سایر جلوه های متنوع مستقر است ، و در طرف دیگرش نیز دریای معموری از قایق ها و کشتی های روان و امواجی که به ساحل های سنگی و شنی آن خورده و مستهلک میشود ، و مناظری که این مجموعه کامل میتواند داشته باشد ، که این قلم نمیتواند در اینجا توصیفش کند - و فرض کنید از گوشه ای از چنین محیط دلپذیری یک عکس سیاه و سفید و یک عکس رنگی و یک فیلم صامت سیاه و سفید و یک فیلم صامت رنگی و یک فیلم غیر صامت رنگی از آن در اختیار شما باشد .

هر یک از این چیزها (عکس ها و فیلم ها و غیره) مرتبتی از لذت های وجودیِ چنین محیط دلپذیری را به ناظر منقل میکند ، اما آنها کجا و حضور مستقیم بی واسطه در خود آن محیط کجا ؟

کسی که با قرآن آشنا است ، و در حدّ استعداد های خویش آن را می فهمد مانند کسی است که خودش در آن محیط دل افزاست ، و در آن قدم می زند و پرندگانش را می بیند و نغماتشان را می شنود و حیوانات متنوعش را تماشا میکند و به میوه هایش دسترسی دارد و از آن میخورد و در زیر سایه درختانش لختی استراحتی میکند و.. و.. لذت میبرد .

کسی که یک تفسیر خوب میخواند مانند کسی است که یک فیلم رنگی غیر صامت از آن می بیند و او هم لذتی می برد .

کسی که ترجمه قرآن را می خواند مانند کسی است که دارد یک عکس سیاه و سفید از یکی از گوشه های آن محیط و فضای رویائی را تماشا میکند .

چنانکه می بینید ، این کتابی که در دستتان هست شبیه به ترجمه های قرآن است ، اما واقعا خیلی بیش از آن است زیرا تقریبا همه کلیدهای اصلی تفسیر قرآن در آن بگار گرفته شده است .

در این تفسیر از بهترین **لیست ترتیب نزول** استفاده شده است ، و این یعنی اینکه به هنگام خواندن این متن گوئی دارید پیامبر (ص) را قدم به قدم تعقیب و همه حوادث قابل ذکر را پا به پای آن حضرت درک میکنید . و علاوه بر آن چنین است که مطلبی را که در یک جائی بطور مجمل خوانده اید در پاراگراف های آینده تفصیل آن را خواهید خواند و آن را بهتر درک میکنید (و تفسیر هم یعنی همین)

در این تفسیر ، در هر ابتدای هر سوره ، **«عصاره محتوای سوره»** ذکر شده است ، تا درک بعضی از معانی برخی مواضع که احیانا ممکن صعب باشد به خواننده کمک کند .

همچنین در این تفسیر **تقطیع منطقی** مطالب را هم در قالب پاراگراف ها رعایت نموده ایم ، زیرا بطوریکه خواهید دید در بین دو پاراگراف متوالی فاصله ای گذارده ایم .

و نیز در این تفسیر از بین **ترجمه** های ممکن ، آن را که با **عصاره محتوای سوره** تناسب بیشتری دارد اختیار کرده ایم .

**(اما اینکه «عصاره محتوا» چیست و چطور بدست می آید و چه اهمیتی دارد ، در اینجا نمی توانیم شرح دهیم ، اما توصیه میکنیم به پیوست شماره 1 در آخر کتاب مراجعه ، و ابتدا آن را بخوانید ، و پس از آن به اینجا برگردید و همچنین است در باره «مطالب فرعی» و «مطالب پرانتزی» و «واگذاری به مخاطب» و «التفات» و «لیست ترتیب نزول» و «تقطیع منطقی» و «بهترین ترجمه متناسب با عصاره محتوا» و سایر مطالبی که در این مقدمه کوتاه به آنها اشاره شده ، اما شرحی ارائه نشده )**

بعلاوه ، در این تفسیر مطالب **فرعی** و مطالب **پرانتزی** را در بین{ } قرار داده ایم ، و اگر بعضی مطالب «فرعی در فرعی» یا «پرانتز در پرانتز»ی باشد دربین {{ }} یا {{{ }}} گذاشته ایم ، به علاوه ، این نوع مطالب را با حروف ریزتر و ساده (غیر بولد) کار کرده ایم ، تا خواننده متوجه آنها شود و به آنها که رسید بداند که این مطالب را باید در چارچوب مطالب اصلی در نظر گیرد ، یعنی اینکه از بین معانیِ ممکن ، آن معنائی را که در چارچوب مطالب اصلی است انتخاب کند .

و بالاخره مطالب مربوط به **واگذاری به مخاطب** و نیز مطالب مربوط به تغییر مخاطب یا **التفات** را نیز در [ ] قرار داده ایم تا «افتادگی» های موجود در متن اصلی را برای خواننده هموار کرده باشیم (اینها هم با حروف ریزتر وساده کار شده است)

همچنین اگر هم در جائی لازم دیده شد برای مفهوم تر کردن یک موضوع توضیح اضافه ای عرض شود ، با حروف ریز تر و ساده در بین ( ) قرار داده شده است .

مرحله اول

**نزولِ**

**معارف پایه**

**سوره عصر**

|  |
| --- |
| **درس: زيانكاري انسان و شرايط خروج از آن** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**قسم به عصر (1) كه انسان در زيانکاري است (2)** {مگر کساني که ايمان آورده و عمل صالح انجام داده و يکديگر را به حق سفارش کرده و يکديگر را به پايداري توصيه نمايند}(3)

**سوره توحيد**

|  |
| --- |
| **درس: خداوند ذاتا صمد است و از زاده و زادن و همتا داشتگي مبراست** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**بگو او الله است که يگانه است (1)** {الله بي نيازِ موردِ نيازِ همگان است} (2) {نه زاده و نه زائيده شده است (3) و هيچ همتائي ندارد}(4)

**سوره حمد**

|  |
| --- |
| **درس: درخواست هدايت از خداوندي كه موثرترين و مفيدترين صفات را دارد** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ستايش مخصوص خداوندی است که پرورش دهنده جهانيان است (1)** {كه مهربانی عمومی و مهربانی خصوصی اِعمال میکند(2) كه مالک روز پاداش است }(3) [خداوندا ] **فقط تو را پیروی مي کنيم و فقط از تو ياري مي جويئم (4) ما را به جاده مستقيم هدايت کن(5)** {جاده کساني که به آنها نعمت داده اي ، نه آنان که از نظر انداخته اي و نه راه نیافتگان }(6)

**سوره زلزال**

|  |
| --- |
| **درس: جلب توجه آدمي به اهميت و هولناكي قيامت و رويت اعمال** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**هنگامي که زمين لرزانده شود لرزشش را (1) و بيرون دهد بارهاي سنگين خود را (2) و انسان بگويد «چه اش شده؟» (3) آن روز اخبارش را گزارش خواهد کرد (4)** {زيرا که پروردگارت به او وحي کرده }(**5) در آنروز مردم بطور گوناگون بيرون ميشوند تا اعمالشان به آنان نمايانده شود (6) پس ، آنکس که به سنگيني ذره اي نيز عمل خير کرده ، آنرا خواهد ديد (7) نيز ، آنکس که به سنگيني ذره اي هم عمل بد کرده ، آنرا خواهد ديد (8)**

**سوره قارعه**

|  |
| --- |
| **درس: آخرت براي غير مومن بسيار هولناک است** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**آن کوبنده! (1)** {چيست آن کوبنده؟ (2) و چه چيز آگاهت کرد که چيست آن کوبنده؟}(3) **روزي که مردم مانند ملخ هاي پراکنده شوند (4) و کوهها مانند پشم حلاجي شده گردند (5) پس ، کسي که موازين او سنگين شد (6) در زندگيي مورد رضايت خواهد بود (7) اما کسي که موازين او سبک شد (8) بازگشتِ او به هاويه خواهد بود (9)** {و چه چيز دانايت کرده که آن چيست؟(10) آتشي برشته کننده است}(11)

**سوره ضحی**

|  |
| --- |
| **درس: تقويت روحيه پيامبر** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**قسم به روز وقتيکه روشنايي آن گسترده ميشود (1) و قسم به شب وقتيکه فراگير ميشود (2) كه پروردگارت رهايت نکرد و به تو خشم نگرفت (3)** {وآنچه در آينده مي آيد برايت بهتر است از آنچه نزديک تر است (4) و بزودي پروردگارت عطايت مي کند و خشنود ميشوي}(5)  **آيا يتيمت نيافت و پناهت نداد؟(6) و سرگردانت نيافت و هدايتت نکرد؟(7) و تنگدستت نيافت و بي نيازت ننمود؟(8) پس به يتيم تندي مکن(9) و پرسشگر را مرنجان(10) و راجع به نعمت پروردگارت سخن گوي (11)**

**سوره فلق**

|  |
| --- |
| **درس: پيامبر بايد در مقابل بي نهايت شر به پروردگار جهانيان پناه ببرد** |

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**بگو پناه ميبرم به پروردگارِ** (پدیده های) **شکافته شده (1)** {از شر آنچه آفريده است (2) و از شر تاریکیِ انبوهِ نفوذ کننده (3) و از شر دمندگانِ در گِرِه ها (4) و از شر حسود وقتي که حسودی کند} (5)

**سوره ناس**

|  |
| --- |
| **درس: بايد از وسوسه هاي پيدا و ناپيدا به خداوند پناه برد** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**بگو پناه ميبرم به پروردگار مردم (1) فرمانرواي مردم (2) معبود مردم (3) از شر آن وسوسه کننده پنهان شونده(4)** {که وسوسه ميکند در دل هاي مردم (5) (که) از ناپيداها و مردم (هستند)}(6)

**سوره تين**

|  |
| --- |
| **درس: جلب توجه انسان به ظرفيت زياد خويش در جهت تعالي يا عكس آن** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**قسم به انجير و زيتون (1) و به كوه سينا (2) و به اين شهر امانت دار (3) كه انسان را در بهترين ساختار آفريديم (4)** { آنگاه او را به پست ترين پستيها برگردانديم (5) مگر آنانکه ايمان آورده و عمل صالح انجام داده اند که پاداشي بي منت خواهند داشت}(6) **پس ديگر چه چيزي سبب ميشود پس از** (درک) **اين** (واقعيات) **در دين تکذيبت کنند؟(7)** {آيا خداوند حکيمترين حاکمان نيست؟}(8)

**سوره ليل**

|  |
| --- |
| **درس: رفتار قانونمند خداوند نسبت به مومن وكافر در اين جهان** |

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**قسم به شب وقتي که مي پوشاند (1) و به روز وقتيکه ظاهر ميشود (2) و قسم به آنچه که نر و ماده را آفريد (3) که کوششهاي شما مختلف است (4)**

**پس اگر کسي اِعطا کرد و تقوا پيشه نمود (5)**{و نيکويي را تصديق نمود}(6) **ما نيز بزودي آساني را براي او مهيا خواهيم نمود (7) و اما آنکه بخل ورزيد و بي نيازي پيش گرفت (8)** {و نيکويي را تکذيب کرد }(9)  **بزودی سختي را برايش مهيا مي­کنيم (10)** {و مالش وقتي که هلاک ميشود کمکي به او نمي کند} (11)

**البته هدايت بر عهده مااست (12) و البته آخرت و نخستين از آن مااست (13) پس هشدارتان دادم از آتشي که زبانه ميکشد (14) که غير از بدترين ها کسي به درون آن نمي افتد (15)** {همان که تکذيب کرد و پشت نمود}**(16) و بزودي پرهيزگارترين ها از آن بر کنار ميمانند (17)** {همان که مال را ميدهد که رشد يابد(18) و اين بخاطر نعمتي نيست که کسي به او داده باشد (19) فقط بخاطر کسب رضايت پروردگار برترش است}(20) **والبته بزودي راضي ميشود (21)**

**سوره شمس**

|  |
| --- |
| **درس: تقوا كه عامل رشد نفس مي باشد هم سبب رستگاري فرد و هم سبب رستگاري جوامع بشري است** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**قسم به خورشيد و پخش شدن روشنائيش (1) و به ماه و دنباله روي اش (2) و به روز هنگاميكه آن را آشکار ميکند (3) و به شب هنگاميكه آن را فرا گيرد (4) و به آسمان و آنچه آن را بنا کرد (5) و به زمين وآنچه آنرا گسترد (6) و به نَفْس و آنچه آن را بپرداخت (7) سپس نافرمانيها و تقوايش را به آن الهام کرد (8) البته هر کس که آن را رشد داد پيروز شد (9) و هر کس که آنرا در بي رشدي نگهداشت شکست خورد (10)**

**(قوم) ثمود بسبب طغيانشان تکذيب کردند (11) هنگامي که بد ترينِ خويش را برگزيدند (12) و پيغمبر خدا به آنان گفت: شتر خدا و آبشخورش!** (را پاس دارید)**(13) پس او را تکذيب کردند و آن را کشتند ، و پروردگارشان بسبب گناهشان** (همه چیز را) **بر سرشان خراب کرد و** (با خاک) **يکسان نمود (14)** {و از نتيجه (اين عمل) نگراني ندارد }(15)

**سوره طارق**

|  |
| --- |
| **انسان بايد به ضعف موقعيت خويش فکر کند و لذا رفتار صحيح در پيش گيرد** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**قسم به آسمان و قسم به طارق (1)** {و چه ميداني که طارق چيست(2) آن ستاره پرتو افکن} (3)  **هيچکس نيست مگر اينکه بر او نگهباني است (4)**

**پس آدمي بنگرد که از چه آفريده شده (5)** {از آبي جهنده آفريده شده (6) که از بين سخت و نرم بيرون مي آيد} (7) **البته او بر بازگرداندنش تواناست (8)** {روزي که پنهاني ها آشکار شود (9) كه او نه نيرويي و نه ياوري خواهد داشت} (10)

**قسم به آسمانِ داراي بازگشت (11) و زمينِ قابل شکافتن (12) که البته آن حتمأ گفتاري نهائي است (13)** { و اصلأ شوخي نيست }(14)

**البته آنها نيرنگي مي کنند (15)** {و من نيز (ضد) نيرنگي مي كنم}**(16)پس کافران را اندک مهلتي ده (17)**

**سوره قدر**

|  |
| --- |
| **درس: توجه دادن به اهميت شب قدر** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ما البته آن (قرآن) را در شب قدر نازل کرديم (1)** {و چه داني شب قدر چيست؟ (2) شب قدر از هزار ماه بهتر است}(3) {{ملائکه و روح به فرمان پروردگارشان دائما در آن شب براي هر كاري نازل ميشوند }}(4){(آن شب) تا هنگام صبح امنيت و سلامت دارد}(5)

مرحله دوم

**اعلام موجودیت**

**و**

**ارشاد اجمالی مخاطبان غافل**

**سوره علق**

|  |
| --- |
| **درس: آموزش و ارشاد پيامبر(ص) و تشريح جامعه مورد ماموريت او** |

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**بخوان بنام پروردگارت که آفريد (1)** {(همانکه) انسان را از علق آفريد}(2) **بخوان و** (بدان که) **پروردگارت بخشنده­ترین است (3)** {همو که بوسيله قلم آموخت(4) به انسان آنچه را نميدانست آموخت}(5)

**نه!** (عليرغم اين مطالب) **انسان طغيان مي کند(6)** {در صورتيکه خود را بي نياز ببيند }(7) **البته بازگشت ، بسوي پروردگار توست (8)**

**چه فکر ميکني راجع به کسي که نهي مي کند؟(9)** {بنده اي را که دارد نماز ميخواند} (10) چه فکر ميکني (راجع به اين عمل) در صورتيکه (آن بنده) برجاده هدايت باشد؟(11) يا به تقوا فرمان دهد؟}(12) **چه فكر ميكني درباره کسي که تکذيب ميکند و روي بر مي گرداند (13) مگر نميداند که خداوند مي بيند؟ (14)**

**نه!** (چنين نپندارند) **در صورتيکه بس نکند حتمأ موي پيشاني اش را گرفته و ميكشيم(15)** {پيشاني دروغگوي خطاکار را (16) پس او هم همگنان خويش را بخواند (17) مانيز بزودي شعله هاي آتش را ميخوانيم}(18)

**نه ! اطاعتش مکن ، و سجده کن و تقرب جوي (19)**

**سوره قريش**

|  |
| --- |
| **درس: عبادت، پاسخ شايسته نعمت هاي الهي است** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**براي همبستگي قريش (1)** {همبستگي شان (که سبب) مسافرتهاي زمستاني و تابستاني (است)} (2) **پس بايد صاحب اين خانه را عبادت کنند (3)** {همان که آنها را پس از گرسنگي غذا ، و پس از ترس امنيت داد }(4)

**سوره تکاثر**

|  |
| --- |
| **درس: نکوهش زياده طلبي نامعقول** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**زياده طلبي شما را به بازي انداخت (1)** {تا اينکه به قبرها رسيديد}(2) **نه! بزودي خواهيد دانست (3)** {باز هم نه! بزودي خواهيد دانست}(4) **نه! اگر علمِ آن يقين را مي داشتيد ، (5) حتمأ جحيم را ميديديد (6)** {سپس حتمأ آن را عين يقين ميديديد،}(7) **آنگاه در آن روز درباره نعمتها مورد پرسش واقع ميشويد (8)**

**سوره بلد**

|  |
| --- |
| **درس: چگونگي امکان عبور ازگردنه و اهميت آن** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**قسم نميخورم به اين شهر (1)** {و به اينکه تو در اين شهر ساکني }(2) **و به پدر و آنچه متولد ميکند (3) که البته انسان را در رنج آفريديم (4)**

**آيا مي پندارد هرگز هيچکس بر او چيره نخواهد شد؟(5)** {ميگويد مال زيادي را تلف کرده ام }(6) **آيا مي پندارد هيچکس او را نديده؟(7)** آيا براي او دو چشم قرار نداديم؟(8) و زبان و دو لب؟(9) و دو راه (خير و شر) را به او نشان ندادیم؟ }(10) **اما او از آن«عقبه» بالا نرفت (11)**

{و چه داني که آن عقبه چيست؟}(12)  **آزاد کردن بنده (13) يا غذا دادن در روزي سخت (14)**  {به يتيمي خويشاوند، (15) يا فقيري خاک نشين }(16) **آنگاه از کساني باشد که ايمان آورده و سفارش متقابل به صبر و سفارش متقابل به مرحمت کنند (17)** {آنان اهل خير و برکتند }(18)

**و آنانکه به آيات ما کفر ورزيده اند اهل شومي هستند (19) آتشي زبانه کش بر آنها** (مسلط) **است (20)**

**سوره همزه**

|  |
| --- |
| **درس: هشدار عذاب سخت به کساني که علاقه مفرط به مال دارند و آن را تکيه گاه خويش مي پندارند** |

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**واي بر هر بسیار عيب جويِ بسیار طعنه زن (1)** {که مالي جمع ميکند و به شمارش آن مشغول است (2) مي پندارد مالش نگهدارش خواهد بود}(3) **نه ! حتمأ در حطمه انداخته ميشود (4)** {و چه داني که حطمه چيست؟(5) **آتشي است که خداوند آنرا** **افروخته است (6) كه بر دلها راه مي يابد (7)** {و البته بر آن دلها احاطه دارد} (8) **در ستون هايي بر کشيده است (9)**

**سوره فجر**

|  |
| --- |
| **درس: هشدار به کساني که مال را ملاک ارزشها مي دانند و به وظايف مالي خويش عمل نمي کنند** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**قسم به سپيده دم (1) و به شبهاي ده گانه (2) و به جفت و تک (3) و به شب وقتي که سرآيد (4) آيا در اينها براي صاحب خرد قسمي هست؟ (5)**

**آيا نديدي پروردگارت با** (قوم) **عاد چه کرد؟(6)** {(و باغ) اِرمِ داراي ستونها (7) که مانندش در شهرها ساخته نشده بود؟}(8)  **و** (نیز با قوم) **ثمود که در آن دره صخره ها را مي بريدند (9) و فرعونِ صاحب ميخها (10)** {که در شهرها طغيان کردند (11) و فساد را در آن (شهرها) گستردند} (12) **پس پروردگارت تازيانه عذاب را بر آنها فرود آورد (13)** {که البته پروردگارت در کمينگاه است }(14)

**اما انسان ، اگر پروردگارش امتحانش کند ، و نعمتش دهد ، مي گويد پروردگارم گراميم داشته (15) اما اگر او را بيازمايد و روزي او را به اندازه دهد ، مي گويد پروردگارم خوارم کرده (16) نه! بلکه شما يتيم را گرامي نميداريد (17) و يکديگر را بر غذا دادن فقيران تشويق نمي کنيد (18) و ميراث را** (به حق و ناحق) **يكسره مي خوريد،(19) و مال را خيلي دوست می داريد (20)**

**نه! وقتي که زمين به سختي کوبيده شود (21) و** (امر) **پروردگارت و ملائکه صف در صف بيايند (22) و در آن روز جهنم را هم بياورند . و آن روز است که انسان متذکر مي شود ، اما آن روز چه وقت فهميدن است ؟ (23) مي­گويد اي کاش براي زندگي خويش چيزي** (از پیش) **فرستاده بودم (24) در آن روز کسي را به** (عذابي مانند) **عذاب او معذب نمي کنند (25) و کسي را** (مانند) **بستن او نمي بندند (26)** [ اما به آنهائی که بطور صحیح زندگی کردند خطاب میشود که ] **هان ! اي آرام جانِ آرامش یافته (27) بسوي پروردگارت باز گرد که راضي و پسنديده اي (28) و به جمعِ عابدان من درآي (29) و به بهشتم وارد شو (30)**

**سوره نجم**

|  |
| --- |
| **درس: با استدلال به حجيت قرآن، رد اعتقادات با طل آن مردم و ارائه اعتقادات صحيح** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**قسم به ستاره هنگاميکه فرود آمد (1) كه همنشين شما گمراه نشد و براه باطل نرفت (2)** {و از روي خواهش نفس سخن نميگويد}(3) **آن نيست مگر وحيي که** (به او) **ميشود (4)** {صاحب نيروهايي پر شدت به او آموخت (5) هموكه صاحب عقل کامل است و (بر جایگاه خویش) استوار شد (6) و همو بر بالاترين افق بود (7) سپس نزديک شد و نزديک تر شد (8) تا اينکه به اندازه دو کمان و بلکه نزديکتر رسيد (9) آنگاه به بنده او وحي کرد آنچه وحي کرد}(10) **دل ، آنچه را که ديد دروغ نپنداشت (11)**  {آيا بر آنچه مي بيند با او مجادله مي کنيد؟(12) و البته يکبار ديگر نيز او را ديده بود}(13) {{كنارآن درخت سدر انتهائي(14) (که) بهشت جايگاه نزد آن است(15) هنگامي که آن درخت سدر را پوشانده بود آنچه پوشانده بود(16)چشمش به کجي نرفت وطغيان هم نکرد}}(17) **براستي كه بعضي از نشانه هاي بزرگ پروردگارش را ديد (18)**

**آيا شما لاة و عزّي را ديده ايد؟ (19) و آن سومي ، مناة را ؟ (20) آيا پسر براي شما و دختر براي او باشد؟ (21) در اينصورت ، آن ، يک تقسيم نا عادلانه است (22)**{آن نيست مگر نامهائي که شما و پدرانتان ناميده ايد و خداوند هيچ دليلي براي آن نفرستاده . {{غير از گمان و نيز آنچه که دل را خوش مي آيد پيروي نمي کنند}} ، در حاليکه آن هدايت از جانب پروردگارشان بسويشان رسيده است }(23)

**آيا مگر انسان هر چه را بخواهد همان ميشود؟ (24) در حاليكه خداوند مالک آخرت و دنياست (25)** {و چه بسا فرشتگاني که در آسمانها هستند و شفاعت آنها سودي نميرساند مگر پس از آنكه خداوند براي كسي كه بخواهد و بپسندد اجازه دهد (26) آنانکه به آخرت ايمان ندارند ملائکه را به نامهاي زنانه مينامند (27) و علمي به اين موضوع ندارند . {{جز گمان را پيروي نمي کنند و گمان هم بجاي حق فايده اي نميرساند}} (28)

**پس ، از کسي که از ياد ما روي برميگرداند و جز زندگي دنيا را نميخواهد روي بگردان (29)** {علم و فهمشان همينقدر است . البته پروردگارت بهتر ميداند چه کسي از راه او منحرف شده و همو بهتر ميداند چه کسي هدايت يافته است }(30) **و آنچه در آسمانها و زمين است مال خداست تا عمل آنان را که بد مي کنند جزا دهد و به آنانکه عمل نيکو انجام ميدهند پاداش نيکو دهد (31)** {همان کساني که از گناهان بزرگِ آبروريز دوري ميکنند- مگر گناهاني کوچک- البته وسعت مغفرت پروردگارت زياد است . همو به وضعيت شمادانا تر است ، از وقتي که شما را از زمين بوجود آورد و هنگامي که جنين هائي در شکم هاي مادرانتان بوديد (وضعتان را ميداند) پس خود را نستائيد زيرا او بهتر ميداند چه کسي با تقواتر است }(32)

**آن را ديدي که روي گرداند؟(33)** وانفاق مختصري نمود و دست کشید؟(34) آيا علم غيب نزد اوست و مي بيند؟(35) {{يا اينکه از صحيفه هاي موسي آگاهش نكرده اند؟(36) و ابراهيم که بطور کامل ادا کرد؟}}(37){{{ که کسي بار ديگري را برنمي دارد ، (38) و اينکه هيچکس جز سعيي که کرده چيزي ندارد ، (39) و اينکه کوشش او بزودي به او نشان داده ميشود ، (40) و آنگاه به کاملترين وجه جزا داده ميشود ، (41) و اينکه سرانجام بسوي پروردگارت است ، (42) و اينکه اوست که ميخنداند و ميگرياند ، (43) و اينکه اوست که ميميراند و زنده ميکند ، (44) و اينکه اوست که جفت هاي نر و ماده را آفريد ، (45) از آبي که ريخته ميشود ، (46) و اينکه پديد آوردن زندگي بعدي برعهده اوست ، (47) و اينکه همو بي نياز کرد و سرمايه داد ، (48) و اينکه او پروردگار (ستاره) شِعري است ، (49) و اينکه اوست که قوم عاد نخستين راهلاک کرد ، (50) و ثمود را هم وانگذاشت ، (51) و قوم نوح را هم قبلا - همچنين - که آنها ظالم تر و طغيانگرتر بودند (52) و قريه هائي را که زير و رو شدند نگون سار كرد ، (53) و به آن فرو پوشاند آنچه فرو پوشاند}}}(54) **پس** (ای انسان) **در کداميک از نعمتهاي پروردگارت ترديد نشان می­دهی؟ (55) اين** (پيامبر) **هم هشدار دهنده اي است از نوع هشدار دهندگان قبلي (56)**

**نزديک شد آن نزديک شونده (57)** {غير از خداوند ظاهر کننده ديگري ندارد}(58) **آيا از اين سخن تعجب مي کنيد؟(59)** {و مي­خنديد و نمي گرييد؟(60) و همچنان دنبال سرگرمي هستيد؟}(61) **پس ، براي خدا سجده کنيد و عبادت نمائيد (62)**

**سوره عبس**

|  |
| --- |
| **درس: نکوهش رفتار کساني که نعمتهاي الهي را کفران و مومنان را تحقير و از انجام وظايف شانه خالي مي کنند** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**چهره در هم کشيد و رو برگرداند (1) که چرا آن نابينا نزد وي آمده (2) و چه ميداني شايد ميخواهد رشد کند (3) يا پند گيرد و آن پند سودش دهد (4) اما کسي که بي نيازي نشان داد (5) و تو به او پرداختي (6) اگر هم پاک نشود** (جريمه اي) **بر تو نيست (7) و اما آنکس که شتابان بسوي تو مي آيد (8) و خوف** (خدا را) **دارد (9) تو از او** (بهديگري) **ميپردازي (10)**

**نه! البته آن تذکر و پندي است (11)** {پس هر کس که خواهد پند گيرد} (12) **در صحيفه هائي ارجمند** (است) **(13)** {(صحيفه­ هائي) بلند مرتبه و پاک (14) به دست سفيراني (15) گرامي و بزرگوار }(16)

**کشته شود انسان! چقدر ناسپاس است ! (17)**  {از چه چيز آفريدش؟ (18) از نطفه اي. آفريدش، و سر و سامانش داد (19) سپس راهش را هموار نمود (20) آنگاه او را ميراند و داخل قبرش نمود (21) سپس وقتي که بخواهد ، زنده اش (خواهد) نمود }(22) **نه! آنچه را (که به او) امر کرد انجام نداد (23)** {پس انسان بايد به غذاي خويش بنگرد (24) که ما آب را به چنان ريختني ريختيم ، (25) سپس زمين را به چنان شكافتني شکافتيم (26) و در آن دانه اي رويانديم (27) و انگوري و سبزيي (28) و زيتوني و نخلي (29) و باغهاي انبوهي (30) و ميوه اي و چراگاهي (31) که برخورداريي براي شما و چهارپايانتان باشد }(32)

**پس هنگامي که آن صداي گوشخراش بيايد ، (33)** {روزي که آدمي از برادرش فرار كند ، (34) و (از) مادرش و پدرش (نيز) ، (35) و (از) همسرش و فرزندانش }(36) **براي هر کسي درآن روز آنقدر هست که او را بس است (37) در آن روز چهره هائي تابانند (38)**  {خندان و بشارت يافته }(39) **و چهره هائي هم در آن روز غبار آلودند (40)**{که سياهي و تاريکي آنها را فرا گرفته (41) آنها همان کافران و گناهکارانند }(42)

**سوره کافرون**

|  |
| --- |
| **درس: پيامبر(ص) موضع ديني خويش را به روشني اعلام مي دارد** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**بگو هان اي کافران ! (1) عبادت نمي کنم آنچه را عبادت مي کنيد (2) و شما نيز عبادت کننده آنچه من عبادت مي کنم نيستيد (3)**  و من هم عبادت کننده آنچه شما عبادت مي کنيد نيستم (4) و شما نيز عبادت کننده آنچه من عبادت مي کنم نيستيد (5) **دين شما براي خودتان باشد و دين من نیز براي خودم (6)**

**سوره اعلی**

|  |
| --- |
| **درس: دلداري به پيامبر(ص) و نويد شرايط بهتر**  **درب: يادآوري بعضي از صفات خداوندي که به قدرت ايجاد شرايط بهتر اشاره دارد** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**منزه دار نام پروردگارت** (را که) **والاترین** (است) **(1)** {همو که آفريد و بپرداخت(2) و همو که برنامه ريخت و هدايت نمود (3) و همو که چراگاه ها روياند (4) سپس بصورت خاشاکي سياه در آورد}(5)

**بزودي بر تو ميخوانيم و فراموش نخواهي کرد (6)**  {مگر آنچه را که خدا بخواهد که او به آشکار و نهان داناست (7) و بزودي آساني را براي تو ميسر مي کنيم}(8) **پس تذکر بده ، اگرفايده داشته باشد (9)** {بزودي آنکه پروا دارد پند خواهد پذيرفت (10) و بدترين ها از آن دوري خواهند كرد (11) همانها که به آن آتش بزرگ در خواهند افتاد (12) سپس در آن نه ميميرند و نه زندگي (مطلوبي) خواهند کرد}(13)

**البته کسي که راه رشد را در پيش گرفت رستگار شد (14)** {(همو که) اسم پرورگارش را ياد کرد و نماز گذاشت} (15) **اما شما زندگي دنيا را انتخاب مي کنيد (16)** {در حاليکه آخرت بهتر و پايدارتر است} (17)  **البته اين در صحيفه هاي پيشين نيز هست (18)** {صحيفه هاي ابراهيم و موسي} (19)

**سوره مزّّمل**

|  |
| --- |
| **درس: پيامبر براي مواجه شدن با مشکلات رسالت بايد ظرفيت هاي لازم را از طريق عباداتي خاص پيدا کند**  **درب: ذکر قسمتي از عبادتهاي خاص فوق الذکر** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**اي جامه به خود پيچيده ! (1) شب را - جز اندکي از آن- بپاخيز (2)**  نصف آن يا کمي کمتر از نصف را (3) يا کمي بيشتر از آن **و قرآن را شمرده و شيوا بخوان (4)** **بزودي قولي سنگين برتو القا خواهيم کرد (5)** البته (عبادت) ساخته شده شب ثابت تر و از لحاظ سخن استوار تراست (6) و البته در روز کارها ي زيادي خواهي داشت (7) **و نام پروردگارت را ياد کن و از همه ببر و به او بپيوند (8)**  {پروردگار مشرق و مغرب که خدائي جز او نيست ، و او را كارساز خويش بنما} (9) **و بر آنچه ميگويند صبر کن و بخوبي از آنان کناره گير (10)**  و مرا با تکذيبگرانِ صاحب نعمت واگذار ، و اندكي به آنان مهلت ده (11) **زيرا که نزد ما جريمه هايي و جهنمي هست (12)** {و غذاهائي گلوگير و عذاب هائي سخت} (13) {{روزي که زمين و کوهها بلرزند و کوهها چون تپه اي از ماسه گردند}}(14)

[ای مردم] **البته رسولي بسوي شما فرستاديم که بر شما گواه باشد ، همانطور که بسوي فرعون رسولي فرستاديم (15)**  {اما فرعون نافرماني آن رسول کرد و او را به گرفتني سخت بگرفتيم}(16) **پس اگر کفر بورزيد چگونه خود را از روزي حفظ خواهيد کرد که کودکان را پير ميكند؟(17)** {آسمان از آن پاره ميشود كه وعده اي تحقق يافته است}(18) **البته اين پندي است . پس هر که خواهد بسوي پروردگارش راهي بجويد (19)**

**البته پروردگارت ميداند که نزديک به دو ثلث شب يا نصف آن يا ثلث آن را به پا ميخيزي و همچنین عده اي از كساني كه با تو اند .** {خداوند است که شب و روز را تقديرميکند و ميداندکه هرگز نخواهيد توانست آنرا فراگيريد لذا از شما درگذشت} **پس هرچه توانستيد قرآن بخوانيد .** {خداوند ميداند که بزودي عده اي از شما مريض خواهند بود و عده اي براي جستجوي فضل خدا به سفر خواهند پرداخت و عده اي در راه خدا به جنگ مشغول خواهند شد} **پس هر چه توانستيد از آن** (قرآن) **بخوانيد و نماز بپا داريد و زکوة دهيد و به خدا قرض الحسنه دهيد**  {و هر مالی که براي خويش پيشاپيش بفرستيد ، آنرا نزد خدا خواهيد يافت که بهتر و پاداشش بزرگتر است }**و از خدا آمرزش بخواهيد که خداوند آمرزشگر مهربان است (20)**

مرحله سوم

**مطرح نمودن پر رنگ آخرت**

**و**

**جذب نفوس مستعد**

**سوره انفطار**

|  |
| --- |
| **درس: آخرت بسيار مهم است** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**وقتيکه آسمان بشکافد (1) و وقتيکه ستارگان فرو ريزند (2) و وقتيکه درياها به هم بپيوندند (3) و وقتيکه قبرها زير و رو شوند (4) هر کس میداند چه پيش فرستاده و چه پس فرستاده است (5)**

**اي انسان! چه چيز تو را راجع به پروردگار گراميت فريب داده؟ (6)** {همان کسي که تو را آفريده ، سپس ساخته و پرداخته ، و سپس متعادل نموده (7) در هر نقشي که خواسته ترکيبت کرده }(8) **نه ! بلکه شما قيامت را تکذيب ميکنيد (9) و البته بر شما نگهباناني** (گماشته شده) **اند (10)** {که نويسندگاني گرامي هستند (11) آنچه را که انجام ميدهيد ميدانند }(12)

**البته نيکو کاران در نعيم اند (13) و بد کاران در جهنم (14)** {که روز قيامت به درون آن مي افتند (15) و از آن جدا نمي­شوند }(16) **و چه داني که روز قيامت چيست؟ (17)** {آري چه داني که روز قيامت چيست؟ }(18) **روزي است که هيچکس درباره ديگري اختياري ندارد و در آن روز ، فرماندهی مخصوص خداوند است (19)**

**سوره تکوير**

|  |
| --- |
| **درس: وقوع آخرت علاوه بر اهميت فوق العاده اش حتمي هم هست** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**وقتي که خورشيد در هم پيچيده و بي نورشود (1) و وقتي که ستارگان کدر شوند (2) و آنگاه که کوهها رانده شوند (3) و وقتي که شتران حامله که جنين ده ماهه دارند ، به حال خود رها شوند (4) و هنگامي که حيوانات وحشي** (هم با انسانها) **جمع شوند (5) و هنگامي که درياها بر افروخته شوند (6) و هنگامي که جان ها جفت شوند (7) و وقتيکه از دختر زنده به گور سئوال شود (8) به چه گناهي کشته شده (9) و وقتيکه نامه ها** (ي اعمال) **منتشر شود (10) و وقتيکه آسمان کنده شود (11) و وقتيکه جهنم شعله ور گردد (12) و وقتيکه بهشت نزديک گردد (13) هر کس ميداند چه آورده است (14)**

**پس قسم نميخورم به آن پنهان شونده (15)** (كه) **جريان دارِ بازگشت کننده** (است) **(16) و** (قسم به) **شب وقتيکه شتابان ميرود (17) و صبح وقتيکه تنفس مي کند (18) که البته ، آن قولِ فرستاده اي است گرامي (19)** {که صاحب قوتي (بزرگ) است که نزد صاحب عرش مقامي (سترگ) دارد (20) در آنجا از او اطاعت ميشود و امين است }(21)  **و مصاحب شما ديوانه نيست (22)** {و او را در آن افق آشکار ديده }(23) **و او راجع به غيب بخيل نيست (24)**  **و آن به گفته شيطان رانده شده نيست (25)**

**پس به کجا ميرويد؟(26) آن جز پندي براي جهانيان نیست (27) براي هر کس از شما که بخواهد مستقيم شود (28)** {و نخواهيد خواست مگر اينکه خداوند بخواهد که پروردگار جهانيان است}(29)

**سوره حاقه**

|  |
| --- |
| **درس: حتميت وقوع قيامت و جدي بودن رسيدگي هاي پس از آن** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**آن تحقق يافتني! (1)** {چيست آن تحقق يافتني؟ (2) و چه داني که چیست آن تحقق يافتني ؟}(3)

**قوم ثمود و قوم عاد آن کوبنده را تکذيب کردند (4)** {قوم ثمود بوسيله آن طغيانگر هلاک شد (5)و قوم عاد بوسيله تند باد سرد ناسازگار هلاک شد (6) (که خداوند) آنرا بر آنان مسخر کرد که هفت شب و هشت روز بر آنان ميوزيد و آنها را ميديدي که مانند کنده هاي بي مصرف نخل که دور انداخته شده باشند به زمين افتاده اند (7) آيا کسي از آنها را باقي مي بيني؟}(8)  **و فرعون و پيشينيان او و اهالي آن شهرهاي واژگون شده هم مرتکب خلاف شدند (9) و از فرستاده پروردگارشان سرپيچي کردند پس آنها را به ­گرفتني سخت بگرفت (10) البته وقتيکه آن آب طغيان کرد** (پیشینیانِ) **شما را با کشتي حمل کرديم (11) تا آنرا برايتان وسيله تذکري قرار دهيم و نيز گوش هاي شنوا آن را بشنوند (12)**

**پس وقتي که يکباره در آن شيپور دميده شود (13)** { و زمين و کوه ها جابجا و کوبيده و متلاشي شوند (14) در آن روز است که آن واقعه وقوع مي يابد (15) و آسمان ازهم مي شکافد و در آن روز سست مي­شود (16) و ملائکه بر کناره هاي آن هستند و در آن روز عرش پروردگارت را هشت مؤلفه بر فراز خويش حمل مي کنند}(17) **در آن روز عرضه ميشويد وحتي هيچ چيزِ جزئي مربوط به شما نيز مخفي نمي­ماند (18)**

**پس کسي که نامه اش را به دست راستش ميدهند ميگويد آهاي نامه ام را بخوانيد (19)** {ميدانستم به حسابم رسيدگي خواهد شد }(20) **و او زندگيي مورد رضايت خواهد داشت (21)** {در بهشتي والامرتبه (22) که چيدني هايش در دسترس است (23) [به آنان خطاب میشود] بخوريد و بياشاميد که گوارايتان باد ، بسبب آنچه که قبلأ در آن روزهاي خالي (گذشته) انجام داده­ايد }(24) **و اما کسي که نامه اش را به دست چپش ميدهند ميگويد اي کاش نامه ام را نميدادند (25)** {و نميدانستم حسابم چيست (26) اي کاش اين گذرا بود (27) مالم برايم کاري نکرد (28) اقتدارم از بين رفت} (29) [به ماموران خطاب میشود] **بگيريدش و به يوغش کشيد (30)** سپس به جهنمش بيفکنيد (31) سپس به زنجيري که هفتاد ذرع است زنجيرش کنيد (32) زيرا که او به خداي بزرگ ايمان نداشت (33) و به غذا دادن مسکينان تشويق نميکرد (34) پس امروز در اينجا غمخواري ندارد (35) و غذايي نيز جزچركاب ندارد (36) که جز خطاکاران از آن نميخورند (37)

**پس قسم نميخورم به آنچه که مي بينيد (38) و آنچه که نمي بينيد (39) که البته آن گفتار فرستاده اي گرامي است (40)** {و قول شاعري نيست، چه کم باور هستيد(41) و نه قول کاهني، چه کم پند پذير هستيد(42) **بلکه فرو فرستاده اي از جانب پروردگار جهانيان است(43)** {و اگربعضي از گفتارها را بما مي چسباند (44) با شدّت او را ميگرفتيم (45) سپس شاهرگش را قطع ميکرديم (46) و هيچکس از شما نميتوانست حفظش کند }(47) **و البته آن پندي براي متقيان است (48)** { و البته ما ميدانيم بعضي از شما تکذيبگر هستيد}(49) **و البته آن حسرتي براي کافران است (50) و البته آن حق يقين است (51) پس نام پروردگار بزرگت را به پاكي بستاي (52)**

**سوره مرسلات**

|  |
| --- |
| **درس: بي اعتنايي و بي توجهي نسبت به قيامت سبب هلاکت است.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**قسم به فرستادگان پياپي(1)**  {و به آنهائي که پشت سر هم بسيار سريع روانه ميشوند(2) و به پخش کنندگاني که چنان پخش مي کنند}(3) {{آنگاه به جدا کنندگاني که چنان جدا ميکنند(4) و به القاء کنندگاني که چنان تذکر القاء مي کنند (5) عذري يا هشداري را}}(6) **که البته آنچه به شما وعده داده شده حتمأ واقع ميشود (7)**

**پس هنگامي که ستارگان بي فروغ شوند (8) و وقتيکه آسمان بشكافد (9) و وقتيکه کوه ها زايل شوند (10) و وقتيکه به فرستادگان مهلت داده شود (11)** {(آن مهلت) براي سرآمد چه روزی تعيين شده؟}(12) **براي روز جدا کردن (13)**  {و چه داني که روز جدا کردن چيست؟ }(14) **واي در آن روز بر تکذيبگران (15)**

**آيا پيشينيان را هلاک نکرديم؟ (16) و سپس پسينيان را جايگزين ننموديم؟ (17) البته با مجرمين چنين ميکنيم (18) واي در آن روز بر تکذيبگران (19)**

**آيا شما را از آبي پست نيافريديم؟ (20) آنگاه در جايگاهي استوارش قرار نداديم؟ (21) تا هنگامي معين؟ (22)** {و آنرا سامان داديم و چه سامانده ای هستيم} (23) **واي در آن روز بر تکذيب گران (24)**

**آيا زمين را فراگير نكرديم؟ (25) چه براي زنده ها و چه مرده ها؟ (26) و در آن لنگرگاههايي رفیع قرار نداديم ؟ و آبي گوارا به شما ننوشانديم؟ (27) واي در آن روز بر تکذيب گران (28)**

[که در آن روز به تکذیبگران خطاب شود که] **برويد بسوي آنچه تکذيبش ميکرديد (29) برويد بسوي سايه اي که سه شاخه دارد (30)** {که نه سايه گستراست و نه از لهيب آتش باز ميدارد (31) كه شراره هائي مانند قصر پرتاب ميکند (32) که گويي شتر زرد مو است }(33) **واي در آن روز بر تکذيب گران (34)**

**اين روزيست که سخن نميگويند (35)** {و اجازه هم ندارند (که سخن گویند که ) عذرخواهي کنند }(36) **واي در آن روز بر تکذيب گران (37)**

**اين روز جدا کردن است که شما و پيشينيان را جمع کرده ايم (38) پس اگر ميتوانيد نيرنگي کنيد ، آن را ضد من بکار ببريد(39) واي در آن روز بر تکذيب گران (40)**

**البته تقوا داران در سايه ها و چشمه هائي هستند (41) و ميوه هائي که ميلش را دارند (42)** [به آنان خطاب می شود :] **بخوريد و بياشاميد . گوارايتان باد ، بسبب آنچه انجام داده ايد (43)** {كه احسان گران را چنين پاداش ميدهيم} (44) **واي در آن روز بر تکذيب گران (45)**

**اندکي** (در اين جهان) **بخوريد و استفاده کنيد که مجرميد (46) واي در آن روز بر تکذيبگران (47)**

**و هنگامي که به آنها گفته ميشود رکوع کنيد به رکوع نميروند (48) واي در آن روز بر تکذيبگران (49)**

**پس به چه چيزي پس از آن مي گروند؟ (50)**

**سوره قلم**

|  |
| --- |
| **درس: توصيف عذاب اخروي و بيان حکمت تفاوت مجرم ومسلم در آخرت.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**نون . قسم به قلم و آنچه مي نويسند (1) تو به نعمت پروردگارت ديوانه نيستي (2) و پاداشي بي منت خواهي داشت (3) و شخصيتي عظيم داري (4) پس به زودي خواهي ديد و آنها نيز خواهند ديد (5) که کدامتان مفتون ميباشيد (6) البته پروردگارت داناتر است که چه کسي از راه او بيرون شده و همو به حال هدايت يافتگان آگاه تر است (7)**

**پس اطاعت تکذيب گران مکن (8)** {که دوست دارند چرب زباني کني تا آنان نيز چرب زباني کنند }(9)  **و اطاعت هيچ قسم خورِ فرومايه اي نيز مکن (10)** {که بسيار عيب جو و طعنه زن است و همواره براي اختلاف افکني بين مردم روان است (11) و بازدارنده از کارخير و تجاوزگر و گناهکار است (12) تازه بعد از همه اينها ، بد دهن و خشن و بي اصل نيز هست (13) {{ (چون) مالي و فرزنداني دارد}} (14) {هنگامي که آيات ما بر او خوانده ميشود ميگويد افسانه هاي گذشتگان است} (15)  **بزودي بر بيني او داغ ميزنيم (16)**

**آنها را آزموديم ، همانطور که صاحبان آن باغ را آزموده بوديم ، آن هنگام که قسم خورده بودند که صبحگاهان حتمأ** (ميوه هاي) **آنرا بچينند (17) و هيچ استثناء نکنند (18) اما در حاليکه خواب بودند گردنده اي از جانب پروردگارت آنرا در نورديد (19) و مانند** (باغي که ميوه هايش) **چيده شده ، گرديد (20) صبحگاهان يکديگر را صدا ميزدند (21) که اگر ميوه چين هستيد براي کشت تان برخيزيد (22) پس ميرفتند و با هم زمزمه ميکردند (23) که مبادا امروز فقيري سر وقت شما بيايد (24)** {و سحرگاهان به اين قصد که با شدت (فقيران را) برانند بيرون شده بودند}(25)  **پس هنگامي که آن** (باغ) **را ديدند گفتند حتمأ راه گم کرده ايم (26) يا اينکه محروم گشته ايم (27) معتدل ترين آنها گفت آيا به شما نمي گفتم چرا تسبيح نميگوييد؟ (28) گفتند منزه است پروردگارمان که ما ظالم بوده ايم (29) و بعضي از انها بعضي ديگر را به سرزنش گرفتند (30) گفتند واي برما ، ما طغيانگر بوديم (31) شايد پروردگارمان بهترش را بما دهد زيرا که بسوي پروردگادمان راغبيم (32) عذاب چنين است ، و عذاب آخرت بزرگتر است اگر بدانند (33)**

**البته متقيان نزد پروردگارشان بهشتهاي پر نعمت دارند (34) آيا مسلمين را مانند مجرمين قرار ميدهيم؟ (35) چه تان شده؟ چگونه حکم ميکنيد؟ (36)** {آيا کتابي داريد که از آن (اين) درس ميخوانيد؟} (37) {{(که در آن اينطور نوشته) که هر چه شما بخواهيد همان ميشود؟}} (38) {يا اينکه عهد و پيماني بر عهده ما داريد که تا قيامت پا بر جاست که هر چه شما حکم کنيد همان بشود؟} (39) {{از آنان بپرس کدامشان ضامن اين است؟ }}(40) {يا اينکه (در مقابل خدا) شريکاني دارند؟ در اين صورت بايد شرکاء خويش را حاضر کنند اگر راستگويند} (41) {{روزي که حقایق آشکار شود و دعوت به سجود شوند و نتوانند (42) چشمهاشان فرو افتاده و ذلت آنها را فرا گرفته باشد در حاليکه (قبلا) آنها را به سجود فرا ميخواندند و سالم بودند (اما اجابت نميکردند) }}(43) {پس مرا با آنکه اين سخن را تکذيب ميکند واگذار، که او را کم کم از جائيکه نميداند ميگيريم (44) و مهلتشان ميدهم که البته تدبيرم محکم است} (45) {يا اينکه از آنها دستمزدي ميطلبي و آنها ازسنگيني غرامت گرانبارند} (46) {يا اينکه (علم) غيب نزدشان است و آنها (از روی آن) مي نويسند }(47)

**پس به حکم پروردگارت صبر کن و مانند همراه آن ماهي نباش ،** {هنگامي (در شکم آن ماهی بود) که ندا میکرد ودلگير بود (48) اگرنعمتي ازجانب پروردگارش جبرانش نکرده بود حتمأ به بيابان انداخته ميشد و سرزنش ميگرديد (49) اما پروردگارش برگزيدش و از صالحان قرارش داد }(50) **و نزديک است کافران هنگاميکه آن پند را مي شنوند** (با این خیال که تو را بلغزانند) **به تو خیره شوند و زل بزنند و بگويند حتما ديوانه شده (51) در حاليکه آن چيزي جز پندي براي جهانيان نيست (52)**

**سوره غاشيه**

|  |
| --- |
| **درس: با توجه به نتيجه نهايي زندگي که يا به بهشت و يا به جهنم ختم مي شود هر کس بايد مسير خويش را انتخاب کند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**آيا داستان آن فراگيرنده به تو رسيده؟ (1) در آن روز چهره هايي خاكسارند (2)** {تلاشگرانی رنج کش (هستند) (3) درون آتشي سوزان مي افتند (4) از چشمه اي داغ نوشانده ميشوند (5) در آن ، خوراکيی غير از خارهايي تهوع آور ندارند (6) که نه فربه و نه حتي رفع گرسنگي ميکند} (7)  **چهره هايي هم در آن روز برخوردار نعمت اند (8)**  {از تلاششان راضي هستند (9) در باغهايي بلند مرتبه (جا دارند) (10) که در آن ياوه اي نمي شنوند (11) در آن چشمه اي جاريست (12) در آن تختهاي رفيع هست (13) و جامهايي که در محلهاي خود گذاشته شده (14) و بالشهاي رديف شده (15) و فرشهايي که گسترده شده }(16)

**پس ، آيا در شتر نمينگرند که چگونه آفريده شده؟ (17) و به آسمان که چگونه برافراشته شده؟ (18) و به کوهها که چگونه نصب شده؟ (19) و به زمين که چگونه صاف شده؟ (20)**

**پس تذکر بده . جز اين نيست که تو فقط تذکر دهنده اي (21)**  {بر آنها چيره نيستي} (22) **غير از کسي که رو بر ميگرداند و کفر ميورزد** ( که لازم نیست حتی به او تذکر همبدهی) **(23)** {كه خداوند او را به عذاب بزرگتر معذب مي­کند} (24) **البته بازگشت آنها به سوي ما است (25) سپس حسابشان هم بر عهده ما است (26)**

**سوره نباء**

|  |
| --- |
| **درس: جلب توجه مخاطب به جهان ديگر و دعوت به انتخاب مسير خوب.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**راجع به چه چيز از يکديگر ميپرسند؟ (1) راجع به آن خبر بزرگ (2)** {که درباره اش با هم اختلاف دارند }(3) **نه ! بزودي خواهند دانست (4)**  {باز هم نه! بزودي خواهند دانست }(5)

**آيا زمين را زيرانداز قرار نداديم؟ (6) و کوهها را ميخ هايي؟ (7) و شما را جفت نیآفريديم (8) و خواب را مايه آرامش ، (9) و شب را لباسي ، (10) و روز را مايه زندگي** (قرار نداديم؟) **(11) و بر فرازتان هفت** (آسمان) **استوار بنا نکرديم؟ (12) و چراغي پر نور و حرارت** (قرار نداديم؟) **(13) و از ميان ابرهاي فشرده آبي پي در پي فرو نريختيم (14) تا بوسيله آن حبوبات و نباتات در آوريم (15) و باغهاي انبوه؟ (16)**

**البته وعده گاه ، روز جدا کردن است (17)** {روزي که در آن شيپور دميده شود و گروه گروه بياييد (18) و آسمان باز شود وبصورت درب هائي گردد (19) و کوهها حرکت داده شوند و رونده گردند }(20)

**البته جهنم کمينگاهي است (21) براي طغيان گران بازگشتگاهي است (22) در قرن هاي طولاني در آن توقف خواهند داشت (23) که در آن نه خنکي و نه نوشابه اي خواهند چشيد (24) غير از آبي جوشان و چركابي (25) که اين جزائي است موافق** (عمل شان) **(26)** {زيرا که اميدي به حسابرسي نداشتند (27) و آيات ما را دائمأ تکذيب ميکردند} (28) **و هر چيزي را در کتابي شماره کرده ايم (29)** [به آنان خطاب می شود] **پس بچشيد که بر شما جز عذابي نخواهيم افزود (30)**

**البته براي اهل تقوا نجات و پيروزيي هست (31) بوستانهاي مستقل و تاک ها (32) و دخترکان نورسيده همسال (33) و جامهائي پر از نوشابه (34)** (و) **در آن نه بيهوده اي ميشنوند و نه دروغي (35)** [به آنان خطاب می شود این] **جزائي است از جانب پروردگارت که عطائي از روي حساب است (36)** {پروردگارآسمانها وزمين وآنچه بين آنهاست ، {{که رحمان است }}هيچکس از جانب او اجازه خطابي ندارد} (37)

**روزي که ملائکه و روح به صف ايستاده باشند ، کسي سخني نمي گويد مگر آنکه خداي رحمان اجازه اش دهد و او هم سخن درست گويد (38) آن روز ، روز حق است . پس چه کسي مي خواهد بسوي پروردگارش بازگشتگاهي بجويد؟ (39)** {[در آن روز به مجرمان خطاب شود] ما شما را نسبت به عذابي نزديک هشدار داده بوديم } **روزي که شخص به آنچه از پيش فرستاده مي نگرد و کافر مي گويد اي کاش خاک بودم (40)**

**سوره طور**

|  |
| --- |
| **درس: افکار بي پايه اي را که به عذاب مي رساند رها کنيد و بهشت و زندگي جاويد را انتخاب نماييد.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**قسم به كوه طور ، (1) و به کتابي نوشته شده ، (2)** {در ورقي قابل باز شدن} (3) **و قسم به آن خانه آباد (4) و آن سقف بلند ، (5) و به آن درياي سرشار، (6) که البته عذاب پروردگارت واقع شدني است (7)**{و هيچ چيز جلوگيرش نيست } (8)

**روزي که آسمان به حرکت درآيد (9) و کوهها راه بيفتند (10) پس واي در آن روز بر تکذيب گران (11)**{همانهائی که به بگو مگوي باطل به بازی مشغول مي شوند }(12) **روزي که آنان را با شدت بسوي جهنم پرت کنند (13)**[به آنان خطاب می شود] **اين است آن آتشي که تکذيبش ميکرديد (14)** { آيا اين جادوست يا شما بصيرت نداريد؟ }(15) **وارد آن شويد . اينک چه صبر کنيد چه نکنيد يكسان است . جز اين نيست که جزاي عملتان را مي­بينيد (16)**

**تقوا پيشگان البته در بهشتها و نعمتها خواهند بود (17) و از آنچه پروردگار شان داده لذت مي برند و او از آن عذاب سوزنده حفظشان خواهد نمود (18)** {[به آنان خطاب می شود] **بخوريد و بنوشيد که گوارايتان باد بسبب آنچه انجام داده ايد (19) بر مبل هاي بهم پيوسته تکيه ميدهند و آنان را با حوري ها تزويج کرده ايم (20) کساني که ايمان آورده و فرزندانشان نيز در ايمان به آنان ملحق شده اند ، آنها را نيز به آنان ملحق مي نمائيم و چيزي هم از پاداششان کم نميکنيم**{هر کس در گرو چيزيست که کسب کرده} **(21) و ميوه جات و گوشت پي در پي در اختيارشان ميگذاريم (22) ظرف هاي نوشابه اي را که نه حاوي لغو و نه گناه است از يکديگر مي ربايند (23) و غلامانشان که گويي مانند جواهر دست نخورده هستند دُوروبرشان میگردند (24) بعضي از آنها به بعضي ديگر روي آورده و از يکديگر پرسش مي کنند (25) ميگويند ما قبلأ در ميان اهل خويش نگران بوديم (26) پس خداوند بر ما منت گذاشت و از عذاب سوزنده حفظمان کرد (27) ما پيشتر هم او را مي خوانديم و او البته نيکوکار مهربان است (28)**

**پس به تذکر دادن خويش ادامه بده که تو به نعمت پروردگارت نه کاهن و نه مجنون هستي (29)** {يا اينکه ميگويند شاعري است که چشم براه مرگش هستيم (30) بگو چشم براه باشيد که من نيز همراه شما از چشم براهان هستم }(31) {{شايد آرزوهايشان به چنين چيزهايي وادارشان ميکند يا قومي طغيان پيشه­اند }}(32) {يا اينکه ميگويند دروغ مي بندد (نه) بلکه ايمان ندارند} (33) {{پس بايد سخني مانند آن بياورند اگر راستگو هستند}} (34) {يا از چيزي غير از جنس ساير مخلوقات خلق شده اند يا خودشان خالقند}(35) {يا آسمانها و زمين را اينها خلق کرده اند (نه) بلکه يقين ندارند} (36) {يا انبارهاي پروردگارت نزد آنهاست يا اينکه (برخداوند نيز) غالبند} (37) {يا نردباني دارند که در آن استماع مي کنند در اينصورت بايد شنوده خود را با دليلي آشکار بياورند} (38) {{آيا دختران مال او و پسران مال شماست؟ }}(39) {يا اينکه مزدي از آنان خواسته اي و از غرامتش سنگين بار شده اند} (40) {يا (علم) غيب نزد آنان است و آنها از روي آن مينويسند}(41) {يا قصد توطئه اي دارند که در اينصورت توطئه شان عليه خود آنان واقع خواهد شد} (42) {يا معبودي غير از خداوند دارند که خداوند منزه است از آنچه با او شريک ميکنند}(43) **و اگر قطعه فشرده اي از آسمان را هم که سقوط ميكند ببينند** (باز هم از روی لجبازی) **ميگويند ابر فشرده ايست (44)**

**پس آنها را به حال خودشان واگذار تا به آن روزي برسند که صاعقه زده خواهند شد (45)** { روزي که توطئه هاي آنها دردي دوا نخواهد کرد و ياوري هم نخواهند داشت (46) و البته ظالمان عذابي غير از آن نيز خواهند داشت وليکن اکثرشان نميدانند }(47) **پس به حکم پروردگارت صبر کن ، که البته تو را در نظر داريم و به هنگام بپا خاستن** (در نماز) **به ستايش پروردگارت تسبيح گوي (48) و قسمتي از شب را ، و نيز هنگام رفتن ستارگان ، تسبيح گوي (49)**

**سوره واقعه**

|  |
| --- |
| **درس: اي انسان! غرق در نعمت هاي الهي هستي. از غفلت درآي و طوري زندگي کن که سرانجام بهشتي داشته باشي.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**هنگامي که آن واقعه واقع شود (1)** {که وقوع آن دروغ نيست (2) پايين آورنده بالا برنده (است)} (3) **هنگامي که زمين به شدت بلرزد (4) و کوهها بسختي خرد شوند (5) و مانند غباري پراکنده گردند (6) و شما سه گروه خواهيد بود (7) گروه خجسته گان** {که چه گروهي هم خواهند بود} (8) **و گروه نا خجستگان** {که آنها هم چه گروهي خواهند بود} (9) **و سبقت گيران پيشتاز** (10) {که آنها همان مقربانند} (11)

**كه** (مقربان) **در بهشتهاي پر نعمت خواهند بود (12)** (که) **گروهي از** (امت هاي) **اوليه (13) و تعداد کمي هم از بعدي ها (ميباشند) (14)** {بر مبل هائي گوهر نشان (15) در مقابل يکديگر تکيه زده­اند (16) دور و بر آنها پسراني که همواره بر همان حال خواهند ماند (به خدمت) ميچرخند (17) با فنجانها و پارچ ها و کاسه اي از نوشابه اي جاري (18) كه از آن نه سردرد و نه مستي ميگيرند (19) و ميوه اي که انتخاب ميکنند (20) و گوشت پرندگاني که دلخواهشان باشد (21) و حورياني درشت چشم (22) که مانند مرواريدِ پوشيده هستند} (23) **كه پاداشي است بسبب آنچه انجام داده اند (24)** {در آنجا نه بيهوده اي و نه گنــاهي مي­شنوند (25) مگر گفته (ای که معنی) سلام و سلامت (میدهد)}(26)

**و گروه خجستگان ، چه خجستگاني! (27)**  {در (سايه) سدري بي خار (28) و موزي با ميوه هاي روي هم چيده (29) و سايه گسترده (30) و آبي ريزان (31) و ميوه فراوان (32) که نه تمام ميشود و نه ممنوع است (33) وزناني بلند مرتبه (34) که آنها را بخوبي بوجود آورديم (35) و با کره قرارشان داديم (36) و شوهر دوست و همسال نموديم (37) براي گروه خجستگان} (38) **که گروهي از آنان از اقوام اوليه هستند (39) و گروهي از آنها از اقوام بعدي** (میباشند) **(40)**

**وگروه ناخجستگان ، چه گروه ناخجسته اي ! (41)**  {در آتشبادي و آبي جوشان (42) و سايه اي از دود سياه (43) که نه خنک است و نه فايده دارد} (44) **آنها قبلا ناز پرورده بودند (45) و برآن گناه بزرگ اصرار مينمودند (46) و ميگفتند پس از اينکه مرديم و خاک و استخوان شديم برانگيخته ميشويم؟ (47) همچنين نياكانمان؟ (48) بگو** (فرق نميکند) **چه اوليه ها و چه بعدي ها (49) حتمأ همگي در وعده گاه روزي معلوم جمع خواهند شد (50)** {و شما اي گمراهان تکذيب گر (51) حتمأ از درختي از زقوّم خواهيد خورد (52) و شکمهايتان را از آن پر خواهيد کرد (53) و سپس روي آن از آب جوشان خواهيد نوشيد (54) چنان مي نوشيد كه گويي شتران تشنه باشيد(55) اين پذيرايي اوليهء ورودشان در روز قيامت است} (56)

**این ما بودیم که شما را آفريديم پس چرا** (عملا) **تصديق نميکنيد؟ (57)**

**آيا چيزي را** (که در رحم ها) **ميريزيد ديده­ايد؟ (58) شما مي آفرينيدش يا ما خالق آن هستيم؟ (59)** {ما مرگ را ميان شما مقدر نموديم و از ما پيشي نخواهيد گرفت (60) که همانندان شما را جايگزينتان كنيم و شما را در قالب آنچه نمی دانید در بياوريم }(61) **و البته شما آفرينش قبلي را ديده ايد پس چرا پند نميگيريد؟ (62)**

**درباره چیزی که ميکاريد چه می اندیشید؟ (63) آيا شما زارع** (واقعي) **آن هستيد يا مائيم؟ (64)** {اگر بخواهيم ميتوانيم آنرا بوته خشکي کنيم و در نتیجه مشغول حسرت خوردن شويد (65) که عجب ضرري کرديم (66) (نه) بلکه محروم شديم }(67)

**آيا آن آبي را که مي آشاميد ديده ايد؟ (68) آيا شما از ابر نازلش کرده ايد يا ما نازلش مي کنيم؟ (69)** {اگر ميخواستيم آنرا تلخاب مي كرديم ، پس چرا شکر نمي­کنيد؟ }(70)

**آيا آتشي را که مي افروزيد ديده ايد؟(71) شما درختش را ايجاد کرده ايد يا ما موجد آن بوده ايم؟(72)** { ما آن را مايه پند گيري و دستگيري و کمک (به زندگی بی­رونق) قرار داديم }(73)

**پس بنام پروردگار بزرگت تسبيح گوي (74)**

**پس قسم نميخورم به محل هاي ستارگان! (75)** {واين ، اگر بدانيد ، قسمي بزرگ است! }(76) **که آن** (قرآن) **البته خواندنيي است گرامي (77)** {در کتابي فرو پوشيده (78) که جز پاک شدگان با آن تماس ندارند }(79) **فرو فرستاده ايست از جانب پروردگار جهانيان (80)**

**آيا ، پس ، اين سخنان را سرسري ميگيريد؟ (81)** {و بهره خود را اين قرار داده ايد که تکذيب کنيد؟ }(82) **پس وقتيکه که** (جان) **به گلوگاه ميرسد (83)** {و شما در آن هنگام نظاره ميکنيد (84) و ما به شما از او نزديکتريم وليکن نمي بينيد (85) پس اگر تحت سلطه قوانين خدائي نيستيد }(86) **آن** (مرگ) **را برگردانيد اگر راست ميگوييد (87)**

**پس اگر** (محتضر) **از مقربان باشد (88) راحتي و بوی خوش و بهشت پر نعمت خواهد داشت (89) و اما اگر از خجستگان باشد (90)** (به او گفته ميشود) **سلام بر تو باد از سوي خجستگان (91) و اما اگر جزء تکذيب گران گمراه باشد (92) در اينصورت يک پيشکشي از آب جوشان متعفن ، (93) و افتادني در آتش خواهد داشت (94)**

**البته اين همان حق يقين است (95) پس نام پروردگار عظيمت را تسبيح کن (96)**

**سوره رحمان**

|  |
| --- |
| **درس: يادآوري گوشه هايي از نعمات عام الهي اعم از دنيوي و اخروي، براي جن و انسان.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**آن (خدوندِ) داراي رحمت عام (1)** {قرآن را آموخت (2) انسان را آفريد (3) بيان را به او آموخت }(4)

**خورشيد و ماه به حساب اند (5) و ستاره و درخت سجده ميکنند (6) و آسمان را برافراشت و ترازو را قرار داد (7)** {که در ترازو تجاوز نکنيد (8) و وزن را به عدالت برپا داريد و در ترازو کم ندهيد }(9) **و زمين را براي آفريدگان قرار داد (10)** {که در آن ميوه است ونخل (با خوشه هاي) غلاف دار (11) و دانه برگ دار و گياه خوش بو }(12) {پس شما دوتا کدام يک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟}(13)

**انسان را از لايه خشکيده اي چون سفال آفريد (14) و جنّ را هم از شعله اي از آتش آفريد (15**) {پس شما دو تا کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟} (16)

**پروردگار دو مشرق و دو مغرب (17)** {پس شما دو تا کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟ }(18)

**دو درياي بهم رسيده را بهم آميخت (19) بين آنها برزخي هست که به يکديگر تجاوز نکنند (20)** {پس شما دو تا کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟ }(21) **از هر دو آنها مرواريد و مرجان بيرون مي آيد (22)**  {پس شما دو تا کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟ }(23) **و حرکت کنندگانِ بزرگِ ساخته شده كه چون كوهها در دريا روانند از آن اوست (24)** {پس شما دو تا کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب مي کنيد؟ }(25)

**هر چه بر آن است فاني ميشود (26) و وجه پروردگارت که صا حبِ شكوه و بخشندگی است باقي ميماند (27)** {پس شما دو تا کداميک از نعمتها ي پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟ }(28)

**هر که در آسمانها و زمين است از او درخواستي دارند . او در هر زمانی در کاريست (29)** {پس شما دو تا کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب مي کنيد؟ }(30)

**بزودي به شما خواهم پرداخت اي دو گرانقدر (31)** {پس شما دو گروه کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب مي کنيد؟} (32) { اي جماعت جن و انس! اگر توانستيد از کرانه هاي آسمان ها و زمين بدر رويد ، اين کار را بکنيد. اما نخواهيد توانست مگر با نيرو (33) پس شما دو گروه کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب مي کنيد؟ }(34)

**آتشي بدون دود و آتشي داراي دود بسوي شما فرستاده ميشود و توان ياري يکديگر را نداريد (35)** {پس شما دو گروه کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب مي کنيد؟ }(36) **پس وقتي که آسمان شکافته شود مانند چرمي سرخ رنگ سرخ ميگردد (37)** {پس شما دو گروه کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب مي کنيد؟ }(38) **پس در آن روز نه جن و نه انس درباره گناهش پرسش نميشود (39)**  {پس شما دو گروه کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب مي کنيد؟ }(40) **مجرمان از روي علامتهايشان شناخته ميشوند و از پيشاني ها و پاها گرفته ميشوند (41)**{پس شما دو گروه کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب مي کنيد؟ }(42)

[در آن روز ندا داده میشود که] **اين جهنمي است که مجرمان تکذيبش ميکردند (43) که بين آن و بين آبي جوشان در تردد اند (44)** {پس شما دو تا کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب مي کنيد؟ }(45)

**و کسي که بيم ايستادن در پيشگاه پروردگارش را داشته باشد دو بهشت خواهد داشت (46)** {پس شما دو گروه کدام نعمت پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟}(47)  **که** (درختان آنها) **پرشاخ و برگند (48)** {پس شما دو گروه کدام نعمت پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟}(49) **در آندو دو چشمه جاريست (50)**  {پس شما دو گروه کدام نعمت پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟}(51) **در آندو** **از هر ميوه اي چند گونه است (52)** {پس شما دو گروه کدام نعمت پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟}(53) **بر فرشهائي که آسترش از ابريشم است تكيه ميزنند و ميوه هاي آن دو بهشت در دسترس است (54)** {پس شما دو گروه کدام نعمت پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟}(55) **در آنجا زناني هستند که فقط به شوهرشان نظر دارند و قبلا دست جن و انسي به آنها نرسيده (56)** {پس شما دو گروه کدام نعمت پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟}(57) **گوئي که ياقوت و مرجان هستند (58)** {پس شما دو گروه کدام نعمت پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟}(59)**آيا پاداش احسان جز احسان است؟(60)** {پس شما دو گروه کدام نعمت پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟}(61)

**و**(سطحِ) **پائين تر از آندو ، دو بهشت ديگر است (62)** {پس شما دو گروه کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟} (63) **از زيادي سبز بودن بنظر سياه مي آيند (64)** {پس شما دو گروه کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟} (65) **در آنها دو چشمه است که فواره ميزنند (66)** {پس شما دو گروه کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟ }(67) **در آنها ميوه و نخل و انار است (68)**  {پس شما دو گروه کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟} (69) **در آنها زناني خوشرو و نيکوست (70)** {پس شما دو گروه کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟} (71) (که) **حورياني پرده نشين در خيمه هایند (72)** {پس شما دو گروه کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟} (73) **كه قبلا دست هيچ انسان و جني به آنها نرسيده است (74)** {پس شما دو گروه کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟} (75) **بر بالشهاي سبز رنگ ابريشمي** (و) **فرشهاي ديباي رنگارنگ تکيه ميزنند (76)**  {پس شما دو گروه کداميک از نعمتهاي پروردگارتان را تکذيب ميکنيد؟} (77)

**پر برکت است نام پروردگارت که شكوهمند و گرامي است (78)**

**سوره دهر (انسان)**

|  |
| --- |
| **درس: تشويق به اتصاف به صفات نيکو.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**آيا** (اينطور نيست که) **برهه اي از زمانی طولانی بر انسان گذشته ، در حاليکه او چيز مهم قابل ذکري نبود؟ (1) البته انسان را از نطفه اي داراي استعدادهاي مختلف آفريديم ،** {و مي آزمائيمش}، **و او را شنوا و بینا نمودیم (2) البته او را به آن راه هدايت کرديم** (اينکاوست که) **خواه شکر گزار و خواه ناسپاس باشد (3)**

**و ما براي کافران زنجيرها و قيد ها و آتش سوزان تهيه کرده ايم (4) و نيکان از کاسه­اي** (که محتوای آن) **سفيد و خوشبو** (است) **مي نوشند (5) چشمه اي که بندگان خدا از آن مينوشند و آن را** (هر جا که خواهند) **بخوبي روان مي کنند(6)**

(آنها کسانی هستند که) **به نذر وفا مي کنند و از روزي که شر آن فراگير است ترس دارند (7) و خوراك را عليرغم خواستنش به مسکين و يتيم و اسير ميخورانند (8)** {[ میگویند] جز اين نيست که ما شما را بخاطر خدا خوراك ميدهيم و از شما انتظار پاداش و تشکري نداريم (9) ما از پروردگارمان پرواي روزي را داريم که عبوس و سخت است }(10)

**و خداوند شر آن روز را از آنان برطرف و شادابي و خوشحالي نصيبشان ميکند (11)و به خاطر آنچه که بر آن صبر کردند، بهشتي و** (البسه) **حرير پاداششان مي دهد(12) بر تخت ها تکيه زده و در آنجا نه آفتاب داغي و نه سرمائي مي بينند (13) و سايبان ها از نزديک برفرازشان سايه افکنده و ميوه هاي چيدني در دسترسشان(14) و کوزه هاي شيشه گون و فنجان هاي بلورين دور و بر آنها گردانده ميشود (15) بلور هائي از نقره که دقيق اندازه شده است (16) و از کاسه اي نوشانده ميشوند که چاشني آن زنجبيل است (17)** { كه از چشمه اي بنام سلسبيل است }(18) **و دور و بر آنان بچه هائي ميگردند که به همان شکل باقي خواهند ماند ، و وقتيکه به آنان نگاه ميکني تصور ميکني مرواريد پراکنده هستند (19) و چون به آنجا نگاه ميکني نعمتي و پادشاهيي بزرگ مي بيني (20) بر تن آنان جامه هائي سبز از ديبائي نازك و ديبائي ضخيم است ، و دستبندهائي از نقره بر دست دارند و پروردگارشان نوشابه اي پاک به آنان مي نوشاند (21)** [به آنانگفته میشود] **اين جزائي براي شماست و اينك کوشش شما پاداش داده شده است (22)**

**البته خودمان اين قرآن را بخوبي بر تو نازل کرده ايم(23)** {پس تو نيز راجع به حکم پروردگارت صبور باش و از گناهکارانِ ناسپاس آنها پيروي مکن (24) و اسم پروردگارت را صبحگاهان و شامگاهان ياد کن (25) و پاره اي از شب را سجده بگذار و مدتي طولاني به تسبيح او بگذران }(26) **اينان اين** (زندگي) **زودگذر را دوست دارند و آن روز سنگين را كه پشت سرشان است واميگذارند (27)** {البته ما خلقشان کرديم و بنيانشان را محکم نموديم و هر وقت بخواهيم همانندانِ آنان را بجايشان مي آوريم }(28)

**اين يک تذکر است ، پس کيست که بخواهد راهي بسوي پروردگارش در پيش گيرد؟ (29)** {و نخواهید خواست مگر اينکه خداوند بخواهد که خداوند البته داناي فرزانه است }(30) **هر که را خواهد در رحمتش داخل ميکند ، و براي ظالمان عذابي دردناک تهيه نموده است (31)**

**سوره مطففين**

|  |
| --- |
| **درس: برنده نهايي نيکان اند، و مکذب و مجرم و کم فروش که مانند هم اند، بازند اند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**واي بر کم فروشان (1)** {همانها که وقتي براي خويش پيمانه ميگيرند پيمانه را تمام ميگيرند (2) اما وقتي که براي مردم پيمانه ميگيرند يا وزن مي کنند کم ميدهند }(3) **آيا گمان ندارند که حتما برانگيخته خواهند شد؟ (4)** {در روزي بزرگ؟ (5) روزي که مردم در پيشگاه پروردگار جهانيان مي ايستند؟ }(6)

**نه ! كارنامه گناهکاران در سجين است (7)** {و چه ميداني سجين چيست؟ (8) قانوني است نوشته شده }(9) **واي در آن روز برتگذيب گران (10)** {همانها که روز قيامت را تکذيب مي کنند (11) {{و آن را تکذيب نمي کند مگر هر تجاوزگر گناهکاري (12) که وقتي آيات ما بر او خوانده ميشود ميگويد افسانه هاي پيشينيان است}} (13) **نه ! بلکه آنچه ميكرده اند بر دلهاشان زنگار بسته (14) نه ! آنها در آن روز از** (لطف) **پروردگارشان در پرده خواهند بود (15) سپس در جحيم فرو خواهند افتاد (16) سپس به آنها گفته خواهد شد اين است آنچه تکذيبش ميکرديد (17)**

**نه ! كارنامه نيكان در علّيين است (18)** {و چه ميداني که علّيون چيست؟(19) قانوني است نوشته شده (20) که مقربان به آن گواهي ميدهند}(21) **که البته نيكان در نعمت خواهند بود (22)** {بر مبل هاي تزيين شده تکيه زده و مينگرند (23) شادابي نعمتها را در سيمايشان تشخيص مي دهي(24) از نوشابه اي صاف و بدون دُرد که درب آن مهر دارد به آنان مي نوشانند (25) كه مُهر آن مُشک است و اين چيزيست که شايسته است مسابقه دهندگان براي دستيابي به آن مسابقه دهند (26) و تسنيم نيز با آن آميخته است (27) که چشمه ايست که مقربان از آن مي نوشند}(28)

**آنان که مرتکب جرائم ميشدند به مومنان مي خنديدند (29)**  {و وقتيکه از آنان رد ميشدند چشمک ميزدند (30) و وقتيکه بسوي نزديکان خود بر ميگشتند سرخوشی ميکردند (31) و وقتيکه آنها را ميديدند ميگفتندالبته که اينها گمراهند} (32) **و کسي آنها را نگهبان آنان نکرده بود** (که درکار آنها مزاحمت کنند) **(33)**

**اما امروز مومنان به کفار مي خندند (34) بر مبل هاي تزئين شده تکيه زده و مينگرند (35)** (که) **آيا کفار به جزاي کار خويش رسيده اند؟ (36)**

**سوره قيامه**

|  |
| --- |
| **درس: انسان بايد به قيامت و هولناکي آن اهميت دهد و مواظب رفتار خويش باشد.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**قسم نميخورم به روز قيامت (1) و قسم نميخورم به نَفْس بسيار سرزنشگر (2) آيا انسان مي پندارد هرگز استخوانهايش را جمع نخواهيم کرد؟ (3) بله ، ما حتي قادر به پرداختکاري سر انگشتانشان نيز هستيم (4) اما انسان ميخواهد پیشِ رویِ خود را باز کند (5) مي پرسد: قيامت چه وقت خواهد بود؟ (6)**

**وقتي که چشم برق بزند (7) و ماه خسوف کند (8) و ماه و خورشيد جمع شوند (9) انسان در آن روز** (با خویش) **ميگويد آن گريزگاه کجاست؟ (10)** (اما بزودی می فهمد که) **نه! هيچ گريزگاهي نيست (11) در آن روز قرارگاه بسوي پروردگار توست (12) در آن روز به انسان آنچه را که از پيش فرستاده و يا بعدأ فرستاده خبر ميدهند (13)**

**بلکه انسان به خودش بيناست (14) گرچه بهانه هايي بياورد (15)**

{زبانت را براي اينکه آنرا فورأ فرا گيري به تندي حرکت مده (16) جمع کردن آن و خواندنش بر عهده مااست}(17) {{پس وقتي که آنرا ميخوانيم از خواندنش پيروي کن (18) آنگاه بيان آن نيز بر عهده خود مااست }}(19)

**نه! بلکه شما زودگذر را دوست ميداريد (20) و آخرت را واميگذاريد (21) چهره هائي در آن روز شاداب است (22)** {نظر بسوي پروردگارش دارد }(23) **و چهره هائي در آن روز گرفته است (24)** {گمان دارد با اوبه سختي رفتار خواهد شد }(25)

{نه! هنگامي که (جان) به گلوگاه برسد (26) وگفته شود کيست که شفايش دهد (27) و (خودش) گمان کند که هنگام جدايي است (28) و ساق به ساق بپيچد }(29) **در آن روز، کشاندن ، بطرف پروردگار تو است (30)**

**نه تصديق کرد و نه نماز کرد (31)** {وليکن تکذيب کرد و روي برگرداند (32) آنگاه خرامان خرامان بسوي اهل خويش رفت (33) سزاوارت باد و سزاوارت باد (34) باز هم سزاوارت باد و سزاوارت باد }(35)

**آيا انسان مي پندارد او را مهمل واميگذارند؟ (36)** {آيا نطفه اي از مني اي که ريخته ميشود نبود؟ (37) سپس علقه اي شد ، سپس (خداوند) آفريد ، سپس پرداختکاري کرد؟ (38) آنگاه جفتهايي نر و ماده از او پديد آورد؟ }(39) **آيا اين** (خداوند) **قادر نيست مرده را زنده کند؟ (40)**

**سوره انشقاق**

**درس: کافران فکر نکنند برنده اند. مراحلي هست که بايد طي شود، وقتي همه چيز به کمال خويش رسيد معلوم خواهد شد که آنها بازنده اند.**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**وقتي که آسمان بشکافد (1)** {و گوش به فرمان پروردگارش دهد و سزاوارش هم همين است }(2) **و وقتي که زمين کِش بيايد (3) و آنچه را که در آن است بيرون بياندازد و تخليه شود (4)** {و گوش به فرمان پروردگارش دهد و سزاوارش هم همين است }(5)

**هان اي انسان! تو البته با رنج بسوي پروردگارت راه ميسپاري و به لقاي او خواهي رسيد (6)**

**پس ، کسي که نامه اش به دست راست او داده شود ، (7) بزودي با محاسبه اي آسان به حسابش رسيدگي خواهد شد (8)** {و شادمان به سوي اهل خويش باز ميگردد }(9)  **و اما کسي که نامه اش از پشت سرش به او داده شود ، (10) بزودي فريادش بلند خواهد شد(11)**  {و به داخل آتشي سوزان خواهد افتاد (12) البته او قبلأ در ميان اهل خويش شادمان بود (13) گمان ميکرد که هرگز گذارش بسوي ما نمي افتد (14) بله . البته پروردگارش نسبت به او بيناست} ( 15)

**پس ، به شفق قسم نميخورم ، (16) و به شب و آنچه که گرد مي آورد ، (17) و به ماه وقتي که** (نورش) **کامل ميشود (18) که البته شما از طبقي بر طبقي ديگر سوار خواهيد شد (19)**

**پس چه شان است که ايمان نمي اورند؟ (20)**  {و وقتي که قرآن بر آنان خوانده شود سجده نمي کنند؟} (21)  **بلکه کافران تکذيب مي کنند (22)**  {و خداوند به آنچه که در دل پنهان مي کنند داناتر است }(23) **پس به عذابي دردناک مژده شان ده (24)**{مگر آنانکه ايمان آورده و عمل صالح انجام دهند که پاداشي بي منت خواهند داشت }(25)

**سوره ق**

|  |
| --- |
| **درس: کافران چيزي را که تکذيب مي کنند دچارش مي شوند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**قاف و قسم به قرآن با عظمت (1)**

**بلکه تعجب کردند که هشدار دهنده اي از جنس خودشان بسويشان آمد ، و کافران گفتند اين چيز عجيبي است (2)** {آيا وقتيکه مرديم و خاک شديم (باز ميگرديم؟) اين بازگشت بعيد است }(3) **البته ميدانيم زمين چه چيز از آنها کم ميکند و نزد ما کتابي نگهدارنده هست (4)** {بلکه حق را وقتيکه بسويشان آمد تکذيب کردند و در موضوعی سردرگم اند }(5)

**آيا به آسمانِ بالايِ سرِ خود نمي نگرند که چگونه بنايش کرديم و چگونه زينتش داديم و رخنه اي ندارد؟ (6) و زمين که چگونه گسترشش داديم و لنگرها در آن قرار داديم و در آن از هر نوع گياه مسرت بخش جفتي رويانديم؟ (7)**  {تا مايه بصيرت و تذکري براي هر بنده بازگشت کننده اي باشد }(8) **و از آسمان آبي پربرکت فرستاديم و بوسيله آن باغهائي و دانه هائي که درو ميشود رويانديم (9) و نخل هاي بلند بالا که ميوه هاي روي هم دارد (10)** {(تا) روزيي براي بندگان باشد و بوسيله آن سرزمين مرده اي را زنده کرديم} خروج (از اين جهان) نيز چنين است (11)

**پيش از آنان ، قوم نوح و قوم رسّ و قوم ثمود نيز ، تکذيب کرده بودند (12) و قوم عاد و فرعون و قوم لوط (13) و قوم اَيکه و قوم تبّع نيز . همگي شان پيامبران را تکذيب کردند لذا** (آن) **تهديد بر آنان فرود آمد (14) آيا در اثر آفرينش اول خسته شده ايم؟** (نه) **بلکه آنها درباره آفرينش­جديد به شك افتاده­ اند (15)**

**و البته انسان راآفريديم ، و ميدانيم چه چيزي وسوسه اش ميکند ، و نسبت به او از رگ گردنش هم نزديک تريم (16) هنگامي که آن دو دريافت کننده که چپ و راست او نشسته اند** (اعمالش را) **دريافت ميکنند (17) هيچ گفتاري را به لفظ نمي آورد مگر اينکه نزد او مراقب آماده اي هست (18) و البته سستی مرگ به او ميرسد . اين است آنچه از آن ميگريختي (19)**

**و در آن شيپور دميده ميشود ،** [خطاب میشود] **اين همان روزیست که به آن هشدار داده مي شديد (20) و هر کسي كه مي آيد با او يک گواه و يک سوق دهنده هست (21)** [بهاو گفته میشود] **تو البته نسبت به اين غافل بودي اما پرده ات را کنار زديم و امروز چشمت تيز بين است (22) و همراه او ميگويد اين است آنچه نزد من است (23)**

[به ماموران خطاب میشود] **به جهنم بيفکنيد هر نا سپاس ستيزه جو را (24)**  {که جلوگير خير است و بسيار تجاوز گر و شک افکن است (25) همو که براي خدا همتا گرفت . پس او را در عذاب شديد بياندازيدش }(26) [ در این موقع مجرم میگوید خدایا این شخصی که در دنیاهمیشه همراهمبود مرا گمراه کرد اما ] **همراهش ميگويد خدايا من او را به طغيان نيفکندم. ليکن خودش در گمراهيي دور بود (27)** {ميگويد نزد من ستيزه نکنيد زيرا که من پيشاپيش برايتان هشدار دهنده فرستاده بودم (28) سخن در نزد من عوض نميشود و نسبت به بندگان ستمکار نيستم }(29)

**روزي که به جهنم ميگوئيم آيا پر شدي؟ و ميگويد باز هم هست؟ (30) و بهشت بدون اينکه طولي بکشد براي متقيان نزديک آورده ميشود (31)** اين {چيزيست که به هر بازگشت کننده خويشتنداري وعده داده ميشد (32) همانكه نسبت به خداي رحمان در نهان بيمناك بود و قلبي بازگشت كننده آورده است }(33) [به آنان گفته میشود ] **به سلامت واردش شويد. اين روز جاودانگي است (34)** {در آنجا آنچه بخواهند خواهند داشت و نزد ما زيادتي هم هست }(35)

**و چه بسيار نسل هائي که قبل از اينان و سرسخت تر هم بودند که هلاکشان کرديم . آنها به شهرها لشکر کشي ميکردند .** (عاقبت آنها چه شد؟) **آيا هيچ گريزي هست؟ (36)** {البته در اين تذکري هست براي کسي که صاحبدل باشد يا اينکه گوش داده باشد و خودش هم گواه باشد }(37)

**و البته آسمانها و زمين و ما بين آنها را در شش مرحله آفريديم و خستگيي بما نرسيد (38)**

**پس بر آنچه ميگويند صبر کن و پيش از طلوع خورشيد و قبل از غروب به ستايش پروردگارت تسبيح گوي (39) و نيز قسمتي از شب را و همچنين پس از سجده ها (40) و گوش فرادار براي ندا کننده اي که روزي از مکاني نزديک ندا دهد (41)** {روزي که به حق آن فرياد بلند را بشنوند که روز خروج همان است (42) البته ما زنده مي کنيم و ميميرانيم و بازگشت هم بسوي مااست (43) روزي که زمين بسرعت از آنانكه شتابانند ميشکافد. اين گردآوريي است که براي ما آسان است }(44)

**ما به آنچه ميگويند داناتريم و تو نيز برآنها چيره نيستي . لذا آنکس را که نسبت به هشدار بيمناك باشد ، بوسيله قرآن پند ده (45)**

مرحله چهارم

**اولین بازتاب های**

**تکذیب آمیز مخالفان**

**سوره مدثر**

|  |
| --- |
| **درس: نکوهش تکذيب کافرانه و روي گرداني از حق و عناد نسبت به آن.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**اي جامه به خويش پيچيده ! (1) برخيز و هشدار ده (2) و پروردگارت را به بزرگي ياد کن (3) و جامه ات را پاکيزه دار(4) و از پليدي دوري کن (5) و بخشش مکن که بيش بگيري (6) و بخاطر پروردگارت پايداري کن (7)**

**پس وقتي که آن سنج بزرگ زده شود (8) آن روز، روزيست سخت (9)**  {و بر کافران آسان نيست}(10)

**مرا با آنکس که به تنهائي آفريدمش واگذار(11)**  {همانکه برايش ثروتي جاري قرار دادم (12) و پسراني حاضر (به خدمت) (13) و کارها را برايش روبراه کردم (14) باز طمع دارد که زيادتش دهم }(15) **نه ! او نسبت به نشانه هاي ما ستيزه گر است (16)**  {بزودي به او سختي ميرسانيم (17) زيرا که فکر کرد و سنجيد (18) مرگ بر او چگونه سنجيد؟ (19) باز هم مرگ براو چگونه سنجيد؟ (20) آنگاه نظري کرد (21) سپس روي درهم كشيد و ترشروئي كرد (22) وآنگاه رو گرداند و گردنكشي كرد }(23) **و گفت اين** (قرآن) **چيزي جز جادويي که فرا ميگيرد نيست (24) اين چيزي جز گفتار بشر نيست (25) بزودي او را در سقر مي اندازم (26)**

**و چه ميداني سقر چيست؟ (27) باقي نميگذارد و از قلم نمي اندازد (28) پوست را سياه ميکند (29){** نوزده نفر برآنند**}**(30) **{{**و ما ياران آتش را غير از ملائک قرار نداديم**}}** **{{{**و تعداد آنها را هم جز فتنه اي براي کافران ننموديم**}}}** **{{{{**و تا اهل کتاب به يقين رسند و تا مومنان ايمانشان زيادتر شودو اهل كتاب و مومنان شك نكنند و تا اينکه كساني که در دلهاشان مرضي هست و نيز کافران، بگويند خدا از اين مثل چه منظوري داشت؟**}}}}** **{**خداوند چنين روشي دارد که هر که را خواهد گمراه ميکندو هر که را خواهد هدايت ميکند**}** **{**و تعداد سپاهيان پروردگارت را جز او نميداند**} و آن جز پندي براي بشر نيست (31)**

**نه ! قسم به ماه (32) و به شب وقتي که پشت کند (33) و به صبح وقتي که روشن کند (34) که آن ، يکي ازدوچیز مهم است (35)** {هشدار دهنده بشراست} (36) براي هر كدامتان که بخواهد جلو بیفتد يا عقب بماند}(37)

**هر کسي در گرو چيزيست که کسب کرده (38)** {مگر خجستگان(39)که در بهشتهايي، از يكديگر سئوال مي کنند}(40) {{از گناهکاران (41) (که) چه شما را در سقر انداخت؟ (42) گويند از نمازگزاران نبوديم (43) و از آنانکه به مسکين غذا ميدهند نيز نبوديم (44) و با فرو روندگان (در باطل) فرو ميرفتيم (45) و روز قيامت را تکذيب ميکرديم (46) تا اينکه آن يقين به ما رسيد }}(47)

**پس ديگر شفاعت شفيعان سودي به آنها نميرساند (48)** {چه شان است که از آن پند رو گردانند؟ (49) مانند آن است که گورخراني رم كرده باشند (50) که از شير ميگريزند (51) بلکه هر کدامشان ميخواهد صحيفه هائي گشاده (از آسمان) برايشان بيايد }(52) **نه ! بلکه آنان از آخرت نمي ترسند (53)**

**نه ! البته آن پندي است (54)** {پس کيست که خواهد پند گيرد }(55) **و پند نخواهيد گرفت مگر آنکه خداوند بخواهد**{كه او اهل تقوي و اهل مغفرت است }(56)

**سوره نازعات**

|  |
| --- |
| **درس: مردم در موضوع قيامت عمدتاً به تکذيب آن گرايش دارند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**قسم به جدا کنندگان­­­­­­­­­­­­ِ غرق در انجام کار (1) و به نشاط داران ِ پرنشاط (2) و به شناگران خوش شنا (3)** {پس قسم به سبقت جويان پيشتاز} (4) {{پس قسم به كار سازان خوش تدبير }}(5)

**روزي که بلرزد لرزنده (6) كه از پي آن باشد آن مرتب کننده (7) دلهائي در آن روز فرو ميريزد (8) چشمهايشان فرو افتاده است (9)** {ميگويند آيا به وضع اولمان برميگرديم؟ (پس از اینکه در آن) حفره (هستیم)؟ (10) پس از اينکه استخوان هائي پوسيده شديم؟ (11) گويند (اگر اینطور باشد) اين يک بازگشت پر ضرر است }(12) **پس جز يک نهيب نيست (13) آنگاه فورأ در روي زميني هموارند (14)**

**آيا داستان موسي بتو رسيده؟ (15) هنگامي که پروردگارش در آن وادي مقدس طوي ندايش کرد (16) كه بسوي فرعون رو ، که طغيان کرده (17) و بگو آيا ميل داري رشد کني؟ (18) و بسوي پروردگارت راهنمائيت کنم و حرمت گذاري؟ (19) آنگاه معجزه بزرگي به او نشان داد (20) اما** (فرعون) **تکذيب کرد و عصيان ورزيد (21) سپس پشت کرد و بسرعت دوري گزيد (22) آنگاه فرا خواند و ندا در داد (23) و گفت من پروردگار برترتان هستم (24) پس خداوند او را بگرفت . هم به جريمه** (رفتارش در) **اين جهان و هم به جريمه** (انکار) **آخرت (25) البته در اين عبرتي هست براي کسي که حرمت ميگذارد (26)**

**آيا شما از لحاظ آفرينش شديدتريد يا آن آسماني که بنا کرد؟ (27)** {سقف آن را برافراشت و سپس آن را بپرداخت (28) شبش را تاريک کرد و روزش رابر آورد} (29) **و پس از آن ، زمين را گسترد (30)**{ آبش را و چراگاه هايش را درآورد (31) و کوهها را لنگرش نمود} (32){{ براي برخورداري شما و چارپايان تان}} (33)

**پس وقتيکه آن بزرگترین حادثه بيايد (34)** {در آن روز انسان هر چه را که راجع به آن کوشش نموده بياد مي آورد (35) و جهنم براي هر کس که مي بيند به دید آورده ميشود }(36)  **پس ، آنکه طغيان کرده (37)**  {و« زندگي دنيا » را ترجيح داده} (38)  **جحيم جايگاه اوست (39) و اما کسي که از مقام پروردگارش خوف نموده و جلوي خواهش نفس خويش را گرفته (40) بهشت جايگاه اوست (41)**

**از تو درباره «ساعت»** (قيامت) **ميپرسند که وقوع آن کي است؟ (42)** {تو از ذکر بسيار آن (که از تاريخ وقوع آن آگاه شوي) در چه (فکری)هستی؟ (43) (علم) منتهاي آن نزد پروردگارت است (44) جز اين نيست که تو هشدار دهنده کساني هستي که از آن دلواپسي دارند }(45) **روزي که آن را ببينند ، چنين بنظرشان ميرسد که گويي پس از مرگ بيش از شبي يا روزي درنگ نكرده اند (46)**

**سوره نوح**

|  |
| --- |
| **درس: خداوند در عين منعم بودن درمقابل بي توجهي شديد عمومي به دعوت حق عذاب هم نازل مي کند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ما نوح را بسوي قومش فرستاديم که آنان را قبل از اينکه عذابي دردناک بسويشان بيايد هشدارشان ده (1) گفت اي قوم ، من براي شما هشدار دهنده اي آشکارم (2) که خدا را عبادت و از او پروا و مرا اطاعت کنيد (3) تا از بعضي گناهانتان درگذرد و تا سرآمدي معين مهلتتان دهد . زيرا سرآمد خدا وقتي که قرار شود بيايد تأخير نخواهد کرد (4)**

[نوح در ماموریت خویش فعال بود تا اینکه روی به درگاه الهی آورد و] **گفت پروردگارا قومم را شبها و روزها دعوت کردم (5) و دعوتم چيزي جز فرارشان نيفزود (6) و هر وقت که دعوتشان ميکردم که آنان را ببخشي ، انگشتانشان را در گوشهايشان ميکردند و جامه بر سر مي کشيدند و اصرار ميکردند و سخت گردن فرازي مينمودند (7) آنگاه آنها را با صداي بلند دعوت مينمودم (8) سپس دعوت خود را هم آشکارا و هم بسيار پنهاني انجام ميدادم (9) و ميگفتم از پروردگارتان بخشش بخواهيد زيرا که او بسيار بخشنده است (10)**

(همان خداوندی) **كه** (آب) **آسمان را بصورت ريزش پيايي بسويتان ميفرستد (11) و شما را به اموال و فرزندان ياري ميدهد و برايتان باغها و نهرها قرار ميدهد (12)** {چه تان شده که به خدا اهميتي نميدهيد؟ (13) در حاليکه شما را درچند مرحله آفريده است} (14) **نمي بينيد که خدا چگونه هفت آسمان را بصورت طبقه طبقه آفريده؟ (15) و در ميان آنها ماه را روشنائيي و خورشيد را چراغي قرار داده؟ (16) و خدا شما را از زمين به چه خوبي رويانده (17) آنگاه باز هم شما را به آن برميگرداند و** (باز هم) **به چه شگفت انگيزي خارجتان ميکند (18) و خدا زمين را براي شما فرشي قرار داد (19) تا در آن در جاده هائي هموار و کوهستاني به راه هاي خويش برويد (20)**

**نوح** [بازهم پس از مدتی دیگر] **گفت پروردگارا آنها نافرمانيم کردند و از کسي پيروي کردند که مال و فرزندش جز خسارتش نيفزود (21) و توطئه اي بسيار بزرگ کردند (22) و گفتند مبادا خدايانتان را واگذاريد و مبادا «ودّ» و «سواع» و «يغوث» و «يعوق» و «نسر» را واگذاريد (23) و بسياري را گمراه کردند و ظالمان را جز گمراهي ميفزاي(24)**

**بسبب خطاهايشان به غرقاب ، و سپس به داخل آتش رانده شدند ، و براي خويش در مقابل خداوند ياوري نيافتند (25)**

**نوح گفت پروردگارا در روي آن زمين ، از کافران هيچيک را وا مگذار (26)** {که اگر آنان را واگذاري بندگانت را گمراه خواهند کرد و جز گناهکار کفران پيشه اي نخواهند زائيد }(27) **پروردگارا مرا و نيز والدينم را و هر مومني را که به خانه ام در آيد ، و نيز ساير مومنان را ، ببخش ، و ظالمان را جز تباهي ميفزاي (28)**

**سوره قمر**

|  |
| --- |
| **درس: ضديت فعالانه با حق، سبب نابودي در دنيا و عذاب آخرت است.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ساعت** (قيامت) **نزديك شد و ماه بشکافت (1) و اگر هر نشانه اي را هم ببينند رو برمي گردانند و مي گويند جادويي هميشگي است (2) و تكذيب كرده و از خواهشهاي نفساني خود پيروي كردند** {(ولي) هر امري (که از جانب خداوند مقرر شود) پابرجا خواهد شد}  **(3) و از اخبار، آنقدر كه هشدار** (كافي) **داشته باشد بسويشان آمده (4)** (و نیز) **حكمت هاي رسا . اما هشدارها** (برای آنان) **فایده ای ندارد (5)**

**پس روي از آنان بگردان .** (تا آن) **روزي كه آن دعوت كننده به سوي چيزي نا خوشایند دعوتشان كند (6)**  {در حاليكه چشمهاشان پايين افتاده ، از گورها در مي آيند گويي كه ملخ هاي پراكنده اند (7) به طرف دعوت كننده مي شتابند} **كافر در آن روز مي­گويد چه روز سختي است (8)**

**قبل از آنان قوم نوح تكذيب كردند. بنده مان را تكذيب كردند و گفتند مجنوني است ، وباتوهین رانده شد (9) و خدايش را خواند كه من مغلوبم ياري برسان (10) پس دربهاي آسمان را با آبي سيل آسا گشوديم (11) واز زمين چشمه هايي جوشان شكافتيم و اين** (دو) **آب براي امري كه مقدر شده بود به هم رسيدند (12) و او را بر چيزي كه تخته و ميخ داشت حمل كرديم (13) كه زير نظر ما حركت مي كرد و پاداشي بود براي كسي كه نسبت به او ناشكري شده بود (14) و البته آن** (کشتی) **را بعنوان نشانه اي بجا گذاشتيم ، آيا پند پذيري هست؟ (15) پس عذاب ها و هشدارهايم چگونه بود؟ (16) و البته قرآن را براي پند گيري آسان قرار داديم آيا پند پذيري هست؟ (17)**

**قوم عاد نيز تكذيب كردند پس عذاب و هشدارهايم چگونه بود؟ (18) بر آنها بادي بسيار سردِ دنباله دار در مدتی شوم فرستاديم (19) كه مردم را مانند نخلي که از ريشه درآمده باشد از زمين ميكَند (20) پس عذاب و هشدارهايم چگونه بود؟ (21) و البته قرآن را براي پند ، آسان قرار داديم پس آيا پند پذيري هست؟ (22)**

**قوم ثمود نيز تكذيب كردند (23) گفتند آيا از كسي كه بين ما و تنهاست پيروي كنيم؟ در آنصورت در گمراهي و سردرگمي خواهيم بود (24) آيا از بين همه ما آن پند فقط به او القاء شده؟** (نه) **بلكه او دروغگوئي جاه طلب است (25)**  {[به پیامبرشان وحی شد] بزودي فردايش خواهند دانست آن دروغگوي جاه طلب كيست} (26) {ما آن شتر را بعنوان آزمايش برايشان ميفرستيم پس منتظر باش و صبر كن (27) و به آنان خبر ده كه آب بين آنان و شتر تقسيم است . هر روز صاحب قسمت – برای آب - حاضر شود} (28) **پس همنشين خود را صدا زدند و او دست بكار شد و** (آن شتر را) **كشت (29) پس عذاب و هشدارهايم چگونه بود؟ (30) يك فرياد بلند بر آنان فرستاديم و آنها مانند چوب خشك هاي جمع آوري شده گرديدند (31) و البته قرآن را براي پند آسان نموديم آيا پندپذيري هست؟ (32)**

**قوم لوط نيز هشدارها را تكذيب كردند (33) بر آنها بادي سنگدار فرستاديم .** {غيراز پيروان لوط كه سحرگاهان نجاتشان داديم (34) كه اين نعمتي از جانب ما بود.كساني را كه شكر كنند چنين پاداش مي دهيم}(35) **البته** (پیامبرشان) **به آنان در باره کیفرِ سختِ ما هشدار داده بود اما آنها به هشدارها با ترديد نگريستنند (36) و مهمانان او را براي كار زشت خواستند . پس چشمهاشان را كور كرديم و** [گفتيم فعلا مقدمه] **عذاب و هشدارهايم را بچشيد (37) و صبحگاهان عذابِ پا برجا رسيد (38)** [خطاب کردیم] **اينك عذاب و هشدارهايم را بچشيد (39) و البته قرآن را براي پند آسان كرديم. آيا پند پذيري هست؟ (40)**

**و البته هشدار به پیروان فرعون نيز رسيد (41) آنها همه آيات ما را تكذيب كردند . پس آنها را به** (طرز) **گرفتنِ پيروزمندي توانا بگرفتيم (42)**

**آيا كفار شما بهتر از آنان هستند يا براي شما در كتب آسماني امان نامه اي مقرر شده؟ (43) شايد ميگويند ما گروهي مددكار يكديگر و انتقام جو هستيم (44)** {بزودي اين گروه پاشيده ميشود و پشت خواهند كرد }(45) **بلكه موعدشان قیامت است وآن مهم تر و تلخ تر است (46)** {مجرمان در گمراهي و آتش هاي افروخته اند (47) روزي كه با رخسارها بسوي آتش كشيده شوند ، [و در این حال به آنها گفته میشود] حرارت و عذاب سقر را بچشيد }(48)

**البته هر چيزي را به اندازه آفريده ايم (49) و فرمان ما جز يكي نيست ، و مانند پلك زدن** (فوری) **است (50) و البته امثال شما را هلاك كرديم . آيا پند پذيري هست؟ (51)**  {و هر چه كردند در كتابها هست (52) و تمام ريز و درشتش نوشته شده} (53) **البته تقوا پيشگان در بهشتها و نهرها هستند (54)**  {در جايگاهي درست، نزد فرمانروائي قدرتمند}(55)

**سوره فيل**

|  |
| --- |
| **درس: ذکر يک قدرت نمايي خداوندي در جهت حفظ کيان دين.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**آيا نديدي پروردگارت با دارندگان فيل ها چه كرد؟ (1)**  **{**آيا توطئه شان را نگرداند؟**}** (2) **{{**و پرندگاني گروه گروه را بر آنها نفرستاد؟**}}** (3) **{{{**كه سنگريزه هائي از سنگ- گل برآنان مي انداختند؟ (4) كه آنان را مانند علف جويده شده نمود؟**}}}** (5)

**سوره بروج**

|  |
| --- |
| **درس: جباران در اثر عدم توجه به صفات خداوندي مرتکب جنايات هولناک مي شوند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**قسم به آسمان که داراي برج هاست (1) و قسم به روز موعود (2) و قسم به گواهي دهنده و گواهي شونده (3) کشته باد آتش افروزان آن گودال پر آتش (4)** {آتشي که داراي هيزم است} (5) {{هنگامي که آنان بر آن نشسته بودند (6) و شاهد چيزي بودند که با مومنين انجام ميشد}} (7) {{{و هيچ چيز بدي از آنهاسراغ نداشتند مگراينکه به خداي قدرتمند ستوده ايمان آورده بودند}}} (8) {{{{خدايي که فرمانروائي آسمانها و زمين از اوست و او بر هر چيزي گواه است }}}}(9)

**کساني که مومنان را شکنجه ميکنند و سپس توبه نميکنند البته عذاب جهنم و عذاب آتش خواهند داشت (10) آنان که ايمان آورده و عمل صالح انجام ميدهند حتمأ باغهايي خواهند داشت که نهرها در آن جاريست و اين پيروزيي بزرگ است (11)**

**البته گرفتن پروردگار تو شديد است (12) اوست كه آغاز و اعاده ميکند (13) و او آمرزشگر پر محبت است (14) صاحبِ عرشِ با عظمت است (15) انجام دهنده هر چيزي است که بخواهد (16)**

{آيا خبر آن لشکريان به تو رسيد؟ (17) فرعون و ثمود؟ }(18) **بلکه کافران در تکذيبي هستند (19) و خداوند از همه سو بر آنها احاطه دارد (20)**

**بلکه آن خواندنيي است با عظمت (21) در لوحي** (است که آن لوح) **محفوظ است (22)**

**سوره تبّت (مسد)**

|  |
| --- |
| **درس: ابولهب نه تنها موفق نشد بلکه هم ضرر دنيايي کرد و هم ضرر آخرتي** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**زيانکار شد دستان ابولهب و** (باز هم) **زيانکار شد (1)**  {ثروتش و آنچه کسب کرده بود به دردش نخورد }(2)  **بزودي آتشي را مي چشد که زبانه دار است (3)** {و همسرش نيز بارکش هيزم آن است (4) ريسماني از ليف خرما در گردنش است }(5)

**سوره معارج**

|  |
| --- |
| **درس: تشويق مردم به قدم گذاشتن در راه نيکي ها و توصيف و الگو سازي رفتار دلپسند و معرفي افکار و رفتار متضاد آن.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**خواهنده اي عذابِ واقع شدني را خواست (1) همان** (عذابي) **كه چيزي بازدارنده آن از كافران نيست (2)** {(عذابی که) از خداوند صاحب پايگاه هاي رفعت بخش (است) (3) {{(كه) ملائكه و روح در روزي كه اندازه اش پنجاه هزار سال است بسوي او بالا مي روند}} (4) {پس به زيبايي صبر كن}(5) **آنها آن را دور مي بينند (6) و ما آن را نزديك مي بينيم (7)**

**روزي كه آسمان مانند فلز گداخته شود (8) و كوهها مانند پشم حلاجي شده گردند (9) و دوست صمیمی حال دوست صمیمی را نپرسد (10)**  (علیرغم اینكه او را) به او نشان ميدهند . مجرم در آن روز آرزو ميكند كاش ميتوانست عذاب آن روز را با فدا كردن فرزندش دفع كند (11) و همسرش و برادرش (12) و فاميل نزديكش كه او را در بين خود جا ميدادند (13) و همگي آنهائي كه در روي زمين زندگي ميكنند ، تا نجات يابد (14) **نه ! آن** (عذاب) **شعله ور است (15) و پوست را مي كَنَد (16) هر كس را كه پشت كرد و** (نسبت به حق) **بي اعتنايي نمود فرا می خواند (17) و**(همچنین هرکس را که مال را) **جمع كرد و ذخيره نمود (18)**

**البته انسان بسيار نا شكيب است (19) وقتي كه شرّي به او برسد بي تاب است (20) و وقتي كه ثروتي به او برسد باز دارنده است (21)**

**مگر نمازگزاران ، (22) كه در نمازشان دائمي هستند ، (23) و در اموالشان حقي معلوم هست ، (24) براي سائل و محروم ،(25) و آنانكه روز قيامت را تصديق ميكنند.،(26) و از عذاب پروردگارشان نگران هستند ، (27)** {زيرا كسي از عذاب پروردگارش ايمن نيست}(28) **و آنانكه اعضاي جنسي خويش را حفظ ميكنند ، (29)** {مگر در رابطه با همسران خويش و آنچه كه مالك آن شده اند كه در اين صورت قابل سرزنش نيستند (30) {{و كسي كه بيش از اين بخواهد از تجاوزگران است}}(31)  **و آنانكه رعايت كننده عهد و امانات خويش مي باشند ، (32) و آنانكه پايبند گواهي هايشان مي باشند ، (33) و آنانكه مواظب نمازهاشان هستند . (34) آنها در بهشتهايي مورد احترام خواهند بود (35)**

**اين كفار چشان است كه پيش روي تو هستند و از تو چشم بر نمي دارند؟ (36) اما از چپ و راسـت در ميروند؟ (37)** {آيا تك تك آنها طمع دارند كه به بهشتي پر نعمت داخل شوند؟ (38) نه! البته خودمان آنها را از چيزي كه ميدانند آفريديم (39) پس به پروردگار مشرق ها و مغرب ها قسم نمي خورم كه توانا هستيم (40) كه بهتر از آنها را جايگزينشان كنيم و كسي از ما جلو نخواهد افتاد } (41) **پس آنها را بحال خودشان واگذار ، كه به باطل فرو روند و بازي كنند تا اينكه به روز موعودشان برسند (42)** {روزي كه با سرعت از قبورشان خارج گشته و همه با سرعت روان شوند كه گوئي به سوي علامت نصب شده اي روانند (43) چشمهاشان فرو افتاده وسرافکندگي آنها را فرا گرفته . اين است روزي كه به آنان وعده داده شده }(44)

**سوره ذاريات**

|  |
| --- |
| **درس: کفار اعم از گذشتگان و معاصر در اثر غلطي فکر به تکذيب حقايق مي پردازند و به نتايج آن نيز دچارند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**قسم به پخش کنندگان كه بخوبي مي پراكنند (1)** {پس قسم به حمل کنندگان، كه بخوبي ميبرند} (2) {{پس قسم به روندگان، كه به آساني مي روند}} (3) {{{پس قسم به تقسيم کنندگان آن كار بزرگ }}}(4) **جز اين نيست که آنچه که به شما وعده داده شده حتما درست است (5)**  {و البته روز قيامت حتمأ واقع خواهد شد} (6)

**قسم به آسمانِ داراي راه هاي مختلف (7) که شما البته عقايد مختلف داريد (8)** {کسي که ازراه (صحیح) بدر شده از آن (طریق) بدر ميشود}(9) **مرگ بر آنان که به تخمين و حدس و گمان** ( راجع به حق) **صحبت مي کنند (10)** {همانها که در گردابی عميق ، اشتباه گرند} (11) {{مي پرسند قيامت چه وقت است؟}} (12) {{{روزي که به آتش مفتون ميشوند (13) [ به آنان گفته میشود : ] فتنه خود را بچشيد. اين همان چيزيست که با عجله ميخواستيد }}}(14)

**البته تقوا پيشگان در بهشتها و چشمه سارانند (15)**  {گيرندگان چيزهائي هستند که پروردگارشان به آنها ميدهد}**آنها قبلأ نيکوکار بودند (16)** {اندکي از شب را ميخوابيدند (17) و در سحر ها استغفار ميکردند (18) و در اموالشان حقي براي سائل و محروم قرار داده بودند }(19)

**و در زمين براي اهل يقين نشانه هائي است (20) و در خودهاتان ، آيا نمي بينيد؟ (21) و روزيِ شما و آنچه به شما وعده داده ميشود در آسمان است (22) پس قسم به پروردگار آسمان و زمين که آن حق است ، همانطور که سخن ميگوئيد(23)**

**آيا داستان مهمانان گرامي ابراهيم بتو رسيده؟ (24) هنگامي که بر او وارد شدند و سلام کردند و او جواب داد : سلام بر شما ناشناسان (25) پس بسوي خانواده اش رفت و گوساله اي فربه آورد (26) و آنرا پيشکش کرد و پرسيد نميخوريد؟ (27) و ترسي از آنها در دل احساس کرد . گفتند نترس و بشارت پسري دانا به او دادند (28) پس همسرش بسوي آنان آمد و** (با شنیدن اینخبر) **به روي خود ميزد و گفت پيرزني عقيم** (بچه دار ميشود)؟ **(29) گفتند پروردگارت چنين گفته که او البته صاحب حکمت و داناست (30)** (ابراهیم) **پرسيد کارتان چيست اي فرستادگان؟ (31) گفتند بسوي قومي از مجرمان فرستاده شده ايم (32) تا بر آنان سنگ هائي از گِل بباريم؟ (33) که نزد پروردگارت براي تجاوز كاران نشاندار شده اند (34)** {آنگاه مومناني را که در آن بودند بيرون آورديم (35) و در آن فقط يک خانه از فرمانبرداران بود (36) و در آن نشانه اي به جا گذاشتيم براي کساني که از عذاب دردناک ميهراسند} (37)

**و درمورد موسي وقتي که او را با دليلي آشکار بسوي فرعون فرستاديم (38) پس روي پاشنه اش چرخيد و گفت ساحري يا ديوانه اي** (است) **(39) و او و سپاهيانش رابگرفتيم و در دريا انداختيم و او سرزنش شده بود (40)**

**و درباره قوم عاد که بر آنها بادی عقيم فرستاديم (41) هيچ چيزي را که بر آن وزيده بود وا نميگذاشت مگر اينکه آنرا مانند خاشاك پوسيده ميکرد (42)**

**و درباره قوم ثمود که به آنان گفته شده بود تا مدتي معين** (با درستی) **زندگي کنيد (43) و آنها از امر پروردگارشان سرپيچيدند و صاعقه گرفتشان و ناظر بودند (44) و نه ميتوانستيد قيامي کنند و نه ياري ميشدند (45)**

**و قوم نوح که قبل از آنها بودند نيز فاسق بودند (46)**

**و آسمان را با نيروئي بنايش کرديم و خودمان هم توسعه دهنده اش هستيم (47) و زمين را فرش کرديم و چه تدارک کننده ای هستیم (48) و هر چيز را جفت آفريديم شايد پند گيريد (49)** {پس بسوي خدا بگريزيد که من از جانب او برايتان هشدار دهنده اي آشکارم (50) و با خدا، پرستش شونده ديگري قرار ندهيد که من از جانب او هشدار دهنده­اي آشکارم }(51)

**چنين است که قبل از اينان هم هيچ رسولي نيامد مگر اينکه گفتند ساحر يا ديوانه است (52)** {آيا يکديگر را به اين کار توصيه ميکردند يا اينکه مردمي طغيانگر بودند؟} (53) **پس ، از آنها روي برگردان كه تو سزاوار سرزنش نيستي (54) و پند ده که پند براي مومنين مفيد است (55)**

**و جن و انس را نيافريدم مگر اينکه عبادتم کنند (56)** {هيچ رزقي از آنها نميخواهم و نميخواهم خوراكم دهند (57) که البته خداوند خودش روزي دهنده نيرومند استوار است }(58)

**پس البته اين ظالمان نيز نتيجه اي مانند نتيجه همانندان** (قبلي) **شان خواهند داشت . پس عجله اي نکنند (59)** {و واي بر کافران از آن روزی که وعده اش را به آنان داده اند} (60)

**سوره جنّ**

|  |
| --- |
| **درس: بيان عقايد صحيح.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**بگو بمن وحي شده که عده اي از جنّ گوش دادند و گفتند ما قرآن عجيبي شنيديم (1) که به سوي رشد هدايت مي کند پس به آن ايمان آورديم و ديگر نسبت به پروردگارمان شرک نخواهيم ورزيد (2) و اينکه پروردگار ما بلند پايه است ، نه همسري و نه فرزندي گرفته است (3) و اينکه آنچه که آن سفيه ما درباره خدا ميگفت بي پايه بود (4) و ما فکر ميکرديم که هرگز هيچ انسان وجنّي بر خدا دروغ نمي بندند (5) و اينکه مرداني از نوع انسان به مرداني از نوع جن پناه مي آوردند ، اما آنان ضرر بيشتري به آنان ميزدند (6) و آنها هم مانند شما گمان ميکردند که خداوند هرگز هيچ کسي را برنمي انگيزد (7)**

**و اينکه ما آسمان را لمس کرديم و دريافتيم که از نگهبانان پرشدت و شهابها پر شده است (8) و اينکه ما عادت داشتيم و در آنجا در محل هائي براي گوش ايستادن مي نشستيم ، اما حالا اگر کسي بخواهد گوش بدهد شهابي را در کمين خويش خواهد يافت (9) و اينکه ما نميدانيم** (علت وقوع اینتغییرات چیست) **آيا براي اهل زمين کژي خواسته شده يا اينکه پروردگارشان برايشان رشدي اراده کرده است (10)**

**و اينکه عده اي از ما صالح هستند و عده اي هم ناصالح ، ما به راه هاي مختلف ميرفتيم (11) و ما چنين مي انديشيم که نميتوانيم خدا را در زمين عاجز نموده و نيز نمي­توانيم از او فرار کنيم (12) و اينکه وقتي** (دعوت) **هدايت را شنيديم به آن ايمان آورديم ، پس هرکس که به پروردگارش ايمان بياورد ، از هيچ نقصاني و ستمي نگراني نداشته باشد (13) و اينکه بعضي از ما مسلم و بعضي ديگر منحرف هستند ،** {پس آنکه مسلم شد در پي رشد يافتن است (14) و منحرفان هيزم جهنم خواهند بود} (15) {{و اگر بر طريقت (حق)استقامت بورزند حتمأ به آنها آبي فراوان (و روزيي وسيع) ميدهيم (16) تا در آن امتحانشان کنيم و هر کس که از ياد پروردگارش روي گرداند ، او را به عذابي فزاینده مي کشاند}} (17) {{{و اينکه مساجد از آن خداست پس همراه با خدا کسي را مخوانيد}}} (18) **و اينکه وقتي بنده خدا برخاست تا او را بخواند ، نزديک بود بر سر او بريزند (19)**

**بگو جز اين نيست که پروردگارم را ميخوانم و هيچکس را شريک او قرار نميدهم (20) بگو من براي شما مالک هيچ ضرر و رشدي نيستم (21) بگو هيچ چيزي نيست که بتواند مرا د رمقابل خدا پناه دهد و من هرگز پناهگهي جز او نخواهم يافت (22)** {مگر پيامي از جانب خداوند و رسالت او} {{و هر کس که خدا و رسولش را نافرماني کند آتش جهنم را خواهد داشت که در آن جاودان خواهد بود (23) تا اينکه آنچه را که راجع به آن بيم داده ميشدند ببينند و بزودي خواهند فهميد که ياران کداميک ضعيف تر و کمتر است}}**(24) بگو نميدانم آنچه که راجع به آن بيم داده ميشويد نزديک است يا اينکه پروردگارم براي آن مهلتي معين نموده (25)** {داناي پنهان هاست و هيچکس را بر غيب خويش مطلع نخواهد کرد} (26) {{غير ا ز رسولاني که آنها را پسنديده باشد و با اين حال از پيش رو و نيز از پشت سر آنها مراقب هائي ميگمارد (27) تا معلوم کند که آنها حتمأ رسالت هاي پروردگارشان را رسانده اند و بر آنها احاطه دارد و همه چيز را به عدد مي شمارد}} (28)

**سوره کوثر**

|  |
| --- |
| **درس: نعمت بزرگ بايد با عبادت شايسته پاسخ داده شود.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**البته آن خير کثير را بتو داده ايم (1)** {پس براي پروردگارت نماز بگذار و قرباني کن }(2) **البته عيب گوي تو خودش بي دنباله است (3)**

مرحله پنجم

**پر رنگ شدن تکذیب ها**

**و**

**ورود به فاز لجبازی و عناد**

**سوره دخان**

|  |
| --- |
| **درس: نکوهش کافران گذشته و معاصر که عليرغم نعمات الهي و حکمت آفرينش جهان به گردنکشي و لجبازي دچارند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم (1) و قسم به آن کتاب روشنگر (2) البته ما آنرا در شبي پر برکت فرو فرستاديم که همواره هشدار دهنده بوده ايم (3)** {در آن (شب) هر امر مجملي تفريق (و تقدير) ميگردد} (4) {{امري از جانب ما که همواره فرستنده بوده ايم}} (5) {{{به رحمتي از جانب پروردگارت زيرا که او شنواي دانا ست }}}(6) {{{{پروردگار آسمانها و زمين و بين آندو}}}} **، اگر يقين داشته باشيد (7) خدائي جز او نيست . زنده ميکند و ميميراند . که پروردگارتان و پروردگار نياكانتان است (8)**

**بلکه در شکّي هستند ، و مشغول بازي ميباشند (9)**  {پس تو نيز چشم براه روزي باش که آسمان دود آشکاري بياورد} (10) {{که مردم را فرا گيرد که اين عذابي دردناک است}} (11) [می گویند] پرودگارا عذاب را از ما کنار بزن که ما ايمان آورديم (12) {چطور ميتوانند پند گرفته باشند در حاليکه قبلا فرستاده اي آشكار بسويشان آمده بود (13) اما روي برگرداندند و گفتند ديوانه ايست که (اين چيزها را) يادش ميدهند} (14) [به آنها گفته میشود : روش ما این است که] البته آن عذاب را (مدت) کمي کنار ميزنيم . اما شما هم (به کفر خويش) بازميگرديد (15) (نگرانِ) **روزي** (باشید) **که** (شما کافران را) **در آن گرفتنِ بزرگ با قوت بگيريم که ما انتقام گيريم (16)**

**و البته قبل از آنان قوم فرعون را آزموديم و فرستاده اي گرامي بنزدشان آمد (17)که بندگان خدا را به من بسپارید ، که من برای شما فرستاده­ای امینم (18) و اينکه نسبت به خداوند سرکشي نکنيد که با دليلي روشن بسويتان آمده ام (19) و البته از اینکه سنگسارم کنید به خدای خویش و خدای شما پناه می­برم (20) و اگر باورم نداريد از من کناره گيريد (21)** [اما از آنان رفتارنا مناسب دید] **پس پروردگارش را خواند که اينها مردمي گناه پيشه اند (22)** [بهاو جواب دادیم که] **بندگانم را شبانه ببر، زيرا که تعقيب خواهيد شد (23) و از آن دریا به همواری بگذر که آنها لشکری غرق شده خواهند بود (24)** [ایناتفاقات به وقوع پیوست و بالاخره فرعونیان] **چه باغها و چشمه سارهائي را که ترک کردند ، (25) و چه کِشت ها و مقامها و مراتب عالي را (26) و نیز نعمتهائي را که با دلخوشي استفاده ميکردند (27) چنين شد و آنها را به قومي ديگر داديم (28) و آسمان و زمين اشکي هم برآنها نريخت و مهلتي نيز نيافتند (29) و البته بني اسرائيل را از آن عذاب خفت بار نجات داديم (30)** {از فرعون که او متکبری از اسراف­کاران بود}(31 ) **و آنها را آگاهانه بر جهانيان برگزيديم (32) و از آيات و نشانه ها ، چيزهائي به آنان داديم که در آن امتحاني آشکار بود (33)**

**اينان ميگويند: (34) جز اين نيست که مرگي جز همين مرگ اول نداريم و برانگيخته نخواهيم شد (35)** {پس پدرانمان را بياوريد اگر راست ميگوييد}(36) {آيا آنها بهترند يا قوم تبّع و يا پيشينيان آنها که هلاکشان کرديم و مجرم بودند؟}(37) **و آسمانها و زمين و آنچه را که بين آنهاست به بازي نيافريده ايم (38) آنها را جز به حق نيافريديم وليکن اکثرشان نميدانند (39)**

**البته روز جدا کردن ، وعده گاه همگي است (40)** {روزي که هيچ دوستي نميتواند براي دوستش کاري کند و هيچ ياريي نميشوند (41) مگر آنکه خداوند رحمش کند که همو پيروزمند مهربان است} (42)  **همانا درخت زقوم ، (43) غذاي آن گناهکاران است ، (44) مانند مسِ مذاب است و در شکم ها ميجوشد (45) مانند جوشش چرکابه جوشان ، (46)** [در آن حال به ماموران عذاب خطاب میشود که] **بگيريدش و به وسط جهنم بکشيدش ، (47) آنگاه از بالاي سرش از آن عذاب جوشان بر او بريزيد (48)** [در آن موقعیت به خود آنها خطاب میشود که] **بچش که تو** (به نظر خودت) **آن عزتمند گرامي بودي (49) اين همان چيزيست که در آن ترديد ميکرديد (50)**

**البته تقوا پيشگان در موقعيتي امن خواهند بود (51) در باغها و چشمه سارها (52) جامه هايي از ابريشم نازک و ضخيم بر تن داشته و با يکديگر هم صحبتند (53) چنين است و آنها را با حوريان تزویج خواهيم كرد (54) در آنجا در حاليکه امنيت دارند از هر نوع ميوه اي می طلبند (55) مرگي جز همان مرگ اول نخواهند داشت و خداوند آنها را از عذاب جهنم دور نگهداشته است (56)که اين لطفي است از جانب پروردگارت و پيروزي بزرگ نيز همان است (57)**

**جز اين نيست که آن** (قرآن) **را بر زبانت آسان کرده ايم شايد پند گيرند (58) پس چشم براه باش که آنان نيز چشم براهند (59)**

**سوره زخرف**

|  |
| --- |
| **درس: کافران بي توجه به افعال و صفات پرلطف الهي عامدانه و مصرانه با پيامبران لجبازي و مخالفت مي کنند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم (1) قسم به آن کتاب روشنگر (2) ما آن را خواندنيي به زبان روشن قرار داديم شايد تعقل کنيد (3) و آن ، در«مادرکتابها»** {که نزد ما است} **داراي موقعيتي والا و محکم است (4)**

**آيا چون مردمي اسرافگر هستيد از** (فرستادن) **آن پند بسوي شما منصرف شويم؟ (5) و چقدر رسولاني که در اقوام اوليه فرستاديم (6) و هيچ پيغمبري بسويشان نيامد مگر اينکه مسخره اش ميکردند (7) و نيرومند ترين آنها را هلاک کرديم و مَثَل اقوام اوليه تكرار شد (8)**

**و اگر از آنان بپرسي چه کسي آسمانها و زمين را آفريده ، با تأکيد خواهند گفت آن عزتمند دانا آنها را آفريده (9**) **{**هموکه زمين را برايتان آسايشگاه نموده و در آن برايتان راه هائي قرار داده شايد هدايت يابيد (10) و از آسمان آبي به اندازه فرستاد که با آن سرزميني مرده را زنده كرديم**}{{**که شما را هم همینطور (پس از مرگ) بيرون مي آورند**}}** (11) **{**و کسي که همه جفت ها را آفريد و از کشتي ها و چارپايان برايتان سواري مهيا کرد**}** (12)**{{** تا بر پشت هاي آنها مستقر شويد، سپس، پس از استقرار، متذکر نعمت پروردگارتان شده و بگوييد: منزه است کسي که اين را براي ما رام کرد ، وگرنه ما رام کننده آن نبوديم (13) و البته ما حتمأ بسوي پروردگارمان باز خواهيم گشت **}}**(14)

**و از ميان بندگانش ، فرزنداني براي او قرار دادند ، که البته انسان ناسپاسي آشکار است (15) {**آيا از ميان چيزهائي که مي آفريند دختران را (براي خويش) برميگيرد وشما را به داشتن پسران برميگزيند؟**}** (16) **{{**و هنگامي که به يکي از آنها به (تولد) همان چيزي که مثلش را براي خداوند رحمان زده ، مژده دهند، بر چهره اش سايه سياه مي نشيند و خشمناک ميشود اما خشمش را فرو ميخورد (17) (با خود ميگويد) آيا کسي که در زيور آلات بزرگ ميشود و در جنگ چندان کارايي ندارد (برايم متولد شده)؟ **}}**(18) **و ملائکه را که بندگان خدا هستند ماده حساب کرده اند. آيا شاهد آفرينش آنها بوده اند؟ بزودي شهادت آنها نوشته شده و پرسش خواهند شد (19) {**و ميگويند اگر خدا نميخواست ما عبادتشان نميکرديم . هيچ علمي به آن ندارند. چيزي جز تخمين نميزنند **}**(20) **مگر پيش از اين کتابي به آنان داده ايم که به آن چنگ انداخته اند؟**(و این فرضیات را بر اساس آن میگویند؟) **(21) {** (نه) بلکه ميگويند پدرانمان را بر ديني يافته ايم و از روي آثار آنها هدايت ميشويم **}**(22)

**و چنين بوده که قبل از تو ، هيچ هشدار دهنده اي در هيچ شهري نفرستاديم مگر اينکه هوسرانان شان ميگفتند ما پدرانمان را بر ديني يافته ايم و از آثار آنها پيروي مي کنيم (23)** (پيغمبران) **ميگفتند آيا اگر چيزي برايتان آورده باشيم که نسبت به آنچه پدرانتان را بر آن يافته ايد هدايت کننده تر باشد چه؟ ميگفتند ما به هر چه که شما براي ابلاغ آن فرستاده شده ايد کافريم (24) {**آنگاه، از آنها انتقام کشيديم ، پس بنگر که عاقبت تکذيبگران چه بود**}**(25)

**هنگامي را بياد آر که ابراهيم به پدرش و قومش گفت از آنچه ميپرستيد بيزارم (26) مگر کسي که مرا آفريد که بزودي هدايتم خواهد کرد (27) و**(خداوند) **آنرا سخني ماندگار در نسلش قرار داد شايد** (دائما به آن) **بازگردند (28)**

**آري اينها و پدرانشان را آنقدر برخوردار کردم تا اينکه حق و فرستاده اي آشکار بسويشان آمد (29) و هنگامي که حق بسويشان آمد گفتند اين جادوست و ما به آن کافريم (30) و نيز گفتند چرا اين قرآن بر يکنفر که در ميان اين دو شهر«بزرگ» باشد نازل نشده؟ (31) {**آيا آنها رحمت پروردگارت را تقسيم مي کنند؟ (نه) بلکه در همين زندگي دنيا نيز ما معيشتشان را تقسيم مي کنيم و بعضي را بر بعضي چندين درجه برتري داديم که بعضي از آنها بعضي ديگر را بخدمت بگيرند**}** **{{**و رحمت پروردگارت از آنچه جمع مي کنند بهتر است**}}** (32) **{**و اگر اينطور نبود که (مي بايد) مردم بر يک روش (اداره) شوند ، حتمأ براي کافران چنان ميکرديم که اطاقهايشان سقف هائي از نقره داشته باشد و نردبانهائي که بر آن بالا روند (33) و نيز اطاقهايشان درب هائي داشته باشد و تختهائي که بر آن تکيه دهند (34) و جواهراتي . و همه اينها چيزي نيست جز بهره زندگي دنيا . و آخرت نزد پروردگارت براي تقوا داران است **}**(35)

**و کسي که خود را از ياد خداوند رحمان به کوري بزند ، شيطاني را نزدش قرار ميدهيم که همنشين او باشد (36) و آنان البته اينان را از آن راه باز ميدارند و** (اينان) **مي پندارند هدايت يافته هستند (37) تا اينکه نزد ما بيايند که ميگويند اي کاش بين من و تو فاصله دو مشرق بود ! چه همنشين بدي بودي (38) و** [به آنان خطاب میشود] **امروز** (پشيماني تان) **سودي برايتان ندارد . بياد آوريد که شما** (هم) **ظلم کرده ايد و هر دو در عذاب شريکيد (39) آيا تو به کران مي شنواني؟ يا کوران را هدايت مي کني؟ و يا کسي را که در گمراهيي آشکار باشد؟ (40) پس البته اگر تو را** (از اين دنيا) **ببريم ، از آنها حتمأ انتقام مي کشيم (41) يا آنچه را که به آنها وعده داده ايم ، نشانت ميدهيم که ما البته بر آنها مسلطيم (42) پس وحيي را که بسوي تو نموده ايم محکم بگير که تو البته بر جاده اي مستقيمي (43) و اينکه اين پندي است براي تو و قومت و بزودي پرسش خواهيد شد (44) و از پيامبران قبل ازخودت نيز بپرس آيا غير از خداوند خداياني قرار داديم که پرستش شوند؟ (45)**

**و همانا موسي را با آياتمان بسوي فرعون و بزرگان دربارش فرستاديم و گفت من فرستاده پروردگار همگان هستم (46) و هنگامي که با نشانه هاي ما بسويشان رفت ناگهان به خنده افتادند (47) و هيچ نشانه اي را به آنان ارائه نکرديم مگر اينکه از ديگري بزرگتر بود و آنها را به عذاب هم معذب نموديم شايد باز گردند (48) و گفتند اي جادوگر پروردگارت را به آن چيزي که نزدت عهد نموده بخوان زيرا که ما هدايت يافته ايم (49) و چون آن عذاب را برطرف کرديم فورأ عهد شکستند (50) و فرعون در قوم خويش ندا در داد که آيا فرمانروائي سرزمين مصر از آن من نيست؟ و نيز اين نهرها که از کف** (زمينهاي) **من جاريست؟ آيا نمي بينيد؟ (51) آيا من بهترم يا اين آدم بي اهميتي که چندان بيان خوبي هم ندارد؟ (52) پس چرا دستبندهائي از طلا ندارد يا ملائکه اي همراه او نيستند؟ (53) پس قومش را خوار کرد و آنها نيز اطاعتش کردند و آنها البته قومي گناه پيشه بودند (54) پس هنگاميکه متأسفمان کردند از آنان انتقام گرفتيم و همگي شان را غرق نموديم (55) و آنها را جزء گذشتگان و مَثَلي براي آيندگان قرار داديم (56)**

**و هنگامي که به پسر مريم مثل زده ميشود قوم تو ناگهان سروصدا مي کنند (57) و ميگويند آيا خدايان ما بهتر است يا او؟ اين مثل را نميزنند مگر به اين خاطر که با تو جدالي کنند که اينها مردمي خصومت پيشه ميباشند (58) او جز بنده اي که نعمتش داده بوديم نبود که او را براي بني اسرائيل نمونه اي قرار داديم (59)** **{**و اگر ميخواستيم، از ميان شما ملائکه اي قرار ميداديم که در روي زمين بگردند**}** (60) **{{**و البته او ، نشانه اي درباره قيامت است**}}** **{**پس شکي در آن مکن و (بگو) پيرويم کنيد که اين جاده اي مستقيم است**}** (61) **{{**و شيطان شما را از آن باز ندارد که او برايتان دشمني آشکار است**}}** (62) **و هنگامي را بياد آوريد که عيسي با آن دلائل روشن آمد و گفت با حکمت بسويتان آمده ام و براي اينکه بعضي چيزها را که در آن اختلاف داريد برايتان روشن کنم . پس از خدا پروا نموده و مرا اطاعت کنيد (63) البته خداوند پروردگار من و شماست پس او را عبادت کنيد که جاده مستقيم همين است (64) پس آن گروه ها از ميان آنها اختلاف کردند . پس واي بر کساني که ظلم کردند از عذاب روزي سخت (65)**

**آيا منتظر چيزي غير از قيامت هستند که ناگهان برآنها درآيد و متوجه نباشند؟ (66) در آن روز دوستان صميمي بعضي نسبت به بعضي ديگر دشمن خواهند بود مگر متقيان (67)** [به آنان خطاب میشود :] **اي بندگانم ! امروز نه نگرانيي داشته و نه اندوهگين باشيد (68)** {همان کسانيکه به آياتمان ايمان آوردند و تسليم (حق) شدند} (69) **خودتان و همسرانتان با خوشي داخل بهشت شويد (70) سيني هاي طلايي و فنجانهائي دور آنها گردانده ميشوند و در آنها چيزهائي است که دل ميخواهد و چشم لذت ميبرد** {و [به آنها خطاب میشود] شما در آن نعمتها جاودان خواهيد بود (71) و اين بهشت را بسبب اعمالتان به شما داده ايم (72) که در آن ميوه های زياد خواهيد داشت که از آن خواهيد خورد }(73)  **اما مجرمان البته در عذاب جهنم جاودان خواهند بود (74) و هيچ تخفيفي نخواهند داشت و در آن پژمرده خواهند شد (75) و ما ظلمي به آنان نکرديم بلکه خودشان ظالم بودند (76) و ميگويند اي نگهبان** (جهنم) **پروردگارت بايد ما را از بين ببرد . ميگويد** (نه!) **شما** (جاودان) **خواهيد ماند (77) حق را برايتان آورديم اما اکثرتان حق را ناخوشايند ميداشتيد (78)**

[اینها چه فکر میکنند؟] **یا اینکه راجع به چيزي اصرار دارند؟ در اينصورت ما نيز اصرار داريم (79) يا اينکه تصور ميکنند پنهان و آشکارشان را نمي شنويم؟ بلي فرستادگان ما نزدشان هستند و مي نويسند (80) بگو اگر خداوند رحمان فرزندي داشت خودم اولين عبادت کننده اش بودم (81) {**منزه است پروردگار آسمانها و زمين **{{**كه پروردگار عرش است**}}** از آنچه درباره اش ميگويند**}** (82)  **پس آنها را بحال خودشان واگذار که** (در باطل) **فرو روند و بازي کنند تا اينکه بالاخره به آن روزشان که وعده داده ميشوند برسند (83)**

**او در آسمانها خداست و در زمين هم خداست و همو حکيم داناست (84) و پر برکت است کسي که فرمانروائي آسمانها و زمين و بين آنها از اوست و همو که علم قيامت را دارد و بسوي او بازميگرديد (85) و کسي را كه جز او ميخوانند قدرت شفاعت ندارد مگر کسي که به حق شهادت دهد و علم داشته باشد (86) و اگر از آنها بپرسي چه کسي خلقشان کرده با تأکيد خواهند گفت خدا . پس** [ بنگر] **به کجا منحرف ميشوند؟ (87)** [و خداوندبه همه چيز داناست از جمله] **اين قولش که : پروردگارا اين مردم ايمان نمي آورند (88)**

**پس ، از ايشان در گذر، و سلامي بگو و بزودي خواهند دانست (89)**

**سوره فصّلت**

|  |
| --- |
| **درس: نکوهش کافران اعم از گذشته و معاصر براي بي توجهي به الطاف الهي و بي توجهي به آخرت که منجر به عمد و عناد و گردنکشي و اصرار کافرانه مي شود.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم (1)** (این) **فرو فرستاده اي است از جانب خداوند بخشنده مهربان (2) كتابي که آيه هاي آن از يکديگر متمايز شده و خواندنيي است به زبان واضح براي مردمي که علم دارند (3) مژده دهنده اي است و هشدار دهنده اي . اما اکثرشان رويگردان شده و گوش نميدهند (4)**

**گفتند دلهاي ما نسبت به آنچه دعوتمان ميکني ، در پوششي است و گوش هايمان هم سنگين است و بين ما و تو حجابي است . پس تو بکار خودت برس ، ما هم بکار خودمان (5) بگو جز اين نيست که من بشري مانند خودتان هستم با اين فرق که بمن وحي ميشود که خدايتان خدائي است واحد . پس بسوي او مستقيم شويد و از او رفع موانع رشدتان را بخواهيد. و واي بر مشرکان (6)** {همانها که زکوة نميدهند و به آخرت هم کفر ميورزند (7) البته آنان که ايمان آورده و عمل صالح کرده اند پاداشي بي منت خواهند داشت }(8)

**بگو واقعأ شما به کسي که زمين را در دو مرحله آفريد و پروردگار همه جهانيان است کفر ميورزيد و براي او همتاياني قرار ميدهيد؟ (9) همو که در آن لنگرهائي از بالايش قرار داد و در آن برکت نهاد و نيازهاي همه مخلوقات را نيز در چهار مرحله در آن قرار داد كه براي خواهندگان يكسان است (10) سپس به آسمان که دودي بود پرداخت و به آن و به زمين گفت چه از روي ميل و چه از روي اجبار بسويم بيائيد . گفتند با ميل و رغبت آمديم (11) پس در دو مرحله قضا را ند که آنها بصورت هفت آسمان باشند و امر هر آسمان را به آن وحي نمود** {و آسمان دنيا را با چراغ هائي زينت داديم و آن را حفظ كرديم} {{اين است برنامه ريزي آن عزتمند دانا}} (12)

**پس اگر روي برگرداندند بگو به صاعقه اي مانند صاعقه عاد و ثمود هشدارتان دادم (13)** {همانها که وقتي فرستادگان خدا از روبرو و پشت سرشان بسويشان مي آمدند که جز خداوند را نپرستيد ميگفتند اگر خدا ميخواست فرشتگاني را ميفرستاد و ما نسبت به آنچه که بخاطر آن فرستاده شده ايد کافريم}(14) **اما قوم عاد ، در روي زمين به خود بزرگ بيني بيجا پرداختند و گفتند چه کسي از ما قويتر است؟ آيا درک نميکردند که خدائي که آنها را آفريد از آنها قويتر است؟ که نسبت به آيات ما انکار ميورزيدند؟ (15) پس بر آنها بادي سخت و سرد و تند ، در ايامي نحس ، فرستاديم تا عذابِ خواري را در زندگاني همين دنيا به آنها بچشانيم** {و البته عذاب آخرت خفت بارتر است و آنها هيچ ياريي نخواهند داشت} **(16) اما قوم ثمود ، آنها را هم هدايتشان کرديم اما کوري را بر هدايت ترجيح دادند پس صاعقه عذابِ خواري آنها را بگرفت بسبب آنچه که انجام ميدادند (17)** {و کسانی را که ايمان آورده و تقوا پيشه کرده بودند نجات داديم}(18)

**و روزي که دشمنان خدا را بسوي آتش برانند و آنها را دستجمعي در يکجا جمع کنند (19) تا اينکه به نزد آن رسند و در آنجا گوششان و چشمهايشان و پوستشان راجع به آنچه انجام ميدادند عليه آنها شهادت دهند (20) آنها به پوستهايشان ميگويند چرا عليه ما شهادت ميدهيد؟ جواب ميدهند خداوند ما را به سخن در آورد .** {همو که همه چيز را به سخن آورده و در ابتدا هم همو شماها را آفريده و بسوي او بازميگرديد (21) شما از اينکه مبادا گوش و چشم و پوستتان عليه شما شهادت دهند ، (نگرانی نداشتید و گناهانتان را) پنهان نميکرديد بلکه چنين گمان ميکرديد که خداوند به بسياري از اعمالتان دانا نيست (22) و اين گمانتان به پروردگارتان بود که نابودتان کرد و از خسارت ديدگان شديد} (23) **پس اگر صبر کنند آتش جايگاهشان است و اگر هم معذرت خواهي کنند فايده اي برايشان نخواهد داشت (24)** {[علت اینکه آنها اینطور شدند این بود که] نزديکانشان را تغيير داديم . آنگاه آنها آنچه را که در آينده شان داشتند و نيز آنچه را که درگذشته شان بود برايشان جلوه و زينت دادند و در نتيجه آنچه که بر سر اقوامي از جن و انس که قبل از آنها درگذشته اند آمده بود بر سر اينها هم آمد و آنهم اين بود که دچار خسران شدند} (25) **و کافران گفتند به اين قرآن گوش ندهيد و در آن سر و صدا کنيد شايد غالب شويد (26)** {پس حتمأ به آنان عذابي شديد مي چشانيم و حتمأ جزاي بدترين کارهائي را که ميکردند به آنها ميدهيم (27) {{اينطور است که جزاي دشمنان خداوند آتش است که در آن جاويدند . که اين جزائي است در مقابل انکاري که نسبت به آيات ما مينمودند}} (28) **وکافران** (در آن شرایط اخروی وعذاب) **ميگويند پروردگارا ! آن کساني از جن و انس را که گمراهمان کردند نشانمان ده ، تا آنها را زير پاهاي خويش بگذاريم تا از جمله پست ترين ها گردند (29)**

**آنهائي که ميگويند پروردگارمان خداوند است و آنگاه استقامت مي ورزند ، فرشتگان پي در پي بر آنها نازل ميگردند که نترسيد و اندوهگين هم نباشيد و به بهشتي که وعده تان ميدادند شاد باشيد (30) ما در زندگي دنيا و همچنين در آخرت دوستان شمائيم . در آن هر چه دلتان بخواهد و بلکه هر چه طلب کنيد خواهيد داشت (31) (که) پيشکشیي است از جانب خداوند آمرزشگر مهربان (32)** {و قول چه کسي بهتر است از آنکه بسوي خدا ميخواند و عمل شايسته ميکند و ميگويد من از مسلمين هستم؟} (33)

**نيکي و بدي مساوي نيست. به آن روشي که بهتر است** (بدي را) **دفع کن . در آنصورت آنکس که بين تو و او عداوتي هست مانند يک دوست حمايتگر ميشود (34)** {کسي اين (توصيه) را نمي پذيرد مگر صابران و نيز کسي که صاحب بهره بزرگ (عقلي) است } (35) **و اگر از جانب شيطان تحريکي به تو رسيد به خداوند پناه بر که او شنواي داناست (36)**

**و از نشانه هاي اوست شب و روز و آفتاب و ماه .** {به آفتاب و ماه سجده نکنيد ، به خداسجده کنيد که آنها را آفريده اگر تنها او را ميپرستيد} (37) {پس اگر گردنکشي کردند (ناراحت نشو . زيرا)کساني که نزد پروردگارت هستند ، شب و روز خدا را تسبيح ميگويند و خسته هم نميشوند} (38) **و از نشانه هاي اوست که زمين را پژمرده مي بيني . پس هنگاميکه آب بر آن فرو فرستيم به جنبش در مي آيد و نمو ميکند .** {البته آنکس که زنده اش ميکند، زنده کننده مردگان نيز هست ، زيرا که او بر همه چيز تواناست }(39)

**کساني که در آيات ما انحراف ميورزند کارشان از ديد ما مخفي نيست . آيا کسي که در آتش انداخته ميشود بهتر است يا کسي که در روز قيامت با ايمني وارد ميشود؟** [به آنان بگو] **هر چه ميخواهيد انجام دهيد که او به آنچه ميکنيد بيناست (40) کساني که به اين پند که بسويشان آمده کفر ميورزند** (چه زيانکارند!) **در حاليکه آن کتابي ارجمند است 41)** { باطل را در آن راهي نيست. چه در آينده و چه در گذشته . فرو فرستاده اي از جانب خداوند فرزانه ستوده است } (42) **به تو چيزي نميگويند جز آنچه که به پيغمبران قبلي هم ميگفتند. البته پروردگارت صاحب بخشش است و صاحب پيگيري دردناک هم هست (43)** {و اگر آنرا خواندنيي گنگ قرار داده بوديم ميگفتند چرا آيه هاي آن تفصيل و جداسازي نشده؟ آيا گنگ و گویا (با هم متناسبند)؟ بگو آن براي مومنان هدايت و شفاست . و کسانيکه ايمان نمي آورند در گوششان سنگينيي هست . و (همين قرآن) مايه کوري آنهاست . آنها (گويي که) از مکاني بسيار دور فرا خوانده ميشوند (44) و البته به موسي آن کتاب را داديم و در آن اختلاف شد و اگر قبلا کلمه اي از جانب پروردگارت صادر نشده بود حتمأ نابود ميشدند و البته آنها درخصوص آن در شکي حيرت آورند} (45) **کسي که عمل شايسته کند به نفع خود کرده و کسي که بد کند به ضرر خود کرده و خداوند نسبت به بندگان خويش ظالم نيست (46)**

**علم مربوط به قيامت بسوي او برميگردد ، و هيچ ميوه اي از پوسته خود بيرون نمي آيد مگر به علم او ، و هيچ ماده اي حامله نميشود و وضع حمل نمي کند مگر به علم او ، و روزي که ندايشان کند که شريکان من کجا هستند ميگويند اعلام مي کنيم که هيچيک از ما** (در اين مورد) **شاهدي نداريم (47) و آنچه که به دعا** (شریک خداوند) **ميخواندند ، از خاطرهايشان محو ميشود و مي فهمند گريزگاهي ندارند (48)**

**انسان از خواستن خیر خسته نميشود و اگر شري به او برسد فورأ نوميد و مأيوس ميشود (49)** {و اگر از پس سختي که به او رسيده ، رحمتي از جانب خويش به او بچشانيم خواهد گفت اين از آن من است و فکر نمي کنم قيامت بپا شود و اگر هم بسوي پروردگارم برگردم البته وضع خوبي خواهم داشت . پس البته کافران را از اعمالشان خبر خواهيم داد . و از عذاب پرغلظت به آنان خواهيم چشاند } (50) **و هنگاميکه به انسان نعمت داديم روي بر ميگرداند و دوري ميکند و وقتيکه شري به او رسيد دعاهاي طولاني ميکند (51)**

**بگو چه نظري داريد اگر** (اين قرآن) **از جانب خدا باشد و شما به آن کفر ورزیده باشید ؟** {چه کسي گمراه تر خواهد بود از کسي که (از حقیقت) بسیار دور افتاده باشد} ؟ **(52) بزودي آياتمان را درافق ها و همچنین در وجود خودشان به آنان نشان خواهيم داد تا برايشان محقق شود که آن حتمأ حق است . آيا کافي نيست که پروردگارت به هر چيزي گواه است؟ (53) آگاه باشيد كه آنها نسبت به لقاء پروردگارشان در شکي هستند . آگاه باشیدکه او به هر چيز احاطه دارد (54)**

**سوره جاثیه**

|  |
| --- |
| **درس: نکوهش کافران که به آيات ونعمات الهي لجبازانه و مصرانه کفر مي ورزند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم (1) فرو فرستادن اين کتاب از جانب خداوند عزتمند حکيم است (2)**

**البته در آسمانها و زمين آياتي براي مومنان است (3) و در آفرينش شما و آنچه از جنبندگان كه پراکند ، آياتي براي يقين داران است (4) و در گردش شب و روز ، و روزيي که خداوند از آسمان نازل کرده و بوسيله آن زمين را زنده نموده و گرداندن بادها ، آياتي براي صاحبان عقل است (5) اين آيات خداست که بر تو ميخوانيم . پس بعد از خدا و آياتش به چه چيز ايمان مي آورند؟ (6)**

**واي بر هر دروغزن گناه پيشه اي (7)** {(همان کسانی که وقتی) آيات خدا را که براي او خوانده ميشود ، مي شنود ، گردنفرازانه اصرار ميورزد مثل اينکه اصلا آنرا نشنيده . پس به عذابي دردناک مژده اش ده (8) و اگر از آيات ما چيزي بداند آنرا به مسخره ميگيرد . آنها عذابي خفت بار خواهند داشت (9) پیشِ رویشان جهنّم است و نه چيزي که بدست آورده اند و نه دوستان غير خدائي که پيدا کرده اند فايده اي برايشان نخواهد داشت} (10)  **اين** (قرآن) **هدايت است . و کساني که به آيات پروردگارشان کافر شده باشند عذابي از شکنجه دردناک خواهند داشت (11)**

**خداوند همان است که دريا را رامتان کرد که به امر او در آن کشتي برانيد و از فضلش در آن بجوئيد و شايد سپاس گوييد (12) و آنچه را که در آسمانها و زمين است ، كه همه از اوست ، همگي را رام شما کرد . البته در اين براي مردمي که اهل تفکرند آياتي هست (13)**

**به مومنان بگو با کساني که اميد به روزهاي** (ظهور آيات) **خدا را ندارند مدارا کنند ، تا** (خداوند)**کساني را براي آنچه انجام ميدهند كيفر دهد (14) هر کس عمل صالح کند بنفع خويش کرده و هر کس بد کند نيز همچنين . آنگاه بسوي پروردگارتان باز ميگرديد (15)**

**و البته به بني اسرائيل کتاب و حکم و پيامبري داديم و ازچیزهای پاکيزه روزيشان نموديم و آنها را بر جهانيان** (معاصرشان) **برتري داديم (16) و دلايل روشني درباره آن امر به آنان داديم . پس اختلاف نکردند مگر پس از اينکه علم بسويشان آمد .**{(اختلافشان هم) بعلت تجاوزی (بود) که به حقوق يگديگر ميورزيدند}  **البته پروردگارت بين آنها درباره موضوع مورد اختلافشان در روز قيامت داوري خواهد نمود (17) آنگاه تو را از آبشخوري از امر برخوردار کرديم پس پيرويش کن و از اميال کساني که علم ندارند پيروي مکن (18) آنها در قبال خداوند نميتوانند برایت کاري بکنند و ظالمان ، بعضي شان دوستان بعضي ديگرند و خداوند دوست مومنان است (19) اين ، بصيرت هائي و هدايتي و رحمتي براي يقين داران است (20)**

**آيا آنانکه کارهاي زشت مرتکب شده اند خيال کرده اند آنان را مانند کساني که ايمان و عمل شايسته دارند از لحاظ زندگي و مرگ يکسان قرار ميدهيم؟ چه بد حکم ميکنند (21) خداوند آسمانها و زمين را به حق آفريده و نيز براي اينکه هر کسي به سبب آنچه که بدست آورده جزا يابد و هيچ ستم نشوند (22)**

**آيا کسي را که اميال خويش را خداي خويش گرفته ، ديده اي؟ كه خداوند عليرغم علمي که دارد گمراهش کرده و بر گوش و قلبش مهر زده و روي چشمش پرده قرار داده؟** (آيا مي انديشند) **غير از خدا چه کسي** (ميتواند) (امثال اینان را) **هدایت کند** [به امثال آنان بگو] **آيا پند نميگيريد؟ (23) و ميگويند زندگي ما ، غير از همين زندگي اين جهان چيز ديگري نيست ، و زندگي ميكنيم و ميميريم و جز روزگار نابودمان نمي كند .** {علمي به آنندارند . فقط گماني ميکنند} **(24) و هنگاميکه آيات روشنمان بر آنها خوانده ميشود دليلي ندارند مگر اينکه بگويند پدرانمان را بياوريد اگر راست ميگوييد (25)**

**بگو خداوند است كه زنده تان ميکند آنگاه شما را ميميراند آنگاه در روز قيامت** {که شکي در آن نيست} **جمعتان ميکند وليکن اکثر مردم نميدانند(26) و فرمانروايي آسمانها و زمين از آن خداست و روزي که قيامت بپا شود در آن روز اهل باطل زيانکار خواهند بود(27)**

**و هر امتي را مي بيني که به زانو در آمده اند . هر امتي بسوي کتابش خوانده ميشوند .** [به آنان خطاب میشود] **امروز جزاي آنچه را که انجام ميداديد ميگيريد (28) اين کتاب ما است که به حق علیه شما سخن ميگويد . ما البته آنچه را که انجام ميداديد نسخه برداري ميکرديم (29) پس کساني که ايمان آورده و عمل صالح داشته اند پروردگارشان در رحمتش داخلشان ميکند و اين همان پيروزي عظيم است (30) اماای کافران ! آيا آياتم بر شما تلاوت نشده که گردنفرازي کرديد و مجرم گشتيد؟ (31) و وقتيکه به شما گفته شد که وعده خدا حق است و شکي درباره قيامت نيست گفتيد قيامت چيست؟ ما آن را جز گماني نمي پنداريم و در راه کسب يقين راجع به آن نيستيم (32) و بدي هاي اعمالشان برايشان آشکار شده و آنچه را که مسخره ميکردند بر آنها فرود مي آيد (33) و به آنان گفته ميشود همانطور که شما دیدار اين روز را فراموش کرده بودید ما هم** (امروز) **شما را فراموش ميکنيم ، و جايگاهتان آتش است و ياوراني نداريد (34)** [به آنان توضیحداده میشود] **اين ، به آن علت است که آيات خدا را به مسخره گرفتيد و زندگي دنيا فريبتان داد . پس امروز نه از آن خارج ميشوند و نه عذرشان پذيرفته ميشود (35)**

**و ستايش از آن خداوند است که پروردگار آسمانها و زمين و پروردگار همه جهانيان است (36) و در آسمانها و زمين ، بزرگي فقط از آن اوست . و همو عزتمند حکيم است (37)**

**سوره احقاف**

|  |
| --- |
| **درس: نکوهش کافران اعم از گذشته و حال که عليرغم دريافت دلايل کافي و اتمام حجت باز هم لجبازانه کفر مي ورزند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم (1) نازل شدن** (اين) **کتاب از جانب خداوند عزتمند حکيم است (2)**

**آسمانها و زمين و آنچه که بين آنهاست را جز به حق و سرآمدي معين نيافريده ايم . و کافران از آنچه هشدار داده ميشوند روگردانند (3)** { بگو خبرم دهيد: آنچه را که بجز خداوند ميخوانيد چه چيزي را از زمين آفريده اند يا چه شرکتي در آسمانها دارند؟ مدرکي از کتاب (آسماني) قبلي يا يک دليل علمي بياوريد اگر راست ميگوئيد } (4)  **و چه کسي گمراه تر است از کسي که چيزي را بجز خداوند ميخواند که تا روز قيامت جوابش را نخواهد داد و اصلا از خواندن او بيخبر است (5) و وقتي که مردم محشور ميشوند دشمنش هم ميشود و نسبت به عبادتش نيز منکر ميگردد (6)**

**و هنگاميکه آيات روشنگر ما بر آنها خوانده ميشود کافران به اين حق که بسويشان آمده ميگويند جادوئي آشکار است (7) بلكه ميگويند آن را افترا بسته . بگو اگر افترا بسته باشم شما نميتوانيد در برابر خدا برايم کاري کنيد . او بهتر ميداند که شما در چه** (اموري) **فرو ميرويد . همو بعنوان گواه بين من و شما بس است و همو آمرزشگر مهربان است (8) بگو من يک پيغمبر نوظهوري نيستم و نميدانم با من و شما چه رفتاري خواهد شد. جز اين نيست که فقط وحيي را پيروي ميکنم که بمن ميشود و جز هشدار دهنده اي آشکار نيستم (9) بمن بگوئيد اگر اين از جانب خدا باشد و شما به آن کفر ورزيده باشيد و يک گواه از بني اسرائيل به مثل آن گواهي دهد و ايمان بياورد و شما گردنفرازي کرده باشيد چه؟ البته خداوند قوم ظالمان را هدايت نميکند (10)**

**و کافران راجع به مومنان ميگويند اگر خيري در آن** (دین) **بود آنها بسوي آن از ما سبقت نميگرفتند و هنگامي که به آن هدايت نيافتند ميگويند اين دروغي قديمي است (11) و قبل از آن کتاب موسي رهبر و رحمت بود و اين کتابي است تصديق کنندهء**[آن] **، به زبان روشن ، تا ظالمان را هشدار و نيکوکاران را مژده دهد (12)**

**البته آنان که ميگويند پروردگار ما خداوند است و سپس استقامت ميورزند نه ترسي خواهند داشت و نه اندوهگين باشند (13) آنها به پاداش اعمالي که ميکردند اهل بهشتي خواهند بود که در آن جاودانند (14)**

**و به انسان سفارش والدينش را کرده ايم که مادرش او را به حملي دشوار حمل کرده و به وضعي دشوار زائيده و حمل و از شير گرفتنش سي ماه طول کشيد تا اينکه به رشد خويش و به چهل سالگي رسيد و گفت پروردگارا موفقم کن که شکر نعمتتت را که بمن و والدينم عطا کرده اي بجاي آورم و عمل صالحي کنم و راضي گردي و اولادم را به صلاح بياور كه من بسوي تو بازگشته ام و از مسلمين هستم (15)**  {آنها کساني هستند که بهترين عملشان را از آنها قبول مي کنيم و از بديهايشان درمي گذريم . آنها در زمره ياران بهشت خواهند بود . اين وعده راستي است که به آنها داده شده } (16) **و کسي که به والدينش ميگويد: اَه. آيا بمن وعده ميدهيد که پس از گذشت قرنها از قبر خارج شوم و آنها در حاليکه به خدا پناه ميبرند ميگويند واي بر تو ايمان بياور که وعده خدا حق است و او ميگويد اينها چيزي جز افسانه هاي گذشتگان نيست (17)** { آن قول بر آنان فرود مي آيد . (همان قولي که) بر امتهاي قبلي اعم از جن و انس فرود آمد که آنها البته زيانكارند } (18)  **هر کس به خاطر عملش و نيز براي اينكه** (خداوند جزاي) **اعمالش را به طور کامل به او بدهد درجاتی دارد و ظلمي نمی شوند (19)** {و روزي که کافران بر آتش عرضه شوند (به آنان گفته ميشود) هر چيز خوبي که در زندگي دنيا داشتيد از بين برديد و از آن استفاده کرديد . پس امروز بخاطر آن گردنفرازي که به ناحق در زمين ميکرديد و نيز بسبب آن گناه پيشگي که مي نموديد عذابي خفت بار خواهيد داشت } (20)

**به ياد آر برادر قوم عاد را ، آن هنگام که قوم خود را در سرزمين احقاف هشدار ميداد ، در حاليکه قبل از او ، و نيز پس از او ، هشدار دهندگان زيادي نيز بوده اند که** (ميگفتند) **جز خداوند را عبادت نکنيد زيرا که من بر شما از عذاب روزي بزرگ ميترسم (21) گفتند: آيا بسويمان آمدي که ما را از خدايانمان جدا کني؟ آنچه را که به ما وعده ميدهي بياور اگر راست ميگويي (22) گفت: علم** (آن) **نزد خداست و من آنچه را که به رسالت آن فرستاده شده ام به شما ميرسانم ولي شما را قومي جاهل مي بينم (23) پس وقتيکه ديدند** (عذاب) **دارد بسوي بيابانهاي آنها مي آيد گفتند ابري است که بر ما خواهد باريد .** (نه) **بلکه همان** (عذابي) **است که شما به عجله ميخواستيدش . بادي است که در آن عذابي دردناک است (24) که به امر پروردگارش همه چيز را نابود ميکرد و صبح که شد جز خانه هايشان چيزي ديده نميشد و ما گروه مجرمان را چنين مجازات ميکنيم (25) و البته به آنها قدرتهائي هم داده بوديم كه** (هنوز) **به شما نداده ايم و براي آنها هم گوش و چشم و دل قرار داده بوديم و گوش و چشم و دلشان به دردشان نخورد هنگاميکه در آيات خدا انکار ميکردند ، و بر سرشان آمد آنچه را که مسخره اش ميکردند (26) و البته شهر هايي را که دور و برتان بودند هلاک کرديم و آن آيات متنوع را** (ارائه) **داده بوديم شايد بازگردند (27) پس چرا آن** (شرکايي که){به عنوان تقرب} **بجز خداوند به الوهيت گرفته بودند کمکي به آنان نکردند؟ بلکه** (گوئی) **از يادشان رفت و اين دروغشان بود و افترائي که مي­بستند (28)**

**و هنگامي که عده اي از جنيان را بطرفت چرخانديم که به قرآن گوش دهند ، وقتیکه حاضر شدند ، گفتند ساکت شويد و وقتيکه تمام شد بسوي قومشان برگشتند و هشدارشان ميدادند (29) ميگفتند اي قوم** (مطالب) **کتابي را شنيديم که بعد از موسي نازل شده که تصديق کننده قبل از خويش است و بسوي حق و بسوي طريقي مستقيم هدايت مي کند (30) اي قوم دعوت کننده خدا را اجابت کنيد و به او ايمان بياوريد تا برخي از گناهانتان را بيامرزد و از عذاب دردناک پناهتان دهد (31) و کسانی که دعوت کننده خدا را اجابت نکنند نميتوانند خدا را در زمين عاجز کنند و بجز خدا هيچ سرپرستي ندارند و در گمراهيي آشکارند (32)**

**آيا نمي بينند که خداوندي که آسمانها و زمين را آفريد و از آفرينش آنها خسته نشد قادراست مردگان را زنده کند؟ بلي البته او برهمه چيز تواناست.(33)** {و روزي که کافران بر آتش عرضه شوند (سئوال ميشود) آيا اين حق نيست؟ ميگويند آري قسم به پروردگارمان (که حق است) گويد پس عذاب را بچشيد بعلت آن کفري که ميورزيديد }(34)  **پس صبر کن. همانگونه که فرستادگان صاحب تصميم صبر کردند. و بر آنها عجله مكن . روزي که آنچه را که به آنان وعده داده ميشود ببينند گويي که چيزي بيش از ساعتي از روز درنگ نكرده باشند.اين يك پيام رساني است.پس آيا جز قوم گناه پيشه هلاک ميشوند؟(35)**

**سوره مومن**

|  |
| --- |
| **درس: نکوهش کافران که عليرغم الطاف و نعمات الهي با اصرار و لجبازي باحق مخالفت مي کنند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم (1) فرو فرستادن آن کتاب از جانب خداوند عزتمند داناست (2) که آمرزشگر گناه و توبه پذير است . در پيگيري شديد و صاحب قوت است . خدائي جز او نيست و سرانجام بسوي اوست (3)**

**جز كافران در آيات الهي مجادله نمي کنند . پس رفت و آمدشان در شهرها فريبت ندهد (4) قبل از آنها نيز قوم نوح و گروه هاي بعدی شان تکذيب کردند و هر گروهي براي پيغمبرشان توطئه کردند تا بگيرندش ، و به باطل مجادله کردند تا حق را از بين ببرند ، پس بگرفتمشان** (ببينيد) **پيگيريم چگونه بود؟ (5) اينگونه حكم پروردگارت بر کافران فرود آمد که آنها ياران آتشند (6)**

**آنانکه عرش را حمل ميکنند ، و اطرافيانشان ، پروردگارشان را به حمد تسبيح ميکنند و به او ايمان دارند و براي مومنان درخواست آمرزش مي کنند** (و ميگويند) **پروردگارا ! وسعت علم و رحمت تو همه چيز را فرا گرفته ، پس توبه کاران را که راه تو را ميروند ببخش و آنها را از عذاب جهنم نگهدار (7)** {پروردگارا! آنها و شايستگانِ پدران و همسران و فرزندانشان را به آن بهشتهاي هميشگي که وعده شان دادي درآر که عزتمند حکيمي (8) و از بديها حفظشان کن و کسي را که تو از بديها حفظش کني در آنروز مورد لطف و رحمت توست و آن همان پيروزي بزرگ است} (9)

**ندا داده ميشود: اي کسانيکه کفر ورزيديد البته خشم خداوند از خشمتان برخودتان بزرگتر است ، زيرا به ايمان دعوت ميشديد اما کفر می ورزيديد (10)** {ميگويند پروردگارا ! دوبار ما را ميراندي و دوبار زنده مان کردي . به گناهانمان معترفيم . آيا براي خروج راهي هست؟}(11) **اين به آن سبب است که وقتي خداوند به تنهائي خوانده ميشد کافر ميشديد و اگر با او شريک ميگرفتند قبول مي كرديد . اينك حکم از آن خداوند بلند مرتبه است (12)** {اوست که آياتش را به شما مينماياند و از آسمان برايتان روزيي ميفرستد و کسي جز آنکه توبه و بازگشت ميکند متذکر نميشود (13) پس خداوند را بخوانيد در حاليکه دين خويش را براي او خالص کرده ايد ، حتي اگر کافران بدشان بيايد (14) (برای) آن بلند مرتبه صاحب عرش (که) روح را از امر خويش به هر کس از بندگانش که خواهد القا ميكند ، تا به روز ديدار هشدار دهد} (15)

**روزي که نمايان شوند ، چيزي از آنها بر خداوند پوشيده نيست.** [خطابمیشود] **امروز فرمانروايي از آن کيست؟** [همگی جواب خواهند داد] **از آنِ خداوند يگانه مقتدر است (16)** {[اعلام میشود ] امروز هر کسي به آنچه که کرده پاداش داده ميشود . امروز ظلمي نيست . که خداوند تند حساب است} (17) **و راجع به روزي که نزديک شونده است هشدارشان ده . هنگامي که دلها به گلوگاه ميرسد ، خشم خود را فرو ميخورند . ظالمان هيچ حمايت کننده اي نخواهند داشت و نه شفاعت کننده اي که سخنش پذيرفته شود (18)** {(خداوند) حتي به نگاه هاي زير چشمي و آنچه در دلها ميگذرد نيز عالِم است} (19)  **خداوند به حق قضاوت ميکند. و آنها که بجز او عبادت ميشوند قضاوتي ندارند . خداوند البته شنواي بيناست (20)**

**آيا در زمين نميگردند تا ببينند عاقبت پيشينيانشان چه شد؟ همانها که هم از اينها هم قوي تر بودند ، و هم آثار بيشتري بجا گذاشتند . اما خداوند بسبب گناهانشان بگرفتشان و کسي آنها را عليه خداوند نگهدار نبود (21)**  {اين، به آن سبب بود که پيغمبرانشان با دلايل روشن بسويشان مي آمدند اما آنها کفر ميورزيدند . پس خداوند بگرفتنشان که او قوي ، و در پيگيري سخت است } (22)

**و البته موسي را با آياتمان و دليلي روشن فرستاديم (23) بسوي فرعون و هامان و قارون . پس گفتند جادوگريست بسيار دروغگو (24) و هنگاميکه با حقي از جانب ما بسويشان رفت گفتند هر کس که به او ايمان آورد پسرانشان را بکشيد و زنان و دخترانشان را نگهداريد و حيله آن کافران جز در گمراهيي نبود (25) و فرعون گفت بگذاريد موسي را بکشم و تا پروردگارش را بخواند زيرا ميترسم آئین شما را تغيير دهد ، يا در زمين آن فساد را ظاهر کند (26) و موسي گفت پناه بردم به پروردگار خودم که پروردگار شما هم هست از هر متکبري که به روز حساب ايمان ندارد (27) و شخصي از فرعونيان ، که ايمانش را پنهان ميداشت ، گفت آيا مردي را فقط به اين خاطر که ميگويد پروردگارم خداوند است ، و تازه از جانب پروردگارتان دلائل روشني هم برايتان آورده است ، ميکشيد؟ تازه اگر دروغگو هم باشد همان دروغ کارش را ميسازد ، اما اگر راست بگويد بعضي از آن چيزهايي که ادعا ميکند به شما ميرسد . البته خداوند هيچ اسرافکار دروغگويي را هدايـت نميکند (28) اي مردم امروز شما در اين سرزمين غالبيد . اما اگر سختيِ خدائي بسويمان بيايد چه کسي کمکمان ميکند؟ فرعون گفت رأي من همين است که گفتم و شما را جز به راه رشد هدايت نميکنم (29) و آن مومن گفت اي مردم من ميترسم بر سر شما همان بيايد که بر سر آن گروه ها آمد (30) مثل آن روشي که با قوم نوح و عاد و ثمود و بعدي ها رفتار شد و البته خداوند خواستار هيچ ظلمي نسبت به بندگانش نيست (31) اي مردم براي شما از روزي که مردم همديگر را صدا ميزنند ميترسم (32) روزي که روي برميگردانيد و ميگريزيد . اما از عذاب خدا هيچ پناهگاهي نخواهيد داشت و کسي را که خداوند گمراه کند هيچ هدايت کننده اي نخواهد داشت (33) و قبلا هم يوسف با دلايل روشن بسويتان آمده بود اما شما همواره در شک بوديد تا اينکه هلاک شد . آنگاه گفتيد خداوند هرگز پس از او پيغمبري برنخواهد گزيد .** {خداوند هر اسرافگر شکاکي را چنين گمراه ميکند (34) همانها که در آيات خدا بدون دليلي که به سويشان آمده باشد مجادله مي کنند . که اين سبب خشم بزرگي نزد خداوند و مومنان است . چنين است که خداوند بر قلب هر متکبر جباري مهر ميزند} (35) {و فرعون گفت اي هامان برايم قصر بلندي بساز شايد به آن اسباب برسم (36) همان اسباب آسمانها . تا اينکه به خداي موسي اشراف پيدا کنم . چونکه گمان ميکنم دروغگو باشد و چنين بود که عمل زشت فرعون برايش زيبا جلوه داده شد و از آن راه (درست) بازداشت و حيله فرعون مگر در جهت نابودي عمل نکرد} (37)  **و آن مومن گفت اي مردم مرا پيروي کنيد تا شما را به راه رشد هدايتتان کنم (38) اي مردم جز اين نيست که اين زندگي دنيا برخورداريي** (اندک) **است اما آخرت خانه قرارگاه هميشگي است (39) هر کس که عمل بدي کند فقط به مثل آن مجازات ميشود اما هر کس که عمل شايسته اي کند چه زن باشد و چه مرد ، و ايمان هم داشته باشد ، داخل بهشت ميشود که در آن بي حساب روزي خواهد داشت (40) اي مردم ! چه تان شده که من شما را به سوي نجات دعوت ميکنم اما شما مرا به سوي آتش ميخوانيد؟ (41) مرا ميخوانيد که به خداوند کفر ورزم و چيزي را که علمي به آن ندارم با او شريک کنم و من بسوي آن عزتمند آمرزشگر دعوتتان ميکنم (42) چيزي که هست اين است که آنچه شما مرا به آن ميخوانيد ، شايستگي براي دعوت ندارد . نه در دنيا و نه در آخرت . و بازگشتگاه همگي بسوي خداوند است و اسرافگران هم ياران آتشند (43) البته بزودي بياد خواهيد آورد که چه به شما ميگفتم . و من البته کارم را به خداوند واگذار ميکنم که خداوند به بندگانش بينا است (44) پس خداوند از بديهاي آنچه که راجع به او حيله ميکردند حفظش کرد و آن عذاب بد بر آل فرعون فرود آمد (45) آن آتش ، صبحگاهان و شامگاهان بر آنها عرضه ميشود و روزي هم که قيامت بپا شود** [ندا ميشود] **آل فرعون را به عذاب شديد داخل کنيد (46)**

**و هنگامي که آنها در آتش مجادله ميکنند و ضعفاء به گردنکشان ميگويند ما تابع شما بوديم آيا حالا چيزي از آتش را از ما رفع ميکنيد؟ (47) گردنکشان ميگويند ما همگي با هم در آن هستيم . اين خداوند است که بين بندگان حکم کرده (48) و آنها که در آتش هستند به نگهبانان جهنم ميگويند از پروردگارتان بخواهيد يک روز از عذاب را بما تخفيف دهد (49) ميگويند آيا پيغمبرانتان با دليل هاي روشن بسويتان نيامدند؟ ميگويند بلي . ميگويند پس خودتان بخواهيد . و خواستن کافران جز در گمراهي نيست (50)** {البته ما پيغمبران خويش را و نيز کساني را که در زندگي دنيا ايمان آوردند در روزي که گواهان بپا ميخيزند ياري ميکنيم (51) روزي که معذرت خواهي ظالمان سودشان ندهد و لعن و سراي بد خواهند داشت} (52)

**و ما البته به موسي آن هدايت را و به بني اسرائيل نيز آن کتاب را داديم (53)** {که حاوي هدايت و پندي براي خردمندان است(54) پس صبر کن . وعده خداوند البته حق است و براي گناهت استغفار کن و پروردگارت را صبحگاهان و شامگاهان ؛ به حمد، تسبيح گوي } (55) **البته آنان که بدون اينکه دليلي بسويشان آمده باشد در آيات خدا مجادله ميکنند جز اين نيست که در قلبهايشان تکبري هست . آنها به دلخواه خويش نميرسند . پس به خدا پناه بر که او شنواي داناست (56)**

**البته آفرينش آسمانها و زمين از آفرينش مردم مهم تر است وليکن اکثر مردم نميدانند (57) و کور و بينا مساوي نيستند و نيز آنانکه ايمان و عمل صالح دارند و بدکاران نیز . پند پذيري شما چقد ر کم است (58) البته قيامت حتما مي آيد و شکي در آن نيست . وليکن اکثر مردم ايمان ندارند (59)**

{و پروردگارتان گفت مرا بخوانيد تا اجابتتان کنم . آنانکه از عبادتم گردنفرازي مي کنند بزودي با خواری داخل جهنم خواهند شد} (60)  **هموست که شب را برايتان مایه آرامش ، و روز را روشني بخش ساخت . او البته نسبت به مردم بخشنده است ليکن اکثر شان شکر نميگزارند (61) اين خداوند ، پروردگارتان است . همه چيز را آفريد . خدائي جز او نيست . پس به کجا منحرف ميشويد (62)** {آنان که با آيات خدا دشمني ميکنند اینطور منحرف ميشوند} (63) **خداوند است که زمين را براي شما قرارگاه و آسمان را بنا کرد و شما را صورتگري و صورتهايتان را نيکو نمود و از چيزهاي خوشايند روزيتان داد . اين خداوند پروردگارتان است . چه پر برکت است پروردگار جهانيان (64) زنده است . خدائي جز او نيست . پس او را در حالي كه دين خويش را براي او خالص مي كنيد بخوانيد . ستايش خاص اوست که پروردگار جهانيان است (65)** {بگو نهي شده ام آنهايي را که شما غير از خدا ميخوانيد عبادت کنم . آنهم پس از اينکه اين دليلهاي روشن از سوي پروردگارم به سويم آمده ، بلکه مأمور هستم که تسليم پروردگار جهانيــان باشم} (66) **همو که شما را از خاک آفريد ، سپس از نطفه اي ، و سپس ا زعلقه اي ، و سپس بصـــورت طفلي در آورد ، سپس به حدي از قوت ، سپس تا به پيري برسيد . بعضي از شما قبل از آن و** (بقيه) **تا سرآمدي معين فوت مي نمائيد و شايد تعقل کنيد (67) هموست که زنده ميکند و ميميراند . پـس هنگامي که امري را بگذراند جز اين نيست که به آن ميگويد« باش» و آن ميشود (68)**

**آيا نديدي کساني که در آيات خدا مجادله ميکنند به کجا منحرف ميشوند؟ (69) همانها كه آن کتاب و آنچه رسولانمان براي ابلاغ آن آمده اند را تکذيب مي کنند و بزودي خواهند فهميد (70) وقتي که غل ها و زنجيرها بر گردنهايشان قرار گرفت و کشيده شدند (71) در آب جوشان ، آنگاه در آتش بيفتند (72) آنگاه به آنها گفته ميشود کجا هستند آن چيزهائي که شريک ميگرفتيد (73) با خدا؟ ميگويند گمشان کرديم . بلکه قبلا هم چيزي را** (به شرک) **نميخوانديم . خداوند کافران را چنين گمراه ميکند (74) اين به آن سبب است که شما در زمين به ناحق شادي ميکرديد و در آن شادي ناحق افراط هم ميکرديد (75) داخل درب هاي جهنم شويد که در آن جاودان خواهيد بود و جايگاه متکبران چه بد است (76)**

**پس صبر کن . وعده خداوند البته حق است . پس، چه بعضي از آنچه را به آنان وعده ميدهيم به تو نشان دهيم ، و چه تو را** (به مرگ) **دريابيم ، در هر حال آنها بسوي ما باز ميگردند (77) و البته رسولاني قبل از تو فرستاديم . از ميان آنها قصه کساني را برايت گفتيم وقصه کساني را هم نگفتيم وهيچ رسولي را نميرسد که جزبه فرمان خدا معجزه­ای بياورد . پس وقتيکه امر خدا آمد بين آنها به حق قضاوت خواهد شد و در آن هنگام اهل باطل زيانکار خواهند بود (78)**

**خداوند است که چارپايان را برايتان قرار داد که از آنها سواري بگيريد و نيز از آنها بخوريد (79)** {و در آنها منافعي داريد و بوسيله آنها به حوائجي که داريد ميرسيد و بر آنها و بر کشتي ها سوارمي شويد}(80) **و آياتش را به شما مي نماياند . پس کدام يک از آياتش را انکار مي کنيد؟ (81)**

**آيا در زمين نگشتند تا ببينند عاقبت پيشينيان چگونه بوده؟ همانها که از اينها زيادتر بودند و قدرتشان و آثاري هم که از خود بجا گذاشته بودند بيشتر بود. و آنچه بدست آورده بودند کمکي به آنها نکرد (82)** **و هنگاميکه رسولانشان با دلايل روشن بسويشان آمدند ، به علمي که نزد خويش داشتند شادي مي کردند و آنچه که مسخره ميکردند بر آنها فرود آمد (83) اما هنگاميکه سختي ما را ديدند گفتند به خداي واحد ايمان آورديم و به آنچه شرک ميورزيديم کافريم (84) ولي هنگاميکه سختي ما را ديدند ايمانشان کمکي به آنها نميکند . اين سنت خداست که درباره بندگانش قبلا مقرر شده است . و در آن هنگام کافران زيانکار خواهند بود (85)**

**سوره یس**

|  |
| --- |
| **درس: نکوهش کافران که عليرغم اينهمه لطف و رحمت الهي به کفر و تکذيب مي پردازند و خود را در معرض نابودي و عذاب قرار مي دهند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**يس (1) قسم به قرآن پر حکمت (2) که تو حتمأ از فرستادگاني (3) بر جاده اي مستقيم (4)** (با) **فرو فرستاده آن پيروزمند مهربان (5)**

**تا هشدار دهي مردمي را که به پدرانشان هشدار داده نشد و آنها غافلند (6) البته آن سخن بر اکثرشان فرود آمد و آنها ايمان نمي آورند (7)** {در گردن هايشان غُل هائي قرار داديم بطوري که تا چانه هايشان را هم گرفته که ديگر نميتوانند گردنشان را تکان دهند (8) و جلوي رويشان و پشت سرشان سّدي قرار داديم و آنانرا پوشانده ايم که ديگر نمي بينند (9) و برايشان فرقي نميکند که هشدارشان بدهي يا هشدارشان ندهي در هر حال ايمان نخواهند آورد} (10)  **جز اين نيست که تو فقط کساني را هشدار ميدهي که از آن پند پيروي کنند و بطور نهاني از خداوند رحمان بيم داشته باشند ، پس به آمرزشي و پاداشي گرامي مژده شان ده (11)** {ما خودمان مرده را زنده ميکنيم و آنچه را که پيش فرستادند و نيز آثارشان را مي نويسيم و همه چيز را در كتابي آشکار شماره کرده ايم} (12)

**براي آنها از شهرونداني که آن فرستادگان بسويشان آمده بودند مثالي بزن (13) هنگامي که آن دو نفر را بسويشان فرستاديم و تکذيبشان کردند آنگاه آنها را با نفر سوم تقويت کرديم و گفتند بسوي شما فرستاده شده ايم (14) گفتند: شما جز بشري مثل ما نيستيد و خداوند بخشنده هم هيچ چيزي نفرستاده و شما هم جز دروغ نميگوئيد (15) گفتند پروردگارمان ميداند که ما بسويتان فرستاده شده ايم (16) و جز پيام رساندن آشکار بر عهده ما نيست (17) گفتند شما را به فال بد گرفتيم . اگر بس نکنيد حتمأ سنگسارتان مي کنيم و از جانب ما عذابي دردناک به شما خواهد رسيد (18) گفتند فال بدتان با خودتان است ، آيا اين رفتاري است که هنگام پند گرفتن مي کنيد؟ بلکه شما اسرافگريد (19) و مردي از دورترين نقطه آن شهر شتابان آمد و گفت اي مردم فرستادگان را پيروي کنيد (20) کساني را که خودشان هدايت شده هستند و از شما مزدي نميخواهند (21)** {و چراکسي را که خلقم کرده عبادت نکنم؟ و (او کسی است که هم من وهم شما) بسوي او باز ميگرديد (22) آيا بجز او خداياني بگيرم که اگر خداوند رحمان خواست مرا به ناراحتي بيندازد ، نه شفاعتشان فايده اي به حالم داشته باشد و نه بتوانند نجاتم دهند؟(23) در آنصورت در گمراهيي آشکار خواهم بود (24) پس بشنويد! من به پروردگارتان ايمان آورده ام (25) [اما آن مردم اورا کشتند و به او ] گفته شد: داخل بهشت شو گفت: کاش مردمم ميدانستند (26) که پروردگارم چگونه مرا آمرزيد و مرا از گرامي ها قرار داد} (27)

**و پس از او ، بر مردمش ، هيچ لشکري** (از رحمت ها) **از آسمان نفرستاديم و اصلأ** (درقصد آن که) **فرستنده** (چنين چيزي باشيم) **نبوديم (28) جز صدايي بسيار بلند نبود و ناگهان نابود شدند (29) افسوس بر** (آن) **بندگان . هيچ فرستاده اي بسويشان نيامد مگر اينکه مسخره اش ميکردند (30) آيا مردم قرون گذشته را که ديگر بسوي آنها بر نخواهند گشت ندیدند که هلاک کرديم؟ (31) و البته همگي آنها نزد ما حاضر خواهند شد (32)**

**و براي آنها نشانه اي است که زمين مرده را زنده اش کرديم و از آن دانه اي بيرون آورديم که از آن ميخورند (33) و باغهائي از درختهاي خرما و انگور در آن قرار داديم و در ميان آن چشمه هائي شکافتيم (34)** {تا از ميوه اش و نيز آنچه که خودشان بعمل مياورند بخورند. آيا شکر نمي گزارند؟ (35) منزه است کسي که تمامي جفتها را آفريد چه از آنچه از زمين ميرويد و چه از خودهاشان و چه از چيزهائي که نمي دانند} (36) **و اين هم برايشان نشانه ايست که روز را از شب بيرون ميکشيم و آنگاه در تاريکي قرار ميگيرند (37) و خورشيد که بسوي قرارگاه خويش در جريان است . اين برنامه ريزي آن پيروزمند داناست (38) و براي ماه نيز منزلهائي مقرر کرده ايم تا اينکه به حالتي** (خميده) **چون شاخک خشک خرما برگردد (39) نه خورشيد را ميرسد که ماه را دريابد و نه شب از روز سبقت ميگيرد و هريك در فلکي شناورند (40) و برايشان نشانه ايست که اولادشان را در کشتيي پر حمل مي کنيم (41) و برايشان مانند آن را آفريديم که سوارش ميشوند (42)** {و اگر بخواهيم غرقشان مي کنيم در انصورت نه فريادرسي خواهند داشت و نه کسي که نجاتشان دهد (43) مگر رحمتي از جانب ما بفريادشان برسد که تا مدتي برخوردار شوند} (44)

**و هنگاميکه به آنان گفته شود درباره آنچه در آينده خواهید داشت و از** (نتایج) **آنچه در گذشته کرده ايد پروا کنيد شايد مورد رحمت واقع شويد** (ناراحت ميشوند) **(45)** {و هيچ آيه اي از آيات پروردگارشان به آنان نميرسد مگر اينکه از آن روگردانند} (46) **و هنگامي که به آنان گفته شود از آنچه خداوند روزيتان کرده بخشش کنيد کافران به مومنان مي گويند آيا کسي را غذا دهيم که اگر خدا مي خواست خودش غذايش ميداد؟ جز اين نيست که شماها در گمراهيي آشکاريد (47)**

**و ميگويند اين وعده** (قيامت که صحبتش را مي کنيد) **کي است اگر راست ميگوييد؟(48)** **{**منتظر چيزي نيستند جز یک فریاد (مرگبار) که در همان حال که دارند بگو مگو مي کنند، فراگيرشان شود (49) که نه (فرصت خواهند داشت) وصيتي کنند و نه بسوي اهل خويش برگردند (50) و در آن شيپور دميده شود و آنها فورأ از قبرهاشان بسوي پروردگارشان بتندي روان مي شوند (51) ميگويند واي بر ما چه کسي ما را از خوابگاه مان برانگيخت؟ {{اين همان وعده خداوند است و فرستادگان نيز راست گفتند}} (52) جز فرياد بلندي نخواهد بود و آنها ناگهان همگي در نزد ما احضار خواهند شد (53) [خطاب ميشود] امروز به هيچ کس ظلمي نميشود و جزائي نداريد مگر آنچه که انجام ميداديد (54) البته بهشتيان در آن روز مشغوليت هاي لذت بخشي خواهند داشت (55) خودشان و همسرانشان در سايبانهائي بوده و بر تخت هائي تکيه خواهند زد (56) در آنجا ميوه هائي، و نيز آنچه بخواهند برايشان فراهم خواهد بود (57) (ونیز) سلامي از جانب پروردگار مهربان (58) [ آنگاه به برخی خطاب میشود] اي گناهکاران اينک (از ساير مردم) جدا شويد (59) اي آدميان! مگر قرار نبود پيروي شيطان نکنيد که او دشمن آشکارتان است؟ (60) و اينکه (فقط) مرا اطاعت کنيد که جاده مستقيم همين است؟ (61) و البته (شيطان) گروههاي زيادي از شما را گمراه کرد آيا تعقل نمی­کردید؟(62) اين همان جهنمي است که به شما وعده داده ميشد (63) امروز بسبب کفري که ميورزيديد به آن درآئيد (64) امروز بر دهانهايشان مهر ميزنيم و دستهايشان با ما سخن ميگويند و پاهايشان گواهي ميدهند که چه انجام ميداده اند**}**(65)

**و اگر ميخواستيم ، چشمهاشان را از بين ميبرديم و در آنصورت اگر ميخواستند به سوي جاده مطمئن بشتابند ، نميتوانستند (66) و نيز اگر ميخواستيم در همان موقعيتي که بودند مسخ شان ميکرديم که نه راه پيش و نه پس داشته باشند (67)**{ و کسي را که عمر طولاني به او ميدهيم ، از لحاظ خلقت ، واژگونه اش مي کنيم آيا تعقل نميکنند؟} (68) {و به او شعر نياموختيم ودرخور او هم نيست . آن چيزي نيست جز پندي و خواندنيي روشن (69) تا هر كه را که زنده است هشدار دهد و آن حكم بر کافران فرود آيد} (70) **آيا نديديد که ما بدست خويش براي آنها چارپاياني آفريديم که مالک آنها ميشوند؟ (71) و آنها را رامشان کرديم . پس هم از آنها سواري ميگيرند و هم از آنها ميخورند (72) و در آنها منافع و نوشيدني هائي دارند آيا شکر نميگزارند؟ (73)**

**و غير از خداوند خداياني برگرفتند شايد ياري شوند (74) آنها نميتوانند اينها را ياري کنند اما اينها خودشان سرباز حاضر بخدمت آنها ميشوند (75) پس سخن آنها اندوهگينت نکند ما خودمان آنچه را که آشکار يا پنهان ميکنند ميدانيم(76)**

**آيا انسان نميداند که او را از نطفه اي آفريده ايم که چنين آشکارا دشمني ميکند؟(77)** {و براي ما مثلي ميزند و ميگويد چه کسي استخوان پودر شده را زنده ميکند؟} (78) بگو همان کسي که اول بار زنده اش کرده و او بر هر آفرينشيداناست (79)همو که از درخت سبز برايتان آتش قرار داد و شما آنرا برمي افروزيد (80)  **آيا کسي که آسمانها و زمين را آفريده ، قادر نيست مانند آنها را بيافريند؟ بلي و همو آفريننده اي بسيار داناست (81) امرش وقتي که اراده چيزي کند گويد باش پس** **ميشود (82)** **پس منزه است کسي که سررشته همه چيز بدست اوست و بسوي او باز ميگرديد (83)**

**سوره شوری**

|  |
| --- |
| **درس: نکوهش کافران، که عليرغم اتمام حجت ومحاط بودن در لطف و رحمت الهي، لجبازانه به کفر خويش ادامه مي دهند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حم (1) عسق (2) چنين وحي ميکند خداوندِ عزيزحكيم بسويت و بسوي کساني که قبل از تو بوده­اند (3)**

**آنچه در آسمانها و زمين است از ان اوست و همو والامرتبه بزرگ است (4) نزديک است آسمانها از بالاي آنها بشکافند و ملائكه به ستايش پروردگارشان تسبيح ميگويند و براي زمينيان استغفار ميکنند . بدانيد خداوند آمرزنده مهربان است (5) آنانکه غير از او سرپرستاني برگرفته اند ، خداوند مراقب آنان است ، و تو مسئول آنها نيستي(6)**

**وچنین به تو قرآني داراي زبان روشن وحي کرديم تا مردم مرکز و اطراف آن را هشدار دهي ، و نيز از روز جمع شدن که شکي در آن نيست و اينکه عده اي در بهشت و عدّه اي در آتش سوزان خواهند بود** (خبردارشان کنی) **(7)** {و اگر خدا ميخواست همه را يکجور قرار ميداد (وليکن اينطور نيست) تا هرکس را که بخواهد در رحمتش داخل کند و ظالمان هيچ سرپرستي و ياوري نخواهندداشت (8) آيا غير از خداوند سرپرستاني برگرفته اند؟ حال آنكه خداوند خودش سرپرست واقعي است و همو مردگان را زنده ميکند و هموست که بر هر چيزي تواناست (9) و اگر درباره چيزي اختلاف کرديد ، حکمش نزد خداست (بگو) اين همان خداست که پروردگار من است و بر او توکل ميکنم و بسوي او باز ميگردم (10) آفريننده آسمانها و زمين است . از جنس خودتان برايتان همسراني قرار داد و چارپايان را نيزجُفت هايي (قرار داد) شما را در آن (جهان) آفريده . چيزي مانند او نيست و همو شنواي بيناست (11) کليد هاي آسمانها و زمين از آن اوست. براي هر کس که بخواهد روزي را ميگشايد يا به اندازه ميدهد که او بر هر چيزي داناست} (12) **از ديانت ها براي شما تشريع کرد ، آنچه را که نوح را به آن سفارش کرد ، و چيزي را که به تو وحي نموديم ، و آنچه را که به ابراهيم و موسي و عيسي سفارش کرديم ، که دين را بپا داريد و درباره آن به تفرقه نگرائيد .** {براي مشرکان گران است آنچه را که بسويش ميخوانيد . خداوند هر که را خواهد بسوي خويش برميگزيند و کسي را که توبه و بازگشت کند بسوي خويش هدايـت ميکند} (13) **و متفرق نشدند مگر پس از اينکه آن علم بسويشان آمد به خاطر «تجاوز»ی که به يکديگر ميورزيدند و اگر اينطور نبود که کلمه اي از جانب پروردگارت قبلا صادر شده بود که تا سرآمدي معين مهلت داشته باشند ، البته حتما نابود ميشدند و آنان که بعد از آنان کتاب را به ارث بردند ،** (در اثر عمل آنان) **در شکي گمراه کننده افتادند (14)**

{پس به اين خاطر دعوت کن و آنچنانکه مأمور شده اي استقامت کن و اميال آنان را پيروي مکن و بگو به هر کتابي که خداوند فرو فرستاده ايمان آورده ام و مأمورم که بين شما عدالت کنم . خداوند پروردگار ما و شماست . اعمالمان براي ما و اعمال شما براي خودتان است و هيچ حجتي (تمام نشده) بين ما و شما نيست . خداوند ما را گرد مي آورد و سرانجامِ (همه چيز) بسوي اوست} (15) {{و آنانکه درباره خداوند ، پس از اينکه دعوت وي پذيرفته شد مجادله ميکنند ، دليلشان نزد پروردگارشان زايل است و غضبي عليه آنهاست و عذابي شديد دارند}} (16)

**خداوند است که کتاب را به حق و نيز ترازو را فرستاد و چه ميداني شايد قيامت نزديک باشد (17)** {آنها که به آن ايمان ندارند راجع به آن عجله ميکنند ، و اما آنها که ايمان دارند ميدانند حق است و از آن دلهره دارند} {{البته آنها که درباره قيامت بحث و جدل ميکنند در گمراهيي دور هستند}} (18) **خداوند به بندگانش لطيف است . هر که را خواهد روزي ميدهد و همو قوي عزتمند است (19)**

**هر کس که کشت آخرت را بخواهد در کشت او زيادت ميدهيم و هر کس که کشت دنيا را بخواهد از آن به او ميدهيم و در آخرت هيچ نصيبي نخواهد داشت (20)** { آيا شرکائي دارند که برايشان خلاف آنچه خداوند ميگويد ديني تشريع کرده اند؟ و اگر حكم فيصله بخش سابق نبود حتمأ بين آنها قضاوت ميشد و البته ظالمان عذابي دردناک خواهند داشت (21) ظالمان را خواهي ديد که از (نتيجه) آنچه بدست آورده اند نگرانند و البته همان بر آنها واقع ميشود و دارندگان ايمان و عمل صالح در باغهاي بهشتي خواهند بود و نزد پروردگارشان آنچه بخواهند خواهند داشت . اين همان فضل بزرگ است} (22) **اين همان چيزيست که خداوند مژده اش را به بندگانش که ايمان و عمل صالح دارند ميدهد . بگو مزدي از شما نميخواهم جزدوستي درباره آن نزديکان .** {و اگر کسي نيکيي کند ، در آن نيکي ميافزائيمش که خداوندآمرزشگرشکرگزار است} (23) **يا اينکه ميگويند بر خدا افترا بسته ، اگر خدا بخواهد بر قلبت مهر ميزند ، و خداوند باطل را محو و حق را بوسيله کلماتش محقق ميکند . البته او به آنچه در دلها ميگذرد آگاه است (24)**

**و هموست که توبه را از بندگانش ميپذيرد و از بدي ها درميگذرد و ميداند چه ميکنيد (25) و آنان را که ايمان و عمل صالح دارند اجابت نموده و از فضل خويش برایشان می افزاید و کافران عذابي شديد خواهند داشت (26)** {و اگر خداوند روزي را بر بندگانش گشاده گرداند حتمأ در زمين طغيان مي کنند وليکن به اندازه اي که بخواهد فرو ميفرستد که او به بندگانش آگاه بيناست} (27)**و هموست که پس از نوميدي مردم باران را فرو ميفرستد و رحمتش را پخش ميکند و همو دوست و سرپرست ستوده است (28) و از نشانه هايش آفرينش آسمانها و زمين است و آنچه از جنبندگان که در آندو گسترانيد و همو هر وقت که بخواهد نسبت به جمع کردن آنها تواناست (29)** {و آنچه به شما اصابت کند نتيجه اعمال خودتان است و بسياري را هم عفو ميکند (30) و شما در زمين نميتوانيد (خداوند را) عاجز کنيد و غير از خداوند سرپرست و ياريگري نداريد} (31) **و از نشانه هاي اوست** (کشتي هاي) **حرکت کننده در دريا که مانند کوه هاست (32) اگر بخواهد باد را ساکن ميکند و آن** (کشتي) **ها بر روي آن ساکن ميمانند . در اين براي هر صبر پيشه شکر گذاري نشانه هائيست (33) يا بسبب آنچه کرده اند نابودشان ميکند و خيلي را هم عفو مينمايد (34) و تا آنهائي که در آياتمان جدال ميکنند بدانند گريزگاهي ندارند (35)**

**آنچه به شما داده شده ، متاع زندگي دنياست و آنچه نزد خداست** {براي آنانکه ايمان آورده و به پروردگارشان توکل ميکنند} **بهتر و پايدارتر است (36)** {و همانها كه از گناهان بزرگ آبروريز دوري ميكنند و چون غضب كنند در مي گذرند (37) و آنانکه پروردگارشان را اجابت ميکنند و نماز بپا ميدارند و امرشان بصورت شورا در بينشان انجام ميشود و از آنچه روزي شان كرده ايم انفاق ميکنند (38) و آنانکه وقتي ظلمي به آنها ميرسد از يکديگر ياري مي طلبند} (39) {{و جزاء بدي، بد يي است مثل آن ؛ پس کسي که بخشيد و اصلاح کرد پاداشش بر عهده خداوند است که او ظالمان را دوست ندارد (40) و البته کسي که بعد از ظلمي که به او شده ياري طلبد گناهي ندارد (41) گناه بر کساني است که به مردم ظلم نموده و در زمين به ناحق سركشي ميکنند که عذابي دردناک خواهند داشت (42) و البته کسي که صبر کند و ببخشد ، اينها از خصال بزرگ است}} (43)

{و کسي که خدا گمراهش کند هيچ دوست و سرپرستي ندارد} **و هنگامي که ظالمان عذاب را ببينند مي بيني که خواهندگفت آيا راه برگشتي هست؟ (44) و مي بيني در حاليكه از خواري خاكسارند بر آن** (آتش) **عرضه ميشوند و در آن حالت با گوشه چشم به آن مينگرند و مومنان ميگويند زيانكار واقعي كساني هستند که خودشان و اهلشان را در قيامت به ضرر دچار کرده اند .** [خطاب میشود که ] **بدانيد ظالمان در عذابي دائمي خواهند بود (45) و هيچ دوست و سرپرستي غير از خدا ندارند**  {و کسي را که خدا گمراه کند راهي براي او نيست} **(46) خدايتان را اجابت کنيد قبل از اينکه روزي برسد که از** (حکم) **خدا بازگشتي نيست . آنروز نه پناهگاهي داريد و نه ميتوانيد انکاری کنيد (47)**

**پس ، اگر روي برگردانند تو را مسئول آنها نفرستاديم . بر عهده تو فقط ابلاغ است. وقتيکه به انسان رحمتي از جانب خويش مي­ چشانيم شاد ميشود و اگر بديي به سبب آنچه قبلا انجام داده اند به آنان برسد بسيار کفران پيشه خواهند شد (48)**

**فرمانروائي آسمانها و زمين از آن خداست . آنچه بخواهد مي آفريند . به هر كه خواهد دختر و به هر که خواهد پسر ميدهد (49) يا هر دو پسر و دختر را با هم ميدهد و هر كه را خواهد عقيم ميکند که او داناي برنامه ریزاست (50)**

{و هيچ بشري را نميرسد که خدا با او تکلم کند مگر اينکه بصورت وحي يا از پشت پرده اي باشد يا فرستاده اي بفرستد و (آن فرستاده) به او به اذنش آنچه خواهد وحي کند که او والامرتبه حکيم است} (51) **و چنين است که روحي از امر خويش را بسوي تو وحي کرديم . تو نميدانستي کتاب چيست و ايمان چيست وليکن آنرا نوري قرار داديم که بوسيله آن هر کس از بندگان خويش را که بخواهيم هدايت ميکنيم و البته تو بسوي جاده اي مستقيم هدايت ميکني(52)** {جاده خدائي که آنچه در آسمانها و زمين است از آن اوست . بدانيد که سرانجام همه امور بسوي خداست} (53)

**سوره سباء**

|  |
| --- |
| **درس: اي پيامبر! اينک که کافران قوم تو مانند گذشتگان دچار کفران نعمت و تکذيب مي باشند چنين کن و چينن بگو و موفق خواهي شد.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ستايش خدائي را سزاست که آنچه در آسمانها و زمين است از آن اوست و در آخرت هم ستايش مخصوص اوست و همو فرزانه آگاه است (1) نسبت به آنچه در زمين فرو ميرود و آنچه از آن بيرون مي آيد و آنچه از آسمان نازل ميشود و آنچه بسوي آن بالا ميرود علم دارد و همو آمرزنده مهربان است (2)**

**کافران ميگويند قيامت بر ما نمي آيد . بگو آري . قسم به پروردگارم كه مي آيد.** {(همان پروردگاري) که داناي غيب است و هيچ چيز حتي اگر به خردي ذره اي هم باشد، چه در آسمانها و چه زمين ، و حتي کوچکتر و بزرگتر از آن ، از او پنهان نيست} (3) **تا مومنان و صاحبان اعمال شايسته را پاداش دهد که آمرزش و روزيي گرامي خواهند داشت (4) و آنهائي نيز که سعي کردند جلوي پيشرفت آيات ما را بگيرند عذابي پليد دردناک خواهند داشت (5)** {صاحبان علم ، آنچه را که از سوي پروردگارت بتو نازل شده حق مي بينند ، و اينکه بسوي راه (خداي) پيروزمند پسنديده هدايت مي کند } (6) **و کافران ميگويند ميخواهيد کسي را به شما نشان دهيم که ميگويد پس از اينکه** (بعد از مرگ) **پاره پاره شديد ، دوباره به خلقت جديدي در مي آئيد؟(7)**{آيا به خدا افترا مي بندد يا ديوانگيي در او راه يافته؟ (نه) بلکه کساني که به آخرت ايمان ندارند در عذاب و گمراهيي دور ميباشند (8) آيا آنچه را از آسمان و زمين که پيش رو و پشت سرشان است نمي بينند که اگر بخواهيم زمين را زير پايشان مي شکافيم و ياقطعه ای از آسمان را برسرشان مي کوبيم؟ البته در اين موضوع براي هر بنده توبه کننده اي نشانه ايست}(9)

**و البته از جانب خويش فضلي به داود داديم . اي کوه ها واي پرندگان! با او همنوا شويد و آهن را برايش نرم کرديم (10) که زره بساز و حلقه هاي آن را اندازه گيري کن و عمل صالح بجا آوريد . البته به آنچه ميکنيد بينا هستم (11) و به سليمان** (نيروي) **باد را داديم که صبح مسافت يکماه را ميرفت و عصر نيز . و چشمه قير را براي او جاري ساختيم و از جنيان کساني به اذن پروردگارش در مقابل او کارگري ميکردند و** (مقرر کردیم که) **هر کدام که از امر ما منحرف شود عذابي سوزان به او مي چشانيم (12) براي او محراب ها و مجسمه ها و کاسه هائي چون حوض و ديگهاي ثابت در زمين ميساختند . اي آل داود شکر کنيد و بندگان شکرگزارم چه کم هستند (13) و وقتيکه مرگ را بر او مقرر کرديم هيچکس خبر از مرگ او نداد مگر آن موريانه که عصايش را خورد و او به زمين افتاد و آنگاه جنيان فهميدند که اگر غيب ميدانستند در عذاب خوار کننده به سر نمي بردند (14)**

**البته براي قوم سباء در سکونتگاهشان نشانه اي بود . دو باغ در راست و چپ.** [از رحمتخویش چنین مقرر کردیم که ] **از روزي پروردگارتان بخوريد و شکرش بگزاريد . شهري دلپسند و پروردگاري آمرزشگر (15) ولي روي گرداندند و ما نيز سيل بنيان كن را فرستاديم و دو باغشان را به دو باغ که جز خوراکيي تلخ ، و گياه ، و مختصري سدر ، نمي روياند ، بدل كرديم (16) بسبب کفرانشان اينگونه مجازاتشان كرديم و مگر کسي غير از کفران پيشگان را مجازات مي کنيم؟ (17) و بين آنها و شهرهائي که در آنها برکت قرار داده بوديم ، شهرهائي جديد بوجود آورديم ، و مسافرت بين آنها را به اندازه کرديم** [و چنین مقرر کردیم که] **چه شب باشد و چه روز با امنيت در آنها سفر كنيد (18) اما گفتند پروردگارا بين سفرهاي ما دوري بيانداز و بدين گونه بر خويش ظلم کردند . پس آنها را تبديل به داستانهائي کرديم و كاملاً متفرق شان نموديم . و البته در اين براي هر صبر پيشه شاکري نشانه هاست (19) شيطان گمانش را درباره آنها راست يافت و آنها هم-**{ غیر از عده اي از مومنان}**- پيرويش کردند (20)** {البته هيچ تسلطي برآنان نداشت ، مگر اينکه معلوم کنيم چه کسي به آخرت ايمان دارد و چه کسي درباره آن در شک است} **و پروردگارت بر هر چيزي نگهبان است (21)**

**بگو کساني را که به خيال خود غير از خداوند به خدائي گرفته ايد در آسمانها و زمين به وزن ذره اي نيز مالک چيزي نيستند و در آندو در هيچ چيز شراكتي نداشته و از جانب خداوند نيز هيچ پشتيبانيي ندارند (22) و نزد او هيچ شفاعتي فايده اي ندارد مگر کسي که خودش اجازه داده باشد ،** {تا آنکه (پس از اینکه مومنان در قیامت) اضطرابشان برطرف شود ، آنگاه (بعضي از بعضي) ميپرسند پروردگارتان چه گفت؟ ميگويند حق گفت و او بلند مرتبه والاست} **(23) بگو چه کسي است که از آسمانها و زمين روزيتان ميدهد؟ بگو خدا . و ما يا شما چه هدايت يافته و چه در گمراهيي آشکار باشيم (24) بگو نه شما مسئول جرائم ما ميباشيد و نه ما مسئول اعمالتان خواهيم بود (25) بگو پروردگارمان است که ميانمان اجتماع برقرار ميکند ، آنگاه به درستي بين ما داوري مي نمايد و او جدا کننده اي داناست (26) بگو آن شرکائي را که به او چسبانده ايد نشانم دهيد . نه !** (شریکی ندارد) **بلکه او خداوند پيروزمند حکيم است (27) و تو را جز بعنوان مژده دهنده و هشدار دهنده براي کليه مردم نفرستاده ايم وليکن اکثر مردم نميدانند (28) و ميگويند اين وعده** (قيامت) **چه وقت است اگر راست ميگوئيد (29) بگو وعده گاه تان روزيست که نه ساعتي عقب و نه جلو مي افتد (30)**

**و کافران ميگويند هرگز به اين قرآن ايمان نخواهيم آورد و نه به آنچه که قبل از آن بود . و کاش ظالمان را وقتي که نزد پروردگارشان بازداشت باشند ميديدي که چگونه با يكديگر گفتگو ميكنند و مستضعفان به مستکبران ميگويند اگر شما نبوديد ما مومن بوديم (31)** {مستکبران ميگويند آيا ما شما را از هدايت ، وقتيکه بسويتان آمد ، جدا کرده بوديم؟ (نه) بلکه خودتان مجرم هستيد (32) مستضعفان ميگويند (نه) بلکه آن توطئه هاي شبانه روزي شما که ما را به طرف کفر نسبت به خداوند و قرار دادن همتايان براي او مي راند، باعث اين شد . و وقتيکه عذاب را ببينند پشيماني خويش را آشكار ميکنند و زنجيرها را به گردن کافران مي اندازيم . آيا جز جزاي اعمال خويش را مي بينند؟} (33)

**و در هيچ شهري هشدار دهنده اي نفرستاديم مگر اينکه هوسرانانشان گفتند نسبت به آنچه که براي آن فرستاده شده ايد کافريم (34)** وگفتند ما از لحاظ مال و اولاد بيشتريم و عذاب نخواهيم شد (35) بگو پروردگارم روزي هر کس را که خواهد فراخ يا تنگ ميگرداند وليکن اکثر مردم نميدانند (36) واموال و اولاد شما مايه تقرب شما نزد ما نيست . مگر اينکه کسي ايمان و عمل صالح داشته باشد که آنها بسبب اعمالشان پاداش مضاعف خواهند داشت و در غرفه هائي ايمن خواهند بود (37) **و آنانکه توطئه مي کنند که جلوي پيشرفت آياتمان را بگيرند البته در عذاب بازداشت خواهند گرديد (38)** {بگو پروردگارم براي هر کدام از بندگانش که خواهد روزي را گشاده يا تنگ ميگرداند و آنچه که انفاق کنيد همو جايگزينش ميکند و همو بهترين روزي دهنده است} (39)

**و روزي که همگي را گرد آورد ، به ملائکه خطاب خواهد نمود آيا اينها شما را عبادت ميکردند؟(40)** {ميگويند خداوندا منزهي . خودت تنها سرور مائي. بلکه آنها جنّيان را عبادت ميکردند و اکثرشان به آنها اعتقاد داشتند} (41) [به آنان خطاب خواهد شد] **امروز بعضي از شما براي بعضي ديگر نه نفعي خواهد داشت و نه ضرري** [و به ظالمان خواهيم گفت] **بچشيد عذاب آتشي را که تکذيبش ميکرديد (42)**

**و هنگامي که آيات روشن کننده ما بر آنها خوانده ميشد ميگفتند جز اين نيست که مرديست كه ميخواهد شما را از آنچه پدرانتان عبادت ميکردند باز دارد و ميگفتند اين چيزي نيست مگر دروغي که افترا زده ميشود و وقتي که حق بسويشان آمد ، ميگفتند اين چيزي جزء جادوئي آشکار نيست (43) با اينکه کتابي براي آنها نفرستاده بوديم تا درسش را خوانده باشند و قبل از تو نيز هشدار دهنده اي بسويشان نفرستاده بوديم (44) و كساني که قبل از اينان هم بودند تکذيب نموده بودند و اينها به يک دهم** (نيروي) **آنان نيز نرسيده اند و پيامبرانم را تکذيب کرده اند . پس** (بنگر)**كيفرم چگونه بوده؟ (45)**

**بگو جز اين نيست که شما را به يک چيز سفارش ميکنم : چه تکي و چه دو نفري براي خدا بپاخيزيد و آنگاه فکر کنيد . مصاحب شما هيچگونه ديوانگيي ندارد . او کسي نيست جز هشدار دهنده اي که شما را به عذابي که در مقابلتان است هشدار ميدهد (46) بگو اگر از شما مزدي خواستم مال خودتان باشد . مزدم جز بر عهده خداوند نيست و همو بر همه چيز گواه است (47) بگو پروردگارم حق را** (بالاخره) **به کرسي مي نشاند** (همانكه) **داناي نهان هاست (48) بگو حق آمد و باطل نه چيزي را شروع و نه اعاده مي کند (49) بگو تازه اگر گمراه هم باشم جز اين نيست که ضررم متوجه خودم است . اما اگر هدايت يافته باشم به سبب وحي پروردگارم است که او شنواي نزديک است (50)**

**و كاش ميديدي که چگونه مضطربند و راه گريزي نيست و از جائي نزديک دستگير ميشوند (51)** {و پس از دستگيري ميگويند به آن ايمان آورده ايم . ولي چگونه ميتوانند از مکاني دور آن (ایمان) رابدست بیاورند ( 52) در حاليکه قبلا به آن کفر ورزيده بودند و از جائي دور تير به تاريكي رها ميکردند؟ (53) و آنگاه بين آنها و بين چيزهائي که آرزويش را دارند حايل افکنده ميشود . چنانکه قبلا نيز با همگنان پیشین آنها همين رفتار شد . آنان هم در شکي سخت بودند} (54)

مرحله ششم

**افزایش فشارها**

**و**

**دلداری خداوند**

**به پیامبر و مومنان**

**سوره مومنون**

|  |
| --- |
| **درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.** |

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**البته مومنان رستگار شدند (1)** {همانها که در نمازشان فروتن اند (2) و همانها که از چيزهاي بيهوده رو بر ميگردانند (3) و همانها که انجام دهنده زکاة اند (4) و همانها که راجع به آميزش جنسي خويشتندارند (5) {{مگر در خصوص همسرانشان يا مملوکانشان که درخور سرزنشي نیستند(6) و اگر کسي بيش از اين بخواهد تجاوز کار است}} (7) و همانها که عهد و امانت را رعايت مي کنند (8) و همانها که مواظب نمازهاي خويش ميباشند} (9)  **آنها همان وارثانند (10) که فردوس را ارث ميبرند و در آن جاودانند (11)**

**والبته** (همه) **انسان** (ها) **را از خلاصه اي از گِل آفريديم (12) سپس او را در جايگاهي نگهدارنده ، نطفه اي نموديم (13) سپس آن نطفه را علقه اي و آن علقه را مضغه اي و آن مضغه را استخواني نموديم و بر آن استخوان نيز گوشتي پوشانديم . آنگاه آن را به حالت آفرينش نهايي ساختيم** {پس [ توجه داشته باشید که] بسیار پر منفعت است (نسبت به شما) خداوند که بهترين آفرينشگر است } (14)  **آنگاه شماها پس از آن خواهيد مرد (15) آنگاه شماها روز قيامت حتمأ برانگيخته خواهيد گردید (16)**

**و البته بالا سرتان هفت راه آفريديم** {و هرگز از آفريدگان غافل نبوده ايم } (17) **و از آسمان آبي به اندازه فرستاديم و آن را در زمين جاي داديم** {و البته به از بين بردن آن توانائيم } (18)  **و بوسيله آن براي شما باغهايي از خرماها و انگورها درست کرديم که در آن ميوه هاي زيادي دارید و از آنها مي­خوريد (19) و درختي که از طور سيناء مي­رويد که براي خورندگان روغن و خورش دارد (20) و البته در خصوص چارپايان نيز** {برايتان عبرتي است} ، **از آنچه در شکمهايشان است به شما مي­نوشانيم و در آنها منافع زيادي داريد و از آنها ميخوريد (21) و بر آنها و بر کشتي سوار مي­شويد (22)**

**و نوح را بسوي قومش فرستاديم و گفت اي قوم خدا را عبادت کنيد که هيچ معبودي غير از او نداريد . آيا پروا نمي کنيد؟ (23) پس بزرگان کافران قومش گفتند اين جز بشري مثل شما نيست که ميخواهد بر شما برتري يابد و اگر خدا ميخواست حتمأ فرشتگاني ميفرستاد . راجع به اين از نياکان خويش چيزي نشنيده ايم (24) جز اين نيست که به جنون مبتلا شده لذا تا مدتي با او سر کنيد (25) گفت پروردگارا راجع به اينکه تکذيبم کردند ياريم فرما (26) پس به او وحي کرديم که زير نظرمان و بر اساس وحيمان آن کشتي را بساز . و وقتي که امر ما آمد و آن تنور فوران کرد ، خانواده خود واز هر نوعي** (از حيوانات) **دو جفت به داخل آن ببر ، غير از آنانکه آن قول بر آنان رفته ، درباره ظالمان مرا مخوان که آنها حتمأ غرق خواهند شد (27) پس هنگامي که خودت و همراهانت در کشتي مستقر شديد بگو سپاس خداوندي را سزاست که ما را از قوم ظالمان نجات داد (28) و بگو پروردگارا ما را به منزل پربرکتي فرود آر که تو بهترين فرود آورنده اي (29) در اين ، البته ، حتمأ نشانه بزرگی هست و ما البته مورد ابتلا واقع نشده ایم** (بلکه ما هستیم که گناهکاران را مبتلا میکنیم) **(30)**

**سپس ، بعد از آنها ، قومي ديگر بوجود آورديم (31) و رسولي از خودشان به ميانشان فرستاديم** [که می گفت] **خداوند را عبادت کنيد که خدائي غير از او نداريد آيا پروا نميکنيد؟ (32) و بزرگاني از قوم او که کافر بودند و ديدار آخرت را تکذيب مينمودند و در زندگي اين جهان نيز به آنان رفاه داده بوديم ميگفتند اين جز بشري مانند خودتان نيست . همان چيزي را ميخورد که شما ميخوريد و همان چيزي را مينوشد که شما مينوشيد (33) و اگر شما اطاعت بشري مثل خودتان را کنيد در آن صورت حتما زيانکار خواهيد بود (34) آيا وعده تان ميدهد که وقتي مرديد و خاک و استخوان شديد دوباره** (براي زندگي مجدد) **بيرون خواهيد آمد؟ (35) چيزي که وعده تان ميدهد چه بسيار دور است (36) زندگي فقط همين زندگي دنياست که زندگي ميکنيم و ميميريم و برانگيخته نخواهيم شد (37) اين مرد کسي نيست جز اينکه بر خداوند دروغ مي بندد و ما باورش نداريم (38)** [ آنرسول گفت] **گفت پروردگارا د رمورد تکذيبي که ميکنند ياريم کن (39)** (خداوند در جواب) **گفت به همين زوديها به سختي پشيمان خواهند گرديد (40) پس آن صداي مهيب ناگهاني به حق بگرفتشان و آنگاه آنها را مانند خاشاک نموديم . پس دور باد قوم ظالمان از آن** (رحمت الهي) **(41) سپس بعد از آنها اقوامي ديگر بوجود آورديم (42)** {هيچ قومي از سرآمد خويش نه جلو مي افتد و نه از آن عقب ميماند} **(43) آنگاه رسولانمان را يکي پس از ديگري فرستاديم . هرقومي که رسولشان بسويشان آمد تکذيبش کردند و ما نيز آنها را** (نابود کرده و) **پي اقوام قبلي فرستاديم و تبديل به داستانهاي گذشتگان گرديدند . پس دور باد مردم بي ايمان از آن** (رحمت الهی) **(44)**

**سپس موسي و برادرش هارون را با آياتمان و دليلي آشکار فرستاديم (45) بسوي فرعون وسركردگانش . و گردن فرازي ميكردند و** (خود را) **قومي بلند مرتبه قلمداد نمودند (46) و گفتند آيا ما به دو نفر بشر مانند خودمان ايمان بياوريم؟ آنهم در صورتيکه قوم آنها ما را بندگي ميکنند؟ (47) پس تکذيبشان کردند و از هلاک شدگان گرديدند (48) و ما البته آن کتاب را به موسي داديم شايد هدايت شوند (49) و پسر مريم و مادرش را نشانه اي قرار داديم و آنها را در سرزميني بلند که هموار وداراي چشمه سارهائی بود جاي داديم (50)**

**اي رسولان ! از چيزهاي پاکيزه بخوريد و عمل شايسته کنيد که من به آنچه ميکنيد دانايم (51) و اين مردم نيز** (که همه يکجورند) **امت شما هستند ، و من نيز پروردگارتان هستم ، پس ، از من پروا کنيد (52)** [ ای پیامبر ! بدان که آنها ] **امر خويش را بين خود قطعه قطعه کردند ، و هر گروهي به آنچه نزد خودشان بود دل خوش نمودند (53) لذا آنها را تا مدتي در گرفتاري شان واگذار (54)**

**آيا مي پندارند اينکه مال و فرزندانشان را زياد کنيم (55) در جهت نفعشان شتاب کرده ايم؟** (نه) **بلکه درک نمي کنند (56) همانا آنانکه به احترام پروردگارشان هراسانند ، (57) و آنانکه به نشانه هاي پروردگارشان ايمان دارند ، (58) و آنانکه با پروردگارشان شريک نمي گيرند ، (59) وآنانکه از آنچه داده شدند ميدهند و باز هم نگران روزي هستند که بسوي پروردگارشان باز ميگردند ، (60) آنها هستند که در جهت نفعشان شتاب کرده اند و بسوي آن سبقت ميگيرند (61)**

**و کسي را جز به اندازه ظرفيتش تکليف نمي کنيم و نزد ما کتابيست که به حق گوياست و ظلمي به آنان نخواهد شد (62) بلکه دلهاشان از اين موضوع غافل است و آنها اعمالي غير از آن دارند و به همانها مشغولند (63) وقتيکه هوسرانان شان را به عذاب گرفتيم ناگهان ناله و فرياد بلند ميکنند (64)** {[به آنان خطاب میشود] امروز ناله و فريادتان را بلند نکنيد زيرا از جانب ما ياري نخواهيد ديد (65) زيرا آياتم بر شما تلاوت ميشد و شما بر پاشنه هايتان برمي گشتيد (66) خود را بزرگ تر از آن ميدانستيد که به آن آيات توجه کنيد و (در مجالس) شبانه بيهوده ميگفتيد} (67)

**آيا در آن سخن دقت نکردند يا چيزي بسويشان آمده بود که بسوي نياکانشان نيامده بود؟ (68) يا اينکه رسولشان را نمي شناسند و با او بيگانه اند؟ (69) يا ميگويند ديوانگيي در او هست** (نه) **بلکه به حق بسويشان آمد و اکثرشان حق را خوش نميدارند (70) و اگر حق از هوسهاي آنان پيروي کند آسمانها و زمين و کساني که در آنها هستند تباه خواهند شد** (نه) **بلکه مايه پندشان را فرستاديم و آنها از پند خويش روگردانند (71) يا اينکه از آنها خرجي ميخواهي** (البته کهنميخواهي) **و خراج خدا بهتر است و همو بهترين روزي دهنده است (72)**

**و تو البته آنها را بسوي جاده محکمِ هموارِ مستقيم دعوت مي کني (73) و آنانکه به آخرت ايمان ندارند ازآن جاده منحرف ميشوند (74) و اگر به آنان رحم ميکرديم و ناراحتيي را که در آن بودند برطرف ميکرديم لج ميکردند و در طغيانشان فرو ميرفتند (75) و البته آنان را به عذاب هم گرفتيم ، در آن حالت نيز نه بسوي پروردگارشان مايل شدند و نه تضرع نمودند (76) تا اينکه بر آنان دري از عذاب شديد گشوديم که در آن وقت ديگر پژمرده شدند (77)**

**و هموست که براي شما گوش و چشمها و دلها قرار داد چه كم شکر مي گذاريد (78) و هموست که شما را در زمين پراکند و بسوي او محشور خواهيد شد (79) و هموست که زنده ميکند و ميميراند و جايگزيني شب و روزهم از اوست . آيا تعقل نمي کنيد (80)** (نه) **بلکه همان چيزي را ميگويند که قبلي ها گفتند (81)** (آنها هم می) **گفتند آيا وقتيکه مرديم وخاک و استخوان شديم ، برانگيخته ميشويم؟ (82) چه بما و چه به نياکان ما همين وعده داده شده . اين ها جز افسانه هاي پیشینیان نيست (83)**

**بگو اگر ميدانيد** (برايم توضيح دهيد) **زمين و هر کس که در آن است متعلق به کيست؟ (84)** {بزودي خواهند گفت متعلق به خداوند است} **بگو پند نمي گيريد؟ (85) بگو پروردگار آسمانهاي هفتگانه و پروردگار آن عرش بزرگ کيست؟ (86)** {بزودي خواهند گفت مال خداوند است}**بگو پروا نميکنيد؟ (87) بگو سررشته همه امور به دست کيست که پناه ميدهد و كسي عليه او پناهگاهي ندارد؟ (88)** {بزودي خواهند گفت مربوط به خداوند است} **بگو از کجا افسون شده ايد؟ (89)** (نه) **بلکه حق را به آنها ارائه کرده ايم و آنها دروغگويند (90)** {خداوند هيچ فرزندي برنگرفته و با او هيچ خدائي نيست {و اگر چنين بود، هر خدايي آفريده هاي خود را ميبرد، و بعضي از آنها بر بعضي ديگر برتري ميجستند} منزه است خداوند از آنچه توصيف ميکنند} (91) {داناي پيدا و نهان است و از آنچه با او شريک مي کنند بالاتر است} (92)

**بگو خدايا اگر آنچه را که به آنان وعده ميدهي بمن بنمائي ، (93) در آنصورت خدايا مرا جزء قوم ظالمان قرار مده (94) و البته ما قادريم آنچه را که به آنان وعده ميدهيم نشانت دهيم (95)** [پس] **بدي را بوسيله آنچه بهتر است دفع کن . ما بهتر ميدانيم آنها چه وصفي ميکنند (96) و بگو پروردگارا از بدگوئيهاي شياطين بتو پناه ميبرم (97) و از اينکه نزد من حاضر شوند نیز بتو پناه ميبرم (98)**

**و وقتيکه مرگ يکي شان سر ميرسد ميگويد پروردگارا برم گردان (99) شايد در آنچه بجا گذاشتم کار شايسته اي کنم** {[ هرگز]} **چنين نيست بلکه حرفي است که ميزنند و از پس آنها فاصله ايست تا روزي که برانگيخته مي شوند (100) پس آنگاه که در شيپور دميده ميشود بين آنها نه پيوندي خواهد بود و نه از يکديگر احوال می پرسند (101)** {پس هر کس که موازين او سنگين تر باشد رستگار خواهد بود (102) و هر کس که موازين او سبک باشد از کسانيست که خويش را به خسران افکنده و در جهنم جاودان خواهد بود} **(103) آتش صورتهايشان را برشته ميکند و در آن جا زشترو خواهند بود (104)** [ به آنها خطاب میشود] **آيا آياتم بر شما خوانده نشد؟ و تکذيبش نميکرديد؟ (105) ميگويند پروردگارا بدبختي مان بر ما غالب شد و ما گمراه بوديم (106) پروردگارا از آن خارجمان کن پس اگر** (بههمان کارها) **بازگشتيم ، پس** (ديگر واقعأ) **ظالم هستيم (107) گويد در آن گم شويد و با من سخن مگوييد (108)** (همان موقع که شما کفر ميورزيديد و به گناه مشغول بوديد) **عده اي از بندگانم ميگفتند پروردگارا ايمان آورديم ، ما را بيامرز، و بما رحمت روا دار، و تو بهترين مهربانان هستي (109) و شما آنها را به مسخره ميگرفتيد ، تا اينکه پندم را فراموش کرديد و به آنها مي خنديديد (110) امروز به آنان ، بسبب صبري که ميکردند ، پاداش ميدهم و آنها حتمأ كاميابند (111)** [ در این میان پرسشگری ] **گويد چند سال در زمين درنگ کرديد؟ (112) گويند روزي يا قسمتي از آن ، از شمارشگران بپرسيد (113)** [یکی دیگر] **گويد جز مقدار کمي درنگ نکرديد . کاش ميدانستيد (114)**

**آيا فکر کرده ايد شما را بيهوده آفريده ايم و بسوي ما بازنميگرديد؟ (115) والامرتبه است خداوند ، که فرمانرواي حق است ، خداوندي جز او نيست ، که پروردگار آن عرش ارجمند است (116) کسي که با خداوند خدائي ديگر را نيز بخواند ، دليلي براي آن ندارد و البته حساب او نزد پروردگارش است که او کافران را رستگار نمي کند (117) و بگو پروردگارا ، بيامرز و رحم کن که تو از همه مهربانتري (118)**

**سوره ابراهیم**

|  |
| --- |
| **درس: خداوند پيامبران و پيروانشان را پيروز و کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب ميکند.**  **درب: اي پيامبر! کارت درست است و مخالفانت در گمراهيند.** |

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**الف. ل. ر.** (این) **کتاب** (با عظمتی) **است که بسويت فرستاديم تا مردم را** {به فرمان پروردگارشان} **از تاريکيها بسوي نور بيرون آوري . بسوي جاده اي** (که) **به سوی آن پيروزمند ستوده** (است) **(1) همان خداوندي که آنچه در آسمانها و زمين است از آن اوست و واي بر کافران از عذابي شديد (2)** {همان کسانی که زندگيِ پست تر را بر آخرت ترجيح ميدهند و از راه خدا باز ميدارند و آنرا کج ميخواهند}  **آنها در گمراهيي دور ميباشند (3) و هيچ پيامبري را جز به زبان قومش نفرستاديم تا برايشان** (حقایق را) **بيان کند . پس خداوند هر که را خواهد گمراه ميکند و هر که را خواهد هدايت ميکند و همو پيروزمند فرزانه است (4)**

**و البته موسي را با آياتمان فرستاديم که قومت را از تاريکيها بسوي نور خارج کن ، و روزهاي خدا را به يادشان آر . که در اين البته براي هر صبر پيشه شکر گزاري آياتي است (5) و هنگاميکه موسي به قوم خويش گفت نعمتهاي خداوند را بر خويش بياد آوريد که شما را از فرعونيان نجات داد ، از همانها که بر شما عذاب سخت روا ميداشتند و پسرانتان را سر ميبريدند و زنانتان را زنده ميخواستند و در اينها از جانب پروردگارتان امتحاني بزرگ بود (6) و هنگامي که پروردگارتان اعلام کرد اگر شکر گزاري نموديد زيادتتان ميدهم و اگر کفران کرديد عذابم شديد خواهد بود (7) و موسي گفت اگر شما و هر که در زمين هست کفر ورزد البته خداوند بي نياز ستوده است (8)**

**آيا خبر کساني که قبل از شما بوده اند بسوي شما نيامده است؟** {خبر قوم نوح و عاد و ثمود و کساني که پس از آن ها بوده اند که جز خداوند کسي نمي شناسدشان؟} **که پيامبرانشان با دلايل روشن بسويشان آمدند و**(آنها) **دستهايشان را به دهانهايشان بردند و گفتند ما به آنچه شما راجع به آن فرستاده شده ايد کافريم ، و درباره آنچه که ما را به آن ميخوانيد در شک هستيم (9) پيامبرانشان گفتند آيا درباره خداوند که آفريننده آسمانها و زمين است شکي هست؟ که دعوتتان ميکند تا گناهانتان را ببخشد و تا مدتي معين مهلتتان دهد؟ گفتند شما جز بشري مانند ما نيستيد ، ميخواهيد ما را از آنچه پدرانمان عبادت ميکردند باز داريد . پس** (معجزه و) **دليلي روشن برايمان بياوريد (10) پيامبرانشان گفتند ما جز بشري مانند شما نيستيم و ليکن خداوند بر هر کس از بندگانش که خواهد منت ميگذارد و ما را نميرسد که برايتان** (معجزه و) **دليلي جز به فرمان خدا بياوريم و مومنان بايد بر خداوند توکل کنند (11) و ما را نميرسد که جز بر خدا توکل کنيم و البته راهمان را بما نشان داد ، اينك بر آنچه که شما آزارمان کنيد صبر خواهيم کرد و توکل کنندگان بايد به خدا توکل کنند (12) و کافران به پيامبرانشان گفتند يا به دين ما بر ميگرديد يا اينکه از سرزمينمان اخراجتان مي کنيم ولي** (خداوند) **بسوي آنان وحي کرد که البته ظالمان را هلاک خواهيم کرد (13) و شما را پس از آنان در آن سرزمين جاي خواهيم داد . اين براي کسي است که از مقامم و تهدیدم خوف دارد (14) و آنها بدنبال پيروزي بودند اما همه جباران ستيزه جو نابود شدند (15) از پس آن** (هلاکت) **جهنم است و در آن چرکابه اي خون آلود نوشانده ميشوند (16) جرعه جرعه از آن مينوشند و مايل نيستند با رغبت و به راحتي از آن بنوشند و از هر طرفي مرگ به سراغشان ميايد اما نميميرند و از پس آن عذابي پر غلظت خواهند داشت (17)**

**مثال اعمال آنانکه به پروردگارشان کافر شدند مانند خاکستري است که باد سختي در روزي طوفاني به آن بوزد ، نسبت به هيچ چيزي که کسب کرده اند قدرتي ندارند . اين همان گمراهي دور است (18)** {مگر نديدي که خداوند آسمانها و زمين را به حق آفريد؟ [ و اِی کافران ! ] اگر بخواهد شما را ميبرد و آفريدگاني جديد مي آورد} (19) {{و اين براي خدا دشوار نيست}} (20)

**و همگان در مقابل خداوند حاضر ميشوند وضعيفان به مستکبران ميگويند ما پيرو شما بوديم آيا شما چيزي ازعذاب خدا را از ما کفايت مي کنيد؟ ميگويند اگر خدا هدايتمان کرده بود ما نيز شما را هدايت ميکرديم . برايمان فرقي نمي کند که بيتا بي يا صبر کنيم . گريزگاهي نداريم (21) و وقتيکه کار از کار گذشت شيطان ميگويد خداوند به شما وعده حقي داد و من به شما وعده اي دادم که از انجام آن تخلف کردم و من بر شما تسلطي نداشتم ، مگر اينکه دعوتتان کردم و شما هم اجابتم کرديد ، پس مرا سرزنش نکنيد و خودتان را سرزنش کنيد . نه من فرياد رستان هستم و نه شما فرياد رس من هستيد . قبلا هم به آنچه شرک مي ورزيديد کافر بودم . ظالمان البته عذابي دردناک خواهند داشت (22) و آنان که ايمان آورده و عمل صالح انجام دادند داخل بهشت هائي ميشوند که نهرها از کف آن جاريست که در آن به فرمان پروردگارشان جاودانند و درود گفتنشان در آنجا «سلام » است (23**)

**آيا نمي بيني خداوند چگونه مثالي زد؟ کلمه خوب را به درخت خوب مثل زد که ريشه اش ثابت و شاخه هايش در آسمان است (24) در هر هنگام خوردني هايش را به فرمان پروردگارش مي آورد ، و خداوند براي مردم مثالها ميزند شايد پند گيرند (25) و کلمه بد مانند روئيدني بد است که از روي زمين درشت ميشود و قرار و استحکامي ندارد (26) خداوند مومنان را با قول ثابت در زندگي دنيا و در آخرت تثبيت مي کند و ظالمان را گمراه مينمايد و هر چه بخواهد ميکند (27**)

**آيا نمي بيني کساني را که نعمت خداوند را با نا سپاسي تغيير دادند و مردمشان را به ديار نابودي کشاندند؟ (28)** { به جهنمي که درون آن مي افتند و چه جايگاه بدي است} (29)  **و براي خداوند همتاياني قرار دادند تا مردم را از راهش گمراه کنند . بگو برخوردار شويد که سرانجامتان بسوي آتش است (30) به بندگان مومنم بگو که نماز بپا دارند و از آنچه روزيشان کرده ايم پنهان و آشکار انفاق کنند ، قبل از آنکه روزي بيايد که در آن نه معامله اي و نه دوستيي باشد (31)**

**خداوندي که آسمانها و زمين را افريد و از آسمان آبي فرستاد و بوسيله آن روزيي از ميوه جات برايتان روياند و کشتي را رامتان کرد که به امر او در دريا حرکت کند و نهرها را نيز به تسخير شما درآورد (32) و آفتاب و ماه را نيز که پيوسته در حرکتند ونيز و شب و روز را نيز رام شما نمود (33) و از هر چيزي که از او خواستيد به شما عطا کرد و اگر نعمتهاي خدا را بشماريد نخواهيد توانست . البته انسان ظلم پيشه بسيار ناسپاس است (34)**

**و هنگامي که ابراهيم گفت پروردگارا اين شهر را ايمن قرار ده و مرا و فرزندانم را از عبادت بت ها دور نگهدار (35) پروردگارا آنها بسياري از مردم را گمراه کرده اند ، پس هر کس که مرا پيروي کند از من است و هر کس که مرا نافرماني کند البته تو آمرزگار مهرباني (36) پروردگارا برخي از فرزندانم را در بياباني غير قابل کشت نزد خانه محترم تو سکونت داده ام ، تا نماز کنند . پروردگارا دلهاي مردم را بسوي آنان متمايل کن و از ميوه ها روزيشان ده شايد شکر بگزارند (37) پرورگارا آنچه را که مخفي يا آشکار کنيم ميداني و هيچ چيز چه در زمين يا در آسمان باشد از خداوند مخفي نمي ماند (38) سپاس خدا را سزاست که عليرغم پيري اسمعيل و اسحق را بمن داد که پروردگارم شنونده دعاست (39) پروردگارا مرا و از فرزندانم را بپا دارنده نماز قرار ده و دعايم را قبول فرما (40) پروردگارا مرا و والدينم را و مومنان را در روزي که حساب بر پا ميگردد بيامرز (41)**

**و مبادا خداوند را از آنچه ظالمان انجام ميدهند غافل پنداري ، جز اين نيست که** (جزاي) **آنها را تا روزي که چشمها خيره ميشوند به تأخير مي اندازد (42)** [ در آنروز] **گردنها کشيده ، چشمها به يک سو دوخته ، پلک نميزنند و دلهاشان خالي است (43) و مردم را از روزي بترسان که عذاب بر آنها بيايد و ظالمان گويند پروردگارا تا سرآمدي نزديک** (عذاب را) **از ما به تأخير بينداز که دعوتت را اجابت و رسولان را پيروي کنيم** [ به آنها جواب داده میشود] **آيا همين شماها نبوديد که قبلا قسم ميخورديد که زوالي نداريد؟ (44)** (و شما نبوديد که) **در مسکن هاي کساني که به خويش ظلم کردند ساکن شديد و برايتان روشن شد که ما با آنها چگونه معامله کرديم و برايتان مثالها زديم؟ (45)** [ به هر حال . . . ] **و توطئه شان را کردند و توطئه شان نزد خدا** (معلوم) **بود . البته مکرشان** (چنان بزرگ بود که گوئي) **کوهها با آن زايل شوند (46) پس مبادا خداوند را نسبت به وعده اي که به فرستادگانش داده ؛ بي توجه بپنداري . البته خداوند پيروزمند انتقامگير است (47)** [در ] **روزي که زمين مبدل به زميني غير از اين زمین شود** {و آسمانها }(هم به نظر آنهاهمينطور ) **و آنها در مقابل خداوند يگانه قهار قرار گيرند (48) و در آن روز مجرمان را بيني که در غل و زنجيرها باهمند (49) پيراهن هايشان از قير است و آتش چهره هايشان را فرا گرفته است (50) تا خداوند هر کس را بسبب آنچه که کسب کرده جزا دهد که خداوند تند حساب است (51)**

**اين پيام رسانيي براي مردم است ، و تا به وسيله آن هشدار داده شوند و نیز بدانند که جز اين نيست که همو خدائي است يگانه و نیزصاحبان خرد پند گيرند (52)**

**سوره اِسراء**

|  |
| --- |
| **درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**  **درب: ارائه بعضي آيات الهي به پيامبر براي گسترش ديد و دلداري او** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**منزه است کسي که بنده اش را شبانه از مسجدالحرام تا مسجدالاقصي** {که اطرافش را برکت داده ايم} **سِير داد تا بعضي از آياتمان را نشانش دهيم که او البته شنواي بينا است (1)**

**وبه موسي آن کتاب را داده و آنرا براي بني اسرائيل هدايتي قرار داديم** {که جز من تکيه گاهي مگيريد} (2) (آنها ) فرزندان کساني (بودند) که با نوح حملشان کرديم {که او بنده اي شکرگزار بود} (3)  **و درباره بني اسرائيل در آن کتاب مقرر کرديم که** [ای بنی اسرائیل] **حتمأ دوبار در زمين فساد مي کنيد و سركشي بزرگي خواهيد كرد (4)** [آنها بار اول به فسادپرداختند] **و وقتيکه موعد اولشان سر رسيد** [به آنها فهماندیم که] **بنده اي از بندگان خويش را عليه شما برگماشتيم که بسيار نيرومند است** [ و او بر اینها مسلط شد] **تا اينکه درون شهرهايشان را نيز جستجو کردند** {و اين وعده (قبلاً) انجام شده است} (5) {سپس شما را مجددأ بر آنها برگردانديم و به اموال و فرزندان مددتان داديم و شما را از آنان بيشتر نموديم} (6) {{اگر احسان کرديد بنفع خودتان است و اگر هم بدي کرديد به ضرر خودتان کرده ايد }} **و وقتيکه موعد دوم بيايد چهره هايتان اندوه بار خواهد شد و آنها حتمأ داخل آن مسجد ميشوند** {همانطور که بار اول شدند} **و آنچه را که برآن مسلط شدند نابود خواهند کرد (7) چه بسا پروردگارتان به شما رحم کند** {و اگر بازگشتيد ما نيز باز ميگرديم} {{و جهنم را براي کافران (مانند) زندان قرار داده­ايم}} **(8)**

**البته اين قرآن به چيزي که استوارتر است هدايت ميکند و مومناني را که عمل صالح مي کنند مژده ميدهد که پاداشي بزرگ خواهند داشت (9) و اينکه براي کساني که به آخرت ايمان ندارند عذابي دردناک آماده کرده ايم (10)**

**و** (اکثریت) **انسان** (ها) (چیزی را که به) **بدي** (میشناسند) **را همانطور می طلبند که** (چیزیرا که به) **خوبي** (می شناسند) **را می طلبند .** { زيرا که انسان عجول است} (11) {شب و روز را دو نشانه قرار داديم . پس نشانه شب را محو و نشانه روز را تابان مينماييم تا از فضل پروردگارتان بجوييد و شماره سالها ونيز حساب کردن را بدانيد {و همه چيز را فصل بندي دقيقي کرديم}} (12)  **و در مورد هر انسان سرگذشتش را بر گردنش آويختيم و روز قيامت آنرا بصورت كارنامه اي گشاده برايش بيرون مي آوريم (13)** {[ به او الهام میشود که] خودت كارنامه ات را بخوان که خودت براي حسابرسي خويش بسي } (14)  **کسي که دنبال هدايت باشد جز اين نيست که بنفع خويش هدايت شده و کسي هم که گمراه شد جز اين نيست که به ضرر خويش گمراه شده و هيچ كس بار ديگري را بر نمي دارد و ما قبل از اينکه رسولي برانگيخته باشيم عذاب نمی کنیم (15)**

**و هنگاميکه بخواهيم شهري را هلاک کنيم ، خوشگذرانهايش را واميداريم در آن گناه کنند . پس آن حكم بر آنان فرود مي آيد و سپس آنرا نابود مي کنيم (16)** {و چه بسا اقوامي که پس از قوم نوح هلاکشان کرديم و پروردگارت براي آگاهي بر گناهان بندگانش کافيست} (17) **هرکس که** (دنياي) **زودگذر را بخواهد براي او آنچه بخواهيم ، براي هر کس که اراده کنيم ، در آن به تندي پيش مي آوريم . آنگاه جهنم را خواهد داشت که سرزنش شده رانده شده در آن خواهد افتاد (18) و کسی كه آخرت را بخواهد و براي آن سعي كند ، و مومن هم باشد ، البته سعيش مورد قدرداني خواهد بود (19)** {همگي آنها و اينها را ، از عطاء پروردگارت مدد ميدهيم . و عطاء پروردگارت جلوگير ندارد} (20) {{ببين چگونه بعضي را بر بعضي برتري داديم ، و در آخرت ، هم درجات و هم برتري ها ، بزرگتر است}} (21)

**همراه خداوند خداوندِ ديگري قرار مده که سرزنش شدهء رانده شده خواهي نشست (22)** [ای پیامبر و ای پیروان او] **پروردگارت چنين مقرر کرد که کسي جز او را عبادت نکنيد و با والدين نيکي کنيد . اگر يکي از آنها يا هر دو ، در نزد تو به سن بالا رسيدند مبادا به آنها حتي اَه هم بگويي و آنها را براني بلکه با آنها سخني محترمانه بگو (23) و در برابر آنها با مهرباني فروتني کن و بگو پروردگارا با آنها مهربان باش ، همانگونه که آنها هنگام پرورش من** (مهربان) **بودند (24)** {پروردگارتان به آنچه در دلهايتان ميگذرد داناتر است اگر صالح باشيد . خداوند در مورد توبه كاران آمرزشگر است} (25) [ای پیامبر] **و حق خويشاوند ، و بيچاره ، و در راه مانده را بده ، اما ريخت و پاش بيجا مکن (26)** {كه ريخت و پاش کنندگان از برادران شياطين هستند و شيطان نسبت به پروردگارش ناسپاس است} (27) **و اگر از آنها براي بدست آوردن رحمتي از جانب پروردگارت که اميدش را داري روي برميگرداني ، به آنها سخني نرم بگو (28) و نه دستت را به گردنت زنجير کن و نه آن را بطور کامل باز کن که سرزنش شدهء درمانده بنشيني (29)** {البته پروردگارت روزي را براي کسي که بخواهد گشاده و تنگ ميگيرد که همو نسبت به بندگانش آگاه بيناست} (30) [ ای پیروان پیامبر] **و اولادتان را از نگراني تنگدستي مکشيد . مائيم که هم به شما و هم به آنها روزي ميدهيم .** {البته قتل آنها خطائي بزرگ است} (31)  **و به زنا نزديک هم نشويد زيرا که عمل زشتي است و راه بدي است (32) و کسي را که خداوند** (كشتنش را) **حرام كرده مکشيد مگر بر اساس حق** {و اگر کسي به ظلم کشته شود براي وليّ او حقي قرار داديم که البته او هم نبايد در (قصاص) قتل اسراف کند و ياري ميشود} (33) **و به مال يتيم جز به شيوه اي كه نيكو تر است نزديک مشويد . تا اينکه به رشدش برسد . و به عهد وفا کنيد زيرا که از عهد پرسش ميشود (34) و پيمانه را هنگام پيمانه کردن تمام بدهيد و با ترازوي صحيح وزن کنيد.** {كه اين، هم بهتر و هم نيك فرجام تر است} (35) [ای پیامبر] **و از آنچه علمش را نداري پيروي مکن که گوش و چشم و دل همه شان مورد سئوال واقع ميشوند (36) و در زمين خرامان راه مرو** {که نه ميتواني زمين را بشکافي و نه به بلندي کوهها ميرسي} (37) {بديهاي همه اينها نزد پروردگارت ناپسند است} (38) **اينها چيزهائي بود که پروردگارت از حکمت ها به تو وحي کرد و همراه خداوند خدائي** (ديگر) **قرار مده که در جهنم افکنده شوي در حاليکه سرزنش شده رانده شده باشي (39)**

**آيا پروردگارتان شما را** (برخويش) **ترجيح داده و به شما پسر داده و ملائکه را دختران خويش برگرفته؟ البته شما** (کافران) **قائل به قولي عظيم ميباشيد (40)** {و البته در اين قرآن [دلائل و مثال ها را] گردانديم تا پند گيرند . اما آنها جز دوري نفزودند} (41)  **بگو اگر چنانکه ميگوئيد همراه با او خداياني ديگر هم باشند در اينصورت آن** (باصطلاح خدا) **ها بسوي صاحب عرش راهي ميجستند (42)** {پاک و منزه و بسيار برتر وبالاتر است از آنچه ميگويند (43) آسمانهاي هفتگانه و زمين و هر که در آنهاست برايش تسبيح ميگويند و هيچ چيز نيست مگر اينکه به ستايشش تسبيح ميگويد وليکن شما تسبيح آنها را درنمي يابيد . اوالبته حليم آمرزگار است} (44)

**و هنگامي که قرآن ميخواني بين تو و بين آنانکه به آخرت ايمان ندارند حجابي پوشيده قرار ميدهيم (45) و بر دلهاشان پرده ميكشيم تا آنرا نفهمند و در گوشهايشان سنگيني مي نهيم و اگر پروردگارت در قرآن بطور تکي ذکر شود با نفرت روي پاشنه هایشان ميچرخند (46) ما ميدانيم که آنها وقتي که دارند سخن تو را گوش ميدهند به چه چيزي گوش ميدهند و نيز هنگاميکه راز ميگويند** (چه هامیگویند) **،** (نیز میدانیم) **هنگامي که ظالمان ميگويند شما داريد مردي جادو زده را پيروي ميکنيد (47) ببين چگونه برايت مثل هائي ميزنند و گمراه شدند و ديگر نميتوانند به راه بيايند (48)**

**و ميگويند آيا هنگامي که استخوان شديم و پوسيديم آيا دوباره در آفرينشي جديد برانگيخته ميشويم؟ (49) بگو** (بله) **حتي اگر سنگ يا آهن باشيد (50) يا چیزی که در نظرتان بزرگتر باشد ، و بزودي خواهند گفت چه کسي ما را برميگرداند؟ بگو کسي که دفعه اول آفريدتان . پس سرهاشان را بسويت برميگردانند و ميگويند چه وقت؟ بگو شايد نزديک باشد (51) روزي که بخواندتان و شما ستايشگرانه اجابتش کنيد و گمان کنيد که جز اندکي** (در برزخ ) **مکث نکرده ايد (52)**

**و به بندگانم بگو به بهترين وجه سخن گويند . زيرا که شيطان البته بين آنها را بهم ميزند .** {که شيطان براي انسان دشمني آشکار است}  **(53) پروردگارتان نسبت به شما داناتر است . اگر خواست رحمتتان کند يا عذابتان کند** {و تو را نگهبان آنان نفرستاديم} **(54) و پروردگارت به کسانيکه در آسمانها و زمين هستند داناتر است** {و البته بعضي از پيامبرانرا بربعضي ديگر برتري ، و به داوود هم زبور داديم} **(55) بگو آنهايي را که بنظر شما غير از او** (خدا) **هستند بخوانيد ، پس** (خواهيد ديد) **نميتوانند گرفتاري شما را برطرف کرده و تحولي ايجاد کنند (56) آنهائي را که** (کفار به خدائي) **ميخوانند** (خودشان) **سعي دارند بسوي پروردگارشان وسيله اي بجويند که کدامشان نزديک تر باشد و اميدوار رحمتش هستند و از عذابش ميترسند که عذاب پروردگارت ترسيدني است (57)**

**و هيچ شهري نيست مگر اينکه قبل از قيامت هلاکش مي کنيم يا به شدت عذابش مي کنيم** {که اين در آن کتاب نوشته شده است} (58) **و چيزي مانع ما نمیشود که معجزاتي بفرستيم مگر اينکه پيشينيان تکذيب کردند و به قوم ثمود آن شتر را به نماياني داديم ، اما به آن ظلم کردند و ما معجزات را مگر براي ترساندن نمي فرستيم (59)** {و هنگاميکه به تو گفتيم که پروردگارت به مردم احاطه دارد و آن خوابي را که به تو نمايانديم {و همچنين آن شجره اي که در قرآن لعنت شده را(به تو نمایاندیم)} ، جز آزموني براي مردم قرار نداديم ، {{و آنان را مي ترسانيم اما جز طغياني بزرگ نمي افزايدشان}} (60)

**و هنگاميکه به ملائکه گفتيم بر آدم سجده کنيد ، همه سجده کردند غير از ابليس ،که گفت آيا به کسي سجده کنم که از گِل آفريدي اش؟ (61) اين که به من برتريش دادي ، اگر تا روز قيامت مهلتم دهي تمام فرزندانش را بجز اندکي فريب داده و گمراه خواهم کرد (62) گفت برو و هر کس از آنان که پيرويت کرد جزايتان جهنم خواهد بود که جزائي کامل است (63) و هر کس از آنها را که توانستي ، با صوت خويش بلغزان ، و با پيادگان و سوارگانت بر آنان بتاز ، و در اموال و اولاد شريکشان شو ، و وعده شان ده ،** {و شيطان جز فريب وعده اي نميدهد}  **(64) تو بر بندگانم تسلطي نخواهي داشت و پروردگارت بعنوان كارساز کافي است (65)**

**پروردگار شماست که کشتيها را در دريا به حرکت درمي آورد تا فضلش را جستجو کنيد که او نسبت به شما مهربان است (66) و هنگامي که بلائي در دريا به شما رسد هر كه را غير از او ميخوانيدش از يادتان ميرود . پس هنگامي که نجاتتان داد و به زمين برگرداند رو ميگردانيد و انسان کفران پيشه است (67) آيا ايمن شده ايد که گوشه اي از زمين شما را فرو ببرد يا بر سرتان سنگ ببارد ، آنگاه كارسازي براي خويش نيابيد؟ (68) يا اينکه ايمن شده ايد که مجددأ شما را به آن** (دريا) **برگرداند ، و تند بادي بفرستد و بسبب کفرتان غرقتان کند ، آنگاه عليه ما براي خويش فريادرسي نيابيد؟ (69)**

**و ما البته آدمي زاده را گرامي داشته ، و آنها را در خشکي و دريا حمل کرده ، و از پاکيزه ها روزي شان داديم ، و آنان را بر بسياري از کساني که آفريديم برتریي داديم (70)**

**روزي که هر کس را با** (نام) **رهبرشان صدا زنند ، پس هر کس که نامه اش به دست راستش داده شود ، نامه­اش را ميخواند و ذره اي ظلم نمي بينند (71) و هر کس که در اين جهان کور**(دل ) **باشد ، در آخرت هم کور، و بلکه گمراه تر خواهد بود (72)**

**و نزديک بود از آنچه به تو وحي کرديم فريبت دهند تا چيز ديگري را بما نسبت دهي و در آنصورت با تو دوست ميشدند (73)** {و اگر تو را تثبيت نکرده بوديم نزديک بود کمي بسويشان متمايل شوي (74) در آنصورت به تو (عذاب) دو برابرِ حيات و دو برابرِ ممات را مي چشانديم . سپس در مقابل ما ياوري نمي­ يافتي}(75) **و نزديک بود تو را از آن سرزمين برانند يا از آن بيرونت کنند ، و در اينصورت پس از تو جز اندکي در آن نمي ماندند (76)** [چنین است روش ما و] **سنت خويش را در مورد ساير پيامبران قبل از تو نیز همين قرار داديم و در سنت ما تغييري نخواهي يافت (77)**

**نماز را از زوال آفتاب** (در نيمروز) **تا تاريکي شب بپا دار و نيز** (نماز) **خواندني صبح را** {که خواندني صبح مشهود است}(78) **و** (مقداري) **از شب را به خواندن نافله براي خويش بيدار باش چه بسا که پروردگارت برايت مقامي پسنديده برگزيند (79) و بگو پروردگارا مرا با داخل شدني درست** (به هر كار) **داخلم کن و با خارج شدني درست خارجم کن و برايم از جانب خويش دليلي عطا کن که ياريم کند (80) و بگو حق آمد و باطل از ميان رفت که باطل خودش نابود شدني است (81)**

**و از قرآن چيزي نازل مي کنيم که براي مومنان شفاء و رحمت است و براي ظالمان چيزي جز خسارت زياد نمي کند (82)**

**و هنگاميکه به انسان نعمتي ميدهيم روي برميگرداند و دوري ميجويد و هنگاميکه شري به او ميرسد نوميد ميگردد (83) بگو همگي بر اساس طبع خود عمل مي کنند و پروردگارتان بهتر ميداند چه کسي هدايت يافته تر است (84) و از تو درباره روح ميپرسند ، بگو روح از امر پروردگارمن است** {و به شما جز اندکي از آن علم داده نشده است} **(85) و اگر ميخواستيم حتمأ آنچه را که بسويت وحي نموده ايم از ميان ميبرديم آنگاه براي خويش عليه ما وکيلي نمي يافتي (86) مگر رحمتي از پروردگارت که فضل او بر تو بزرگ است (87) بگو اگر جن و انس مجتمع شوند که مانند اين قرآن را بياورند نخواهند آورد حتي اگر بعضي شان بعضي ديگر را ياري کنند (88) و البته در اين قرآن براي مردم از هر مثلي گردانديم اما اکثر مردم از روي ناسپاسي رو گردانند (89) و ميگويند به تو ايمان نخواهيم آورد مگر اينکه از زمين براي ما چشمه اي بشکافي (90) يا اينکه باغي از انگورها و خرماها داشته باشي و بين آنها بخوبي نهرهائي روان کني (91) يا اينکه آسمان را آنطور که فکر ميکني بر سر ما بياندازي يا اينکه خدا و ملائکه را جلويمان بياوري (92) يا اينکه خانه اي جواهر نشان داشته باشي . يا اينکه به آسمان بالا روي و بالا رفتنت را باور نخواهيم کرد مگر اينکه برايمان نامه اي پائين بياوري که آنرا بخوانيم . بگو منزه است پروردگارم ، مگر من غير از بشري فرستاده هستم؟ (93) و چيزي مانع ايمان آوردن مردم نشد مگر اينکه ميگويند آيا خداوند بشري را به رسالت برانگيخته؟ (94) بگو اگر در زمين فرشتگاني بودند که با اطمينان در آن راه ميرفتند حتمأ از آسمان فرشته اي را به رسالت نازل ميکرديم (95) بگو خداوند براي گواهي بين من و شما كافي است زيرا که او به بندگانش آگاه بينا است (96)**

**و هر کس را که خداوند هدايت کند همو هدايت يافته است و کسي را که گمراه کند دوستاني غير از او برايشان نخواهي يافت**  {و روز قيامت بر صورتهايشان محشورشان مي کنيم در حاليکه کور و کر و لالند . جايگاهشان جهنم است که هر گاه آتشش فروكش كند باز سوزان و فروزانش ميکنيم (97) اين جزايشان است زيرا به آياتمان کافر شدند} **و گفتند آيا وقتيکه استخوان شديم و پوسيديم آيا در آفرينشي جديد برانگيخته خواهيم شد؟ (98) آيا نمي بينند خداوندي که آسمانها و زمين را آفريده تواناست که مانند آنها را بيافريند؟** {و برايشان سرآمدي قرار داده که شکي در آن نيست . اما ظالمان جز سرِ ناسپاسي ندارند} **(99) بگو اگر شما مالک گنجينه هاي رحمت پروردگارم بوديد از نگرانيِ تنگدستي تنگ چشمي ميكرديد و انسان بسيار بخيل است (100)**

**و البته به موسي نُه نشانه روشن داديم . پس ، از بني اسرائيل بپرس . آن هنگام که بسويشان آمد و فرعون به او گفت اي موسي من تو را جادو شده مي پندارم (101) گفت حتمأ دانستي که اين** (معجزه) **ها را کسي غير از پروردگار آسمانها و زمين نازل نکرده و من تو را اي فرعون هلاک شده مي بينم (102) پس تصميم گرفت آنها را از آن زمين بيرونشان کند پس او را با همه آنهائي که با او بودند غرقشان کرديم (103) و پس از آن به بني اسرائيل گفتيم در آن سرزمين سکونت کنيد ، و هنگامي که موعد آخر بيايد همگي شما را با هم** (باز) **مي آوريم(104)**

**ما آنرا به حق نازل کرديم و به حق نازل شد و تو را جز مژده دهنده و هشدار دهنده اي نفرستاديم (105) قرآني که قسمت قسمتش کرديم تا آنرا به تدريج براي مردم بخواني** (همراهت قرار دادیم) **و آنرا بخوبي فرو فرستاديم (106) بگو چه به آن ايمان بياوريد چه نياوريد ، کساني که قبلا آن علم را يافتند ، هنگامي که بر آنان خوانده ميشود سجده کنان به رو در مي افتند (107)** {و ميگويند پروردگارمان منزه است. البته وعده پروردگارمان شدني است (108) و به رو در مي افتند و مي گريند و خشوعشان افزون ميشود} (109) **بگو چه خداوند را بخوانيد و چه رحمان را ، هر يک را که بخوانيد** (درست است زیرا) **نامهاي نيکو از آن اوست ، و نمازت را نه با صداي بلند بخوان ، و نه به آهستگي ، و بين آن** (دو حالت) **را در پيش گير (110) و بگو ستايش مخصوص خداوندي است که فرزندي بر نگرفته ، و در فرمانروائي شريکي ندارد ، و نه اینکه از روي زبوني سرپرستي داشته باشد ، و او را چنانچه بايد و شايد به بزرگي ياد کن (111)**

**سوره هود**

|  |
| --- |
| **درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند، پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش.** |

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**ا.ل. ر. اين کتابي است که آياتش اجمال ، و {سپس از جانب صاحب حکمتي آگاه ،} تفصيل يافته است (1)** {که جز خداوند را عبادت مکنيد که من از جانب او برايتان هشدار دهنده و مژده دهنده اي هستم (2) و اينکه از پروردگارتان آمرزش خواسته سپس بسوي او بازگرديد تا شما را به برخورداريي نيکو تا مدتي معين برخوردار کند و فضل هر صاحب فضلي را به او بدهد و اگر روي برگردانيد برايتان خوف عذاب روزي بزرگ را دارم} (3)  **بازگشتتان بسوي خداوند است و همو بر همه چيز توانا است (4)**

**آگاه باشيد که آنان همان دم كه رو برميگردانند تا خود را از (شنيدن) آن مخفي کنند ، و همان هنگام که جامه بر سر مي کشند ،** (خداوند) **آنچه را پنهان مي کنند و آنچه را که آشکار ميکنند ميداند که او به حقيقتِ دلها آگاه است (5)** {و هيچ جنبنده اي در زمين نيست مگر اينکه روزيش برعهده خداوند است و محل استقرار و محل نهايي او را ميداند . همه (اينها) در کتابي روشنگر هست (6) و هموست که آسمانها و زمين را در شش روز آفريد و عرش او بر آب بود تا شما را بيازمايد که کدامتان خوش عمل تريد و اگر بگويي حتمأ پس از مرگ برانگيخته خواهيد شد کافران خواهند گفت اين جز جادويي آشکار نيست} (7) **و اگر عذاب را تا مدتي کم و معين از آنها به عقب بياندازيم خواهند گفت چه چيزي جلويش را گرفته؟ بدانيد روزي که** (عذابشان) **بيايد از آنها بر طرف نخواهد شد و آنچه را که به مسخره ميگيرند بر آنها فرود خواهد آمد(8)**

**و اگر به انسان رحمتي از جانب خويش بچشانيم سپس آن را از او جدا کنيم نوميد و ناسپاس ميشود (9) و اگر پس از ناراحتي که به وي رسيده ، نعمتي به او بچشانيم ميگويد بديها از من دور شد و شاد ميگردد و فخر ميفروشد (10)** {مگر آنانکه صبرنمودند و عمل شايسته انجام دادند که آمرزشي و پاداشي بزرگ خواهند داشت{ (11)

**پس شايد بعضي از آنچه را که بسويت وحي شده ترک کني و دلت تنگ شود که ميگويند چرا گنجي بر او نازل نشده يا فرشته اي همراه او نيامده . جز اين نيست که تو هشدار دهنده اي هستي و خداوند مواظب همه چيز هست (12) يا اينکه ميگويند آن را افترا بسته . بگو پس ده سوره افترايي مانند آن بياوريد ، وهر کس غير از خدا را که توانستيد** (به ارزيابي آنچه آورده اید) **دعوت کنيد اگر راست میگوييد (13) پس اگر استجابت تان نکردند بدانيد که به علم خدا نازل شده و خدايي جز او نيست . پس آيا تسليم ميشويد؟ (14)**

**کسي که زندگي دنيا و زينت آنرا بخواهد** (نتیجه) **اعمالشان را بطور کامل ميدهيم و هيچ نقصاني نمي يابند (15)** {آنها در آخرت بهره اي جز آتش نخواهند داشت و آنچه را که ساخته باشند از بين ميرود و عملي که ميکرده اند باطل است}(16){پس آيا کسي که بر دليلي از پروردگارش (استوار) است ، و شاهدي از جانب اورا هم تلاوت ميکند ، و قبل از آن هم کتاب موسي پيشوا و رحمتي بوده ، (مانند کافران است؟) آنها به آن ايمان مي آورند و کسي از گروه ها که به آن کافر شود وعده اش آتش است . پس درباره آن هيچ شکي مدار. البته آن حق و از جانب پروردگارت است وليکن اکثر مردم نميدانند} (17)  **و چه کسي ظالم تر است از کسي که به خداوند افتراي دروغ ببندد؟ آنها به پروردگارشان عرضه ميشوند و شاهدان ميگويند اينها کساني هستند که به پروردگارشان دروغ بسته اند . بدانيد لعنت خدا بر ظالمان است (18)** {همان کساني که از راه خدا باز ميدارند و آن را کج ميخواهند و به آخرت نيز کافرند (19) آنها نميتوانند (خداوند را) در زمين عاجز کنند و سرپرستاني جز خداوند ندارند . عذابشان مضاعف ميشود و توان شنيدن و ديدن نخواهند داشت (20) خودهاشان را به خسارت افکندند و آنچه را نيز که افترا مي بستند از آنان گم ميشود (21) و ناگزير، در آخرت از زيانکارترين ها خواهند بود} (22) **اما صاحبان ايمان و عمل صالح که بسوي پروردگارشان با تواضع رو ميکنند از بهشتيان خواهند بود که در آن جاودانند (23) مَثَل دو گروه مانند کور و بينا و کر و شنوا است . آيا اينها مساويند؟ آيا پند نميگيريد؟ (24)**

**و البته نوح را بسوي قومش فرستاديم** (با این پیام) **که من برايتان هشدار دهنده اي آشکارم (25) که غير از خداوند را عبادت مکنيد که بر شما از عذاب روزي دردناک بيمناکم (26) پس بزرگانِ کافرانِ قومش گفتند : تو را جز بشري مثل خودمان و پيروانت را نيز جز فرومايگاني بيخرد نمي بينيم و برتريي براي شما بر خويش نمي شناسيم بلکه شما را دروغگو ميدانيم (27) گفت اي قوم اگر بر دلايل روشني از جانب پروردگارم بودم و رحمتي از جانب خويش بمن داده که بر شما پوشيده مانده ، آيا ميتوانم شما را** (به قبول دعوتم) **مجبور کنم؟ حتي اگر بدتان بيايد؟ (28) و اي قوم ! من که از شما اموالي نمي خواهم ، مُزدم بر عهده خداوند است و من طرد کننده مومنان نيستم ، آنها پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد وليکن من شما را قومي نادان ميبينم (29) اي قوم اگر آنها را طرد کنم چه کسي مرا در مقابل خداوند ياري خواهد کرد؟ آيا متوجه نيستيد؟ (30) و نميگويم خزائن خداوند نزد من است و نيز نميگويم علم غيب دارم و نميگويم فرشته هستم و به کساني که به چشم شما کوچک مي آيند نميگويم خداوند هرگز خيري به آنان نخواهد داد . خداوند به قلوب آنها داناتر است.** (اگر چنانکنم) **از ظالمان خواهم بود (31) گفتند اي نوح با ما جدال کردي و جدالت هم زياد شد پس آنچه را که وعده ميدهي برايمان بياور اگر راست ميگويي (32) گفت جز اين نيست که خداوند اگر بخواهد آنرا برايتان مي آورد و شما نميتوانيد مانع شويد (33) و اگر بخواهم برايتان خير خواهي کنم و خداوند بخواهد گمراهتان کند نصيحت هايم فايده اي براي شما ندارد . همو پروردگارتان است و بسوي او بازخواهيد گشت (34)** {[ای پیامبر]يا اينکه ميگويند(این قرآن را بر ما) افترا بسته ای . بگو اگر چنين باشد جرمش بعهده من است و من از جرمي که شما ميکنيد بيزارم} (35)  **به نوح وحي­شد که غير از کسانيکه تاکنون ايمان­آورده­اند ديگر کسي ايمان نخواهد آورد لذا از آنچه مي­کنند ناراحت مباش (36) و آن کشتي را در مقابل چشمان ما و به آموزش ما بساز و درباره کساني که ظلم کرده اند** (بعنوان وساطت) **چيزي مگو که آنها غرق خواهند شد (37) و او آن کشتي را ميساخت و هر بار که از بزرگان قومش بر او عبور ميکردند مسخره اش مينمودند . ميگفت اگر مسخره مان ميکنيد ماهم** (به وقتش) **مانند شما مسخره تان خواهيم کرد (38) پس بزودي خواهيد فهميد عذاب خوار کننده و عذاب ماندگار بر چه کسي فرود خواهد آمد (39) تا اينکه فرمان ما آمد و آن تنور فوران کرد . گفتيم اهل خويش را و نيز از همه** (جانوران) **جفتي و نيز مومنان را در آن سوار کن . و جز عده کمي کسي با او ايمان نياورده بود (40) و گفت بنام خدا در آن سوار شويد که رهسپاري و توقفش بنام خداست ، که البته پروردگارم آمرزگار مهربان است (41) و آن** (کشتي) **آنها را در ميان امواجي که مانند کوهها بود ميبرد و نوح پسرش را در حاليکه بركرانه اي بود صدا زده که اي پسرکم با ما سوار شو و با کافرا ن مباش (42) گفت بزودي به کوهي پناه ميبرم که مرا از آب حفظ کند . گفت امروز چيزي از فرمان خدا حفظ نميکند مگر کسي که او رحمش کند و بين آنها موجي حائل شد و او از غرق شدگان گرديد (43) و به زمين گفته شد آب خويش را فرو خور و اي آسمان تو هم نبار . آب فرو رفت و امر** (خداوند) **گذشت و** (کشتي) **بر** (کوه) **جودي مستقر شد و گفته شد ظالمان** (از رحمت) **دور باشند (44) و نوح پروردگارش را ندا داد که پروردگارا پسرم جزء اهل من است و وعده تو نيز حق است و تو بهترين حکمراني (45) گفت اي نوح او از اهل تو نيست . او عملي ناصالح است . پس درباره چيزي که علمش را نداري از من خواهشي مکن . نصيحتت ميکنم که مبادا از جاهلان شوي (46) گفت پروردگارا به خودت پناه ميبرم از اينکه خواهشي کنم که علمي به آن ندارم و اگر مرا نيامرزي و رحم نکني از زيانکاران خواهم شد (47) گفته شد اي نوح فرود آي به سلامي از جانب ما و با برکاتي بر خودت و بر اقوامي که با تو هستند و اقوامي که بزودي برخوردارشان خواهم کرد ، سپس از جانب ما عذابي دردناک به آنان خواهد رسيد (48) اين از اخبار غيبي است که بسويت وحي ميکنيم . نه تو و نه قومت قبلا آن را نميدانستيد . پس صبر کن که عاقبت از آن متقيان است (49)**

**و بسوي عاد نيز برادرشان هود را فرستاديم گفت اي قومم خداوند را عبادت کنيد که معبودي غير از او نداريد و شما جز مفترياني نيستيد (50) اي قوم بر اين امر** (رسالت) **مزدي از شما نميخواهم . جز اين نيست که مزدم جز بر عهده کسي که مرا آفريده نيست آيا به عقل در نمي يابيد؟ (51) اي قوم از پروردگار تان آمرزش بخواهيد و بسوي او بازگرديد تا آسمان را بر شما بباراند و نيروئي بر نيروي شما بيفزايد و با گناه** (به حق) **پشت نکنيد (52) گفتند اي هود دليل روشني براي ما نياوردي و ما معبودهاي خود را به ِصرف قول تو رها نمي کنيم و تو را باور نداريم (53) چيزي که معتقديم اين است که بعضي از معبودان ما تو را آسيبي رسانده اند . گفت خدا را به شهادت ميگيرم و شما هم شاهد باشيد که از آنچه** (با خدا) **شريک ميگيريد بيزارم (54) پس هر چه حيله عليه من داريد جمع کنيد و هيچ مهلتي هم به من ندهيد (55) من به خداوند که پروردگار خودم و شماست توکل کردم . هيچ جنبنده اي نيست مگر اينکه او زمامدارش است که پروردگار من بر جاده صحيح است (56) پس اگر روي گردانديد** (بدانید که) **من رسالتم را به شما ابلاغ کردم و پروردگارم قومي ديگر را جايگزينتان ميکند و شما ضرري به او نميرسانيد . که پروردگارم بر هر چيزي نگهبان است (57) و هنگاميکه امر ما آمد هود و کسانيکه با او ايمان آورده بودند را به رحمت خويش از عذابي غليظ نجات داديم (58) و اين قوم عاد بود که آيات پروردگارشان را انکار نموده و فرستادگانش را نافرماني کرده و فرمان هر گردنكش ستيزه جو را پيروي مي کردند (59) و در اين جهان ، و نيز روز قيامت ، براي خويش لعنت بجان خريدند . آگاه باشيد که** (قوم) **عاد به پروردگارشان کافر شدند و** (از رحمتم) **دور خواهند بود (60)**

**و بسوي ثمود برادرشان صالح** (را فرستاديم) **گفت اي قوم خداوند را عبادت کنيد که معبود ديگري غير از او نداريد. همو شما را از زمين آفريد و به آبادي آن گماشت . پس از او آمرزش خواسته و بسوي او توبه کنيد که پروردگارم البته نزديک و جوابگوست (61) گفتند اي صالح قبل از اين مايه اميدمان بودي . آيا نهي مان ميکني که چيزي را عبادت کنيم که پدرانمان عبادت ميکردند و البته ما درباره آنچه که دعوتمان ميکني دودليم و شک داريم (62) گفت اي قوم اگر بر دليل روشني از جانب پروردگارم باشم و بمن رحمتي داده باشد ، چه کسي در صورت نافرماني او کمکم خواهد کرد؟ و شما براي من جز خسارت نخواهيد آورد (63) اي قوم ! اين شتر**(ی است که) **خداوند** (فرستاده) **است که برايتان نشانه اي است . بگذاريد در زمين خدا بچرد و بديي به آن نرسانيد که عذابي نزديک شما را در خواهد گرفت (64) اما کشتندش و گفت سه روز در خانه هايتان برخوردار باشيد . اين وعده ايست که دروغ نيست (65) پس هنگامي که فرمان ما آمد صالح و آنکساني را که به او ايمان آورده بودند به رحمت خويش از خواري آن روز نجات داديم که پروردگارت البته قوي پيروز مند است (66) و آن ظالمان را فرياد بسيار بلندي در گرفت و در خانه هايشان جسدهايي بيجان شدند (67) گوئي اصلاً در آن نبودند. ثمود پروردگارش را کافر شد . .هان نابود باد ثمود (68)**

**و فرستادگان ما با مژده بر ابراهيم درآمدند و سلام گفتند . سلامي گفت و چيزي طول نکشيد که گوساله­اي چاق و بريان آورد (69) وچون ديد بسوي آن دست دراز نمي کنند آنها را ناشناس گرفت و نگرانيي از آنها پيدا کرد .گفتند مترس که ما بسوي قوم لوط فرستاده شده ايم (70) و همسرش ايستاده بود وحيض شد و آنها مژده اسحق و پس از اسحق يعقوب را به او دادند (71) گفت واي برمن ! آيا خواهم زائيد؟ در حاليکه پيرزني هستم و اين شوهرم نيز که پيرمردي است ، البته اين عجيب است (72) گقتند آيا از امر خدا تعجب­مي­کني؟ در حاليکه رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده** (نازل شده) **که او پسنديده بلندمرتبه است (73) پس هنگاميکه نگراني ابراهيم برطرف شد و مژده به او رسيد با ما درباره قوم لوط مجادله ميکرد (74) که ابراهيم البته موقر و دردمندِ توبه كاري بود (75)** [به او خطاب شد ] **اي ابراهيم از اين بگذر. چنين است که اين امر پروردگارت است و البته عذابي برگشت ناپذير بسويشان آمده است (76)**

**و وقتيکه فرستادگانمان به لوط درآمدند ، از ديدنشان ناراحت شد و خود را بيچاره يافت و گفت** (امروز) **روز سختي است (77) و قوم او که قبلا هم کارهاي زشت ميکردند با شتاب بسوي او آمدند . گفت اي مردم اينها دختران من اند . آنها براي شما پاکيزه ترند . از خدا بترسيد و مرا در مقابل مهمانانم خوار نکنيد . آيا در ميان شما يک مرد فهميده نيست؟ (78) گفتند ميداني که در دخترانت حقي نداريم و خودت ميداني چه ميخواهيم (79) گفت اي کاش نيروئي ميداشتم يا ميتوانستم به گوشه محکمي پناه برم (80)** (مهمانانش) **گفتند اي لوط ما فرستادگان پروردگار توايم . آنها هرگز به تو دست نخواهند يافت . پس شبانه اهل خويش را ببر و نبايد کسي از شما به پشت سر خويش نگاه کند غير از زنت که البته به او همان خواهد رسيد که به آنها ميرسد . موعدشان صبح است . آيا صبح نزديک نيست؟ (81) وقتيکه امر ما آمد بالايش را پائين قرار داديم و بر آنها سنگي از کلوخ بارانديم که مرتب و رديف شده بود (82) که نزد پروردگارت نشاندار بود و آن از ظالمان دور نيست (83**)

**و بسوي مدين برادرشان شعيب را فرستاديم . گفت اي مردم خداوند را عبادت کنيد که معبود ديگري غير از او نداريد . و ترازو و پيمانه را ناقص ندهيد . من شما را در رفاه مي بينم و بر شما از عذاب روز فراگيرنده ميترسم (84) اي مردم پيمانه و ترازو را بطور کامل بدهيد و مال مردم را کم ندهيد و در زمين به فساد نگرائيد (85) ذخيره خدائي** (و سود معامله) **برايتان بهتر است اگر باور داشته باشيد و من نگهبان شما نيستم (86) گفتند اي شعيب آيا دينت تو را مأمور ميکند که ما آنچه را پدرانمان عبادت ميکردند رها کنيم يا اينکه در اموال خويش هر چه خواستيم نکنيم؟ تو که شخص حليم رشد يافته اي هستي! (87) گفت اي مردم چه نظري داريد اگر من بر دليل روشني از جانب پروردگارم باشم و از آن روزيِ نيکو بمن داده باشد و** (در اين مورد) **صرفأ قصد مخالفت با شما را ندارم . جز اين نيست که قصدم اصلاح است . آنقدر که بتوانم ، و توفيقم جز بر عهده خداوند نيست که بر او توکل کرده ام و بسوي همو باز ميگردم (88) اي مردم مبادا بعلت مخالفت با من همان چيزي به شما برسد که به قوم نوح يا قوم هود يا قوم صالح رسيد و قوم لوط هم که از شما دور نيست (89) و از پروردگارتان آمرزش بخواهيد سپس به سوي او بازگرديد که البته پروردگارم مهربان و دوستدار است (90) گفتند اي شعيب بسياري از چيزهايي را که ميگويي نمي فهميم و تو را در بين خويش ضعيف مي بينيم و اگر قبيله ات نبود سنگسارت ميکرديم و تو عزتي بر ما نداري (91) گفت اي مردم آيا قبيله ام بنظر شما از خداوند که او را پشت سر انداخته ايد مهم تر است؟ البته پروردگارم به اعمال شما احاطه دارد (92) اي مردم هر چه ميتوانيد انجام دهيد . من نيز کار خود ميکنم . بزودي خواهيد فهميد عذاب خوار کننده به سوي چه کسي خواهد آمد و دروغگو کيست و منتظر باشيد که من نيز همراه شما منتظر خواهم ماند (93) و هنگاميکه فرمان ما آمد شعيب و کساني را که با او ايمان آورده بودند به رحمت خويش نجات داديم و ظالمان را فرياد بلندي بگرفت و در خانه هايشان جسدي بي جان شدند (94) گويي که هرگز در آن نبودند . هان نابود باد قوم مدين همانگونه که ثمود بود (95)**

**و البته موسي را با آياتمان و دليلي روشن فرستاديم (96) بسوي فرعون و بزرگانش ، پس آنها امر فرعون را پيروي کردند و امر فرعون رشد يافته نبود (97) در روز قيامت پيشاپيش مردمش راه ميرود و آنان را به آتش درمي آورد که چه بد جايگاهي براي ورود است (98) و در اين جهان با لعنت بدرقه شدند و روز قيامت نيز چه عطاي بدي خواهند داشت(99)**

**اين از خبرهاي شهرها بود که برايت گفتیم ، بعضي از آنها** (هنوز) **پا برجا و بعضي برچيده شده است (100) و ما ظلمي به آنان نکرديم بلکه آنان بر خويش ظلم کردند و آن معبودهائي که غير از خداوند** (به دعا) **ميخواندند ، وقتيكه امر خدا آمد فايده اي برايشان نداشت و غير از تباهي چيزي برآنها نيفزود (101)**{و گرفتن پروردگارت چنين است . هنگاميکه شهرهائي را که به ظلم ميپردازند ميگيرد ، گرفتنش شديد و دردناک است} (102) {البته در اين براي کسي که از عذاب آخرت بترسد آيه اي است . {{آن روز ، روزي است که مردم در آن جمع ميگردند و روزي است که در آن شهادت داده ميشود}}(103) {و ما آنرا جز تا مدتي شماره شده ، به تأخير نيانداخته­ ايم} (104)

**روزي بيايد که هيچکس سخن نميگويد مگر به فرمان او. پس ، از آنها بعضي سعادتمند و بعضي بي بهره اند (105)** {آنانکه بي بهره شدند در آتش خواهند بود که صداي بدهنجار خواهد داشت} (106) {در آن جاودان خواهند بود ، آنقدر که آسمانها و زمين برقرار باشد {{مگر اينکه پروردگارت بخواهد}}که پروردگار تو البته آنچه بخواهد ميکند} (107) {اما آنانکه خداوند خوشبختشان کرد پس در بهشت جاودان خواهند بود ، آنقدر که آسمانها و زمين باشد {{مگر آنکه خدا بخواهد}} و اين عطائي است که قطع نخواهد شد} (108)

**پس درباره آنچه اينها عبادتش ميکنند در شکّي مباش . عبادت اينها مانند عبادت پدرانشان است و ما البته نصيب آنها را بطور کامل ميدهيم (109)** {و البته ما آن کتاب را به موسي داديم و در آن اختلاف شد و اگر اينطور نبود که کلمه اي از جانب پروردگارت قبلا صادر شده بود ، حتمأ فرمان (نابودي) شان ميرسيد . و آنها البته درباره آن در شکي هستند}(110)  **و البته پروردگارت سزاي اعمال همه آنها را بطور کامل ميدهد زیرا که ازاعمالشان با خبر است (111) پس چنانکه مأمورهستي استقامت کن و کساني که با تو** (بسوي خدا) **بازگشته اند** (رانيزبه استقامت وادار) **و سركشي مکنيد که او به اعمال شما بيناست (112)** { و بسوي ظالمان متمايل مشويد که آتش به شما ميرسد و جز خدا دوستاني نخواهيد داشت و (در آنصورت) ياري هم نميشويد}(113) **و نماز را در دو طرف روز و پاسي از شب بپا دار. البته نيکي ها بدي ها را نابود مي کند . اين پندي است براي کساني که اهل تذکرند (114) و پايداري کن و خداوند پاداش نيکوکاران را ضايع نمي کند (115)**

**پس چرا از قرون قبل ا زشما خير انديشاني نبودند که از فساد در زمين نهي کنند؟** {مگر عده کمي که نجاتشان داديم} **، و** (مردم) **ظالمان را در خوشگذرانيها پيروي کردند و گناهکار شدند؟ (116)** {و پروردگارت اينطور نيست که شهرها را به ظلم هلاک کند در حاليکه آنها اصلاحگرند} (117) **و اگر پروردگارت ميخواست ، همه مردم را يکجور قرار ميداد ولي پيوسته در اختلاف خواهند بود (118)** {مگر کسي که پروردگارت رحمش کند و براي همين هم خلقشان کرده و کلمه پروردگارت تماميت يافت به اينکه جهنم را از جن و انس همگي پر خواهم کرد} (119) **و کلّا از اخبار پيامبران برايت نقل ميکنيم تا دلت بوسيله آن آرام شود و در اين** (سوره) **حق و موعظه و پندي براي مومنان بسويت آمده است (120) و به بي ايمان ها بگو هر چه ميتوانيد انجام دهيد که ما نيز عمل ميکنيم (121)** {و منتظر باشيد که ما نيز منتظريم} (122)  **و نهاني هاي آسمان ها و زمين از آن خداست و همه امور به سوي او بازميگردد . پس بر او توکل و او را عبادت کن و پروردگارت از آنچه انجام ميدهيد غافل نيست (123)**

**سوره شعراء**

|  |
| --- |
| **درس: چگونه خداوند پيامبران را موفق و تکذيب کنندگان آنان را نابود مي کند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**طسم (1) اين آيات آن کتاب آشکار است (2) شايد ميخواهي خودت را هلاک کني که آنان ايمان نمي آورند (3)**  {اگر بخواهيم از آسمان آيه اي بر آنان نازل مي کنيم تا گردنهايشان در مقابلش فرود آيد} (4) **و هيچ پند تازه اي از جانب خداوند رحمان بسويشان نيآمد مگر آنکه از آن رويگردان بودند (5)**  {و تکذيب کردند . پس بزودي اخبار آنچه که مسخره اش ميکردند بسويشان خواهد آمد} (6)  **آيا به زمين نمي نگرند که ببينند چه بسيار از گياهان ارزشمند از هر گونه اي در آن رويانديم (7) البته در اين نشانه اي است و اکثرشان مومن نيستند (8) و البته پروردگارت همو آن پيروزمند مهربان است (9)**

**و هنگاميکه پروردگارت موسي را ندا داد که بسوي قوم ظالمان برو(10) قوم فرعون ، آيا پروا نمي کنند؟ (11) گفت پروردگارا ميترسم تکذيبم کنند (12) و دلم تنگ ميشود و زبانم گشاده نيست پس** (وحي را) **بسوي هارون بفرست (13) و بنظر آنها من نزدشان گناهي دارم و ميترسم مرا بکشند (14) گفت هرگز! شما دو نفر با آياتم برويد . ما با شمائيم و متوجهيم (15) و بسوي فرعون برويد و بگوئيد ما فرستاده پروردگار جهانيانيم (16) که بني اسرائيل را همراهمان بفرست (17**)[آنها همانطور که مامور شده بودند رفتند و بالاخره فرعون را همدیدند و ماموریتشان را برای او شرح دادند] **گفت آيا وقتي که نوزاد بودي در ميان خويش پرورشت نداديم؟و سالهائي از عمر خويش را در ميآن ما نگذراندي؟(18) و آن کار را کردي و از کافران شدي (19) گفت آن كار را در زماني کرده ام كه از سرگشتگان بودم (20) و وقتيکه از شما ترسيدم فرار کردم و پروردگارم بمن لطف کرد و بمن حکم داد و مرا از فرستادگان قرار داد (21) و تازه ، مگر اين نعمتی است که بني اسرائيل را به بردگي گرفته اي و منتش را بر من ميگذاري؟ (22) فرعون گفت پروردگارجهانيان چيست؟ (23) گفت پروردگار آسمانها و زمين و آنچه بين آنهاست اگر يقين داشته باشيد (24) به اطرافيانش گفت نمي شنويد؟ (25) گفت پروردگار شما و پروردگار نياكانتان (26) گفت پيغمبرتان که بسويتان گسيل شده ديوانه است (27) گفت پروردگار مشرق و مغرب و بين آنها اگر تعقل كنيد (28) گفت اگر خدايي غير از من اتخاذ کني حتما زندانيت ميکنم (29) گفت حتي اگر يک چيز آشکار برايت بياورم؟ (30) گفت بياورش اگر راست ميگويي(31) پس عصايش را انداخت و آن فورا اژدهايي آشکار شد (32) و دستش را** (از گريبانش) **بيرون آورد پس فورا براي ناظران سفيد و درخشان شد (33)** (فرعون) **به بزرگان اطرافيانش گفت اين يک جادوگر متخصص است (34) ميخواهد شما را با جادويش از سرزمين تان بيرون کند پس چه ميفرماييد؟ (35) گفتند او و برادرش را نگهدار و ماموران جمع آوري به شهرها بفرست (36) تا همه جادوگران متخصص را بسوي تو بياورند (37) و آن جادوگران را در موعدي معين گرد آوردند (38)** (فرعون) **به مردم گفت آيا اجتماع کرده ايد؟ (39) شايد جادوگران را پيروي کنيم اگر غالب شوند (40) چون جادوگران آمدند ، به فرعون گفتند آيا حتما پاداشي هم خواهيم گرفت اگر غالب شديم؟ (41) گفت بله . و در آنصورت از مقربان خواهيد شد (42) موسي به آنان گفت بياندازيد آنچه را که در چنته داريد (43) پس طنابها و چوبهاي خويش را انداختند و گفتند به عزت فرعون حتما خومان غالبيم (44) پس موسي عصاي خويش را انداخت و در دم همه آنچه را که به دروغ ساخته بودند بلعيد (45) پس جادوگران به سجده افتادند (46) گفتند به پروردگار جهانيان ايمان آورديم (47) پروردگار موسي و هارون (48) گفت آيا قبل از اينکه اجازه تان دهم ايمان آورديد؟ حتما او بزرگ شماست که جادو را يادتان داده پس بزودي خواهيد دانست . دست و پايتان را به خلاف يکديگر قطع خواهم کرد و البته همه تان را به دار خواهم کشيد (49) گفتند مهم نيست زيرا که ما بسوي پروردگارمان روي آورده ايم (50) اميدواريم پروردگارمان خطاهايمان را ببخشد ، به اين جهت که ما اولين مومنانيم (51) و به موسي وحي کرديم که بندگانم را شبانه ببر زيرا که تعقيب خواهيد شد (52) آنگاه فرعون ماموران جمع آوري را به شهرها فرستاد (53) که اينها گروهي کم جمعيتند (54) که ما را به به خشم آورده اند (55) و ما انبوهي مسلحيم (56)** {پس آنها را از باغستانها و چشمه سارها بيرون کرديم (57) و از گنج ها و جايگاههاي نيكو (58) چنين بود و آنها را به بني اسرائيل ارث داديم} (59) **پس صبحگاهان دنبالشان کردند (60) و هنگاميکه دو گروه يکديگر را ديدند همراهان موسي گفتند گير افتاديم (61) گفت هرگز! پروردگارم با من است و بزودي هدايتم ميکند (62) و به موسي وحي کرديم که با عصايت به دريا بزن. پس بشکافت و هر بخشي چون کوهي بزرگ شد (63) و ديگران را به آنجا نزديک کرديم (64) و موسي و همراهانش همگی را نجات داديم (65) و ديگران را غرق کرديم (66) البته در اين نشانه ايست و اکثرشان مومن نيستند (67) و البته پروردگار تو پيروزمند مهربان است (68)**

**و خبر ابراهيم را بر آنان بخوان (69) هنگاميکه به پدرش و قومش گفت چه چيزي عبادت مي کنيد؟(70) گفتند بتهايي عبادت ميکنيم و در خدمتشان معتكفيم (71) گفت آيا هنگاميکه دعايشان ميکنيد مي شنوند؟ (72) يا نفع و ضرري برايتان دارند؟(73) گفتند بلکه پدرانمان را ديديم که چنين ميکردند (74) گفت ميدانيد آنچه را که ميپرستيد؟(75) چه شما و چه نياكانتان (76)** (بدانيد) **آنها را دشمن ميدارم مگر پروردگار جهانيان را (77)**  {که مرا آفريد و هدايتم کرد (78) و کسي که غذا و آبم مي دهد (79) و وقتي که مريض شدم شفايم مي دهد (80) و کسي که مرا ميميراند و سپس زنده ام ميکند (81) و کسي که اميدوارم خطاهايم را در روز قيامت ببخشد} (82) **پروردگارا بمن حکم عطا کن و مرا به شايستکان ملحق فرما (83) و برايم در اقوام بعدي نام نيک عطا فرما (84) و مرا از برندگان بهشت پر نعمت کن (85) و پدرم را ببخش که از گمراهان است (86) و روز برانگيختگي خوارم مکن (87) روزي که** {نه مال فايده ميکند و نه فرزندان (88) مگر کسي که با قلبي سليم بسوي خداوند آمده باشد (89) و } **بهشت به اهل تقوي نزديک ميشود (90) و جهنم به کساني که خودشان را گمراه کرده اند نمايان ميگردد (91)** {و به آنها گفته ميشود کجاست انچه ميپرستيديد (92) غير از خداوند؟ آيا ياريتان ميکنند يا از شما دفاع مينمايند؟(93) به رو در آن انداخته ميشوند ، هم خودشان و هم کساني که خودشان خويشتن را گمراه کرده اند (94) و تمامي لشکريان ابليس (95) و در حاليکه در آنجا با يکديگر ستيزه ميکنند ، ميگويند: (96) بخدا که ما در گمراهيي آشکار ميبوديم (97) که شما را با پروردگار جهانيان مساوي ميگرفتيم (98) و ما را کسي جز بدکاران گمراه نکرد (99) اينك هيچ شفيعي نداريم (100) و نه دوستي مهربان (101) پس اگر فرصت ديگري بيابيم البته از مومنان خواهيم بود} (102) **البته در اين آيتي است و اکثرشان مومن نيستند (103) و پروردگارت پيروزمند مهربان است (104)**

**قوم نوح نيز فرستادگان را تکذيب کردند (105) هنگاميکه برادرشان نوح به آنان گفت آيا پروا نميکنيد؟ (106) البته من براي شما پيامبري امين هستم (107) پس ، از خداوند پروا و اطاعتم کنيد (108) و از شما هيچ مزدي نميخواهم . مزد من جز بر عهده پروردگار جهانيان نيست (109) پس ، تقوا کنيد و مرا پيروي نمائيد (110) گفتند آيا به تو ايمان بياوريم در حاليکه فرومايگان پيرويت ميکنند؟(111) گفت نميدانم چه ميکرده اند؟(112) حساب آنها جز نزد پروردگارم نيست اگر متوجه باشيد (113) و من كسي نيستم که مومنان را پراکنده کنم (114) فقط هشدار دهنده اي آشکارم (115) گفتند اي نوح اگر دست نکشي حتما سنگسارت ميکنيم (116) گفت پروردگارا قومم تکذيبم کردند (117) بين من و آنان حکم کن و مومنانِ همراهم را نجات ده (118) پس او و همراهانش را در آن کشتيِ پر نجات داديم (119) سپس بقيه را غرق کرديم (120) البته در آن آيه اي هست و اکثرشان مومن نيستند (121) و البته پروردگارت پيروزمند مهربان است (122)**

**قوم عاد نيز پيامبران را تکذيب کردند (123) هنگاميکه برادرشان هود به آنان گفت پروا نمي کنيد؟ (124) و البته برايتان پيامبري امينم (125) پس از خداوند پروا نموده و اطاعتم کنيد (126) و براي آن مزدي از شما نميخواهم . جز اين نيست که مزدم بر عهده پروردگار جهانيان است (127) آيا در هر بلندي علامتي به بيهودگي بنا ميکنيد؟ (128) و كوشك هائي ميسازيد شايد جاودان مانيد (129) و هنگاميکه غضب ميکنيد ، از حد ميگذرانيد (130) پس از خدا بترسيد و مرا پيروي کنيد (131) از کسي پروا کنيد که شما را به آنچه ميدانيد ياري داد (132) به فرزندان و چارپايان ياريتان كرد (133) و باغستانها و چشمه سارها (134) من بر شما از عذاب روزي عظيم نگرانم (135) گفتند براي ما فرقي نميکند که موعظه مان کني يا نکني (136) اين جز رفتار گذشتگان نيست (137) و ما عذاب نخواهيم شد (138) پس تکذيبش کردند و هلاکشان کرديم . البته در اين نشانه اي است و اکثرشان مومن نبودند (139) و پروردگارت البته پيروزمند مهربان است (140)**

**قوم ثمود نيز پيامبران را تکذيب کردند (141) هنگاميکه برادرشان صالح گفت پروا نميکنيد؟(142) من برايتان پيامبري امينم (143) پس ، از خدا پروا نموده و اطاعتم کنيد (144) و مزدي از شما نميخواهم و مزدم بر عهده خداوند است (145) آيا در آنچه در اينجاست در ايمني رها ميشويد؟(146)** {در باغستانها و چشمه سارها (147) و کِشت ها و نخل هايي داراي چغاله خوش هضم (148) و در کوهها ماهرانه اطاقهائي ميتراشيد} (149) **و از خدا پروا نموده و پيرويم كنيد (150) و فرمان مسرفان را نبريد (151)** {همانها که در زمين فساد ميکنند و اصلاح نمي کنند}(152) **گفتند جز اين نيست که جادو شده اي (153) تو جز بشري مانند ما نيستي پس علامتي بياور اگر راست ميگويي (154) گفت اين شتري است . براي آن** (نوبت) **آبي ، و براي شما هم** (نوبت) **آبي در هر روزي معين شده است (155) و به آن بديي نرسانيد که عذابي سهمگين شما را در خواهد گرفت (156) پس آن را کشتند و سپس پشيمان شدند (157) آنگاه عذاب بگرفتشان که البته در اين آيه اي است و اکثرشان مومن نبودند (158) و البته پروردگارت پيروزمند رحيم است (159)**

**قوم لوط نيز پيامبران را تکذيب کردند (160) هنگاميکه برادرشان لوط گفت آيا پروا نميکنيد؟ (161) من برايتان پيامبري امينم (162) پس از خدا پروا نموده اطاعتم کنيد (163) و من از شما مزدي نميخواهم . مزدم بر عهده خداوند پرودگار جهانيان است (164) آيا شما از ميان جهانيان با مذکّرها مي آميزيد؟ (165) و آنچه را که پروردگارتان برايتان از همسرانتان آفريده رها ميکنيد؟ بلکه شما تجاوزکاريد (166) گفتند اي لوط اگر بس نکني حتما اخراج ميشوي (167) گفت من از عملتان بيزارم (168) پروردگارا مرا و اهلم را از** (شر) **آنچه انجام ميدهند نجات ده (169) پس او را و اهلش را تماما نجات داديم (170) مگر پيرزني که جزء ماندگان بود (171) سپس بقيه را نابود کرديم (172) بر آنها باراني بارانديم . و چه بد است باران هشدار يافتگان (173) در اين البته نشانه اي است و اکثرشان مومن نبودند (174) و البته پروردگارت پيروزمند رحيم است (175)**

**قوم ايکه نيز پيامبران را تکذيب کردند (176) هنگاميکه شعيب به آنها گفت آيا پروا نمي کنيد؟ (177) من البته برايتان پيامبري امينم (178) پس از خدا پروا نموده و اطاعتم کنيد (179) و من از شما مزدي نمي طلبم . مزدم جز بر عهده پروردگار جهانيان نيست (180) پيمانه را کامل بپردازيد و از كم فروشان مباشيد (181) و با ترازويي درست بسنجيد (182) و اشياء مردم را کم ندهيد و در زمين به فساد نکوشيد (183) و از کسي که شما و پيشينيان را آفريد پروا کنيد (184) گفتند جز اين نيست که تو از جادوشدگاني (185) و تو جز بشري مانند ما نيستي و ما تو را جز از دروغگويان نمي پنداريم (186) پس اگر راست ميگويي پاره اي از آسمان را بر سر ما بيانداز (187) گفت پروردگارم به رفتار شما داناتر است (188) پس تکذيبش کردند و عذاب روز ابر گرفتشان که عذاب روزي بزرگ بود (189) البته در اين نشانه ايست و اکثرشان مومن نبودند (190) و البته پروردگارت پيروزمند مهربان است (191)**

**و البته آن فرو فرستاده پروردگار جهانيان است (192) روح­الامين آن را نازل کرده (193)** {بر قلب تو ، تا از هشدار دهندگان باشي} (194) {{به زباني عربي واضح}} (195) {{{و البته (خبر) آن در کتابهاي قبلي نيز هست}}} (196)  **آيا اين برايشان نشانه اي نيست که علماء بني اسرائيل آنرا مي شناسند؟ (197) و اگر آن را به بعضي از عجم ها نازل کرده بوديم (198) و آنرا بر آنها ميخواند به آن ايمان نمي آوردند (199)**

**آن** (سركشي) **را چنين در دلهاي گناهکاران راه ميدهيم (200) که به آن** (قرآن) **ايمان نمي آورند تا اينکه عذاب دردناک را ببينند (201)** {که ناگهاني بر سرشان درآيد و متوجه نباشند} (202) {{پس خواهند گفت آيا مهلتي ميدهند؟}} (203) {{{آيا (اينك) عذاب ما را به عجله ميخواهند؟ (204) بينديش ، اگر سالهائي مهلتشان دهيم (205) آنگاه آنچه که به آن تهديدشان ميکنيم برسرشان بيايد (206) نعمتي که از آن برخوردار بودند بدردشان نخواهد خورد}}} (207) **و هيچ شهري را هلاک نکرديم مگر اينکه هشدار دهندگاني داشتند (208) تا متوجه شوند ، و ما ظالم نيستيم (209)**

**و شياطين آن را نازل نکرده اند (210)** {و آنها را نميرسد که چنين کنند و نميتوانند (211) آنها از شنيدن (وحي) برکنارند}(212) **پس همراه با خداوند خدايي ديگرمخوان که معذب خواهي شد (213) و خويشاوندان نزديکت را هشدار ده (214) و براي مومناني که پيرويت ميکنند مهربان و فروتن باش (215)** {و اگر نافرمانيت کردند بگو از آنچه مي كنيد بيزارم} (216) **و بر خداوند عزتمند مهربان توکل کن (217)** {همو که تو را مي بيند هنگاميکه بر ميخيزي (218) و نيز گشتن تو را در ميان ساجدان} (219) **که او خودش شنواي داناست (220)**

**آيا خبر دهم شما را که شياطين بر چه کسي فرود مي آيند؟ (221) بر همه دروغ زنان گناهکار فرود مي آيند (222)** {كه گوش ميخوابانند و اکثرشان دروغگويند (223) و آن شاعراني که گمراهان پيرويشان ميکنند} (224) {{نمي بيني که در هر واديي سرگردانند؟ (225) و چيزهايي ميگويند که عمل نمي کنند؟}} (226) {{{مگر كساني که ايمان آورده و عمل صالح نموده و خدا را بسيار ياد کرده و پس از ظلمي که به آنها شده در صدد انتقام برآمده اند}}} **و بزودي ظالمان خواهند دانست به چه بازگشتگاهي باز ميگردند (227)**

**سوره یونس**

|  |
| --- |
| **درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير. تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**الف. ل. ر. اين آيات کتاب پر حکمت است (1) آيا مردم تعجب مي کنند که بسوي شخصي از خودشان وحي نموديم که مردم را هشدار و مومنان را مژده ده** {که نزد پروردگارشان جايگاهي واقعي دارند}**؟ و کافران ميگويند اين یک جادوگر آشکار است (2)**

**البته پروردگارتان کسي است که آسمانها و زمين را در شش هنگام آفريد ، سپس بر عرش استيلا يافت . آن امر را تدبير ميکند . هيچ شفيعي مگر پس از اجازه اش** (كاري نمي كند) **اين خداوند است که پروردگارتان است . پس او را عبادت کنيد . آيا پند نميگيريد؟ (3) بازگشتگاه همگي تان بسوي اوست . وعده خداوند حق است . که همو البته آفرينش را شروع و اعاده ميکند** {تا آنان را که ايمان آورده و عمل شايسته کرده اند به عدالت پاداش دهد و کافران بسبب کفرشان نوشابه اي جوشان و عذابي دردناک خواهند داشت} **(4) هموست که خورشيد را تابان و ماه را درخشان قرار داد و آن را چنان برنامه ريزي کرد که منزلهائي داشته باشد . تا شمارش سال ها را بدانيد . خداوند آن را جز به حق نيافريد . و او نشانه ها را براي مردمي دانا شرح ميدهد (5) البته در جايگزيني شب و روز و آنچه در آسمانها و زمين آفريده براي تقواپيشگان نشانه هائي است (6)**

**البته کساني که اميد ملاقات ما را ندارند و به زندگي دنيا راضي شده و به آن دل خوش کرده اند و کساني که از آياتمان غافلند (7) به سبب آنچه ميكردند جايگاهشان آتش است (8) البته آنانکه ايمان آورده و کارهاي شايسته کرده اند پروردگارشان با همان ايمانشان هدايتشان ميکند .** [از نتیجه های ایمان وعمل صالحشان هم این است که در آخرت] **نهرها در کف بهشت هاي پر نعمت شان جاريست (9) سخنشان در آن «خداوندا تو منزهي» و درودشان «سلام» و سخن ديگرشان «ستايش مخصوص خداوند پروردگار جهانيان است» ميباشد (10)**

**و اگر خداوند شرِِّ «به عجله خواستن خير» را برايشان تعجيل کند اجلشان فرا ميرسد ، ولي آناني را که اميدي به ملاقاتمان ندارند در طغيانشان به سرگرداني رها ميکنيم (11) و اگر انسان به ناراحتيي دچار شود ما را به پهلو و نشسته و ايستاده به دعا ميخواند ، اما پس از اينکه ناراحتيش را برطرف کرديم چنان ميگذرد که انگار اصلا ما را براي ناراحتيي که برايش پيش آمده بود نخوانده است. برای اسرافگران اعمالشان چنین آراسته شده است (12)**

**و البته گروههاي زيادي را قبل از شما وقتيکه ظلم کردند هلاک کرديم . همانها که رسولانشان بادلايل روشن بسويشان آمده بودند ، اما آنها ايمان آور نبودند . ما مجرمان را چنين سزا ميدهيم (13) آنگاه شما را پس از آنها جانشيناني قرار داديم تا ببينيم چگونه رفتار ميکنيد (14)** و هنگاميکه نشانه هاي روشن ما بر آنها خوانده ميشود آنانکه ملاقات ما را اميد ندارند ميگويند قرآني غير از اين بياور يا تغييرش بده . بگو مرا نميرسد که از جانب خويش تغييري در آن بدهم ، جز اين نيست که چيزي را که بسويم وحي ميشود پيروي ميکنم . من ميترسم در صورت نافرماني نسبت به پروردگارم به عذاب روزي بزرگ دچار شوم (15) بگو اگر خواست خدا نبود آنرا بر شما نميخواندم و شما را به آن آگاه نميكردم و قبل از آن نيز مدتي طولاني در ميان شما زيسته ام آيا تعقل نمي کنيد؟ (16) پس چه کسي ظالم تر است از کسي که به خدا افتراي دروغ بندد و يا آياتش را تکذيب کند؟ البته او مجرمان را رستگار نمي کند (17) و غير از خدا چيزي را که نفع و ضرري برايشان ندارد عبادت مي کنند و ميگويند اينها شفيعان ما نزد خدا هستند . بگو آيا چيزي را به خداوند نسبت ميدهيد که خودش در آسمانها و زمين اطلاعي از وجود آن ندارد؟ خداوند منزه و بالاتر است از آنچه با او شريک مي كنند (18) **و مردم جز يکجور نبودند . و** (بعدا) **مختلف شدند . و اگر کلمه اي از جانب پروردگارت قبلا صادر نشده بود ، حتما درباره آنچه اختلاف ميکردند بين آنها حکم ميشد (19)** و ميگويند چرا معجزه اي ا زجانب پروردگارش بر او نازل نمي شود؟ بگو جز اين نيست که غيب از آن خداست . پس منتظر باشيد که من نيز با شما در انتظارم (20)

**و هنگاميکه رحمتي پس از ناراحتيي به مردم بچشانيم فورا در آياتمان نيرنگي ميکنند . بگو تدبير خدا سريعتر است . البته** (فرشتگانِ) **فرستاده ما آنچه را که آنها نيرنگ ميزنند مي نويسند (21) هموست که شما را در خشکي و دريا ميگرداند** ، {تا اينکه چون در کشتي شويد ، و با بادي خوشايند راه رود ، و شما از آن شاد شويد ، بادي سخت بوزد و امواج از هر سو بيايد ، و بدانيد که احاطه شده ايد ، در آن حالت دين خود را براي خدا خالص کرده و او را به دعا ميخوانيد که اگر از اين نجاتمان دهي حتماً از شاکران خواهيم بود (22) اما هنگاميکه نجاتشان داديم فورا در زمين به ستمگري ناحق مي پردازند . [ای پیامبر ! بگو ] اي مردم! جز اين نيست که ستمگري تان به ضرر خودتان است . [ اندک ] برخورداریي از زندگي دنياست ،} **سپس بازگشت بسوي ما است و شما را به آنچه انجام ميداديد آگاه خواهيم** **کرد (23)**

**جز اين نيست که مثالِ زندگي دنيا مانند آبي است که از آسمان فرو فرستاديم که با روئيدني هاي زمين که خوراک آدمي و چارپايان است مخلوط ميشود تا اينکه آن زمين پر زينت و قشنگ ميشود و مردم فکر ميکنند بر آن توانائي دارند ، تا اينکه امرمان شب يا روز به آن ميرسد و چنان درو ميکند که انگار ديروز اصلا نبوده . ما آيات را بدين گونه براي اهل تفکرتشريح ميکنيم (24) و خداوند به سوي خانه صلح و سلامت دعوت میکند ، و هر که را خواهد بسوي جاده ای مستقيم هدايت مینماید (25)**

**نيکوکاران نیکوئی و زيادت خواهند داشت و چهره شان را غبار و خواريي فرا نمي گيرد . آنها اهل بهشت و در آن جاودانند (26) و کساني که زشتيها را کسب کرده اند سزاي هر زشتي به مانند آن خواهد بود و ذلت فرا ميگيردشان و چيزي در مقابل خداوند محافظتشان نمي کند . مانند آن است که چهره هاشان را قطعاتي از شب تاريک پوشانده . آنها اهل آتشند و در آن جاودانند (27) و روزي که همگي شان را گرد آوريم و سپس به مشرکان بگوييم شما و شركايتان در جايگاه خويش باشيد . و بين آنها جدائي افكنيم و شرکاء ميگويند شما اصلا ما راعبادت نميکرديد (28) و خداوند به عنوان گواه بين ما و شما کافي است ، ما از عبادت شما غافل بوديم (29) آنجاست که هر چه را هر کس پيشاپيش فرستاده ارزيابي ميکنيم و آنچه که حق است بسوي مولايشان که خداوند باشد برميگردد و آنچه که افترا باشد از نزدشان گم ميشود (30)**

**بگو چه کسي از آسمان و زمين روزي تان ميدهد يا چه کسي مالک گوش و چشمهاست و چه کسي زنده را از مرده و مرده را از زنده در مي آورد و چه کسي آن امر را تدبير ميکند؟ بزودي خواهند گفت خداوند است بگو پس پروا نمي کنيد؟ (31)** {آن خداوند است . پروردگارحق تان . بعد از حق چيست جز گمراهي ؟ به کجا روي ميچرخانيد؟ (32) بدينگونه کلمه پروردگارت بر فاسقان فرود آمد که ايمان نمي آورند} (33) **بگو آيا آن شريکان شما هيچکدامشان آفرينش را آغاز و سپس آنرا تجديد مي کند؟ بگو خداوند است که آفرينش را آغاز و سپس تجديد ميکند پس به اشتباه به کجا رو ميكنيد؟ (34) بگو هيچکدام از آن شرکاء شما به سوي حق هدايت ميکند؟ بگو خداوند است که بسوي حق هدايت ميکند . آيا کسي که بسوي حق هدايت ميکند براي پيروي شايسته تر است يا کسي که خودش هدايتي ندارد مگر آنکه هدايت شود؟ پس چه تان است ، چگونه قضاوت ميکنيد؟(35)**

**و اکثرشان از چيزي جز گمان پيروي نميکنند . البته گمان به هيچ روي جاي چيزي از حق را نميگيرد . البته خداوند به آنچه انجام ميدهند داناست (36) و اين قرآن را نميرسد که افترايي و از جانب غير خدا باشد وليکن تصديقي است بر آنچه قبل از خود بوده و تفصيل و تشريحي بر آن کتاب** (آسماني) **است و شکي در آن نيست و از جانب پروردگار جهانيان است (37) يا اينکه ميگويند آنرا افترا بسته بگو سوره اي مانند آن بياوريد و غير از خدا هر کس را که توانستيد** (بهارزيابي) **دعوت کنيد اگر راست ميگوييد (38)** {بلکه چيزي را تکذيب کردند که علم و احاطه اي به آن نيافتند .و هنوز حقيقت مطالب آن به آنان نرسيده . پيشينيان آنها نيز همين طور تکذيب ميکردند . پس ببين عاقبت ظالمان چگونه است} (39) **از آنان بعضي ها به آن ايمان مي آورند و بعضي ايمان نمي آورند و خداوند به حال مفسدان داناتر است.(40)** {و اگر تکذيب ميکنند بگو عمل من براي من و عمل شما براي شما . شما از عمل من بيزاريد و من نيز از عمل شما بيزارم} (41) **و کساني از انها بسوي تو گوش ميدهند. آيا ميتواني به کر بشنواني و** (تازه) **اگر عقل** (هم) **نداشته باشند؟ (42) و کساني از آنها بسوي تو نگاه ميکنند آيا ميتواني کور را هدايـت کني و** (تازه) **اگر بصيرت** (هم) **نداشته باشند؟ (43)** {البته خداوند به مردم ظلمي نمي کند وليکن مردم به خويش ظلم ميکنند} (44)

**و روزي که گردآوريشان کند چنان خواهد بود که گويي فقط ساعتي از روز را** (در قبر) **گذرانده اند و به هم آشنايي ميدهند . البته کساني که ملاقات خداوند را تکذيب نمودند خسران يافتند و هدايت نيافتند (45)** {و اگر بعضي از چيزهايي را که به آنان وعده ميدهيم به تو بنمايانيم يا تو را به وفات برسانيم در هر حال بازگشتگاه آنها بسوي ما است و آنگاه خداوند است که گواه اعمالشان است (46) و هر گروهي رسولي دارد که وقتي رسولشان بيايد بين آنها به عدالت قضاوت ميشود و ظلمي نميشوند} (47) **و ميگويند اين وعده** (قيامت) **کي خواهد بود اگر راست ميگوييد؟(48) بگو من مالک نفع و ضرري براي خويش ،** {جز آنچه خدا بخواهد} **نيستم . براي هر گروهي سرآمدي است که وقتي برسد نه ساعتي تاخير خواهد داشت و نه جلو خواهد افتاد (49) بگو چه نظري داريد؟ اگر عذاب خدا شبانه يا در روز به شما برسد** (چه خواهيدکرد)؟ **مجرمان چه عجله اي براي** (رسيدن به) **آن دارند ! (50) آيا فقط وقتي که بر شما فرود آمد به آن ايمان خواهيد آورد؟**[ ایمان آوردن و آنهم] **الان؟ و** (اين هماننيست که) **به عجله ميخواستيدش؟(51)** {آنگاه به کسانيکه ظلم ميکردند گفته ميشود عذاب جاوداني را بچشيد. آيا جز سزاي آنچه را که کسب کرده ايد مي بينيد؟} (52) **و از تو ميپرسند آيا آن واقعا حق است؟ بگو بله بخدايم آن حق است و شما هم نميتوانيد جلوگيري کنيد (53) و اگر کساني که ظلم کرده اند آنچه که در زمين هست مال آنها بود تا** (در مقابل رفع آن عذاب) **فديه بدهند** (از آنها قبول نميشود) **و وقتيکه آن عذاب را ببينند پشيماني شان را پنهان ميکنند و بين آنها عادلانه قضاوت ميشود و هيچ ظلمي نميشوند (54)**

**بدانيد که آنچه در اسمانها و زمين است از آن خداست . بدانيد که وعده خدا حق است وليکن اکثر آنها نميدانند (55) هموست که زنده ميکند و ميميراند و بسويش باز ميگرديد (56) اي مردم ! موعظه اي از جانب پروردگارتان بسويتان آمده و چيزي که مايه شفاي دلها و هدايتي و مهربانيي براي مومنان است (57)**

­­­­­­­­ **بگو البته شايسته است به فضل خدا و رحمتش شادي کنند . اين از آنچه جمع ميکنند بهتر است (58) بگو نظرتان چيست درباره اينکه خداوند روزيي براي شما فرستاده اما شما قسمتي از آن را حرام و بقيه را حلال مي کنيد؟ بگو آيا خداوند اجازه اي به شما داده يا به او افترا مي بنديد؟(59) و آنهايي که به خدا افتراي دروغ مي بندند درباره قيامت چه گمان ميکنند؟ البته که خداوند نسبت به مردم بخششگر است وليکن اکثر آنها شکرگزار نيستند (60)**

**درهيچ موقعيتي قرار نمي گيري و هيچ چيزي از قرآن تلاوت نمي کني و شما هيچ عملي انجام نمي دهيد مگر اينکه آن هنگامي که به آن کار مشغوليد بر شما گواهيم . و هيچ چيزي حتي اگر به اندازه ذره اي هم باشد چه در زمين و چه در آسمان و چه کوچکتر و چه بزرگتر از آن ، از خداوند مخفي نمي ماند و در کتابي آشکار هست (61) بدانيد که دوستان خدا نه ترسي خواهند داشت و نه اندوهگين خواهند بود (62)** {همانها که ايمان آورده و تقوا پيشه نموده اند (63) آنها چه در زندگي دنيآ و چه در آخرت مژده خواهند داشت . کلمات خداوند تغيير نخواهد کرد . پيروزي بزرگ هم همان است (64) و گفتار آنها اندوهگينت نکند . عزت تمامأ از آن خداست . همو شنواي دانا است}(65)

**بدانيد البته هر کس که در آسمانها و زمين است مال خداست ، و کسانی که غیر خدا را به دعا می خوانند چه را به عنوان شرکاء خدا پیروی می کنند ؟ چيزي را جز گمان پيروي نمي کنند و جز تخمين نميزنند (66)** هموست که شب را برايتان مايه آرامش قرار داد و روز را كه ببينيد . البته در آن براي کساني که گوش شنوا داشته باشند آیاتی هست (67) **و گويند خداوند فرزندي برگرفته ، منزه است از آن . بي نياز است . آنچه در آسمانها و زمين است مال اوست .** [بگو] **راجع به آن دليلي نداريد . آيا درباره خداوند چيزي ميگوئيد که نميدانيد؟ (68) بگو کساني که افتراي دروغ به خدا مي بندند رستگار نخواهند شد (69)** برخورداريي در دنيا خواهند داشت و آنگاه بازگشتشان بسوي ما است . سپس آن عذاب شديد را بسبب آن کفري که ميورزيدند به آنها مي چشانيم (70)

**خبر نوح را بر آنان بخوان ، آن هنگام که به قومش گفت اي مردم اگر موقعيت من و تذکري که راجع به آيات خداوند به شما ميدهم برايتان سنگين است بدانيد که توکلم بر خداست . و شما هم درباره کارتان و شريکانتان هماهنگ کنيد و هيچ غم و غصه اي نخوريد و تصميم خويش را درباره من بگيريد و هيچ مهلتي هم به من ندهيد (71) اگر روي برگردانديد ،** (بدانيد که) **من از شما مزدي نخواسته بودم . مزدم جز بر عهده خداوند نيست و من مأمورم از مسلمين باشم (72) پس تکذيبش کردند ولي او و همراهانش را در آن کشتي نجات داديم و آنها را جانشينان قرار داديم و كساني را که آياتمان را تکذيب کرده بودند غرق نموديم . پس بنگر عاقبت هشدار يافتگان چگونه بود (73) آنگاه پس از او رسولاني بسوي مردمانشان فرستاديم و آنها با دلايل روشن بسويشان رفتند اما اينطور نبود که آنها به چيزي که از پيش تکذيبش کرده بودند ايمان بياورند . چنين بر دلهاي تجاوزکاران مهر ميزنيم (74)**

**آنگاه پس از آنان موسي و هارون را با آياتمان بسوي فرعون و بزرگانش فرستاديم اما گردنکشي کردند و قومي مجرم شدند (75) و هنگاميکه حق از جانب ما بسويشان آمد گفتند اين جادوئي آشکار است (76) موسي گفت آيا درباره حق وقتي که بسويتان آمده چنين ميگوييد؟ آيا اين جادوست؟ در حاليکه کار جادوگران به ثمر نميرسد (77) گفتند آيا بسويمان آمدي که ما را از آنچه پدرانمان را بر آن يافتيم منصرف کني و در اين سرزمين بزرگي كنيد؟ و ما به شما دو نفر قطعاً ايمان نمي آوريم (78) و فرعون گفت همه جادوگران خبره را برايم بياوريد (79) پس هنگاميکه جادوگران آمدند موسي به آنان گفت بياندازيد آنچه را که مي اندازيد (80) و هنگاميکه انداختند موسي گفت هر جادوئي را که بياوريد خداوند به زودي باطلش ميکند . خداوند عمل مفسدان را درست درنمي آورد (81) و خداوند حق را با کلماتش درست درمي آورد و لو اينکه کافران خوششان نيايد (82) کسي از قومش جز عده اي از فرزندانشان ، از ترس فرعون و بزرگانش ايمان نياوردند مبادا که آزارشان کنند زيرا فرعون در آن سرزمين از گزافكاران بلند پرواز بود (83) و موسي گفت اي قومم اگر به خدا ايمان آورده ايد پس بر همو توکل کنيد اگر واقعا تسليم هستيد (84) پس گفتند بر خدا توکل کرديم . پروردگارا ما را آماج فتنه ظالمان مکن (85) و از رحمتت ما را از قوم کافران نجات ده (86) و به موسي و برادرش وحي کرديم که براي قومتان در مصر خانه هائي بگيريد و خانه هايتان را** (به حالت) **قبله قرار دهيد و نماز بپا داريد و مومنان را مژده دهيد (87) و موسي گفت پروردگارا به فرعون و بزرگانش زينت و اموالي در زندگي دنيا داده اي که با آن از راه تو بازميدارند . پروردگارا اموالشان را در مسير نابودي قرار ده و دل هاشان را سخت کن تا آنقدر ايمان نياورند که عذاب دردناک را ببينند (88) گفت دعايتان مستجاب شد پس استقامت کنيد و راه کساني را که علم ندارند پيروي مکنيد (89) و بني اسرائيل را از آن دريا گذرانديم و فرعون و لشکريانش از روي ظلم و تعدي دنبالشان کردند تا اينکه غرق او را در ربود ، گفت ايمان آورده ام که خدائي نيست مگر آن کسی که بني اسرائيل به او ايمان آوردند و من از تسليم شدگانم (90)** [به او خطاب شد] **آيا اينک؟ در حاليکه قبلا عصيان ميکردي و از مفسدان بودي (91) امروز بدنت را نجات ميدهيم تا نشانه اي براي پسينيانت باشد و البته بسياري از مردم از آياتمان غافلند (92) بني اسرائيل را در منزلگاهي صحيح منزل داديم و از چيزهاي نيکو روزيشان کرديم و اختلاف نکردند مگر پس از اينکه آن علم بسويشان آمد . البته پروردگارت در روز قيآمت درباره آنچه که در آن اختلاف کردند بينشان قضاوت خواهد کرد (93)**

**پس اگر درباره چيزي از آنچه بر تو نازل کرده ايم در شکي هستي از کساني که قبل از تو آن کتاب را ميخوانند بپرس . البته حق از جانب پروردگارت بسويت آمده . پس از دو دلان مباش (94) و مبادا از کساني باشي که آيات خداوند را تکذيب نمودند كه از زيانکاران خواهي شد (95)**

**کساني که کلمه پروردگارت بر آنان فرود آمد ايمان نمي آورند (96)** {حتي اگر همه جور معجزه اي بسويشان بيايد (باز هم ايمان نخواهند آورد) تا اينکه آن عذاب دردناک را ببينند (97) پس چرا هيچ شهري ايمان نياورد تا ايمانشان فايده اي به آنها برساند مگر قوم يونس که وقتي ايمان آوردند عذاب خفت بار در زندگي دنيا را از آنها دور کرديم و تا مدتي برخوردارشان نموديم } (98) **و اگر پروردگارت ميخواست ، تمام مردم روي زمين همگي شان مومن ميشدند ، آيا تو ميخواهي مردم را به زور مومن کني؟(99) و هيچکس را نميرسد ايمان بياورد مگر به اذن خدا ، و پليدي را بر کساني که خرد نمي ورزند قرار ميدهد (100)** {بگو ببينيد در آسمانها و زمين چيست؟ و (اين) نشانه ها و هشدارها براي کساني که ايمان نمي آورند فايده اي نخواهد داشت (101) آيا چيزي غير از آن را انتظار دارند که بر سر اقوام قبلي آمد؟ بگو منتظر باشيد که من نيز به همراه شما جزء منتظرانم }(102) **آنگاه رسولانمان و مومنان را نجات خواهيم داد و البته نجات مومنان حقي است كه بر عهده ما است (103)**

**بگو اي مردم اگر درباره دين من شکي داريد** (بدانيد که) **من آنچه را که شما غير از خداوند مي پرستيد نمي پرستم وليکن آن خداوندي را مي پرستم که** (جان) **شما را دريافت مي کند و مأمورم که از مومنان باشم (104) و اينکه رويم را به سوي دين بي انحراف کنم و مبادا از مشرکان باشم (105) و اينکه به غير از خداوند چيزي را که نفع و ضرري برايم ندارد به دعا نخوانم که اگر چنين کنم از ظالمان خواهم بود (106)** {و اگر خداوند ناراحتيي به تو برساند هيچ كسي غير از او بر طرفش نمي كند و اگر بخواهد خيري به تو برساند هيچ كسي نميتواند لطفش را جلوگيري کند . به هر کس از بندگانش که بخواهد ميرساند و همو آمرزگار مهربان است} (107)  **بگو اي مردم ! حق از جانب پروردگارتان بسويتان آمد . هر که خواست راه هدايت در پيش گيرد به نفع خويش کرده و کسي که گمراه شد به ضرر خويش گمراه شده و من نگهبان مجبور کننده نيستم (108) و آنچه را که بسويت وحي ميشود پيروي کن و صبر کن تا خداوند حکم کند و همو بهترين حاكمان است (109)**

**سوره انبیاء**

|  |
| --- |
| **درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير که مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**  **درب: کافران به اهميت قيامت، و حقیقت وحی توجه نمی­کنند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حساب مردم نزديک شد و آنها در غفلتي رويگردانند (1) هيچ پند** {جديد}**ي از سوي پروردگارشان بسويشان نيامد مگر اينکه آنرا شنيدند ولی به بازي مشغولند (2)** {دلبسته هوسند و نجوايشان را پوشيده ميدارند (و به یکدیگر می­گویند) اي ظالمان! آيا اين (پیامبر) جز بشري مثل خودتان است؟ آيا در عين بصيرت به سحر رو مي کنيد؟} (3)

**گفت پروردگارم هر سخن را در آسمان ها و زمين ميداند و اوست كه شنواي داناست (4) بلکه گفتند پراکنده گويي است ، يا آنرا افترا زده ، يا شاعراست ،** (وگرنه) **بايد مانند** (پيامبران) **پيشين معجزه اي بياورد (5) هيچيک از پيشينيان آنها که هلاکشان کرده بوديم ايمان نياورده بودند آيا اينها ايمان مي آورند؟ (6)**  {و قبل از تو نيز کسي را نفرستاديم مگر اينکه مرداني بودند که وحي بسويشان ميفرستاديم . پس ، از اهل ذکر بپرسيد اگر نميدانيد (7) و آنها را کساني قرار نداده بوديم که بدن هائي باشند که به غذا احتياج نداشته باشند و جاودان بمانند (8) آنگاه آن وعده را برايشان به تحقق رسانديم و آنها و هر کس را که خواستيم نجات داديم و مسرفان را هلاک نموديم (9) **البته بسويتان کتابي فرو فرستاديم که پندتان در آن است آيا تعقل نمي کنيد؟ (10) و چه بسا شهرهائي را که ظلم ميکردند درهم شکستيم و پس از آنان اقوامي ديگر بوجود آورديم (11)** {پس هنگامي که عذاب ما را احساس كردند آنگاه بود كه از آن گريزان شدند (12) نگريزيد و بسوي آنچه که در آن هوسراني ميکرديد و نيز بسوي خانه هايتان برگرديد، باشد كه پرسش شويد (13) گفتند واي بر ما، ما ظالم بوديم (14) گفتارشان جز اين نبود تا اينکه آنها را همچون گياه درو شده پژمرده نموديم} (15)

**و آسمان و زمين و بين آنها را به بازي نيافريده ايم (16)**  {اگر ميخواستيم بازيچه بگيريم از نزد خويش برميگرفتيم كه ما كاردانيم (17) بلکه حق را بر باطل مي افکنيم تا آنرا در هم بشکند تا نابود شود و واي بر شما از آنچه وصف ميکنيد} (18) **و هر کس که در آسمانها و زمين است از آن اوست و هر کس که نزد اوست از عبادت او گردنفرازي نمي کند و خسته نميشوند (19)**  {شب و روز به تسبيح ميگذرانند و سستي نميگيرند (20) آيا از زمين خداياني برگرفته اند که به آنها زندگي دوباره ميدهند؟ (21) اگر خداياني غير از خداوند در آن دو باشند حتما فاسد خواهند شد و خداوندِ پروردگار عرش بالاتر است از آنچه وصف ميکنند} (22) **از آنچه ميکند بازخواست نميشود اما آنها بازخواست ميشوند (23)** {يا اينکه غير از او خداياني برگرفته اند . بگو دليل خويش بياوريد. اين پند همراهانم و پند كسانِ قبل از من است {{ولي اکثرشان حق را نمي شناسند و رويگردانند}} (24) {و قبل از تو هيچ رسولي نفرستاديم مگر اينکه بسويش وحي مي كرديم که خدائي جز من نيست پس عبادتم کنيد} (25) {و گفته اند خداوند رحمان فرزندي برگرفته . منزه است بلکه (آنها) بندگاني گرامي اند} (26) **در آن قول از او سبقت نمي گيرند و به فرمان او عمل مي کنند (27) به پيشِ رو و پشت سرشان علم دارد و شفاعت کسي را نمي کنند مگر اينکه او راضي باشد و به سبب خشيت او نگرانند (28)** {و اگر کسي از آنها بگويد من به غير از او خدا هستم جهنم را سزايش ميدهيم و با ظالمان چنين رفتار ميکنيم} (29) **آيا کافران توجه نمي كنند که آسمانها و زمين پيوسته بود و ما آنها را باز کرده و از آب همه چيز را زنده کرديم ، و ايمان نمي آورند؟ (30) و در زمين لنگرهايي قرار داديم تا مبادا آنها را بلرزاند و در آن دره ها و راه هائي قرار داديم شايد هدايت يابند (31) و آسمان را سقفي محفوظ نموديم اما آنها از آياتش رويگردانند (32) و هموست که شب و روز و خورشيد و ماه را آفريد که همگي آنها در چرخه اي شناورند (33)**

**برای هيچ بشري قبل از تو جاودانگي قرار نداديم . آيا اگر بميري ، آنها جاودان خواهند ماند؟ (34)** {هر کسي چشنده مرگ است و شما را با شر و خير مي آزمائيم و بسوي ما بازمي گردید} (35) **و هنگاميکه کافران تو را ببينند ، جز به مسخره ات نميگيرند** (بین خودشان میگویند) **آيا اين است که در باره خدايانمان حرف ميزند؟ در حاليکه آنها خودشان به پندهاي خداوند رحمان کافرند (36)** {انسان (گوئي) از شتاب آفريده شده . بزودي آياتم را به شما نشان خواهم داد ، پس به عجله نخواهيدش} (37) **و ميگويند اين وعده کي خواهد بود اگر راست ميگوئيد (38)** {کاش کافران (حالشان را ) ميدانستند آن هنگاميکه نميتوانند آن آتش را از صورتها شان و پشتهاشان دورکنند و هيچ ياريي نميشوند (39) بلکه بطور ناگهاني به سراغشان مي آيد و مبهوت ميشوند و نمی توانند آنرا برگردانند و مهلتي نيز نمي يابند} (40) **و البته رسولانِ قبل از تو نيز مسخره ميشدند و آنچه را که مسخره اش ميکردند بر سرشان فرود آمد (41)**

**بگو چه کسي شما را شبها و روزها از خداوند رحمان حفظ خواهد کرد؟ بلکه آنها از ياد پروردگارشان روي گردانند (42)** آيا خداياني دارند که آنها را در قبال ما حفظ کنند؟ آنها خودشان را هم نميتوانند ياري کنند و از جانب ما هم همراهيي نميشوند (43) بلکه اينها و پدرانشان را نيز برخوردار کرديم تا اينکه عمرشان طولاني شد. {{آيا نمي بينند که وقتي ما به زمين مي پردازيم ، از اطرافش مي کاهيم؟ آيا آنها غالب ميشوند؟}} (44) **بگو جز اين نيست که بوسيله وحي هشدارتان ميدهم و ناشنوا** (صداي) **دعوت را آن هنگام که هشدارشان ميدهند نمي شنود (45) و اگر وزش خفيفي هم از عذاب پروردگارت به آنان برسد حتما خواهند گفت واي بر ما ، ما ظالم بوديم (46) و روز قيامت ترازو هاي عدالت را ميگذاريم و هيچکس هيچ ظلمي نميشود و اگر به سنگيني دانه اي از خردلي هم باشد آن را هم مي آوريم ، و خودمان براي حسابرسي کافی هستيم (47)**

**و البته به موسي و هارون آن** (کتابِ) **فرق گذار ، و روشنائي ، و پند براي متقیان ، را داديم (48)** { که از پروردگارشان در نهان خشيت دارند و از قيامت نگرانند} (49)  **و اين پندي پر برکت است که نازلش کرده ايم آيا شما منکرش هستيد؟ (50)**

**و البته قبلا به ابراهيم رشدش را داديم و نسبت به او دانا بوديم (51) آن هنگام که به پدرش و قوم خويش گفت اين تمثال ها چيست که بطور پيگير عبادتشان مي کنيد؟ (52) گفتند پدرانمان را چنين يافتيم که عبادتشان ميکردند (53) گفت البته هم خودتان و هم پدرانتان در گمراهيي آشکاريد (54) گفتند آيا با حقي بسويمان آمده اي يا بازيگري ميکني؟ (55) گفت پروردگارتان همان پروردگار آسمانها و زمين است که آنها را آفريده و من بر اين گواهم (56) و به خدا قسم که پس از اينکه برگرديد و برويد کاري با بتهايتان خواهم کرد (57) پس آنها را تکه تکه کرد مگر آن را که بزرگشان بود شايد بسوي او بازگردند (58) گفتند چه کسي اين کار را با خدايانمان کرده؟ البته که او از ظالمان است (59) گفتند شنيده ايم جواني ذکرشان ميکرد که به او ابراهيم مي گویند (60) گفتند او را نزد چشمان مردم بياوريد شايد گواه باشند (61) گفتند اي ابراهيم آيا تو اين کار را با خدايانمان کردي؟(62) گفت** (نه) **بلکه اين** (بتِ) **بزرگشان کرد لذا از آنها بپرسيد اگر سخن ميگويند (63) پس به خويش مراجعه کردند و گفتند البته شما خودتان ظالميد (64) آنگاه سر به زير انداختند** و (گفتند) **تو ميدانستي که آنها سخن نميگويند (65) گفت آيا غير از خداوند چيزي را پرستش مي کنيد که نه فايده اي برايتان و نه ضرري دارند؟ (66) ننگتان باد . بر آنچه که غير خدا عبادت ميکنيد . آيا نمي انديشيد؟ (67) گفتند خدايان خويش را ياري نموده و او را بسوزانيد اگر اهل عمل هستيد (68) گفتيم اي آتش براي ابراهيم خنک و بي گزند باش (69) و خواستند حيله اي درباره اش کنند و ما آنها را زيانکار تر نموديم (70) و او را و لوط را بسوي سرزميني که در آن براي جهانيان برکت قرار داده بوديم نجات داديم (71) و به او اسحق و علاوه بر آن يعقوب را داديم و همگي شان از صالحان بودند (72) و آنها را پيشواياني نموديم که به امر ما هدايت ميکردند و نيكو كاري و برپاداشتن نماز و دادن زکوة را يادشان داديم و عبادت ما ميکردند (73)**

**و به لوط نيز حکم و علم داديم و از شهري که کارهاي زشت ميکردند نجاتش داديم که آنها قوم بدِ فاسقي بودند (74) و او را داخل رحمت خويش نموديم که از صالحان بود (75) و نوح که قبلا ندا کرده بود و اجابتش نموده و او و اهلش را از آن گرفتاري بزرگ نجاتش داديم (76) و در مقابلِ مردمي که آياتمان را تکذيب مي نمودند ياريش نموديم که آنها مردم بدي بودند و همگي را غرق کرديم (77)**

**و داوود و سليمان ، هنگامي که درباره كشتزاري قضاوت ميكردند که گوسفندان آن قوم شبانه چريده بودند و ما نيز گواه قضاوتشان بوديم (78) و آنرا به سليمان فهمانديم و همگيشان را حکم** (پيامبري) **و علم داديم و کوهها را براي داود رام کرديم که به همراه پرندگان با او تسبيح ميگفتند و ما فاعل اين کار بوديم (79) و به او ساختن لباسهائي را آموختيم که شما را از سختي تان** (در جنگ) **حفظ ميکند ، آيا شکر گزار هستيد؟(80) و براي سليمان بادِ سرکش را** (رام کرديم) **که به فرمان او بسوي زميني که در آن برکت نهاده بوديم ميرفت و ما به همه چيز دانا ئيم (81) و از شيطان ها کساني بودند که براي او غواصي و کارهاي ديگر ميکردند و ما نگهبانشان بوديم (82)**

**و ايوب آن هنگام که پروردگارش را ندا داد که گزندي بمن رسيده و تو مهربانترين مهرباناني (83) پس اجابتش کرديم و ناراحتي او را برطرف نموديم و اهلش را به علاوه مثل آنان به او داديم که رحمتي از جانب ما و پندي براي عابدان بود (84) و اسمعيل و ادريس و ذاالکفل که همگي از صابران بودند (85) و آنها را داخل رحمت خويش قرار داديم که آنها از صالحان بودند (86) و ذالنون آن هنگام که خشمناک ميرفت و گمان ميکرد او را به تقدیر نمی کشیم ولي در آن ظلمات ندا داد که خدائي جز تو نيست . منزهي . كه من البته از ظالمان بودم (87) پس اجابتش کرديم و از غم نجاتش داديم و مومنان را چنين نجات ميدهيم (88) و زکريا آن هنگام که پروردگارش را ندا داد که پروردگارا مرا تنها مگذار که تو بهترين وارثاني (89) پس اجابتش کرديم و يحيي را به او داديم وهمسرش را برايش** (ازنازائي) **اصلاح کرديم که آنها کساني بودند که درکارهاي نيک مي شتافتند و ما را با بيم و اميد ميخواندند و براي ما فروتن بودند(90) و آن زن که دامن خويش حفظ کرد و از روح خويش در آن دميديم و خودش و پسرش را براي جهانيان آيتي قرار داديم (91)**

**اين امت شماست ، امتي یکجور ، و من پروردگارتان هستم پس مرا عبادت کنيد (92)** {و کار خويش را در بين خويش پاره پاره کردند (غافل از اينکه) همگي شان بسوي ما بازميگردند (93) پس هر کس که از کارهاي شايسته انجام دهد و مومن هم باشد نسبت به کوشش او ناسپاسي نميشود و ما خودمان بنفع او مي نويسيم} (94) **و بر هر شهري که هلاکش کرديم حرام** (شده) **است که بازگردند (95)** {تا اينکه ياجوج و ماجوج آزاد شوند و از هر بلندي سرازير گردند} (96)

**و آن وعده حق نزديک شد و آنوقت چشمهاي کافران خيره ميمانَد که واي بر ما كه ما از اين غافل بوديم بلکه ظالم هم بوديم (97)** {[به آنها خطاب میشود] شما و آنچه که غير خدا عبادت ميكنيد ، سوخت جهنميد که وارد آن خواهيد شد (98) اگر آنها خدا بودند وارد آن نميشدند اما همگي در آن جاودان خواهند بود (99) در آن ناله ها خواهند کرد و در آن نمي شنوند} (100) **آنان که از جانب ما نيکي برايشان رقم خورده ، از آن برکنار خواهند ماند (101)** {حتي زمزمه آن را نيز نخواهند شنيد و در آنچه دلشان بخواهد جاودان خواهند بود (102) آن هراس بزرگتر غمگينشان نخواهد کرد و فرشتگان به استقبالشان خواهند آمد که آين همان روزي است که به شما وعده ميدادند} (103)  **روزي که آسمان را در هم بپيچيم ، مانند در هم پيچيدن طومارهاي نوشته . همانطور که آفرينش نخستين را آغاز كرديم آنرا باز مي گردانيم که البته انجام دهنده اش هستيم (104)**

**و البته در زبور پس از آن پند نوشتيم که زمين به بندگان صالحم به ارث ميرسد (105) که البته در اين براي مردم عبادت پيشه پيامِ رسائي هست (106) و ما تو را جز رحمتي براي جهانيان نفرستاديم (107) بگو جز اين نيست که بمن وحي ميشود که البته خدايتان خدائي است واحد ، آيا قبول ميکنيد؟(108) پس اگر روي گرداندند بگو به همه تان اعلام کردم و نميدانم آنچه که به آن وعده تان ميدهند نزديک يا دور است (109) که او البته به آنچه از گفتارتان که آشکار يا پنهان ميداريد آگاه است (110) و نميدانم شايد آن مايه امتحاني برايتان باشد و يا برخورداريي تا زماني معين (111) گفت پروردگارا به حق حکم کن و پروردگارمان خداي رحمان است که در مورد آنچه که وصفش را ميکنيد مورد کمک خواهي است (112)**

**سوره صافّات**

|  |
| --- |
| **درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**قسم به صف بستگانِ صف در صف (1)**  {كه به تندي مي رانند (2) و خوانندگانی كه پند با عظمتی را می خوانند} (3) **که البته خداي شما يکي است (4)** {(که) پروردگار آسمانها و زمين و بين آنها و پروردگار مشرق هاست} (5)

**البته آسمان دنيا را به زينت ستارگان آراستيم (6) و از هر شيطان سرکشي محفوظ داشتيم (7)** {تا (نتوانند) به (گفتگوي) بزرگان عاليمرتبه (آسماني) گوش سپارند و از هر طرف رانده ميشوند (8) (به) دور رانده مي شوند و عذابي سخت دارند (9) مگر کسي (از آنها) که چيزي را بربايد که شهابي درخشان درتعقيب او خواهد بود} (10) **پس ، از آنان بپرس آيا خلقت آنها محکمتر است يا كساني که آفريديم؟ آنها را از گِلي چسبنده آفريديم (11)**

**بلکه تعجب ميکني و مسخره ميکنند (12) و هنگامي که پند داده ميشوند نمي پذيرند (13) و وقتي که نشانه اي ببينند به ريشخند ميگيرند (14) و ميگويند چيزي جز جادويي آشکار نيست (15) آيا هنگامي که مرديم و خاک و استخوان شديم برانگيخته ميشويم؟(16) همچنين نياكانمان؟(17) بگو بله و خوار و ذليل خواهيد بود (18) و جز اين نيست که آن يک نهيب خواهد بود و سپس همگي نگران خواهند بود (19) و ميگويند واي بر ما اين روز قيامت است (20) اين همان روز جدا کردن است که تکذيبش ميکرديد (21) ظالمان و همگونانشان و آنچه را که** (جز خداوند) **عبادتش ميکردند (22) بياوريد و راه جهنم را نشانشان دهيد (23) و متوقفشان کنيد که باز خواست شوند (24)** [در آن روز بهآنان خطاب میشود] **چه تان شده؟ چرا يکديگر را ياري نمي کنيد؟(25) بلکه در آن روز تسليم اند (26) و پرسش كنان به يكديگر روي مي آورند (27) ميگويند شما بوديد که به نزد ما ميآمديد** (که گمراهمان کنيد) (**28) ميگويند** (نه) **بلکه خودتان مومن نبوديد (29) ما بر شما تسلطي نداشتيم . خودتان سركش بوديد (30) و گفتار پروردگارمان بر ما فرود آمد که داريم آنرا مي چشيم (31) پس شما را گمراه کرديم و البته خودمان هم گمراه بوديم (32) پس آنها در آنروز در عذاب مشترکند (33) با مجرمان چنين مي کنيم (34) آنها چنان بودند که وقتي به آنها گفته ميشد خدائي جز خداوند نيست گردنفرازي ميکردند (35) و ميگفتند آيا بايد خدايانمان را فقط براي گفتار يک شاعر مجنون رها کنيم؟(36) بلکه به حق آمده بود و فرستادگان را تصديق ميکرد (37) و البته شما چشنده عذاب دردناكيد (38) و كيفري نمي بينيد مگر براي آنچه انجام داده ايد (39)**

**مگر بندگان ناب خداوند (40) آنها روزيي معلوم خواهند داشت (41)**  {از ميوه ها ، و (و در آنجا) محترم خواهند بود (42) در بهشتهاي پر نعمت (43) بر تختهائي روبروي يکديگر (44) کاسه هائي از نوشابه هاي روان برايشان گردانده ميشود (45) به رنگي سفيد که براي نوشندگان لذيذ است (46) نه داراي ضرري است و نه از آن مست ميشوند (47) و نزدشان زناني درشت چشم که فقط به همسران خويش نظر دارند ميباشند (48) كه مانند تخم پرندگانِ نهفته اند (49) آنگاه پرسش كنان به يكديگر روي مي آورند (50) يکي از آنها ميگويد ، رفيقي داشتم (51) که ميگفت تو واقعأ از تصديق کنندگاني؟ (52) آيا وقتيکه مرديم و خاک و استخوان شديم واقعأ جزا خواهيم يافت؟ (53) آيا شما که اين چيزها را قبول داريد واقعأ اطلاع پيدا کرده ايد؟ (54) (در همين حين) سرک ميکشد و او را در وسط آتش مي بيند (55) ميگويد به خدا که نزديک بود نابودم کني (56) و اگر نعمت پروردگارم نبود از بازداشت شدگان بودم (57) آيا اين ما (هستيم) که ديگر مرگ نداريم؟ (58) غير از آن مرگ اول؟ و دچار عذاب نميشويم؟} (59) **البته اين همان پيروزي بزرگ است (60) پس البته اهل عمل ، بايد براي چنين هدفي بكوشند (61)**

**آيا اين پيشكشي بهتر است يا درخت زقوّم؟ (62) كه آنرا عذابي براي ظالمان قرار داديم (63) درختي است که از ريشه جهنم در مي آيد (64) ميوه اش گوئي سرِ شيطانهاست (65) از آن ميخورند و شکم هايشان را از آن پر ميکنند (66) سپس روي آن آبي کثيف جوشان خواهند داشت (67) آنگاه بازگشتگاهشان آتش سوزان خواهد بود (68) آنان پدرانشان را گمراه يافتند (69) با وجود اين ، شتابان دنبال آنان ميرفتند (70) و البته قبل از آنان اکثر پيشينيان گمراه شدند (71) در حاليکه در ميان آنان هشدار دهندگان را فرستاده بوديم (72) پس بنگر که عاقبت هشدار شوندگان چگونه شد؟(73)**

**مگر بندگان خالص شده خداوند** (که نجات يافتند) **(74) و البته نوح ندايمان داد و خوب جوابش داديم (75) و او را و اهلش را از آن گرفتاري بزرگ نجات داديم (76) و خاندانش را باقي گذاشتيم (77) و در ميان اقوام بعدي بجا گذاشتيم : (78) سلامي بر نوح در ميان جهانيان (79) نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (80) زيرا که از بندگان مومن ما بود (81) و بقيه را غرق کرديم (82) و از پيروان او ابراهيم بود (83) هنگامي که با قلبي سليم به سوي پروردگارش آمد (84) آن وقت که به پدرش و قومش مي گفت چه ميپرستيد؟(85) آيا بجاي خداوند خداياني دروغين را ميخواهيد؟(86) پس نسبت به پروردگار جهانيان چه گماني داريد؟(87) آنگاه نگاهي به ستارگان انداخت (88) و گفت مريضم (89) پس** (او را بحال خويش گذاشته) **و رفتند (90) آنگاه بسوي خدايان آنها رفت و گفت نميخوريد؟(91) چه تان است؟ چرا سخن نميگوييد؟(92) پس پنهاني با ضربتي محكم** (آنها را زد) **(93) آنگاه آنها سراسيمه بسوي او شتافتند (94) گفت آيا چيزي را که خودتان ميتراشيد ميپرستيد؟(95) در حاليکه خداوند شما و آنچه را عمل مي كنيد آفريده (96) گفتند بناي بلندي برايش بسازيد و او را در آتش سوزان بيفکنيد (97) پس نيرنگي برايش ترتيب دادند ولي ما آنهارا فروتر قرار داديم (98) و گفت من بسوي پروردگارم ميروم و او البته بزودي هدايتم خواهد کرد (99) پروردگارا** (فرزندي) **از صالحان بمن بده (100) پس مژده پسري موقر را به او داديم (101) و هنگامي که بالغ شد و در سعي** (حجّ) **همراهش بود به او گفت: پسرکم! در خواب ديدم که دارم تو را ذبح ميکنم . نظرت چيست؟ گفت: پدر جان ! آنچه را که مأمور هستي انجام ده . انشاء الله مرا صابر خواهي يافت (102) پس چون تسليم شدند و پيشاني او را بر زمين گذاشت (103) ندايش داديم که اي ابراهيم ! (104) تو موضوع رويايت را به راستي آوردي و ما نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (105) البته اين يک آزمايش آشکار بود (106) و با قرباني عظيمي جايگزينش داديم (107) و درميان بازماندگان برايش بجا گذاشتيم: (108) سلامي بر ابراهيم (109) و نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (110) که او البته از بندگان مومن ما بود (111) و او را به اسحق مژده داديم که پيغمبري از شايستگان بود (112) و به او و به اسحق برکت داديم و از اولاد آنها کساني مومن بودند و کساني هم بطور آشکار به خويش ظلم ميکردند (113) و البته به موسي و هارون نيز لطف کرديم (114) و آنها و قومشان را از آن گرفتاري عظيم نجات داديم (115) و ياري شان کرديم و آنها غالب شدند (116) و آن کتاب روشنگر را به آنها داديم (117) و آنها را بجاده مستقيم هدايت کرديم (118) و در ميان بازماندگان براي آنها بجا گذاشتيم: (119) سلامي بر موسي و هارون (120) نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (121) آنها از بندگان مومن ما بودند (122) و الياس هم از فرستادگان بود (123) هنگامي که به قومش گفت پروا نميکنيد؟(124) آيا «بعل» را ميخوانيد و بهترين آفريدگار را وا مي گذاريد؟(125) خداوند را که پروردگار شما و نياكانتان است؟(126) پس تکذيبش کردند و جزء بازداشت شدگان گرديدند (127) مگر بندگان خالص شده خداوند (128) و براي او در بازماندگان قرار داديم: (129) سلامي بر الياسي ها (130) نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (131) که او البته از بندگان مومن ما بود (132) و لوط هم از فرستادگان بود (133) هنگامي که او و اهلش را جمعأ نجات داديم (134) مگر پيرزني را که در عذاب شدگان ماند (135) آنگاه بقيه را هلاک کرديم (136) و شما صبحگاهان بر آنها عبور ميکنيد (137) و** (نيز) **شب ها . آيا تعقل نمي کنيد؟(138) و البته يونس هم از فرستادگان بود (139) هنگامي که بسوي آن کشتي پر** (از جميت) **ميگريخت (140) پس قرعه کشيدند و او از باختگان شد (141) و آن ماهي او را لقمه اي کرد و او سزاوار نکوهش بود (142) پس اگر نبود که** (حتي در شکم ماهي هم) **جزء تسبيح گويان بود ، (143) تا روز قيامت در شکم آن ميماند (144) پس او را به كرانه اي باير انداختيم و مريض بود (145) و بر او درختي از کدو رويانديم (146) و او را بسوي صد هزار نفر بلکه بيشتر،** (به رسالت) **فرستاديم (147) و ايمان آوردند و ما هم تا مدتي بهره مندشان کرديم (148)**

**پس ، از آنان بپرس آيا دختران براي خدا و پسران براي آنان است؟(149) آيا ملائکه را ماده آفريده ايم و آنها شاهد اين موضوع هستند؟(150) بدانيد آنها از دروغگوئيشان است که ميگويند: (151) خداوند فرزندي زاده و آنها حتما دروغگويانند (152) آيا دختران را بر پسران ترجيح داده؟(153) چه تان شده چگونه حکم ميکنيد؟(154) آيا انديشه نمي كنيد؟(155) آيا دليل روشني داريد؟(156) پس کتابتان را بياوريد اگر راست ميگوئيد (157) و بين او و بين جنيان نسبتي قرار دادند در حاليکه خودِ آن جنيان دانسته اند که جزء بازداشت شدگانند (158) منزه است خداوند از آنچه وصفش مي کنند (159) مگر بندگان خالص شده خداوند** (که چنین نمیگویند) **(160) پس البته شما و آنچه ميپرستيد (161) فتنه اي عليه او بپا نخواهيد کرد (162) جز اينكه به درون آتش سوزان خواهيد افتاد (163) و**[فرشتگان گویند] **از ما نيست مگر کسي که جايگاهي معلوم دارد (164) و البته ما صف بستگانيم (165) و تسبيح گويانيم (166) و همانا** [کافران] **مي گفتند: (167) اگر نزد ما پندي از گذشتگان بود (168) البته ما هم جزء بندگان خالص شده خداوند ميبوديم (169) پس به آن کفر ورزيدند و بزودي خواهند دانست (170)**

**و البته قبلا کلمه ما راجع به بندگان فرستاده مان صادر شده بود (171) که آنها حتما ياري خواهند شد (172) و اينکه لشکر ما حتمأ غالب خواهد گرديد (173) پس تا مدتي از آنان روي برگردان (174) و در آنها بنگر و بزودي خواهند ديد** (چه عاقبتی خواهند داشت) **(175) آيا عذاب ما را به عجله ميخواهند؟(176) پس وقتيکه** (عذاب ما) **به محدوده آنها رسيد ، صبحِ هشدار شدگان بد خواهد بود (177)** (پس) **تا مدتي از آنان روي برگردان (178) و بنگر و بزودي خواهند ديد (179) منزه است پروردگارت كه همان پروردگار پيروزمند است ، از آنچه وصف ميکنند (180) و سلام بر فرستادگان (181) و ستايش مخصوص پروردگار جهانيان است (182)**

**سوره ص**

|  |
| --- |
| **درس: ايات و نعمات مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**  **درب: كافران غرق خودپسندي و خود محوري هستند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ص- قسم به قرآن پنددار (1) ليکن کافران در غرور و مخالفتي بزرگ هستند (2)**

**چه اقوامي را قبل از آنان هلاک کرديم که به فرياد درآمدند که ديگر فايده اي نداشت (3) تعجب کردند که هشدار دهنده اي از ميان خودشان بسويشان آمده و کافران گفتند اين جادوگري است بسيار دروغگو (4)** {همه خدايان را يکي کرده؟ چيز بسيار عجيبي است (5) سران و بزرگانشان اين راه را انتخاب کردند که به مشي خويش ادامه دهيد و بر خدايان خويش پايداري کنيد که اين چيزيست (كه از شما) خواسته شده (6) چنين چيزي را از هيچ قوم ديگري نشنيده ايم و اين چيزي نيست مگر يک دروغ ساخته و پرداخته (7) آيا ازميان ما، اين (وحي فقط) براونازل شده؟ {{بلکه آنها نسبت به تذکراتم در شکي هستند بلكه هنوز عذابم را نچشيده اند}} (8) **آيا انبارهاي رحمت پروردگار عزتمند بخشنده ات نزد آنان است؟(9) يا اينکه فرمانروايي آسمانها و زمين و بين آندو از آن آنان است ، پس بايد** (بتوانند) **با اسباب و وسايل** (به آسمانها) **بالا روند (10) اينان لشکري شکست خورده هستند و از** (نوع همان) **احزاب** (قبلي و هلاک شده) **ميباشند (11)**

**قبل از آنان اقوام نوح و عاد و فرعون ميخدار تکذيب کردند (12) و ثمود و قوم لوط و ياران اَيْکه . آنها همان احزاب بودند** (که نابود شدند) **(13) همگي آنها پيامبران را تکذيب کردند و مجازاتم محقق گشت (14) اينان نيز چيزي را انتظار ندارند مگر صدائي بلند را که پس از آن مهلتي نخواهند داشت (15) گويند پروردگارا سهم ما را** (از عذاب) **فورا قبل از روز حساب بده (16)**

**بر آنچه ميگويند صبر کن و بنده مان داوود را ياد کن که نيرومند و بسيار توبه كار بود (17) کوه ها را رامش کرديم که شامگاهان و صبحگاهان با او تسبيح ميگفتند (18) و** (همچنين) **پرندگان را نيز که نزد او گرد ميآمدند و بسوي او بازمي گشتند (19) و فرمانروائي او را محکم کرديم و به او حکمت و سخن پايان بخش** (در قضاوت) **داديم (20) آيا داستان آن** (دو طرف) **دعوا را هنگامي که به بالاي محراب آمدند شنيدي؟(21) هنگامي که بر داوود وارد شدند ، از آنان بيمناک شد . گفتند مترس . دو طرف يک دعوا هستيم که يکي بر ديگري تجاوز روا داشته . لذا بين ما به حق حکم کن و ناحق مگو و ما را به راه راست هدايت کن (22) اين برادر من است که نود و نه گوسفند دارد و من فقط يکي دارم و ميگويد آن را هم بمن واگذار و در کلامش هم درشتي ميکند (23) گفت البته در اينکه گوسفندت را براي مخلوط کردن با گوسفندانش از تو ميخواهد به تو ظلم كرده و البته بسياري از شريکان چنين اند که بعضي شان به بعضي ظلم مي کنند مگر آنانکه ايمان آورده و عمل شايسته ميکنند و چقدر هم آنها کم هستند و داوود گمان کرد ما** (در اين قضيه) **او را امتحان كرده ايم لذا از پروردگارش استغفار کرد و به سجده افتاد و توبه کرد (24) اما اين موضوع را بر او بخشوديم و البته او نزد ما جايگاه نزديک و سرانجام نيکو دارد (25)** [به او خطاب کردیم] **اي داوود ! تو را در زمين جانشين قرار داديم . لذا بين مردم به حق حکم کن و از هواي نفس پيروي مکن زيرا که تو را از راه خدا گمراه ميکند . البته آنها که از راه خدا گمراه شوند بخاطر اينکه روز حسابرسي را فراموش کرده اند عذابي شديد خواهند داشت (26)**

**و آسمان و زمين و آنچه را بين آنهاست به باطل نيافريده ايم .** {اين گمان آنان است که کفر ورزيده اند} **و واي بر کافران از آن آتش (27) آيا آنان را که ايمان آورده و عمل شايسته کرده اند مانند مفسدان زمين قرار ميدهيم؟ يا اينکه با اهل تقوا مانند گناهکاران رفتار مي کنيم؟** [البته که چنین نخواهیم کرد] **(28) کتابي پر برکت بسويت فرستاديم تا در آياتش انديشه کنند و تا اينکه خردمندان پند گيرند (29)**

**و به داود سليمان را داديم . بنده اي خوب و بسيار توبه کننده بود (30) وقتي ، غروب هنگام ، آن اسبان تيز تک را به تماشايش آوردند (31) گفت من دوستي مال را به ياد پرودگارم ترجيح دادم تا اينکه آفتاب غروب كرد** (و وقت نماز گذشت) **(32)** [و به مامورانخویش دستور داد] **آنها را بمن برگردانيد . پس بنا کرد به گردنها و سرهاي آنها دست کشيدن (33) و البته سليمان را نيز آزموديم و بر تخت او جسدي افکنديم . پس بسوي ما توبه نمود (34) گفت پروردگارا مرا بيامرز و بمن سلطنتي ده که هيچکس پس از من به آن نرسد . که تو بسيار بخشنده اي (35) پس باد را رام او کرديم . به امر او هر جا که ميخواست به نرمي ميوزيد (36) و نيز از شيطان ها** (عده اي را) **رام او کرديم که برايش بنايي و غواصي ميکردند (37) و ديگراني را نيز كه در غل و زنجير نموديم (38)** [وبه او خطاب کردیم] **اين عطاي ما است . پس به هر که خواهي عطا کن و از هر که خواهي دريغ ورز (39) و البته در نزد ما جايگاهي نزديک و سرانجامي نيک دارد (40)**

**و بنده مان ايوب را ياد آر . هنگامي که پروردگارش را صدا زد که شيطان مرا به ناراحتي و عذاب انداخته است (41)** [به او یاد دادیم که ] **پايت را به زمين بزن . اين** (آبي است که) **مايه شستن ، و نيز نوشيدنيي خنك است (42)** {و خانواده اش را بعلاوه همانندش به او بخشيديم . تا رحمتي از ما باشد و تذکري براي خردمندان} **(43) مشتي پر از شاخه بدست گير و با آن ، آن زن را بزن ولي سوگند نشکن . البته او را صبور يافتيم . خوب بنده اي و بسيار توبه کار بود (44)**

**و ياد آر بندگانمان ابراهيم و اسحق و يعقوب را که نيرومند و بينا بودند (45) که ما البته آنها را به صفتي خالص کرده بوديم که آخرت انديشي بود (46) و البته آنها در نزد ما از برگزيدگانِ خوبانند (47) و نيز اسمعيل و يسع و ذالکفل را نيز بياد آر که همه از نيکان بودند (48)**

**اين پندي است . و البته تقوا داران سرانجامي نيک خواهند داشت (49) بهشت هائي جاودان که درب هاي آن برايشان گشوده است (50) در آن تکيه زده و دستور ميوه زياد و نوشيدني خواهند داد (51) و نزدشان همسراني است که جز به شوهران خويش نظري ندارند (52) اين است چيزي که براي روز حساب به شما وعده داده (53) البته اين رزق ماست كه تمامي ندارد (54)**

**اين است و البته طغيانگران نيز بد سرانجامي خواهند داشت (55) جهنمي که در آن انداخته ميشوند و بد جايگاهي است (56) اين است . پس بايد آبي داغ و چرکين و متعفن بچشند (57) و چيزهاي ديگري مانند آنها (58)** [به آنها خطاب ميشود] **اين گروه انبوه، با شمايند .** [جواب ميدهند] **خوششان مباد ، زيرا که داخل آتش خواهند شد (59)** [آنها به اينها] **ميگويند خودتان خوشتان مباد ، شما اين** (عذاب) **را براي ما فراهم کرده ايد و چه بدقرارگاهي است (60) ميگويند پروردگارا هر کس که اين را برايمان فراهم کرده او را در آتش دو چندان عذاب فرما (61) و ميگويند چه مان شده که مردمي را که جزء اشرار مي شمرديم نمي بينيم؟(62) آيا آنها را دست كم ميگرفتيم** (و بعكس تصور ما نجات يافتند) **يا در اينجا به چشممان نمي آيند؟(63) البته ، اين** (گوشه ای از) **دعواي اهل آتش ، و** (کاملا) **حق است (64)**

**بگو جز اين نيست که من هشدار دهنده اي هستم و جز خداوند واحد قهّارخدائي نيست (65)** {که پروردگار آسمانها و زمين و بين آنهاست و عزتمند آمرزشگر است}(66)  **بگو آن** (خبرِ قیامت) **خبري بزرگ است (67) که شما از آن روي گردانيد (68) هيچ علمي نسبت به آن بزرگان عاليمرتبه** (آسمانی) **، آن هنگام که مشاجره ميکردند ، ندارم (69) بمن جز اين وحي نميشود که هشدار دهنده اي آشکارم (70)**

**آن هنگام** (را ياد كن) **که پروردگارت به ملائکه گفت آفريدگار بشري از خاک خواهم بود (71) پس هر گاه او را پرداختم و از روح خويش در او دميدم برايش به سجده بيفتيد (72) آنگاه ملائکه همگي سجده نمودند (73) مگر ابليس که گردنفرازي کرد و از کافران گرديد (74) گفت اي ابليس ! چه چيز مانعت شد که براي چيزي که با دست خويش آفريدمش سجده کني؟ آيا خود را بزرگ ديدي يا واقعأ از بزرگ مرتبه گاني؟(75) گفت من از او بهترم . مرا از آتش و او را از خاک آفريده اي (76) گفت ، پس ، از اينجا بيرون شو که رانده شده اي (77) و تا روز قيامت از رحمت من دور خواهي بود (78) گفت پروردگارا ! پس تا روزي كه برانگيخته ميشوند مهلتم ده (79) گفت** (باشد) **تو از مهلت يافتگاني (80) تا روزي که وقت معلومي دارد (81) گفت قسم به عزّتت كه همگانشان را گول خواهم زد (82) مگر آن بندگانت که خالص شده باشند (83) گفت حق اين است که به حق ميگويم (84) حتمأ جهنم را از تو واز کساني که پيرويت کنند پر ميکنم (85)**

**بگو من براي آن** (رسالت) **از شما مزدي نميخواهم و من از آن متکلفان نيستم** (کهچيزي بخود ببندنداما واقعا آنطور نباشند) **(86) اين** (قرآن) **چيزي جز پندي براي جهانيان نيست (87) و البته خبرش را پس از چندي خواهيد دانست (88)**

مرحله هفتم

**افزایش بیشترِ فشارها**

**و**

**دلداریِ بیشترِ خداوند**

**به پیامبر و مومنان**

**سوره قصص**

|  |
| --- |
| **درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ط. س. م. (1) اين آيات آن کتاب آشکار است (2)** [ای پیامبر] **از داستان موسي و فرعون براي مردمي مومن بدرستي برايت ميخوانيم (3) البته فرعون در** (آن) **زمين گردنكشي كرد و اهل آنرا گروه هائي نمود . گروهي از آنها را ضعيف ميداشت بطوريکه پسرانشان را ميکشت و زنانشان را زنده نگه ميداشت که او البته از مفسدان بود (4) و ما اراده داريم که بر آنانکه در زمين ضعيف داشته ميشدند منت گذارده و آنها را پيشوايان قرار داده و آنها را وارثان** (زمین) **نمائيم (5) و در آن زمين به آنها مکانت دهيم و به فرعون و هامان و لشکريانشان آنچه را که از آن مي هراسند بنمايانيم (6)**

**و به مادر موسي وحي کرديم که شيرش بده . و هنگامي که بر او ترسيدي در دريا بيندازش و نترس و اندوهگين هم مباش که ما خودمان حتما بسويت برش ميگردانيم و از پيامبران قرارش ميدهيم (7) آنگاه نزديکان فرعون يافتندش تا برايشان هم دشمن و هم مايه اندوه باشد . البته فرعون و هامان و سپاهيانشان خطا کار بودند (8) و زن فرعون گفت** (اين) **روشني چشمي براي من و تو** (است). **نكشيدش چه بسا برايمان فايده اي داشته باشد يا به فرزندي بگيريمش و آنها متوجه نبودند (9) و دل مادر موسي خالي شد و اگر قلبش را مطمئن نکرده بوديم که از مومنان باشد نزديک بود آن** (راز) **را آشکار کند (10) و به خواهرش گفت پي او را بگير و او در حاليکه آنها متوجه نبودند از جائي او را ديد (11) و قبلا** (قبول پِستان) **شير دهندگان را بر او حرام کرده بوديم پس گفت آيا شما را به خانواده اي که او را نگهدارند و خير خواهش باشند راهنمائي بنمايم؟(12) پس او را به مادرش برگردانديم تا چشمش روشن شود و اندوهگين نباشد و بداند که وعده خداوند حق است وليکن اکثرشان نميدانند (13) و هنگاميکه به رشد و قوت خويش رسيد و استوار شد ، به او حکم و علم بخشيديم و نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (14) و هنگاميکه اهل آن شهر متوجه نبودند داخل آن شد و دو نفر را يافت که ميجنگيدند . اين از پيروانش و او از دشمنانش بود . و آنکه از پيروانش بود از او بر ضد آنکه از دشمنانش بود کمک خواست . پس موسي به او مشتي زد و کارش تمام شد . گفت اين از کارهاي شيطان است که او دشمني گمراه کنندهء آشکار است (15)** (و) **گفت پروردگارا بر خويش ظلم کرده ام پس مرا ببخش و او بخشيدش که او بسيار مهربان است (16) گفت پروردگارا بسبب نعمتي که بمن دادي هرگز پشتيبان مجرمان نخواهم بود (17) آنگاه در آن شهر به صبح رساند درحاليکه ترسان و نگران بود . پس همانکه ديروز از او کمک خواسته بود** (باز هم) **از او فرياد رسي کرد و موسي به او گفت تو البته يک گمراه کننده آشکاري (18) پس چون خواست آن کسي را که دشمن هر دوتایشان بود با قوت بگيرد گفت اي موسي آيا ميخواهي مرا نيز بکشي همانطور که ديروز يک نفر را کشتي؟ جز اين نيست که تو ميخواهي در زمين زورگو گردي و نميخواهي از اصلاح گران باشي (19) و مردي از دورترين نقطه شهر دوان دوان آمد و گفت اي موسي بزرگان** (شهر) **تصميم به قتل تو گرفته اند پس خارج شو که من خير خواه تو ميباشم (20) و او در حاليکه ترسان و مراقب بود از آن خارج شد و گفت پروردگارا مرا از مردم ظلم پيشه نجات ده (21) و هنگاميکه بطرف مدين روي نمود گفت چه بسا که پروردگارم مرا به راه صحيح هدايت کند (22) و هنگامي که بر آب مدين وارد شد عده اي را بر آن يافت که آب ميدادند و دنبال آنها دو زن را ديد که جلوگيري ميکردند** (که گوسفندانشان با مال ديگران مخلوط شوند) **گفت کارتان چيست؟ گفتند ما آب نميدهيم مگر آنکه چوپانان بروند و پدرمان پيرمردي فرتوت است (23) پس براي آنها آب داد . سپس بسوي سايه رفت و گفت پروردگارا به هر خيري که بسويم بفرستي نيازمندم (24) پس يکي از آن دو زن باحيا بسوي او آمد و گفت پدرم تو را فراخوانده تا پاداش آب دادنت را بدهد . و چون بسوي او رفت و داستانها را براي او گفت ، گفت مترس که از مردم ظلم پيشه نجات يافته اي (25) يکي از آن دو گفت پدر جان استخدامش کن . البته بهترين کسي که استخدام کني کسي است که قوي و امين باشد (26) گفت ميخواهم يکي از اين دخترانم را در مقابل هشت سال کار به ازدواجت درآورم . اگر هم خواستي ده سال را تمام کني بر عهده خودت ، و من نميخواهم بر تو سخت بگيرم و انشاءالله بزودي مرا از صالحان خواهي يافت (27) گفت اين بين من و تو باشد هر کدام از دو مدت را که تمام کردم فشاري بر من نباشد و خداوند بر آن چيزي که ميگوييم وكيل است (28) پس چون موسي آن مدت را گذراند و خانواده اش را حرکت داد از جانب** (کوه) **طور متوجه آتشي شد . به خانواده اش گفت مکث کنيد ، متوجه آتشي شده ام شايد از آن برايتان خبري بياورم يا پاره اي از اتش را ، شايد گرم شويد (29) پس چون به آن** (آتش) **در آمد از کرانه راست آن دره از درختي که در قطعه زمين پربرکتي بود ، ندائي شنيد که اي موسي من البته خودم «الله» هستم که پروردگار جهانيانم (30) و اينکه عصايت را بيانداز . پس چون ديد مانند ماري مي جنبد پشت کرد و دويد و بر نمي گشت .** [خطاب شد] **اي موسي! پیش آی و نترس . تو از ايمنان هستي (31) و دستت را در گريبانت داخل کن . سفيد، بدون اينکه بديي داشته باشد خارج خواهي کرد و دو بازويت را به هم بچسبان** (تا) **از ترس** (آرام گيري) **و اينها دو دليل از پروردگارت براي فرعون و بزرگانش هستند که البته آنها مردمي گناه پيشه اند (32) گفت پروردگارا ! من کسي از آنها را کشته ام ميترسم بکشندم (33) و برادرم هارون زبانش از من روانتر است پس او را نيز با من بعنوان کمک بفرست که تصديقم کند که ميترسم تکذيبم کنند (34) گفت بزودي بازويت را بوسيله برادرت قوي ميکنيم و برايتان دليلي قرار ميدهيم و بواسطه آياتمان به شما دست نخواهند يافت . شما دو نفر و هر کس که پيرويتان کند غالب خواهيد شد (35) پس هنگاميکه موسي با آيات روشنگرمان بسويشان آمد گفتند اين چيزي جز جادوئي از روي افترا نيست و ما درباره اش چيزي از نياكانمان نشنيده ايم (36) و موسي گفت پروردگارم بهتر ميداند چه کسي هدايت را از جانب او آورده و چه کسي سرانجام خوب خواهد داشت . که او البته ظالمان را رستگار نمي کند (37) و فرعون گفت اي بزرگان ! من براي شما هيچ معبودي جز خودم نشناخته ام و اي هامان ! بر گِل برايم آتش بيفروز** (و آجربساز) **و برجي برايم برآور ، شايد به معبود موسي اطلاع پيدا کنم زيرا که او را از دروغگويان ميدانم (38) و او و سپاهيانش در زمين بدون اينکه حقي داشته باشند بزرگي می طلبيدند و گمان کردند که بسويمان بازگشت ندارند (39) پس او و سپاهيانش را بگرفتيم و در آن دريا انداختيم . بنگر عاقبت ظالمان چگونه است (40) و آنها را رهبراني قرار داديم که بسوي آتش** (جهنم) **دعوت ميکنند و روز قيامت ياري نميشوند (41) و در اين جهان نيز در پي آنها لعنت قرار داديم و روز قيامت نيز از زشت رويان خواهند بود (42)**

**و البته پس از اينکه مردم قرون گذشته را هلاک کرديم ، آن کتاب را به موسي داديم که مايه بصيرت هائي براي مردم و نيز هدايت و رحمت است شايد پند گيرند (43)** {و آن هنگام که براي موسي آن امر را ميگذرانديم ، تو نه در كناره غربي و نه از شاهدان بودي (44) وليکن ما مردم قرن هاي زيادي را بوجود آورديم و عمرهايشان طولاني شد و همچنين تو در ميان اهل مدين هم مقيم نبودي که آياتمان را بر آنها بخواني وليکن خودمان فرستنده (پيامبران) بوديم (45) و تو در آن کناره (کوه) طور هم نبودي آن هنگامي که (موسي را) صدا کرديم وليکن رحمتي از جانب پروردگارت (هستي) تا قومي را که قبل از تو هشدار دهنده اي نداشتند هشدار دهي شايد پند گيرند }(46)

**و** (رفتار این کافران) **اينطور بود که وقتي بسبب اعمالشان مصيبتي به آنان ميرسيد ميگفتند پروردگارا چرا رسولي بسويمان نفرستادي تا آياتت را پيروي کنيم و از مومنان باشيم (47) اما تا حق از جانب ما بسويشان آمد گفتند چرا چيزي مانند آنچه به موسي داده شد به او داده نشد؟ آيا به آنچه قبلا به موسي داده شد کفر نورزيدند و گفتند دو جادوست که از يکديگر پشتيباني مي کنند و** (نيز) **گفتند نسبت به همه آنها کافريم (48)** {بگو پس کتابي از جانب خداوند بياوريد که از آن دو هدايت کننده تر باشد که من هم پيرويش کنم اگر راست ميگوييد (49) پس اگر اجابتت نکردند بدان که هوا و هوس خويش را پيروي مي کنند و چه کسي گمراه تر است از کسي که هوا و هوس خويش را که خالي از هدايت خدا باشد پيروي کند؟ البته خداوند ظالمان را هدايت نمي کند }(50) **و البته آن قول** (وحي) **را پیوسته نموديم شايد پند گيرند (51)** { آنانکه قبلا کتابشان داده ايم به آن (قرآن) ا ايمان مي آورند (52) و وقتيکه بر آنان تلاوت شود ميگويند به آن ايمان آورده ايم . آن حق است و ماقبل از آن تسليم (حق) بوديم (53) آنها ، پاداششان دوبار داده ميشود ، {{بسبب پايداريي که ميكنند و بدي را با نيکي دور ميکنند و از آنچه به آنان روزي نموديم انفاق مي نمايند (54) و وقتيکه بيهوده اي ميشنوند از ان روي ميگردانند و ميگويند اعمالمان براي ما و اعمالتان براي شما (باشد) سلام بر شما ما بدنبال جاهلان نيستيم}} (55) البته اينطور نيست که تو هر که را که دلت خواهد هدايت کني وليکن خداست که هر کس را خواهد هدايت ميکند و همو به حال هدايت يافتگان داناتر است }(56)  **و ميگويند اگر آن هدايتي را که همراه توست پيروي کنيم از سرزمين خويش ربوده ميشويم . آيا ما آنها را در حرمي امن جاي نداده ايم که فرآورده هاي همه چيز بسوي آن گسيل ميشود؟ که روزيي است از نزد ما؟ وليکن اکثرشان علم ندارند (57) و چه بسا شهرهايي را که در معيشت خويش طغيان کردند و اين مسکن هاي آنهاست که جز کمي پس از آنها مسكون نبود و ما وارثانيم (58)** {و پروردگارت اينطور نيست که شهرها را هلاک کند مگر اينکه در مرکز آنها رسولي برانگيزد که آياتمان را بر آنان بخواند و ما اينطور نيستيم که شهرها را هلاک کنيم مگر اينکه اهلش ظالم باشند} (59)

**و آنچه به شما داده شده متاع زندگي دنيا و زينت آن است و آنچه نزد خداست بهتر و باقي تر است آيا تعقل نمي کنيد؟ (60)** {آيا کسي که به او وعده نيکوئي داديم و او به آن رسيد مانند کسي است که او را به متاع زندگي دنيا برخوردار کرديم و آنگاه در قيامت از احضار شدگان است؟} (61) **و روزي که** (در قیامت) **صدايشان زنند و گفته شود آن شريکاني که براي من مي پنداشتيد کجا هستند؟(62) کساني که آن قول بر آنان فرود آمده ميگويند پروردگارا اينها کساني هستند که ما گمراهشان کرده بوديم . گمراهشان نموده بوديم ، همانطور كه خودمان هم گمراه بوديم . در پيشگاه تو** (از اين كار) **بيزاري ميجوئيم .** (البته) **آنها فقط ما را عبادت نميکردند (63) به آنها گفته ميشود شريکان خويش** ( که برای خداوند فرض کرده بودید) **را صدا بزنید پس صدایشان مي کنند اما آنها جوابشان نميدهند و** (در این حال) **عذاب را مي بينند و آرزو ميکنند که کاش هدايت يافته بودند (64) و هنگامي که صدايشان ميزنند و مي پرسد چه جوابي به رسولان داده ايد؟(65) پس در آن روز خبرها بر آنها مشتبه ميشود و** (چنانسر در گم میشوند که) **از يکديگر احوال پرسي هم نمي­کنند (66)**

**اما کسي که توبه کند و ايمان بياورد و عمل صالح در پيش گيرد چه بسا که از رستگاران باشد (67)**

**و پروردگارت آنچه خواهد مي آفريند و برميگزيند . آنها اختياري ندارند . خداوند پاک و منزه است از آنچه با او شريک ميگيرند (68) و پروردگارت آنچه را که دلهايشان مخفي ميکند و آنچه را که آشکار ميکنند ميداند (69) و همو خداوند است . خدائي جز او نيست . ستايش در اين جهان و در آخرت مخصوص اوست و قضاوت نيز همچنين . و بسوي او بازميگرديد (70)** {بگو بينديشيد اگر خداوند شب را تا قيامت هميشگي کند ، غير از خداوند چه خدائي است که روشنايي را برايتان بياورد آيا نمي شنويد؟ (71) بگو بينديشيد اگر خداوند تا قيامت روز را هميشگي کند ، چه خدائي است که شبي برايتان بياورد که در آن استراحت کنيد؟ آيا نمي بينيد؟ (72) و از رحمتش برايتان شب و روز را قرار داد که در آنها استراحت کنيد و از فضل او روزي خويش بجوئيد شايد شکر گزاريد} (73) **و روزي که آنها را ندا دهد و بگويد کجا هستند شريکاني که به خيال خويش براي من در نظر گرفتيد (74) و** (در آن روز) **از هر مردمي شهادت دهنده اي جدا کنيم و بگوئيم دليل خويش بياوريد ، آنگاه بدانند که حق مخصوص خداست و آنچه که افترا ميزدند از نزدشان گم و نابود میشود (75)**

**قارون از قوم موسي بود كه بر آنها طغيان کرد و به او آنقدر از گنجها داده بوديم که فقط کليدهايش جواناني نيرومند را خسته ميکرد . هنگاميکه قومش به او ميگفتند خوشحالي مکن که خداوند** (اين قبيل) **خوشحالان را دوست ندارد (76) و در آنچه خداوند بتو داده سراي آخرت را جستجو کن و** (در عين حال) **نصيب خويش را نيز از دنيا فراموش مکن و نيکي کن چنانکه خداوند بتو نيکي نموده و در روي زمين در پي فساد مباش که خداوند مفسدان را دوست نميدارد (77) گفت جز اين نيست که** (آن ثروت) **را بعلت علمي که نزد خودم است یافته­ام .** {آيا نمي دانست که خداوند قبل از او کساني را هلاک کرده که از او قوي تر و از لحاظ جمعيت از او فزون تر بودند؟ و مجرمان درباره گناهانشان سئوال نميشوند} (78)  **و با زينت هايش بر مردم درآمد . کساني که زندگي دنيا را ميخواستند گفتند اي کاش آنچه به قارون داده شد براي ما هم ميبود که او صاحب بهره عظيمي است (79) و کساني که علم به آنها داده شده بود گفتند واي بر شما ثواب خداوند براي کسي که ايمان آورده و عمل صالح کند بهتر است و جز کساني که اهل پايداري باشند به آن نميرسند (80) پس او و خانه اش را در زمين فرو برديم و هيچ نیروئی نبود که عليه خداوند ياريش کند و خودش هم از کساني نبود که داد خويش بستاند (81) و آنهايي که ديروز موقعيت او را آرزو ميکردند چنان شدند که ميگفتند واي ! گويي که خداوند است که براي هر يک از بندگانش که بخواهد روزي را فراخ ميکند يا تنگ ميگيرد . اگر خدا بر ما منت نگذاشته بود حتمأ** (زمين) **ما را نيز فرو ميبرد . و اي ! گويي که او کافران را رستگار نمي کند (82) اين خانه آخرت را براي کساني قرار داده ايم که در زمين اراده سركشي و فساد ندارند و عاقبت از آن متقيان است (83) کسي که نيکيي بياورد براي او بهتر از آن خواهد بود و کسي که بديي بياورد** (بداند) **كساني که کارهاي زشت مي کنند جزسزاي آنچه را که انجام ميدهند نمي بينند (84)**

**البته کسي که قرآن را بر تو فرض کرده ، حتما تو را به آن بازگشتگاه برميگرداند . بگو پروردگارم بهتر ميداند چه کسي هدايت آورده و چه کسي در گمراهي آشکار است (85) و تو اميدي نداشتي که آن کتاب بر تو القاء شود** (اين نبود) **مگر رحمتي از جانب پروردگارت لذا به نفع کافران همپشتي مکن (86) و مبادا تو را از آيات خداوند ، پس از اينکه بسويت نازل شده ، بازدارند . و بسوي پروردگارت دعوت کن و مبادا که از مشرکان باشي (87) و مبادا که همراه خداوند خدائي ديگر را بخواني . خدائي جز او نيست . همه چيز هلاک شدني است مگر وجه او . حکومت مخصوص اوست و بسوي او بر ميگرديد (88)**

**سوره نمل**

|  |
| --- |
| **درس: خداوند چگونه پيامبران خويش را تاييد و مخالفانشان را مغلوب مي­کند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**طس . اين آيات قرآن و کتابي آشکار است (1)**  {كه هدايت و مژده اي براي مومنان است}(2) {{همانها که نماز بپا ميدارند و زکوة ميدهند و به آخرت يقين دارند}}(3) **آنان که به آخرت باور ندارند اعمالشان را زينت داده ايم و کوردل و سرگردان ميمانند (4)** {آنها کساني هستند که عذاب بد خواهند داشت و در آخرت هم زيانکارتر خواهند بود} (5) **و تو البته قرآن را از نزد حکيمي دانا فراميگيري (6)**

**هنگامي که موسي به خانواده اش گفت آتشي ميبينم . بزودي خبري از آن بسويتان مياورم يا شعله اي شايد گرم شويد (7) پس هنگاميکه نزد آن آمد به او ندا شد پربرکت است کسي که در اين آتش است و هر کس که دور و بر آن است و منزه است خداوند پروردگار جهانيان (8) اي موسي من همان الله و همان پيروزمند فرزانه هستم (9) عصايت را بيانداز . پس وقتي كه آن را چنان ديد که گوئي كه ماري باشد ، برگشت** (و فرار کرد) **و به پشت سر نگاه نکرد .** [خطاب شد] **اي موسي نترس ، پيامبران در پيشگاه من نمي ترسند (10)** {مگر کسي که ظلم کرده باشد آنگاه از پي بدي نيکي آورده باشد كه آنگاه من آمرزگار مهربانم} (11)  **و دستت را در گريبانت کن و بيرون آور** (خواهي ديد) **بدون اينکه بيماريي داشته باشد سفيد است .** (با اينها) **در نه آيه و علامت بسوي فرعون و قومش برو که آنها قومي گناهکارند (12) پس هنگامي که با آيات روشنگرانه ما بسويشان رفت گفتند اين جادوئي آشکار است (13) و انکارش کردند در حاليکه دلهاشان به** (صحت) **آن يقين داشت .** (علت آن هم) **ظلمي و تکبري بود . بنگر عاقبت مفسدان چه بود (14)**

**و البته به داوود و سليمان علمي داديم و آنها گفتند سپاس خداوند را که ما را بر عده زيادي از بندگان مومنش برتري داد (15) و سليمان وارث داوود شد و گفت اي مردم زبان پرندگان به ما آموخته شده و از هر چيزي بما داده شده . البته اين همان فضل آشکار است (16) لشکريان سليمان اعم از جن و انس و پرندگان بر او گرد آمدند ، آنگاه بهم پيوستند (17) تا اينکه به بيابان مورچگان رسيدند . مورچه اي گفت اي مورچگان داخل مسکن هاي خود شويد تا سليمان و لشکريانش شما را له نکنند در حاليکه متوجه نيستند (18) پس او از گفته اش به تبسم خنده اي کرد و گفت پروردگارا روزيم کن که شکر نعمتي را که بمن و پدرم داده اي بجا آورم و نيز روزيم کن که عمل صالحي که بپسندي بعمل آورم و از روي رحمتت مرا در زمره بندگان صالحت درآور (19) و جوياي پرندگان شد و گفت چه اَم شده که هدهد را نمي بينم يا اينکه از غايبان است؟ (20) او را به شدت عذاب خواهم کرد يا سرش را خواهم بريد مگر اينکه برايم دليلي آشکار بياورد (21) چيزي نگذشت که** (هدهد آمد و) **گفت چيزي فهميدم که تو متوجه نشدي و از سباء خبري يقيني برايت آورده ام (22) ديدم زني پادشاهشان است و از همه چيز به او داده شده و تخت بزرگي داشت (23) ديدم او و قومش آفتاب را بجای خدا سجده مي کنند و شيطان اعمالشان را برايشان آراست و آنها را از راه** (راست) **بازداشت و آنها هدايت يافته نيستند (24) مگر اینکه براي خداوند سجده كنند که هر نهاني را در آسمانها و زمين بيرون مي آورد و آنچه را که پنهان ميکنيد يا آشکار مي کنيد ميداند (25) خداوند ، که خدائي جز او نيست ، که پروردگار آن عرش عظيم است (26) گفت بزودي مي فهميم که راست ميگويي يا از دروغگوياني (27) با اين نامه ام برو و آنرا بسويشان بيانداز سپس از آنها دور شو و بنگر چه ميکنند (28)** (آن زن) **گفت اي بزرگان! نامه اي گرامي بسويم افتاده است (29) که از سليمان است و بنام خداوند بخشنده مهربان است (30) که بر من بزرگي مکنيد و تسليمم شويد (31) گفت اي بزرگان نظرتان را درباره کارم بگوئيد . من هيچ کاري را نبريده ام مگر اينکه شما شاهد بوده ايد (32) گفتند ما نيرومنديم و نيرويمان هم سخت است و فرمان دادن از توست . ببين چه فرمان ميدهي (33) گفت پادشاهان وقتي که داخل شهري ميشوند خرابش ميکنند و بزرگانش را ذليل مي نمايند و چنين مي کنند (34) و من هديه اي بسويشان ميفرستم و بررسي مي کنم که فرستادگان با چه برميگردند (35) پس هنگاميکه** (هديه) **نزد سليمان آمد گفت آيا بمن کمک مالي ميدهيد؟ آنچه خداوند بمن داده از آنچه به شما داده بهتر است . بلکه شما از هديه خودتان دلخوشيد (36)** [و بهآن فرستاده گفت] **برگرد بسويشان . پس البته با سپاهياني بسويشان خواهيم آمد که تحملش نيارند و حتمأ آنها را ذليلانه از آن** (شهر) **اخراج خواهم کرد در حاليکه سرافکنده باشند (37)** [آنگاه سلیمان] **گفت اي بزرگان ! کدامتان تخت او را برايم مي آوريد قبل از اينکه بحالت تسليم نزد من آيند؟(38) عفريتي از جن گفت قبل از اينکه از جايگاهت بلند شوي آن را برايت مي آورم و من بر اين کار قوي و امين هستم (39) کسي که علمي از آن کتاب نزدش بود گفت آن را قبل از اينكه پلک بر هم بزني نزدت مي آورم . پس چون آنرا نزد خويش مستقر يافت گفت اين از فضل پروردگار من است تا امتحانم کند آيا شکر ميگزارم يا کفران ميکنم وکسي که شکر کند بنفع خويش کرده و کسي که کفران کند البته پروردگارم بي نياز ارجمند است (40) گفت تختش را براي او ناشناس کنيد ببينيم آيا پي ميبرد يا اينکه از كساني خواهد بود که هدايت نميشوند (41) وقتيکه** (آن زن) **آمد به او گفته شد آيا تخت تو اينطور است؟ گفت چنين بنظر ميايد که خودش است و قبل از اين هم علم يافته بوديم و تسليم بوديم (42) و آنچه که بجاي خدا پرستش ميکردند جلوگيرش شده بود ، که او از قومي از کافران بود (43) به او گفته شد به حياط قصر داخل شو . پس چون آن را ديد پنداشت آبگير است و ساقهاي خويش را برهنه کرد .** [سلیمان] **گفت اين قصريست از بلور صاف . گفت پروردگارا من به خويش ظلم کرده ام . اينک همراه سليمان براي خداوند پروردگار جهانيان تسليم ميباشم (44)**

**و البته بسوي قوم ثمود برادرشان صالح را فرستاديم که خداوند را عبادت کنيد و آنوقت آنها دو گروه شدند که با يکديگر در جدال بودند (45) گفت اي قوم چرا با عجله بدي را قبل از خوبي ميخواهيد؟ چرا از خداوند آمرزش نميخواهيد شايد مورد لطف واقع شويد؟(46) گفتند تو و همراهانت را به فال بد گرفته ايم . گفت فال بد شما نزد خداست بلکه شما به فتنه افتاده ايد (47) در آن شهر نه قبيله بودند که به فساد مي پرداختند و اصلاح نمي کردند (48) گفتند به** (نام) **خدا هم قسم شويد که شبانه بر او و اهل او شبيخون بريد سپس به خونخواهش بگو ئيم ما در كشتار خانواده اش حاضر و ناظر نبوديم و البته راست مي گوييم (49) و مکري زدند و ما هم مکري کرديم و متوجه نبودند (50) بنگر عاقبت مکر آنها چه بود که ما آنها و قومشان را يکجا نابود کرديم (51)** {اين است خانه هايشان كه بسبب ظلمي که کردند خالي مانده . که البته در اين نشانه ايست براي مردمي دانا} (52) **و اهل ايمان و تقوا را نيز نجات داديم (53)**

**و لوط هنگامي که به قوم خويش گفت آيا به کار زشت رو مي کنيد و مي نگريد؟(54) آيا به مردان بجاي زنان به شهوت روي مي آوريد؟ بلکه مردمي جهالت پيشه ايد (55) جواب قوم او جز اين نبود که لوطيان را که پاکيزگی جو هستند از شهرتان بيرون کنيد (56) پس او و اهلش را نجات داديم مگر زنش را که جزء بازماندگان رقم خورده بود (57) و باراني بر آنها بارانديم و باران هشدار يافتگان چه بد بود (58)**

**بگو سپاس خداي را و سلام بر آن بندگانش که برگزيدشان . آيا خداوند بهتر است يا آنچه با او شريک ميگيرند؟ (59) يا كيست که آسمانها و زمين را آفريد و از آسمان برايتان آبي فرستاد که بوسيله آن باغهاي خرم رويانديم** {که روياندن درختهايش کار شما نبود} **آيا خدائي با اوست؟ بلکه آنها مردمي منحرفند (60) يا كيست كه زمين را قرارگاه نموده و در خلال آن نهرها قرار داده و براي آن لنگرها گذاشته و بين آن دو دريا برزخي قرار داده؟ آيا خدائي با اوست؟ بلکه اکثرشان علم ندارند (61) يا چه کسي است که به فرياد بيچاره ميرسد و بدي را برطرف ميکند؟ وشما را جانشينان زمين ميکند؟ آيا خدائي با اوست؟ چه کم پند ميگيريد؟(62) يا كيست كه شما را در تاريکي هاي زمين و دريا هدايت مي کند؟ يا چه کسي بادها را پيشاپيشِ مژده رحمتش مي فرستد؟ آيا خدائي با اوست؟ خداوند بالاتر است از آنچه با او شريک ميگيرند (63) يا كيست كه آفرينش را شروع و سپس اعاده ميکند؟ و چه کسي شما را از آسمان و زمين روزي ميدهد؟ آيا خدائي با اوست؟ بگو دليل خويش بياريد اگر راست ميگوئيد (64) بگو در آسمانها و زمين هيچکس جز خدا غيب نميداند . و نميدانند کي برانگيخته خواهند شد (65)**

**بلکه علمشان به آخرت تا اينجا رسيده ! بلکه درباره آن در شکي هستند، بلکه اصلا درباره آن نا بینایند (66) و کافران ميگويند آيا هنگامي که ما و پدرانمان خاک شديم آيا بيرون مي آئيم؟(67) قبلا هم اين وعده ها به ما و پدرانمان داده شده . اين چيزي مگر افسانه هاي پيشينيان نيست (68) بگو در زمين بگرديد و ببينيد عاقبت مجرمان چگونه بوده است (69)** {بر آنهااندوهگين مشو و از آنچه نقشه مي کشند تنگدل مباش} **(70) و ميگويند اين وعده اي که ميدهيد کي خواهد بود اگر راست ميگوييد؟(71) بگو چه بسا که بعضي از آنچه که به عجله ميخواهيدش هم اکنون رديف شده باشد (72) و البته پروردگارت نسبت به مردم صاحبِ فضل و کرم است وليکن اکثرشان سپاس نمي گزارند (73) و البته پروردگارت آنچه را که در دلهاشان پنهان ميکنند و آنچه را که آشکار مي کنند ميداند (74) و هيچ نهفته اي در آسمانها و زمين نيست مگر اينکه درکتابي آشکار هست (75)**

**البته اين قرآن براي بني اسرائيل اکثر چيزهائي را که درباره اش اختلاف دارند بيان ميکند (76) و البته آن هدايت و رحمتي براي مومنان است (77) البته پروردگارت بين آنها به حق حکم ميکند و همو پيروزمند داناست (78)**

**پس بر خدا توکل کن که بر حق آشکار هستي (79) البته تو به مردگان نخواهي شنواند و نيزبه کران وقتي که روي برگردانده و پشت مي کنند (80) و تو هدايت کننده کور از گمراهيش نيستي. جز اين نيست که تو فقط به کسي که به آياتمان ايمان دارد و تسليم** (حق) **است مي شنواني (81)**

**و هنگامي که آن قول بر آنها فرود آيد جنبنده اي از زمين برايشان بيرون مي آوريم که با آنان گفتگو کند که مردم البته به آياتمان يقين نميدارند (82) و روزي که فوجي از هرامتي که آياتمان را تکذيب ميکردند بياوريم که سپس بهم بپيوندند (83)**  {تا اينکه (همگي) بيايند . گويد آيا آيات مرا تکذيب کرديد در حاليکه علمي به آن نداشتيد؟ چه کاري بود که ميکرديد؟(84) و آن قول بر آنها بسبب ظلمي که ميکردند فرود آيد و سخني نگويند (85) آيا نمي بينند که شب را براي آرامش و روز را براي ديدن قرار داده ايم؟ البته دراين براي مردم صاحب ايمان آيت هاست} (86) **و روزي که در آن شيپور دميده شود ، پس تمام کساني که در آسمانها و زمين هستند به فرياد مي افتند . مگر آنهائي که خداوند بخواهد و همگي با افتادگي بسوي او مي آيند (87)**  {و کوه ها را مي بيني و مي پنداري جامدند درحاليکه مانند ابرها درحرکتند . آفرينش خداوند است که هر چيز را به کمال آورده که او به آنچه ميکنيد آگاه است} (88) **هر کس کار نيکي بياورد چيز بهتري خواهد داشت و آنها از ناراحتي آنروز ايمن اند (89) و کسي که كار زشتي بياورد بر صورتش به آتش افكنده ميشود . آيا اين جزكيفر عملي است که انجام ميداديد؟(90)**

(بگو) **جز اين نيست که مأمورم پروردگار اين شهر را که آنرا حرمت داده عبادت کنم و همه چيز از آن اوست و مأمورم از مسلمين باشم (91) و اينکه قرآن را تلاوت کنم ، پس هر کس که هدايت خواست بنفع خودش است و کسي که گمراه شد بگو جز اين نيست که من از هشدار دهندگانم (92) بگو ستايش از آن خداست. بزودي آياتش را به شما نشان ميدهد و مي شناسيدش و پروردگارت از آنچه مي كنيد غافل نيست (93)**

**سوره مریم**

|  |
| --- |
| **درس: پيامبران و صالحان مسير صحيح را ميرفتند و خداوند نيز در همين جهان به آنها لطف و بركت عطا فرمود.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**کهيعص (1) اين ياد آوري رحمت پروردگارت به بنده اش زکرياست (2) هنگامي که با صدائي آهسته پروردگارش را ندا داد (3) گفت پروردگارا استخوانهايم سستي گرفته و سرم از پيري** (گويي) **شعله دار شده و من ، اي پروردگار ، از دعا بدرگاهت بي بهره نبوده ام (4) و از بابت بازماندگانم بيم دارم و زنم نازا است . پس از جانب خويش وارثي عطايم کن (5) که از من و از آل يعقوب ارث ببرد و پروردگارا او را پسنديده گردان (6)** [به او ندا شد] **اي زکريا ! به پسري مژده ات ميدهيم که اسمش يحيي است و قبلأ همنامي برايش قرار نداده ايم (7) گفت پروردگارا چگونه برايم پسري مي شود در حاليکه زنم نازا است و خودم از سالمندي به فرتوتي رسيده ام (8) گفت همينطور است** (اما) **چنين گفت پروردگارت که آن برايم آسان است و خودت را نيز قبلا آفريده ام و چيزي نبوده اي (9) گفت پروردگارا برايم نشانه اي قرار ده . گفت نشانه ات اين است که سه شب** (و روز) **با مردم سخن نتواني گفت (10) پس ، از محراب بسوي قوم خويش بيرون شد و به آنها اشاره کرد که صبح و شام تسبيح گوييد (11)** [یحیی متولد شدو پس از چندی به او ندادادیم] **اي يحيي ! آن کتاب را به قوت بگير! و در کودکي آن حکم** (پيامبري) **را به او داديم (12) و از جانب خويش به او رحمت آورديم و رشدش داديم و تقوادار بود (13) و نسبت به والدين خويش نيکوکار بود و زورگوي نافرمان نبود (14) و سلام بر او باد در روزي که متولد شد و روزي که ميميرد و روزي که زنده برانگيخته خواهد شد (15)**

**و در آن کتاب ، مريم را ياد کن ، وقتي که از کسان خود در گوشه اي شرقي کناره گرفت (16) و بين خود و آنان پرده اي آويخت . پس روح خويش را بسويش فرستاديم که بصورت انساني معتدل بر او ظاهر گشت (17) گفت از تو به خداي رحمان پناه ميبرم اگر شخص با تقوائي باشي (18) گفت جز اين نيست که فرستاده پروردگارت هستم تا پسري پاک به تو ببخشم (19) گفت چگونه ممکن است پسري داشته باشم در حاليکه بشري مرا لمس نکرده و بدکاره هم نبوده ام؟(20) گفت پروردگارت چنين گفته که اين کار برايم آسان است و اينکه ميخواهم او را آيتي براي مردم و رحمتي از جانب خويش قرار دهم و اين امريست که مقرر شده (21) پس بر او حامله شد و با او در مکاني دوردست جاي گرفت (22) و درد زايمان او را بسوي تنه يک نخل برد و گفت کاش پيش از اين مرده بودم و از ياد رفته و کاملأ فراموش شده بودم (23) پس او را از طرف پائين دست او صدا کرد که ناراحت نباش که پروردگارت در زير پايت نهري قرار داده (24) و آن تنه نخل را بسوي خويش تکان ده تا خرماي تازه برايت فرو افتد (25) و بخور و بياشام و چشمت روشن باشد و اگر کسي را ديدي بگو براي خداوندِ رحمان روزه اي نذر کرده ام و امروز با هيچکس سخن نميگويم (26) پس او را با خود بسوي قوم خويش برد . گفتند اي مريم البته که چيزي عجيب آورده اي (27) اي خواهر هارون نه پدرت آدم بدي بود و نه مادرت بدکاره بود (28) پس به او اشاره کرد . گفتند چگونه با كودكي درگهواره سخن بگوئيم؟(29) گفت من بنده خدا هستم . بمن کتاب داده و مرا پيغمبر قرار داده است (30) و مرا در هر جا که باشم پربرکت قرار داده و مادام كه زنده باشم به نماز و زکوة فرمانم داده است (31) و نسبت به مادرم نيکوکار قرارم داده نه اينکه زورگوئي سنگدل باشم (32) و سلام بر من روزي که زاده شدم و روزي که بميرم و روزي که به زندگي مجدد برانگيخته شوم (33)**

**اين عيسي پسر مريم است . قول حقي که در باره آن شک مي کنند (34)** {خدا را نميرسد که فرزندي بگيرد. منزه است از آن. وقتي که امري را اراده کند جز اين نيست که به آن ميگويد باش پس ميشود}(35) **و البته خداوند پروردگار من و شماست ، پس او را عبادت کنيد . كه راه مستقيم اين است (36) آنگاه گروه ها بين خويش اختلاف کردند ، پس واي بر کافران از حضور در روزي بزرگ (37)**  {به آنها بشنوان و بنما روزي را که بسوي ما مي آيند ليکن ظالمان در آن روز در گمراهيي آشکارند (38) و آنها را راجع به روز حسرت هشدار ده . (مبادا) وقتي که کار از کار گذشته باشد و آنها (هنوز) در غفلتي بوده و ايمان هم نداشته باشند (39) ما خودمان زمين و تمام کساني را که روي آن هستند به ارث ميبريم و آنها بسوي ما باز ميگردند}(40)

**و در آن کتاب ، ابراهيم را ياد کن که پيامبري صديق بود (41) هنگامي که به پدرش گفت پدر جان چرا چيزي را مي پرستي که نمي شنود و نمي بيند و هيچ کاري را برايت چاره نمي کند (42) پدر جان ! البته چيزي از آن علم بسوي من آمده که بسوي تو نيامده پس مرا پيروي کن که به راهي کاملا صحيح هدايتت کنم (43) پدر جان شيطان را پيروي مکن که شيطان نسبت به خداوند رحمان سرکش است (44) پدر جان ميترسم عذابي از جانب خداي رحمان بتو برسد و آنگاه دوستدار شيطان شوي (45) گفت اي ابراهيم آيا از خدايان من روميگرداني؟ اگر بس نکني حتمأ سنگسارت ميکنم و از من مدتي طولاني دور شو (46) گفت سلام بر تو . بزودي از پروردگارم برايت آمرزش خواهم خواست که او بمن مهربان است (47) و از شما و آنچه غير از خدا ميخوانيد دوري ميگزينم و پروردگار خودم را ميخوانم و اميدوارم در خواندن پروردگارم بي بهره نباشم (48) و چون از آنها و آنچه که غير خدا ميخواندند کناره گرفت به او اسحق و يعقوب را عطا کرديم و همگي را پيامبر نموديم (49) و از رحمت خويش به آنها داديم و براي آن ها ذکر خير بلند آوازه اي قرار داديم (50)**

**و در آن کتاب موسي را ياد کن که او خالص شده ، و فرستاده اي پيامبر بود (51) و او را از جانب راست** (كوه) **طور صدا زديم و به رازگوئي تقربش داديم (52) و از رحمت خويش برادرش هارون را به او داديم که او نيز پيامبري بود (53)**

**و در آن کتاب اسمعيل را ياد کن که او درست وعده و پيامبري فرستاده بود (54) و کسان خود را به نماز و زکوة امر ميکرد و نزد پروردگارش پسنديده بود (55)**

**و در آن کتاب ادريس را ياد کن که صديقي پيامبر بود (56) و او را بلند مرتبه گردانديم (57)**

**آنها کساني بودند که خداوند از ميان پيامبران ، از فرزندان آدم ، و از کساني که همراه نوح حمل کرديم ، و از فرزندان ابراهيم ، و اسرائيل ، و از کساني که هدايت کرديم و برگزيديم ، نعمتشان داده بود و وقتيکه آيات خداوند رحمان بر آنها خوانده ميشد گريه کنان به سجده مي افتادند (58)**

**ولي پس از آنان جانشيناني جايگزين آنها شدند که نماز را ضايع کردند و از شهوات پيروي نمودند پس بزودي دچار گمراهي خود ساخته ميشوند (59) مگر آنانکه توبه نموده و ايمان آورده و عمل صالح کنند که آنان داخل بهشت شده و هيچ ظلمي نمي بينند (60)** {بهشتهاي جاودان که خداي رحمان از غيب به بندگانش وعده داده که وعده او حتمأ شدني است (61) در آن سخن بيهوده اي نمي شنوند مگر سلامي و در آن رزقشان را صبحگاهان و شبانگاهان خواهند داشت (62) اين بهشتي است که به بندگانمان به ارث ميدهيم ، به كساني که تقوادار باشند } (63)

**و ما** (فرشتگان) **جز به امر پروردگارت نازل نميشويم . آينده و گذشته ما و هر چه بين آنهاست از اوست و پروردگارت فراموشکار نيست (64) پروردگار آسمانها و زمين و آنچه که بين آندوست ، پس عبادتش کن و بر عبادتش پايداري ورز. آيا براي او همتائي ميشناسي؟(65)**

**و انسان ميگويد آيا وقتيکه مُردم بزودي به حالت زنده بيرون خواهم شد؟ (66) آيا انسان توجه ندارد که ما او را قبلا آفريديم و چيزي نبود؟(67)** {پس قسم به پروردگارت که آنها و شياطين را حتمأ گرد آورده و پيرامون جهنم به زانو در خواهيم آورد (68) آنگاه از هر گروهي کسانی را که نسبت به خداوند بيشترين جسارت را داشته اند جدا خواهيم کرد (69) آنگاه خودمان بهتر ميدانيم چه کسي به افتادن در آن سزاوارتر است (70) و هيچيک از شما نيست مگر آنکه وارد آن خواهد شد که اين امر بر پروردگارت قضاي حتمي است (71) سپس تقواداران را نجات ميدهيم و ظالمان را به زانو درآورده و در آن واميگذاريم} (72) **و هنگامي که آيات روشنگر ما را بر آنان بخوانند ، کافران به مومنان ميگويند کدام يک از دو گروه جايگاهي بهتر و محفل نيکوتر دارد؟ (73) و چه فراوان از پيشينيان آنها هلاک کرديم که خوش ساز و برگ تر و با شكوهتر بودند (74)**

**بگو هر که در گمراهي باشد خداوند رحمان به او مهلتي ميدهد**  {تا اينکه آنچه را به او هشدار ميدهد ببيند . خواهد عذاب (دنيوي) باشد يا قيامت . در آنصورت خواهند دانست کدامشان بد مکان تر و کم نيروترند}(75) **و خداوند هدايتِ هدايت يافتگان را زياد مي کند** {و اعمال صالح ماندگار، نزد پروردگارت بهتر ، و نتيجه اش هم نيکوتر است}(76)

**نظرت چيست راجع به كسي که به آياتمان کفر ميورزد و ميگويد البته مال و اولاد خواهم يافت؟ (77) آيا برغيب مطلع شده يا نزد خداوند رحمان تعهدي گرفته است؟ (78) نه! بزودي آنچه را که ميگويد مينويسيم و برعذاب او سخت مي افزائيم (79)**  {و آنچه را ميگويد به ارث ميبريم و به تنهايي نزد ما ميآيد (80) و بجز خدا، خداياني برگرفتند که مثلا مايه عزتشان شود (81) نه . به زودي (همان معبودان) به عبادت آنها کافر خواهند شد و ضد آنها خواهند بود (82) آيا نديدي که شياطين را بر کافران فرستاديم تا از راه بدرشان کنند؟}(83) **پس درباره آنان عجله مکن . كه حساب كارشان را داريم (84)**

**روزي که تقواداران را با احترام بسوي خداوند محشور کنيم (85) و مجرمان را بسوي جهنم با تشنگي برانيم (86)** {شفاعتي نخواهند داشت مگر اينکه (آن شفيع) نزد خداي رحمان عهدي داشته باشد}(87) **و گفتند خداوند رحمان فرزندي برگرفته (88)** {حقا چيز بدی پيش آورده ايد (89) نزديک است آسمانها از آن بپاشد و زمين بشکافد و کوهها خرد شده و فرو ريزند (90) از آن رو که براي خداوند رحمان فرزندي ادعا کرده اند (91) و خداوند را سزا نيست که فرزندي برگيرد (92) جز اين نيست تمام کساني که در آسمانها و زمين هستند به بندگي به درگاه خداوند مي آيند (93) و البته بر آنها احاطه داشته و حساب همگي شان را دارد (94) و همه آنها روز قيامت به تنهايي بسوي او خواهند آمد} (95) **آنانکه ايمان آورده و عمل صالح کنند بزودي خداوند مِهر آنها را در دلها جاي خواهد داد (96)**

**جز اين نيست که ما آن را به زبانت آسان کرده ايم که بوسيله آن مومنان را مژده و خيره سران را هشدار دهي (97)** {و چه بسيار اقوامي را که قبل از آنان هلاک کرده ايم. آيا هيچيك از آنان را مي يابي و يا صدائي از آنان ميشنوي؟ }(98)

**سوره یوسف**

|  |
| --- |
| **درس: لطف و توجه خاص خداوند با مومنان با تقوا همراه است و سبب نجاتشان از مشكلات و مايه موفقيتشان مي شود.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**الف. ل. ر. اين آيات آن کتاب آشکار است (1) آنرا خواندنيي به زبان روشن نازل کرديم شايد تعقل کنيد (2) با اين قرآن كه به تو وحي كرديم بهترين قصه ها را برايت ميگوئيم و گرچه قبل از آن از بي خبران بودي (3)**

**آن هنگام که يوسف به پدرش گفت پدر جان در خواب ديدم يازده ستاره و خورشيد و ماه مرا سجده ميکردند (4) گفت پسرکم خوابت را براي برادرانت تعريف مکن که حيله بزرگي برايت خواهند کرد زيرا که شيطان دشمن آشکار انسان است (5) چنين است که پروردگارت تو را برميگزيند و ازعلمِ معني کردن خوابها به تو خواهد آموخت و نعمتش را بر تو و بر خاندان يعقوب تمام خواهد کرد چنانکه آنرا قبلا بر پدرانت ابراهيم و اسحق نيز تمام کرده که پروردگارت داناي فرزانه است (6) البته درباره يوسف و برادرانش براي پرسشگران آياتي است (7) هنگامي که** (در بین خود) **گفتند يوسف و برادرش نزد پدرمان محبوب ترند در حاليکه ما جواناني نيرومند و همدست هستيم. البته پدرمان در گمراهيي آشکار است (8)** [بالاخره به اجماع رسیدندکه:] **يوسف را بکشيد يا در زميني** (دور دست) **بياندازيد تا توجه پدرتان مخصوص شما باشد و پس از آن اشخاصي شايسته شويد (9) از آن ميان يکي گفت يوسف را نکشيد بلکه او را در قعر چاهي بيفکنيد تا بعضي از كاروانيان او را بيابند ، اگر حتماً کننده آن کار هستيد (10)** [با چنین تصمیمی نزد پدرشانآمدند و] **گفتند پدرجان چه ات هست که ما را در مورد يوسف امين نميشماري در حاليکه خير خواهش هستيم؟(11) فردا با ما بفرستش بگردد و بازي کند و ما بخوبي حفظش خواهيم کرد (12) گفت اگر ببريدش غمگين ميشوم و ميترسم گرگ بخوردش و شما هم غافل باشيد (13) گفتند با وجوديکه جواناني نيرومند هستيم ، اگر گرگ بخوردش که ما زيانکار خواهيم بود (14)** [بالاخره پدرشان تسلیم شد و یوسف را به آنان واگذاشت] **آنگاه كه بردندش و نظرشان را يکي کرده بودند که در قعر چاهي قرارش دهند به او وحي کرديم که حتماً خبر اين کارشان را به آنان خواهي داد و** (در حالیکه) **آنها متوجه نباشند (15)** [آنها کارشان را کردند] **و شب هنگام نزد پدرشان آمدند و گريه ميکردند (16) گفتند پدر جان رفتيم و مشغول مسابقه شديم و يوسف را نزد چيزهايمان گذاشته بوديم كه گرگ خوردش و البته تو که باور نمي کني حتي اگر هم راست بگوييم (17) و پيراهنش را با خوني دروغين آوردند . گفت** (نه) **بلکه نفس تان کاري را برايتان آراست . و صبر زيباست. و از خداوند بايد در مورد آنچه که وصف مي کنيد ياري خواست (18) و کارواني آمد و آبيارشان را فرستادند و او دلوش را انداخت گفت مژده ام دهيد که اين پسرکي است و او را بطور پنهاني مايه منفعتي قرار دادند و خداوند به کارشان دانا بود (19) و او را به بهائي ناچيز فروختند و درباره اش بي رغبت بودند (20) و کسي که در مصر او را خريد به زنش گفت جايگاهش را گرامي دار ، چه بسا فايده اي برايمان داشته باشد يا اينکه او را به فرزندي بگيريم . و چنين بود که يوسف را در** (آن) **سرزمين جاي داديم و از علمِ معني کردن خوابها به او آموختيم و خداوند به کارش مسلط است ولي اکثر مردم نميدانند (21) و هنگامي که به رشد خويش رسيد به او حکم و علم داديم و نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (22) و آن زن که او در خانه اش بود به نزدش رفت و آمد ميکرد و او را ميخواست تا اينکه درب ها را قفل کرد و گفت معطل چه هستي؟ گفت پناه بر خدا** {که پروردگار من است . جايگاهم را نيکو کرده. البته او کار ظالمان را درست در نمي آورد} (23)  **و آن زن آهنگ او کرد و او هم اگر دلايل پروردگارش رانديده بود آهنگ او ميکرد . چنين بود که بدي و اعمال زشت را از او دور كرديم که او از بندگان خالص ما بود (24) و هر دو به طرف درب دويدند و آن زن پيراهنش را از پشت دريد و شوهر آن زن را دم دريافتند. زن گفت سزاي کسي که به اهل خانه ات خيال بد داشته باشد چيست مگر اينکه زنداني شود يا اينکه عذابي دردناک داشته باشد؟(25)** (یوسف) **گفت او دور و بر و من رفت و آمد ميکرد و مرا ميخواست . و شاهدي از نزديکان آن زن گواهي داد که اگر پيراهنش از جلو پاره شده باشد زن راست ميگويد و او دروغگوست (26) و اگر پيراهنش از پشت پاره شده باشد زن دروغ ميگويد و او از راستگويان است (27) و چون ديد که پيراهنش از پشت پاره شده ،گفت اين از حيله شما زنهاست که حيله تان بزرگ است (28) اي يوسف از اين موضوع در گذر. و اي زن تو نیز آمرزش بخواه زير ا که خودت از خطا کارا ن بودي (29) و زناني در آن شهر گفتند زن آن مقام عاليمرتبه نزد جوان** (برده) **خويش رفت و آمد ميکند و او را ميخواهد حتما دوستي او فريفته اش کرده و ما او را در گمراهيي آَشکار مي بينيم (30) پس هنگاميکه توطئه شان را شنيد بسوي آنها فرستاد و براي آنها بالش و پشتي فراهم کرد و بدست هر يک از آنها کاردي داد و** (به یوسف) **گفت بر آنان بيرون شو. اما هنگاميکه او را ديدند بزرگش داشتند و دستهاي خويش قطع کردند و گفتند: خداوندا ! اين بشر نيست . اين چيزي جز فرشته اي بزرگوار نيست !(31)** (آن زن) **گفت اين همان است که مرا برايش ملامت ميکرديد و من او را خواستم اما او خودداري کرد و اگر آنچه را فرمان ميدهم نکند حتما زنداني خواهد شد و از سرافکندگان خواهد گرديد (32)** (یوسف) **گفت پروردگارا ! زندان نزد من خوشتر است از آنچه مرا به آن ميخوانند و اگر توطئه شان را از من نگرداني به آنان متمايل ميشوم و از جاهلان ميگردم (33) و پروردگارش اجابتش کرد و توطئه آنها را از او دور نمود که همو شنواي داناست (34) سپس؛ پس از اينکه نشانه هائي** (از رفتارهای او که مغایر عادات آن شهر بود از او) **ديدند، نظرشان عوض شد و تصميم گرفتند تا مدتي زندانيش کنند (35) و همراه با او دو جوان هم در زندان داخل شدند. يکي از آنان گفت خود را** (به خواب) **مي بينم که شراب ميسازم و ديگري گفت خود را** (درخواب) **مي بينم که بر سر خويش نان حمل ميکنم که پرندگان از آن ميخورند معني آن را بما بگو که ما تو را از نيکوکاران ميبينيم (36) گفت غذايي كه روزيتان است برايتان نمي آيد مگر آنکه قبل از آن معني آنرا به شما گفته باشم . اين از چيزهائيست که پروردگارم به من آموخته زيرا که من دين قومي را که به خداوند ايمان ندارند و به آخرت نيز کافرند ترک کرده ام (37)** {و پيرو دين پدرانم ابراهيم و اسحق و يعقوب شده ام . ما را نميرسد که با خداوند چيزي را شريک کنيم. اين از فضل خداوند بر ما و بر مردم است وليکن اکثر مردم شکر نمي گزارند (38) اي دو يار زندانيم ، آيا پروردگاران متفرق بهتر است يا خداوندِ تکِ قدرتمند؟(39) غير از او چيزي را عبادت نمي کنيد مگر نامهائي را که خودتان و پدرانتان نامگذاري کرده ايد که خداوند دليلي براي آن (نامگذاريهاي شما) نفرستاده. هيچ حکمي نيست مگر براي خداوند . فرمان داده که جز او را نپرستيد . اين دين پايدار است وليکن اکثر مردم نميدانند} (40) **اي دو يار زندانيم ، يکي از شما ساقي شراب اربابش خواهد شد و ديگري به دار کشيده ميشود و پرندگان از سرش خواهند خورد . قضاي چيزي که راجع به آن از من نظر خواستيد رانده شده** (و حتمي) **است (41) و به آنکه گمان ميکرد نجات خواهد يافت گفت مرا نزد اربابت ياد کن اما شيطان او را به فراموشي انداخت که نزد اربابش يادش کند پس چند سالي در زندان ماند (42) و پادشاه گفت من** (در خواب) **مي بينم که هفت گاو چاق را هفت گاو لاغر ميخورند و نيز هفت خوشه سبز و** (هفت) **خوشه خشک ميبينم . اي بزرگان ! خوابم را معني کنيد اگر تعبير خواب بلديد (43) گفتند خواب تو چيزهاي پراکنده و چيزهاي خوشايند است و علمِ** (تعبير) **چيزهاي خوشايند را نداريم (44) و يکي از آن دو نفر که نجات يافته و بعد از مدتي يادش آمده بود گفت من خبر معني آنرا به شما ميدهم ، مرا بفرستيد (45) اي يوسف ! اي بسيار راستگو ! برايمان هفت گاو چاقي را که هفت گاو لاغر ميخورندشان و هفت خوشه سبز و خوشه هاي خشک ديگر را معني کن . تا بسوي آن مردم برگردم تا آنان بدانند (46) گفت هفت سال پشت سر هم بكاريد و آنچه را که درو کرده ايد در همان خوشه اش واگذاريد مگر اندکي را که ميخوريد (47) آنگاه پس از آن ، هفت** (سال) **سخت مي آيد که آنچه را که براي آن** (سال ها) **از پيش قرار داده ايد ميخوريد مگر اندکي را که محفوظ ميداريد (48) آنگاه پس از آن ، سالي مي آيد که مردم فريادرسي ميشوند و در آن شيره** (ميوه ها و روغن) **ميگيرند (49) و پادشاه گفت او را نزد من بياوريد . و هنگامي که آن فرستاده نزدش آمد گفت بسوي اربابت برگرد و از او بپرس قضيه زناني که دستهايشان را بريده بودند چه بوده که پروردگارم نسبت به توطئه آنها داناست (50)** [پادشاه زنانرا احضار کرد و] **گفت موضوع شما هنگامي که دوروبر يوسف ميگشتيد و او را مي خواستيد چه بوده؟ گفتند: خدا منزه است. ما هيچ چيز بدي عليه او سراغ نداريم . زن آن عاليمرتبه گفت اينک حق جلوه گر شد . من بودم كه دُوروبَر او مي گشتم و او را مي خواستم و او از راستگويان است (51)** {اين براي آن است که بداند مخفیانه خيانتش نکردم و خداوند توطئه خائنان را پيش نمي برد (52) و خويش را تبرئه نمي کنم . البته که نفس، بسيار به بدي فرمان ميدهد ، مگر آنچه را که پروردگارم رحم کند که پروردگارم آمرزگار مهربان است} (53) **و پادشاه گفت او را نزد من بياوريد تا او را مخصوص خويش کنم ، پس هنگامی که با او گفتگو كرد ، گفت تو امروز نزد ما صاحب اختيار و اميني (54) گفت مرا مسئول انبارهاي زمين قرارده که نگهباني دانا هستم (55)** {و چنين بود كه يوسف را در زمين اختيار داديم که هر جا که ميخواست قرارميگرفت . رحمت خويش را به هر کس که بخواهيم ميرسانيم و پاداش نيکوکاران را از بين نمي بريم (56) و پاداش آخرت براي کساني که ايمان آورده و تقوا پيشه کرده باشند بهتر است} (57) [ پس از مدتی آن خشکسالی طولانی سر رسید] **و برادران يوسف آمدند و بر او وارد شدند و او آنها را شناخت و آنها او را نشناختند (58) و وقتي که آنها را با بارهايشان تجهيز کرد گفت آن برادرتان را از نزد پدرتان به نزدم بياوريد . آيا نمي بينيد که پيمانه را کامل ميدهم و بهترين ميزبانم؟(59) اگر او را برايم نياوريد پيمانه اي نزدم نخواهيد داشت و نزديكم نخواهيد شد (60) گفتند بزودي او را از پدرمان خواهيم ستاند و ما کننده اين کاريم (61) و به جوانان خويش گفت کالاهايشان را در بارهايشان بگذاريد شايد وقتي به سوي خانواده شان برگردند بشناسندش و شايد بازگردند (62) و هنگاميکه بسوي پدرشان بازگشتند گفتند پدر جان پيمانه را از ما دريغ داشتند پس برادرمان را با ما بفرست تا پيمانه بگيريم و ما نگهدارش خواهيم بود (63) گفت آيا درباره او به شما اعتماد کنم؟ همانطور که نسبت به برادرش اعتماد کردم؟ البته خداوند بهترين نگهداراست و همو بهترينِ مهربانان است (64) و هنگاميکه کالايشان را گشودند و ديدند سرمايه شان بسويشان برگشته ، گفتند پدر جان چه ميخواهيم؟ اين سرمايه مان است که بسوي ما برگشته و خانواده مان را غذا ميدهيم و برادرمان را هم حفظ مي کنيم و پيمانه بزرگتري هم دريافت خواهيم کرد . اين پيمانه کوچک است (65) گفت هرگز او را با شما نخواهم فرستاد مگر اينکه وثيقه اي خدائي به من بدهيد که او را باز خواهيد گرداند مگر اينکه مطلب از احاطه شما خارج باشد . پس وقتي که وثيقه شان را دادند گفت خداوند بر آنچه ميگوييم نگهبان است (66) و گفت اي پسرانم از يک درب وارد نشويد بلکه از درهاي مختلف وارد شويد و من نميتوانم درباره خدا مشکلي از شما چاره کنم . جز اين نيست که حکم جز از ناحيه خداوند نيست. بر او توکل ميکنم و هر توکل کننده اي نيز بايد بر او توکل کند (67) و هنگاميکه آنطور که پدرشان گفته بود داخل شدند ،**  {که البته مشکلي را از آنها در مقابل خداوند چاره نميکرد مگر اينکه حاجتي را در دل يعقوب برمي آورد و البته او از آن علومي که ما تعليمش داده بوديم صاحب علمي بود وليکن اکثر مردم نميدانند} (68) **و هنگاميکه بر يوسف داخل شدند ، برادرش را نزد خويش جاي داد و گفت من برادرت هستم پس درباره آنچه انجام ميدهند ناراحت نشو (69) و هنگاميکه آنها را با کالاهايشان تجهيز کرد جام شاه را در بار برادرش قرار داد سپس اعلام كننده اي فرياد زد که اي کاروانيان شما دزديد (70) برگشتند و به آنها گفتند دنبال چه ميگرديد (71) گفتند جام پادشاه را جستجو مي کنيم و هر کس که آنرا بياورد بار شتري خواهد داشت و ما ضامن آنيم (72) گفتند بخدا ميدانيد که ما براي فساد در زمين نيامده ايم و ما سارق نيستيم(73) گفتند اگر دروغ گفته باشيد سزايش چيست (74) گفتند سزايش اين است که هر کس که آن دربارش پيدا شد خودش جايزه اش است . ما ظالمان را چنين سزا ميدهيم (75) پس در ابتدا بار آنها را گشتند سپس بارهاي برادرش را و آن را از بار او بيرون کشيدند . چنين به يوسف راه نشان داديم . او را نميرسيد که برادرش را طبق قانون پادشاه بگيرد مگر اينکه خدا بخواهد . درجه هر کس را که بخواهيم بالا ميبريم و بالاتر از هر دانائي داناتري هست (76) گفتند اگر اودزديده ،** (تعجبي ندارد زيرا) **برادري داشته که اوهم ميدزديده. پس يوسف اين را در دل خويش پنهان داشت و به رويشان نياورد و گفت بلکه شما بدتريد و خداوند نسبت به آنچه ميگوئيد داناتر است (77) گفتند اي بزرگوار ! او پدر پيري دارد. يکي از ما را جاي او بگير که ما تو را از نيکوکاران مي بينيم (78) گفت پناه بر خدا که ما کسي را غير از آنکه متاع خويش را نزدش يافته ايم بازداشت کنيم که در آنصورت از ظالمان خواهيم بود (79) پس هنگاميکه مأيوس شدند با هم خلوت کردند و راز ميگفتند و بزرگترينشان گفت آيا نميدانيد که پدرتان از شما وثيقه اي خدائي گرفته و قبلا هم درباره يوسف چه کوتاهيي کرديد؟ من از اين سرزمين خارج نخواهم شد مگر اينکه پدرم اجازه ام دهد يا خدا درباره ام حکم کند و همو بهترين حاکمان است (80) سوي پدرتان باز گرديد و بگوييد پدرجان ! پسرت سرقت کرده و ما جز به آنچه ميدانستيم گواهي نداديم و از غيب نيز آگاه نيستيم (81) از آن شهري که در آن بوديم تحقيق کن و نيز از کارواني که با آنان آمديم و ما راستگويانيم (82) گفت بله نفس تان برايتان چيزي را آراسته . و صبر زيباست . چه بسا که خداوند همگي آنها را بسويم بياورد که او خودش داناي پر حکمت است (83) و از آنها روي گرداند و گفت اي افسوس بر يوسف و از شدت اندوه چشمهايش نابينا شد و خشم خود را فرو ميخورد (84) گفتند بخدا که آنقدر ياد يوسف مي کني که سخت بيمار شوي يا به هلاکت بيفتي (85) گفت جز اين نيست که شکايت غم و اندوه خويش را فقط به خدا مي برم و از خدا چيزي ميدانم که شما نميدانيد (86) اي فرزندانم برويد و يوسف و برادرش را جستجو کنيد و از لطف خدا مأيوس نباشيد که جز کافران از لطف او مأيوس نميشوند (87) پس هنگاميکه بر او داخل شدند گفتند اي بزرگوار به ما و خانواده مان ناراحتي رسيده و با سرمايه اي ناچيز آمده ايم پس پيمانه کامل به ما بده و بر ما تصدق کن که خداوند تصدق کنان را پاداش ميدهد (88) گفت آيا دانستيد با يوسف و برادرش چه کرديد آن هنگام که جاهل بوديد (89) گفتند آيا تو خودت همان يوسفي؟ گفت من يوسفم و اين هم برادرم است . البته که خداوند بر ما منت گذاشت زيرا که هر کس تقوا و صبر کند خداوند نيز پاداش نيکوکاران را ضايع نخواهد گذاشت (90) گفتند به خدا که خودش تو را از بين ما برگزيده و ما البته خطا کار بوده ايم (91) گفت امروز هنگام رسيدگي به کارتان نيست خداوند مي بخشدتان و همو مهربانترين است (92) با اين پيراهنم برويد و آنرا بر صورت پدرم بيندازيد بينا خواهد شد و آنگاه تمام خانواده تان را دسته جمعي بسويم بياوريد (93) و هنگاميکه آن کاروان راه افتاد پدرشان گفت من بوي يوسف را احساس مي کنم اگر مرا کم خرد نشماريد (94) گفتند به خدا که در همان گمراهي سابقت هستي (95) اما هنگاميکه مژده دهنده آمد و آنرا بر صورتش انداخت بينا گشت و گفت آيا به شما نگفتم که از خدا چيزهائي ميدانم که شما نميدانيد (96) گفتند اي پدر براي گناهمان استغفار کن که ما خطاکار بوديم (97) گفت بزودي از پروردگارم برايتان استغفار خواهم کرد که او آمرزگار مهربان است (98) پس هنگاميکه بر يوسف وارد شدند والدينش را به نزد خويش جاي داد و گفت داخل مصر شويد و به خواست خدا در ايمني باشيد (99) و والدين خويش را بر تخت نشاند و آنها به سجده افتادند و او گفت پدرم ، اين معني خواب قبلي من است که پروردگارم آنرا راست درآورد و البته به من وقتي از زندان نجاتم داد و شما را از بيابان** (نزدم) **آورد ، پس از آنکه شيطان بين من و برادرانم را بهم زده بود احسان کرد البته پروردگارم درباره آنچه بخواهد دقيق است که او خودش داناي پر حکمت است (100) پروردگارا ! چيزي از پادشاهي بمن دادي و چيزي از معني کردن خوابها بمن آموختي . اي خالق آسمانها و زمين تو در دنيا و آخرت سرپرستم هستي مرا تسليم** (حق) **بميران و با صالحان همراهم کن (101)**

**اين از خبرهاي غيبي است که بسويت وحي کرديم. تو درآن هنگام که درباره کارشان همرأي شده بودند و حيله ميکردند نزدشان نبودي (102) و اکثر مردم ايمان نمي آورند حتي اگر خيلي هم دلت بخواهد (103) تو درباره آن** (رسالت) **مزدي از آنها نميخواهي . آن جز پندي براي جهانيان نيست (104)**

**و چه بسا نشانه هائي در آسمانها و زمين هست که بر آن ميگذرند و از آن روگردانند (105)** {و اکثرشان به خدا ايمان نمي آورند و مشرکند (106) آيا ايمن هستند که فراگيرنده اي از عذاب خدا بسويشان بيايد يا قيامت ناگهان بر آنها درآيد در حاليکه غافلند؟}(107)

**بگو اين راه من است . از روي بصيرت خودم وپيروانم را بسوي خداوند دعوت مي كنم و خداوند منزه است و من از مشرکان نيستم (108) و قبل از تو نيز کساني را نفرستاديم مگراينکه مرداني از اهالي شهرها بودند که به آنها وحي مينموديم . آيا در زمين نميگردند تا ببينند عاقبت پيشينيان چگونه بود و البته خانه آخرت براي کساني که باتقوا باشند بهتر است ، آيا تعقل نمي کنند؟ (109) تا اينکه آن فرستادگان** (از ايمان آوري مردم) **مأيوس شدند و** (مردم هم) **گمان ميکردند که به آنها دروغ گفته شده و ياري ما رسيد ، و هر كس را که خواستيم نجات يآفت و عذاب ما از گنهکاران برطرف نمي گردد (110) البته در قصه هاي آنها عبرتي براي خردمندان است . سخني که افترا باشد نيست . ليکن** (قرآن) **تصديق چيزيست که قبل از خودش بوده و تشريح و تفصيل همه چيزاست و هدايتي و رحمتي است براي قومي که ايمان مي آورند (111)**

**سوره حِجر**

|  |
| --- |
| **درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**الف. لام. ر. اين آيات آن کتاب ، و خواندنيي روشنگراست (1) چه بسا کافران دوست ميدارند که کاش مسلمان ميبودند (2) بگذار بخورند و کامروائي کنند و آرزوها سرگرمشان كند و زود باشد که بدانند (3) و ما هيچ شهري را هلاک نکرديم مگر اينکه کتابي معلوم داشت (4)** {و سرآمد هيچ مردمي نه جلو و نه به تأخير مي افتد}(5)  **و ميگويند اي کسي که آن پند بر او فرستاده ميشود تو حتما ديوانه اي (6) اگر راست ميگويي پس چرا ملائکه را بر ايمان نياوردي؟ (7)** {ملائکه را جز به حق نازل نمي کنيم و در آنصورت مهلتي نمي يابند (8) البته ما خودمان آن پند را فرستاديم و خودمان هم نگهدارش خواهيم بود }(9)  **و البته قبل از تو نيز در ميان مردم گذشته** (رسولاني) **فرستاديم (10) و هيچ رسولي بسويشان نيامد مگر اينکه مسخره اش ميکردند (11)** {در دلهاي مجرمان چنين راه داديم (12) که به آن ايمان نياورند و البته روش پيشينيان نيز (چنين) گذشته است (13) و اگر دري از آسمان هم برايشان باز ميکرديم و از آن دائما بالا ميرفتند (14) باز هم ميگفتند جز اين نيست که چشمهايمان عوضي مي بيند و بلکه جادو شده ايم }(15)

**و البته در آسمان برج هائي قرار داديم و آنرا براي بينندگان تزئين کرديم (16) و آنرا از هر شيطان رانده شده اي حفظ نموديم (17) مگر اينکه کسي استراق سمعي کرده باشد پس شهابي روشن در پي او مي افتد (18) و زمين را گسترانديم و در آن لنگرهائي قرار داديم و از هر چيزي موزون در آن رويانديم (19) و در آن برايتان روزي هائي قرار داديم و نيز براي کساني که شما روزي آنها را نميدهيد (20) و هيچ چيزي نيست مگر اينکه نزد ما گنجينه هائي از آن است و ما البته جز به اندازه اي معلوم نازل نمي کنيم (21) و بادها را بارورکننده فرستاديم و از آسمان آبي نازل کرديم و شما را با آن سيراب نموديم و شما خزانه دار آن نيستيد (22) و ما البته خودمان زنده ميکنيم و ميميرانيم و خودمان وارثانيم (23) و البته هم پيشينيان شما را مي شناسيم و هم پسينيان شما را (24) و پروردگارت آنها را گرد مي آورد که او دانا و حکيم است (25)**

**و انسان را از ِگلي خشکيده از ِگلي سياه متعفن آفريديم (26) و جن را هم قبلا از آتشباد آفريده بوديم (27) و هنگاميکه پروردگارت به ملائکه گفت که من آفريدگار بشري از ِگلي خشکيده از ِگلي سياه ميباشم (28) و هنگاميکه او را ساخته و پرداخته کردم و از روح خويش در او دميدم برايش به سجده افتيد (29) و ملائکه همگي سجده کردند (30) مگر ابليس که سرپيچيد که از ساجدان باشد (31) گفت اي ابليس چه ات شده که از ساجدان نيستي؟(32) گفت من سجده کننده کسي نيستم که او را از ِگلي خشک از ِگلي سياه آفريده اي (33) گفت پس از آن خارج شو که تو رانده شده اي (34) و البته تا روز قيامت بر تو لعنت خواهد بود (35) گفت پروردگارا مرا تا روزي که برانگيخته مي شوند مهلت ده (36) گفت تو از مهلت يافتگاني (37) تا روزي که وقت آن معلوم است (38) گفت پروردگارا بسبب آن گمراهيي که برايم روا داشته اي در روي زمين براي آنان زينت خواهم داد و همگي شان را گمراه خواهم کرد (39) مگر بندگان خالص شده ات را (40) گفت همين راهي است مستقيم (که) بر** (عهده) **من است (41) البته درباره بندگانم** (بدانکه) **بر آنان تسلطي نداري . مگر کساني از گمراه شدگان که پيرويت کنند (42) والبته جهنم وعده گاه همگي شان است (43) هفت درب دارد و هر دري براي قسمتي از آنان است (44)**

**و تقواداران البته در بهشت هايي و چشمه سارهائي ميباشند (45)** [به آنان خطاب می شود] **با امنيت و سلامت داخل شويد (46) و هر كينه اي را از دلهاشان ميزدائيم . برادروار بر تختهائي روبروي يکديگرند (47) در آن نه رنجي به آنان ميرسد و نه از آن اخراج ميشوند (48) به بندگانم خبر ده که من البته خودم آن آمرزگار مهربان هستم (49) و عذابم البته عذابي دردناک است (50)**

**و آنها را از مهمانان ابراهيم آگاه كن (51) هنگاميکه بر او داخل شدند و سلامي گفتند، گفت از شما بيمناکيم (52) گفتند بيم مدار که تو را به پسري دانا بشارت ميدهيم (53) گفت آيا در حاليکه به بزرگسالي رسيده ام بشارتم ميدهيد؟ ديگر چه مژده اي ميدهيد؟(54) گفتند از نوميدان مباش که به حق مژده ات ميدهيم (55) گفت چه کسي غير از گمراهان از رحمت پروردگارش نوميد مي شود؟(56)**

**گفت کارتان چيست اي فرستادگان؟(57) گفتند بسوي قومي مجرم فرستاده شده ايم (58) غير از نزديکان لوط که همگي آنها را نجات خواهيم داد (59) مگر زنش که چنين تقدير نموده ايم که از ماندگان باشد (60) پس هنگاميکه آن فرستادگان بسوي لوط آمدند (61) گفت شما مردمي ناشناسيد (62) گفتند بلکه براي آنچه که درباره اش به شک هستند بسويت آمده ايم (63) و حق را بسويت آورده ايم و راست ميگوئيم (64) پس اهل خويش را در پاره اي از شب ببر و خودت هم پشت سر آنها برو و هيچکدامتان به پشت سر خويش برنگردد و همانطور که گفته شد برويد (65) و آن امر را با او در ميان گذاشتيم که صبحگاهان دنباله آنها بريده خواهد شد (66) و اهل آن شهر شادي کنان آمدند (67) گفت اينها مهمان منند ، آبرويم نريزيد (68) و از خدا پروا کنيد و خوارم نکنيد (69) گفتند مگر تو را از مردم عالم نهي نکرديم؟ (70) گفت اينها دختران منند اگر فاعليد (71) بجان تو آنها در مستي شان سرگشته بودند (72) و هنگام برآمدن خورشيد آن صداي بلند آنها را بگرفت (73) و بالايشان را پائين شان قرار داديم و از سنگهائي از سجيل بر آنها بارانديم (74) البته در اين براي نشانه شناسان نشانه هائي است (75) و البته آن بر سر راهي پابرجا است (76) که البته در اين نشانه هائي براي مومنان است (77)**

**و ياران ايكه نيز ظالم بودند (78) واز آنها انتقام گرفتيم و البته هر دوشان بر شاهراهي آشکارند (79) و البته ياران حجر نيز فرستادگان را تکذيب کردند (80) و آياتمان را به آنها عرضه کرديم اما از آن روگردان شدند (81) و آنان از کوه ها اطاق هائي مي کندند و در امان بودند (82) پس صبحگاهان آن فرياد بلند بگرفتشان (83) و آنچه بدست مي آوردند دردي از آنها دوا نکرد (84)**

**و آسمانها و زمين و آنچه را که بين آنهاست جز به حق نيافريديم و قيامت حتما مي آيد پس با گذشتي نيكو در گذر (85)** {البته پروردگارت همو آفريدگاري داناست }(86) **و البته به تو هفت تا از آن سخناني که يکديگر را تصديق مي کنند و نيز آن قرآن بزرگ را داده ايم (87) چشمانت را به آنچه که به گروههائي از آنان داده ايم تا بر خوردارشان کنيم مکش ، و بر آنان اندوهگين مباش و با مومنان فروتن باش (88) و بگو من هشدار دهنده اي آشکارم (89)** {چنانکه بر قسمت کنندگان فرو فرستاديم (90) همانها که قرآن را قسمت- قسمت کردند (91) پس قسم به پروردگارت که از همگي آنها بازخواست ميکنيم (92) از آنچه که انجام ميدادند }(93) **پس آنچه را که مامور شده اي آشکار کن واز مشركان رويگردان باش (94) که ما البته تو را از شر مسخره کنندگان کفايت ميکنيم (95)** {همانها که با خداوند، خدايي ديگر قرار ميدهند و بزودي خواهند دانست (96) و البته ميدانيم از آنچه ميگويند دلتنگ ميشوي }(97) **پس به ستايش پروردگارت تسبيح گوي و از ساجدان باش (98) و عبادت پروردگارت کن تا آن يقين بر تو درآيد (99)**

**سوره طه**

|  |
| --- |
| **درس: اي مسلمانان! مانند بني اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سر پيچيدند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

طه (1)  **قرآن را بر تو نازل نکرديم که به رنج بيفتي (2)**  {جز اينکه پندي باشد براي کسي که خشيت دارد ( 3) فرو فرستاده ايست از جانب کسي که زمين و آسمانهاي بلند مرتبه را آفريد (4) همان خداوند رحمان که بر عرش مستولي شد (5) همانکه آنچه در آسمانها و در زمين و در بين آنها و آنچه زير زمين است از آن اوست (6) اگر سخن را آشکار کني يا نهان کني (فرقي نميکند زيرا) که او سخن سري و از آن مخفي تر را نيز ميداند (7) همان خدايي که خدايي جز او نيست که نامهاي نيکو دارد}(8)

**آيا داستان موسي به تو رسيده؟(9) آن هنگام که آتشي ديد و به خانواده اش گفت درنگ کنيد که من متوجه آتشي شده ام . شايد شعله اي از آن برايتان بياورم يا اينکه از روي آن آتش هدايتي يابم (10) پس چون به آن رسيد ندا شد: اي موسي! (11) من پروردگارت هستم ، کفشت را درآر که تو در سرزمين پاک «طوي» هستي (12) و تو را برگزيده ام پس به آنچه وحي ميشود گوش ده (13) من خداوند هستم و خدايي جز من نيست پس مرا عبادت کن و نماز را بعنوان ذکر من بپا دار (14) قيامت حتما خواهد آمد. ميخواهم** (زمان) **آن را پنهان کنم تا هر کس براي آنچه سعي کرده پاداش داده شود (15) و کسي که به آن ايمان ندارد و هوي و هوس خويش را پيروي ميکند، تو را از** (اعتقاد به) **آن باز ندارد که هلاک شوي (16) اي موسي چه چيز بدست داري؟(17) گفت اين عصاي من است كه بر آن تکيه ميکنم و با آن براي گوسفندانم برگ مي تکانم و احتياجات ديگري نيز به آن دارم (18) گفت اي موسي بياندازش (19) و انداختش. ناگاه ماري شد که به تندي حرکت ميکرد (20) گفت بگيرش و نترس. بزودي آنرا به حالت اولش برميگردانيم (21) و دستت را به سينه ات بچسبان و اگر بيرون بياوري بدون ضرر و علتي سفيد خواهد بود که آيه اي ديگر است (22) تا آيات بزرگ خويش را به تو نشان دهيم (23) بسوي فرعون برو که او طغيان کرده است (24) گفت پروردگارا سينه ام را فراخ گردان ، (25) و کارم را آسان کن ، (26) و گره از زبانم باز کن ، (27) تا سخنم را بفهمند ، (28) و ياوري از ميان خانواده ام برايم قرار ده ، (29) برادرم هارون را ، (30) و بوسيله او پشتيبانيم کن ، (31) و او را در کارم شريک فرما ، (32) تا تو را به فراواني تسبيح گوييم ، (33) و نيز به فراواني يادت کنيم ، (34) البته تو به وضع ما بينايي (35) گفت اي موسي خواسته ات را گرفتي (36) و البته يکبار ديگر نيز به تو لطف کرديم (37) هنگاميکه به مادرت آن وحي را کرديم (38) که او را در صندوق بگذار و آن را به دريا بينداز و دريا او را به ساحل خواهد انداخت و دشمنم و دشمنش او را خواهد گرفت و محبتي از جانب خويش بر تو انداختم تا درمقابل چشمم ساخته شوي (39) آن هنگام که خواهرت ميرفت و ميگفت آيا شما را به کسي که کفالتش کند راهنمائي بنمايم؟ سپس تو را بسوي مادرت برگردانديم تا چشمش روشن شود و ناراحت نباشد ، و کسي را کشتي و تو را از اندوه نجات داديم و به آزمايشهايي آزموديم و سالهائي را در ميان مردم مدين بودي سپس اي موسي بالاخره به** (اينجا) **آمدي (40) و تو را براي خويش پروراندم (41) تو و برادرت با آياتم برويد و از يادم سستي مکنيد (42) بسوي فرعون برويد که او طغيان کرده (43) و به او سخني نرم بگوييد شايد پند گيرد يا حرمت روا دارد (44) گفتند پروردگارا ميترسيم بر ما دست درازي كند يا اينکه طغيان ورزد (45) گفت نترسيد من با شما هستم مي شنوم و مي بينم (46) و بر او درآئيد و بگوييد فرستادگان پروردگار تو هستيم پس بني­اسرائيل را با ما بفرست و عذابشان مکن و ما با نشانه اي از پروردگارت آمده ايم و سلام بر کسي که هدايت را پيروي کند (47) براستي به ما وحي شده كه عذاب براي كسي است كه تكذيب كند و روي بگرداند (48) گفت اي موسي پروردگارتان کيست؟(49) گفت پروردگارمان کسي است که آفرينش هر چيز را به او داد آنگاه هدايتش کرد (50) گفت پس گذشتگان قبلي چه؟(51) گفت علم آن درکتابي نزد پروردگارم هست و پروردگارم نه اشتباه و نه فراموش ميکند (52)**  {همانکه زمين را برايتان گهواره اي نمود و در آن برايتان راه هايي قرار داد و از آسمان آبي فرستاد و بوسيله آن از روئيدني هاي مختلف درآورد (53) بخوريد و چارپايانتان را بچرانيد که در اين البته براي صاحبان هوش و ذکاوت نشانه هائي است (54) از آن شما را آفريديم و در آن برتان ميگردانيم و بار ديگر از آن بيرونتان مي آوريم} (55) **و البته تمام آياتمان را به او نمايانديم اما تکذيب کرد و نپذيرفت (56) گفت اي موسي آمده اي با جادويت از سرزمينمان بيرونمان کني؟(57) البته جادوئي مانند آن برايت مي آوريم . بين ما و خودتان موعدي قرار ده که نه ما از آن تخلف کنيم و نه تو (58) گفت موعدتان روزي باشد که آرايش ميکنند و مردم در روز روشن گرد مي ‌آيند (59) پس فرعون برگشت و حيله هايش را جمع کرد و سپس آمد (60) موسي گفت واي بر شما افتراي دروغ به خدا نبنديد که عذاب شما را ميگيرد و البته کسي که افترا بندد نابود ميشود (61) پس در کارشان مجادله کردند ولي راز آن گفتگوهاي پنهاني را حفظ نمودند (62) گفتند اين دوتا جادوگراني هستند که ميخواهند با جادويشان شما را از سرزمينتان بيرون کنند و طريقه بهترتان را نيز از بين ببرند (63) پس حيله هايتان را يکي کنيد و به صف شويد و امروز هر کس که برتري يابد همو رستگار است (64) گفتند اي موسي يا بياندازش يا اينکه ما بياندازيم (65) گفت شما بياندازيد. پس بعلت سحرشان چنين وانمود شد که عصاها و ريسمانهايشان دارد به تندي حرکت مي کند (66) و موسي در دلش ترسي احساس کرد (67) گفتيم اي موسي نترس که تو بالاتري (68) و آنچه را که در دستت هست بيانداز که آنچه را ساخته اند ببلعد. جز اين نيست که آن حيله ساحرانه است و ساحر از هر جا بيايد رستگار نخواهد شد (69) پس آن ساحران به سجده افتادند و گفتند به پروردگار هارون و موسي ايمان آورديم (70) گفت آيا قبل از اينکه اجازه تان دهم به او ايمان آورديد؟حتما او بزرگتان است که جادو را به شما آموخته . اينك دست و پايتان را به خلاف يکديگر قطع و شما را در تنه نخلها به دار خواهم كشيد و خواهيد فهميد که کداممان ازلحاظ عذاب شديدتر و باقي تر است (71) گفتند هرگز تو را به آنچه که از دلايل روشن بسويمان آمده ترجيح نخواهيم داد. هر كار كه ميتواني بكن. جز اين نيست که تو فقط در اين دنيا حکم ميکني (72) ما به پروردگارمان ايمان آورده ايم تا خطاهايمان و نيز آنچه که از سحر و جادو به آن مجبورمان نمودي ببخشد و خداوند بهتر و باقي تر است (73)** {که البته کسي که با وضعيت مجرم نزد پروردگارش بيايد جهنم را خواهد داشت که در آن نه ميميرد و نه زندگي (شايسته اي) دارد (74) و کسي که با ايمان و عمل صالح نزدش آيد، البته درجات عالي خواهد داشت (75) بهشتهاي جاودان که از کف آنها نهرها جاريست که هميشه در آن خواهند بود و اين پاداش کسي است که دنبال رشد باشد} (76) **و به موسي وحي کرديم که بندگانم را شبانه حرکت ده و راهي خشک در دريا براي آنان بزن و نگران رسيدن** (آن دشمنان) **نباش و نيز** (نگراني غرق شدن) **نداشته باش (77) پس فرعون با لشکريانش در تعقيب آنها شد و** (قسمتي) **از آن دريا آنچه را كه** (مي بايست) **آنها را فرا گيرد فرا گرفت (78) و فرعون قومش را گمراه کرد و هدايت نکرد (79)**

**اي بني اسرائيل شما را از دشمنانتان نجات داديم و با شما در طرف راست** (کوه) **طور قرار گذاشتيم و منّ و سلوي را بر شما فرو فرستاديم (80) از چيزهاي خوبي که برايتان روزي کرديم بخوريد و طغيان مکنيد که غضبم بر شما فرود خواهد آمد و کسي که غضبم بر او فرود آيد حتما سقوط خواهد کرد (81) و البته من نسبت به کسي که توبه کند و ايمان آورد و عمل صالح نمايد و سپس هدايت يابد بسيار بخشنده ميباشم (82) اي موسي چه چيز تو را واداشت که از قومت با عجله جلو بيفتي؟(83) گفت پروردگارا آنها دنبال من هستند و من بسويت عجله کردم تا راضي شوي (84) گفت قومت را پس از تو آزموديم و سامري گمراهشان کرد (85) پس موسي در حاليکه غضبناک و متاسف بود بسوي قومش برگشت و گفت اي قوم ! آيا پروردگارتان وعده نيکو به شما نداد؟ آيا مدتش طولاني شد يا اينکه خواستيد غضبي از جانب پروردگارتان شما را فرا گيرد که در وعده ام تخلف کرديد؟(86) گفتند از وعده ات با اختيار خودمان تخلف نکرديم وليکن بارهائي از زينت آلات آن قوم بما تحميل شده بود که آنها را انداختيم و سامري نيز** (اين طرح را) **بيانداخت (87) و براي آنها بدني از گوساله که صدائي هم داشت ساخت و** (عده اي) **گفتند اين خداي شماست و خداي موسي نيز هست كه فراموش کرد (88) آيا نمي ديدند که سخني را به آنها برنمي گرداند و براي آنها مالک نفع و ضرري نيست؟(89) و البته هارون قبلا به آنها گفته بود که اي مردم شما بوسيله آن به فتنه افتاده ايد و پروردگار شما خداي رحمان است پس مرا پيروي و از امرم اطاعت كنيد (90) گفتند ما از عبادتش دست نمي کشيم تا اينکه موسي بسويمان برگردد (91) گفت اي هارون چه چيزي جلويت را گرفت وقتي که ديدي گمراه شده اند (92) که مرا پيروي کني؟ آيا از فرمانم سرپيچيدي؟(93) گفت اي پسر مادرم سر و ريشم را ول کن . ترسيدم بگويي بين بني اسرائيل تفرقه انداختي و به سخنم اعتنا نکردي (94) گفت اي سامري موضوع تو چه بوده؟(95) گفت چيزي ديدم که آنها نديدند و مشتي از جاي پاي آن فرستاده را برگرفتم و انداختمش و نفسم برايم چنين آراست (96) گفت پس برو و در زندگي برايت اين باشد که بگويي به من دست نزنيد . و البته موعدي داري که تخلف ندارد و به خدايـت که از عبادتش دست نمي کشيدي نگاه کن که آنرا خواهيم سوزاند سپس به دريا ميريزيم و پراکنده اش مي کنيم (97) جز اين نيست که خداي شما خداوند است که خدائي جز او نيست که علم او به همه چيز ميرسد (98) از خبرهاي گذشتگان چنين برايت حکايت ميکنيم و از جانب خويش به تو پندي داده ايم (99)**

**کسي که از آن رو برگرداند روز قيامت باري بر دوش خواهد داشت (100) كه در آن جاودان خواهند بود و در روز قيامت چه بار بدي برايشان خواهد بود (101) روزي که در آن شيپور دميده شود و مجرمان را در آن روز ، بد چشم محشور كنيم (102) بين خويش به آهستگي ميگويند بيش از ده روز** (در قبر) **درنگ نداشته ايد (103) ما به آنچه ميگويند داناتريم . هنگاميکه خوش رفتارترين آنها ميگويد جز يک روز درنگ نکرده ايد (104)**

**و از تو درباره کوه ها ميپرسند بگو پروردگارم آنها را بكلي پراکنده ميکند (105) و آنرا پهن و صاف واميگذارد (106) که در آن نه کژي و نه برجستگيي بيني (107) در آن روز آن دعوت کننده را که ايرادي در کارش نيست پيروي ميکنند و صداها بخاطر خداوند رحمان پائين مي آيد و جز زمزمه آهسته اي نمي شنوي (108) در آن روز شفاعت فايده اي ندارد مگر از سوي آنکس که خداوند رحمان اجازه اش دهد و سخنش را بپسندد (109)** (همان خداوند که) **از آينده و گذشته شان خبر دارد اما آنها نسبت به او علمي ندارند (110) و چهره ها براي آن زنده پاينده فرو مي افتد و کساني که بار ظلمي بر دوش دارند رستگار نمي گردند (111) و کساني که کارهاي شايسته نموده و ايمان نيز داشته باشند نه نگران خواهند بود که ظلمي به آنان شود و نه نگران كاستيي خواهند بود (112)**

**و چنين است که قراني به زبان روشن واضح نازل کرده ايم و در آن از وعده هاي مايه نگراني آورده ايم شايد تقوا پيشه کنند يا پندگيري شان تازه شود (113) و خداوند فرمانرواي حق بلند مرتبه است و قبل از اينکه وحي آن بسويت تمام شود عجله به خواندن آن مکن و بگو پروردگارا علمم را زياد کن (114)**

**و قبلا عهدي به آدم سپرده بوديم اما فراموشش کرد و اراده اي در او نيافتيم (115) آن هنگام كه به ملائکه گفتيم براي آدم سجده کنيد که سجده کردند مگر ابليس که امتناع کرد (116) گفتيم اي آدم اين دشمن تو و همسرت است پس مبادا شما را از بهشت بيرون کند و بدبخت شويد (117) زيرا که تو در آن گرسنگي و برهنگي نداري (118) و تشنگي و آفتاب تند نيز نداري (119) پس شيطان وسوسه اش کرد . گفت اي آدم آيا تو را به درخت جاودانگي و پادشاهيي که کهنه نميشود راهنمائي بکنم؟(120) پس ، از آن خوردند و زشتي هايشان برايشان آشکار شد و شروع به چسباندن برگهاي آن باغ به خويش نمودند و آدم نسبت به پروردگارش عصيان کرد و گمراه شد (121) آنگاه بعدا پروردگارش برگزيدش و** (بالطف و بخشش) **به او بازگشت ، و هدايتش نمود (122) گفت شما دوتا و همگي تان از آن فرود آئيد بطوريکه بعضي تان دشمن بعضي ديگر باشيد . پس اگر هدايتي از جانب من آمد کسي که هدايتم را پيروي کند نه گمراه و نه بدبخت خواهد شد (123)**

**و کسي که از پندم روي بگرداند معيشتي سخت خواهد داشت و روز قيامت نيز کور محشور خواهد شد (124)**  {گويد پروردگارا چرا کور محشورم کردي در حاليکه بينا بودم؟(125) گويد چنين است که آياتم بسويت آمد و تو فراموششان کردي و امروز خودت فراموش ميشوي (126) و چنين است که کسي را که اسراف نموده و به آيات پروردگارش ايمان نياورد سزا ميدهيم و البته عذاب آخرت شديدتر و باقي تر ا ست}(127)

**آيا اين نکته هدايتشان نکرد که ما قبل از آنان چقدر از جوامعي را که** (اينها) **درمساکنشان رفت و آمد ميكنند هلاک کرديم؟ که البته در اين براي صاحبان خرد نشانه هائي است (128) و اگر اينطور نبود که قبلا کلمه اي از جانب پروردگارت صادر شده بود که سرآمدي معين داشته باشند ، البته حتما آن** (عذاب و هلاکت) **همراهشان ميشد (129)**

**پس به آنچه ميگويند صبر کن و پروردگارت را قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروبش و از کناره هاي شب و اطراف روز به ستايش تسبيح گوي ، شايد راضي شوي (130) و چشمانت را روي آنچه که مايه رونق زندگي دنياست و به عده اي از آنان داده ايم تا آزمايششان کنيم ندوز . و روزيِ پروردگارت بهتر و باقي تراست (131) و اهل خويش را به نماز فرمان ده و بر آن پايداري کن . ما از تو روزيي نميخواهيم و خودمان روزيت ميدهيم و عاقبت از آنِ تقوا است (132)**

**و ميگويند چرا از جانب پروردگارش برايمان معجزه­ای نمي­آورد؟ آيا دلايل روشني که در صحيفه هاي قبلي بود بسويشان نيامد؟ (133)**  {و اگر قبل از آن به عذابي هلاکشان کرده بوديم ميگفتند پروردگارا چرا رسولي بسويمان نفرستادي تا آياتت را قبل از اينکه ذليل و رسوا شويم پيروي کنيم }(134)  **بگو همگي منتظرند ، شما هم منتظر باشيد پس بزودي خواهيد دانست که اهل جاده درست چه کساني هستند و هدايـت يافته کيست؟(135)**

**سوره انعام**

|  |
| --- |
| **درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ستايش خداوند را سزاست که آسمانها و زمين را آفريد وتاريکيها و نور را قرار داد و آنگاه کافران براي پروردگارشان همتا قرار ميدهند (1) هموست که شما را از گِل آفريد و سپس سرآمدي مقرر کرد و آن سرآمد تعيين شده نزد اوست آنگاه شما دودلي ميورزيد (2) و همو در آسمانها و زمين خداست که پنهان و آشکارتان و نيز آنچه را که بدست مي آوريد ميداند (3)**

**و هيچ آيه اي از آيات پروردگارشان بسويشان نيامد مگر آنکه از آن رويگردان شدند (4) البته چيزي که تکذيب کردند حقي بود که بسويشان آمده بود پس بزودي خبر آنچه را که استهزايش ميکردند خواهند شنيد (5) آيا درنيافتند چه اقوامي را قبل از آنها هلاک کرديم؟ همان کساني که آنقدر در زمين قدرتشان داده بوديم که شما به آن درجه از تمکين نرسيده ايد و چنان بوده که آسمانها پي در پي بر آنها مي باريد و نهرهائي برايشان قرار داده بوديم که در کف** (زمينهاي) **آنها جاري بود ، اما آنها را بسبب گناهانشان هلاک نموديم و پس از آنها قومي ديگر پديد آورديم (6) و اگر بر تو نامه اي در کاغذي بفرستيم و آنها آن را با دستهايشان لمس کنند باز هم کافران خواهند گفت اين چيزي جز جادويي آشکار نيست (7) و ميگويند چرا فرشته اي همراه او نازل نشده و اگر فرشته اي نازل کنيم كارشان يکسره شده و ديگر هيچ مهلتي نمي يابند (8) و اگر هم فرشته اي بفرستيم ، او را نيز مردي قرار ميدهيم و باز هم براي آنها همان اشتباهي را كه ميکنند پيش مي آوريم (9) و البته رسولان قبل از تو را نيز ريشخند ميکردند اما چيزي که مورد تمسخر قرار ميدادند بر مسخره کنندگان فرود آمد (10)**

**بگو در زمين بگرديد و ببينيد عاقبت تکذيبگران چه بود؟ (11) بگو آنچه در آسمانها و زمين است مال کيست؟ بگو مال خداست که مهرباني را بر خويش مقرر کرده و حتما شما را در روز قيامت که شکي در آن نيست جمع خواهد کرد . آنانکه ايمان نمي آورند خود را به خسارت افکنده اند (12)**  {و هر چه که در شب و روز جاي گيرند مال اوست و همو شنواي داناست}(13)  **بگو آيا غير از خداوند سرپرستي برگيرم که آفرينشگر آسمانها و زمين است و همو** (به همگان) **غذا ميدهد و هيچکس غذا دهنده او نيست؟ بگو من مأمورم که اولين تسليم شده** (به اين حقايق) **باشم و مبادا شما از مشرکان باشيد (14) بگو ميترسم پروردگارم را نافرماني کنم و از عذاب روزي عظيم نگرانم (15)** {هر کس که (آن عذاب) در آن روز از او برگردانده شود ، مورد مهرباني او قرار گرفته و آن البته پيروزي آشکار است (16) و اگر خداوند بلائي به تو برساند هيچ برطرف کننده اي جز او نخواهد بود و اگر خيري بتو برساند البته همو بر هر چيزي تواناست (17) و او فوق بندگانش است و بر آنها چيره است و همو پر حکمت و آگاه است}(18) **بگو چه چيزي از لحاظ گواهي مهم تر است؟ بگو خداوند گواه بين من و شماست و اين قرآن بمن وحي شده تا شما را و هر کس را که** (اين سخن) **به او ميرسد هشدار دهم . آيا شما گواهي ميدهيد که همراه خداوند خداياني ديگر است؟بگو من چنين گواهيي نميدهم . بگو جز اين نيست که او خدائي است واحد و من البته از آنچه شما شريک مي کنيد بيزارم (19)**

**آنان که کتابشان داده ايم آنرا مي شناسند ، همانطور که فرزندان خويش را مي شناسند . آنها کساني هستند که خودهاشان را به خسارت افکنده اند و لذا ايمان نمي آورند (20) و چه کسي ظالم تر است از کسي که افتراي دروغ به خداوند ببندد يا آياتش را تکذيب کند؟ البته خداوند ظالمان را به سرانجام نيکو نميرساند (21)**  {و روزي که همگيشان را در يکجا جمع کنيم و سپس به کساني که شريک قائل شده اند بگوييم کو آن شريکاني که مي پنداشتيد؟ (22) آنگاه آنها نيرنگي نخواهند داشت مگر اينکه بگويند قسم به خداوند پروردگارمان که ما مشرک نبوديم (23) ببين چگونه به خويش دروغ ميگويند و چگونه آن چيزي که افترا ميزدند از نزدشان محو ميشود} (24) **و از آنان کساني هستند که به تو گوش فرا ميدهند اما بر قلب هايشان پرده هايي قرار داده ايم که آنرا نمي فهمند و در گوشهايشان سنگيني قرار داديم و هر آيه اي را هم که ببينند به آن ايمان نخواهند آورد حتي وقتي هم که به نزدت بيايند با تو مجادله مي كنند و آن کافران خواهند گفت اين جز افسانه هاي پيشينيان نيست (25) و از آن نهي ميکنند و از آن دور مي دارند و جز خود را هلاک نمي کنند اما آگاهي ندارند (26)** {و کاش آنها را وقتيکه درمقابل آن آتش قرار ميگيرند ميديدي که ميگويند اي کاش برميگشتيم و آيات پروردگارمان را تکذيب نميکرديم و از مومنان ميبوديم (27) بلکه چون (حقيقت) آنچه را که از قبل پنهان ميکردند برايشان آشكار ميشود (اين آرزو را ميکنند) و اگر بازگردانده هم بشوند ، حتما به ارتكاب آنچه از آن نهي شده بودند برميگردند و دروغگو هستند (28) و ميگويند چيزي جز اين زندگي دنيايمان نيست و برانگيخته نخواهيم شد (29) و کاش هنگامي را ميديدي که آنها نزد پروردگارشان توقيف ميشوند، ميگويد آيا اين حق نيست؟ ميگويند قسم به پروردگار که بلي (حق است) ميگويد پس آن عذاب را به سبب آن کفري که ميکرديد بچشيد }(30) **البته آنان كه ملاقات پروردگار را تکذيب کردند زيانکار شدند تا اينکه قيامت بطور ناگهاني بر آنها در مي آيد و ميگويند اي حسرت بر ما درباره آنچه که درباره اش کوتاهي کرديم و بارهاي خويش را بر شانه هاي خويش برميدارند و چه بار بدي است که حمل ميکنند (31) و زندگي دنيا جز بازي و هوسراني نيست و سراي آخرت براي تقوا پيشگان بهتر است . آيا نمي انديشيد؟ (32)**

**البته ميدانيم آن چيزهايي را که ميگويند اندوهگينت ميکند اما البته آنها در حقيقت تو را تکذيب نميکنند بلکه ظالمان آيات خداوند را انکار مي کنند (33) و قبل از تو هم پيغمبراني بوده اند که تکذيب شدند اما بر آن تکذيب ها و آزار و اذيت هائي که ميشدند صبر کردند تا اينکه ياري ما رسيد و چيزي نميتواند کلمات خداوند را تغيير دهد و البته از داستان پيامبران مقداري به تو رسيده است (34) و اگر رويگرداني آنها برايت خيلي گران است ، پس اگر توانستي زمين را سوراخ کني يا نردباني بگذاري و به آسمان بروي و معجزه اي برايشان بياوري** [چنين كن اما آنها باز هم ايمان نخواهند آورد] **و اگر خداوند ميخواست همه آنها را بر هدايت جمع ميکرد پس مبادا که از جاهلان باشي (35) جز اين نيست که فقط آنهائي که ميشنوند اجابت مي کنند و مردگان را نيز خداوند برمي انگيزد آنگاه بسوي او بازميگردند (36)**

**و ميگويند چرا آيتي از جانب خداوند بر او نازل نميشود بگو خداوند تواناست که آيتي نازل کند وليکن اکثر آنها نميدانند (37)** {و هيچ جنبنده اي در روي زمين و هيچ پرنده اي که با بالهايش پرواز ميکند نيست مگر اينکه آنها هم مانند شما امت هايي هستند. ما در ان کتاب چيزي را فرو گذار ننموديم آنگاه بسوي پروردگارشان محشور ميشوند}(38) **و آنانکه آياتمان را تکذيب کردند كر ولال و در تاريکيهائي هستند . خداوند هر که را خواهد گمراهش ميکند و هر كه را بخواهد بر صراط مستقيم قرار ميدهد (39) بگو آگاهم كنيد ، اگر عذاب خداوند يا قيامت بسويتان بيآيد اگر راست ميگوئيد آيا غير از خداوند را** (به دعا) **ميخوانيد؟(40)** {بلکه فقط او را (به دعا) خواهيد خواند. پس اگر بخواهد، آنچه را که راجع به آن خوانده ايد، برطرف مي کند و شما آنچه را که با او شريک مي کنيد فراموش خواهيد کرد}(41) **و البته** (رسولاني نيز) **بسوي اقوام قبل از تو فرستاديم و آنها را به سختي و ناراحتي بگرفتيم شايد تضرعي کنند (42) پس چرا هنگاميکه سختي ما بسويشان آمد تضرعي نکردند بلکه دلهاشان سخت شد و شيطان نيز اعمالشان را برايشان جلوه داد؟ (43) و هنگاميکه آنچه را که به آن پند داده ميشدند فراموش کردند درهاي همه چيز را بر آنها گشوديم تا اينکه به آنچه داشتند خوشحالي ميکردند و ناگهان آنها را بگرفتيم و يكباره نااميد شدند (44) پس دنباله آنانکه ظلم ميکردند قطع شد ، و ستايش مخصوص خداوند پروردگار جهانيان است (45)**

**بگو بمن بگوئيد اگر خداوند گوش و چشمتان را بگيرد و بر قلبهايتان مهر بزند غير از خداوند چه خدائي هست که آنها را به شما برگرداند؟ ببين چگونه آيات را گوناگون مي آوريم آنگاه باز هم روي ميگردانند (46) بگو بمن بگوئيد اگر عذاب خداوند ناگهاني و يا آشکارا بسويتان بيايد آيا غير از ظالمان هلاک ميشوند؟ (47)** {و فرستادگان را جز مژده دهنده و هشدار دهنده نفرستاديم پس آنکس که ايمان آورد و اصلاح نمود نه ترسي داشته و نه اندوهگين باشد (48) و آنانکه آياتمان راتکذيب کردند ، عذاب ، بواسطه نافرمانيي که کردند به آنان خواهد رسيد}(49) **بگو نميگويم که انبارهاي خداوند نزد من است و نميگويم علم غيب دارم و نميگويم جزء فرشتگان هستم . جز از وحيي که بمن ميشود پيروي نمي کنم بگو آيا کور و بينا مساويند؟ آيا فکر نمي کنيد؟ (50) و با آن** (قرآن) **آنهائي را که از محشور شدن بسوي پروردگارشان خوف دارند هشدار ده ، که جز او سرپرستي و شفيعي ندارند ، شايد تقوا پيشه کنند (51)**

**و کساني را که پروردگارشان را صبحگاهان و شامگاهان به دعا ميخوانند ، و خود او را منظور دارند ، آنها را مران . هيچ حسابي از اعمالشان بر عهده تو نيست ، و هيچ حسابي از اعمال تو نيز بر عهده آنان نيست ، که اگر طردشان کني از ظالمان خواهي بود (52) و بعضي از آنها را چنين با بعضي ديگر آزموديم تا گويند آيا آنهائي که خداوند از بين ما بر آنها منت گذاشته اينها هستند؟ آيا خداوند شاکران را بهتر نمي شناسد؟(53) و کساني که به آياتمان ايمان دارند وقتيکه نزدت مي آيند بگو سلام بر شما . پروردگارتان رحمت را بر خويش مقرر نموده . البته اگر بعضي از شما بعلت جهالتي عمل بدي کند سپس توبه نمايد و رفتارش را اصلاح نمايد او آمرزشگر مهربان است (54) و آيات را چنين تشريح مي کنيم تا راه مجرمان مشخص گردد (55)**

**بگو من نهي شده ام که آنچه را که غير از خداوند ميخوانيد عبادت کنم . بگو از هواي نفس شما پيروي نمي کنم که در آنصورت از گمراهان خواهم شد و از هدايت شدگان نخواهم بود (56) بگو من بر دليلي از پروردگارم استوار هستم و شما آنچه را که نزد من است تکذيب کرده ايد . آنچه را که به عجله ميخواهيد نزد من نيست . فرمانروائي جز با خداوند نيست. حق را پيگيري ميكند و همو بهترين مشخص کنندگان است (57) بگو اگر آنچه را که به عجله ميخواهيد نزدم بود ميان من و شما كار به پايان ميرسيد و خداوند به حال ظالمان داناتر است (58)** {و کليدهاي غيب نزد اوست. کسي غير از او علم آنرا ندارد و انچه را که در زمين و دريا هست ميداند. و هيج برگي نمي افتد مگر اينکه آنرا ميداند و هيچ دانه اي در تاريکيهاي زمين و هيچ تر و خشکي نيست مگر اينکه در کتابي آشکار هست.(59) و هموست که شبها (جان) شما را دريافت ميکند و ميداند در روز چه کرده ايد، سپس شما را در آن (روز) برمي انگيزد تا سررسيد تعيين شده اي سر بيايد، آنگاه بازگشت شما بسوي اوست و شما را از آنچه ميکرده ايد آگاه مي کند (60) و او بر بندگانش غالب است . و بر شما نگهباناني ميفرستد، تا اينکه مرگ يکي از شما ها در رسد ، که فرستادگان ما (جان) او را دريافت مي کنند و هيچ کوتاهيي نمي کنند (61) سپس بسوي خداوند كه سرور حقشان است بازگردانده ميشوند . آيا جز اين است که فرمانروائي از آن اوست و همو سريعترين حسابگران است؟}(62) **بگو چه کسي از تاريکيهاي زمين و دريا آن هنگام که او را با تضرع و در خفا به دعا ميخوانيد نجاتتان ميدهد** (وقتي که ميگوئيد) **اگر از اين** (گرفتاري) **نجاتمان دهي حتما از شکرگزاران خواهيم بود؟ (63) بگو خداوند است که از آن و همچنين از همه ناراحتي ها نجاتتان ميدهد ، آنگاه شما با او شريک قرار ميدهيد (64) بگو او اين قدرت را دارد که از بالاسرتان و زير پايتان عذابي بر شما برانگيزد ، يا شما را گروه گروه کند ، و سختي بعضي از شما را به بعضي ديگر بچشاند . ببين چگونه آيات را گونه گون مي كنيم شايد فهم کنند (65) و قوم تو آنرا تکذيب کرد در حاليکه آن حق است . بگو من نگهبان شما نيستم (66) براي هر چيزي قرار گاهي است و بزودي خواهيد دانست (67)**

**و هنگاميکه كساني را که در آياتمان فرو ميروند ببيني از آنان رويگردان تا اينکه در سخني ديگر فرو روند و اگر شيطان تو را به فراموشي انداخت ، پس از توجه ، ديگر با مردمي ظلم پيشه منشين (68) و چيزي از حسابشان بر عهده اهل تقوا نيست بلکه** (اين) **تذکري است شايد تقوا در پيش گيرند (69) و کساني را که دينشان را بازيچه و هوسراني گرفته اند و زندگي دنيا آنها را فريفته ، بحال خودشان واگذار و آنان را به آن تذکر ده . مبادا کسي بواسطه آنچه کسب کرده** (از رحمت خدا) **محروم شود . زيرا هيچکس غير از خداوند سرپرست و شفيعي ندارد و اگر** (فرضا) **بخواهد** (بعنوان غرامت) **عوض بدهد هيچ چيزي از او قبول نخواهد شد . آنها کساني هستند که بواسطه آنچه کسب کرده اند محروم ميشوند . نوشيدني آنها از حميم خواهد بود و بسبب کفري که مي ورزيدند عذابي دردناک خواهند داشت (70) بگو آيا غير از خداوند را بخوانيم؟ چيزي را که نه نفعي به حال ما دارد و نه ضرري؟ و پس از اينکه خداوند هدايتمان کرده بر پاشنه هاي خويش به عقب برگرديم؟ و مانند کسي که شيطانها در روي زمين او را به هوا و هوس گرفته اند** (شويم)؟ **كه دوستاني دارد که دعوت ميکنند که** (اگر هدايت مي خواهي) **بسوي ما بيا . بگو هدايت فقط هدايت خداست و ما مأموريم براي پروردگار جهانيان تسليم باشيم (71) و اينکه نماز بپا داريم و از او پروا کنيم و او همان کسي است که بسويش جمع آوري ميگرديد (72) و هموست که آسمانها وزمين را به حق آفريد و روزي که بگويد «باش» ، خواهد شد . قول او حق است و در روزي که در آن شيپور دميده شود فرمانروائي از آن اوست . داناي پنهان و آشکار ، و همو حکيم آگاه است (73)**

**و آن هنگام را ياد آر که ابراهيم به پدرش آزر گفت آيا بتهائي را به خدائي گرفته اي؟ من تو و قومت را در گمراهيي آشکار مي بينم (74) و چنين بود که ملکوت آسمانها و زمين را به ابراهيم نمايانديم تا از يقين داران گردد (75)** {پس هنگاميکه شب او را پوشاند و ستاره اي را ديد ، گفت پروردگارم اين است ، پس چون ناپديد شد گفت من ناپديد شوندگان را دوست نميدارم (76) پس چون ماه را تابان ديد گفت پروردگار من اين است اما چون افول کرد گفت اگر پروردگارم هدايتم نکند حتما از قوم گمراهان خواهم بود (77) پس چون خورشيد را در طلوع ديد گفت پروردگار من اين است . اين بزرگتر است . پس وقتيکه افول کرد گفت اي مردم ! من از آنچه شما به آن شرک ميورزيد بيزارم (78) من البته رويم را بسوي کسي ميگردانم که آسمانها و زمين را آفريده و معتدلم و از مشرکان نيستم}(79) **و قومش با او مجادله ميكردند . گفت آيا درباره خداوند با من گفتگو ميکنيد در حاليکه مرا هدايت کرده؟ و من از آنچه با او شريک ميکنيد نمي ترسم مگر چيزي كه پروردگارم بخواهد . علم پروردگارم همه چيز را فرا گرفته . آيا توجه نمي کنيد؟ (80) و چگونه از آنچه با او شريک گرفته ايد بترسم در حاليکه شما در خصوص چيزهائي که با خدا شريک کرده ايد نميترسيد؟ آنهم در حاليکه براي** (رفتار) **شما دليلي هم نفرستاده؟ پس کدام گروه براي احساس امنيت شايسته تر است؟ اگر علمي داريد؟(81)** {آنهائي که ايمان آورده و به ايمانشان لباس ظلم نپوشانده اند امنيت خواهند داشت و همانها هدايت يافتگانند}(82)  **و اين دليلي بود که به ابراهيم در مقابل قومش داديم . هر کسي را که بخواهيم درجاتش را بالا ميبريم که پروردگارت صاحب حکمت داناست (83) و به او اسحق و يعقوب را داديم که همگيشان را هدايت کرديم** {و نوح را قبلا هدايت کرده بوديم} **و از فرزندان او داوود و سليمان و ايوب و موسي و هارون بود و نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (84) و زکريا و يحيي و عيسي و الياس که همگي از صالحان بودند (85) و اسمعيل و يسع و يونس و لوط که همگي را بر جهانيان برتري داديم (86) و از پدرانشان و فرزندانشان و برادرانشان ، برگزيديمشان و بسوي صراطي مستقيم هدايتشان كرديم (87) اين هدايت خداوند است . هر کس از بندگانش را که بخواهد به آن هدايت ميکند . و اگر شرک ورزيده بودند آنچه ميكردند تباه ميشد (88) آنها کساني هستند که کتاب و حکم و نبوت به آنها داديم و اگر اينها به آن کفر ورزند قومي را بر آن برميگماريم که به آن کافر نباشند (89) آنها کساني هستند که خداوند هدايتشان کرده . پس تو به هدايتشان اقتدا کن . بگو براي آن دستمزدي از شما نميخواهم . اين** (قرآن) **چيزي جزپندي براي جهانيان نيست (90)**

**و آنطور که بايد و شايد قدر خداوند را ندانستند که گفتند خداوند هيچ چيزي بر هيچ بشري نفرستاده است. بگو پس آن کتابي را که موسي با آن** (به پيامبري) **آمد چه کسي فرستاده که نوري و هدايتي براي مردم بود و شما** (علمای یهود) **آنرا بصورت کاغذهايي درآورده ايد که** (قسمتي را) **آشکار کرده و بسياري از آن را مخفي داشته ايد و خودتان و پدرانتان چيزهائي آموخته ايد که علمي به آن نداشتيد؟ بگو آنرا خداوند** (نازل نموده) **آنگاه آنها را واگذار که بازي کنان به فرو رفتن خويش** (در باطل) **ادامه دهند (91)** {و اين کتابي است پربرکت که نازلش کرده ايم كه تصديق کننده آن (کتابهائي) است که قبل از آن بوده ، تا (مردمِ) «مادر شهرها» (مكه) و اطرافشان را هشدار دهد . و آنان که به آخرت ايمان دارند نيز به آن ايمان دارند و نمازهايشان را هم محافظت ميکنند}(92)  **و چه کسي ظالم تر است از کسي که بر خداوند به دروغ افترا زند ، يا اينکه بگويد بمن وحي ميشود در حاليکه چيزي به او وحي نميشود و**(نیز) **کسي که بگويد بزودي چيزي مانند آنچه خداوند نازل کرده نازل خواهم کرد؟ و کاش ظالمان را در گردابهاي مرگ ميديدي که ملائکه دستهايشان را بر آنها گشوده اند که جانهاي خويش را برون آريد که امروز جزايتان به سبب آنچه که به ناحق درباره خداوند ميگفتيد و نسبت به آياتش سركشي ميكرديد عذاب خواركننده خواهد بود (93)** {و البته بطور انفرادي بسويمان آمده ايد، همانطور که شما را در آفرينش اول آفريديم و آنچه را که به شما ارزاني داشته بوديم پشت سرتان رها کرده ايد و کساني را که شفيع خويش ميدانستيد همراهتان نمي بينيم . بين شماوآنهاجدايي افتاده و آنچه را که گمان مي کرديد از نزدتان گم شده است} (94)

**خداوند شکافنده دانه و هسته است . زنده را از مرده بيرون مي آورد و بيرون آورنده مرده از زنده است . اين است خداوند پرودگارتان . پس به کجا سرگردان ميشويد؟(95) که شکافنده صبحگاهان** (است و) **شب را مايه آرامش وآفتاب و ماه را وسيله شمارش قرار داده است . اين برنامه ريزي آن پيروز داناست (96) و هموست که ستارگان را قرار داد تا به وسيله آنها در تاريکيهاي خشکي و دريا هدايت يابيد . البته ما آيات را براي اشخاصي دانا تشریح کرده ايم (97) و هموست که شما را از يک جان آفريد . آنگاه محل آرامشي و محل وديعه اي است . البته آيات را براي مردم صاحب فهم تشريح نموده ايم (98) و هموست که از آسمان آبي نازل نموده و روئيدني هائي از همه چيز بيرون آورده . واز آن سبزيي بيرون مي آوريم و همچنين از آن دانه هايي روي هم چيده در مي آوريم . و از نخل ، از گًل آن ، خوشه هاي آويخته** (بيرون مي آوريم) **و با غهايي از انگورها و زيتون و انار که شبيه هستند اما عين يکدگر نيستند** (بيرون مي آوريم) **به ميوه هايشان هنگام ثمر دادن و رسيدن بنگريد ، که در اين براي مردمي که ايمان دارند نشانه هاست (99) و براي خداوند شريکاني از جن درست کردند در حاليکه خداوند آنها را آفريده . وبدون اينکه علمي داشته باشند براي او پسران و دختراني تراشيدند . از اين چيزها منزه ، و از آنچه وصفش مي کنند بالاتر است (100) به وجود آورنده آسمانها و زمين** (است). **چگونه برايش فرزندي خواهد بود در حاليکه همسري ندارد و همه چيز را همو آفريده و نسبت به همه چيز داناست؟(101) اين است خداوند پروردگارتان . خدايي جز او نيست . آفريننده همه چيز است . پس او را عبادت کنيد و همو بر همه چيز نگهبان است (102) چشمها او را درنمي يابد و او چشمها را درمي يابد و همو لطيف آگاه است (103)**

(بگو) **البته که بصيرتهايي از جانب پروردگارتان به سويتان آمده . پس هر كس بينا شد به نفع خودش است و کسي که کوري را انتخاب کند به ضرر خويش نموده و من نگهبان شما نيستم (104)** {وآن آيات را چنين گونه گون مي آوريم و (بگذار) تا بگويند درسش را خوانده اي و تا براي مردمي صاحب علم بيانش کنيم} (105) **آنچه را که از جانب پرودگارت به سويت وحي مي شود پيروي کن . خدايي جز او نيست و از مشرکان روی بگردان (106)** {و اگر خداوند مي خواست شرک نمي ورزيدند و تو را نگهبان آنها قرار نداديم و تو وكيل (بر) آنها نيستي} (107) **وآن کساني را که به جز خداوند مي خوانند دشنام مگوئيد زيرا که آنها نيز از روي دشمني و بدون اينکه علمي داشته باشند خداوند را دشنام خواهند گفت**{ بدين سان براي هر مردمي اعمالشان را زينت داده ايم} **آنگاه باز گشتشان به سوي پروردگارشان است**  (که) **سپس آنها را به کارهايي که مي کردند آگاه ميكند (108)**

**و قسم هاي محکم به خداوند خوردند که اگر معجزه اي بسويشان بيايد حتما به آن ايمان خواهند آورد . بگو جز اين نيست که معجزه ها نزد خداوند است و چه ميدانيد ، اگر هم** (آن معجزات) **بسويشان بيايد باز هم ايمان نخواهند آورد (109)** {و دلها و چشمهاشان را ميگردانيم و مانند همان بار اول ميشوندکه به آن ايمان نياورده بودند و آنها را در طغيانشان کوردل رها ميکنيم } (110) **و حتي اگر ملائکه را بسويشان نازل کنيم و مردگان هم با آنها صحبت کنند و هر چيزي را بر آنها جمع کنيم اينطور نيست که ايمان بياورند مگر اينکه خدا بخواهد وليکن اکثرشان جاهلند (111)** {و چنين است که براي هر پيامبري دشمني از شياطين قرار داديم (شياطين) انساني يا جني که بعضي از آنها به بعضي ديگر سخنان ظاهرا قشنگ براي فريب دادن ياد مي دهند و اگر خداوند ميخواست چنين نميکردند پس آنها را با آنچه افترا مي بندند واگذار (112) تا اينکه دلهاي آنانکه به آخرت ايمان نمي آورند به آن ميل کند تا آن را بپسندند و به آنچه آنان دچار ميشوند دچار شوند} (113) (بگو) **آيا جز خداوند را به حکميت بجويم در حاليکه هموست که آن کتاب را با تفصيل برايتان فرستاده؟ و اهل کتاب ميدانند که آن از جانب پروردگارت به حق فرستاده شده است پس مبادا که از دودلان باشي (114) و کلمه پروردگارت به صدق و عدل کامل شد . هيچ چيزي کلماتش را تغيير نخواهد داد و همو شنواي داناست (115)**

**و اگر اکثر کساني را که در روي زمين هستند پيروي کني از راه خدا گمراهت ميکنند . از چيزي جزگمان پيروي نمي کنند و خودشان هم جز تخمين نميزنند (116) البته پروردگارت بهتر مي داند كه چه كسي از راهش گمراه شده و همو هدايت يافتگان را بهترمي شناسد (117) پس ، از آنچه ذکر خدا بر آن شده بخوريد . اگربه آياتش ايمان داريد (118) و چه تان شده که از آنچه ذکر خدا بر آن شده نميخوريد در حاليکه آنچه خداوند حرام کرده به تفصيل برايتان گفته شده مگر اينکه چاره اي نداشته باشيد و البته بسياري** (ديگران را) **بدون اينکه علمي داشته باشند با هوس هايشان گمراه ميکنند که البته پروردگارت به تجاوزکاران آگاه تر است (119) و گناهان را چه آشکار باشد و چه پنهان ول کنيد . همانا کسانيکه گناهان را مرتكب ميشوند بزودي سزايشان را به خاطر آنچه انجام ميدهند مي بينند (120) و آنچه را که اسم خدا بر آن ياد نشده نخوريد ، که نافرماني است و البته شياطين به دوستانشان آموزش ميدهند که با شما مجادله کنند و اگر اطاعتشان کنيد البته شما نيز مشرك خواهيد بود (121)**

**آيا کسي که مرده اي بود و زنده اش کرديم و برايش نوري قرار داديم که به وسيله آن در ميان مردم راه ميسپارد ، مانند کسي است که در تاريکيهائي است که از آن برون رفت ندارد؟ براي کافران اعمالشان چنين آراسته شده است (122)** {و به اين ترتيب در هر شهري بزرگان گنهکارانشان را قرار داديم تا در آن نيرنگ کنند . اما جز بر ضد خودشان نيست و آگاهي ندارند (123) و هنگاميکه آيه اي بسويشان بيايد ميگويند هرگز به آن ايمان نمي آوريم تا اينکه به ما نيز آنچه به فرستادگان خدا داده شده داده شود . خداوند بهتر ميداند رسالتش را کجا بگذارد . به زودي آنان که مرتکب جرم شده اند به سبب نيرنگي که زده اند به خواريي نزد خدا و عذابي شديد خواهند رسيد (124) اگر خداوند بخواهد كسي را هدايت کند سينه اش را براي (پذيرش) اسلام باز مي کند و اگر بخواهد گمراه کند سينه اش را تنگ و سخت مي کند گوئي که دارد به آسمان صعود مي کند . خداوند به اين روش عذاب را بر كساني كه ايمان نمي آورند بر مي گمارد}(125)

**و اين جاده پروردگار توست که مستقيم است و البته آيات را براي مردمي که پند ميگيرند با تفصيل بيان کرده ايم (126)** { آنها نزد پروردگارشان خانه امن خواهند داشت و همو يارشان است به سبب آنچه انجام ميدادند (127) و روزي که همگيشان را محشور کنيم (خطاب شود) اي جماعت جنيان چه بسيار از آدميان (را بدام انداختيد) و دوستان آدميزادشان ميگويند: پروردگارا بعضي مان از بعضي ديگر برخوردار شديم و به سرآمدي معين که برايمان مقرر کردي رسيديم . گويد جايگاهتان آتش است که در آن جاودان خواهيد بود مگر آنچه خدا خواهد که پروردگارت پر حکمت داناست (128) و بعضي از ظالمان را بر بعضي ديگر چنین سرپرستي ميدهيم به سبب آنچه انجام ميدهند (129) اي جماعت هاي جني و انساني! آيا رسولاني از خودتان بسويتان نيامدند که آياتم را بر شما بخوانند و به اين روز هشدارتان دهند؟ گويند (بلي) و ما عليه خويش گواهي ميدهيم {{و زندگي دنيا فريبشان داد وعليه خويشتن گواهي دادند که ما کافريم}}(130) چنين است که پروردگارت اهل آن شهرها را از روي ظلم و در حاليكه غافل باشند هلاک نکرد (131) و همگي شان در آنچه ميکردند به درجاتي رسيده بودند و پروردگارت از آنچه انجام ميدهند غافل نيست} (132) **و پروردگارت غني صاحب رحمت است. اگر بخواهد شما را ميبرد و پس از شما آنچه بخواهد جايگزين ميکند . همانطور كه شما را از فرزندان قوم قبلي ايجاد کرد (133) آنچه به شما وعده شده حتما مي آيد و نمي توانيد جلوگيري کنيد (134) بگو اي قوم ! هر چه که قدرت داريد انجام دهيد ، من هم کار خويش ميکنم . به زودي خواهيد دانست چه کسي صاحب آن خانه نهائي است . البته او ظالمان را رستگار نمي کند (135)**

**و از آنچه که کشت و زرع و حيوانات بوجود مي آورند براي خدا نصيبي قرار ميدهند و به خيال خودشان مي گويند اين براي خدا باشد و اين هم براي شريکاني که براي خدا قائل شده ايم . اما آنچه که مال شرکاء است به خدا نميرسد ولي آنچه که مال خداست به شرکاء ميرسد . چه بد حکم مي کنند (136) و چنين است که براي بسياري ازمشرکان ، شرکاء شان ، قتل اولادشان را زينت داده اند تا هلاکشان کنند و دينشان را بر آنان مشتبه نمايند و اگر خدا مي خواست اين کار را نمي کردند پس تو نيز آنها را با افترائي که به خدا ميزنند واگذار (137) و به خيال خويش مي گويند اين چارپايان و کشت و زرع قُرُق است و هيچ کس از آن نميخورد مگر اينکه ما بخواهيم و همچنين است چارپاياني که پشت هايشان** (براي سواري) **حرام است و چارپاياني که اسم خدا را** (هنگام ذبح) **بر آن نميبرند .** (همه اينها) **افترائي است براو. به زودي سزاي آنها را براي افترايشان ميدهيم (138) و ميگويند آنچه در شکم اين چارپايان است خاص پسرانمان و مردانمان است و بر زنان حرام است اما اگر مرده** (به دنيا آمده) **باشد همه آنان در آن شريکند . به زودي سزاي وصفشان را ميدهد که او پر حکمت داناست (139) البته آنان که اولادشان را از روي سفاهت و بدون علم ميکشند و آنچه که خداوند روزيشان کرده به علت افترا به خداوند حرام مي کنند زيان كردند . البته گمراه شده اند و هدايت يافته نمي باشند (140)**

**و هموست که باغهائي داراي داربست و بي داربست بوجود آورد و نخل ها و کشت ها را که خورش آنها متفاوت است ، و زيتون و انار را چه مشابه و چه نامشابه باشند** (آفريده) **از ميوه اش هنگاميکه به بار آيد بخوريد و حقش را روز برداشت بدهيد و اسراف نکنيد که خداوند مسرفان را دوست ندارد (141) و از چارپايان چه باربر** (و بزرگ) **و چه كوچك باشند ، از آنچه خداوند روزيتان کرده ، بخوريد و از گام هاي شيطان پيروي مکنيد که او برايتان دشمني آشکار است (142)**

**هشت گروه از نر و ماده . از گوسفند دوتا . و از بز دو تا . بگو آيا دو نر را حرام کرده يا دو ماده را يا آنچه را که در رحم دو ماده هست؟ بگو از روي علم خبرم دهيد اگر راست ميگوييد (143) و از شتر دو تا و از گاو دو تا . بگو آيا دو نر را حرام کرده يا دو ماده را ، يا آنچه را که در رحم دو ماده هست؟ مگر شما آن هنگام که خداوند به اين** (تقسيم بندي) **سفارش ميکرد حاضر بوديد؟ پس چه کسي ظالم تراست از کسي که به خداوند افتراي دروغ بندد تا مردم را بدون علم گمراه کند؟ البته خداوند قوم ظالمان را هدايت نميکند (144) بگو در آنچه به من وحي شده چيزي را که خورنده ميخورد حرام نمي يابم مگر آنکه مرداري باشد ، يا خون ريخته شده ، يا گوشت خوک که پليد است ، يا اينكه از روي نا فرماني بنام غير خدا ذبح شده باشد ، تازه اگر کسي ناچار شود ، نه اينکه تجاوز و افراط کند ،** (و از همانها هم بخورد) **البته پروردگارت آمرزگار مهربان خواهد بود (145) و بر يهوديان حرام کرديم هر ناخنداري را ، و از گاو و گوسفند نيز پيه را بر آنان حرام کرديم . جز آنچه بر پشتشان يا روده هاي آنها باشد ، يا به استخوان پيوسته باشد و اين** (تحريم) **براي آن سرکشي بود که ميکردند و البته راستگوييم (146) پس اگر تکذيب کردند بگو پروردگارتان صاحب مهرباني گسترده است اما عذاب او از قوم گناهکار دفع نخواهد شد (147)**

**بزودي مشرکان خواهند گفت اگر خدا ميخواست نه ما و نه پدرانمان شرک نمي ورزيديم ، و چيزي را هم حرام نميکرديم . تکذيبگران پيشين انها نيز چنين تکذيب کردند تا اينکه عذاب ما را چشيدند . بگو آيا هيچ علمي نزدتان هست که برايمان ارائه کنيد؟ جز اين نيست که جز گمان را پيروي نمي کنيد و جز به تخمين سخن نميگوييد (148) بگو دليل رسا خاص خداست ، پس اگر ميخواست حتما همگي تان را هدايت ميکرد (149) بگو آن گواهانتان را که شهادت ميدهند که خداوند اينها را حرام کرده بياوريد . پس اگر** (کساني) **شهادت دادند تو با آنها مباش و ازهواي نفس کساني که آياتمان را تکذيب ميکنند و نيز از کساني که به آخرت ايمان ندارند و براي پروردگارشان همتا قرار ميدهند پيروي مکن (150) بگو بياييد آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده برايتان تلاوت کنم** . (آنها اين است) **که چيزي را با او شريک مگيريد و به والدين احسان کنيد و فرزندانتان را از تنگدستي مکشيد که ما به شما و آنها روزي ميدهيم و به کارهاي زشت چه آشکار و چه پنهان نزديک نشويد و هيچ کسي را که خداوند** (كشتن او را) **حرام کرده ، مگر به حق ، نکشيد . اين چيزي است که به آن توصيه کرده شايد تعقل پيشه کنيد (151) و به مال يتيم نزديک نشويد مگر به وجهي كه** (براييتيم) **بهتر است . تا اينکه به رشد و قوت خويش برسد و پيمانه و ترازو را بطور کامل به عدالت ادا کنيد . البته هيچ کس جز به قدر وسعش تکليف نميشود . و اگر سخن ميگوئيد به عدالت گوئيد و لو اينکه درباره خويشاوند باشد و به عهد خداوند وفا کنيد . اين است چيزهائي که به آن توصيه تان کرده . شايد پند گيريد (152) و اينکه اين جاده ام مستقيم است . پيرويش کنيد و راه هاي ديگر را پيروي نکنيد تا شما را از راه او متفرق نکنند . اين است آنچه که شما را به آن توصيه کرده شايد تقوا پيشه کنيد (153)**

**سپس به موسي آن کتاب را داديم ، تا نعمت را بر کسي که نيکي در پيش گرفته بود تمام کنيم . و همه چيز را در آن به تفصيل ذکر کرديم و مايه هدايت و رحمت بود براي کساني که به ملاقات پروردگارشان ايمان داشتند (154) و اين نيز کتابي است پر برکت كه فرستاديم . پس ، از آن ييروي کنيد و تقوا پيشه نمائيد شايد رحمت شويد (155)**  {تا نگوئيد که کتاب فقط بر دو طائفه پيش از ما نازل شده و ما از آموختن درسهاي آن غافل بوديم (156) يا اينکه بگوئيد اگر کتاب بر ما نازل مي شد حتما از آنها هدايت يافته تر مي شديم . براستي دليلي از جانب پروردگارتان بسويتان آمده که هدايتي و رحمتي است . پس چه کسي ظالم تر است از کسي که آيات خداوند را تکذيب کند و از آن روي بگرداند . بزودي کساني که از آياتمان روي مي گردانند براي رويگرداني شان عذاب بسيار بد خواهند داشت (157) آيا انتظار دارند ملائکه بسويشان بيايند؟ يا اينکه پروردگارت؟ يا اينکه بعضي از معجزات پروردگارت؟ روزي که بعضي از معجزات پروردگارت بيايد ايمان کسي که قبلا ايمان نياورده يا از ايمانش فايده اي نبرده سودي بحالش نخواهد داشت . بگو منتظر باشيد که ما نيزمنتظريم} (158) **البته تو را با آنانکه دينشان را فرقه فرقه کرده وگروه گروه شدند كاري نيست . كار آنان فقط با خداست . سپس خبر انچه را که انجام ميدادند به آ نها ميدهد (159) هر کس که کار نيکي کند ده برابر آن** (پاداش) **خواهد داشت و کسي که کار زشتي کند فقط سزاي همان را خواهد ديد و هيچ ظلمي به آنان نمي شود (160)**

**بگو البته پروردگارم بسوي جاده اي مستقيم هدايتم کرده است .** {ديني استوار ، دين ابراهيم معتدل ، كه از مشركا ن نبود} (161) **بگو البته نمازم و عبادتم و زندگيم و مرگم براي خداوند پروردگار جهانيان است (162)** {که شريک ندارد و من مأمور به آنم و خودم اولين مسلمانم} (163) **بگو آيا غير از خداوند پروردگاري بجويم ؟ در حاليکه او پروردگار همه چيز است؟** {و هيچ کسي هيچ چيز (بد)ي کسب نمي کند مگر اينکه عليه خود اوست و هيچ باربري بار ديگري را نمي برد . آنگاه بازگشتگاهتان بسوي پروردگارتان است} (وبگو) **و همو خبر آنچه را که در آن اختلاف مي کرديد به شما ميدهد (164) و هموست که شما را جانشينان روي زمين قرار داد .** {و بعضي را به بعضي به درجاتي برتري داد . تا شما را در آنچه به شما داده بيازمايد}. **البته پروردگارت تند کيفر است و البته همو آمرزشگر مهربان است (165)**

**سوره اعراف**

|  |
| --- |
| **درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**المص (1) کتابي است كه به سويت نازل شده** {پس مبادا دلتنگي از آن داشتهباشي} **تا بوسيله آن هشدار دهي و پندي براي مومنان باشد (2)** [ایمسلمانان] **از آنچه از جانب پروردگارتان بسويتان نازل شده پيروي کنيد و غير از او از اوليائي ديگر پيروي مکنيد ، چه کم پند مي پذيريد (3)** {و چه بسيار شهر هائي که هلاکشان کرديم و عذابمان شبانه يا در حال خواب نيمروز آنها را بگرفت (4) و سخنشان آن هنگام که عذابمان آنها را در گرفته بود چيزي جز اين نبود که مي گفتند ما ظالم بوديم} (5) **و ما ، هم از فرستادگان بازجوئي خواهيم کرد و هم از مردمي که رسولان بسوي آنها فرستاده شدند (6) و البته براي آنها جزئيات کارهايشان را بازگو خواهيم نمود که ما هرگز غائب نبوده ايم (7) و سنجش آنروز حقيقت دارد . پس هر کس که موازينش سنگين باشد رستگار خواهد بود (8) و هر کس که موازينش سبک باشد از کساني است که جانهاي خويش را بعلت ظلمي که به آيات ما ميکردند به زيان انداختند (9)**

**و البته شما را در زمين تسلط داديم و برايتان وسايل معشيت قرار داديم ، چه کم شکر مي گزاريد (10) و البته شما را آفريديم سپس صورتگري کرديم سپس به ملائکه گفتيم به آدم سجده کنيد پس سجده کردند مگر ابليس که از ساجدان نبود (11) گفت چه چيزي جلوگيرت شد که سجده کني وقتي که فرمانت دادم؟ گفت من از او بهترم. مرا از آتش و او را از خاک آفريده اي (12) گفت از آن فرود آي . تو را نميرسد که در آن تکبر کني. بيرون رو که از سرافکندگاني (13) گفت مرا تا روزي که برانگيخته مي شوند مهلت ده (14) گفت تو از مهلت يافتگاني (15) گفت بسبب آنکه اغوايم کردي من نيز در آن صراط مستقيم بر سر راهشان مي نشينم (16) آنگاه از پيش و پس و راست و چپ آنها بر آنان در مي آيم و اکثرشان را از شاکران نخواهي يافت (17) گفت نکوهش شده رانده شده از آن بيرون رو که جهنم را از کساني که پيرويت کنند پر خواهم کرد (18) و تو اي آدم با همسرت در آن باغ سکونت کنيد و از هر چه ميخواهيد بخوريد اما به اين درخت نزديک نشويد که از ظالمان خواهيد بود (19) پس شيطان آن ها را وسوسه کرد تا آنچه از عورت شان که از آنها پنهان بود برايشان آشکار کند و گفت پروردگارتان شما را از اين درخت نهي نکرد مگر از اين جهت که مبادا دو پادشاه شده يا اينکه جاودان شويد (20) و برايشان قسم خورد که خير خواهتان هستم (21) آنگاه به فريبي سقوطشان داد . و چون از آن درخت چشيدند زشتي هايشان برايشان آشکار شد و شروع کردند از برگهاي آن باغ به آنها چسباندن و پروردگارشان ندايشان داد که مگر شما را از آن درخت نهي نکرده بودم و نگفته بودم شيطان برايتان دشمني آشکار است؟ (22) گفتند پروردگارا برخويش ظلم کرديم و اگر ما را نيامرزي و بر ما نبخشي از زيانكاران خواهيم بود (23) گفت فرود آئيد. بعضي از شما دشمن بعضي ديگر خواهد بود ، و در زمين تا مدتي معين استقرار و برخورداريي خواهيد داشت (24) و گفت در آن زندگي خواهيد کرد و در آن درخواهيد گذشت و از آن خارج خواهيد شد (25)**

**اي فرزندان آدم ! برايتان لباسي نازل کرديم که زشتي هاي شما را بپوشاند و نيز مايه زيبائي تان شود و لباس تقوي بهتر است . اين از آيات خداست شايد پند گيرید (26) اي فرزندان آدم ! مبادا شيطان شما را بفريبد چنانکه والدين شما را از آن باغ بيرون کرد. لباسشان را از آنها مي کند تا زشتي هايشان را به آنان بنمايد. او و قبيله اش از جائيکه نمي بينيد شما را زير نظر دارند . ما شياطين را اولياء کساني قرار داديم که ايمان نمي آورند (27)** {و هنگاميکه گناه بزرگ و عمل زشتي مرتکب شدند ميگويند پدرانمان نيز چنين ميکردند و خداوند مجبورمان کرد . بگو خداوند به کارهاي زشت فرمان نميدهد . آيا عليه خداوند چيزي ميگوئيد که علمش را نداريد؟ (28) بگو پروردگارم به عدالت فرمان داده و اينکه روهاي خويش را به هر مسجدي متوجه کنيد و او را در حالي كه دين خويش را براي او خالص كرده ايد بخوانيد . همانطور که (آفرينش) شما را آغاز نمود برميگرديد (29) گروهي هدايت شدند و ضلالت هم بر گروهي فرود آمد . البته آنها کساني هستند که شيطان ها را بجاي خداوند اولياء خويش گرفته اند و تصور هم مي کنند که هدايت شده هستند} (30)  **اي فرزندان آدم ! زينت خويش را نزد هر مسجدي برگيريد. و بخوريد و بياشاميد و اسراف نکيند که او اهل اسراف را دوست نميدارد (31)** {بگو چه کسي زينت خداوندي و روزي هاي پاکيزه را که براي بندگانش بيرون آورده ، تحريم کرده؟ بگو اين مواهب در روز قيامت فقط براي کساني است که در اين زندگي ايمان آورده اند . اين چنين آيات را براي صاحبان علم بيان مي کنيم (32) بگو جز اين نيست که پروردگارم کارهاي زشت را ، چه پنهان باشد و چه آشکار ، و گناه ، و تجاوز ناحق ، و اينكه براي خداوند چيزي را كه دليلي براي آن نازل نكرده شريك بگيريد ، حرام کرده و نيز اينکه درباره خداوند چيزي بگوئيد که علم نداريد (33) هر امتي سرآمدي دارند که اگر سرآمدشان بيايد ، نه ساعتي تاخير مي کند و نه جلو مي افتد} (34)

**اي فرزندان آدم ! هر گاه فرستادگاني از جنس خودتان بسويتان آمد که آيات مرا برايتان ميگويند ، هر کس که تقوي گزيد و اصلاح کرد نه ترسي داشته باشد و نه اندوهگين باشند (35)**  و آنانکه آياتمان را تکذيب کنند و نسبت به آن گردنفرازي نمايند ، اهل آتشند که در آن جاودان خواهند بود (36)

**پس چه کسي ستمکارتر است از کسي که افتراي دروغ به خداوند ببندد يا آياتش را تکذيب کند؟** {نصيب آنها از (آنچه) در آن کتاب (مقرر شده) به آنان ميرسد} **تا اينکه فرستادگان ما بسويشان مي آيند ، ميگويند بجز بسوي خداوند به کجا دعا ميکرديد؟ ميگويند گمشان کرده ايم و عليه خويش شهادت ميدهند که کافر بوده اند (37) ميگويد در گروه هائي از جن و انس که قبل از شما بوده اند داخل آن آتش شويد . هر گاه که گروهي داخل ميشوند ديگري را لعنت مي کنند تا اينکه همگيشان جمع ميشوند . متاخران نسبت به متقدمان ميگويند خداوندا اينها گمراهمان کردند ، پس ، از آن آتش عذابي دو چندان به آنان ده . گويد براي همگي دو چندان است وليکن شما نميدانيد (38) متقدمان ميگويند شماها هيچ برتريي بر ما نداريد ، پس عذاب را بچشيد براي آنچه که خودتان کسب کرده ايد (39)**  کساني که آياتمان را تکذيب کرده و نسبت به آن سرافرازي کرده اند درهاي آسمان برايشان باز نميشود و وارد بهشت نميشوند تا اينکه شتر از سوراخ سوزن رد شود و مجرمان را چنين سزا ميدهيم (40) از جهنم بستري خواهند داشت و در بالايشان هم (از همان) پوششي . و سزاي ظالمان را چنين ميدهيم (41) **اما در مورد مومنان صالح عمل ، به هيچکس جز به اندازه توانش تکليف نمي کنيم آنها ياران بهشتند که در آن جاودان خواهند بود (42)** {و هر کينه اي که در دلهاشان هست ميزدائيم . از کف (بهشت هاي) آنها نهرها جاريست و ميگويند سپاس خداي را که مارا به اين هدايت کرد و ما اينطور نبوديم که اگر خداوند هدايتمان نکرده بود خودمان به اين (موقعيت) هدايت شويم . البته فرستادگان پروردگارمان به حق آمدند و به آنان ندا ميشود که شما اين بهشت را بسبب عملي که ميکرديد مالك شديد (43)

**اهل بهشت اهل جهنم را صدا ميزنند** (که) **ما آنچه را که پروردگارمان وعده مان ميداد حق يافتيم آيا شما هم وعده پروردگارتان را حق يافتيد؟ ميگويند بله و بين آنها جارزني جار ميزند که لعنت خدا بر ظالمان خواهد بود (44)** {همانها که از راه خدا جلوگيري ميکردند و آنرا کج ميخواستند و به آخرت هم کافر بودند}(45)  **و بين آنان حجابي خواهد بود . و مرداني در بلندي ها خواهند بود که همگي آنها را از سيمايشان مي شناسند و به اهل بهشت ميگويند سلام بر شما.** (آنها هنوز) **داخل آن نشده و طمع آن را دارند (46) و وقتيکه چشمشان ميگردد و به اهل آتش مي افتد ميگويند پروردگارا ما را با قوم ظالمان قرار نده (47) و اهل بلندي ها به کساني که آنها را از سيمايشان مي شناسند ميگويند جمعيت شما و سركشي تان بدردتان نخورد (48) آيا اينها همان کساني نيستند که قسم ميخورديد مشمول رحمت خداوند نخواهند شد؟** (و بسوي آنها روي گردانده و ميگويند) **داخل آن بهشت شويد که نه ترسي خواهيد داشت و نه اندوهگين خواهيد بود (49) اهل جهنم اهل بهشت را صدا ميزنند که برايمان مقداري آب يا از آنچه خداوند روزيتان کرده بريزيد ، ميگويند خداوند هردوي آنها را بر کافران حرام نموده است (50)**  {همانهائي که دينشان را به بازي و هوس گرفتند و زندگي دنيا مغرورشان کرد ، پس امروز هم فراموششان مي کنيم چنانکه آنها نيز امروزشان را فراموش کرده بودند و آياتمان را انکار ميکردند (51) و البته کتابي که براساس علم، مشروح و مفصلش کرده بوديم، برايشان فرستاديم که براي مومنان هدايت و رحمتي بود (و آنها انکارش کردند) (52) آيا منتظر معني حقيقي آن هستند؟روزي که معني حقيقي آن بيايد کساني که قبلا فراموشش کرده بودند خواهند گفت فرستادگان پروردگارمان به حق آمده بودند، آيا شفيعاني خواهيم داشت که شفاعتمان کنند؟ يا اينکه برگرديم تا اعمالي کنيم غير از آنچه ميکرديم؟جانهايشان را به ضرر انداختند و آنچه که افترا مي بستند نيز از نزدشان محو گرديد (53)

**البته پروردگارتان خداوند است که آسمانها و زمين را در شش مرحله آفريد. و آنگاه به عرش مستولي شد . شب را با روز مي پوشاند که شتابان در طلب آن است . و خورشيد و ماه و ستارگان به امر او رام هستند . آفرينش و تدبير از آن اوست . پر برکت است پروردگار جهانيان (54)** پروردگارتان را به حالت تضرع و بطور پنهاني بخوانيد که او تجاوزگران را دوست ندارد (55) و در زمين پس از اصلاحش خرابکاري نکنيد و او را با بيم و اميد بخوانيدکه البته رحمت خداوند به نيکوکاران نزديک است (56) **و هموست که بادها را پيشاپيش رحمتش ميفرستد تا اينکه ابري سنگين بردارد و آنرا بسوي سرزميني مرده مي راند و با آن باراني فرو مي فرستد و از آن از هر گونه ميوه اي بيرون مي آورد . مردگان را نيز چنين بيرون مي آوريم . شايد پند گيريد (57)** سرزمين مناسب ، روئيدني هايش را به فرمان پروردگارش بيرون مي آورد و از آن (سرزمين) که نامناسب باشد چيزي جز اندکي ناچيز بيرون نمي آيد . آيات را براي مردم شکرگزار چنين گونه گون مي آوريم (58)

**همانا نوح را بسوي قومش فرستاديم و گفت اي مردم خداوند را عبادت کنيد که خدائي جز او نداريد که من بر شما از عذاب روزي بزرگ ميترسم (59) عده اي از بزرگان قومش گفتند البته تو را در گمراهيي آشکار مي بينيم (60) گفت اي قوم گمراهيي ندارم وليكن فرستاده اي از سوي پروردگار جهانيانم (61) رسالت هاي پروردگارم را به شما ميرسانم و براي شما خير خواهي ميکنم و درباره خداوند چيزهائي ميدانم که شما نميدانيد (62) آيا تعجب کرده ايد که پندي از جانب پروردگارتان بر مردي از خودتان آمده تا شما را هشدار دهد،تا تقوا پيشه کنيد و شايد مورد رحمت واقع شويد؟(63) پس تکذيبش کردند ، ماهم او و نيز همراهانش در آن کشتي را نجاتشان داديم و مکذباني را که آياتمان را تکذيب کرده بودند غرق نموديم که آنها مردمي نابينا بودند (64) و بسوي** (قوم) **عاد برادرشان هود را فرستاديم ، گفت اي قوم خداوند را عبادت کنيد که خدائي جز او نداريد ، آيا تقوا پيشه نمي کنيد؟(65) عده اي از بزرگان کافران قوم او گفتند ما تو را در سبکسري مي بينيم و البته تو را از دروغگويان ميشماريم (66) گفت اي مردم سبکسريي در من نيست وليکن فرستاده اي از جانب پروردگار جهانيانم (67) که رسالت هاي پروردگارم را به شما ميرسانم و برايتان خير خواهي امينم (68) آيا تعجب مي کنيد که پندي از جانب پروردگارتان بر مردي از ميان خودتان آمده تا هشدارتان دهد؟ و بياد آريد که** (خداوند) **شما را پس از قوم نوح جانشيناني قرار داد و در آفرينشتان فزونيي به شما داد . پس نعمتهاي خدا را شکر کنيد شايد رستگار شويد (69) گفتند آيا بسوي ما آمده اي که خداوند يکتا را عبادت کنيم و آنچه را که پدرانمان مي پرستيدند رها کنيم؟ پس آنچه را که بما وعده ميدهي بياور اگر راست ميگوئي (70) گفت بطور حتم از جانب پروردگارتان بر شما پليدي و غضبي فرود آمده است . آيا با من درباره نامهائي که خودتان و پدرانتان نامگذاري نموده ايد و خداوند هيچ دليلي راجع به آنها نازل ننموده جدال مي کنيد؟ پس منتظر باشيد که من نيز از منتظرانم (71) او و همراهانش را به رحمت خويش نجات داديم و دنباله کساني که آياتمان را تکذيب نموده و مومن نبودند قطع نموديم (72) و بسوي ثمود برادرشان صالح را فرستاديم که گفت اي مردم خداوند را عبادت کنيد که غير از او خدائي نداريد . از پروردگارتان دليل روشني بسويتان آمده است . اين شتر خداست که برايتان نشانه ايست . پس بگذاريد در زمين خدا بچرد و بديي به او نرسانيد که عذابي دردناک شما را در خواهد گرفت (73) و بياد آوريد که خداوند پس از قوم عاد شما را جانشيناني قرار داد و در زمين جايتان داد که از تپه هاي آن قصرهائي برميگرفتيد و کوه ها را براي خانه سازي مي تراشيديد . پس نعمت هاي خدا را بياد آريد و در زمين فساد نيانگيزيد (74) بزرگاني از قومش که گردنفرازي ميکردند به بعضي از مومنان که ضعيف نگهداشته شده بودند گفتند آيا شما حتم داريد که صالح از جانب پروردگارش پيغمبر است؟ گفتند ما به آنچه که محتواي رسالت اوست ايمان داريم (75) گردنفرازان گفتند ما به آنچه که شما به آن ايمان آورده ايد کافريم (76) پس آن شتر را پي کردند و از فرمان پروردگارشان سرپيچيدند و گفتند اي صالح آنچه که وعده اش را ميدهي بياور اگر از پيامبراني (77) پس آن لرزه آنها را بگرفت و در خانه ها شان بي جان شدند (78) پس از آنها روي گرداند و گفت اي مردم رسالت پروردگارم را رساندم و برايتان خير خواهي کردم وليکن شما دوستدارخيرخواهان نبوديد (79) و لوط آن هنگام که به قومش گفت آيا به کار زشتي که قبلا هيچکس مرتکب نشده مي پردازيد؟(80) براي شهوت بجاي زنان به مردان رو مي کنيد؟ بلکه مردمي اسرافکاريد (81) جواب قوم او جز اين نبود که آنها را از شهرتان بيرون کنيد زيرا که آنها در پي پاکيزگي ميباشند (82) پس او و اهلش را نجات داديم . غير از زنش را که از بازماندگان بود (83) و باراني بر آنها بارانديم . بنگر عاقبت مجرمان چه بود (84) و بسوي مدين نيز برادرشان شعيب را فرستاديم . گفت اي مردم خداوند را عبادت کنيد که خدائي جز او نداريد . البته نشانه روشني بسويتان آمده . پس پيمانه و ترازو را تمام دهيد و كالاي مردم را کم ندهيد و در زمين پس از اصلاحش فساد نکنيد . اين برايتان بهتر است اگر ايمان داريد (85) و بر سر هر راهي ننشينيد که مردم را بترسانيد تا کسي را که به خدا ايمان آورده از راه خدا باز داريد و آن را کج بخواهيد . و بيادآريد که کم بوديد و خدا زيادتان کرد و ببينيد عاقبت مفسدان چگونه بود (86) و اگر عده اي از شما به آنچه که به آن فرستاده شده ام ايمان آوردند و عده اي هم ايمان نياوردند صبر کنيد تا خداوند بين ما حکم کند که همو بهترين داور است (87) بزرگاني از گردنفرازان قوم او گفتند اي شعيب هم تو را و هم کساني را که به تو ايمان آورده اند از شهرمان بيرون مي کنيم ، مگر اينکه دوباره به دين ما برگرديد . گفت حتي اگر دلمان نخواهد؟(88) در آنصورت پس از اينکه خداوند ما را از دين شما نجات داد اگر داخل آن شويم به خداوند افتراي دروغ بسته ايم و سزاوارمان نيست که داخل آن شويم مگر اينکه خداوند پروردگارمان بخواهد . علم پروردگارمان همه چيز را فرا گرفته . به خدا توکل مي کنيم. پروردگارا بين ما و بين قوم ما به حق** (مشکل را) **بگشا که تو بهترين گشاينده اي (89) و بزرگاني از گردنفرازان کافر قومش گفتند اگر شعيب را پيروي کنيد حتما از زيانکاران خواهيد بود (90) پس آن لرزه آنها را بگرفت.و در خانه هاشان به حالت بيجان به زانو درآمدند (91) آنان که شعيب را تکذيب کردند گوئي هرگز در آنجا نبودند . آنان که شعيب را تکذيب کردند خودشان زيانكار شدند (92) پس ، از آنان روي گرداند و گفت اي مردم رسالت هاي پروردگارم را به شما رساندم و برايتان خيرخواهي کردم . اينك چگونه براحوال مردمي کفر پيشه اندوهگين باشم؟(93)**

**و در هيچ شهري هيچ پيغمبري نفرستاديم مگر اينکه اهالي آنجا را** (پس از گوش ندادنبه پيامبرشان) **به سختي و ناراحتي دچار نموديم تا** (توبه و) **تضرع کنند (94)** (در صورتيکهتوبه نميکردند) **آنگاه بجاي ناراحتي ها خوشي ها را مي آورديم تا اينکه** (از آن ناراحتي ها) **صرفنظر ميکردند و ميگفتند به پدرانمان چه سختي و ناراحتيي رسيده بود . پس ناگهان آنها را برميگرفتيم در حاليکه متوجه نبودند (95)** و البته اگر اهالي شهرها ايمان مي آوردند و تقوا پيشه ميکردند حتما درهاي نعمت هاي بسيار زيادي را از آسمان و زمين برويشان ميگشوديم وليکن تکذيب کردند و آنها را بسبب آنچه که انجام ميدادند برگرفتيم (96) آيا اهالي آن شهرها ايمن اند كه سختي ما در هنگام خواب شبانه بر آنها در آيد؟(97) آيا اهالي آن شهرها ايمن اند كه سختي ما در هنگام ظهر که مشغول تفريح و بازيند بر آنها در آيد؟(98) آيا از مکر خدا ايمن اند؟ البته کسي (خود را) از مکر خدا ايمن نخواهد دانست مگر مردمي خسارت پيشه (99) آيا آنانکه پس از آنها وارث آن سرزمين ها شدند به اين نکته راه نيافتند که اگر بخواهيم به سبب گناهانشان آنها را فرو ميگيريم و بر دلهاشان مهر ميزنيم و نخواهند شنيد؟(100) **اين سرگذشت شهرهائيست که از اخبار آنها برايت گفته ايم و البته پيامبرانشان با دلايل روشن بسويشان آمدند ، اما آنها اينطور نبودند که به چيزي که قبلا تکذيبش کرده بودند ايمان بياورند و خداوند بر دلهاي کافران چنين مهرميزند (101) و ما براي اکثر آنها هيچ پايبنديي به پيمان نديديم و اکثرشان را هم از فاسقان يافتيم (102)**

**آنگاه پس از آنها موسي را با آياتمان بسوي فرعون و بزرگانش برانگيختيم ، و آنها به آن** (آيات) **ظلم کردند . پس بنگر عاقبت مفسدان چه شد (103) و موسي گفت اي فرعون من فرستاده اي از جانب پروردگار جهانيان هستم (104) بر من فرض است که راجع به خداوند جز حق نگويم و البته با دليل روشني از جانب پروردگارتان بسويتان آمده ام پس بني اسرائيل را با من بفرست (105) گفت اگر نشانه اي داري بياور اگر راست ميگوئي (106) و او عصايش را انداخت پس فورا به اژدهائي آشکار تبديل شد (107) و دستش را بيرون آورد ، پس فورا براي ناظران سفيد گرديد (108) بزرگاني ازقوم فرعون گفتند او يک جادوگردانشمند است (109) ميخواهد شما را با جادويش از سرزمينتان بيرون کند پس چه ميفرمائيد؟(110) گفتند او و برادرش را بازداشت کن و ماموران جمع آوري را به شهرها بفرست (111) که همه جادوگران متخصص را برايت بياورند (112) و جادوگران بسوي فرعون آمدند ، گفتند البته برايمان پاداشي خواهد بود اگر غالب شديم؟(113) گفت بله و البته شما از نزديک شدگان خواهيد بود (114) گفتند اي موسي مي اندازي يا ما اول بياندازيم؟(115) گفت بياندازيد . پس هنگامي که انداختند چشمان مردم را سحر کردند و آنها را ترساندند و جادوي عظيمي براه انداختند (116) و بموسي وحي کرديم که عصايت را بيانداز که فورا آنچه را که آنها ساخته بودند بلعيد (117) پس حق جا افتاد و آنچه انجام ميدادند باطل گشت (118) و در آنجا مغلوب شدند و خوار و خفيف گرديدند (119) و جادوگران به سجده افتادند (120) گفتند به پروردگار جهانيان ايمان آورديم (121) پروردگار موسي و هارون (121) فرعون گفت به او ايمان آورديد قبل از اينکه اجازه تان دهم؟ اين حتما توطئه تان در اين شهر است که اهالي آنرا از آن بيرون کنيد ، پس بزودي خواهيد فهميد (123) دستها و پاهايتان را برعکس يکديگر قطع خواهم کرد آنگاه همگي تان را بدار خواهم کشيد (124) گفتند بسوي پروردگارمان رو خواهيم نمود (125) و تو نيز فقط به اين خاطر از ما انتقام ميکشي که به آيات پروردگارمان ، وقتي که بسويمان آمده ، ايمان آورده ايم . پروردگارا به ما پايداري عنايت فرما و ما را مسلم دريافت کن (126) و بزرگاني از قوم فرعون گفتند آيا ميگذاري موسي و قومش در زمين فساد کنند و تو و خدايانت را وانهند؟ گفت بزودي پسرانشان را مي کشم و زنانشان را زنده ميگذارم و البته ما بر آنها چيره ايم (127) موسي به قومش گفت از خداوند ياري بخواهيد و صبر کنيد . زمين مال خداست. به هر کس از بندگانش که خواهد ميدهد و عاقبت از آن اهل تقواست (128) گفتند قبل از اينکه بيائي اذيت ميشديم و پس از آن نيز اذيت ميشويم ، گفت چه بسا که پروردگارتان دشمنتان را نابود ، و شما را در آن سرزمين جايگزين نموده و نظاره کند که چگونه رفتار مي کنيد (129) و البته فرعونيان را به خشکسالي و کمبود ميوه جات بگرفتيم شايد پند گيرند (130) پس هنگامي که چيز خوشايندي بسويشان مي آمد ميگفتند اين مربوط به ماست و اگر چيز ناخوشايندي به آنان ميرسيد به موسي و همراهان او فال بد ميزدند . هلا ! جز اين نيست که فال بدشان نزد خداوند بود وليکن اکثرشان نميدانند (131) و گفتند هر قدر هم که معجزه برايمان بياوري که با آن سحرمان کني به تو ايمان نخواهيم آورد (132) پس بسويشان طوفان و ملخ و شپشک و قورباغه و خون را بعنوان نشانه هائي جدا جدا فرستاديم اما باز هم گردنفرازي کردند و قومي گناهکار شدند (133) و هنگامي که آن عذاب برآنها فرود آمد گفتند پروردگارت را به آن عهدي که نزد توست بخوان که اگر اين عذاب را از ما کنار بزند حتما به تو ايمان مي آوريم و بني اسرائيل را همراهت مي فرستيم (134) پس هنگامي که آن عذاب را تاسرآمدي که به آن رسيدند برطرف کرديم فورا عهد شکني کردند (135) از آنها انتقام گرفتيم و در آن دريا غرقشان کرديم زيرا که آياتمان را تکذيب کردند و از آنها غافل گرديدند (136) و به آن قومي که ضعيف نگهداشته شده بودند مشرق و مغرب هاي آن زمين را که در آن برکت نهاده بوديم به ارث داديم و کلمه نيکوي پروردگارت نسبت به بني اسرائيل بسبب صبري که کردند کامل شد و آنچه را كه فرعون و قومش ميساختند زير و رو كرديم (137)**

**و بني اسرائيل را از آن دريا گذرانديم . پس به قومي رسيدند که به پرستش بتهايشان مشغول بودند ، گفتند اي موسي براي ما نيز خدائي قرار بده . گفت شما قومي نادانيد (138) آنچه اينها مشغول آنند نابود شدني است و آنچه انجام ميدهند باطل است (139) آيا براي شما غير از خداوند خدائي بخواهم در حاليکه همو بود که شما را برجهانيان برتري داد؟(140) و آن هنگام که از فرعونيان نجاتتان داد که عذابي تلخ بر شما روا ميداشتند که پسرانتان را مي کشتند و زنانتان را زنده ميگذاشتند و در اين آزمايشي بزرگ از جانب پروردگارتان بود (141) و با موسي قرار سي شب گذاشتيم و ده شب نيز به آن افزوديم و قرار او با پروردگارش به چهل شب کامل شد و موسي به برادرش هارون گفت در قوم من جانشينم باش و اصلاح کن و راه مفسدان را پيروي مکن (142) و هنگاميکه موسي به وعده گاه آمد و و پروردگارش با او سخن گفت ، گفت پروردگارا بمن بنما تا بسويت نظر کنم گفت هرگز مرا نخواهي ديد وليکن به آن کوه نگاه کن ، پس اگر برجاي خويش ايستاد بزودي مرا خواهي ديد . و چون پروردگارش به آن کوه تجلي کرد آنرا خورد کرد و موسي به بيهوشي افتاد ، پس چون برخاست گفت تو منزهي ، بسويت توبه کردم و من اولين مومن خواهم بود (143) گفت اي موسي ! تو را به رسالتم و با کلامم بر مردم برگزيدم . پس آنچه را به تو دادم بگير و از سپاس گزاران باش (144) و درباره همه چيز ، در هر زمينه ، پندي ، و براي هر چيز تفصيلي در آن الواح برايش نوشتيم و** (گفتيم) **آنرا با قوت بگير و قومت را فرمان ده که از بهترين هاي آن برگيرند. بزودي منزلگاه گناهکاران را به شما نشان خواهم داد (145) بزودي كساني را که در زمين گردنفرازي ناحق مي کنند از آياتم منصرف مي کنم و هر نشانه اي را هم که ببينند به آن ايمان نمي آورند و اگر راه رشد را ببينند آن را انتخاب نمي کنند و اگر راه گمراهي را ببينند آنرا انتخاب مي کنند . اين به آن علت است که آياتمان را تکذيب کردند و از آن غفلت نمودند (146) و کساني که آياتمان و رسيدن به آخرت را تکذيب کنند اعمالشان نابود ميشود . آيا اين جز سزاي عملشان است که انجام ميدهند؟(147) و قوم موسي در غياب او از زيورهايشان گوساله اي برگرفتند که بدني بود که صدائي داشت . آيا نديدند نه با آنان گفتگو مي کند و نه به راهي هدايتشان ميکند؟ آنرا برگرفتند و ظالم شدند (148) و وقتيکه روي دستشان ماند و ديدند گمراه شده اند گفتند اگر پروردگارمان به ما رحم نکند و ما را نبخشد حتما از زيانکاران خواهيم بود (149) و هنگاميکه موسي بسوي قومش برگشت غضبناک و متاسف بود . گفت درغيابم چه بدجانشيني اي برايم کرديد . آيا راجع به امر پروردگارتان عجله کرديد؟ و آن الواح را انداخت و سربرادرش را گرفت و بسوي خويش مي کشيد . گفت اي پسر مادرم اين مردم مرا ضعيف نمودند و نزديک بود بکشندم پس دشمنان را به سرزنش من وادار مکن و مرا جزء قوم ظالمان بحساب نياور (150) گفت پروردگارا مرا و برادرم را ببخش و ما را در رحمت خويش داخل کن و تو مهربان ترين هستي (151) بزودي كساني که آن گوساله را** (به پرستش) **بگرفتند غضبي از پروردگارشان و خواريي در زندگي خواهند داشت و افترا زنندگان را چنين سزا ميدهيم (152) و کساني که اعمال زشت نمودند ، و پس از آن توبه کردند و ايمان آوردند ، البته پروردگارت پس از آن آمرزنده مهربان خواهد بود (153) و هنگاميکه خشم موسي آرام شد آن الواح را برگرفت و در نسخه هاي آن براي كساني كه از پروردگار بيم دارند هدايت و رحمتي بود (154) موسي از ميان قوم خويش هفتاد نفر را جهت وعده گاه ما انتخاب کرد . پس هنگاميكه آن لرزه آنها را بگرفت گفت پروردگارا اگرميخواستي** (ميتوانستي) **آنها و مرا قبلا هلاک کني. آيا ما را بسبب رفتار سفيهاني هلاک ميکني؟** (نه ، بلکه) **اين آزمايش توست. هرکس راخواهي با آن گمراه ميکني ، و هر کس را خواهي هدايت ميکني . تو سرپرست مائي . پس ما را بيامرز و با ما مهربان باش و تو بهترين آمرزشگراني (155) و در اين جهان برايمان نيكي مقرر کن و همچنين در آخرت ، که ما بسوي تو هدايت يافته ايم . گفت عذابم به هر کس که خواهم ميرسد اما رحمتم همه چيز را فرا گرفته است . و بزودي آنرا براي کساني مقرر ميدارم که تقوا پيشه کنند و زکوة دهند و به آياتمان ايمان داشته باشند (156) همانها که از پيغمبرِ فرستادهء درس نخوانده ، که وصفش را در توراتي که نزدشان هست ، و انجيل ، مي يابند ، پيروي مي کنند . همانکه آنها را به چيزهاي شناخته شده پسنديده فرمان ميدهد و از چيزهاي ناپسند باز ميدارد و چيزهاي خوشايند رابرايشان حلال و چيزهاي ناخوشايند را برآنها حرام مينمايد و نيز آنها را از تکاليف سنگين و قيودي که برآنها تحميل شده معاف ميکند . پس کساني که به او ايمان آورده و گراميش داشته و ياريش نموده و نوري را که با او فرستاده شده است پيروي كنند ، البته رستگار خواهند بود (157) بگو اي مردم ! من فرستاده خداوند بسوي همگي شما هستم . همان خداوندي که فرماندهي آسمانها و زمين از اوست . خدائي جز او نيست . زنده ميکند و ميميراند . پس به خداوند و فرستاده اش که پيغمبري درس نياموخته است که به خداوند و کلماتش ايمان دارد ، ايمان بياوريد شايد هدايت شويد (158) و از قوم موسي عده اي بودند که به حق هدايت شده و بسوي آن متمايل ميشدند (159) و آنها را بصورت دوازده گروه تقسيم کرديم و به موسي وحي کرديم که هر وقت خواست به قومش آب برساند با عصايش به آن سنگ بزند . پس دوازده چشمه از آن ميشکافت. بطوريکه هر کسي آبشخور خويش را مي شناخت و ابر را سايه بانشان کرديم و منّ و سلوي را برآنها نازل نموديم ،** [و خطاب کردیم] **از چيزهاي خوشايندي که روزي تان کرده ايم بخوريد ، و بما ظلم نکردند بلکه به خودشان ظلم ميکردند (160) آن هنگام که به آنان گفته شد در اين شهر سکونت گزينيد و از هر جاي آن خواستيد بخوريد و** (دردعاهايتان) **بگوئيد** (گناهان ما را) **فرو ريز و از آن درب به سجده داخل شويد که خطاهايتان را ببخشيم و بزودي نيکوکاران را فزوني مي بخشيم (161) اما ظالمانشان آن قول را به قولي ديگر تبديل کردند آنگاه عذابي از آسمان براي ظلمي كه ميكردند برآنها فرو فرستاديم (162)**

**و از آنها درباره آن شهر کنار دريا سئوال کن که چگونه به** (حرمت حکم) **روز شنبه تجاوز کردند،همان که ماهي ها هنگام** (گرفتن مراسم) **شنبه ، دسته دسته بسويشان مي آمدند و روز هاي غير از شنبه نمي آمدند . آنها را بسبب نافرمانيشان چنين آزموديم (163) و هنگامي که عده اي از آنها ميگفتند چرا قومي را که خداوند هلاک خواهد کرد يا به عذاب شديدي برخواهد گرفت موعظه مي كنيد؟ ميگفتند بخاطر معذرتي از پروردگارتان و اينکه شايد تقوا پيشه کنند (164) پس هنگامي که آنچه را به پند ميگرفتند به فراموشي سپردند آنهائي را که از بدي نهي ميکردند نجات داديم و ظالمان را براي نافرمانيشان به عذابي بسيار زشت بگرفتيم (165) پس وقتي که از آن نهيي که شده بودند سرپيچيدند مقرر نموديم بوزينگاني مطرود شوند (166) و آن هنگام را یاد آر که پروردگارت اعلام کرد که تا روز قيامت کساني را بر آنها مسلط خواهد کرد که عذاب زشت بر آنها روا دارد . زيرا که پروردگارت زود كيفر است و همو بسيار آمرزنده مهربان است (167)**

**و آنها را در زمين بصورت گروه هائي تقسيم کرديم. عده اي صالح و عده اي غير از آنند و آنها را به چيزهاي خوب و چيز هاي بد آزموديم شايد بازگردند (168)**  {و پس از آنها کساني را جانشين نموديم که آن کتاب را به ارث بردند و متاع ناچيز اين جهاني را ميگرفتند و ميگفتند بزودي آمرزيده ميشويم و اگر باز هم متاع ناچيزي مانند آن به آنان دست ميداد آنرا هم ميگرفتند. آيا از آنها پيمان محکم گرفته نشده بود که درباره خداوند جز به حق نگويند؟ در حاليکه مطالب آن کتاب را هم فرا گرفته بودند. وسراي آخرت براي آنانکه تقوا پيشه مي کنند بهتر است آيا نمي انديشند؟(169) و کساني که به آن کتاب چنگ ميزنند و نماز بپاميدارند، البته ما پاداش اصلاحگران را ضايع نمي گذاريم }(170) **و آن هنگام که آن کوه را مانند سايباني برآنها قرار داديم و گمان ميکردند که برسرشان فرود خواهد آمد. [ندا دادیم ] آنچه را به شما داديم با قوت بگيريد و آنچه را در آن است ياد کنيد شايد تقوا پيشه شويد (171)**

**و آن هنگام که خداوند از فرزندان آدم از پشت هايشان فرزندانشان را برگرفت و از آنها شهادت خواست که آيا من پروردگارتان نيستم؟ گفتند بلي. شهادت ميدهيم که چنين است. تا اينکه روز قيامت نگوئيد ما ازاين غافل بوده ايم (172)** {يا نگوئيد پدرانمان قبلا شرک ورزيده بودند و ما فرزندان آنهائيم. آيا ما را بخاطر عمل آن باطل انديشان هلاک ميکني؟ (173) و آيات را چنين تشريح ميكنيم شايد بازگردند }(174)

**خبر آنکسي را برآنان بخوان كه** (علم) **آياتمان را به او داده ايم. پس خود را از آن جدا کرد و شيطان او را به پيروي خويش در آورد و از گمراهان شد (175) و اگر ميخواستيم با همان او را بالا ميبرديم وليکن او خودش رو به سوي زمين کرد و از هواي نفس پيروي نمود ، و مثال او مانند سگ است كه اگر بسويش حمله کني پارس میکند و اگر هم به او پشت کني باز هم پارس ميکند . مثال کساني که آياتمان را تکذيب مي کنند نيز همين است.پس آن قصه ها را برايشان بگو شايد تفکر کنند (176)** {چه بد است مثال مردمي که آياتمان را تکذيب مي کنند و به خويش ظلم روا ميدارند (177) کسي را که خداوند هدايتش کند همو هدايت شده است و کسي را که او گمراه کند همو از زيانکاران است (178) و البته بسياري از جن و انس را براي جهنم آفريديم . آنها کساني هستند که دلهائي دارند اما با آن فهم نمي کنند و چشم هائي دارند اما با آنها نمي بينند و گوشهائي دارند اما با آن نمي شنوند . مانند چارپايانند بلکه از آن هم بدترند و آنها همان غافلانند}(179)

**و خداوند داراي نامهائي نيکوست . او را به آنها بخوانيد و آنهائي را که از نامهاي او منحرف شده اند واگذاريد . آنها بزودي سزاي آنچه را که ميکرده اند خواهند ديد (180) و از بين کساني که آفريده ايم ، گروهي هستند که به** (راه) **حق هدايت مي کنند و به همان هم تمايل دارند (181) و کساني هم که آياتمان را تکذيب مي کنند بزودي آنها را پس از اينکه تدريجا به نعمتها متنعم مي کنيم ، ناگهان ميگيريم (182) و مهلتشان ميدهم که تدبیرم محکم است (183) آيا به اين نمي انديشند که مصاحبشان هيچگونه جنوني ندارد و او جز هشدار دهنده اي آشکار نيست؟(184) آيا در ملکوت آسمانها و زمين نمي نگرند و نيز آنچه که خداوند آفريده و نيز اينکه چه بسا سرآمدشان نزديک شده باشد؟ پس غير از اينها به چه چيزي باور خواهند داشت؟(185) کسي را که خداوند گمراه کند هيچ هدايت کننده اي نخواهد داشت و آنها را در سرکشي شان در حاليکه کور دل ميباشند رها مي کند (186)**

**از تو درباره قيامت ميپرسند كه كي فرا ميرسد. بگو جز اين نيست که علم آن نزد پروردگار من است . وقتش که برسد هيچکس غير از او آشکارش نمي کند .** (بار وقوعقيامت) **در آسمانها و زمين سنگين است . جز بطور ناگهاني بسراغتان نمي آيد . چنان از تو مي پرسند که گوئي تواز آن آگاهي . بگو جز اين نيست که علم آن نزد خداوند است وليکن اکثر مردم نميدانند (187) بگو من براي خود مالک نفع و ضرري نيستم مگر آنچه خداوند خواسته باشد و اگر علم غيب ميداشتم ازخواستني ها زياد برميگرفتم و بديي بمن نميرسيد . من جز هشدار دهنده و مژده دهنده اي براي مومنان نيستم (188)**

**هموست که شما را از يک جان آفريده و جفت او را نيز از همان قرار داد تا بدو آرامش يابد . پس چون با او در آميخت و او بار سبکي برداشت و مدتي گذشت ، چون سنگين شد، خداوند را که پروردگارشان باشد دعا مي کنند که اگر** (فرزند) **سالمي بما دهي حتما از شاکران خواهيم شد (189) اما وقتي که** (فرزند) **سالمي به آنها داد در مورد آنچه به آنان داده برايش شريکاني قرار ميدهند . اما خداوند از آنچه با او شريک قرار ميدهند بالاتر است (190) آيا شريکاني قرار ميدهند که چيزي نمي آفرينند و خودشان مخلوقند؟(191) و نميتوانند به آنان و نه حتي به خودشان کمکي کنند؟(192) و اگر آنها را بسوي هدايت بخواني پيرويتان نمي کنند ، برايشان فرقي نمي کند چه آنان را بخوانيد چه ساکت باشيد (193) آنهائي را که غير از خداوند به دعا مي خوانيد بندگاني هستند امثال خودتان . پس بخوانيدشان و بايد اجابتتان کنند اگر راست ميگوئيد (194) آيا پائي دارند که با آن راه روند؟ يا دستي که با آن به محکمي بگيرند؟ يا چشمهائي که با آن ببينند؟ يا گوشهائي دارند که با آن بشنوند؟ بگو آن شريکان را بخوانيد و آنگاه حيله اي برايم کنيد و هيچ مهلتي بمن ندهيد (195) البته سرپرست من خداوند است که آن کتاب را فرستاد و همو سرپرست صالحان است (196) و آنهائي که غير از او ميخوانيد نميتوانند کمکي به شما و نه حتي به خودشان کنند (197) و اگر آنها را براي هدايت بخوانيد نمي شنوند و مي بيني که بسويت مينگرند اما نمي­بينند (198)**

**عفو پيشه کن و به نيکي فرمان ده و از جاهلان روگردان باش (199) و اگر از جانب شيطان به وسوسه اي دچار شدي که به وسواس افتادي ، به خداوند پناه برکه شنواي داناست (200) تقوا داران وقتي که عبور کننده اي شيطاني برخوردي با آنها کند متوجه** (خدا) **ميشوند و فورا به بصيرت مي آيند (201) و برادران** (شيطان صفتِ) **آن ديگران ، آنها را در همان گمراهي شان كمك مي كنند وکوتاه نمي آيند (202) و چون آيه اي بسويشان نياوري ميگويند چرا فراهم نکرده اي؟ بگو جز اين نيست که من فقط وحيي را که از پروردگارم بسويم ميشود پيروي ميکنم . اين مايه بصيرت هائي از جانب پروردگارتان و هدايتي و مهربانيي براي مردمي است که ايمان پيشه اند (203) و هنگامي که قرآن خوانده ميشود به آن گوش دهيد و سکوت کنيد شايد مورد مهر واقع شويد (204) و پروردگارت را صبح ها و شب ها در دل خويش به حالت تضرع و نگراني ياد کن و صدايت را بلند مکن و از غافلان مباش (205) آنان که نزد پروردگارت هستند از عبادتش سرپيچي و گردنفرازي نمي کنند و او را به پاکي مي ستايند و برايش سجده مي کنند (206)**

**سوره کهف**

|  |
| --- |
| **درس: اي مردم! از نمونه هاي قابل تحسين گذشته الگو بگيريد و مسير زندگي خويش را تصحيح کنيد.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ستايش خاص خداوندي است که اين کتاب را بر بنده اش نازل کرد و در آن کجي اي قرار نداد (1)** {(کتابي)که استوار است تا از عذاب شديدي از جانب او هشدار، و مومناني را که عمل شايسته مي کنند مژده دهد که پاداشي نيکو خواهند داشت (2) که در آن جاودان خواهند بود (3) و كساني را که ميگويند خداوند فرزندي گرفته هشدار دهد} (4) {{علمي به آن ندارند. پدرانشان نيز همينطور. اين کلمه اي که از دهانشان بيرون مي آيد گنده است و چیزی جز دروغ نيست}} (5)

**شايد ميخواهي خودت را از شدت تأسف در پي آنها هلاک کني که چرا به اين سخن ايمان نمي آورند (6) ما آنچه را که بر روي زمين هست زينتي قرار داديم تا آزمايششان کنيم که کدامشان خوش عمل ترند (7)** {و البته آنچه را که بر زمين هست بصورت خاک خشک باير در مي آوريم }(8)

**آيا فکر ميکني اصحاب آن غار و آن نوشته از نشانه هاي عجيب ما هستند؟(9) آن هنگام که آن جوانان به آن غار پناه آوردند و گفتند پروردگارا ازجانب خويش رحمتي بما عطا کن و برايمان در کارمان هدايتي فراهم فرما (10) پس در آن غار چند سالي آنها را به خواب برديم (11) آنگاه آنها را برانگيختيم تا معلوم کنيم کدام يک از آن دو گروه مدتي را که** (در خواب) **درنگ کرده بودند بهتر ميشمارند (12) ما قصه آنها را به حق بر تو ميخوانيم . آنها جواناني بودند که به پروردگارشان ايمان آورده بودند و** (ما نيز) **هدايتشان را زياد کرديم (13) و دلهاشان را قوي نموديم ، هنگاميکه قيام کردند و گفتند پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمين است و ما هرگز غير از او را نخواهيم خواند زيرا که در آنصورت سخني بيجا گفته ايم (14) اينها قوم ما هستند که غير از او خداياني بر گرفته اند پس چرا در موردشان دليلي روشن ارائه نمي کنند؟ و چه کسي ظالمتر است از کسي که بر خداوند افتراي دروغ بندد؟(15)** [به آنان الهام شد] **و اينك كه از آنها و آنچه غير از خداوند مي پرستند دوري مي کنيد ، در آن غار پناه گيريد که پروردگارتان از رحمتش بر شما بگسترد و در کارتان برايتان گشايشي فراهم سازد (16)** {و آفتاب را مي ديدي که هنگام طلوع از غارشان بطرف راست متمايل ميشد و هنگام غروب بطرف چپ ميگرديد و آنان در فراخناي آن بودند. اين از نشانه هاي خداوند است . هر که را خداوند هدايتش کند همو هدايت شده است و کسي را که گمراه کند هرگز براي او سرپرست رشد دهنده اي نخواهي يافت} **(17) و آنها را بيدار مي پنداشتي در حاليکه خوابيده بودند و ما آنها را به راست و چپ ميگردانديم و سگشان دو دست خود را بر آستانه** (غار) **گشوده بود . اگر بر آنان درمي آمدي بحالت فرار روي ميگرداندي و از آنها پر از ترس ميشدي (18) و چنين بود که آنها را برانگيختيم تا از يکديگر پرسش کنند . يکي از آنها گفت چقدر** (در اينجا) **درنگ کرده ايد؟ گفتند يک روز يا قسمتي از آن . گفتند پروردگارتان مدت درنگ شما را بهتر ميداند . اينك يکي را با اين پول به شهر بفرستيد تا ببيند كدام خوراك بهتر است و روزيي از آن بياورد و بايد ملتفت باشد که کسي متوجه شما نشود (19) که اگر بر وضع شما مطلع شوند سنگسارتان مي کنند يا شما را به دين خويش برميگردانند و در آنصورت هرگز رستگار نخواهيد شد (20) و چنين بود که آنها را بر وضعشان مطلع کرديم تا بدانند وعده خدا حق است و اينکه درباره قيامت شکي نيست . آن هنگامي که بين خويش راجع به آنها مجادله ميکردند و گفتند بناي** (ياد بودي) **بر آنها بنا کنيد . پروردگارشان به حال آنها داناتر است. آنهائي که درباره کار آنها** (بر ديگران) **غالب شده بودند گفتند بر** (غار) **آنها مسجدي خواهيم ساخت (21)** {خواهند گفت سه تا بودند که چهارمي شان سگشان بود و بعضي ميگويند پنج تا بودند که ششمي شان سگشان بود . تيري در تاريکي مي اندازند و ميگويند هفت تا بودند و هشتمي شان سگشان بود . بگو پروردگارم به تعداد آنها داناتر است . جز عده كمي ، کسي (حقيقت را) نميداند . پس با آنها مجادله مکن مگر بگو مگوئي سرسري و درباره آنها از هيچ كدام از آنها نظر خواهي مکن (22) و هرگز مگو فردا آن کار را خواهم کرد (23) مگر آنکه بگوئي اگر خدا بخواهد ، و اگر فراموش کردي پروردگارت را ياد کن و بگو چه بسا پروردگارم به نزديکتر از اين راهنمائيم کند}(24) **درغارشان سيصد سال ماندند و** (منجمان در تبدیل سال های شمسی و قمری) **نُه سال بر آن افزودند (25) بگو خداوند بهتر ميداند چه مدت ماندند . غيب آسمانها و زمين از آن اوست . چه بينا و شنواست . غير از او سرپرستي ندارند و در فرمانروائيش كسي را شريک نمي کند (26)**

**و آنچه را بسويت از کتاب پروردگارت وحي شده پيروي کن که چيزي کلماتش را تغيير نميدهد و هرگز جز او پناهي نخواهي يافت (27) و خود را با آنان که پروردگارشان را صبح ها و شبها ميخوانند و رضايتش را ميجويند شکيبا کن و مبادا چشمانت از آنها بلغزد و زينت زندگي دنيا را بخواهي و اطاعت کسي را مکن که قلبش را از يادمان غافل کرديم و خواسته هايش را پيروي ميكند و کارش به تباهي گرايش يافته است (28) و بگو حق از جانب پروردگارتان است . هر کس خواهد ايمان بياورد و هر کس خواهد کفر پيشه کند . که البته ما براي ظالمان آتشي تهيه کرده ايم که سراپرده هاي آن آنها را فرا ميگيرد و هر وقت که اظهار تشنگي کنند چنين به فريادشان خواهند رسيد که آبي مانند مس گداخته به آنها ميدهند که صورتهايشان را بريان مي کند . چه نوشابه بد و چه آسايشگاه بدي است (29) البته كساني كه ايمان آورده و عمل شايسته كنند** (بدانند كه) **پاداش کسي را که کار نيکو کرد ضايع نخواهيم نمود (30) بهشتهائي جاودان خواهند داشت که در کف آن نهرها جاري است . در آن دستبندهائي از طلا به بر و لباسهائي سبز از حرير و ديبا به تن کنند و بر تخت ها تکيه زنند . چه پاداش خوبي و چه آسايشگاه نيکويي است (31)**

**برايشان مثل آن دو نفري را بزن که براي يکي شان دو باغستان انگور مهيا کرديم و دور تا دور هر دو را با نخل پوشانديم و بين آنها کشتزاري قرار داديم (32) هر دو اين باغها ميوه هايشان را ميدادند و هيچ نقصان نمي يافت و بين آندو نهري بشکافتيم (33) و بار و بري بهم رسانده بودند . آنگاه كه با رفيقش گفتگو ميکرد به او ميگفت من از تو ثروتمندتر و نيرومند ترم (34) و داخل باغش شد در حاليکه بر خويش ظالم بود و ميگفت گمان نکنم كه اين هرگز از بين برود (35) و گمان نکنم قيامت هم بپا شود و تازه اگر هم مرا بسوي پروردگارم برگردانند حتمأ جايگاهي از اينهم بهتر خواهم يافت (36) رفيقش که با او گفتگو ميکرد گفت آيا به کسي که ترا از خاک و سپس از نطفه اي آفريد و سپس ترا بصورت مردي ساخته و پرداخته درآورد کافر شدي؟(37) اما بنظر من ، او خداوند پروردگار من است و من هرگز با پروردگارم شريک قرار نميدهم (38) و چرا هنگاميکه داخل باغت شدي نگفتي «هر چه خدا بخواهد ، هيچ نيروئي جز نيروي خدا نيست»؟ اگر هم مي بيني که من از لحاظ مال و اولاد از تو کمترم (39) چه بسا پروردگارم بهتر از باغت را بمن بدهد و از آسمان صاعقه اي به آن** (باغت) **فرستد که زميني باير شود (40) يا اينکه آب آن فرو رود و نتواني آن را باز يابي (41)** (تا اينكه) **ميوه اش بر باد رفت و او دستهايش را** (به حسرت) **مالي که خرج کرده بود زير و رو ميکرد و داربست هاي آن نيز فرو ريخت و ميگفت اي کاش براي پروردگارم شريک قرار نداده بودم (42) و لشکري نداشت که در قبال خدا ياريش کنند و خودش نيز ياريگر خويش نبود (43) در آنجا سروري خاص خداست که حق است . هم پاداش او بهتر و هم سرانجام دادن او نيکوتر است (44)**

**و از زندگي دنيا برايشان مثلي بزن که مانند آبي است که از آسمان فرو مي فرستيم و روئيدني هاي زمين با آن در مي آميزند ، سپس خشک ميشود ، تا آنکه بادها آنها را پراکنده کند ، و خداوند بر همه چيز تواناست (45) مال و فرزندان زينت زندگي دنياست و چيزهاي ماندنيِ شايسته نزد پروردگارت از لحاظ پاداش و اميدواري بهتر است (46)**

**و روزي که کوهها را به جنبش درآوريم و زمين را آشكار بيني و آنها را گرد آوريم و يکي را هم فرو گذار نکنيم (47) و آنها به پروردگارت بصورت صف عرضه شوند ،** [خطاب میشود] **البته همانگونه که بار اول شما را آفريده بوديم بسويمان آمديد بلکه مي پنداشتيد که هرگز برايتان موعدي قرار نداده ايم (48) و کتاب گذاشته ميشود و مجرمان را بيني که از آن نگرانند و گويند واي بر ما اين چه کتابي است که هيچ کوچک و بزرگي را وا نگذاشته مگر که آنرا به حساب آورده و آنچه که انجام داده اند همه را حاضر مي­يابند و پروردگارت به هيچکس ظلمي نمي کند (49)**

**و هنگاميکه به ملائکه گفتيم به آدم سجده کنيد ، پس سجده کردند مگر ابليس که از جن بود . و از امر پروردگارش سر پيچيد . آيا او و فرزندانش را بجاي من دوست و سرپرست ميگيريد؟ در حاليکه آنها دشمن هستند؟ براي ظالمان چه بد جايگزيني است (50) هنگام آفرينش آسمانها و زمين و آفرينش خودشان آنها را شاهد نگرفتم و اينطور نيستم که گمراهان را به کمک بگيرم (51)**

**و روزي که ميگويد آنهائي را که شرکايم تصور ميکرديد بخوانيد . و ميخوانندشان اما جوابي دريافت نمي کنند و بين آنها هلاکتگاهي قرار داديم (52) و مجرمان آتش را مي بينند و گمان مي کنند که در آن واقع خواهند شد و چيزي نمييابند كه از آن دورشان كند (53)**

**و البته در اين قرآن از هر مثلي ، بطوري گوناگون براي مردم آورده ايم و انسان از هر چيزي پرخاشگرتر است (54)** {و هنگاميکه هدايت بسوي مردم آمد چيزي مانع آنان نشد که ايمان آورند و از پروردگارشان آمرزش خواهند مگر اينکه به همان روش پيشينيان پرداختند (که ايمان نياورند) يا اينکه عذاب به استقبالشان آمد (55) و رسولان را نمي فرستيم مگر اينکه مژده و هشدار دهند و کافران به باطل جدل مي کنند تا حق را با آن از بين ببرند و نشانه هايم و مايه هاي هشدار را به مسخره ميگيرند (56) و چه کسي ظالمتر است از کسي که به نشانه هاي پروردگارش پند داده شود ، اما از آن روي برگرداند و آنچه را که از پيش فرستاده فراموش کند؟ ما بر دلهايشان پوشش ها نهاده ايم که آنها را نفهمند و در گوشهايشان سنگيني قرار داده ايم و اگر آنها را بسوي هدايت بخواني ، هرگز هدايت نخواهند يافت}(57) **و پروردگارت آمرزشگرِ صاحب رحمت است . اگر آنها را بخاطر اعمالشان مواخذه کند عذابشان جلو خواهد افتاد . بلکه موعدي دارند که از آن گريزگاهي نخواهند يافت (58)** {اين ها شهرهائي بود که وقتي ظلم کردند هلاکشان کرديم و براي هلاکتگاهشان موعدي قرار داديم} (59)

**و هنگاميکه موسي به جوان** (همراه) **خويش گفت آرام نخواهم گرفت تا به محل تلاقي آن دو دريا برسم يا اينکه مدتي طولاني در راه باشم (60) پس وقتي که به محل تلاقي آن دو رسيدند ماهي خويش را فراموش کردند و آن** (ماهي) **راه خود را در دريا در پيش گرفت (61) و چون از آنجا گذشتند به جوان** (همراه) **خويش گفت غذايمان را بياور که در اين سفر به رنجي دچا رشديم (62) گفت ديدي وقتي بر آن صخره جاي گرفتيم ماهي را فراموش کردم؟ و جز شيطان مرا به فراموشي نيانداخت و آن بنحوي عجيب راهش را در دريا پيش گرفت (63) گفت اين همان چيزي است که بدنبالش بوديم پس جستجو کنان جاي پاي خويش را دنبال کرده و برگشتند (64) و بنده اي از بندگانمان را يافتند که رحمتي از جانب خويش به او داده و از نزد خود علمي به او آموخته بوديم (65) موسي به او گفت اجازه ميدهي پيرويت کنم تا از علمي که به تو آموخته شده بمن بياموزي و رشدي کنم؟(66) گفت هرگز نميتواني همراهي مرا تحمل کني (67) و چگونه به چيزي صبر خواهي کرد که به اخبار آن احاطه نداري؟(68) گفت انشاء الله مرا صبور خواهي يافت و تو را در هيچ موردي نافرماني نخواهم کرد (69) گفت پس اگر پيرويم ميکني از هيچ چيز سئوالي نکن تا خودم درباره آن به تو چيزي بگويم (70) و رفتند . تا اينکه به کشتيي سوار شدند که او آنرا سوراخ كرد . گفت آيا آنرا سوراخ ميكني تا اهل آنرا غرق کني؟ جدّا که کار ناشايستي کردي (71) گفت نگفتم نميتواني همراهي مرا تحمل کني؟(72) گفت بازخواستم مکن . فراموش کرده بودم . و با من سخت گيري هم مکن (73) و رفتند . تا اينکه به پسري رسيدند و او را کشت . گفت آيا يک شخص محترم را بدون اينکه قتلي کرده باشد کشتي؟ جدّا که کار بسيار زشتي کردي (74) گفت آيا نگفتم نميتواني همراهيم را تحمل کني؟(75) گفت اگر بعد از اين چيزي پرسيدم ديگر مصاحبت مرا تحمل مکن که از جانب من معذور خواهي بود (76) و رفتند . تا اينکه به اهل شهري رسيدند و از آنها غذا خواستند و آنها از پذيرائي شان خودداري نمودند . اما در آن شهر ديواري يافتند که داشت مي افتاد و او آنرا برپا داشت . گفت اگر ميخواستي** (ميتوانستي) **براي آن کار دستمزدي بگيري (77) گفت اين** (وقتِ) **جدائي من و توست . اينك معني آن چيزهائي را که نتوانستي تحملشان کني بتو خواهم گفت (78) اما آن کشتي ، براي فقيران در دريا کار ميکرد و من خواستم معيوبش کنم زيرا پشت سرش پادشاهي در پي آن بود که کشتي ها را بطور غصبي ميگرفت (79) و اما آن پسر، پدر و مادرش مومن بودند و ترسيديم به کفر و طغيان دچارشان کند (80) و خواستيم که خداوند بهتر از او را جايگزين کند که پاکيزه تر و مهربان تر باشد (81) اما آن ديوار مال دو پسر يتيم در آن شهر بود و زير آن برايشان گنجي بود و پدرشان نيز صالح بود و پروردگارت خواست بعنوان رحمتي از جانب او به رشد خويش برسند و گنجشان را استخراج کنند و من اين کارها را سرخود نکردم . اين بود علت آن چيزهايي که نتوانستي تحملش کني (82)**

**و از تو درباره ذي القرنين مي پرسند بگو بزودي درباره او برايتان مطلبي ميخوانم (83) ما او را در زمين توانمندي داده و از هر چيز سر رشته اي به او عطا کرديم (84) پس او نيز سر رشته اي را پي گرفت (85) تا اينکه به سرزمين غروب آفتاب رسيد و چنين يافت که آن ، در چشمه اي گِل آلود فرود ميرود و نزد آن قومي را يافت . گفتيم اي ذي القرنين** (اختيار با خودت) **يا عذاب ميکني يا در ميان آنان طريقه اي نيکو در پيش ميگيري (86) گفت اگر کسي ظلم کند بزودي عذابش مي کنيم سپس بسوي پروردگارش بر ميگردد و او به عذابي ناخوشايند معذبش ميکند (87) و اما هر که ايمان آورد و عمل صالح کند جزائي نيکو خواهد داشت و بزودي از امر خويش به او آسانيي خواهيم نمود (88) آنگاه باز هم سر رشته اي را پي گرفت (89) تا اينکه به سرزمين طلوع آفتاب رسيد و چنين يافت که آن بر قومي طلوع ميکند که گوئي بين آنها و آن حجابي قرار نداده ايم (90) چنين است و ما از آن چيزهائي که نزد او بود خبر داشتيم (91) آنگاه باز هم سر رشته اي را پي گرفت (92) تا اينکه به بين آن دو سد رسيد و آنطرف دو سد قومي يافت که سخن نمي فهميدند (93) گفتند اي ذي القرنين يا جوج و ماجوج در زمين فساد مي کنند ، آيا ممکن است خرجي بتو بدهيم تا بين ما و آنها سدي قرار دهي؟(94) گفت توانمنديي كه خداوند بمن داده بهتر است اما شما با نيرو کمکم کنيد تا بين شما و آنها حائلي قرار دهم (95) برايم قطعات آهن بياوريد . تا اينکه بين آن دو ديواره را مساوي کرد . گفت اكنون بدميد تا اينکه آنرا آتشي قرار داد . گفت** (اينك) **مس گداخته برايم بياوريد تا بر آن بريزم (96) نه ميتوانستند از آن بالا روند و نه ميتوانستند در آن نقب بزنند (97) گفت اين رحمتي از جانب پروردگارم است . پس هنگامي که وعده پروردگارم بيايد آن را هموار خواهد ساخت و وعده پروردگارم حق است (98) و در آن روز ميگذاريم بر هم موج زنند و در شيپور دميده شود و آنگاه آنها را بطور شگفت انگيزي جمع میکنيم (99) و آنروز جهنم را چنانچه بايد و شايد به کافران عرضه خواهيم كرد (100)** {همان کساني که چشمشان در مقابل يادم در پرده اي بود و نتوانستند بشنوند} (101) **آيا کافران پنداشته اند که بندگانم را بجاي من سرپرست گيرند؟ البته جهنم را براي کافران بعنوان پيشکشي آماده کرده ايم (102)**

**بگو آيا خبرتان بدهم چه کساني از جهت عمل زيانکارترند؟(103) همانهائي که سعيشان در زندگي دنيا بي نتيجه شد و فکر ميکردند دارند کارِ خوب مي کنند (104)** {آنها کساني هستند که به آيات پروردگارشان و ملاقاتش کفر ورزيدند لذا اعمالشان نابود شده و روز قيامت برايشان وزني بپا نمي کنيم (105) جزايشان جهنم است بواسطه کفري که ورزيدند و آيات و فرستادگانم را به مسخره گرفتند}(106) **البته مومنانِ داراي عمل صالح پيشکشي شان بهشت هاي فردوس است (107)**  {که در آن جاودانند که تغييري را در آن نميخواهند}(108)

**بگو اگر دريا** (براي نوشتن) **کلمات پروردگارم مرکب بود ، قبل از اينکه** (نوشتن) **کلمات پروردگارم تمام شود دريا تمام ميشد حتي اگر نظير آن را نيز بکمک مي آورديم (109) بگو جز اين نيست که من بشري مانند شما هستم با اين فرق كه بمن وحي ميشود که خدايتان خدائي يگانه است . پس کسي که اميد دارد به لقاء او برسد بايد عمل صالح کند و در عبادتش کسي را شريک نکند (110)**

مرحله هشتم

**به اوج رسیدن فشارها**

**اما در عین حال**

**تقویت روز افزون**

**رشد مومنان**

**سوره فرقان**

|  |
| --- |
| **درس: خداوند کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب و مومنان را در دنيا موفق و در آخرت متنعم مي­کند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**پر برکت است کسي که آن فرقان را بربنده اش نازل کرد تا براي جهانيان هشدار دهنده اي باشد (1)**  {همان کسي که فرمانروائي آسمانها وزمين از اوست و فرزندي برنگرفته، و در فرمانروائي شريکي ندارد، و همه چيز را آفريده، وبخوبي تدبير کرده است }(2)

**و خداياني غير از او به پرستش گرفته اند که چيزي نمي آفرينند و خودشان آفريده ميباشند و درباره خويش نه مالک نفعي و نه ضرري و نه مرگي و نه زندگيي و نه برانگيختگيي مي باشند (3) و کافران ميگويند اين چيزي جز دروغي که به او نسبت داده نيست و ديگراني هم در مورد آن ياريش کرده اند . البته آنها مرتکب ظلمي شده اند و سخن زوري گفته اند (4) و ميگويند افسانه هائي از گذشتگان است که مي نويسد و صبح و شب بر او خوانده ميشود (5) بگو آنرا کسي که نهاني هاي آسمان ها و زمين را ميداند نازل کرده که آمرزشگري مهربان است (6) و ميگويند اين چه رسولي است که غذا ميخورد و در بازارها رفت و آمد ميکند ، پس چرا فرشته اي همراه او فرستاده نشده تا در هشدار دادن با او همراه باشد؟(7) يا چرا گنجي برايش افكنده نشده يا اينکه باغي ندارد که از آن بخورد؟ و ظالمان گفتند جز اين نيست که شما از شخصي جادو زده پيروي مي کنيد (8) ببين چگونه برايت مثل هائي ميزنند و گمراه شده اند و نميتوانند راه را پيدا کنند (9) پربرکت است کسي که اگر بخواهد چيزهائي بهتر از آن را برايت قرار ميدهد ، بهشتهايي که از کف آنها نهرها جاريست و برايت قصرهائي مهيا ميكند (10)**

**بلکه قيامت را تکذيب مي کنند و ما نيز براي تکذيب کنندگان آتشي افروخته آماده کرده ايم (11) كه حتي وقتيکه از مکاني دور نيز آنها را ببيند ، غضب و جوش و خروشي هولناک از آن ميشنوند (12) و هنگاميکه دست بسته به محل تنگي در آن انداخته شوند آرزوي هلاکت ميکنند (13) اينک فقط يکبار آرزوي هلاکت نكنيد بلکه اين آرزو را بسيار خواهيد نمود (14)** {بگو آيا اين بهتر است يا بهشت جاوداني که به تقوا پيشگان وعده داده شده که پاداش و سرانجام آنهاست؟ (15) که در آن هر چه بخواهند خواهند داشت و در آن جاودانند و وعده ايست که انجام آن بر عهده پروردگارت ميباشد } (16) **و روزي که آنها را و نيز آنچه را که غير از خداوند ميپرستيدند جمع کند و بگويد آيا شما بوديد که بندگانم را گمراه کرديد يا خودشان از آن راه گمراه شدند؟(17) و گويند منزهي ، ما را نميرسد که جز تو اوليائي بگيريم وليکن آنها و پدرانشان را برخوردار کردي ، تا اينکه آن پند را فراموش کردند و دچار هلاکت شدند (18) آنها گفته هاي شما را تکذيب مي کنند و شما نميتوانيد آن** (عذاب) **را برگردانيد و نميتوانيد ياري بجوئيد و کسي از شما که ظلم کند عذابي بزرگ به او مي­ چشانيم (19)**

**و قبل از تو نيز هيچ رسولي را نفرستاديم مگر اينکه آنها نيز غذا ميخوردند و در بازارها راه ميرفتند و بعضي از شما را براي بعضي ديگر مايه آزمون قرار داديم که آيا صبر خواهيد کرد؟ و پروردگارت بيناست (20) و آنآنکه اميدي به لقاي ما ندارند ميگويند چرا ملائکه بر ما نازل نميشود يا پروردگارمان را نمي بينيم؟ خود را در نزد خويش خيلي بالا گرفته اند و بسيار زياده روي کرده اند (21)** {روزي که ملائکه را ببينند آنروز ديگر براي گناهکاران نويدي نخواهد بود و (به ملائکه) خواهند گفت عذابم مکن . عذابم مکن . (22) و به اعمالشان خواهيم پرداخت و آنرا مانند گرد و غباري (نابود) خواهيم نمود (23) در آنروز ، بهشتيان قرار گاه خوب و استراحتگاه بهتري خواهند داشت (24) و روزي که آسمان با ابر شکافته شود و ملائکه به وجهي حيرت انگيز نازل شوند (25) آن روز فرمانروائي به حق و خاص خداوند است و براي کافران روزي سخت خواهد بود (26) و روزي که ظالم بر دستهايش مي کوبد و ميگويد ايکاش با پيغمبر يک راهي در پيش ميگرفتم (27) واي بر من . اي کاش فلاني را دوست نميگرفتم (28) که مرا پس از آن پندي که بسويم آمده بود گمراه کرد و شيطان انسان را بحال خود رها ميکند.(29) و پيغمبر ميگويد پروردگارا قوم من از اين قرآن دوري گزيدند.(30) و چنين است که براي هر پيغمبري دشمني از گناهکاران قرار داديم و پروردگار تو براي هدايت و ياري کافيست.(31) **و کافران ميگويند چرا قرآن يکباره بر او نازل نشده؟ براي آنکه قلب تو را بوسيله آن تثبيت کنيم و آنرا به آرامي بر تو خوانديم (32) و با هيچ مثلي به تو رو نمي كنند مگر اينکه ما حق آنرا با بهترين تفسير برايت مي آوريم (33)** آنانکه بر رويهايشان بسوي جهنم کشيده ميشوند بد جايگاه تر و گمراه ترند (34)

**و آن کتاب را به موسي داديم و برادرش را نيز کمک کارش نموديم (35) و گفتيم بسوي قومي که آياتمان را تکذيب کردند برويد و سپس به وضعي عجيب هلاکشان نموديم (36) و قوم نوح نيز که پيامبران را تکذيب کردند غرقشان کرديم و آنها را براي مردم نشانه اي قرار داديم و براي ظالمان عذابي دردناک آماده نموديم (37) و** (نيز) **قوم عاد و قوم ثمود و اصحاب رس را و اقوام زيادي که بين آنها بودند (38) و براي همگي آنها مثل ها زديم و همگي را نابود کرديم (39) و حتما بر آن شهري که باراني بد بر آن بارانده شده است گذر کرده اند . آيا آنرا نديده اند؟ بلکه زنده شدن پس از مرگ را باور ندارند (40) و هنگاميکه مي بينندت به مسخره ات ميگيرند ،** (میگویند) **اين است که خداوند بعنوان پيامبر برانگيخته است؟(41) نزديک بود ما را** اگر بر آن صبر نکرده بوديم **از خدايانمان** اگر بهآنها وفادار نمانده بوديم **منصرف کند و بزودي وقتي که آن عذاب را ببينند خواهند دانست چه کسي گمراه تر است (42) نظرت راجع به کسي که خواسته دل خويش را خداي خويش بگيرد چيست؟ آيا تو نگهبان اوئي؟(43) شايد مي پنداري که اکثر آنها مي شنوند و تعقل مي کنند ، جز مانند چارپايان نيستند ، بلکه گمراهترند (44)**

**آيا نمي بيني پروردگارت چگونه سايه را مي­کشد و اگر ميخواست آنرا ساکن قرار ميداد ، آنگاه آفتاب را راهنماي آن قرار داديم؟(45) آنگاه آنرا به گرفتني ملايم بسوي خويش گرفتيم (46) و هموست که شب را براي شما لباسي و خواب را آرامشي و روز را زندگي دوباره اي قرار داد (47) و هموست که بادها را قبل از** (باران) **رحمتش بعنوان نويد دهنده فرستاد و از آسمان آبي پاک کننده فرستاديم (48) تا بوسيله آن سرزمين مرده را زنده کنيم و بسياري از چارپايان و آدمياني را که آفريده ايم سيراب كنيم (49)** {و آن را بينشان گردانديم شايد پند گيرند . اما اکثر مردم شانه خالي کردند و جز ناسپاسي کاري نکردند (50) و اگر ميخواستيم در هر شهري هشدار دهنده اي برمي انگيختيم (51) پس ، از کافران اطاعت مکن و بوسيله آن با آنان جهادي بزرگ كن}(52) **و هموست که دو دريا را بهم آميخت ، اين يکي شيرين گوارا و ديگري شور تلخ . و بين آنها حائلي قرار داد و** (چيزي که انگار بوسيله آن هر يک بهديگري ميگويد) **دور باش دور باش (53) و هموست که از آب بشري آفريد و او را نسبي و سببي نمود ، و پروردگار تو قدرتمند است (54) و آنها بجز خداوند چيزهائي را عبادت مي کنند که نفع و ضرري برايشان ندارد و آنگاه کافر ضد** (خواست) **پروردگارش پشتيباني ميکند (55)**

**و تو را جز بعنوان مژده دهنده و هشدار دهنده اي نفرستاده ايم (56) بگو از شما مزدي نميخواهم مگر اينکه کسي بخواهد بسوي پروردگارش راهي بجويد (57)** و{ بر آن زنده اي که مرگ ندارد توکل کن و به ستايشش تسبيح گوي و همو براي آگاهي بر گناهان بندگان خويش بس است (58) همانکه آسمان ها و زمين و ما بين آنها را در شش مرحله آفريد و سپس به عرش پرداخت ، او خداي رحمان است . درباره او (از كسي) بپرس که آگاه است}(59) **وقتي که به آنها گفته شود براي خداوند رحمان سجده کنيد ميگويند رحمان چيست؟ آيا به چيزي که شما ميگوييد سجده کنيم؟ و نفرتشان بيشتر ميشود (60)** {پربرکت است آنکه در آسمان برج هائي و در آن چراغي و ماهي نوراني قرار داد (61) و هموست که شب و روز را جايگزين يکديگر قرار داد ، براي کسي که بخواهد پند گيرد يا شکر گزارد}(62)

**و بندگان خداوند رحمان همان کساني هستند که در روي زمين متواضعانه راه ميروند و اگر جاهلان خطابشان کنند سخني ملايم ميگويند (63) و همانها که براي پروردگارشان شب را به سجده و قيام به روز مي آورند (64) و همانها که ميگويند پروردگارا عذاب جهنم را از ما برطرف فرما زيرا که عذاب آن دست بردار نيست (65)** {و بد قرارگاه و بد جايگاهيست}(66) **و همانها که وقتي خرج ميکنند نه اسراف ميکنند و نه سخت ميگيرند و بين اين دو حالت معتدلند (67) و کساني که همراه خداوند معبود ديگري را عبادت نمي کنند و شخصي را که خداوند** (كشتنش را) **حرام كرده نمي کشند . مگر به حق . و زنا نميکنند و هر که چنين کند با آن گناه ملاقات خواهد کرد (68)** {عذابش در روز قيامت مضاعف خواهد بود و در آن به خواري جاودان خواهد ماند (69) مگر آنکس که توبه کند و ايمان بياورد و عمل صالح کند که خداوند بديهاي آنها را به نيکي بدل مي کند و خداوند آمرزشگر مهربان است (70) و کسي که توبه کند و عمل صالح انجام دهد حتما بسوي خداوند بازگشتي خوب نموده است}(71) **و همانها که گواه باطل نميشوند و هنگامي که از لغو گذر کنند گذري بزرگوارانه مي کنند (72) و همانها که چون به آيات پروردگارشان پندشان دهند کورکورانه نمي پذيرند (73) و همانها که ميگويند پروردگارا از همسرانمان و فرزندانمان روشني چشمي بما لطف کن و ما را از پيشوايان اهل تقوا قرار ده (74)** {آنها آن غرفه (بهشتي) را بخاطر صبري که کرده اند پاداش ميگيرند و در آنجا با خوش آمد و سلام روبرو مي گردند (75) در آن جاودان خواهند بود. چه قرارگاه و موقعيت خوبيست}(76) **بگو اگر دعوت شما** (از سوي) **پروردگارم نبود قدر و منزلتي نداشتيد اينک که تکذيب کرديد ،** (اين تکذيب) **بزودي همراهتان خواهد بود (77)**

**سوره سجده**

|  |
| --- |
| **درس: اين جهان بستريست که کافران ومومنان در شرايط نسبتاً يکساني قرار مي گيرند تاواقعيت ها يشان در آخرت بروز کند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**الم (1) فرو فرستادن اين کتاب** {که شکي در آن نيست} **از سوی پروردگار جهانيان است (2) شايد گويند آن را افترا بسته** (نه) **بلکه حق ، و از جانب پروردگارت است ، تا قومي را که قبل از تو هشدار دهنده بسويشان نيامده بود هشدار دهي ، شايد هدايت يابند (3)**

**خداوندي که آسمانها و زمين و آنچه را که بين آنهاست در شش مرحله آفريد ، سپس به عرش پرداخت . غير از او سرپرست و شفيعي نداريد . آيا پند نمي گيريد؟(4) آن امر را از آسمان بسوي زمين تدبير ميکند ، آنگاه در روزي که مقدار آن هزار سال از آن سالهائي است که مي شماريد ، بسوي او بالا ميرود (5) اين** (خداوندِ) **داناي پنهان و آشکار است که همو پيروزمند مهربان است (6) که آفرينش هر چيزي را نيکو کرده و خلقت انسان را از گِل آغاز نمود (7) سپس نسل او را از خلاصه اي از آبي ضعيف قرار داد (8) سپس او را بپرداخت و از روحش در او دميد و برايتان گوش و چشمها و دلها قرار داد . چه کم شکر گزاريد (9)**

**و ميگويند: آيا وقتي که در زمين گم شديم ، در آفرينشي جديد در خواهيم آمد؟** (بله) **بلکه آنها به ملاقات پروردگارشان کافرند (10) بگو فرشته مرگ که بر شما گماشته شده،** (جان) **شما را دريافت مي کند آنگاه بسوي پروردگارتان باز مي گرديد (11)** {و اگر مي ديدي چگونه مجرمان سرشان را نزد پروردگارشان به زير انداخته و مي گويند پروردگارا ديديم و شنيديم، ما را بر گردان تا عمل شايسته اي کنيم که اینک يقين پيدا کرده ايم (12) و اگر مي خواستيم هدايت هر کس را به او مي داديم ، وليکن اين سخن از جانب من مقرر شده که جهنم را از جنيان و آدميان پر کنم (13) پس بسبب آنکه ملاقات امروزتان را فراموش کرديد (اين عذاب را) بچشيد که ما نيز فراموشتان کرديم و عذاب جاودانه را بسبب آنچه که مي کرديد بچشيد}(14)

**جز اين نيست: کساني که به آيات ما مومن اند هنگامي که به وسيله آن تذکر داده مي شوند به سجده مي افتند و پروردگارشان را تسبيح گويان ستايش مي کنند و هيچ گردنكشي نمي کنند (15)** {پهلوهايشان را از رختخواب ها دور مي کنند، پروردگارشان را با بيم و اميد مي خوانند، و از آنچه روزيشان کرده ايم (در راه خدا) هزينه مي کنند (16) هيچ کس نمي داند به پاداش آنچه بجاي آورده ، چه چشم روشني هائي برايش نهان شده است (17) آيا آن کس که مومن است مانند گناه پيشه است؟ (هرگز) مساوي نيستند}(18)  **آنانکه ايمان آورده و عمل شايسته کرده اند به جهت اعمالشان بهشت هاي جايگاه را خواهند داشت (19) اما آنآنکه گناه پيشه کردند جايگاهشان آتش خواهد بود ، هر گاه که بخواهند از آن خارج شوند به آن برگردانده مي شوند و به آنان گفته مي شود بچشيد عذاب آتشي را که تکذيب مي کرديد (20)** {و ما البته عذاب نزديک تر را زودتر از عذاب بزرگتر به آنها مي چشانيم شايد باز گردند}(21) **و چه کسي ظالم تر است از آنکه به آيات پروردگارش تذکرش دهند اما روي بر گرداند؟ که البته از مجرمان انتقام مي­ گيريم (22)**

**و آن کتاب را به موسي داديم ،** (و در آن بود) **که درباره ملاقات او هيچ شکي نداشته باش ، و آن را هدايتي براي بني اسرائيل قرار داديم (23) واز بين آنها پيشواياني قرار داديم که به امر ما هدايت ميكردند ، چون صبور بودند و به آيات ما يقين داشتند (24) البته پروردگارت خودش در روز قيامت درباره آنچه که درباره آن اختلاف مي کرده اند بين آنها حکم خواهد کرد (25) مگر نمي دانند چه اقوامي را قبل از آنان هلاک کرده ايم ، که دارند در مسکن هاي آنها گام ميزنند؟ البته در اين موضوع نشانه هائي است . آيا نمي شنوند؟ (26) آيا نمي بينند که ما آب را به سوي زمين باير ميرانيم و بوسيله آن محصولي پديد ميآوريم که خودشان و چهارپايانشان از آن ميخورند؟ آيا نمي انديشند؟(27) و ميگويند: پس اين فتح کي خواهد بود اگر راست ميگوئيد (28) بگو روز آن فتح ، ديگر ايمان آوردن بدرد کافران نخواهد خورد و مهلتي هم نخواهند داشت (29) پس ، از آنان روي گردان و منتظر باش که آنان نيز منتظرند (30)**

**سوره زمر**

|  |
| --- |
| **درس: دعوت از انسان که رفتارهاي کودکانه را کنار گذاشته و آخرت و نعمات خداوندي را در نظر گرفته و مسير خويش را اصلاح کند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**فرو فرستادن اين کتاب از جانب خداوند پيروزمند فرزانه است (1) البته اين کتاب را به حق بر تو فرو فرستاديم پس خداوند را در حالي که** (دين خويش را) **براي او خالص گردانيده اي عبادت کن (2)**

**آگاه باشيد که دين خالص براي خداوند است و کساني که به جز او اوليائي بر گرفته اند** (ميگويند) **اينها را جز براي اينکه ما را به خدا نزديك كنند عبادت نمي كنيم . خداوند در آنچه بين خويش اختلاف ميکنند حکم خواهد کرد . خداوند دروغگويان نا سپاس را هدايت نمي كند (3) اگر خداوند مي خواست فرزندي بگيرد از بين آنچه آفريده هر چه را مي خواست بر ميگزيد ، اما او منزه است ، که او خداوند يگانه قهار است (4)**

**آسمانها و زمين را به حق آفريد ، شب را روي روز و روز را روي شب مياندازد ، و آفتاب و ماه را رام نموده که هر کدام تا سرآمدي معين حرکت و جريان دارند ، بدانيد که او پيروزمند آمرزنده است (5) شما را از يک نَفس آفريده ، سپس جفت او را از آن قرار داده ، و براي شما از چارپايان هشت جفت فرو فرستاده و شما را در شکم هاي مادرانتان مي آفريند ، آفرينشي پس از آفرينشي ، در تاريکيهاي سه گانه . اين است خداوند پروردگارتان كه فرمانروايي از آن اوست . خدائي جز او نيست . پس به کجا منحرف ميشويد؟(6)**

**اگر کفر ورزيد البته خداوند از شما بي نياز است ، ولي کفر را به بندگانش نمي پسندد ، و اگر شکر کنيد به شما مي پسندد ، و هيچ كس بار ديگري را بر نميدارد ، سپس به سوي پروردگارتان بازميگرديد ، و همو خبر آنچه را که انجام مي داديد به شما مي دهد، که او به آنچه در سينه هاست داناست (7) واگر ناراحتيي به انسان برسد پروردگارش را توبه کنان ميخواند ، آنگاه اگر نعمتي از جانب خويش بسويش حواله کرد ، آنچه را که قبلا در حال دعا بسويش ميخوانده فراموش ميكند . و براي خدا همتاياني قرار ميدهد تا مردم را از راه گمراه کند . بگو با همان کفرت اندکي برخوردار باش که البته از ياران آتش خواهي بود (8) آيا کسي که لحظات شب را به عبادت مي گذراند و در سجده و قيام است و از آخرت در حذر است و به رحمت پروردگارش اميد دارد ،** (مانند آنهاست؟) **بگو آيا آنانکه علم دارند مانند کساني هستند که علم ندارند؟ جز اين نيست که فقط خردمندان پند مي پذيرند (9)**

**بگو اي بندگان مومنم از پروردگارتان پروا کنيد . آنانکه احسان کنند در همين دنيا نيز** (پاداش) **نيک خواهند داشت و زمين خدا وسيع است . جز اين نيست که پاداش پايداران بدون حساب به آنان پرداخت ميگردد (10) بگو من مامورم که خداوند را طوري عبادت کنم که دينم خالص و فقط براي او باشد (11)** {و مامورم که اولين مسلمان باشم}(12)  **بگو از عذاب روزي بزرگ ميترسم که پروردگارم را نافرماني کنم (13) بگو فقط عبادت خداوند ميکنم و دينم را براي او خالص کرده ام (14)** {و شما هر چه را ميخواهيد غير از او عبادت کنيد . بگو البته زيانكاران آنهائي هستند که خودشان و اهلشان را در روز قيامت به ضرر انداخته باشند و بدانيد که ضرر آشکار همان است (15) از بالا و پائين شان سايه هائي از آتش است و اين چيزيست که خداوند بندگانش را از آن ميترساند که اي بندگان از من پروا کنيد}(16) **و کساني که از طاغوت و اينکه عبادتش کنند دوري کرده و بسوي خدا توبه کنند مژده خواهند داشت . پس بندگانم را مژده ده (17)** {همان کساني که سخن را مي شنوند و بهترينش را پيروي ميکنند. آنها کساني هستند که خداوند هدايتشان کرده و همانها خردمندند}(18)

**آيا ميتواني کسي را که کلمه عذاب بر او فرود مي آيد از آتش برهاني؟(19)** {ليکن آنهائي که از پروردگارشان پروا نمودند اتاقهائي خواهند داشت که روي آنها هم اتاقهائيست و از کف آنها نهرها جاريست. اين وعده خداونديست که از وعده اش تخلف نمي کند (20) آيا نمي بيني که خداوند آبي از آسمان فرو ميفرستد و آنرا چون چشمه سارها ميراند ، سپس بوسيله آن زراعتي به رنگهاي مختلف بيرون مياورد ، سپس آن را مي خشکاند و مي بيني که زرد شده ، آنگاه آنرا بصورت کاه و خس و خاشاک در مي آورد؟ البته در همه اينها پندهائي براي خردمندان نهفته است (21) آيا کسي که خداوند دلش را براي اسلام گشاده گردانيد و بر نوري از جانب پروردگارش استوار است (مانند کسيست که دلش سخت است؟) پس واي بر کساني که از لحاظ ياد خدا سخت دل هستند که در گمراهيي آشکار ميباشند (22) خداوند بهترين سخن را فرستاد . کتابي که هر قسمتش شبيه ساير قسمتهاست و بعضي قسمتهاي آن به بعضي ديگر منعطف است که (به سبب آن) پوست کساني که از پروردگارشان بيم دارند به لرزه مي افتد سپس پوست و دلشان بسوي ياد خدا نرم ميشود . اين هدايت خداست که بوسيله آن هر کس را خواهد هدايت ميکند و هر کس را که خداوند گمراهش کند هدايت کننده اي نخواهد داشت}(23) **آيا کسي که در روز قيامت ، با چهره اش خود را از عذاب حفظ مي کند** (مانند مومنان است؟) **و به ظالمان گفته ميشود چيزي را که بدست آورده ايد بچشيد (24) عده اي از پيشينيان هم که قبلا تکذيب کرده بودند ، از جائي که فکرش را هم نميکردند عذاب بر آنان در آمد (25)** {خداوند در زندگي اين جهان، خواري را به آنها چشاند وعذاب آخرت بزرگتر است اگر ميدانستند}(26)

**و ما البته در اين قرآن از همه گونه مثلي براي مردم زديم . باشد که پند گيرند (27) قرآني به زبان روشن و بدون انحراف ، شايد پروا کنند (28) خداوند مثلي ميزند: شخصي است که چند شريک ناسازگار بر سر او نزاع ميکنند و شخصي است که مخصوص يکنفر است . آيا اين دو مثل مساويست؟ ستايش مخصوص خداست وليکن اکثرشان نميدانند (29)**

**البته تو ميميري و آنها هم ميميرند (30) آنگاه روز قيامت نزد پروردگارتان ستيزه خواهيد داشت (31) پس چه کسي ظالمتر است از آنکه بر خدا دروغ بندد و سخن راست را وقتي که بسويش بيايد تکذيب کند؟ آيا در جهنم جايگاهي براي کافران نيست؟ (32) و کساني که راست بگويند و سخن راست را تصديق هم بکنند ، آنها اهل تقوا هستند (33) نزد پروردگارشان هر چه بخواهند خواهند داشت . اين پاداش نيکوکاران است (34) تا خداوند از بدترين عملشان صرف نظر کند و پاداش آنها را به بهترين عملي که انجام ميدادند بدهد (35)**

**آيا خداوند براي بنده اش کافي نيست که تو را از غير او ميترسانند؟ و کسي را که خدا گمراه کند هيچ هدايت کننده اي نخواهد داشت (36) و کسي را که خداوند هدايت کند هيچ گمراه کننده اي نخواهد داشت . آيا خداوند پيروزمند صاحب انتقام نيست؟(37) و اگر از آنها بپرسي که آسمانها و زمين را چه کسي آفريده حتما خواهند گفت خداوند . بگو خبرم دهيد آيا آنچه را که غيراز خدا ميخوانيد اگر خداوند بخواهد صدمه اي به من بزند، آيا آنها برطرف کننده آن ناراحتي هستند؟ يا اگر خدا خواست مهربانيي بمن بکند، آيا آنها جلوگير مهرباني او خواهند بود؟ بگو خداوند مرا بس است . همو که توکل کنندگان بر او توکل ميکنند (38) بگو اي مردم! هر کاري که ميتوانيد بکنيد . من کار خویش ميکنم و بزودي خواهيد فهميد (39) عذاب خوار کننده بسوي چه کسي خواهد آمد و** (نيز خواهيد فهميد) **عذاب ماندگار بر چه کسي فرود مي آيد (40)**

**البته آن کتاب را براي مردم بر تو نازل کرده ايم . پس هر کس که هدايت ورزيد به نفع خويش کرده و هر کس که گمراه شد جز اين نيست که به ضرر خود گمراهي ورزيده و تو مسئول آنها نيستي (41) خداوند جان ها را هنگام مرگ دريافت ميکند و نيز کسي که نمرده در خواب او** (جانش را دريافت ميکند) **و** (جان) **آنکس را که مرده نگه ميدارد و** (جان) **ديگري را** (که مرگش نرسيده) **تا سرآمدي معين ميفرستد . البته در اين آياتي است براي کساني که تفکر مي کنند (42) آيا شفيعاني غير از خدا گرفته اند؟ بگو حتي اگر مالک چيزي نباشند و قدرت تعقل هم نداشته باشند؟(43) بگو شفاعت تماما از آنِ خداست . فرمانروائي آسمانها و زمين از آن اوست ، سپس بسوي او برميگرديد (44)**

**و هنگاميکه خداوند به تنهائي ياد ميشود دلهاي کساني که به آخرت ايمان ندارند متنفر ميشود و اگر غير او ياد شود خوشحال ميشوند (45)** {بگو خداوندا که آفرينشگر آسمانها و زميني! داناي پنهان و آشکارتوئي . خودت بين بندگانت درباره آنچه که اختلاف ميورزند حکم خواهي کرد}(46) **و آنآنکه ظلم کردند اگر بخواهند تمامي آنچه را که در زمين هست بعنوان هزينه جايگزين عذاب روز قيامت بدهند قبول نميشود و از خداوند چيزي برايشان آشکار ميشود که قبلا گمانش را هم نمي کردند (47) بدي هاي آنچه که ميکرده اند برايشان آشکار ميشود و آنچه که مسخره اش ميکردند بر آنان فرود مي آيد (48)**

**و چون به انسان ناراحتيي برسد ما را ميخواند ، سپس اگر نعمتي از جانب خويش به او عطا کرديم ميگويد اين به سبب لياقتم بوده** (نه) **بلکه يک امتحان است وليکن اکثرشان نميدانند (49)** {پيشينيان آنها نيز چنين ميگفتند و آنچه که انجام ميدادند فايده اي برايشان نداشت (50) پس بديهاي آنچه ميکردند به آنان رسيد و کساني از اينان که ظلم ميکنند (نيز همينطور) بزودي بديهاي آنچه را که ميکنند به آنها مي رسد و نميتوانند جلوگيري کنند}(51) **آيا ندانستند که خداوند روزي را براي هر کس که بخواهد زياد يا اندازه ميکند؟ که البته در اين آياتي براي مومنان است (52)**

**بگو اي بندگانم که بر خويش ستم روا داشته ايد ! از رحمت خداوند نوميد نباشيد زيرا خداوند همه گناهان را مي آمرزد که او بسيار آمرزنده مهربان است (53)** {و بسوي پروردگارتان بازگرديد و تسليم او شويد قبل از اينکه آن عذاب به شما برسد که آن هنگام ديگر ياريي نخواهيد ديد (54) و اين بهترين چيز را ، که از سوي پروردگارتان بسويتان نازل شده ، پيروي کنيد . قبل از اينکه آن عذاب بطور ناگهاني به شما برسد و متوجه نباشيد (55) تا اينکه اينطور نباشد که کسي بگويد افسوس که در رابطه با خداوند کوتاهي کردم و از مسخره کنندگان بودم (56) يا اينکه کسي بگويد اگر خدا هدايتم کرده بود از تقواداران ميشدم (57) يا اينکه وقتي عذاب را ببيند بگويد کاش امکان مي داشت ميتوانستم يکبار ديگر زندگي کنم و از نيکوکاران بشوم (58) آياتم بسويت آمد اما تکذيبش کردي و گردنفرازي نمودي و از کافران شدي }(59)  **و کساني راکه برخداوند دروغ بستند در روز قيامت مي بيني که ­رويشان سياه است . آيا در جهنم جايگاهي براي متکبران نيست؟(60)**  {و خداوند تقواداران را با رستگاريشان نجات ميدهد . هيچ عذابي به آنان نميرسد و اندوهگين نيز نميگردند}(61) **خداوند خالق همه چيزاست و همو بر هر چيزي نگهبان است (62)** {کليدهاي آسمانها و زمين از آن اوست و کساني که به آيات خداوند کافر شدند خودشان زيانکارند }(63)

**بگو اي جاهلان ! از من ميخواهيد پرستش غير خدا کنم؟(64) و البته به تو و همچنين بر** (پيامبران) **قبل از تو نيز وحي شده که اگر شرک ورزي حتمأ عملت از بين خواهد رفت و از زيانکاران خواهي بود (65) بلکه فقط خدا را عبادت کن و از شکر گزاران باش ! (66)**

**قدر خدا را آنطور که بايد ندانستند . روز قيامت زمين در قبضه اوست و آسمانها بدست او در هم پيچيده ميشود . منزه و بالاتر است از آنچه که با او شريک ميکنند (67) ودرشيپور دميده ميشود ، و هر کس که در آسمانها و زمين است همگي بيهوش ميشوند مگر آنکه خدا بخواهد . آنگاه يکبار ديگر در آن دميده ميشود و فورا برميخيزند و نگرانند (68) و زمين به نور پروردگارش روشن ميشود و کتاب** (قانون) **گذاشته ميشود و پيامبران و گواهان را مياورند و بين آنان به حق حکم ميشود و هيچ ظلمي نميشوند (69) و به هر کس آنچه که عمل نموده بطور کامل داده ميشود و همو به آنچه ميکنند داناتر است (70) و کافران دسته دسته بسوي جهنم رانده ميشوند ، تا هنگاميکه به آن برسند درهايش باز ميشود و نگهبانانش به آنان ميگويند آيا رسولاني از بين خودتان بسويتان نيامدند و از چنين روزي هشدارتان ندادند؟ ميگويند چرا وليکن کلمه عذاب بر کافران فرود آمده است (71) به آنان گفته شود به درب هاي جهنم داخل شويد که در آن جاودان خواهيد بود که جايگاه متکبران چه بد است (72) و آنانکه از پروردگارشان پروا کردند نيز دسته دسته بسوي بهشت برده ميشوند . تا اينکه به آن برسند و درب هايش باز ميشود و نگهبانانش به آنان ميگويند سلام بر شما . خوشتان باد . داخل شويد که در آن جاودانيد (73) و ميگويند سپاس خدائي را که وعده اش را برايمان راست درآورد و آن زمين را به آساني بما داد که در بهشت هر جا که بخواهيم جاي بگيريم و پاداش عاملان چه نيكوست (74) و ملائکه را مي بيني که دوروبر عرش ميچرخند و خداوند را به ستايش تسبيح ميگويند ، و بين آنها به حق قضاوت ميشود ، و گفته ميشود ستايش از آن خداوند پروردگار جهانيان است (75)**

**سوره لقمان**

|  |
| --- |
| **درس: بشر غرق در نعمات الهي است. بهتر است از رفتارهاي كافرانه دوري گزيند و به رفتار پسنديده بگرايد.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**الم (1) اين آيات كتاب پر حكمت است (2) كه هدايت و رحمتي براي نيکوکاران است (3) آنآنکه نماز بپاميدارند و زکات ميدهند و به آخرت يقين دارند (4) آنان بر هدايتي از جانب پروردگارشان استوارند و همانها رستگارخواهند بود (5)**

**و از ميان مردم کساني هستند که خريدار سخنان بيهوده اند تا بدون علم مردم را از راه خدا گمراه کنند و آنرا به مسخره گيرند . آنان عذابي خوار کننده خواهند داشت (6) و هنگامي که آياتمان بر آنها خوانده ميشود با گردن فرازي چنان روي بر ميگردانند که انگار آنرا نشنيده اند . پس به عذابي دردناک مژده شان ده (7)** {آنآنکه ايمان آورده و عمل شايسته انجام داده اند بهشتهائي پر نعمت خواهند داشت (8) که در آن جاودانند . وعده خداوند حق است ، و همو پيروزمند فرزانه است}(9) **آسمانها را بدون ستونهائي که ببينيدشان آفريد و در زمين لنگرهائي انداخت تا مبادا شما را بلرزاند و از هر گونه جنبندگان در آن گسترد و از آسماني آبي فرستاديم و در آن از هر گونهء با ارزشي رويانديم (10) اين آفرينش خداست . پس نشانم دهيد** (خدایانِ) **غير از او چه چيزي آفريده اند؟ بلکه ظالمان در گمراهيي آشکارند (11)**

**و براستي آن حکمت را به لقمان داديم که شکر خدا کن و هر که شکر کند قطعا شکرش بنفع خود اوست و کسي که کفر ورزد البته خداوند بي نياز ستوده است (12) و بياد آر لقمان را که پسرش را پند ميداد و ميگفت پسرکم به خداوند شرک مورز زيرا که شرک ظلمي بزرگ است (13)** {و انسان را نسبت به والدينش سفارش کرديم که مادرش او را حامله شد و سستي پس از سستي کشيد و شير خوار گيش دو سال طول کشيد. (پس) مرا و والدين خويش را شکر کن وسرانجام بسوي من است (14) و اگر آنها با جد و جهد از تو خواستند که آنچه را که نسبت به آن علمي نداري با من شريک بگيري اطاعتشان مکن . و در اين جهان با آنان با رفتار پسنديده مصاحبت کن و راه کساني را در پيش گير که بسوي من است و آنگاه بازگشت آنها بسوي من خواهد بود و من شما را به آنچه انجام ميداديد خبر خواهم داد}(15) **پسرکم ! البته چنين است که اگر چيزي حتي باندازه دانه خردلي هم بوده و در صخره اي يا در آسمانها يا در زمين باشد خداوند مي آوردش . که خداوند دقيق و آگاه است (16) پسرکم ! نماز بپادار و به چيز هاي پسنديده فرمان ده و از چيز هاي ناپسند بازدار و بر آنچه بتو ميرسد صبوري کن که اين چيزها از تصميم** (محکم) **به انجام امور است (17) و چهره ات را براي مردم دژم مکن و با خود پسندي در زمين راه مرو ، که خداوند هيچ خود پسند فخر فروشي را دوست ندارد (18) و در روش خويش معتدل باش و از صدايت بکاه ، که ناپسند ترين صداها صداي خران است (19)**

**آيا نمي بينيد که خداوند آنچه را که در آسمانها و زمين است رام شما کرد و نعمتهاي آشکار و پنهانش را بر شما ريخت؟ و بعضي از مردم هستند که بدون علمي و هدايتي و کتاب نورافشاني درباره خداوند جدل مي کنند (20) و هنگامي که به آنان گفته شود از آنچه خدا فرستاده پيروي کنيد ميگويند** (نه) **بلکه از آنچه که نزد پدرانمان يافتيم پيروي مي کنيم . آيا حتي اگر شيطان بسوي عذاب سوزان هم دعوتشان کند؟ (21) و هر کس که روي بسوي خدا کند و نيکوکار نيز باشد به دستاويزي استوارتر چنگ زده و عاقبت همه امور بسوي خداوند است (22) و کسي که کفر ورزيد کفرش اندوهگينت نکند. بازگشت آنها بسوي ما است و خبر اعمالي را که انجام ميدادند به آنها ميدهيم ، که البته خداوند به حقيقت آنچه در دلها ميگذرد آگاه است (23) اندکي بهره مندشان مي کنيم سپس بسوي عذابي ناگوار ميرانيم (24)**

**و اگر از آنان بپرسي چه کسي آسمانها و زمين را آفريده با تاکيد خواهند گفت خدا. بگو ستايش مخصوص خداست . بلکه اکثرشان علم ندارند (25) آنچه در آسمانها و زمين است از آن خداست . البته خداوند بي نياز ستوده است (26) و اگر همه درخت هاي زمين قلم ميشد و آن دريا و هفت درياي ديگر هم مرکب ميشد** (شمارش) **کلمات خداوند تمام نمي شد . خداوند البته پيروزمند فرزانه است (27) آفرينش و بر انگيختن شما جز مانند** (آفرينش) **يکنفر نيست ، که خداوند شنواي بيناست (28) نمي بيني که خداوند شب را داخل روز مي کند و روز را داخل شب مي کند و آفتاب و ماه را رام کرده و هرکدام تا سر آمدي معين جريان دارند؟ و خداوند به آنچه مي کنيد آگاه است (29)** {اين به آن خاطر است که خداوند خود حق است و آنچه را که غير از او ميخوانند باطل است و خداوند بلند مرتبه باعظمت است}(30)  **آيا نمي بيني که کشتي در دريا به نعمت او روان است تا از نشانه هاي او به شما بنماياند؟ البته در اين براي هر صبر پيشه شکر گزاري نشانه ها است (31)** {و هنگامي که موجي بزرگ سايه بان مانند آنها را فراگيرد ، از روي اخلاص خداوند را صدا ميزنند . اما همينكه آنان را به سوي خشکي نجات داد ، (فقط) بعضي شان معتدل خواهند بود . و نشانه هاي ما را جز عهد شکنان کفران پيشه انکار نمي کنند (32) اي مردم! از پروردگار خويش پروا کنيد . و از روزي بترسيد که نه پدر ميتواند براي فرزندش کاري کند و نه فرزند براي پدر . وعده خداوند حق است. پس مبادا زندگي دنيا فريبتان دهد ، و مبادا آن فريبكار درباره خداوند فريبتان دهد}(33) **علم قيامت نزد خداوند است . و همو باران را ميفرستد . و ميداند در رحم ها چيست . و کسي نميداند فردا چه بدست مي آورد . و کسي نميداند در کدام زمين خواهد مرد . البته خداوند داناي آگاه است (34)**

**سوره عنکبوت**

|  |
| --- |
| **درس: اي پيامبر! در مقابل ناملايمات صبر كن. تو و قومت نجات خواهيد يافت.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**الم (1) آيا مردم گمان کرده اند که به صِرف اينکه بگويند ايمان آورده ايم رهايشان مي کنيم و امتحان نميشوند؟(2)** { و البته پيشينيانشان را آزموديم و خداوند آنان را که راست ميگويند از آنانکه دروغ ميگويند مشخص خواهد کرد}(3) **آيا آنآنکه کارهاي زشت مي کنند گمان کرده اند از ما جلو مي افتند؟ چه بد حکم مي کنند (4)** {هر کس که آرزوي ملاقات خداوند را دارد (بداند که) سرآمد خداوند حتما مي آيد و همو شنواي داناست (5) و کسي که کوشش کند جز اين نيست که بنفع خويش کرده ، که خداوند از جهانيان بي نياز است (6) و کساني که ايمان آورده و کارهاي شايسته کرده اند بديهايشان را ميپوشانيم و پاداش آنها را براي بهترين کاري که ميکرده اند ميدهيم}(7)

{و به انسان سفارش والدين او را کرده ايم که به آنان نيکي کند ، و اگر کوشيدند چيزي را که به آن علم نداري با من شريک کني اطاعتشان مکن . بازگشتگاه شما بسوي من است . آنگاه شما را به آنچه انجام ميداديد آگاه ميكنيم (8) و کساني را که ايمان آورده و عمل صالح کرده اند در گروه صالحان داخلشان مي کنيم}(9)

**و از مردم کساني هستند که ميگويند به خداوند ايمان آورده ايم اما هنگامي که درباره خداوند دچار اذيتي شدند ، اذيت مردم را همطراز عذاب خدا ميگيرند ، اگر ياريي از جانب پروردگارت بيايد خواهند گفت با شما بوديم . آيا خداوند درباره آنچه که در دل جهانيان ميگذرد دانا تر نيست؟(10) و خداوند مومنان را از منافقان مشخص خواهد کرد (11) و آنانکه کفر ورزيدند به مومنان خواهند گفت راه ما را پيروي کنيد و ما نيز حتما** (بار) **خطاهاي شما را حمل خواهيم کرد . آنها حمل کننده هيچ** (بار) **خطائي از آنان نخواهند بود والبته آنها دروغگويند (12) و حتما** (بارهاي) **سنگين خودشان و بارهاي سنگين ديگر را با مال خودشان حمل خواهند کرد و روز قيامت درباره آن افترائي که ميزدند باز خواست خواهند شد (13)**

**و البته نوح را بسوي قومش فرستاديم كه در ميان آنان پنجاه سال كمتر از هزار سال ماند . پس طوفان درگرفتشان و آنها ظالم بودند (14) اما او و اهل آن کشتي را نجات داديم و آنها را آيتي براي جهانيان نموديم (15) و ابراهيم نيز وقتي که به قومش ميگفت خداوند را عبادت و از او پروا کنيد ، اين برايتان بهتر است اگر دانا باشيد (16) آنچه را که بجز خدا عبادت ميکنيد جز بت هائي نيستند و دروغي ميسازيد . و مالک روزيي براي شما نيستند . روزي را نزد خدا بجوئيد و او را عبادت نموده و او را شکر کنيد ، و بسوي او بازميگرديد (17)** {و اگر تکذيب مي کنيد امت هاي قبلي نيز تکذيب کردند و چيزي جز رساندن آشکار بر عهده فرستاده نيست (18) آيا نمي بينند که چگونه خداوند آفرينش را شروع ميکند و آنگاه ادامه اش ميدهد؟ اين براي خداوند آسان است (19) بگو در زمين بگرديد ، تا ببينيد چگونه آفرينش را شروع کرده ، آنگاه خداوند مرحله آخرت را ايجاد خواهد کرد ، كه او بر هر چيزي تواناست (20) هر کس را بخواهد عذاب مي کند و هر کس را بخواهد مي بخشد، و بسوي او باز ميگرديد (21) و شما در زمين (خداوند را) عاجز نخواهيد کرد و در آسمانها هم همينطور و جز خداوند هيچ سرپرست و ياريگري نداريد (22) و آنانکه به آيات خدا و ملاقاتش کفر ورزيدند از رحمت من مايوسند و عذابي دردناک خواهند داشت}(23) **جواب قوم او جز اين نبود که گفتند بکشيدش يا آتشش بزنيد و خداوند نجاتش داد . البته در اين براي قومي که ايمان دارند آيتهائي است (24) و گفت جز اين نيست که شما غير از خداوند بتهائي برگرفته ايد که در زندگي دنيا بين شما دوستي برقرار کنند سپس روز قيامت بعضي تان به بعض ديگر کفر ميورزد و يکديگر را لعنت مي کنيد ، و جايگاهتان آتش است و هيچ ياريگري نداريد (25) و لوط به او ايمان آورد و گفت من مهاجري بسوي پروردگارم هستم که او پيروزمند فرزانه است (26) و به او اسحق و يعقوب را داديم و در فرزندانش نبوت و کتاب گذارديم و در دنيا هم پاداشش داديم و در آخرت نيز از شايستگان است (27) و لوط آن هنگامي که به قومش گفت آيا آن كار زشت را مي کنيد که قبل از شما هيچيک از اهل جهان به آن رو نکرده؟(28) آيا با مردان مي آميزيد ، و راه را قطع ، و در انجمن خويش کارهاي زشت مرتکب ميشويد؟ اما جواب قومش جز اين نبود که گفتند عذاب خدا را بياور اگر از راستگوياني (29) گفت خداوندا مرا بر مفسدان ياري کن (30) و هنگاميکه فرستادگانمان با آن مژده به ابراهيم در آمدند گفتند ما هلاک کننده اهل اين شهريم ، زيرا که اهل آن ظالم شده اند (31) گفت لوط در آن است . گفتند بهتر ميدانيم چه کسي در آن است . البته او و خاندانش را حتما نجات خواهيم داد ، مگر زنش را که از ماندگان است (32) و هنگاميکه فرستادگان ما به لوط رسيدند از ديدن آنان دژم و اوضاع بر او تنگ شد . گفتند مترس و اندوهگين نيز مباش که ما تو و خاندانت را نجات خواهيم داد ، غير از زنت را که از ماندگان است (33) ما بر اهالي اين شهر بعلت آن گناهي که ميکردند عذابي از آسمان فرود خواهيم آورد (34) و البته در آن براي قومي که تعقل مي کنند نشانه اي آشکار بجا گذاشتيم (35) و بسوي مدين نيز برادرشان شعيب را فرستاديم . گفت اي مردم خدا را عبادت کنيد و اميد روز آخرت را داشته باشيد و در زمين فساد برنيانگيزيد (36) ولي تکذيبش کردند و آن لرزه آنها را بگرفت و در خانه هايشان از پا افتادند (37) و همچنين** (است داستان) **قوم عاد و ثمود. و** (اين) **برايتان از سکونتگاه هايشان آشکار است . و شيطان اعمالشان را برايشان آراست ، و ازراه بازشان داشت درحاليکه** (بهحقايق) **بينا بودند (38) و قارون و فرعون و هامان که موسي با نشانه هاي روشن بسويشان آمد اما در زمين سركشي كردند و پيروز هم نشدند (39) پس هر کدام را به گناهش برگرفتيم . بر بعضي از آنها سنگ فرستاديم ، و بعضي شان را صداي بسيار بلند بگرفت ، و بعضي را به زمين فرو برديم ، و بعضي را غرق کرديم . و اينطور نبود که خداوند ظلمشان کند وليکن برخويش ظلم ميکردند (40)**

**مثال آنانکه سرپرستاني به غير از خدا برگرفته اند مانند عنکبوت است که خانه اي برگرفته ، و البته سست ترين خانه ها خانه عنکبوت است اگر بدانند (41) البته خداوند نسبت به آنچه بجز او را به عبادت مي­خوانند داناست و همو دست نيافتنيِ صاحب حکمت است (42) و مثل ها را اينطور براي مردم ميزنيم اما غير از عالمان آنرا به عقل در نمي يابند (43) خداوند آسمانها و زمين را به حق آفريد . البته در آن نشانه اي براي مومنان است (44)**

**آنچه را که از آن کتاب برتو وحي شده تلاوت کن و نماز بپادار زيرا که نماز از کارهاي بسيار زشت و ناپسند باز ميدارد و البته ياد خدا بزرگتر است . و خداوند ميداند چه ميكنيد (45) و با اهل کتاب مگر به بهترين حالت مجادله نكنيد ،** غيراز کساني از آنآن که ظلم کردند . **و بگوئيد به آنچه بر ما نازل شده و آنچه به شما نازل شده ايمان آورديم و خداي ما و خداي شما يکي است و ما تسليم او هستيم (46) و آن کتاب را چنين بر تو نازل کرديم لذا آنان که کتابشان داديم به آن باور دارند . و از اينها نيز کساني به آن باور دارند . و غير از کافران هيچکس آياتمان را انکار نمي کند (47) و تو قبل از آن هيچ کتابي نمي خواندي ، و با دستت چيزي نمي نوشتي ، زيرا در آنصورت تباه انديشان بد گمان ميشدند (48) بلکه آنها آياتي است که در دلهاي کساني که علم به آنان داده شده دلايل روشن دارد . و جز ظالمان آياتمان را انکار نمي کنند (49)**

**ميگويند چرا معجزاتي از جانب پروردگارش بر او نازل نميشود؟ بگو جز اين نيست که معجزات نزد خداست و من فقط هشدار دهنده اي آشکارم (50)**  و{ آيا همين برايشان کافي نيست که آن کتاب را بر تو نازل کرديم که بر آنان خوانده ميشود؟ البته در اين رحمتي و پندي براي مومنان است}(51) **بگو خداوند براي گواهي بين من و شما کافيست . آنچه را که در آسمانها و زمين است ميداند . و کساني که به باطل ميگروند و به خدا کفر ميورزند زيانکارند (52) و آن عذاب را به عجله از تو ميخواهند و اگر سرآمدي معين نبود البته برآنان در مي آمد و بطور ناگهاني بر آنان در خواهد آمد و متوجه نخواهند بود (53)** {آن عذاب را به عجله از تو ميخواهند و البته جهنم فراگير کافران است (54) روزي که آن عذاب از بالايشان و از زير پاهايشان آنها را فرا گيرد و گويد بچشيد آنچه را که انجام ميداديد}(55)

**اي بندگانم که ايمان آورده ايد ! زمينم وسيع است ، پس فقط مرا عبادت کنيد (56)** {هر کسي چشنده مرگ است. آنگاه بسوي ما بازگردانده ميشويد}(57)  **و کسانی را که ايمان آورده و عمل شايسته کرده اند از آن بهشت در اتاقهائي جايشان ميدهيم که نهرها از کف آن جاري است که در آن جاودانند . پاداش عاملان چه خوب است (58)** {همانها که پايداري کردند و بر پروردگارشان توکل نمودند (59) و چه بسا جنبندگاني که روزيشان را هم حمل نمي (توانند) کنند . خداوند است كه روزيشان ميدهد . به شما هم همينطور . و همو شنواي داناست}(60)

**و اگر از آنها بپرسي آسمانها و زمين را چه کسي آفريد و خورشيد و ماه را چه کسي رام کرد حتما خواهند گفت خداوند . پس به کجا به خطا منحرف ميشوند؟(61) خداوند است که روزي را براي هر کس از بندگانش که بخواهد باز ميکند يا به اندازه ميدهد ، که خداوند به همه چيز داناست (62) و اگر از آنها بپرسي چه کسي از آسمان آبي ميفرستد و بوسيله آن زمين را پس از مرگش زنده ميکند خواهند گفت خداوند . بگو سپاس خداوند را سزاست . اما اکثرشان عقل بکار نميبرند (63)** {و اين زندگي دنيا جز بازيي و سرگرميي نيست ، و آخرت ، اگر بدانند ، زندگي (واقعي) است}(64)  **و هنگامي که به کشتي سوار شوند خداوند را با اخلاص به دعا ميخوانند . اما وقتيکه بسوي خشکي نجاتشان داد فورا به شرک ميگرايند (65) تا آنچه را که که به آنان داديم کفران کنند و برخوردار شوند ، اما بزودي خواهند دانست (66) آيا نمي بينند که ما حرم امني قرار داديم و** (ساير) **مردم از دور و بر آن ربوده ميشوند؟ آيا به باطل ايمان مي آورند و به نعمت خداوند کفر ميورزند؟(67) و چه کسي ظالم تر است از کسي که به خدا افتراي دروغ بندد؟ و يا حق را وقتي که بسويش آمد تکذيب کند؟ آيا در جهنم جايگاهي براي کافران نيست؟(68) و آنانکه در** (راه) **ما کوشش نمايند ، آنها را به راه هاي خويش هدايت خواهيم کرد. و البته خداوند با نيکوکاران است (69)**

**سوره نحل**

|  |
| --- |
| **درس: اي مردم نعمات خدا را بياد آوريد و مسير صحيح را در پيش گيريد تا به سعادت دو جهان برسيد.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**امر خدا آمد ، پس به عجله نخواهيدش . منزه و بالاتر است از آنچه با او شريک مي کنند (1) ملائکه را با روحي از امر خويش بر کساني از بندگانش که مي پسندد ميفرستد که هشدار دهيد که خدائي جز من نيست . و از من پروا کنيد (2) آسمانهاو زمين را به حق آفريد . بالاتر است از آنچه با او شريک مي کنند (3) انسان را از نطفه اي آفريد . آنگاه ، همو ، ستيزه گري آشکار است (4) و چارپايان را آفريد كه شما در آنها** (پوشش) **و منافع ديگر داريد و از آنها ميخوريد (5)** {و در آنها زيبائيي داريد ، وقتيکه از چراگاه مي آيند و وقتيکه به سوي آن ميروند (6) و بارهاي شما را بسوي شهري که جز به دشواري به آن نميرسيد ، حمل ميكنند که پروردگارتان رئوف و مهربان است (7) و اسبها و قاطرها و الاغ ها که سوارشان ميشويد و مايه زينت هستند و} **نيز چيزهائي را که نميدانيد مي آفريند (8) راه معتدل بر عهده خداست و** (غير) **از آن بيراهه است و اگر ميخواست همگي تان را هدايت ميکرد (9) هموست که از آسمان برايتان آبي فرستاد ، که از آن نوشيدنيي است و نيز روئيدنيي که در آن مي چرانيد (10)** {بوسيله آن برايتان زراعت و زيتون و خرما و انگور و همه ميوه ها را ميروياند . كه در آن آيه اي براي متفکران است}(11)  **و شب و روز و آفتاب و ماه را برايتان رام کرد و ستارگان به امر او رام هستند ، كه در اين آياتي براي عاقلان است (12) و آنچه در زمين برايتان آفريد رنگارنگ است . كه در اين آياتي براي پند پذيران است (13) و هموست که دريا را رام کرد تا از آن گوشتي تازه بخوريد و زينتي که بپوشيد استخراج کنيد . و کشتي را مي بيني که آب را مي شکافد و تا از فضل او** (روزيتان را) **جستجو کنيد و شايد شکر بگزاريد (14) و در زمين لنگرهائي درانداخت که مبادا شما را بلرزاند و رودها و راه هائي** (قرار داد) **شايد هدايت يابيد (15) و علامت هائي** (پديد آورد) **و بوسيله ستارگان هدايت مي يابند (16) آيا کسي که مي آفريند مانند کسي است که نمي آفريند؟ آيا پند نمي گيريد؟(17) و اگر نعمتهاي خدا را شماره کنيد ، نميتوانيد آنها را به شمار آوريد . البته خداوند آمرزگار مهربان است (18) و خداوند آنچه را که پنهان مي کنيد و يا آشکار ميکنيد ميداند (19) و آنانکه غير از خدا را ميخوانند** (بدانند کهآنها) **چيزي نمي آفرينند بلکه خودشان مخلوقند (20) مردگاني غير زنده . و نميدانند چه موقع برانگيخته خواهند شد (21)**

**خداي شما خدائيست واحد . پس کساني که به آخرت ايمان ندارند ، قلوبشان انکار گر است و سركشي ميكنند (22) البته خداوند آنچه را که پنهان مي کنند و آنچه را آشکار مي کنند ميداند البته او سركشان را دوست ندارد (23)** {و وقتي که به آنها گفته ميشود پروردگارتان چه فرستاده ميگويند افسانه هاي پيشينيان است (24) تا بارهاي خود را در روز قيامت بطور کامل بر دارند و نيز قسمتي از بارهاي کساني را که بدون علم گمراهشان کرده اند . توجه کنيد ، بدباري است که بر ميدارند}(25) **پيشينيان آنان نيز نيرنگ کردند . پس خداوند نيز بنيان آنها را بركند و سقف بر آنان فرود آمد و عذاب از جائي که فکرش را نميکردند به سراغشان آمد (26)**

**آنگاه در روز قيامت خوارشان ميکند و ميگويد آن شريکانم که در مورد آنها بسختي مخالفت ميکرديد کجا هستند؟ صاحبان علم ميگويند امروز خواري و بدي عليه کافران است (27)**  {همان کساني که به خويش ظلم ميکنند ، و وقتي ملائکه (جانشان را) ميگيرند، از در تسليم درمي آيند و ميگويند ما هيچ کار بدي نميکرديم ، بلي ، خداوند ميداند چه ميکرده ايد (28) پس داخل درب هاي جهنم شويد که در آن جاودانيد و جايگاه متکبران چه بد است}(29)  **و به کساني که تقوا پيشه کرده بودند گفته ميشود پروردگارتان چه نازل کرده؟ ميگويند خوب . براي کسانيکه نيکي کردند ، در اين جهان** (پاداش) **نيکي خواهد بود و خانه آخرت بهتر است و سراي اهل تقوا چه نيکوست (30)** بهشتهائي جاودان که داخلش ميشوند . در آن هر چه بخواهند خواهند داشت . خداوند تقوا داران را اينطور پاداش ميدهد (31) همان ها که ملائکه (جان) آنها را (در حاليکه) پاکيزه (هستند) ميگيرند و به آنها ميگويند سلام بر شما داخل بهشت شويد بسبب آنچه انجام ميداديد (32) **آيا منتظر چيزي غير از آمدن ملائکه يا آمدن امر پروردگارت هستند؟ پيشينيان آنها نيز چنين کردند و خدا به آنها ظلمي نکرد بلکه خودشان به خويش ظلم ميکردند.(33)** و بدي هاي اعمال زشتي که ميکردند به آنان رسيد و آنچه را که مسخره ميکردند بر سرشان فرود آمد (34)

**و مشرکان ميگويند اگر خدا نميخواست ، نه ما و نه نياکان ما هيچ چيزي را با او شريک نميکرديم ، و چيزي را هم حرام نمي نموديم . پيشينيان آنها نيز چنين ميکردند . مگربرعهده پيامبران چيزي غير از رساندن آشکار هست؟(35) و البته در هر امتي ، رسولي برانگيختيم که خداوند را عبادت کنيد و از طاغوت دوري کنيد . از آنها کساني را خداوند هدايتشان کرد و کساني به گمراهي دچار شدند . پس در زمين بگرديد و ببينيد عاقبت تکذيبگران چه شد (36)**  {اگر چه بر هدايت آنها حريص هستي اما خداوند کسي را که گمراه کرده هدايت نمي کند و ياوري نخواهند داشت (37)  **و سخت ترين قسم هاي خويش را خوردند که خداوند کسي را که مرده ، زنده نمي کند . بلي ، وعده ايست که بر عهده اوست و ليکن اکثر مردم نميدانند (38)** {تا برايشان آنچه را که در موردش اختلاف ميکردند آشکار کند و تا کافران بدانند که دروغ ميگفتند (39) جز اين نيست که گفتار ما به چيزي وقتي که اراده اش کرديم ، اين است که بگوييم باش پس خواهد شد}(40)

**و کساني که پس از ظلمي که ديده اند در راه خدا مهاجرت کنند آنها را در اين جهان بخوبي جاي خواهيم داد و پاداش آخرت بزرگتر است اگر بدانند (41)** {همانها که صبر کردند و بر پروردگار خويش توکل نمودند }(42)

**و قبل از تو کسي را نفرستاديم مگر مرداني که بسويشان وحي ميكرديم پس از اهل ذکر بپرسيد اگر خودتان نميدانيد (43) با دلايل روشن و نوشته ها ، و آن ذکر** (قرآن) **را نيز بسوي تو فرستاديم تا براي مردم بيان کني چه براي آنان فرستاده ايم و شايد تفکر کنند (44)**

**آيا آنهائي که توطئه هاي بد نمودند ايمن هستند از اينکه زمين آنها را فرو ببرد يا اينکه عذاب از جائي که به فکرشان نميرسد بسويشان بيايد؟(45) يا اينکه هنگام رفت و آمدشان آنها را بگيرد و نتوانند کاري کنند؟(46) يا اينکه آنان را در حال ترس ، فرو بگيرد؟ و البته پروردگارتان رئوف و مهربان است (47) آيا نديدند چيزهائي را که خداوند آفريده ، سايه شان از راست و چپ سجده کنان و با اظهار کوچکي مي آيند؟(48) و آنچه در آسمانها و زمين است اعم از جنبندگان و ملائکه ، براي خداوند سجده مي کنند و سركشي ندارند (49) از پروردگارشان که فوقشان است ميترسند و به آنچه مامورند عمل ميکنند (50)**

**و خداوند گفت دو خدا نگيريد . جز اين نيست که او خدايي است يگانه . و فقط از من پروا کنيد (51) و آنچه در آسمانها و زمين است از آن اوست و قيامتِ دردناک نيز از آن اوست . پس ، آيا از غير او پروا ميکنيد؟(52) و هر نعمتي که داريد از خداست . و هنگاميکه ناراحتي به شما برسد بسوي او ناله درد آلود سر ميدهيد (53)** {آنگاه که ناراحتي را از شما برطرف کرد فورأ عده اي از شما براي پروردگارشان شريک ميگيرند (54) تا نسبت به آنچه که به آنان عطا کرده ايم کفران ورزند . پس برخوردار شويد و بزودي خواهيد دانست (55) و از آنچه روزيشان کرديم ، براي چيزي که نميدانند ، نصيبي قرار دادند . به خدا قسم حتمأ درباره آنچه که افترا مي بنديد از شما باز خواست خواهد شد (56) و براي خداوند دختران قرار ميدهند . منزه است . و براي خودشان آنچه که دلشان ميخواهد (قرار ميدهند) (57) و هنگامي که به يکي آنها مژده دختر داده شود رويش سياه ميشود و اندوه خود را فرو ميخورد (58) از بدي مژده اي که به او داده شده از قوم خويش متواري ميشود (ودر فکر است که) آيا او را با خواري نگه دارد يا در زير خاک پنهانشکند؟ چه زشت است حکمي که مي کنند (59)  **براي آنها که به آخرت ايمان ندارند مثل زشت و براي خداوند مثل بالاتر است و همو پيروزمند حکيم است (60)**

**و اگر قرار باشد خداوند مردم را بسبب ظلمشان بگيرد ، روي آن** (زمين) **هيچ جنبنده اي نخواهد ماند وليکن آنها را تا سرآمدي معين مهلت ميدهد . پس هنگامي که سرآمدشان سررسيد ، نه ساعتي تأخير خواهند داشت و نه جلو خواهند افتاد (61) و چيزي را که خودشان بدشان مي آيد به دروغ به خدا نسبت ميدهند و به دروغ چنين ميگويند که آن چيزِ خوب براي آنان است . چاره اي ندارند جز اينکه آتش از آن آنان است و بسوي آن با سرعت رانده ميشوند (62) به خدا قسم البته بسوي اقوام قبل از تو نيز** (رسولاني) **فرستاديم اما شيطان اعمالشان را برايشان آراست . و در آنروز همو سرپرست آنهاست و عذابي دردناک خواهند داشت (63) و اين کتاب را بر تو نازل نکرديم مگر براي اينکه برايشان آنچه را که در آن اختلاف پيدا کرده اند بيان کني و نيز هدايت و رحمتي براي مومنان باشد (64) و خداوند از آسمان آبي فرستاد و بوسيله ان زمين را پس از مرگش زنده کرد . البته در اين آياتي است براي کساني که مي شنوند (65) و براي شما درباره چارپايان عبرتي است: از آنچه در شکمهاي آنهاست به شما مي نوشانيم و از ميان سرگين و خون شيري خالص و گوارا براي نوشندگان دارند (66) و از ميوه هاي نخلستان ها و تاکستان ها روزيي نيکو و مايه مستي ميگيريد که البته در اين آيتي براي خرد ورزان است (67) و پروردگارت به زنبور عسل وحي کرد که از کوهها و درختان و آنچه برمي افرازند خانه بگزين (68) سپس از همه نوع ميوه جات بخور و به راه هاي پروردگارت به رامي روان باش . آنگاه از شکمهاشان نوشابه اي به رنگهاي گوناگون خارج ميشود که در آن براي مردم شفاست . که البته در اين آيتي براي انديشمندان است (69) و خداوند شما را آفريد ، آنگاه شما را بطور کامل دريافت مي کند ، و بعضي از شماها** (آنقدر عمر ميکند که) **به پائين ترين درجات زندگي ميرسد . آنقدر که پس از دانايي به جائي ميرسد که چيزي نداند . که خداوند البته داناي قدرتمند است (70) و خداوند بعضي از شما را از لحاظ روزي بر بعضي ديگر برتري داد . پس آنانکه برتر شدند روزي شان را بر مملوکشان تقسيم نمي کنند که با آنان مساوي شوند . آيا نعمت خدا را انکار مي کنند؟(71) و خداوند از خودهاتان برايتان جفتهائي قرار داد و برايتان از جفتهاتان اولاد و ياوراني قرار داد و شما را از چيزهاي دلپسند روزي داد . آيا به باطل ايمان آورده و به نعمت خدا کافر ميشوند؟(72)**

**و غير از خداوند عبادت کساني را ميکنند که از آسمانها و زمين اختيار روزيي را براي آنان ندارند و نه ميتوانند داشته باشند (73) پس براي خداوند مثل نزنيد . خدا ميداند و شما نميدانيد (74) خداوند مثلي ميزند: بنده مملوکي که قدرت بر چيزي ندارد و کسي که از جانب خويش روزيي نيکو به او داده ايم و او آشکار و پنهان از آن انفاق ميکند ، آيا اينها مساويند؟ سپاس خداي را . بلکه اکثرشان نميدانند (75) و خداوند مثلي ميزند: دو نفر که يکي شان لال است و بر چيزي قادر نيست و سربار سرور خويش است و به هر طرف که رو ميکند خيري نمي آورد آيا او با کسي که به عدل فرمان ميدهد و بر صراط مستقيم است مساويست؟(76) و علم غيب آسمانها و زمين از خداوند است و امر قيامت جز مانند چشم بر هم زدن نيست . بلکه از آن هم نزديکتر است . خداوند بر هر چيزي تواناست (77) و خداوند شما را از شکمهاي مادرانتان بيرون آورد و چيزي نميدانستيد و براي شما گوش و چشمها و دلها قرار داد شايد شکر کنيد (78) آيا پرندگان را در جّو آسمان که رام** (قدرت او) **هستند نديدند؟ چيزي آنها را جز خداوند نگه نميدارد . البته در آن براي مومنان آياتيست (79) و خداوند برايتان از خانه هاتان وسيله آرامشي قرار داد و همچنين از پوست چارپايان خانه هائي قرار داد که در سفر و حضر سبک و مناسب باشد و از پشم ها و کرک ها و موهاي آنها اثاثي و وسيله برخورداريي تا مدتي قرار داد (80) و خداوند از آنچه آفريد برايتان سايه بان هائي قرار داد و برايتان از کوه ها چيزهائي قرار داد که خود را ميپوشانيد و برايتان پيراهن هائي قرار داد که شما را از سختي تان** (هنگام جنگ) **حفظ ميکند . چنين است که خداوند نعمتش را بر شما تمام ميکند شايد تسليم** (حق) **شويد (81) پس اگر روي بر گرداندند جز رساندني آشکار بر عهده تو نيست (82) نعمت خدا را مي شناسند و آنگاه انکارش مي کنند و اکثرشان کافرند (83)**

**و روزي که از همه اقوام شاهدي برانگيزيم آنگاه به کافران نه اجازه چيزي داده ميشود و نه اينکه عذر خواهي کنند (84) و هنگامي که ظالمان عذاب را ببينند نه تخفيفي خواهند داشت و نه مهلتي خواهند يافت (85) و هنگامي که مشرکان آنهائي را که شريک گرفتند ببينند گويند پروردگارا اينها کساني هستند که شريکشان گرفتيم و آنها را به جاي تو ميخوانديم . پس آن گفتار بر آنها فرود مي آيد که شما ها دروغگوئيد (86) و در آن روز تسليم خداوند ميشوند و آنچه بر او افترا مي بستند از آنها محو ميشود (87) آنانکه کفر ورزيدند و از راه خدا بازداشتند عذابي به عذابشان مي افزائيم براي آن فسادي که ميکردند (88) و روزي که در هر قومي گواهي از خودشان بر آنها برانگيزيم و تو را نيز بعنوان گواه بر اينها بياوريم . و اين کتاب را بر تو نازل كرديم تا بيان کننده همه چيز و هدايـت و رحمتي و مژده اي براي تسليم شدگان باشد (89)**

**خداوند به عدل و احسان و بخشش به خويشان فرمان ميدهد و کارهاي زشت و ناپسند و تجاوز را غدغن ميکند . خداوند موعظه تان ميکند شايد پند گيريد (90) و به عهد خدا وقتي که عهد کرديد وفا کنيد و قسم ها را پس از تأکيد بر آنها نشکنيد ، در حاليکه خداوند را نیز بر خود گواه قرار داده ايد ، که خداوند به آنچه ميکنيد داناست (91) و مانند آن زن مباشيد که رشته خويش را پس از تابيدن پراکنده و گسيخته ميکرد . قسم هايتان را بين خودتان سبب اين قرار ميدهيد که گروهي بيش از ديگري باشد . جز اين نيست که خداوند بوسيله آن** (قسمها) **آزمايشتان ميکند و براي شما در روز قيامت آنچه را که در آن اختلاف مي ورزيديد بيان خواهد نمود (92) و اگر خدا ميخواست شما را مانند هم قرار ميداد ، و ليکن هر که را بخواهد گمراه ميکند و هر که را بخواهد هدايت ميکند ، و حتمأ راجع به آنچه انجام ميدهيد باز خواست خواهيد شد (93) و قسم هايتان را بين خودتان وسيله دغل قرار ندهيد تا قدمي را بعد از محکمي بلغزانيد ، و بسبب آنچه که از راه خدا بازداشتيد بدي بچشيد ، و عذاب عظيم داشته باشيد (94) و عهد خدا را به قيمتي ناچيز مفروشيد ، جز اين نيست که آنچه نزد خداست برايتان بهتر است اگر بدانيد (95) آنچه نزد شماست تمام ميشود و آنچه نزد خداست ميماند و البته پاداش کساني را که صبر نمودند به بهترين وجهي ميدهيم (96) هر کس ، چه زن باشد و چه مرد ، اگرعمل صالح کند و مومن باشد ، البته او را به زندگيي دلپسند زنده ميداريم و پاداشش را بهتر از آنچه که بسبب عملش سزاوارش شده ميدهيم (97)**

**هنگامي که قرآن ميخواني ، از شر شيطان رانده شده به خدا پناه بر (98) كه او تسلطي بر مومناني که بر پروردگارشان توکل ميکنند ندارد (99) جز اين نيست که تسلط او بر کساني است که تسلط او را ميپذيرند و نيز کساني که با خداوند شريک قرار ميدهند (100) و هنگامي که آيه اي را تبديل به آيه اي ديگر کنيم در حاليکه خداوند آنچه را نازل ميکند ، بهتر ميشناسد ، ميگويند جز اين نيست که تو مفتري هستي . نه ! بلکه اکثرشان علمي ندارند (101) بگو آنرا روح القدس به حق از جانب پروردگارت نازل کرده تا مومنان را ثابت قدم کند و مژده اي براي مسلمانان باشد (102) و البته ميدانيم که با تاكيد ميگويند بشري به او ياد ميدهد . زبان کسي که اين اشاره را به او ميکنند عجمي است . و اين قرآن به زبان عربي آشکار است (103)**

**آنآنکه به آيات خدا ايمان نمي آورند خداوند هدايتشان نمي کند و عذاب دردناک خواهند داشت (104)** {جز اين نيست: فقط کساني به خداوند دروغ مي بندند که به آيات خدا ايمان ندارند و خودشان دروغگويند (105) كسي كه پس از ايمان به خداوند دوباره به او كفر ورزد و دلش را براي كفر گشاده گرداند غضبي از جانب خداوند بر او خواهد بود و عذابي عظيم خواهد داشت مگر اينكه مجبور به (اظهار) كفر شده ، و قلبش به ايمان مطمئن باشد (كه وضع او فرق خواهد داشت)}(106) **اين به آن سبب است که آنان زندگي دنيا را به آخرت ترجيح ميدهند و خداوند کافران را هدايت نمي کند (107)** {آنها کساني هستند که خداوند بر قلبهاشان و گوششان و چشمهاشان مهر زده و آنها غافلند (108) چاره اي نيست جز اينکه آنها در آخرت زيانکارند}(109)  **سپس پروردگارت نسبت به کساني که پس از ناراحتي هائي که دچار شدند مهاجرت کردند و سپس جهاد کردند و صبر نمودند البته حتمأ آمرزگار مهربان است (110)**

**روزي مي آيد که هر کس گرفتار دفاع از خويشتن است و به هر کس هر چه کرده بطور کامل داده شده و هيچ ظلمي به آنان نميشود (111) و خداوند شهري را مثل ميزند که امن و مطمئن بود و روزيش به فراواني از همه جا ميرسيد آنگاه به نعمت هایش کفران ورزيدند و او نيز بسبب اعمالشان لباس گرسنگي و ترس بر آنها پوشانيد (112) و پيامبري از خودشان بسويشان آمد اما تکذيبش کردند و عذاب بگرفتشان در حاليكه ظالم بودند (113) پس ، از آنچه خداوند از چيزهاي حلال و دلپسند روزيتان کرده بخوريد ، و نعمتش را شکر گوئيد ، اگر فقط او را عبادت مي کنيد (114) جز اين نيست که مردار و خون و گوشت خوک و آنچه اسم غير خدا بر آن بخوانند بر شما حرام است . البته اگر کسي ناچار شد ، در صورتيکه زياده روي و تجاوز نكند ، البته خداوند آمرزگار مهربان است (115) و به هر چه به زبانتان ميرسد به دروغ نگوئيد اين حلال و اين حرام است تا به خدا دروغ بسته باشيد . کساني که به خدا دروغ بندند رستگار نخواهند شد (116) برخورداريي اندک است و عذابي دردناک خواهند داشت (117) و آنچه را قبلا برايت گفتيم بر يهوديان حرام کرديم و به آنها ظلم نکرديم بلکه خودشان به خويش ظلم کردند (118) البته پروردگارت نسبت به کساني که از روي جهالت کار زشتي نموده و سپس توبه کرده و اصلاح نمودند ، آمرزگار مهربان است (119)**

**ابراهيم خودش يک امت بود که در مقابل خداوند فروتن و يکتاپرست بود و از مشرکان نبود (120) در مورد نعمتهايش نيز شکرگزار بود که برگزيدش و به سوي جاده مستقيم هدايتش نمود (121) و در دنيا به او نيکي داديم و در آخرت نيز از صالحان خواهد بود (122) آنگاه بتو وحي کرديم که دين ابراهيم را پيروي کن که يکتاپرست بود و از مشرکان نبود (123) جز اين نيست که** (حکم) **شنبه عليه کساني قرار داده شد که در آن اختلاف کردند و پروردگارت در قيامت درباره اختلافشان حکم خواهد نمود (124) به راه پروردگارت با حکمت و موعظه نيکو دعوت کن و با آنها به بهترين روش مبارزه کن . پروردگارت بهتر ميداند چه کسي از راهش منحرف شده و همو هدايت يافتگان را بهتر ميشناسد (125) و اگر پيگيري ميکنيد ،** (فقط) **نظير آن آسيبي که ديده ايد** (پیگیری کنید) **و اگر صبر کنيد ، البته براي صابران بهتر است (126) و صبر کن و صبر تو جز به** (ياري) **خداوند نيست و برايشان اندوهگين مباش و درباره نيرنگهائي هم که ميزنند دلتنگ مباش (127) البته خداوند با تقوا داران است و نيز با کساني است که نيکوکارند (128)**

**سوره فاطر**

|  |
| --- |
| **درس: خداوند نظام جهان را مانند نظام كاشت و برداشت قرار داده و كافران كه اين را درك نمي كنند براي خود عذاب درست مي كنند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حمد مخصوص خداست که آسمانها و زمين را ايجاد و ملائکه را فرستادگاني قرار داد که داراي بالهائي هستند ، دو تا و سه تا و چهارتا ، هر چه بخواهد در آفرينش مي افزايد که خداوند بر هر چيزي تواناست (1) آنچه خدا براي مردم از روي رحمت باز کند هيچکس نميتواند ببندد و اگر ببندد هيچ کس نميتواند بگشايد و همو پيروزمند فرزانه است (2) اي مردم ! نعمت خدا را بر خويش بياد آوريد . آيا آفريننده اي غير از خدا هست که از آسمان و زمين روزيتان دهد؟ خدائي جز او نيست . پس به کجا منحرف ميشويد؟ (3) و اگر تکذيبت کنند رسولانِ قبل از تو نيز تکذيب شدند و همه امور بسوي خدا برميگردد (4)**

**اي مردم ! وعده خدا حق است. پس مبادا زندگيِ دنيا گولتان زند و بخصوص مبادا فريب ها شما را درباره خدا بفريبد (5) شيطان البته دشمن شماست . پس او را دشمن گيريد . جز اين نيست که حزبش را ميخواند که اهل آن آتش سوزان باشند (6) کافران عذابي شديد دارند و مومنان­ِ صاحب عملِ صالح آمرزش و پاداشي بزرگ خواهند داشت (7) آيا کسي که عمل زشتش برايش جلوه داده شده و آن را نيکو مي بيند** (مانند مومنان است؟) **خداوند هر که را خواهد گمراه ميکند و هر که را خواهد هدايت ميکند . پس** [ ای پیامبر ] **مبادا بعلت حسرتي** (که به حال مردم ميخوري) **خود را از بين ببري . خداوند ميداند آنها چه ميکنند (8)**

**و خداوند است که بادها را ميفرستد و آنها ابرها را برمي انگيزند و آنها را بسوي زمين مرده ميرانيم و بواسطه آنها آن را بعد از مرگش زنده مي کنيم . زنده شدن پس از مرگ نيز چنين است (9)**  اگر کسي عزت بخواهد همه عزت ها از آن خداست . کلمه پاک بسوي او بالا ميرود و عمل صالح است كه آنرا بالا ميبرد ، و کسانيکه به توطئه شوم ميپردازند عذابي شديد خواهند داشت و توطئه شان هم نابود ميشود (10) **و خداوند شما را از خاکي آفريد ، سپس از نطفه اي ، سپس جفتهائي قرارتان داد ، و هيچ ماده اي حملي برنميدارد و وضع حملي نمي کند مگر به علم او، و هيچ صاحب عمري عمر طولاني نمي کند و هيچ مقدار از عمرش کم نميشود مگر آنکه در کتابي هست . که اين براي خدا آسان است (11)** و آن دو دريا يکسان نيستند. اين يکي شيرين و گوارا و آن يکي شور و تلخ است . وشما از هر دو گوشت تازه ميخوريد و چيزهاي زينتي استخراج کرده و مي پوشيد و کشتي را مي بيني که آب را ميشکافد تا از فضل او (روزي خويش) جستجو کنيد و شايد شکرگزاريد (12) **شب را داخل روز و روز را داخل شب ميکند و آفتاب و ماه را رام کرده وهر کدام تا سرآمدي معين درجريانند . اين است خداي شما . فرمانروائي از آن اوست . و کساني را که غير از او ميخوانيد مالک حتي قطميري نيز نيستند (13)**

**اگر آنها را بخوانيد صدايتان را نمي شنوند و اگر هم بشنوند اجابتتان نمي کنند و روز قيامت نسبت به شرک شما کافرند و هيچکس تو را مانند آن** (خداي) **آگاه خبردار نمي کند (14)** {اي مردم شما محتاج خدائيد و خداوند بي نياز ستوده است (15) اگر بخواهد شما را ميبرد و آفريدگاني جديد مي آورد (16) و اين براي خداوند سخت نيست (17) و هيچ كس بار ديگري را برنميدارد . و اگر کسي ديگري را براي برداشتن بارسنگينش بخواند چيزي از آن بر نخواهد داشت . حتي اگر از خويشاوندان باشد . جز اين نيست که تو کساني را که در خلوت از پروردگارشان بيم دارند هشدار ميدهي . همانها که نماز بپاميدارند و هر کس که پاکيزگي پيشه كند بنفع خود اوست و سرانجام همه بسوي خداست}(18) **و کور و بينا مساوي نيستند (19) و نيز نور و تاريکيها (20) و نيز سايه و هرم گرما (21) و همچنين زندگان و مردگان مساوي نيستند . خداوند به آنکه خواهد مي شنواند و تو نميتواني به آنها که در قبرها هستند چيزي بشنواني (22) تو جز هشدار دهنده اي نيستي (23) تو را به حق فرستاده ايم که مژده رسان و هشدار دهنده باشي و هيچ امتي نبوده که هشدار دهنده نداشته باشد (24) و اگر تکذيبت کنند ،** (چيزعجيبي نيست) **پيشينيان آنها نيز پيغمبرانشان را كه با دليل هاي روشن و پيامها و کتابهاي نور افشان بسويشان آمده بودند تکذيب كردند (25)** {آنگاه کافران را بگرفتم و كيفرم چه سخت بود}(26)

**آيا نديدي که خداوند از اسمان آبي فرستاد كه با آن ميوه هائي به رنگهاي مختلف در آورديم؟ و از کوه ها نيز** (رگه) **راه هائي داراي رنگهاي مختلف سفيد و سرخ و سياه هست (27) و همچنين انسان و جنبندگان و چارپايان نيز با رنگهاي مختلفند ، چنين است که فقط بندگان دانا از خداوند بيم دارند که خداوند عزتمند آمرزشگر است (28)**

**البته آنانکه کتاب خدا را تلاوت ميکنند و نماز بپاميدارند و از آنچه روزيشان کرده ايم پنهاني و آشکارا انفاق مي کنند به تجارتي اميد دارند که زياني ندارد (29)** {تا پاداششان را بطور کامل بدهد و از فضل خويش نيز به آن بيفزايد که او آمرزشگر شکرگزار است . و آنچه از آن کتاب بتو وحي کرده ايم البته حق است و تصديق کتب آسماني قبلي است . البته خداوند به بندگانش آگاه بيناست}(30) **سپس آن کتاب را به کساني از ميان بندگان خويش که آنها را برگزيده ايم به ميراث داديم (31)** {از ميان آنها کساني بودند که به خويش ظلم کردند و بعضي معتدل بودند و برخي در کارهاي خير به اذن خدا سبقت ميگرفتند . که آن خودش فضل بزرگيست}(32)

**بهشتهائي جاودان که داخل آن ميشوند و زينت آلاتي از دستبند هاي زرين و مرواريد مي آويزند و لباسشان در آنجا حرير است (33) و ميگويند ستايش مخصوص خدائي است که اندوه را از ما زدود که پروردگارمان آمرزشگر شکرگزار است (34) همآنکه ما را از فضل خويش به محل اقامت دائمي آورد که در آن نه رنجي و نه ملالي به ما ميرسد (35) و آنآنکه کافر شدند آتش جهنم خواهند داشت که نه کارشان را ميسازد که بميرند و نه تخفيفي مي يابد و هر کفران پيشه اي را چنين مجازات مي کنيم (36) و در آنجا فرياد ميزنند پروردگارا بيرونمان بياور که عمل صالحي غير از آنچه که قبلا انجام ميداديم در پيش گيريم** . [خطابميشود] **آيا به شما عمر نداديم که در آن پند پذير ، پند بپذيرد ، و هشدار دهنده هم بسويتان آمد . پس بچشيد که ظالمان ياوري ندارند (37)**

**البته خداوند داناي نهان هاي آسمانها و زمين است ، كه حتي به انديشه ها نيز داناست (38) هموست که شما را جانشينان زمين قرار داد . پس هر کس که کفر ورزد کفرش به ضرر خود اوست و کفر کافران نزد پروردگارشان براي آنها چيزي جز خشم ، و براي خودشان جز ضرر ، اضافه نخواهد کرد (39) بگو آنهائي را که باخداوند شريکشان قرارميدهيد ديده ايد؟ نشانم دهيد در زمين چه آفرينشي کرده اند يا اينکه در آسمانها چه مشارکتي دارند؟ يا اينکه کتابي به آنها داده ايم که از روي آن** (براي اعتقادشرک آميز خود) **دليل مي آورند** (نه) **بلکه ظالمان بعضي شان بعضي ديگر را با وعده فريب ميدهند (40) خداوند آسمانها و زمين را از فروپاشي نگهميدارد و اگر فرو بپاشد هيچ كسي نيست که آنها را نگهدارد که همو حليم آمرزنده است (41)**

**و شديدترين قسمها را به خدا ميخورند که اگر هشدار دهنده اي بسويشان بيايد حتما هدايت يافته تر از همه امتها خواهند شد . اما وقتي که هشدار دهنده اي بسويشان آمد ، جز بر رميدنشان نيفزود (42)** {و (نيز جز به) گردنفرازي در زمين و توطئه بد نيفزودند . و توطئه بد جز بر اهل خودش فرود نمي آيد . پس آيا انتظار چيز ديگري را غير از سنتي که برپيشينيان جاري شد دارند؟ در حاليکه هرگز براي سنت خداوند دگرگوني نخواهي يافت . و هرگز براي سنت خدا جابجائي نخواهي يافت}(43) **آيا در زمين نگشتند تا عاقبت پيشينيان خويش را که از اينان قوي پنجه تر بودند ببينند؟ و چيزي در آسمانها و زمين نيست که خداوند را ناتوان کند که او داناي قدرتمند است (44) و اگر خداوند بسبب آنچه که مردم انجام ميدهند مواخذه شان ميکرد ، هيچ جنبنده اي برپشت زمين نمي ماند وليکن تا سر آمدي معين مهلتشان ميدهد . پس هنگامي که اجلشان رسيد البته خداوند خودش به وضع بندگانش بيناست (45)**

**سوره روم**

|  |
| --- |
| **درس: آيات الهي زياد و آشکار است اما کافران از آنها غفلت مي کنند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**الم (1) روم مغلوب شد (2) در نزديک ترين سرزمين . و همانها پس از شکستشان بزودي غالب ميشوند (3)** {ظرف سالهائي اندک . زمام امور چه قبل (از آن) وچه بعد (از آن) بدست خداست . و مومنان در آنروز شاد ميشوند (4) به ياري خدا . که هر که را خواهد ياري مي کند و همو پيرزومند مهربان است}(5)  **اين وعده اي الهي است . و خداوند هرگز در وعده اش تخلف نمي­کند . وليکن اکثر مردم نميدانند (6)**

**يک چيزي از ظواهر زندگي اين جهان ميدانند اما از آخرت غفلت دارند (7) آيا با خود نينديشيده اند که خداوند آسمانها و زمين و آنچه را که بين آنهاست جز به حق وسر آمدي معين نيافريده؟ و البته بسياري از مردم نسبت به ملاقات پروردگارشان کافرند (8) وآيا در زمين گردش نکرده اند که ببينند عاقبت پيشينيان که از آنان قوي تر بودند و در زمين هم عمران وآبادي بيشتري کردند چه شد؟ همانها که پيامبرانشان با دلايل روشن بسويشان مي آمدند** (اما آ نها کفرميورزيدند)؟ **و اينطور نيست که خداوند به آنان ظلم کرده باشد وليکن آنها به خودشان ظلم کردند (9) آنگاه عاقبت آنهايي که بدي ها را به بدترين وجه مرتکب ميشدند اين شد که آيات خداوند را تکذيب نمايند و مسخره اش کنند (10) خداوند آفرينش را شروع نموده سپس اعاده اش ميکند و بالاخره بسوي او باز ميگرديد (11)**

**و روزي که قيامت بپا شود مجرمان پژمرده ميگردند (12) وهيچيک از کساني که با خدا شريک قرار داده بودند به شفاعت آنها اقدامي نمي كنند و آنها به همان شريکان کافر ميشوند (13) و روزي که قيامت بپا شود از يکديگر جدا ميشوند (14) ولي کساني که ايمان آورده و عمل شايسته کرده باشند در باغي شاد و خرم خواهند بود (15) اما کساني که کفر ورزيدند وآياتمان و ملاقات آخرت را تکذيب کردند براي عذاب احضار خواهند شد (16)**

**پس منزه است خداوند . در غروب ها و صبحگاهان (17) و ستايش خاص اوست در ظهر ها و شامگاهان (18) زنده را از مرده ، و مرده را از زنده در مي آورد و زمين را پس از مرگش زنده مي کند و شما را نيز همينطور بيرون مي آورد (19) و از نشانه هاي اوست که شما را از خاک آفريد آنگاه شما بشري شده و منتشر گشته ايد (20) و از نشانه هاي اوست که براي شما جفت ها ئي از خودهاتان آفريده تا بسوي آنان ميل کنيد وآرامش گيريد وبين شما دوستي و مهرباني قرار داد . البته در اين موضوع براي کساني که اهل تفکر باشند نشانه هاي زيادي هست (21) و از نشانه هاي او آفرينش آسمانها و زمين و اختلاف زبان ها و رنگهايتان است . البته در اين موضوع براي اهل دانش نشانه هاي زيادي است (22) واز نشانه هاي اوخواب شما در شب وروز ، و جستجوي روزي شما از فضل اوست ، البته در اين موضوع براي شنوايان ، نشانه هائي است (23) و از نشانه هاي خويش ، برق را به شما مي نماياند که هم جاي ترس و هم جاي طمع دارد . و از آسمان آبي ميفرستد و زمين را پس از مرگش زنده مي کند . البته در اين موضوع براي خردمندان نشانه هائي است (24) و از نشانه هاي او اين است که آسمان و زمين را به امر خويش بر پا ميدارد ، آنگاه وقتي كه شما را با فرا خواني از زمين فرا بخواند ، فوراً بيرون مي آئيد (25) وهر کس که در آسمانها و زمين هست از آن اوست ، که همگي مطيع او هستند (26) و اوست که آفرينش را شروع ميکند و باز هم تجديدش مينمايد و آن برايش آسانتر است . ومَثَل بالاتر در آسمانها و زمين خاص اوست ، و همو پيروزمند فرزانه است (27) برايتان از خود شما مثلي ميزند . آيا بندگاني داريد که جزء اموال شما باشند و آنگاه همانها در آنچه روزيتان کرده ايم با شما به تساوي شريک باشند بطوريکه همانطور که از خودهاتان حساب مي بريد ، از آنها هم حساب ببريد؟ ما آيات را اينطور براي مردم عقل پيشه توضيح ميدهيم (28) ظالمان** (از اين همه نشانه ها، عبرتي نميگيرند بلکه) **بدون علم ، از آنچه دلشان ميخواهد پيروي مي کنند ، و كسي را که خداوند گمراهش نموده چه کسي هدايت ميکند و هيچ ياوراني نخواهند داشت (29)**

**پس توجه خويش يکسره به دين معتدل کن . به همان فطرت خدائي که مردم را براساس آن آفريده . در آفرينش خدا تغييري نيست . اين است آن دين پاينده . وليکن اکثر مردم نميدانند (30) و به سوي او رو کنيد و از او پروا نمائيد واز مشرکان مباشيد (31) از همان كساني که دين خويش را فرقه فرقه نموده و دسته دسته شدند و هر گروهي به آنچه نزد خويش دارند شادمانند (32)**

**و هنگامي که ناراحتيي به مردم ميرسد پروردگارشان را در حاليکه بسويش باز ميگردند صدا ميزنند . آنگاه پس از اينکه از جانب خويش رحمتي به آنان چشاند ناگهان عده اي ازآنها به پروردگارشان شرک ميورزند (33)**  {تا آنچه را که به آنان داده ايم کفران کنند . پس بهره برگيريد که بزودي خواهيد فهميد (34) آيا دليلي بر آنها فرستاده ايم که موافق آن شرکي که ميورزند سخن ميگويد؟}(35) **و هنگامي که به مردم رحمتي بچشانيم به همان شاد ميشوند و اگر بسبب آنچه که کرده اند بديي به آنان رسد فورا نوميد ميشوند (36)**

**آيا نمي بينند که خداوند براي هر کسي که بخواهد روزيش را فراخ و يا محدود ميگرداند؟ البته در اين براي آنآنکه ايمان دارند نشانه هائيست (37)**  {پس به خوشاوندان نزديک، و مساکين، و در راه ماندگان، حقشان را بده. اين براي کساني که رضايت خداوند را ميخواهند بهتر است و رستگار خواهند شد (38) و «ربا»ئي که ميدهيد تا دراموال مردم زياد شود نزد خدا زيادتي نخواهد داشت . اما زکاتي که براي رضايت خداوند ميدهيد (اموال شما را)زياد خواهد كرد}(39) **خداوند است که شما را آفريد ، آنگاه روزيتان داد ، سپس شما را ميميراند ، سپس زنده تان ميکند . آيا هيچکس از آن کساني که با او شريک قرار داده ايد هيچيک از اين کارها را مي کنند؟ منزه و بالاتر است از آنچه با او شريک قرار ميدهند (40)**

**در خشکي ودريا ، به سبب آنچه که مردم انجام داده اند ، فساد پيدا شده ، تا سزاي قسمتي از آنچه را که انجام داده اند به آنان بچشانيم ، شايد باز گردند (41) بگو در زمين بگرديد و ملاحظه کنيد که عاقبت پيشينيان که اکثر شان هم مشرک بودند چه شد (42) پس روي خويش بسوي دين پايدار کن . پيش از آنکه روزي برسد که خداوند ديگر اجازه برگشت ندهد ودر آن روز از هم جدا شوند (43)** {هر کس که کفر ورزد کفرش به ضرر خود او خواهد بود وهر کس که عمل شايسته اي کند براي خودش ذخيره اي فراهم کرده است (44) تا آنان را که ايمان آورده و عمل شايسته کرده اند از فضل خويش پاداش دهد که او کافران را دوست نميدارد }(45)

**و از نشانه هاي اوست که بادها را که مژده آور** (باران) **هستند مي فرستد تا از رحمت خويش به شما بچشاندو کشتي ها به امرش راه بروند وشما از فضل او** (روزي خويش را) **جستجو کنيد ، شايد شاکر باشيد (46)** {و البته قبل از تو فرستادگاني بسوي مردمشان فرستاديم كه با دلايل روشن بر آنها در آمدند ، آنگاه از مجرمان انتقام گرفتيم و البته ياري مومنان بر عهده ما است}(47) **خداوند است که بادها را ميفرستد تا ابرها را برانگيزد و آنها را در آسمان آنطور که بخواهد ميگستراند و آنرا قسمت قسمت ميكند ، آنگاه مي بيني که قطرات باران از خلال آنها بيرون مي آيد که آن را به هرکس از بندگانش که برساند شاد ميشوند (48)** {گر چه قبل از فرستادن آن نوميد بودند}(49)  **پس به آثار رحمت خداوند نگاه کن که چگونه زمين را بعد از مرگش زنده ميکند . البته همو زنده کننده مردگان هم هست ، و او بر هر چيزي تواناست (50)** {و البته اگر بادي ميفرستاديم که زراعتهايشان را زرد ببينند حتما پس از آن کفر ميورزند}(51)

**البته تو به مردگان و کران چيزي نمي شنواني .** (آنها که) **فورا روي برگردانده و پشت مي کنند** (نيز مانند آنها هستند) **(52) وتو هدايت کننده کوران از گمراهي شان نيستي . جز اين نيست که تو فقط به کساني مي شنواني که به نشانه هاي ما ايمان آورده و جزء مسلمين اند (53)**

**خداوند هموست که شما را از ضعفي آفريد ، سپس بعد از ضعف قوتي قرار داد ، سپس بعد از قوت ضعف و پيريي قرار داد . هر چه بخواهد مي آفريند و همو داناي تواناست (54) و روزي که قيامت بپا شود مجرمان قسم ميخورند که غير از ساعتي بر آنها نگذشته است . قبلا هم اينطور به باطل گرايش مييافتند (55)** {و کساني که علم و ايمان به آنان داده شده ميگويند البته شما آنقدر که در کتاب خدا ذکر شده ، يعني تا روزبرانگيختگي ، درنگ کرده ايد ، و اين هم روز بر انگيختگي است وليکن شما نمي دانيد (56) پس در آن روز ، معذرت خواهي دردي از ستمکاران دوا نمي کند واز آنها خواسته نميشود که سرزنش ها رااز خود دفع کنند}(57)

**و در اين قرآن براي مردم از هر نوع مثلي زديم . واگر با نشانه اي بسويشان بروي کافران خواهند گفت شما جز بيهوده گو نيستيد (58) خداوند چنین بر دل نادانان مهر ميزند (59) پس صبور باش ، وعده خداوند حق است ، و مبادا آنان که يقين ندارند تو را به سبک سري وادارند (60)**

**سوره رعد**

|  |
| --- |
| **درس: اي پيامبر در مقابل اين کافران که به چنين خداوندي کافرند و چنين اعمال و صفات زشتي دارند وحيي را که به تو مي شود محکم بگير و رسالتت را پيگيري کن.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**المر. اين آيات آن کتاب است و آنچه که از جانب پروردگارت بسويت نازل شده حق است وليکن اکثر مردم ايمان نمي آورند (1) خداوندي که آسمانها را با ستون هائي که ديده نمي شوند بلند نمود آنگاه بر عرش مستقر شد و خورشيد و ماه را رام کرد که همگي تا سرآمدي معين حرکت دارند . امر را تدبير مي کند . آيات را تفصيل ميدهد . شايد به ملاقات پروردگارتان يقين آوريد (2) وهموست که زمين را کشيد و در آن لنگرهائي و نيز نهرهائي قرار داد و از همه گونه ميوه ها جفتي دوگانه** (نر و ماده) **در آن قرار داد . شب روز را مي پوشاند . البته در اين نشانه هائي است براي کساني که تفکر مي کنند (3) و در زمين قطعاتي پهلوي هم هستند و باغهائي از انگورها و کشت ها و خرماها ، که از يک ريشه** (نژاد) **اند يا از غير يک ريشه ، که با آب يکساني آبياري ميشوند و** (با وجود اين) **بعضي را از لحاظ خوردن بر بعضي ديگر برتري ميدهيم . البته در اين آياتي است براي قومي که به عقل درمي يابند (4)**

**و اگر تعجب مي کني ، در حقيقت قول آنها عجيب است که ميگويند آيا وقتي که خاک شديم آيا در آفرينشي جديد قرار خواهيم گرفت؟ آنها کساني هستند که به پروردگارشان کافر شدند و بند هائي به گردن دارند و ياران آن آتشند که در آن جاودانند (5) و با عجله ، بدي را قبل از خوبي از تو ميخواهند ، در حاليکه قبل از آنان ، آن چيزهاي مثال زدني** (که از تو میخواهند) **، گذشته بود و پروردگارت نسبت به مردم در مورد ظلمشان آمرزشگر است و البته پروردگارت در پيگيري هم شديد است (6) و کافران ميگويند چرا نشانه اي از جانب پروردگارش بر او نازل نشده؟ جز اين نيست که تو** (فقط) **هشدار دهنده اي و هر قومي هدايت کننده اي دارد (7)**

**خداوند ميداند هر ماده اي به چه چيزي حامله است و رحم ها چه چيزي را کم و زياد مي کنند و همه چيز در نزد او به اندازه است (8) داناي پنهان و آشکار، و بزرگ و بلند مرتبه است (9) براي او فرقي نمي کند که کسي سخن را پنهان يا آشکار کند ، و کسي در شب بطور پنهاني ، و يا در روز بطور آشكارا ، روان شود (10)** (هرکس) **به امر خدا تعقيب کنندگاني دارد ، چه از جلو و چه از پشت سر ، که حفظش ميکنند . البته خداوند اوضاع و احوال قومي را عوض نمي کند تا اينکه آنها آنچه را که در خودهاشان است تغيير دهند . و اگر خداوند براي قومي اراده سوئي کند برطرف کننده اي نخواهند داشت و برايشان غير از او ولي و سرپرستي نخواهد بود (11) هموست که برق را به شما مي نماياند که از آن ، هم خوف و هم در آن طمع داريد ، و ابرهاي بارور ايجاد مي کند (12) و رعد به حمدش او را تسبيح ميکند و ملائکه نيز ازبيم او** (چنان مي کنند) **و صاعقه ها را ميفرستد و هر کس را که خواهد دچارش مي کند ، اما آنها درباره خداوند جَدل مي کنند و همو سخت گير است (13) دعوت حق مخصوص اوست ، و کساني که غير او را ميخوانند اجابت نمي شوند . مانند کسي که دو دستش را بسوي آب باز کرده که به دهانش برساند ولي به آن نميرسد و دعاي کافران جز در گمراهیي نيست (14) و هر کس که در آسمانها و زمين است ، و سايه هايشان ، چه به دلخواه و چه نادلخواه ، براي خداوند صبحها و شبها سجده مي کنند (15) بگو پروردگار آسمانها و زمين کيست؟ بگو خداوند است . بگو پس آيا کور و بينا يا تاريکيها و نور مساويند؟ يا اينکه براي خداوند شريکاني قرار داده اند که آفرينشي مانند آفرينش او دارند و آفرينش ها بر آنها مشتبه شده؟ بگو خداوند آفريدگار همه چيز است و همو تنهاي قهار است (16) از آسمان آبي فرو فرستاده و از هر جائي به اندازه اش سيلابي جريان مي يابد . آن سيل کفي حمل مي کند ، و بعضي چيزها** {که براي ساختن زيور آلات يا وسايلي که در آتش ميگدازند نيز کفي مانند آن دارد} **البته کف به کنار ميرود و چيزي که براي مردم مفيد است بجا ميماند. خداوند چنين مَثَل ميزند (17)**

{براي آنها که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند پاداش نيکوئي هست . و براي آنهائي که اجابت نکردند اگر آنچه در زمين است و همانند آن نيز از آن آنها باشد که به عوض آن بدهند (فايده اي ندارد) و آنها حساب سختي خواهند داشت و جايگاهشان جهنم خواهد بود که بد بستري است}(18) **آيا کسي که ميداند که آنچه از جانب پروردگارت نازل شده حق است ، مانند کسي است که کور است؟ جز اين نيست که خردمندان پند ميگيرند (19)**  {همانها که به عهد خداوند وفا مي کنند و ميثاق را نمي شكنند (20) و همانها که چيزي را که خداوند به وصلش فرمان داده وصل مي کنند و از پروردگارشان بيم دارند و از حساب بد ميترسند (21) و همانها که براي کسب رضايت خداوند صبر مي کنند و نماز بپا ميدارند و از آنچه روزيشان کرده ايم پنهاني و آشکارا انفاق نموده و زشتي را با نيکي دور مي کنند که خانه نهائي از آن آنهاست (22) باغهائي جاودان که آنان ، و نيز هر کسِ شايسته اي از پدرانشان و همسرانشان و فرزندانشان ، داخلش ميشوند و ملائکه نيز از هر دري برآنها در مي آيند (23) (و ميگويند) سلام بر شما بواسطه صبري که کرديد و خانه نهائي چه خوب است}(24) **اما کساني که عهد خدا را پس از محکم کردنش مي شکنند و آنچه را که خدا به وصلش فرمان داده قطع مي کنند و در زمين فساد مينمايند ، دوري از رحمت خدا و خانه اي بد خواهند داشت (25) {**خداوند است که روزي را براي هر که بخواهد گشاده ميگرداند و يا تنگ ميگيرد و (آنها) به زندگي دنيا خوشحالند اما زندگي دنيا در مقابل آخرت جز برخورداريي (اندک) نيست}(26)

**و کافران ميگويند چرا معجزه اي ازنزد پروردگارش بر او نازل نشده . بگو خداوند است که هر که را خواهد گمراه ميکند و کسي را که بسويش باز آيد هدايت مي کند (27) همانها که ايمان آورده و دلهايشان به ياد خدا آرام ميگيرد . بدانيد که دلها با ياد خدا آرامش مي يابد (28) همانها که ايمان آورده و عمل شايسته انجام دادند كه خوشا بحالشان و عاقبت خوشي که دارند (29) چنين است که تو را به ميان امتي فرستاديم که قبل از آنها امت هاي بسياري گذشتند ، تا بر آنها آنچه را که بر تو وحي کرده ايم بخواني ، در حاليکه آنها به خداوند رحمان کفر ميورزند . بگو همو پروردگار من است که خدائي جز او نيست . بر او توکل کرده ام و بازگشتم بسوي اوست (30) و اگر هم آن** (معجزه) **قرآني بود که بواسطه آن کوهها جابجا يا زمين تکه تکه ميشد يا مردگان به سخن در مي آمدند** (باز هم ايمان نمي آوردند) **بلکه آن امر تماما با خداست . آيا مومنان** (از ايمانآوردن آنان) **مايوس نشدند؟** (در حاليکه) **اگر خداوند ميخواست همگي مردم را هدايت ميکرد . و براي کافران همواره چنين است که بسبب اعمالشان کوبنده اي به آنان اصابت مي کند يا نزديک شهرهايشان فرود مي آيد . تا اينکه وعده خداوند فرا رسد که خداوند خلاف وعده نمي کند (31) و البته رسولانِ قبل از تو نيز مسخره شدند ولي به کافران مهلت دادم ، آنگاه آنها را بگرفتم و پيگيريم چگونه** (سخت) **بود؟ (32) يا کسي که بر هر کسي مراقب است ،** (با کسي کهچنين نيست يکيست؟) **و براي خداوند شريکاني قرار دادند ، بگو نام آنها را بگوئيد . يا اينکه به او از چيزي که در زمين نمي شناسند خبر ميدهيد؟ يا اينکه همينطور ظاهري يک چيزي ميگوئيد؟** (نه) **بلکه نيرنگ کافران برايشان آرايش يافته و** (بههمين علت) **از راه بدر شدند . و کسي را که خداوند گمراهش کند هدايت کننده اي نخواهد داشت (33) آنها در زندگي دنيا عذابي خواهند داشت و البته عذاب آخرت برنده تر است و کسي در مقابل خداوند سپري ندارد (34) مثال بهشتي که به اهل تقوا وعده داده شده چنان است که نهرها در کف آن جاري است. خوردني ها و سايبان هايش دائمي است ، اين عاقبت کساني است که تقوا در پيش گرفتند و عاقبت کافران آتش است (35)**

**و اهل کتاب به سبب آنچه بر تو نازل شده شادماني مي کنند ، و بعضي از گروه ها بعضي ديگر را انکار مي کنند . بگو من مامورم که خداوند را عبادت کنم و با او شريک نگيرم . بسوي او دعوت مي کنم و بازگشتم بسوي اوست (36) و بدين گونه آنرا فرو فرستاديم ،** (که) **حکمي به زبان روشن است . و اگر اميال آنها را پس از اينکه آن علم بسويت آمده پيروي کني در مقابل خداوند هيچ سرپرست و نگهداري نخواهي داشت (37) و البته قبل از تو نيز فرستادگاني فرستاديم و برايشان همسراني و فرزنداني قرار داديم و هيچ رسولي را نميرسد که جز به اذن خدا معجزه اي بياورد . براي هر سرآمدي نوشته اي هست (38) خداوند هر چه را خواهد محو ميکند وهر چه را خواهد تثبيت مي کند و مادرِ کتابها نزد اوست (39) و اگر قسمتي از آنچه را که به آنان وعده ميدهيم به تو بنمايانيم ، يا تو را به وفات برسانيم** (چهفرقي ميکند؟) **جز اين نيست که رساندن آشکار بر عهده توست و حساب برعهده ما است (40) آيا نمي بينند که ما به زمين مي پردازيم و از اطرافش ميکاهيم؟ خداوند حکم ميکند ، و هيچکس پيگير حکم او نيست ، و همو در حسابرسي تند است (41) و البته پيشينيان آنها حيله اي زدند . و البته همه تدبير ها مال خداست . هر چيزي را که هر کس کسب ميکند ميداند و کافران نيز بزودي خواهند دانست سراي نهائي از آن كيست (42) و کافران ميگويند تو فرستاده نيستي. بگو خداوند براي گواهي بين من و شما کافي است ، و همچنين کساني که علم کتاب** (های آسمانی) **نزد آنهاست (43)**

**سوره ملک**

|  |
| --- |
| **درس: اي پيامبر در مقابل اين کافران که به چنين خداوندي کافرند و چنين اعمال و صفات زشتي دارند و حيي را که به تو مي شود محکم بگير و رسالتت را پيگيري کن.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**پر برکت است کسي که فرماندهي** (همه چيز) **بدست اوست و همو برهر چيزي تواناست (1)** {همو که موت و حيات را آفريد تا بيازمايد که کدامتان خوش عمل تريد و او پيروزمند بخشنده است (2) همو که هفت آسمان را طبقه طبقه آفريد . در آفرينش خداي رحمان تفاوتي نمي بيني . چشم بگردان و ببين آيا هيچ ضعف و اختلافي ميبيني؟(3) آنگاه باز هم چشم بگردان . چشمت بسوي تو خسته و پر حسرت برميگردد (که نتوانسته فطور و اختلالی بيابد)}(4) **البته آسمان دنيا را با چراغ هائي آراستيم و آنها را مايه رماندن شياطين قرار داده ايم و نيز برايشان عذاب آتش مهيا کرده ايم (5)**

**و براي آنانکه به پروردگارشان کفر ورزيدند نيز عذاب جهنم آماده کرده ايم ، که بد بازگشتگاهيست (6)** {هنگامي که در آن مي افتند از آن فريادي مي شنوند و مي جوشد (7) نزديک است از شدت خشم پاره شود . هر گاه که عده اي در آن مي افتند نگهبانانش از آنان مي پرسند: هشدار دهنده اي بسويتان نيامده بود؟(8) ميگويند چرا البته که هشدار دهنده بسويمان آمد ، اما تکذيب کرديم و گفتيم خدا اصلا هيچ چيزي نفرستاده و شما هم جز در گمراهيي بزرگ نيستيد (9) و ميگويند: اگر گوش فرا ميداديم يا تعقل ميکرديم ، حالا در زمره دوزخيان نبوديم (10) پس به گناهشان اعتراف ميكنند و نابودي بر دوزخيان باد}(11) **البته كساني که در پنهاني ها از پروردگارشان بيم دارند آمرزشی و پاداشي بزرگ خواهند داشت (12)**

**چه سخنان خود را پنهان کنيد و چه آشکار کنيد او حتي به آنچه در دلها هم ميگذرد آگاه است (13) آيا کسي که آفريده نميداند؟** (البته که ميداند) **و همو بسيار ريز بين آگاه است (14) اوست کسي که زمين را برايتان رام کرد . پس برگرده هاي آن گام نهيد و از روزيش بخوريد و بازگشت شما بسوي اوست (15) آيا ايمن شده ايد که کساني که در آسمان هستند زمين را بشکافند و آن بلرزد؟(16) آيا ايمن شده ايد که کساني که در آسمان هستند شما را سنگباران کنند تا بفهميد به چه چيزي هشدارتان ميدادند؟(17) و البته آنانکه قبل از اينان بودند نيز تکذيب کردند . پس كيفرم چگونه بود؟(18) آيا به پرندگانِ فراز سرشان كه بال گشوده و بال بسته پرواز مي کنند نمي نگرند که جز خداي رحمان کسي آنها را نگه نميدارد؟ البته او به همه چيز بيناست (19) يا کیست اين سپاهي که گوش به فرمان شماست و شما را در مقابل خداوند حمايت مي کند ؟ کافران جز در فريبي بيش نيستند (20) و کيست که به شما روزي ميدهد و اگر دست از روزي دادن بکشد؟** (چه خواهيد كرد) **بلکه لج نموده و از حق دوري مي کنند و از آن بدشان مي آيد (21) آيا آنکه بر صورتش کشيده ميشود هدايت يافته تر است يآ آنکه بطور راست و درست بر صراطي مستقيم راه ميرود؟(22) بگو هموست که شما را بوجود آورد و براي شما گوش و چشمها و دل ها قرارداد ، چه کم سپاس مي گزاريد (23) بگو هموست که شما را در زمين آفريد و بسوي او بازميگرديد (24)**

**و ميگويند آن** (بازگشت) **چه وقت خواهد بود اگر راست ميگوييد؟(25) بگو جز اين نيست که علم آن نزد خداست و من فقط هشدار دهنده اي آشکارم (26) و هنگامي که آنرا نزديک ببينند چهره کافران درهم ميشود و به آنان گفته ميشود اين است آنچه که درخواستش ميكرديد (27) بگو نظرتان چيست: اگر خداوند مرا و همرا هانم را چه هلاک کند و چه رحمتمان کند ، در هر حال ، چه كسي کافران را از عذاب دردناک پناه خواهد داد؟(28) بگو او خداي رحمان است که به او ايمان آورده ايم و به او توکل مي کنيم و بزودي خواهيد دانست چه کسي در گمراهي آشکار است (29) بگو بمن بگوئيد اگر آبتان در زمين فرو رود چه کسي برايتان آبي گوارا خواهد آورد؟(30)**

مرحله نهم

**انجام هجرت بزرگ**

**تشکیل رسمی حکومت**

**و ادامه رشد روز افزون کمی و کیفیِ**

**جامعه ایمانی**

**سوره انشراح**

|  |
| --- |
| **درس: تقويت روحيه پيامبر و تشويق او به درگير شدن با مشكل بزرگ.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**آيا سينه ات را گشاده نگردانديم؟ (1) و بارت را از پشتت بر نداشتيم؟ (2)** {همانکه برايت كمر شكن بود} (3) **و آوازه ات را بلند نگردانديم؟ (4)**  {پس، البته با آن سختي، آسانيي هست(5) البته با آن سختي، آسانيي هست}(6) **پس هنگامي که فراغت يافتي (به نماز و دعا) بايست (7) و بسوي پروردگارت مايل شو (8)**

**سوره بقره**

|  |
| --- |
| **درس: ساختن ثبوتي فرد و خانواده از طريق احکام صادره و ساختن سلبي آنان از طريق برحذر داشتن از الگوهاي بد (يهوديان و غيره)** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**الم (1) اين کتاب که شکي در آن نيست هدايتي براي پرواداران است (2)** {همانها که به غيب ايمان دارند و نماز بپا ميدارند و از آنچه روزيشان کرده ايم انفاق مي کنند (3) و همانها که به آنچه برتو نازل شده و نيز به آنچه قبل از تو نازل شده ايمان مي آورند و به آخرت نيز يقين دارند}(4) **آنها بر هدايتي از جانب پروردگارشان** (استوار) **هستند و رستگارند (5) البته آنانکه کافرند برايشان فرقي نمي کند که هشدارشان بدهي يا ندهي. ايمان نمي آورند (6) خداوند بر دلهايشان و گوششان مهر زده و برچشمهاشان پرده اي هست و عذابي عظيم خواهند داشت (7) و از مردم کساني هستند که مي گويند به خدا و آخرت ايمان آورده ايم ولي مومن نيستند (8)** {با خدا و مومنان نيرنگ مي کنند در حاليكه جز با خودشان نيرنگ نمي کنند و متوجه نيستند (9) در دلهايشان مرضي هست ، و خداوند هم بواسطه آن دروغي که ميگويند مرضي به آن افزوده ، و عذابي دردناک خواهند داشت (10) و اگر به آنها گفته شود در زمين فساد نکنيد ميگويند جز اين نيست که ما اصلاحگريم (11) بدانيد که آنها مفسدند وليکن متوجه نيستند (12) و اگر به آنها گفته شود مانند مردم ايمان بياوريد ، خواهند گفت: آيا مانند کم خردان ايمان بياوريم؟ بدانيد که آنها خودشان کم خردند وليکن نميدانند (13) و هنگاميکه مسلمانان را ملاقات مي کنند ميگويند ايمان داريم. و هنگامي که با شياطين خويش تنها ميشوند ميگويند با شمائيم، جز اين نيست که (مسلمانان را) مسخره ميکنيم (14) خداوند است كه مسخره شان نموده و در طغيانشان کمکشان ميكند و آنها کوردلند (15) گمراهي را بجاي هدايت خريدند اما تجارتشان سودي نمي کند و هدايت يافته نيستند}(16) **مثال آنان مانند کسي است که آتشي روشن کرده ، و بمحض اينکه دور و برش روشن شد خداوند نورشان را مي برد و آنها را در تاريکيهائي واميگذارد كه چيزي نمي بينند (17) کرو لال و کورند و باز نميگردند (18) يا اينکه** (وضع آنان) **مانند باراني سخت است که از آسمان بيايد و در آن تاريکيها و رعد و برق باشد که انگشتهايشان را در گوشهايشان مي کنند و تا حد مرگ از صاعقه ها ميترسند ، و خداوند برکافران احاطه دارد (19) نزديک است برق روشنائي چشمشان را ببرد ، هر چه برايشان روشن شود در آن راه ميروند و هنگاميکه تاريک شود مي ايستند . و اگر خداوند ميخواست شنوائي و بينائي آنها را ميبرد ، که خداوند بر هر چيزي تواناست (20)**

**اي مردم! پروردگارتان را عبادت کنيد. همان کسي که شما و پيشينيان تان را آفريد، شايد به تقوا بگرائيد (21)**  {همانکه زمين را برايتان فرشي نمود و آسمان را بنائي. و از آسمان آبي فرستاد و از آن ميوه هائي بر آورد که روزيتان باشد. پس براي خداوند همتا قرار ندهيد در حاليکه ميدانيد} (22)  **و اگر درباره آنچه بر بنده مان نازل کرديم شکي داريد، سوره اي مانند آن بياوريد، و غير از خداوند گواهانتان را دعوت کنيد اگر راستگو ميباشيد (23)** {پس اگر اين کار را نكرديد و هرگز هم نخواهيد كرد، از آتشي که گيرانه آن مردم و سنگ است و براي کافران مهيا شده پروا کنيد} (24)  **و آنان را که ايمان آورده و عمل صالح انجام داده اند مژده ده که بهشتهاتي خواهند داشت که کف آنها نهرها جاريست. هر بار که از آن ميوه اي ميخورند ميگويند اين همان است که قبلا روزي ما شده بود و مانند آنرا نيز برايشان مي آورند. ودر آن همسراني پاک خواهند داشت و در آن جاودان خواهند بود (25)**

**خداوند خجالت نمي کشد که حتي به پشه اي و يا كوچكتر آن نيز مثال بزند. اما کسانيکه ايمان آوردند ميدانند که آن حق و از جانب پروردگارشان است. ولي کساني که کفر ورزيدند ميگويند خداوند از اين مثل چه منظوري داشت؟ بوسيله آن عده زيادي را گمراه مي کند و عده زيادي را هدايت مي کند و بوسيله آن جز فاسقان را گمراه نمي کند (26)**  {همانهائي که عهد خداوند را پس از محکم نمودن آن نقض مي کنند و چيزي را که خداوند به وصل آن فرمان داده قطع کرده و در زمين فساد مي کنند. آنها زيانکارند} (27) **چگونه به خداوند کفر ميورزيد در حاليکه مردگاني بوديد که زنده تان کرد، آنگاه شما را ميميراند، سپس زنده تان مي کند، سپس بسوي او باز ميگرديد (28)** {هموست که براي شما آنچه را که در زمين هست تماما آفريد. آنگاه به آسمان رو كرد و آن را به هفت آسمان سامان داد و همو به همه چيز داناست }(29)

**و هنگاميکه پروردگارت به ملائکه گفت در زمين جانشيني قرار خواهم داد ، گفتند آيا کسي را قرار ميدهي که در آن فساد کند و خونها بريزد در حاليکه ما تو را به پاكي مي ستانيم و تقديس مي کنيم؟ گفت چيزي ميدانم که نميدانيد (30) و همه آن نام ها را به آدم آموخت سپس آنها را به ملائکه عرضه کرد و گفت از اسامي اينها خبرم دهيد اگر راست ميگوئيد (31) گفتند اي خداي پاک ! غير از آنچه که خودت بما آموختي چيزي نمي دانيم و خودت البته داناي پرحکمتي (32) گفت اي آدم ! نامهاي آنها را به آنان بگو. پس چون نام هاي آنان را به آنان گفت فرمود آيا به شما نگفتم که نهاني هاي آسمانها وزمين را ميدانم و نيز ميدانم که چه چيز را آشکار و چه چيز را پنهان مي کنيد؟(33) و هنگاميکه به ملائکه گفتيم به آدم سجده کنيد پس سجده کردند مگر ابليس که سر پيچيد و سركشي كرد و از کافران شد (34) و گفتيم اي آدم تو و همسرت در آن باغ سکونت يابيد و از هر جايش كه خواستيد بفراواني بخوريد اما به اين درخت نزديک نشويد که از ظالمان خواهيد شد (35) اما شيطان آنها را لغزاند و آنها را از آنچه در آن بودند بيرون کرد و گفتيم از آن بيرون رويد در حاليکه بعضي از شما دشمن بعضي ديگريد و در زمين تا مدتي استقرار و برخورداريي خواهيد داشت (36) آنگاه آدم از پروردگارش کلماتي فرا گرفت و او به او بازگشت. زيرا که او بسيار بازگشت کننده مهربان است (37) گفتيم همگي از آن بيرون رويد. پس اگر هدايتي از جانب من بسويتان آمد ، هر کس که هدايتم را پيروي کرد نه ترسي خواهد داشت و نه اندوهگين خواهد بود (38) و آنانکه کفر ورزيدند و آياتمان را تکذيب کردند اهل آتشند و در آن جاودان خواهند بود (39)**

**اي بني اسرائيل ! نعمتم راکه به شما ارزاني داشتم بياد آوريد و به عهدم وفا کنيد تا به عهدتان وفا کنم و فقط از من بيم داشته باشيد (40) و به آنچه که تصديق کننده چيزيست که با شماست ايمان بياوريد و اولين کافرِ آن مباشيد و آياتم را به بهائي اندک نفروشيد و فقط از من پروا کنيد (41) و لباس حق به باطل مپوشانيد و حق را آگاهانه کتمان نکنيد (42) و نماز بپاداريد و زکات دهيد و همراه با رکوع کنندگان رکوع کنيد (43) آيا مردم را به نيکي ميخوانيد و خودتان را فراموش مي کنيد؟ در حاليکه آن کتاب را هم تلاوت مي کنيد؟ آيا خرد نمي ورزيد؟(44) و از صبر و نماز کمک بگيريد ، و اين کار ، جز براي فروتنان دشوار است (45) همانها که گمان دارند که پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد و بسوي او باز خواهند گشت (46) اي بني اسرائيل ! نعمتم را بيادآوريد که به شما ارزاني داشتم و شما را بر جهانيان برتري دادم (47) و از روزي بترسيد که هيچکس راجع به چيزي بدرد کسي نميخورد و از او شفاعتي پذيرفته نميشود و عوض هم قبول نميگردد و ياري نيز نمي شوند (48)**

**و بياد آريد كه شما را از فرعونيان نجات داديم . همانها که بر شما آن عذاب بسيار بد را روا ميداشتند که پسرهايتان را ميکشتند و زنانتان را زنده ميگذاشتند و در اين از جانب پروردگارتان آزمايشي بزرگ بود (49) و بياد آريد که دريا را برايتان شکافتيم و نجاتتان داديم و فرعونيان را غرق کرديم و شما ناظر بوديد (50) و بيادآريد که با موسي قرار چهل شب را گذاشتيم آنگاه شما گوساله را** (به پرستش) **برگرفتيد و ظالم بوديد (51) سپس شما راعفو کرديم شايد شکربگزاريد (52) و به موسي آن کتاب جدا کننده حق و باطل را داديم شايد هدايت يابيد (53) و بياد آريد که موسي به قوم خويش گفت اي مردم شما بعلت گوساله پرستي بر خويش ظلم کرديد پس بسوي پروردگارتان توبه کنيد و يكديگر را بکشيد . اين براي شما نزد پروردگارتان بهتر است . آنگاه از شما درگذشت زيرا که بسيار بازگشت کننده مهربان است (54) و بياد آريد که گفتيد اي موسي هرگز بتو ايمان نخواهيم آورد تا اينکه خداوند رابه آشکاري ببينيم و صاعقه شما را بگرفت و ناظر بوديد (55) آنگاه شما را پس از مرگتان برانگيختيم شايد شکر گزاريد (56) و ابر را سايبانتان کرديم و منّ و سلوي را برشما نازل نموديم** . [و خطاب نمودیم] **از پاکيزه هاي آنچه روزيتان کرده ايم بخوريد . و برما ظلم نکردند وليکن به خودشان ظلم ميکردند (57) و بياد آريد که گفتيم داخل اين شهر شويد و ازهرجاي آن که خواستيد بخوريد و از آن درب به حالت سجده داخل شويد و بگوئيد** (گناهان مارا) **فرو ريز ، تا خطايتان ببخشيم و به نيکوکاران** (نعمت) **بيافزائيم (58) آنانکه ظلم کردند آن قولي را که به آنان گفته شده بود تغيير دادند و عذابي از آسمان بر آنها نازل کرديم براي آن گناهي که ميکردند (59) و بياد آريد که موسي براي قوم خويش آب خواست و گفتيم با عصايت به آن سنگ بزن. پس دوازده چشمه از آن جست و هر کسي آبشخور خود را مي شناخت. از روزي خدا بخوريد و بياشاميد و در زمين به خرابکاري مکوشيد (60) و هنگاميکه به موسي گفتيد هرگز به يکنوع غذا صبر نخواهيم کرد ، و از پروردگارت بخواه که براي ما از آنچه زمين ميروياند ، از سبزي و خيار و سير و عدس و پياز بيرون آورد. گفت آيا چيز بهتر را با چيز پست تر عوض مي کنيد؟ پس** (از اينجا) **به شهري بيرون فرود آييد که در آن آنچه خواستيد داشته باشيد ، و بر آنان ذلت و بيچارگي مقرر شد و به غضبي از جانب خداوند دچار شدند . زيرا به آيات خدا کفر ميورزيدند و پيامبران را به ناحق مي کشتند . اين بدان سبب بود که عصيان کرده بودند و تجاوز مينمودند (61)**

**البته مسلمانان ، يهوديان ، مسيحيان ، وستاره پرستان ، هر کدام که به خداوند و آخرت ايمان داشته و عمل شايسته کنند نزد پروردگارشان پاداششان را خواهند داشت . نه ترسي داشته باشند و نه اندوهگين باشند (62)**

**و بياد آوريد هنگاميکه از شما پيمان گرفتيم و** (کوه) **طور را بالاي** (سر) **تان برديم و گفتيم آنچه را به شما داده ايم با قوت بگيريد و از آنچه که در آن است پند گيريد شايد پروا کنيد (63) اما به آن پشت کرديد و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود حتما از زيانکاران ميشديد (64) و حتما از حال کساني از خودتان که درباره** (احکام) **روز شنبه تعدي کردند خبر داريد که به آنها گفتيم ميمون هائي رانده شده باشيد (65) و آن را جريمه اي قرار داديم که مايه عبرت معاصرانشان و آيندگان و موعظه اي براي پروا داران باشد (66) و هنگاميکه موسي به قومش گفت خداوند فرمانتان ميدهد که گاوي بکشيد . گفتند مسخره مان کردي؟ گفت به خدا پناه ميبرم که از جاهلان باشم (67) گفتند پروردگارت را بخاطر ما بخوان که براي ما بيان کند مشخصاتش چيست. گفت ميگويد گاويست نه پير و نه خردسال و ميانسالي بين اين دو حالت است ، پس آنچه را که دستور يافته ايد انجام دهيد (68) گفتند پروردگارت را بخوان كه رنگش را برايمان بيان کند ،گفت ميگويد گاوي است زرد رنگ روشن و بينندگان از رنگش خوششان مي آيد (69) گفتند پروردگارت را براي ما بخوان که آن را كاملا مشخص کند ، زيرا که آن گاو بر ما مشتبه شده و انشاء الله هدايت شويم (70) گفت ميگويد گاوي است كه نه رام است که زمين را شخم و کشت را آبياري کند ، و نه نشاندار است ، بلکه رهاست ، گفتند الان حقيقت را آوردي و ذبحش کردند و نزديك بود انجام ندهند (71) و هنگاميکه کسي را کشتيد و درباره او کشمکش ميکرديد و خداوند آنچه را که پنهان ميکرديد بيرون کشيد (72) و مقرر كرديم قسمتي از آن را به او بزنيد. خداوند مردگان را چنين زنده ميکند و آياتش را به شما مي نماياند شايد تعقل کنيد (73) سپس قلب هاتان پس از آن سخت شد ، مانند سنگ ، بلکه سخت تر . و از بعضي سنگها نهرها ميجوشد و برخي از سنگها ميشكافند و از آنها آب خارج ميشود و برخي از آنها از خشيت خدا پائين مي­افتند و خداوند از آنچه ميکنيد غافل نيست (74)**

**آيا اميدواريد که آنها به** (عقايد) **شما ايمان بياورند؟ در حاليکه عده اي از آنها کلام خدا را مي شنوند و پس از اينکه فهميدند، آگاهانه تغييرش ميدهند (75) و هنگاميکه مسلمانان را ملاقات مي کنند ميگويند ايمان داريم و هنگاميکه با يكديگر تنها ميشوند ميگويند آيا شما درباره چيزهائي که خداوند براي شما گشوده با آنان صحبت مي کنيد تا بعدا نزد پروردگارتان بوسيله همانها عليه شما دليل بياورند؟ آيا تعقل نمي کنيد؟ (76) آيا نميدانند که خداوند آنچه را که پنهان يا آشکار مي کنند ميداند؟ (77) و از آنها کساني هستند که درس نخوانده اند ، از آن کتاب هم چيزي جز خيال هاي خام نميدانند و جز به گمان نميپردازند (78) پس واي برآنان که کتاب را با دستهايشان مي نويسند آنگاه ميگويند اين از جانب خداست تا آنرا به قيمت کمي بفروشند. پس واي بر آنها از آنچه دستهايشان مي نويسد و واي بر آنها از آنچه کسب مي کنند (79) و ميگويند آتش جز چند روزي بما نميرسد. بگو آيا از خدا عهدي گرفته ايد؟ و البته خداوند از عهدش تخلف نمي کند. يا اينکه راجع به خداوند چيزي ميگوئيد که نميدانيد؟ (80) بله. کسي که گناهي کند و خطاهايش احاطه اش نمايد اهل آتش است که در آن جاودان خواهد بود (81) وکساني که ايمان آورده وعمل صالح کنند از ياران بهشتند و در آن جاودانند (82)**

**و بياد آريد که پيمان بني اسرائيل را گرفتيم که جز خداوند را عبادت نکنيد و به والدين و نزديکان و يتيم ها و بيچارگان نيکي کنيد و به مردم سخن نيکو گوئيد و نماز بپاداريد و زکات دهيد . آنگاه غير از کمي از شما به آن پشت کرديد و روگردان بوديد (83) و هنگاميکه پيمان شما را گرفتيم که خونهايتان را نريزيد و خودهاتان را از شهرهاتان بيرون نکنيد ، شما هم اقرار کرديد و شهادت داديد (84) آنگاه اين خودتان بوديد که خودهاتان را مي كشتيد وعده اي را از شهرهاتان بيرون مي كرديد و بر ضد آنها به گناه و تجاوز همپشتي مي نموديد و اگر بصورت اسير بسويتان مي آمدند فديه ميداديد در حاليکه اساسا اخراج آنها بر شما حرام بود . آيا به قسمتي از کتاب ايمان مي آوريد و به قسمتي کفر ميورزيد؟ پس جزاي کسي که چنين کند چيست جز خواريي در زندگي دنيا و اينکه روز قيامت به شديدترين عذاب تحويل شود و خداوند از آنچه مي کنيد غافل نيست (85) آنها کساني هستند که زندگي دنيا را به قيمت آخرت خريدند ، پس عذاب آنها تخفيف نخواهد يافت و ياريي نخواهند شد (86) و البته به موسي آن کتاب را داديم و پس از او نيز پيامبران ديگر فرستاديم و به عيسي نيز دلايل روشن داديم و او را بوسيله روح القدس تقويت کرديم . پس چرا هر وقت رسولي بسويتان آمد که خوشتان نيامد عده اي را تکذيب وعده اي را کشتيد؟ (87) و گفتند دلهاي ما در غلاف است. بلكه خداوند بسبب کفرشان لعنتشان نموده و مومنان آنها چقدر کم است (88) و هنگاميکه کتابي از جانب خداوند بسويشان آمد که تصديق کننده كتابشان بود ، و قبلا هم** (بعلت مژده آمدن پيامبر) **نسبت به کافران در طلب پيروزي بودند ، اما بمحض آمدن همان چيزي که مي شناختندش به آن کفر ورزيدند ، و لعنت خدا برکافران باد (89) خود را به بد چيزي فروختند که از روي ظلم به آنچه خدا فرستاده کفر ورزيدند . آنهم به اين خاطر که خداوند فضل خويش به هر کس از بندگانش که خواهد داده. و سزاوار غضبي بر غضب ديگري شدند و کافران عذابي خفت بار دارند (90) و هنگامي که به آنان گفته شود به آنچه خدا نازل کرده ايمان بياوريد ميگويند ما به آنچه برخود مان نازل شده ايمان داريم و به غير از آن کفر ميورزند در حاليکه آن حق است و تصديق کننده چيزيست که با آنان است . بگو پس چرا قبلا پيامبران خدا را مي کشتيد اگر مومن ميباشيد (91) و موسي هم با دلايل روشن بسويتان آمد آنگاه شما گوساله را پس از او** (به پرستش) **برگرفتيد و ظالم بوديد (92) و هنگاميکه از شما پيمان گرفتيم و** (کوه) **طور را بالاي** (سر) **شما بلند کرديم ،** (و گفتيم) **با قوت بگيريد آنچه را که به شما داده ايم و بشنويد ،** (به زبان) **گفتند شنيديم و** (به دل گفتند) **نافرماني کرديم و** (علاقه) **گوساله در دلهاشان به سبب کفرشان نوشانده شد. بگو چه بد است آن چيزي که ايمان شما به آن فرمان ميدهد اگر مومن هستيد (93) بگو اگر جهان آخرت نزد خدا فقط مخصوص شماست پس آرزوي مرگ کنيد اگر راست ميگوئيد (94) و هرگز آنرا بسبب آنچه از پيش فرستاده اند آرزو نخواهند کرد و خداوند به حال ظالمان آگاه است (95) و آنها را حريص ترين مردم نسبت به زندگي خواهي يافت و عده اي از مشرکان نيز** (همينطورند). **هر يک از آنها آرزو دارد که کاش هزار سال عمر کند و با آن كه آن** (عمر) **هم برطرف کننده عذاب از آن ها نخواهد بود و خداوند به آنچه مي کنند بيناست (96) بگو هر کس که دشمن جبرئيل باشد** (توجه کند که) **او آن** (قرآن) **را به فرمان خدا بر دلت نازل مي کند که تصديق کننده** (کتاب هاي) **قبلي ، و هدايت و مژده اي براي مومنان است (97) هر کس که دشمن خداوند و ملائکه اش و فرستادگانش و جبرئيل و ميکائيل باشد ، خداوند هم دشمن کافران است (98) و بسوي تو آياتي داراي دليل هاي روشن نازل کرديم که جز گناهکاران به آن کافر نميشوند (99) چرا هر گاه عهدي بستند عده اي از آنها آن را شكستند؟ بلکه اکثرشان ايمان ندارند (100) و هنگامي که فرستاده اي از جانب خدا بسويشان آمد که تصديق کننده چيزي است که با آنهاست عده اي از اهل کتاب ، کتاب خدا را پشت سرشان انداختند که گوئي که اصلا چيزي نميدانند (101)** {و آنچه را که شيطان ها در فرمانروائي سليمان خواندند، {{و سليمان کافر نبود وليکن آن شيطان ها كافر بودند}}{{{ و به مردم جادو ياد ميدادند و نيز آنچه را که بر آن دو فرشته در بابل نازل شده بود که اسم آنها هاروت و ماروت بود به مردم ياد ميدادند}}}(هاروت و ماروت)آن چيزها را به مردم ياد نميدادند مگر اينکه ميگفتند ما وسيله امتحان هستيم پس مبادا کافر شوي، {{{{اما (مردم) از آنها چيزهائي را ياد ميگرفتند که بوسيله آنها بين مرد و همسرش جدائي مي افتاد و - البته آنها جز به اذن خدا به کسي ضرري نميرساند- و نيز از آنها چيزهائي ياد ميگرفتند که برايشان ضرر داشت و نفعي نداشت در حاليکه ميدانستند کسي که آن را جذب کند در آخرت بهره اي نخواهد داشت}}}} و چه بداست چيزي که خود را به آن فروختند اگر بدانند}(102) **و اگر ايمان مي آوردند و تقوا پيشه ميکردند پاداشي از جانب خدا برايشان بهتر بود اگر ميدانستند.(103)**

**اي مسلمانان نگوئيد «رعايتمان کن » بلکه بگوئيد «ما را در نظر داشته باش » و بشنويد و کافران عذابي دردناک خواهند داشت (104) کافران اهل کتاب و مشرکان دوست ندارند هيچ خيري از جانب پروردگارتان بر شما نازل شود در حاليکه خداوند رحمت خويش را به هر کس که خواهد اختصاص خواهد داد و خداوند صاحب فضل عظيم است (105) هر آيه اي را که منسوخ کنيم يا آنرا از يادها ببريم بهتر از ان را يا لااقل مثل آن را مي آوريم . آيا نمي داني که خداوند بر هر چيزي قادر است؟ (106)**

**آيا نمي داني که خداوند مالک آسمانها و زمين است و جز خدا هيچ سرپرست و ياوري نداريد؟(107) يا اينکه ميخواهيد از رسولتان** (چيزهائي) **بخواهيد که قبلا از موسي خواسته شد؟ و هر کس که کفر را با ايمان عوض کند حتما از راه راست گم شده است (108) بسياري از اهل کتاب پس از اينکه حق برايشان آشکار شد، بعلت حسدي كه در درونشان است ، دوست دارند کاش مي شد که پس از ايمانتان به کفر برگرديد . از آنها در گذريد و چشم بپوشيد تا خداوند امرش را بياورد ، که خداوند بر هر چيزي تواناست (109) و نماز بپاداريد و زکات دهيد و هر چه براي خويش پيشاپيش بفرستيد نزد خداوند خواهيد يافت که خداوند به آنچه مي کنيد بيناست (110)**

**و مي گويند هيچ کس داخل بهشت نمي شود مگر اينکه يهودي و يا مسيحي باشد. اينها آرزوهايشان است. بگو دليل خويش بياوريد اگر راست مي گوئيد (111) بلي.کسي که رويش را براي خدا تسليم کند و نيکوکار هم باشد پاداشش نزد پروردگارش محفوظ است و نه ترسي داشته باشد و نه اندوهگين باشد (112) و يهوديان مي گويند مسيحيان برچيزي** (از حق استوار) **نيستند و مسيحيان هم مي گويند يهوديان برچيزي نيستند در حالي که آن کتاب را هم مي خوانند. کساني که علم ندارند نيز مانند آنها مي گويند. بلي خداوند روز قيامت درباره آنچه که در آن اختلاف دارند بينشان حکم خواهد کرد (113) و چه کسي ظالم تر است از کسي که از ياد خدا در مساجد جلوگيري نموده و سعي در خرابي آنها کند؟ آنها را نميرسد داخل آن شوند مگر اينکه نگران باشند. در دنيا خواريي و در آخرت عذابي بزرگ خواهند داشت (114) و مشرق و مغرب از آن خداست، پس به هر جا که رو کنيد همانجا رو به خداست که خداوند وسعت دهنده داناست (115)**

**و ميگويند خداوند فرزندي برگرفته است. منزه است از آن. بلکه آنچه در آسمانها و زمين است مال اوست و همه فرمانبردار اويند (116) بوجود آورنده آسمانها و زمين است و وقتي که امري را بخواهد اجرا شود جز اين نيست که به آن مي گويد: باش، پس مي شود (117) و کساني که علم ندارند مي گويند چرا خداوند با ما سخن نمي گويد يا معجزه اي بسوي ما نمي آيد؟ پيشينيان آنها نيز چنين گفتند. دلهاشان متشابه است. البته آيات را براي مردمي که يقين دارند بيان کرده ايم (118) تو را به حق مژده دهنده اي و هشدار دهنده اي فرستاده ايم و تو مسئول اهل جهنم نمي باشي (119) نه يهوديان و نه مسيحيان هرگز از تو راضي نخواهند شد مگر اينکه دين آنها را پيروي کني. بگو البته هدايت همان هدايت خداوند است واگر هواي نفس آنها را پس از اينکه از علم** (مقداري) **بسويت آمده پيروي کني از جانب خداوند يار و ياوري نخواهي داشت (120) کساني که کتابشان داده ايم و آن را آنطور که حق تلاوت کردن آن است تلاوت مي کنند، به آن ايمان دارند و کسي که به آن کفر ورزد زيانکار است (121) اي بني اسرائيل! نعمتم را که برشما ارزاني داشتم بياد آوريد که شمارا برجهانيان برتري دادم (122) و از روزي که هيچ کس فايده اي براي ديگري نخواهد داشت و از او نه معادلي پذيرفته مي شود و نه شفاعتي فايده اي خواهد کرد و نه ياري خواهد شد پروا كنيد.(123)**

**و هنگامي که ابراهيم را پروردگارش به کلماتي امتحان کرد و او نيز تمامشان را انجام داد ، گفت تو را امام قرار خواهم داد . گفت و آيا از نسل من** (نيز امام خواهند بود؟) **گفت عهدم به ظالمان نميرسد (124) و هنگاميکه آن خانه را محل مراجعه مردم و امن قرار داديم. و** (گفتيم) **شما از مقام ابراهيم نمازگاهي برگيريد و با ابراهيم و اسماعيل عهد کرديم که خانه مرا براي طواف کنندگان و عاکفان و رکوع و سجود کنندگان پاکيزه کنيد (125) و هنگاميکه ابراهيم گفت پروردگارا اين شهر را ايمن کن و اهالي آن را که به خدا و آخرت ايمان دارند از ميوه ها روزي ده. گفت و کسي را هم که کافر باشد نيز اندكي برخوردار خواهم كرد ، آنگاه او را بسوي عذاب آتش خواهم کشاند و بازگشتگاه بديست (126) و آن هنگام که ابراهيم و اسماعيل داشتند پايه هاي آن خانه را بالا مي آوردند** (ميگفتند) **پروردگارا از ما بپذير، که تو شنواي دانائي (127) پروردگارا ما را تسليم خودت گردان و نيز از فرزندان ما مردمي تسليم قرار ده . و راه و رسم ما را نشانمان ده و توبه ما را بپذير که توبه پذير مهرباني (128) پروردگارا و از ميان آنها رسولي برانگيز که آياتت را برآنها بخواند و کتاب و حکمت به آنها بياموزد و پاکشان کند. كه پيروزمند فرزانه اي (129) و چه کسي از دين ابراهيم روي مي گرداند مگر اينکه خودش را سبک کرده باشد و البته او را در دنيا برگزيديم و در آخرت از صالحان است (130) هنگاميکه پروردگارش به اوگفت تسليم باش گفت تسليم پروردگار جهانيانم (131) و ابراهيم آنرا به پسرانش سفارش كرد و يعقوب نيز. كه اي پسرانم خداوند براي شما دين برگزيد. پس مبادا بميريد و مسلم نباشيد (132) آيا شما آن وقتي که مرگ بسراغ يعقوب آمد حاضر بوديد؟ هنگامي که او به پسرانش گفت پس از من چه را عبادت مي کنيد؟ گفتند خداي تو را و خداي پدرانت ابراهيم و اسمعيل و اسحق را که خدائي يگانه است و ما تسليم اوئيم (133) آنها امتي بودند که رفتند. آنچه کسب کردند براي خودشان خواهد بود و انچه شما کسب کنيد براي خودتان خواهد بود و شما از اعمال آنان بازخواست نخواهيد شد (134)**

**و گفتند يا يهودي و يا مسيحي باشيد تا هدايت يابيد. بگو بلکه دين ابراهيم معتدل را (داريم) و او از مشرکان نبود (135) بگوئيد به خداوند ايمان داريم و به آنچه به ما نازل شده و به آنچه به ابراهيم و اسمعيل و اسحق و يعقوب و اسباط نازل شده و به آنچه به موسي و عيسي و آنچه به پيامبران از جانب پروردگارشان داده شده ايمان داريم. بين هيچ کدام از آنها تفرقه اي نمي اندازيم و تسليم او هستيم (136)** {پس اگر به مانند آنچه شما ايمان آورديد ايمان آوردند، هدايت يافته اند و اگر روي گرداندند در جدائيي هستند و بزودي خداوند تو را از (شر) آنها کفايت خواهد کرد و همو شنوا و داناست.(137) (اين) رنگ خدا (است) و چه کسي در قبال خدا خوش رنگ تر است و ما او را عبادت مي کنيم.(138) بگو آيا درباره خداوند با ما جدال مي کنيد در حاليکه او پروردگار ما و پروردگار شماست، و اعمال ما براي ما و اعمال شما براي خودتان است و ما (دين خود را) براي او خالص نموده ايم.(139) يا اينکه ميگوئيد ابراهيم و اسمعيل و اسحق و يعقوب و اسباط يهودي يا مسيحي بودند. بگو آيا شما بهتر مي دانيد يا خداوند؟ و چه کسي ظالم تر است از کسي که شهادتي را که از خداوند نزد اوست کتمان کند و خداوند از آنچه مي کنيد غافل نيست }(140) **اينها گروهي بودند که رفتند. آنچه کسب کردند براي خودشان بود و آنچه شما کسب کنيد براي خودتان خواهد بود. و شما از آنچه آنها انجام ميدادند بازخواست نخواهيد شد (141)**

**بزودي کم خردان خواهند گفت چه چيزي سبب شد که آنها از قبله اي که برآن بودند روگردان شوند؟ بگو مشرق و مغرب مال خداست، هر كه را بخواهد بسوي صراط مستقيم هدايت مي کند(142) و چنين است که شما را مردمي معتدل قرار داديم تا بر مردم گواه باشيد و رسول نيز بر شما گواه باشد و آن قبله اي را که بر آن بودي قرار نداديم مگر اينکه کساني را که از رسول پيروي مي کنند از کساني که بر پاشنه هاي خويش ميچرخند مشخص کنيم. و گر چه اين موضوع مگر براي کساني که خداوند هدايتشان کرده بود گران بود، و اينطور نيست که خداوند ايمانتان را ضايع کند. البته خداوند نسبت به مردم دلسوزو مهربان است (143) البته ما روچرخاندنت را در آسمان ميديديم. پس تو را بسوي قبله اي که دوست ميداري برميگردانيم.پس روي خويش را بطرف مسجدالحرام کن و هر جا که بوديد روي خويش را به همان طرف کنيد و البته اهل کتاب ميدانند که آن حق،و از جانب پروردگارشان است و خداوند از آنچه ميکنند غافل نيست (144) و اگر همه معجزات را هم براي اهل کتاب مي آوردي از قبله تو پيروي نميکردند، و تو هم از قبله آنها پيروي نميکردي، و بعضي از آنها هم تابع قبله بعض ديگر نميشدند. و اگر پس از علمي که بسويت آمده، از خواسته هاي آنها پيروي کني البته از ظالمان خواهي بود (145) اهل کتاب آنرا مي شناسند همانطور که فرزندان خويش را مي شناسند و البته عده اي از آنها آگاهانه حق را کتمان مي کنند (146) حق از جانب پروردگارت است. پس از دو دلان مباش (147) و براي همگي سوئي قرار داديم که بسوي آن رو مي کنند. پس در كارهاي خوب از يكديگر سبقت گيريد. هر جا باشيد خداوند همگيتان را باز خواهد آورد. خداوند بر هر چيزي تواناست (148) و از هر جا که خارج شدي، روي خويش را بطرف مسجدالحرام کن، و البته آن حق، و از جانب پروردگارت است و خداوند از آنچه مي کنيد غافل نيست (149) و از هر جا که خارج شدي روي خويش را بطرف مسجدالحرام کن و هر جا که بوديد روي خود را بطرف آن کنيد تا براي مردم عليه شما دليلي نباشد مگر آنان که ظلم نمودند. از آنها نترسيد و از من بيم داشته باشيد تا نعمتم را بر شما تمام کنم و شايد هدايت يابيد (150) چنانکه در ميان شما رسولي از خودتان فرستاديم که آياتمان را بر شما ميخواند و پاکتان مي کند و کتاب و حکمت به شما مي آموزد و نيز آنچه را که نميدانستيد تعليمتان ميدهد (151) پس مرا ياد کنيد تا يادتان کنم و مرا شکر گذاريد و کفران مکنيد (152)**

**اي مسلمانان.** **از صبر و نماز کمک گيريد که خداوند با صابران است (153) و کسي را که در راه خدا کشته شده مرده مگوئيد بلکه زنده اند ولي شما در نمي يابيد (154) و البته شما را به چيزي از خوف و گرسنگي و كاستي در اموال و جانها و فرآورده ها خواهيم آزمود و صابران را مژده ده (155) همانها که وقتي مصيبتي به آنان رسيد ميگويند ما مال خدائيم و بسوي او باز ميگرديم (156) آنها کساني هستند که مورد الطافي از جانب پروردگارشان و رحمتي هستند و هدايت يافته ميباشند (157)**

**البته صفا و مروه از شعائر خداوند است ، پس کسي که حج آن خانه يا عمره کند ، عيبي ندارد که آن دو را طواف نمايد و هرکس که کار نيکي را داوطلبانه انجام دهد ، البته خداوند سپاسگزار داناست (158)**

**البته کساني که آنچه را از دلايل روشن و هدايت فرستاديم ، پس از اينکه براي مردم در آن کتاب بيانش کرديم ، کتمان مي کنند خداوند و لعنت کنندگان لعنت شان مي کنند (159) مگر آنهائي که توبه کردند و اصلاح نمودند و بيان کردند پس من نيز بر آنان باز ميگردم و من بازگشت کننده و مهربانم (160) کساني که کفر ورزيدند ودر حال کفر مردند لعنت خداوند و ملائکه و همگي مردم بر آنها خواهد بود (161) در آن جاودان خواهند بود ، عذابشان تخفيف نخواهد يافت ، و مهلت هم داده نميشوند (162) و خداي شما يکي است . خدائي جز او نيست. كه بخشنده مهربان است (163)**

**البته در آفرينش آسمانها و زمين ، و گردش شب و روز، و کشتييي که در دريا به نفع مردم حرکت ميکند ، و آنچه خداوند از آسمانها از آبهائي که سبب زنده شدن زمين پس از مرگش ميشود ميفرستد ، و اينکه همه جور جنبنده اي در زمين گسترانيده ، و در گردش بادها ، و ابرهائي که بين آسمان و زمين رامند ، آياتي براي اشخاصي که تعقل مي کنند وجود دارد (164) و از ميان مردم کساني هستند که براي خدا همتاياني قرار ميدهند و آنها را مانند خداوند دوست ميدارند ، ولي مومنان خدا را بيش از همه چيز دوست ميدارند ، و اگر آنانکه ظلم كردند آن عذاب را ميديدند** (ميدانستند) **که همه قدرت ها همگي مخصوص خداوند است و اينکه عذاب خداوند شديد است (165)** {آن هنگام که رهبران (گمراهي) از پيروان خويش بيزاري ميجويند و عذاب را مي بينند و سبب ها از آنها قطع ميشود (166) و پيروان آنان ميگويند کاش بازگشتي بود تا ما هم از آنان بيزاري جوئيم همانطور که آنان از ما بيزاري جستند. خداوند اعمالشان را با چنين حسرت هائي به آنها نشان ميدهد و از آن آتش خارج نخواهند شد}(167)

**اي مردم آنچه را که در زمين هست و حلال و خوب هست بخوريد و از گامهاي شيطان پيروي نکنيد که او برايتان دشمني آشکار است (168) جز اين نيست که شما را به بدي و کارهاي بسيار زشت امر ميکند و اينکه برخداوند چيزي بگوئيد که نميدانيد (169) و هنگاميکه به آنها گفته شود آنچه را که خداوند گفته پيروي کنيد ، ميگويند نه ، بلکه چيزي را پيروي مي کنيم که پدرانمان به آن انس گرفته­اند. حتي اگر پدرانشان چيزي نفهميده و هدايتي نشده باشند؟(170) و مثال کافران مانند آنست که به چيزي که جز صدا زدن و ندا کردن چيزي نمي شنود فريادي بزني. کر و لال و کورند و تعقل نمي كنند (171) اي مسلمانان از چيز هاي پاکيزه اي که روزيتان کرده ايم بخوريد و خداوند را شکر گوئيد اگر فقط او را عبادت مي کنيد (172) جز اين نيست که مردار و خون و گوشت خوک و آنچه به نام غير خدا ذبح شده بر شما حرام شده است . پس اگر کسي مجبور شد ، در حاليکه متجاوز و متعدي نباشد** (و بيش از حد زنده ماندن نخورد) **گناهي بر او نيست که خداوند آمرزگار مهربان است (173) البته آنانکه آنچه را خداوند از آن کتاب فرستاده کتمان مي کنند و آنرا به قيمت نا چيز ميفروشند در شکم هايشان چيزي جز آتش نميخورند ، و خداوند در روز قيامت با آنها تکلم نمي کند و رشدشان هم نميدهد و عذابي دردناک خواهند داشت (174) آنها کساني هستند که گمراهي را به قيمت هدايت و عذاب را به قيمت مغفرت خريدند پس در مقابل آتش عجب پايدارند! (175) اين به آن سبب است که خداوند آن کتاب را به حق فرستاد و کسانيکه در آن اختلاف کردند در جدائيي بسيار دورند (176)**

**نيکي آن نيست که روي خويش بطرف مشرق و مغرب کنيد و ليکن نيکي آن است که ايمان به خدا و روز آخرت و ملائکه و آن کتاب و پيامبران داشته باشيد ، و مال را عليرغم آنکه دوستش داريد به نزديکان و يتيمان و بيچارگان و به راه ماندگان و خواهندگان و براي آزاد کردن بنده بدهيد و نماز بپا داريد و زکات دهيد ، و هنگاميکه عهد مي کنيد وفا نمائيد ، و** (نيكي صفت) **پايداران در سختي ها و ناراحتي ها و هنگام جنگ است. آنها کساني هستند که راست گفتند و انها همان اهل تقوا ميباشند.(177)**

**اي مسلمانان در مورد قتل بر شما قصاص مقرر شد . آزاد در برابر آزاد . و بنده در مقابل بنده . و زن در مقابل زن . پس اگر کسي از برادرش گذشتي كند ، بايد از عرف پيروي کرد و به نيکي ادا** (ي تلافي) **نمود . اين تخفيفي از جانب پروردگارتان و رحمتي است . پس اگر کسي بعد از آن تعدي کرد عذابي دردناک خواهد داشت (178) و در قصاص براي شما زندگي است اي خردمندان ! شايد تقوا در پيش گيريد (179)**

**بر شما مقرر شده که وقتي زمان مرگ يکي از شماها سررسيد اگر مالي دارد براي والدين و نزديکان به نيکي وصيت کند که اين حقي بر عهده اهل تقواست (180) پس اگر کسي آن را شنيد اما تغييرش داد گناهش بر کساني است که تغييرش مي دهند که خداوند شنواي داناست (181) اما اگر کسي ترسيد که وصيت کننده دچار انحراف يا گناه بشود آنگاه بين آنها را اصلاح دهد گناهي بر او نيست که خداوند آمرزگار مهربان است (182)**

**اي مسلمانان بر شما روزه مقرر شد همانطور که بر گذشتگان شما مقرر شده شايد تقوا پيشه کنيد (183) چند روز محدودي است و اگر کسي مريض يا مسافر باشد چند روزي از روزهاي بعد بگيرد . و اگر کسي نتواند** (روزه گيرد) **بجايش بيچاره اي را غذا دهد و اگر کسي داوطلبانه کار خيري بکند برايش بهتر است و اينکه روزه بگيريد برايتان بهتر است اگر بدانيد (184) در ماه رمضان که قرآن در آن نازل شده که براي مردم هدايت و دليل هاي روشن و فرق گذار بين حق و باطل است** (روزه را بگيريد) . **هر كسي از شما که آن ماه را درک کرد بايد روزه بگيرد و کسي که مريض يا مسافر بود در عده اي از روزهاي بعدي** (بگيرد). **خداوند براي شما آساني خواسته نه اينکه سختي خواسته باشد و بايد تعداد را تکميل کنيد و خداوند را بابت هدايت خويش تکبير گوئيد و شايد شکرگذار باشيد (185) و هنگاميکه بندگانم راجع به من از تو ميپرسند** (بدانند که) **نزديک هستم. دعاي دعا کننده را اجابت مي کنم . پس آنها هم بايد مرا اجابت نموده و بمن ايمان آورند شايد رشد يابند (186) در شب هاي روزه نزديکي تان با همسرانتان حلال است . آنها لباس شمايند و شما لباس آنهائيد . خداوند ميداند که شما برخويش خيانت ميکرديد پس بر شما بازگشت و از شما درگذشت . پس اينک با آنان مباشرت کنيد و آنچه را که براي شما مقرر کرده بخواهيد ، و بخوريد و بياشاميد تا اينکه نخ سياه و سفيد در اثر فجر برايتان مشخص شود . آنگاه روزه را تا شب به اتمام رسانيد ، ودرحاليکه در مساجد عاکفيد با آنان آميزش نکنيد . اين حدود خداست . به آن** (حدود خدا) **نزديک نشويد . چنين است که خداوند آياتش را براي مردم بيان مي کند شايد تقوا پیشه کنند (187)**

**و اموال خود را در بين خود به باطل مخوريد و مبادا آن** (اموال) **را بسوي حکام سرازير کنيد تا قسمتي از اموال مردم را به گناه بخوريد در حاليکه به آن آگاهيد (188)**

**از تو درباره هلالي بودن ماه ميپرسند ، بگو آن ها اوقات را براي مردم معين مي کنند و** (زمان) **حج را . و نيکي آن نيست که به خانه ها از پشت** (بام) **ها در آيند وليکن نيکي آن است که تقوا داشته باشيد و به خانه ها از درهاي آنها درآئيد و از خدا پروا کنيد شايد رستگار شويد (189)**

**و در راه خدا با آنانکه با شما مي جنگند بجنگيد و تعدي مکنيد که خداوند تجاوزگران را دوست نميدارد (190) و آنها را هر جا که يافتيد بکشيد و از آنجائي که شما را اخراج کردند اخراجشان کنيد و فتنه از قتل مهم تر است و در نزد مسجدالحرام با آنان نجنگيد مگر اينکه با شما بجنگند. پس اگر با شما جنگيدند بکشيدشان که جزاء کافران همين است (191) پس اگر دست کشيدند خداوند آمرزگار مهربان است (192) و با آنان بجنگيد تا فتنه اي نباشد و دين براي خدا باشد پس اگر دست کشيدند ديگر هيچ برخوردي جز عليه ظالمان نباشد (193) ماه حرام در مقابل ماه حرام است و هر حرمت شكنيي قصاصي دارد . پس اگر کسي بر شما تعدي کرد ، شما هم مثل همان تعدي را عليه او روا داريد ، و از خدا پروا کنيد و بدانيد که خداوند با پروا داران است (194) و در راه خدا خرج کنيد و با دست خويش خود را به هلاکت نيفكنيد . و نيكي کنيد که خداوند نيکوکاران را دوست دارد (195)**

**و حج و عمره را براي خداوند به اتمام رسانيد. و اگر باز داشته شديد هر چه که ممکن و آسان بود قرباني کنيد و سرتان را نتراشيد تا قرباني به محل** (قربانگاه) **خود برسد و اگر کسي مريض باشد يا درباره سرش ناراحتيي داشته باشد عوض آن** (نتراشيدن سر) **روزه بگيرد يا صدقه دهد يا اعمال عبادي ديگر کند . و وقتي که امنيت برقرار بود کسيکه خواست عمره را حج کند چيزي آسان و ممکن قرباني کند و اگر نيافت سه روز در ايام حج و هفت روز پس از بازگشت روزه بگيرد که جمعا ده روز شود . اين براي کساني است که خانواده شان در مسجدالحرام نباشند . و از خدا پروا کنيد و بدانيد خداوند در پيگيري شديد است (196) حج در ماه هاي معلومي است. پس کسي که** (حج) **در آنها بر او واجب ميشود آميزش و گناه و جدال در حج ممنوع است و هر کار نيکي که کنيد خدا آنرا ميداند و توشه گيريد و البته بهترين توشه تقواست و از من پروا کنيد اي خردمندان (197) اشکالي ندارد که فضل پروردگارتان را جستجو کنيد و هنگامي که از عرفات سرازير شديد ، در مشعر الحرام ذکر خدا بجاي آريد ، و او را همانطور که هدايتتان کرده بياد آوريد ، و البته قبلا از گمراهان بوديد (198) آنگاه از همانجا که مردم راه مي افتند راه بيفتيد و از خدا آمرزش بخواهيد که همو آمرزگار مهربان است (199) و هنگاميکه اعمالتان را تمام کرديد خدا را ياد کنيد همانطور که پدرانتان را ياد مي کنيد بلکه از آنهم قوي تر. از ميان مردم کساني هستند که ميگويند خدايا در دنيا بما بده وآنها در آخرت بهره اي ندارند (200) و کساني هم هستند که ميگويند خدايا در دنيا و آخرت بما نيکوئي ده و از عذاب آتش نگهمان دار (201) آنها از آنچه کسب مي کنند نصيبي خواهند داشت وخداوند تند حساب است (202) و خدا را در روزهائي چند ياد کنيد. پس اگر کسي خواست به عجله در دو روز** (تمام) **کند گناهي نکرده و کسي هم خواست تاخير کند براي با تقوا گناهي ندارد . از خدا پروا کنيد و بدانيد که بسوي او محشور ميشويد (203)**

**کساني هستند که از نظرشان درباره زندگي دنيا خوشت مي آيد، و خداوند را هم به شهادت ميگيرند، در حاليکه سرسخت ترين دشمنان هستند (204) و هنگامي که به رياستي ميرسند به فساد در زمين و هلاک کشاورزي و نفوس ميکوشند و خداوند فساد ر ا دوست ندارد (205) و هنگاميکه گفته ميشود تقوا پيشه کن عزت خود را در گناه مي پندارند، پس جهنم بسشان است و چه جايگاه بدي است (206) و کساني هم هستند که خود را به رضاي خدا ميفروشند و خداوند دلسوز بندگان است (207) اي مسلمانان همگي به تسليم** (قوانين خدا) **درآئيد و گامهاي شيطان را پيروي مکنيد که او دشمن آشکارتان است (208) پس اگر بعد از اينکه دلايل روشن بسويتان آمد پايتان لغزيد بدانيد که خداوند پيروزمند فرزانه است (209) آيا انتظار دارند که خداوند و ملائکه در سايبان هائي از ابر بيايند و کار تمام شود؟ و البته همه امور بسوي خداوند برميگردد (210) از بني اسرائيل بپرس چقدر آيات و دلايل روشن بسويتان آمد؟ و کسي که نعمت خداوند را پس از آمدنش تغيير دهد ، خدا در پيگيري شديد است (211) زندگي اين دنيا براي کافران تزيين شد و مومنان را مسخره ميکنند و اهل تقوا در روز قيامت بالاتر از آنها هستند و خداوند هر که را خواهد بدون حساب روزي ميدهد (212)**

**مردم همگي يک جور بودند، پس خداوند پيامبران را برگزيد که مژده دهنده و هشدار دهنده باشند، و با آنها آن کتاب را فرستاد که بين مردم درباره آنچه اختلاف داشتند به حق حکم کند، و در آن اختلاف نکردند مگر پس از اينکه آن دلايل روشن بسويشان آمد، براي اينکه بين خويش ظلم کنند. آنگاه خداوند مومنان را درباره حقيقت امور مورد اختلاف به فرمان خويش هدايت کرد، و خداوند هر که را خواهد بسوي جاده مستقيم هدايت مي کند (213) آيا مي پنداريد وارد بهشت ميشويد و مثال اقوام قبلي برسرتان نمي آيد که سختي ها و ناراحتي ها به آنان رسيد تا اينکه لرزه شان گرفت تا اينکه رسول و مومنان همراهش گفتند پس ياري خدا کي ميرسد؟ بدانيد که ياري خدا نزديک است (214)**

**مي پرسند چه انفاق کنند بگو هر چه انفاق مي کنيد؟** (بهتر است) **به والدين و نزديکان و يتيمان و بيچارگان و در راه مانده ها باشد و هر کار خيري که کنيد ، خداوند به آن آگاه است (215) جنگ بر شما مقرر شد در حاليکه آن را خوش نميداريد و چه بسا چيزي که خوش نميداريد اما برايتان خوب است و چه بسا چيزي که دوست داريد اما برايتان شر است و خداوند ميداند و شما نميدانيد (216) از تو درباره جنگ در ماه حرام مي پرسند بگو جنگ در آن** (گناه) **بزرگ است ، اما بازداشتن از راه خدا و کفر به آن و کفر به مسجدالحرام و اخراج اهلش از آن نزد خدا** (گناهي) **بزرگتر است ، و فتنه از قتل بالاتر است ، و آنها آنقدر با شما مي جنگند تا شما را اگر بتوانند از دينتان برگردانند ، و هر کس از دينش برگردد و در حال کفر بميرد اعمالش در دنيا و آخرت از بين ميرود و اهل آتش بوده و در آن جاودان خواهد بود (217) البته آنانکه ايمان آورده و هجرت نموده و در راه خدا جهاد کرده باشند به رحمت خدا اميدوارند و خداوند آمرزگار مهربان است (218) از تو درباره شراب و قمار ميپرسند بگو در آن دو گناهي بزرگ و منفعت هائي براي مردم است ، و گناه انها از نفعشان بزرگتر است ، و مي پرسند چه انفاق کنند بگو افزون بر نياز** (راانفاق کنيد) **خداوند آياتش را چنين برايتان بيان مي کند شايد تفکر کنيد (219) در** (باره) **دنيا و آخرت** (تفکر کنید) **. و درباره ايتام از تو مي پرسند بگو سامان دادن به كار آنان بهتر است و اگر با آنها قاطي شويد پس** (بدانيد كه) **برادران شما هستند و خداوند مفسد را از مصلح باز مي شناسد و اگر خدا ميخواست شما را به زحمت مي انداخت ، که او پيروزمند فرزانه است (220) و با زنان مشرک ازدواج نکنيد تا مسلمان شوند و البته کنيز مسلمان از زن مشرک بهتر است ولو اينکه از او خوشتان بيايد و با مردان مشرک ازدواج نکنيد تا مسلمان شوند و يک برده مومن از مرد مشرک بهتر است حتي اگر خوشتان بيايد. آنها بسوي آتش دعوت مي کنند و خداوند به اذن خويش بسوي بهشت و آمرزش دعوت مي کند . و آياتش را براي مردم بيان مي کند شايد پند گيرند (221) و از تو درباره حيض ميپرسند . بگو آن رنجي است . پس در ايام حيض با آنان نزديکي مکنيد تا وقتي که پاک شوند و وقتيکه پاک شدند آنطور که خداوند امر کرده به آنان درآئيد که خداوند بازگشت کنندگان و پاکي جويان را دوست ميدارد (222) زنان شما کشتزار شمايند پس به کشتزار خويش هر وقت خواستيد در آئيد و براي خويش توشه نيك از پيش فرستيد و از خداوند پروا کنيد و بدانيد که به لقاي او خواهيد رسيد و مومنان را بشارت ده (223) و خداوند را دستاويز سوگند هاي خود قرار ندهيد که به بهانه آن ، از نيکي و تقوا و اصلاح بين مردم خودداري كنيد ، و خداوند شنواي داناست (224) خداوند شما را در قسم هاي بيهوده مواخذه نمي کند بلکه به آن چيزي که دل هايتان کسب کرده مواخذه مي کند و خداوند آمرزگار حليم است (225) کساني که** (قسم ميخورند) **براي هميشه از زنان خويش کناره گيرند چهار ماه** (ميتوانند در اين حالت) **بمانند و اگر برگشتند خداوند آمرزگار مهربان است (226)**

**و اگر تصميم به طلاق گرفتند البته خداوند شنواي داناست.(227) و زنان مطلقه تا سه دوره پاکي بمانند و برايشان حلال نيست آنچه را که خداوند در رحم هاي آنها ايجاد نموده کتمان کنند، اگر به خدا و روز آخرت ايمان دارند، و شوهرانشان اگر قصد اصلاح داشته باشند سزاوارترند که به آنها برگردانده شوند و براي آن زنان (حقوق) شناخته شده ايست مانند چيزي که برعهده شان است، و مردان برآنان مرتبتي دارند، و خداوند پيروزمند فرزانه است.(228) طلاق دو بار است. يا بطور عرفي نگهداري شوند يا به نيکي آزاد گذاشته شوند و حلالتان نيست از آن چيزي که به آنان داديد چيزي را بگيريد. مگر اينکه (آن دو) بترسند که حدود خدا را بر پا نخواهند داشت، پس اگر ترسيديد که حدود خدا را بپاندارند عيبي ندارد که زن به عوض خويش چيزي دهد. اين حدود خداست. از آن تجاوز مکنيد و هر کس که از حدود خدا تجاوز کند از ظالمان است.(229) پس اگر (بازهم) طلاقش داد ديگر بر او حلال نخواهد شد مگر اينکه آن زن با مرد ديگري ازدواج کند، پس اگر او طلاقش داد براي آنان اشکالي ندارد که به يکديگر رجوع کنند در صورتيکه گمان کنند که حدود خدا را بپا خواهند داشت و اين حدود خداست که براي مردمي دانا بيانش مي کند.(230) و هنگامي که زنان را طلاق داديد و به سرآمد خويش رسيدند آنها را مطابق عرف نگهداريد يا مطابق عرف آزاد شان بگذاريد و آنها را (به زور) نگه نداريد که ضررشان بزنيد تا به آنان تعدي کنيد و هر کس اين کار را کند به خويش ظلم کرده. و آيات خدا را به مسخره نگيريد و نعمت خدا و نيز آنچه از كتاب و حكمت به شما فرو فرستاده را ياد كنيد و به آن موعظه تان ميكند و از خدا پروا کنيد و بدانيد که خداوند به همه چيز داناست.(231) و هنگاميکه زنان را طلاق داديد و به سرآمد خويش رسيدند مانعشان نشويد که با همسران دلخواه خود در صورتيکه بين خويش رضايت متقابل عرفي داشتند ازدواج کنند. کساني از شما که به خداوند و روز آخرت ايمان دارند از اين پند ميگيرند. اين براي شما پاکتر و بيشتر مايه رشدتان است و خداوند ميداند و شما نميدانيد.(232) و مادراني که بخواهند شيردادن کامل انجام دهند فرزندان خويش را دو سال تمام شير دهند، و برعهده صاحب فرزند است که روزي و لباس آنها را مطابق عرف تامين کند. هيچکس جزبه اندازه وسعش تکليف نميشود. نه مادر بخاطر فرزندش و نه صاحب فرزند براي فرزندش ضرر ببينند. و بر عهده وارث نيز مثل آن است. پس اگر با رضايت متقابل و مشاوره تصميم به از شير گرفتن گرفتند عيبي ندارد، و اگر خواستيد براي اولادتان (ازديگري) تقاضاي شير کنيد عيبي ندارد در صورتيکه (فرزند را) تسليم کسي که بسوي او رفته ايد مي کنيد مطابق عرف چيزي بدهيد و از خدا پروا کنيد، و بدانيد که خداوند به آنچه مي کنيد بيناست.(233) وکساني از شما که ميميرند و همسراني بجا ميگذارند چهار ماه و ده روز بمانند. پس هنگامي که به آن سر آمد رسيدند عيبي ندارد درباره خويش مطابق عرف عمل کنند و خداوند به آنچه مي کنيد آگاه است.(234) و عيبي ندارد درباره خواستگاري زنان چيزي اظهار کنيد يا در خويش پنهان کنيد. خداوند ميداند که بزودي آنها را ياد خواهيد کرد و ليکن بطور پنهاني قول و قرار نگذاريد مگر اينکه چيزي مطابق عرف بگوئيد و نيز قصد عقد زناشوئي نکنيد تا آن (حکم) مقرر شده (عده) به سر آمدش برسد و بدانيد که خداوند آنچه را که در ضمير شماست ميداند، پس از او حذر کنيد و بدانيد که خداوند آمرزگار حليم است.(235) عيبي ندارد اگر زناني را که به آنها دست نزده ايد يا براي آنها مهريه اي قرار نداده ايد طلاق دهيد ولي برخوردارشان کنيد. شخص مرفه به اندازه خود وشخص تنگدست به اندازه خود، متاعي مطابق عرف بدهد که حقيست بر عهده نيکوکاران.(236) و اگر مهريه معين کرده ايد اما به آنان دست نزده ايد و طلاقشان داديد نصف آن چيزي را که معين کرده ايد بدهيد، مگر اينکه آنها خودشان ببخشند يا آنکس که ازدواج بدست او انجام شده ببخشد، و اگر ببخشيد به تقوا نزديکتر است. و بخشش بين خويش را فراموش نکنيد که خداوند به آنچه مي کنيد بيناست.(237) بر نمازها و (بخصوص) نماز مياني پايبند باشيد و براي خداوند فروتنانه بپاخيزيد.(238) و اگر در حال ترس بوديد پياده يا سواره (نماز کنيد) و هنگاميکه به امنيت رسيديد ياد خدا كنيد همانطور که به شما چيزي را که نميدانستيد آموخت.(239) و اگر کساني از شما مردند و زناني بجاي گذاشتند بايد براي زنانشان هزينه تا يکسال را وصيت كنند و نبايد (آنها را از منزل خويش) بيرون کنند و اگر خودشان بيرون رفتند براي شما گناهي ندارد که آنها درباره خودشان مطابق عرف چه ميکنند و خداوند پيروزمند فرزانه است.(240) و براي طلاق داده شدگان بر عهده تقوا پيشگان حقيست که متاعي مطابق عرف به آنان بدهند.(241) خداوند آياتش را برايتان چنين بيان مي کند شايد تعقل کنيد.(242)**

**آيا آنان را که از ترس مرگ از شهر هاي خويش خارج شدند و هزاران نفر بودند نديدي كه خداوند به آنان گفت بميريد سپس زنده شان کرد؟ خداوند بر مردم بخشش دارد وليکن اکثر مردم شکر نمي گزارند (243) و در راه خدا کارزار کنيد و بدانيد که خدا شنواي داناست (244) كيست که به خداوند قرض الحسنه اي دهد و او نيز آنرا برايش چندين برابر کند؟ و خداوند است که تنگ ميگيرد و بسط ميدهد و بسوي او باز ميگرديد (245) آيا نديدي آن بزرگان بني اسرائيل را که پس از موسي به پيامبرشان گفتند براي ما فرماندهي برگزين که در راه خدا بجنگيم؟ گفت آيا اينطور نيست که اگر کارزار برايتان مقرر شود انجامش ندهيد؟ گفتند چه مان شده که در راه خدا نجنگيم در حاليکه از شهرهايمان و فرزندانمان بيرونمان کرده اند؟ اما چون جنگ بر آنها مقرر شد ، غير ازعده کمي ، سر پيچي کردندو خداوند به حال ظالمان داناست (246) و پيامبرشان به آنان گفت خداوند طالوت را برايتان به فرماندهي برگزيده است . گفتند چگونه فرماندهي براي او مقرر شده در حاليكه ما از او سزاوارتريم واز لحاظ مالي نيز مرفه نيست؟ گفت خداوند اورا بر شما برگزيده و او را از لحاظ علم و جسم زياده و گشايشي داده و خداوند فرماندهي خويش را به هر کس که خواهد ميدهد و خداوند گشايش دهنده داناست (247) و پيامبرشان به آنان گفت علامت فرماندهيش اين است که آن صندوق را برايتان مي آورد ، همان که در آن آرامشي از جانب پروردگارتان و بقيه اي از آنچه آل موسي وآل هارون بجا گذاشتند هست ، و ملائکه حملش مي کنند . البته دراين نشانه اي است براي شما اگر مومن باشيد (248) و هنگاميکه طالوت با سپاهيان** (از شهر) **جدا شد گفت خداوند شما را به جويي آزمايش ميکند . پس اگر کسي از آن بنوشد از من نيست و کسي که نخورد از من است مگر آنكه فقط كفي برگيرد** (و بنوشد). **پس جز عده کمي از آن نوشيدند . و چون او و مومنان همراهش از آن گذشتند گفتند امروز طاقت مبارزه با جالوت و سپاهيانش را نداريم . اما آنانکه گمان ملاقات خداوند را داشتند گفتند چه بسيار بودند سپاهياني اندک که بفرمان خدا بر سپاهيان بسيار پيروز شدند و خداوند با پايداران است (249) و هنگاميکه به مقابل جالوت و سپاهش رسيدند گفتند پروردگارا صبري بر ما بريز و قدم هايمان را ثابت کن و مارا بر کافران پيروز فرما (250) پس به فرمان خدا آنها را پراکنده کردند و داود جالوت را کشت و خداوند به او فرماندهي و حکمت داد و آنچه ميخواست به او آموخت. و اگر اينطور نبود که خداوند بعضي از مردم را بدست بعضي ديگر دفع کند ، زمين فاسد ميشد وليکن خداوند بر جهانيان فضل و کرم دارد (251) اين آيات خداست که به حق بر تو ميخوانيم و تو البته از فرستادگاني (252) اين پيامبران ، بعضي شان را بر بعضي برتري داديم . از ميان آنان کسي بود که خداوند با او گفتگو کرد و بعضي را بر بعضي برتري داد و به عيسي پسر مريم نيز دليل هاي روشن داديم و او را با روح القدس تقويت کرديم و اگر خدا ميخواست پس از آنان ، پس از اينکه آن دلايل روشن بسويشان آمد ، کارزار نميکردند وليکن اختلاف پيدا کردند و بعضي ايمان آوردند و بعضي کفر ورزيدند و اگر خدا ميخواست با يكديگر نمي جنگيدند ، وليکن خداوند آنچه بخواهد ميکند (253) اي مسلمانان! از آنچه روزيتان کرده ايم انفاق کنيد ، قبل از آنکه روزي برسد که در آن نه خريد و فروشي و نه دوستيي و نه شفاعتي باشد و کافران همان ظالمانند (254)**

**خداوند که خدائي جز او نيست زنده پاينده است . نه سستي ميگيردش و نه خواب. آنچه در آسمانها و زمين است مال اوست . چه کسي نزد او شفاعت خواهد کرد مگر به اجازه اش؟ آنچه را که در پيش روي آنان و در پشت سرشان است ميداند . وبه هيچ چيز از علم او احاطه اي نخواهند يافت مگر آنچه او بخواهد . کرسي او همه آسمانها و زمين را فراگرفته ، و حفظ آنها برايش سخت نيست ، و همو والامرتبه بزرگ است (255) در دين اجبار نيست . رشد از گمراهي عمدي متمايز شده . پس کسي که به طاغوت کفر ورزد و به خداوند ايمان بياورد به محکم ترين دستاويز چنگ زده که هرگز گسستني نيست . و خداوند شنواي داناست (256) خداوند دوست و سرپرست مومنان است که آنها را از تاريکيها بسوي نور هدايت مي کند و سرپرستان کافران طاغوت است که آنها را از نور بيرون آورده بسوي تاريکيها مي برد . آنها ياران آتشند که در آن جاودانند (257)**

**آيا آنکس را نديدي که خداوند به او فرمانروائیی داده بود و با ابراهيم درباره پروردگارش مجادله ميکرد ؟ هنگاميکه ابراهيم به او گفت پروردگار من زنده ميکند و ميميراند ، گفت من هم زنده ميکنم و ميميرانم . ابراهيم گفت پروردگارم خورشيد را از مشرق مي آورد تو** (اگر قدرت واقعی داری) **از مغرب بياورش . آنگاه آن کافر مبهوت شد و خداوند ظالمان را هدايت نمي کند (258) يا آنکسي که از خرابه هاي شهري ميگذشت ، گفت خداوند چگونه اين را پس از مرگش زنده ميکند؟ پس خداوند او را بمدت صد سال ميراند ، سپس برانگيختش . گفت چند مدت بودي؟ گفت روزي يا قسمتي از آن. گفت** (نه) **بلکه صدسال** (در آن حالت) **بودي ، پس به غذايت و نوشيدنيت که دگرگون نشده و به الاغت نگاه کن ، تا تو را نشانه اي براي مردم قرار دهيم . و به استخوانها بنگر که چطور آنها را ترتيب ميدهيم و چگونه گوشت برآنها مي پوشانيم . و هنگاميکه برايش روشن شد گفت دانستم که خداوند بر هر چيزي تواناست . (259) و هنگاميکه ابراهيم گفت پروردگارا بمن نشان ده که چگونه مردگان را زنده مي کني. گفت مگر باور نداري؟ گفت بله وليکن ميخواهم قلبم آرام شود . گفت چهار پرنده بگير، و نزد خود قطعه قطعه کن ، سپس بر هر کوهي قسمتي از آن را بگذار ، سپس صدايشان بزن** (خواهي ديد که) **به شتاب بسويت مي آيند . و بدان که خداوند عزتمند حکيم است (260)**

**مثال** (عمل) **آنهائي که اموالشان را در راه خدا خرج مي کنند مانند دانه ايست که هفت خوشه ميروياند که در هر خوشه صددانه است. و خداوند براي هر کس که بخواهد چند برابر ميکند و خداوند وسعت بخش داناست (261) آنهائي که اموالشان را در راه خدا انفاق مي کنند و سپس دنبال آنچه انفاق کرده اند منت و آزاري قرار نميدهند پاداششان نزد پروردگارشان است . نه بيمي داشته و نه اندوهگين باشند (262)** {گفتاري نيکو و گذشت بهتر است از صدقه اي که درپي آن آزار باشد و خداوند بي نياز حليم است}(263)  **اي مسلمانان ! صدقاتتان را با منت و اذيت باطل مکنيد و مانند کسي که مالش را براي نشان دادن بمردم خرج ميکند و به خدا و آخرت ايمان ندارد** (نباشيد). **و مثال** (کار) **او مانند سنگ سختي است که بر آن خاکي باشد و رگباري برآن ببارد و آنرا لخت بگذارد . برآنچه کسب کرده اند قدرتي ندارند و خداوند قوم کافران را هدايت نمي کند (264) و مثال آنهائي که اموالشان را براي کسب رضاي خدا و اينکه جانشان تثبيت شود خرج مي کنند ، مانند باغي است که بر بالاي تپه ايست که رگباري به آن برسد و آن** (باغ) **خوردني هايش را دو برابر دهد و اگر هم رگباري نرسد باران ملايمي به آن ميرسد و خداوند به آنچه ميکنيد بيناست (265)**  {آيا هيچکس از شما ميخواهد باغي از خرما ها و انگورها داشته باشد که کف آن نهرها جاري باشد که در آن از همه نوع ميوه يافت بشود و به پيري برسد و فرزنداني ضعيف داشته باشد، اما به آن (باغ) آتشي برسد و بسوزاندش؟ خداوند چنين آياتش را براي شما بيان مي کند شايد تفکر کنيد} (266) **اي مسلمانان ! از پاکيزه هاي دستاوردهايتان و آنچه که براي شما از زمين بيرون آورده ايم انفاق کنيد و پَست آن را که خودتان هم مگر با چشم پوشي نميگيريد** (براي انفاق) **منظور نکنيد و بدانيد که خداوند بي نياز ستوده است (267) شيطان شما را به فقر وعده ميدهد و به کارهاي بسيار زشت امر ميکند و خداوند به آمرزشي از جانب خويش و زياد تي** (وعده ميدهد) **و خداوند وسعت دهنده داناست (268) به هر که بخواهد حکمت ميدهد ، و هر کس که حکمت به او داده شده خير بسيار زيادي يافته ، و جز خردمندان** (اين) **پند را نمي پذيرند (269) و آنچه را که خرج کرديد و يا نذر کرديد ، خداوند ميداند و ظالمان ياوري ندارند (270) اگر صدقات را به آشکاري دهيد چه خوب ، و اگر مخفي داريد و به فقرا دهيد برايتان بهتر است ، و قسمتي از بدي هاي شما را مي پوشاند و خداوند به آنچه مي کنيد آگاه است (271) هدايت آنها بر عهده تو نيست وليکن خداوند است که هر کس را خواهد هدايت مي کند ، و هر مالي که انفاق کنيد براي خودتان خواهد بود . و انفاق را جز براي کسب توجه خداوند نمي كنيد . و مالي را که انفاق کنيد بطور کامل به شما داده خواهد شد و ظلم نمي بينيد (272)** {براي فقيراني که در راه خدا به تنگنا افتاده اند که نميتوانند (براي کسب روزي) در زمين مسافرتي کنند كه شخص ناآگاه از شدت عفافشان بي نيازشان مي پندارد. آنها را از نشاني هايشان مي شناسي. از مردم به اصرار درخواست نمي کنند. و مالي را که انفاق مي کنيد خداوند به آن آگاه است}(273) **کساني که اموالشان را شب و روز و مخفيانه و آشکار انفاق مي کنند پاداششان نزد پروردگارشان محفوظ است و نه ترسي داشته و نه اندوهگين باشند (274)**

**آنانکه ربا ميخورند جز مانند کسيکه در اثر تماس شيطان دچار خبط و انحراف از مسير طبيعي شده باشد بر نمي خيزند . اين به آن سبب است که ميگويند خريد و فروش مانند ربا است در حاليکه خداوند خريد و فروش را حلال و ربا را حرام کرده است . پس اگر کسي موعظه اي از جانب پروردگارش بسويش آمد و دست کشيد ، آنچه که گذشته مال او باشد و کارش با خداست و کسي که** (به آن عمل) **باز گردد از ياران آتش است که در آن جاودانند (275) خداوند ربا را نابود و صدقات را زياد مي کند و خداوند هيچ کفرانگر گناهکاري را دوست نميدارد (276) البته آنانکه ايمان آورده و کارهاي شايسته کرده و نماز بپاداشته و زکات داده اند پاداششان نزد پروردگارشان است و نه ترسي داشته و نه اندوهگين باشند (277) اي مسلمانان ! از خداوند پروا داشته و بقيه ربا را ول کنيد اگر ايمان داريد (278) و اگر اين کار را نکرديد پس اعلام جنگ با خدا و رسولش کنيد و اگر توبه کرديد سرمايه هاتان مال خودتان باشد نه ظلم کنيد و نه ظلم بينيد (279) و اگر** (بدهکار) **گرفتار باشد مهلتي دهيد تا گشايش يابد و اگر تصدق کنيد برايتان بهتر است اگر بدانيد (280) و پروا کنيد از روزي که در آن بسوي خداوند برميگرديد و آنگاه به هر کس آنچه که کسب کرده بطور کامل داده ميشود و هيچ ظلمي نميشوند (281)**

**اي مسلمانان! هنگاميکه به يکديگر قرضي تا مدت معيني ميدهيد آنرا بنويسيد . و بايد يک نويسنده عادل آن را بين شما بنويسد . و نويسنده نبايد از نوشتن خسته شود . همانگونه که خداوند تعليمش داده بايد بنويسد . و آن کسي که حق بر اوست بايد املاء کند ، و بايد از خدا بترسد و چيزي از آن کم نگذارد ، و اگر کسي که حق بر اوست سفيه يا ضعيف است يا نميتواند املاء کند بايد سرپرستش به عدل املاء کند . و دو مرد را به شهادت بگيريد و اگر دو مرد نبود يک مرد و دو زن که از ميان گواهان مي پسنديدشان** (به شهادت بگيريد) **تا اينکه اگر يکي فراموش کرد ديگري به يادش بياورد و گواهان وقتي که دعوت شدند نبايد امتناع کنند ، و خسته نشويد از اينکه بنويسيدش چه کوچک باشد و چه بزرگ ، تا سرآمدش . اين نزد خدا به عدالت نزديکتر ، و از نظر شهادت دادن استوار تر ، و از اين لحاظ که شک نکنيد مناسب تر است . مگر اينکه معامله اي نقدي باشد که بين خويش اداره اش مي کنيد . در آنصورت گناهي ندارد که آنرا ننويسيد و هنگاميکه معامله اي کرديد شاهد بگيريد و نبايد نه نويسنده و نه شاهد ضرر ببينند و اگر چنين کنيد گناهش برعهده تان است و از خدا بترسيد و خداوند** (چنين) **تعليمتان ميدهد و خداوند به همه چيز داناست (282) واگر در سفر بوديد و نويسنده نيافتيد گروئي بگيريد و اگر بعضي تان بعضي ديگر را امين شمرد ، امين شمرده شده بايد ادا کند و از خداوند پروردگارش پروا داشته باشد ، و شهادت را کتمان نکنيد و کسي که کتمانش کند دلش گناهکار است و خداوند به آنچه مي کنيد آگاه است (283)**

**آنچه در آسمانها و زمين است از آن خداست و اگر آنچه را که در ضمايرتان است آشکار کنيد يا پنهان کنيد خداوند محاسبه اش مي کند پس هر که را خواست مي بخشد و هر كه را خواست عذاب مي کند و خداوند به هر چيزي تواناست (284) رسول به آنچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده ايمان آورد و همچنين مومنان . همگي به خداوند و ملائکه وکتابهايش و رسولانش ايمان دارند** (و گويند) **بين هيچيک از رسولان جدايي نمي اندازيم و ميگويند شنيديم و اطاعت داريم** (و خواهان) **آمرزشت** (هستيم) **اي پروردگارمان و بازگشت بسوي توست (285) خداوند به هيچکس جز به اندازه وسعش تکليفي نمي کند . آنچه نيكي کرده به نفع خود اوست و آنچه بدي کرده به ضررش است** (و ميگويند) **پروردگارا اگر فراموش کرديم ، يا خطا کرديم ، باز خواستمان مكن و تکليفِ گران بر ما تحميل مکن ، چنانکه بر پيشينيان کردي ، و چيزي که طاقتش را نداشته باشيم بر ما تحميل مکن ، و ما را ببخش و بيامرز و بما رحم كن . تو سرپرست مائي و ما را عليه کافران ياري فرما (286)**

**سوره بیّنه**

|  |
| --- |
| **درس: نکوهش کافران اهل کتاب که آگاهانه و عامدانه کفر می­ورزند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**کافرانِ اهل کتاب و مشرکين** (از يكديگر) **جدا نبودند تا اينکه آن دليل روشن بسويشان آمد (1)**  {رسولي از جانب خداوند که صحيفه هائي پاکيزه تلاوت ميکرد.(2) که در آنها نامه هائي استوار و پاينده بود}(3) **اهل کتاب (از مومنان) جدا نشدند مگر پس از آنکه آن دليل روشن بسويشان آمد (4)**  {و مأمور نشده بودند مگر اينکه خداوند را به اخلاص عبادت کنند و نماز بپا دارند و زکوة بدهند و دين استوار و پاينده نيز همين است}(5)

**كافران اهل کتاب و مشرکان که کفر ورزيدند بطور ابدي در جهنم خواهند ماند که آنها بدترين مردمانند (6) البته مومنان که عمل صالح هم انجام داده باشند بهترين مردمانند (7) پاداششان نزد پروردگارشان باغهائي است مستقرِ جاويد که از آنها نهرها جاري است که در آن بطور ابدي جاودان خواهند بود . خداوند از آنها و آنها نيز از او راضي هستند. اين براي کسي است که نسبت به پروردگارش حرمت ميگذارد (8)**

**سوره ماعون**

|  |
| --- |
| **درس: اسم مطرح نيست. اين اعمال نشانه تکذيب قيامت و معارف ديني است، چه از مسلمان صادر شود و چه از کافر.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**چه نظري داري راجع به کسي که روز قيامت را تکذيب مي کند؟(1)**  {او کسي است که يتيم را با خشونت ميراند.(2) و بر غذا دادن مستمندان تشويق نمي کند،(3) آنگاه واي بر نمازگزاران.(4) آنانکه در نمازشان (زياد)اشتباه ميکنند،(5) آنانکه رياکاري ميکنند،(6) و چيزهاي مورد استفاده عمومي را از ديگران دريغ مي دارند }(7)

**سوره عادیات**

|  |
| --- |
| **درس: نکوهش کندي و سستي انسان در پرداختن به امور مورد رضايت پروردگار.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**قسم به اسبان تيزتک که نفس نفس ميزنند (1)** (كه) **در هنگام دويدن از نعل هايشان جرقه پديد مي آيد (2)** (كه) **صبح هنگام ناگهان بر دشمن هجوم مي آورند (3) و گرد و غباري بلند مي کنند (4) و ناگهان در وسط** (آنها) **قرار مي گيرند (5) كه انسان نسبت به پروردگار خويش بسيار کند است (6) و او بر اين** (واقعيت) **آگاه است (7) البته او در دوست داشتن دارائي بسيار شديد است (8) مگر نمي داند وقتي که قبر ها زيرو رو شود (9) و آنچه در سينه هاست آشکار شود (10) پروردگارشان در آن روز نسبت به آنان آگاه است؟ (11)**

**سوره صف**

|  |
| --- |
| **درس: نکوهش مسلمانان براي ادعاهاي بي پشتوانه شان، و دعوت به ايمان واقعي و جهاد، و وعده پيروزي دينشان.**  **درب: بهتر است مسلمانان هم با کل موجودات عالم هماهنگ شده و ايمانشان واقعي باشد.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**آنچه در آسمانها و زمين است خداوند را به پاکي ستوده اند و همو پيروزمند فرزانه است (1)**

**اي مسلمانان! چرا چيزي را ميگوئيد که انجامش نميدهيد؟(2)** {اينکه چيزي را بگوئيد که انجامش نميدهيد موجب خشم بزرگي نزد خداوند است }(3) **خداوند کساني را که در راه او مي جنگند (و آنقدر ثابت قدم باشند) که گوئي داراي پي هاي فلزي مي باشند دوست دارد (4)**

**و هنگامي که موسي به قومش گفت اي مردم چرا اذيتم مي کنيد در حالي که مي دانيد فرستاده خدا بسوي شما هستم؟ و هنگامي که منحرف شدند خداوند نيز دلهاشان را منحرف نمود و خداوند قوم فاسقان را هدايت نمي کند (5) و هنگاميکه عيسي پسر مريم گفت اي بني اسرائيل ! من رسول خدا بسويتان هستم که آنچه را که از تورات پيش از من بوده تصديق مي کنم و به آمدن رسولي که پس از من مي آيد و اسمش احمد است مژده ميدهم . پس وقتيکه با دلايل روشن بسويشان آمد گفتند اين جادوئي آشکار است (6) چه کسي ظالمتر است از کسي که بر خداوند دروغ بندد در حالي که دعوت به اسلام ميشود؟ و خداوند قوم ظالمان را هدايت نميکند (7) ميخواهند نور خدا را با دهانهايشان خاموش کنند در حاليكه خداوند نور خويش را بطور کامل ظاهر ميکند ولو اينکه کافران بدشان بيايد (8) اوست که رسولش را با هدايت و دين حق فرستاد تا آن را بر همه دين ها پیروز کند ، گرچه مشرکان بدشان بيايد (9)**

**اي مسلمانان! ميخواهيد تجارتي به شما نشان بدهم که شما را از عذاب دردناک نجات دهد؟(10)**  {به خدا و رسولش ايمان بياوريد و در راه خدا با مال و جانتان جهاد کنيد.اين برايتان بهتر است اگر بدانيد.(11) گناهانتان را مي آمرزد و شما را به بهشتهائي که در کف آنها نهرها جاريست و زيستگاههائي دلپسند در باغ هائي جاودان در مي آورد كه اين همان پيروزي بزرگ است.(12) و چيز ديگري هم که دوستش داريد (نصيبتان مي كند): ياريي از جانب خدا و پيروزي نزديک. و مومنان را مژده ده }(13) **اي مسلمانان ياران خدا باشيد. آنچنانکه وقتي عيسي بن مريم به حواريان گفت چه کسي در راه خدا ياريم مي کند، حواريان گفتند ما ياران خدائيم. و عده اي از بني اسرائيل ايمان آوردند و عده اي هم کافر شدند. و ما مومنان را عليه دشمنانشان تقويت کرديم و غالب شدند (14)**

**سوره محمد**

|  |
| --- |
| **درس: تشويق مسلمانان به جهاد، و جديت در راه خدا و جدا کردن مسير خويش از کافران و منافقان.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**آنانکه کفر ورزيدند و از راه خدا جلوگيري کردند (خداوند)اعمالشان را نابود کرد (1) و آنانکه ايمان و عمل صالح داشته و به آنچه بر محمد نازل شده، که همان حق از جانب پروردگارشان است، باور داشته اند بديهاي آنها را پوشاند و وضعشان را اصلاح کرد (2)** {اين به آن علت است که کافران باطل را و مومنان آن حق را که از جانب پروردگارشان است پيروي کردند. خداوند اينطور براي مردم مثل ها مي زند }(3)

**پس هنگامي که (در جنگ)کافران را ديديد گردنهاي آنها را بزنيد تا کار شما عليه آنها محکم شود، آنگاه آنها را (به اسير گرفتن) ببنديد. و بعدا يا منت نهيد (و آزاد کنيد) و يا فديه بگيريد تا اينکه جنگ بار خويش بنهد. چنين است. و اگر خداوند مي خواست شما را پيروز مي کرد وليکن بعضي از شما را بوسيله بعضي ديگر ميازمايد و کساني که در راه خدا کشته مي شوند اعمالشان را هرگز نابود نمي كند (4)**  {بزودي هدايتشان مي کند و احوالشان را اصلاح مي نمايد.(5) و آنها را به آن بهشت كه به آنان شناسانده در مي آورد }(6) **اي مومنان! اگر (راه) خدا را ياري کنيد ياريتان مي کند و قدمهايتان را تثبيت مي فرمايد.(7) {**و کافران، سرنگون باشند و اعمالشان نابود باد (8) اين به آن علت است که آنچه را خدا فرستاده ناخوشايندشان بود، لذااعمالشان را نابود کرد }(9)

**آيا در زمين گردش نکردند تا ببينند عاقبت پيشينيان چگونه بود که خداوند خانه خرابشان کرد و براي کافران از اين مثالها (زياد) است (10)** {اين به آن سبب است که خداوند ياور مومنان است و کافران ياوري ندارند.(11) خداوند مومنان صاحب عمل صالح را داخل بهشتهائي مي کند که از کف آنها نهرها جاريست و کافران (در اين جهان) برخوردار ميشوند و مانند چارپايان مي خورند و جايگاهشان آتش است}(12)

**و چه بسا شهر هائي که از شهري که تو را بيرون کرد قوي تر بودند و هلاکشان کرديم و یاريي نداشتند (13)** {آيا کسي که داراي دليل روشني از جانب پروردگارش هست مانند کسيست که عمل زشتش برايش تزيين شده و از اميالش پيروي ميکند؟}(14) **آيا مَثَل بهشتي که به تقوا داران وعده داده شده که در آن نهرهائي از آبي که بو نمي گيرد، و نهرهائي از شيري که طعمش تغيير نمي کند، و نهر هائي از نوشابه اي که براي نوشندگان لذت دارد، و نهرهائي از عسل تصفيه شده هست، و از هر نوع ميوه جات دارد، و آمرزشي از جانب پروردگارشان هم هست، مانند جهنم است؟ که (کافران) در آن جاودانند و آبي جوشان مينوشند که اندرونشان را پاره ميکند (15)**

**و از آنها کساني هستند که به تو گوش ميدهند و وقتي که از نزدت خارج ميشوند از کساني که به آنان علم داده شده ميپرسند همين چندي پيش چه ميگفت؟ آنها کساني هستند که خداوند بر قلبهاشان مهر زده و اميالشان را پيروي کرده اند (16) و آنانکه در جستجوي هدايتند هدايتشان را زياد ميکند و** (نتيجه) **تقوايشان را به آنها ميدهد (17) آيا منتظر قيامت هستند که ناگهان بر آنها در آيد؟ البته علامت هاي آن آمده . اما اگر قيامت بيايد ديگر پند و تذکر چه فايده اي برايشان دارد؟(18)**

{پس بدان که خدائي جز خداوند نيست و براي گناهان خويش و مومنان آمرزش بخواه و خداوند به حرکت و سکون شما آگاه است}(19)

**و مسلمانان مي گويند چرا سوره اي نازل نشده؟ پس هنگامي که سوره اي محکم نازل شود و حکم کارزار در آن باشد مي بيني آنان که در قلبهاشان مرضي هست چنان به تو مينگرند که انگار مرگشان رسيده است و همان هم برايشان سزاوارتر است (20)**  {طاعتي و قول پسنديده اي (بهتر است). آنگاه وقتي که کار به تصميم رسيد صداقت نسبت به خداوند برايشان بهتر خواهد بود.(21) نکند وقتيکه رياست پيدا کرديد، در زمين فساد کرده و به قطع ارحام بپردازيد.(22) کساني که چنين اند خداوند لعنتشان کرده و کر وکورشان نموده است.(23) پس آيا در قرآن تدبر نمي کنند يا اينکه قلوبشان قفل شده است؟(24) البته کساني که پس از روشن شدن حقيقت بر پاشنه هاي خويش ميچرخند شيطان اين امر را برايشان آراسته و آرزومند شان نموده است.(25) زيرا که آنها به کساني که آنچه را خداوند نازل نموده خوش نميدارند، ميگويند در بعضي از کارها از شما اطاعت مي کنيم و خداوند از اين پنهانکاري آنها آگاه است.(26) چه وضعي خواهند داشت وقتيکه ملائکه جانشان را بگيرند و آنگاه به صورتها و پشت هايشان بزنند؟(27) اين به آن سبب است که چيزي را پيروي کردند که مايه خشم خداست و رضايت او را خوش نداشتند و اين اعمالشان را نابود کرد.(28) آيا آنانکه در قلوبشان مرضي هست مي پندارند خداوند هرگز کينه هايشان را آشکار نميكند؟(29) و اگر ميخواستيم آنها را بتو نشان ميداديم آنگاه آنها را به چهره مي شناختي.و البته آنها را از روي لحن گفتارشان خواهي شناخت و خداوند اعمالتان را مي داند}(30) **و حتما شما را مي آزمائيم تا جهاد گران و صابران شما مشخص شده و اخبارتان را بيازمائيم (31) البته آنان که کفر ورزيدند و از راه خدا باز داشتند و با رسول خدا بعد از اينکه حقيقت برايشان روشن شد دشمني نمودند هرگز ضرري به خداوند نميزنند و بزودي اعمالشان را نابود مي کند (32)**

**اي مسلمانان! خدا را اطاعت کنيد و نيز رسولش را فرمان ببريد و اعمالتان را باطل نکنيد (33)** {کساني که کافر شده و از راه خدا باز داشتند وسپس در حال كفر مردند خداوند هرگز نمي آمرزدشان.(34) پس سست نشويد، و تقاضاي صلح مکنيد، و شما بالاتريد، و خداوند با شماست، و هرگز پاداش اعمالتان را کم نمي کند.(35) جز اين نيست که زندگي دنيا بازيچه و سرگرميست، و اگر ايمان بياوريد و تقوا پيشه کنيد پاداشهايتان را خواهد داد و اموالتان را هم نخواهد خواست.(36) اگر آنها را بخواهد و بر شما سخت بگيرد بخل خواهيد ورزيد و کينه هايتان آشكار ميشود }(37) **همين شماها وقتي دعوت ميشويد که در راه خدا انفاق کنيد بعضي تان دريغ ميورزند. و کسي که دريغ ورزد از خويش دريغ نموده. و خداوند بي نياز است و شما نيازمنديد. و اگر پشت کنيد قومي ديگر را بجاي شما قرار ميدهد و آنان مانند شما نخواهند بود (38)**

**سوره انفال**

|  |
| --- |
| **درس: به جهاد و دفاع و اطاعت خالصانه از خدا و رسول بپردازيد که پيروز خواهيد شد.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**از تو درباره انفال ميپرسند بگو انفال مال خدا و رسول است. پس از خدا پروا کنيد و بين خويش را اصلاح نمائيد و خدا و رسولش را اطاعت کنيد اگر مومن هستيد (1)** {جز اين نيست که مومنان هنگاميکه خداوند ياد ميشود دلشان ميلرزد و وقتيکه آياتش بر آنها خوانده ميشود ايمانشان زياد ميشود و بر پروردگارشان توکل مي کنند.(2) همانها که نماز بپاميدارند و از آنچه روزيشان کرده ايم انفاق مي کنند.(3) آنها همان مومنان واقعي هستند که درجاتي نزد پروردگارشان و آمرزشي و روزيي گرامي خواهند داشت }(4)

**همانگونه که خداوند تو را به حق از خانه ات بيرون آورد، و حال آنکه عده اي از مومنان اين کار را خوش نمي داشتند.(5) با تو درباره حق پس از آنکه برايشان روشن هم شده بود جدال ميکردند گوئي دارند خويش را مينگرند كه بسوي مرگ رانده ميشوند.(6) و آن هنگام (را بياد بياوريد) که خداوند (پيروزي بر) يکي از آن دو طائفه را به شما وعده ميداد و شما دوست داشتيد آن بي اهميت مال شما باشد اما خداوند ميخواست حق را با کلماتش فرود بياورد و دنباله کافران را ببرد.(7) تا حق را مستقر کند و باطل را نابود نمايد، هر چند گناهکاران خوش نداشته باشند.(8)**  {آن هنگام که شما از پروردگارتان کمک خواهي ميکرديد و اجابتتان کرد که من شما را با هزار ملائکه رديف شده کمک خواهم کرد.(9) و خداوند آنرا فقط مژده اي قرار داد و اينکه دلشان به آن آرام شود و پيروزي جز از جانب خدا نيست که خداوند پيروزمند حکيم است.(10) آن هنگام که خماري چرت را بر شما انداخت تا آرامشي از جانب او باشد و از آسمان آبي بر شما نازل نمود تا پاکتان کند و پليدي شيطان را از شما زايل نمايد و دلهاتان را (به يکديگر و به خدا) ارتباط دهد و بواسطه آن قدمهاتان را ثابت کند.(11) آن هنگام که پروردگارت به ملائکه وحي ميکرد که من با شما هستم پس مومنان را ثابت قدم کنيد. بزودي ترس در دل کافران مي افکنم، پس بالاي گردنها (ي آنها) را و همه سرانگشتانشان را نيز بزنيد}(12)  **اين به آن علت است که آنها با خدا و رسولش مخالفت نمودند و هرکس که با خداوند و رسولش مخالفت ورزد البته خداوند در پيگيري شديد است.(13) اين است. پس بچشيدش و البته کافران عذاب آتش را خواهند داشت.(14)**

**اي مسلمانان! وقتي که با کافران درجنگ برخورد کرديد به آنان پشت نکنيد (15) و کسي که در آن روز پشت کند ،** {مگر اينکه بخواهد جنگ را (با حيله) طورديگري کند، يا به لشکري (خودي) ملحق شود} **البته غضبي از خداوند را به جان خريده و جايگاهش جهنم است و بد بازگشتگاهي است (16) شما آنها را نکشتيد بلکه خداوند کشتشان ، و تو نبودي که تير مي انداختي بلکه خداوند بود که مي انداخت ، تا اينکه مومنان را به نعمتي نيکو از جانب خويش بيازمايد که خداوند شنواي داناست (17)**

**چنين است. و اينکه خداوند حيله کافران را سست مي کند (18) (اي كافران) اگر پيروزي ميخواستيد،اينک پيروزي (معكوس) بسراغتان آمد و اگر دست بکشيد برايتان بهتر است و اگر باز هم به همان (کارهاي سابق) بازگرديد ما هم (به شکست دادن شما) باز ميگرديم و هرگز لشکريان شما کاري برايتان نخواهند ساخت ولو اينکه زياد هم باشند و البته خداوند با مومنان است (19)**  {اي مسلمانان! خدا و رسولش را اطاعت کنيد و در حاليكه سخن او را مي شنويد از او برنگرديد.(20) و مانند کساني نباشيد که ميگويند شنيديم و نمي شنوند }(21) **بدترين جنبندگان نزد خداوند کساني هستند که کر و لالند و تعقل نمي کنند (22) و اگر خداوند خيري در آنها سراغ داشت حتما به آنها مي شنواند و اگر مي شنواند باز هم پشت ميکردند و رويگردان مي شدند (23)**

**اي مسلمانان! خدا و رسولش را وقتيكه به چيزي که زنده تان مي کند دعوتتان مي كنند اجابت کنيد ، و بدانيد که خداوند بين شخص و دلش حائل ميشود و اينکه بسوي او محشور ميگرديد (24)** {و از فتنه اي بترسيد که فقط ظالمان شما را فرانميگيرد و بدانيد که خداوند در پيگيري شديد است.(25) و بياد آوريد که در زمين کم و ضعيف بوديد و ميترسيديد که مردم شما را بربايند تا اينكه شما را جاي داد و به ياري خويش تقويتتان کرد و از چيزهاي خوشايند روزيتان داد شايد شکرگزاريد }(26)  **اي مسلمانان! به خدا و رسول خيانت نکنيد ، و همچنين در اماناتتان ، در حاليکه آگاهيد (27)** {و بدانيد که اموالتان و اولادتان فتنه ايست و اينکه نزد خدا پاداشي بزرگ است.(28) اي مسلمانان! اگر تقوا را در پیش بگيريد برايتان مايه تشخيص فرق حق و باطل را قرار ميدهد و گناهانتان را مي پوشاند و مي آمرزدتان و خداوند صاحب فضل عظيم است }(29)

**و هنگامي (را بياد آر) كه کافران توطئه ميکردند که تو را باز دارند، يا بکشند، يا اخراجت کنند. آري آنها توطئه ميکردند و خداوند نيز مکر ميکرد و همو بهترين ماكران است (30) و هنگامي که آياتمان برآنها خوانده ميشد، ميگفتند شنيديم و اگر بخواهيم مانندش را ميگوئيم، اينها چيزي جز افسانه هاي پيشينيان نيست (31) و هنگامي که ميگفتند خداوندا اگر اين (مطالب) همان حق از نزد تو ميباشد پس سنگهائي از آسمان بر ما ببار يا عذابي دردناک برايمان بياور (32)** {و خداوند اينطور نيست که عذابشان کند در حاليکه تو در ميان هستی و اينطور هم نيست که عذابشان کند در حاليکه آنها استغفار مي­کنند.(33) و چه شان شده که خداوند عذابشان نکند در حاليکه همانها هستند که از مسجدالحرام باز ميدارند در حاليکه نسبت به آن هيچ سرپرستيي ندارند. جز اين نيست که سرپرستان آن کسي جز تقوا داران نيست وليکن اکثرشان نميدانند.(34) و نمازشان نزد آن خانه (کعبه) جز سوت كشيدن و کف زدن نيست. پس بچشيد عذاب را بخاطر آن کفري که ميورزيديد}(35) **کافران اموالشان را خرج مي کنند که از راه خدا باز دارند، و بزودي خرجش خواهند کرد، آنگاه مايه حسرتشان خواهد شد، سپس مغلوب ميشوند، و سپس بسوي جهنم محشور خواهند شد (36)**  {تا خداوند پليد را از پاکيزه مشخص کند و بعضي از پليدها را بر بعضي ديگر قرار و همه را متراکم نموده و در جهنم قرار دهد. آنها همان زيانکارانند}(37) **به کافران بگو اگر دست بردارند آنچه قبلا کرده اند آمرزيده خواهد شد و اگر ادامه دهند البته همان قانون پيشينيان (اجرا) خواهد شد (38)**

**و با آنها بجنگيد تا هيچ فتنه اي نباشد و دين بطور کامل براي خدا باشد . پس اگر دست کشيدند البته خداوند به اعمالشان بيناست (39) و اگر پشت کردند بدانيد که خداوند سرپرست شماست . چه سرپرست و چه ياور خوبي هست (40) و بدانيد که هر غنيمتي که بدست آورديد يک پنجم آن مال خدا و رسول و خويشاوندان و يتيمان وبيچارگان و براه ماندگان است ، اگر به خداوند و نيز بر آنچه بربنده مان نازل کرديم ، ايمان داريد . روزي که دو گروه به يکديگر رسيدند،** {که همان روز جدا سازي حق و باطل بود}، **و خداوند بر هر چيزي تواناست (41) هنگامي که شما در بلندي نزديک و آنها در بلندي دورتر بودند و آن قافله پائين تر از شما بود و اگر قرار ملاقات ميگذاشتيد حتما در** (محل) **قرار اختلاف پيدا ميکرديد وليکن (چنين شد) تا خداوند کاري را بگذراند که** (تقديرش) **انجام شده بود تا از روي دليل آشکار کسي را که هلاك شدني است هلاک كند ، ونيز از روي دليل آشکار کسي را که زنده شدني است ، زنده نمايد و البته خداوند شنواي داناست (42) هنگاميکه خداوند آنها را در خوابت کم نشان داد و اگر زياد نشان ميداد سست ميشديد و درباره آن امر با يکديگر مخالفت ميکرديد وليکن خداوند** (شما را) **سلامت داشت که او به آنچه در سينه ها ميگذرد داناست (43) و هنگاميکه باهم برخورد نموديد خداوند آنها را در چشم شما کم ارائه نمود و شما را هم در چشم آنها کم جلوه داد تا کاري را که** (در تقدير) **انجام شده بود** (درواقعيت) **بگذارند و کارها بسوي خداوند بر ميگردد (44) اي مسلمانان هنگاميکه با لشکري بر خورد کرديد ثبات ورزيد و خداوند را بسيار ياد کنيد شايد رستگار شويد (45) و خدا و رسولش را اطاعت کنيد و** (با يکديگر) **نزاع نکنيد زيرا سست خواهيد شد و نيرويتان ميرود و صبر کنيد که خداوند با صابران است (46) و مانند کساني نباشيد که از شهرهاشان براي غرور و خود نمائي خارج ميشوند واز راه خدا باز ميدارند و خداوند به آنچه مي کنند احاطه دارد (47)**

**و هنگاميکه شيطان اعمالشان را برايشان آراست و گفت امروز کسي بر شما پيروز نخواهد شد ومن هم پناه دهنده تان هستم، اما تا دو لشگر يکديگر را ديدند بر پاشنه هايش چرخيد و گفت از شما بيزارم. چيزي مي بينم که شما نمي بينيد. من از خداوند ميترسم و خداوند در عقوبت شديد است (48) هنگامي که آن منافقان و کساني که در قلوبشان مرضي هست ميگفتند دين اينها مغرورشان کرده در حاليکه هر کس بر خداوند توکل کند، خداوند هم پيروزمند فرزانه است (49)**  {و کاش آن هنگام را ميديدي که ملائکه (جان) کافران را ميگيرند و به صورتهايشان و پشت هايشان ميزنند (و ميگويند)عذاب آتش سوزان را بچشيد.(50) اين بخاطر همان است که از پيش فرستاديد و خداوند البته نسبت به بندگانش ظالم نيست.(51) مانند شيوه فرعونيان و پيشينيان آنها که به آيات خدا کفر ورزيدند و آنها را به گناهانشان بگرفت که خداوند البته قوي و سخت كيفر است.(52) اين به آن علت است که خداوند وقتي نعمتي را به قومي داد، تا آنها آنچه را که در خودشان است تغيير ندهند نعمتشان را تغيير نميدهد، و البته خداوند شنواي داناست.(53) مانند شيوه فرعونيان و پيشينيانشان، كه آيات پروردگارشان را تکذيب کردند، و آنها را بخاطر گناهانشان هلاک، و فرعونيان را غرق کرديم، و همگي ظالم بودند }(54)  **بدترين جنبندگان در نزد خدا كافرانند كه ايمان نمي آورند (55)**

**همان کساني که با آنها عهد بستي ، آنگاه در هر دفعه عهد شکني ميکنند و پروا ندارند (56) و اگر در جنگ برآنان دست يافتي برآنان سختگيري کن** (و نيز) **بر کساني که پشتيبانشان هستند ، شايد پندگيرند (57) و اگر از قومي بيم خيانتي داشتي مانند آنرا برآنها بيفكن که خداوند خائنان را دوست ندارد (58) و کافران نپندارند که پيش افتادند ، البته آنها** (ما را) **عاجز نمي کنند (59) و براي آنها تا آنجا که ميتوانيد نيرو و اسبان** (يراق) **بسته تهيه کنيد ، تا بوسيله آن دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانيد ، و کسان ديگري که غير از آنها هستند و شما نمي شناسيدشان ، و خداوند مي شناسد . و آنچه که در راه خدا خرج کنيد تماما به شما پس داده ميشود و ظلمي نمي بينيد (60) پس اگر تمايل به صلح پيدا کردند تو نيز تمايل نشان ده ، و بر خدا توکل کن که او شنواي داناست (61) و اگر خواستند نيرنگ بزنند البته خداوند تو را بس است ، هموست کسي که با ياريش تو را و مومنان را پشتيباني کرد (62) و دلهاي آنها را بهم الفت داد ، اگر ميخواستي تمام آنچه را که در زمين هست خرج کني نميتوانستي بين آنها الفت برقرار کني ، وليکن خداوند بين آنها الفت داد که همو پيروزمند فرزانه است (63)**

**اي پيامبر ! خداوند و کساني از مومنان که پيرويت مي کنند تو را بس است (64) اي پيامبر ! مومنان را بر جنگ تشويق کن . اگر بين شما بيست نفر صابر باشند بر دويست نفر پيروز خواهند شد ، و اگر صد نفر باشند بر هزار نفر از کافران پيروز خواهند شد ، زيرا آنها كساني هستند که نمي فهمند (65) الان خداوند به شما تخفيف داد ، و دانست که در شما ضعفي هست ، پس اگر صد نفر صابر از شما باشند بر دويست نفر پيروز خواهند شد ، و اگر هزار نفر باشند بر دو هزار نفر باذن خدا پيروز خواهند شد ، و خداوند با صابران است (66) پيغمبر را نميرسد قبل از اينکه** (دينش) **در زمين محكم شود اسيراني داشته باشد . شما بهره دنيا را ميخواهيد در حاليکه خداوند آخرت را ميخواهد و خداوند پيروزمند فرزانه است (67) اگر نوشته اي از جانب خدا سبقت نيافته بود ، درباره آنچه** (اسیر) **گرفتيد عذابي بزرگ به شما ميرسيد (68) لذا از آنچه غنيمت بدستتان آمد حلال و پاکيزه بخوريد ، و از خدا پروا کنيد ، که خداوند آمرزگار مهربان است (69) اي پيامبر ! به آنچه از اسيران که در دستتان است بگو اگر خداوند در دلهاي شما خيري مي شناخت راجع به آنچه از شما گرفته شده بهترش را به شما ميدهد و مي آمرزدتان و خداوند آمرزگار مهربان است (70) و اگر قصد خيانت با تو دارند البته قبلا هم به خداوند خيانت کرده بودند و خداوند هم** (تو را) **برآنها دستيابي داد و خداوند داناي حکيم است(71)**

**آنانکه ايمان آوردند و هجرت کردند ، و با اموال و جانهايشان در راه خدا جهاد کردند ، و** آنانکه (آنان را) **جاي دادند و ياري کردند ، بعضي شان اولياء بعضي ديگرند. و کساني که ايمان آوردند اما هجرت نکردند ، ميان شما و آنها هيچ ولايتي نيست مگر اينکه مهاجرت کنند و اگر درباره دين از شما ياري خواستند ياري آنها بر عهده شماست ، مگر اينکه عليه قومي از شما ياري بخواهند که بين شما و آنها عهد و پيمان** (صلح) **باشد . و خداوند به آنچه مي کنيد بيناست (72) و کافران نيز بعضي شان اولياء بعضي ديگرند. اگر آن کار را انجام ندهيد** (وبه یاری کسانی که در امر دین از شما کمک می خواهندنشتابید) **در زمين فتنه و فسادي بزرگ پيدا خواهد شد (73) و کساني که ايمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا جهاد کردند ، و آنانکه به آنها جاي دادند و ياري نمودند آنها مومن حقيقي هستند ، که آمرزشي و روزيي گرامي خواهند داشت (74) و آنانکه بعدا ايمان آورده و هجرت نموده و همراه شما جهاد کردند ، آنهاهم جزء شما هستند ، و خويشاوندان ، در کتاب خدا ،** (از لحاظ ارث) **بعضي ها نسبت به بعضي ديگر اولويت دارند و خداوند به هر چيز داناست (75)**

**سوره حشر**

|  |
| --- |
| **درس: مخالفت شديد همه جانبه با کفار و منافقين.**  **درب: کفار و منافقين نسبت به کل جهان آفرينش ناهماهنگ مي باشند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**آنچه در آسمانها و زمين هست ، خداوند را با پاک دانستن او** (از نقائص) **ستايش مي کند و همو پيرزومند فرزانه است (1)**

**اوست کسي که کافران اهل کتاب را براي بار اول از ديارشان بيرون راند ، شما فکرش را هم نمي کرديد که بيرون بروند ، آنها هم فکر ميکردند قلعه هايشان آنها را از** (تدبیر) **خداوند ممانعت مي کند ، اما خداوند از جائيکه فکرش را هم نميکردند به سراغشان آمد و در دلهاشان ترس انداخت ، بطوري که با دستهاي خودشان و نيز با دستهاي مسلمانان خانه هاي خويش را خراب ميکردند . پس اي صاحبان بصيرت عبرت گيريد (2) و اگر خداوند آوارگي را بر آنها مقرر نکرده بود حتما در دنيا به عذاب** (ديگر) **گرفتارشان ميکرد ، و در آخرت هم عذاب آتش خواهند داشت (3) اين به سبب آن است که آنها با خدا و رسولش دشمني کردند و هرکس با خدا دشمني کند** (بداند) **خداوند سخت كيفر است (4) هيچ نخلي را قطع نكرده ايد ، و هيچيک را** (بحال خويش) **بر پا رها نكرده ايد ، مگر به اذن خدا. و اينها براي خوار کردن فاسقان است (5) غنيمتي که خداوند از آنان به رسول خود رسانيد ،** (بدون جنگ کردن شما رسانيد و) **شما هيچ اسب و شتري بر آن نتاختيد ، وليکن خداوند رسولانش را بر هر کس که خواهد مسلط ميکند ، و خداوند بر هر چيزي تواناست (6) از** (اموال) **اهالي آن شهر ها آنچه خداوند به رسول خود رساند ، از آنِ خداست ، و از آنِ رسول و خويشاوندان و يتيمان و تهيدستان و ماندگان راه هاست ، تا مبادا بين ثروتمندان شما دست بدست بچرخد . و آنچه رسول به شما ميدهد بستانيد ، و از آنچه شما را نهي ميکند دست بکشيد و از خداوند پروا کنيد كه خداوند سخت كيفر است (7)**

(و نيز) **براي فقراء مها جران که بخاطر کسب فضل و رضايتي از جانب خدا از شهر ها و اموال خويش اخراج شدند ، و خدا و رسولش را ياري مي کنند ، كه آنها همان راستگو يانند (8) و کساني که قبل از آنها در آن خانه و ايمان جاي گرفتند ، و هر کس را که بسوي آنها هجرت کند دوست دارند ، و در دلهاي خود احتياجي نسبت به آنچه به آنان داده مي شود نمي يابند ، و آنها را بر خويش ترجيح مي دهند ، حتي اگر خودشان در حال احتياج باشند ،** (خداوند رفتارشانرا می بیند) **و هر کس که جلوي بخل دروني خويش را بگيرد حتما از رستگاران است (9) و آنان که بعد از آنها مي آيند ، و مي گويند پروردگارا ما را و برادرانمان را که در ايمان از ما سبقت جستند بيامرز ، و در دلهاي ما براي مومنان کينه اي قرار مده . که تو رئوف و مهرباني** [همه آنها رستگار خواهند بود ] **(10)**

**آيا نديدي کساني را که نفاق ورزيدند که به برادران کافرشان از اهل کتاب مي گفتند اگر اخراج شديد ما هم حتما با شما خارج خواهيم شد ، و از هيچ کس درباره شما اطاعت نخواهيم کرد ، و اگر با شما جنگ کردند ، حتما ياريتان خواهيم کرد؟ و خداوند گواه است که آنها دروغگويند (11) اگر اخراج شوند با آنها خارج نخواهند شد ، و اگر با آنها جنگ شود ياريشان نخواهند کرد ، و تازه اگر هم ياري شان کنند** (زود) **فرار خواهند کرد ، و آن وقت خودشان بدون ياور خواهند ماند (12) شما بيشتر از خداوند در دل آنها هيبت داريد ، زيرا که آنها مردمي بي فهم و بينش هستند (13) آنها بطور دستجمعي با شما نمي جنگند ، مگر در داخل شهرهائي برج و بارو دار يا در پس ديوارها . سختي شان بين خودشان شديد است ، آنها را يکپارچه مي بيني اما دلهايشان پراکنده است . زيرا که آنها مردمي نا بخردند (14) مانند آنهايي که اندكي پيش از آنان بودند ، و نتيجه بد کار خويش را چشيدند ، و عذابي دردناک خواهند داشت (15) مانند شيطان که به انسان مي گويد کافر شو ، اما وقتيکه کافر شد مي گويد من از تو بيزارم ، زيرا که من از خداوند پروردگار جهانيان بيم دارم (16) پس عاقبت هر دوي آنها اين خواهد بود که در آتش جاودان خواهند بود و جزاي ظالمان نيز همين است (17)**

**اي مسلمانان! از خدا پروا کنيد و بايد هر کس نگران آن باشد که براي فردا چه چيزي از پيش فرستاده است، و از خدا پروا کنيد که خداوند به آنچه ميکنيد آگاه است (18) و مانند آنهائي نباشيد که خدا را فراموش کردند، و او هم خود ها شان را از ياد شان برد. آنها همان گناه پيشگان هستند (19)** {اهل بهشت و اهل جهنم مساوي نيستند، اهل بهشت همان پيروزها و برندگان هستند}(20)

**اگر اين قرآن را بر کوهي نازل ميکرديم ميديدي فروتن بوده واز حرمت و خشيت خدا متلاشي ميشود و ما اين مثل ها را براي مردم ميزنيم شايد تفکر کنند (21) او خدائيست که خدائي جز او نيست . داناي نهان و آشکار و بخشنده مهربان است (22) اوست خدائي که خدائي جز او نيست . آن فرمانرواي پاکِ صلح آورِ ايمني بخشِ مسلطِ عزتمندِ مجبورکننده بزرگمنش . پاک است خداوند از آنچه با او شريک ميگيرند (23) اوست خداوند آفرينشگر پديد آور تصويرگر ، که داراي آن نامهاي نيکوست . آنچه در آسمانها و زمين است او را به پاكي مي ستايند و همو پيروزمند فرزانه است (24)**

**سوره منافقون**

|  |
| --- |
| **درس: برشماري و نکوهش صفات منافقانه و بر حذر داشتن مسلمانان از اينکه مانند آنها باشند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**هنگامي که منافقان نزدت مي آيند ميگويند شهادت ميدهيم که تو رسول خدا هستي . خداوند ميداند تو رسولش هستي ، اما خداوند گواه است که منافقان بسيار دروغگويند (1) قسم هاي خويش را سپر قرار داده اند و راه خدا را بسته اند . بد کاري است که ميکنند (2) اين به آن سبب است که ايمان آوردند ، سپس کفر ورزيدند ، و در نتيجه بر دلهايشان مهر زده شد ، و فهم ندارند (3) هنگامي که نگاهشان مي کني از ظاهر شان خوشت مي آيد ، و هنگامي که سخن مي گويند گوش فرا ميدهي . اما آنها مانند چوب خشکي هستند که بر ديوار متکي باشد . هر صدائي را عليه خود مي پندارند . آنها دشمنند . پس ، از آنها بر حذر باش . خدا بکشدشان . چگونه از حق روبر مي گردانند؟ (4) و چون به آنها گفته شود بياييد رسول خدا براي شما استغفار کند ، سر مي پيچند و مي بيني که همچنان خودداري مي ورزند و سركشي ميكنند (5) فرقي نمي کند ، چه برايشان استغفار کني چه نکني ، خداوند هرگز آنها را نمي بخشد ، زيرا که خداوند قومي گناه پيشه را هدايت نمي کند (6) آنها همانها هستند که مي گويند براي کساني که دور و بر پيغمبر هستند خرج نکنيد تا پراکنده شوند . در حالي که انبار هاي آسمان ها و زمين در اختيار خداست ، ليکن منافقان اين را نمي فهمند (7) مي گويند وقتي که به شهر بر گشتيم بايد آنکه عزيز تر است ذليل تر را از آن بيرون کند . در حالي که عزت از آن خدا و رسول و مومنان است وليکن منافقان در نمي يابند (8)**

**اي مسلمانان ! اموال و اولادتان شما را از ياد خدا غافل نکند ، و کسي که چنان شود حتما زيان كار است (9) و از آنچه روزيتان کرده ايم انفاق کنيد ، قبل از اينکه مرگ به سراغ هر يک از شما بيايد ، و او بگويد پروردگارا چه ميشد اگر کمي مهلتم مي دادي تا صدقه اي ميدادم و از شايستگان مي شدم (10) و وقتي که سر آمد هر کس برسد هرگز خداوند** (مرگ او را) **به تاخير نمي اندازد و همو به آنچه مي کنيد آگاه است (11)**

**سوره جمعه**

|  |
| --- |
| **درس: نکوهش بعضي از مردم که تعاليم پيامبران را که از فضل خداست سبک مي گيرند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**آنچه در آسمانها و زمين است خداي را به پاکي ستايش مي کنند که همو فرمانرواي پاک پيروزمند فرزانه است (1) هموست که در ميان درس ناخواندگان فرستاده اي از خود آنان برگزيد ، که آياتش را بر آنان تلاوت کند، و رشدشان دهد، و کتاب و حکمت بياموزدشان ، و گرچه قبل از آن در گمراهيي آشکار بودند (2) و نيز به ديگراني که هنوز به آنان ملحق نشده اند ، و همو پيروزمند فرزانه است (3) اين فضل خداست که به هر کس خواهد ميدهد ، و خداوند صاحب آن فضل عظيم است (4)**

**مَثَل آنانکه تورات بر آنان بارشد و** (از عمل به آن) **شانه خالي کردند ، مانند دراز گوشي است که اسفار را حمل مي کند . چه بد است مثل قومي که آيات خدا را تکذيب مي کنند . و خداوند ظالمان را هدايت نمي کند (5) بگو اي يهوديان ! اگر شما فکر ميکنيد که عليرغم ساير مردم از دوستان خدائيد پس تمناي مرگ کنيد اگر راست ميگوئيد (6) و به سبب آنچه که انجام داده اند هرگز تمناي آنرا نخواهند کرد و خداوند به کار ظالمان داناست (7) بگو اين مرگي که از آن فرار مي کنيد حتما به سراغتان مي آيد ، آنگاه بسوي خداوندِ داناي پنهان ها و آشکار ها باز ميگرديد ، و آنگاه او به آنچه کرده ايد آگاهتان ميكند (8)**

**اي مسلمانان ! هنگامي که براي نماز جمعه ندا داده ميشود بسوي ذکر خدا بشتابيد ، و خرید و فروش را رها کنيد ، اين براي شما بهتر است اگر بدانيد (9) و وقتيکه نماز انجام شد ، در زمين پراکنده شويد ، و فضل خدا را طلب نموده و خدا را بسيار ياد کنيد ، شايد رستگار شويد (10) و هنگامي که داد و ستدي يا سرگرميي ببينند بسوي آن رو کرده و تو را ايستاده رها مي کنند . بگو آنچه نزد خداست از سرگرمي و داد و ستد بهتر است ، و خداوند بهترين روزي دهندگان است (11)**

**سوره آل عمران**

|  |
| --- |
| **درس: ساختن ثبوتي شخصيت مسلمانان از طريق صدور آيات احکامي و اخلاقي، و ساختن سلبي آنان از طريق ارائه الگوهاي لازم الاجتناب (مانند کفار و منافقان)** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

الم(1) **خداوند که خدائي جز او نيست، زنده پاينده است (2) اين کتاب را به حق بر تو نازل کرد که تصديق کننده (كتابهاي آسماني) پيشين است و تورات و انجيل را (نيز) قبلا فرستاد (3)** {که براي مردم هدايت بودند و و مايه تشخيص حق از باطل را (نيز) فرستاد. البته کساني که به آيات خدا کفر ميورزند عذاب شديد خواهند داشت و خداوند پيروزمند انتقام گير است }(4) **هيچ چيزي در زمين يا آسمان بر خداوند مخفي نمي ماند (5) هموست که شما را در رحم ها چهره نگاري ميكند. هر طور که بخواهد. خدائي جز او نيست. همو پيروزمند فرزانه است (6) هموست که اين کتاب را بر تو نازل کرد. قسمتي از آن، آيات محکمات است، آنها مادر کتاب هستند، و بقيه متشابهات هستند، اما کساني که در قلوبشان عيبي هست، از آن، آنچه را که تشابه دارد، براي جستجوي فتنه و جستجوي تاويلش دنبال مي کنند. و تاويل آنرا کسي جز خداوند نمي داند. و فرو روندگان در علم ميگويند به آن ايمان آورده ايم،تمامش از نزد پروردگارمان است. و جز خردمندگان پند نمي گيرند (7)** {پروردگارا پس از اينکه هدايتمان کردي قلوبمان را معيوب مکن و از جانب خويش رحمتي بما بده، که تو بسيار بخشنده اي.(8) پروردگارا البته مردم را در روزي که شکي در آن نيست جمع ميکني. که خداوند البته وعده اش را خلاف نمي کند}(9)

**اموال و اولاد کافران در مقابل خداوند کاري برايشان نميسازد و آنها سوخت آن آتشند (10) مانند همراهان فرعون و پيشينيان آنها که آياتمان را تکذيب کردند و خداوند آنها را به گناهانشان بگرفت و خداوند سخت كيفر است (11) به کافران بگو بزودي مغلوب ميگرديد و بسوي جهنم محشور ميشويد و چه جايگاه بدي است (12) البته درباره آن دو لشکر که با يکديگر برخورد کردند نشانه اي بود . يکي در راه خدا مبارزه ميکرد و ديگري که كافر بود ، دو برابر به چشم مي آمد . و خداوند هر کس را که خواهد با ياريش تاييد ميکند که البته در اين براي اهل بينش عبرتي است (13)**

**براي مردم دوست داشتن خواستني ها زينت داده شده . خواستني هائي مانند زنان و فرزندان ، و گنجينه هائي از طلا و نقره ، و اسبان نشاندار ، و چارپايان و کشتزاران. اينها برخورداري زندگي دنياست در حاليکه سرانجام خوب نزد خداوند است (14) بگو آيا به بهتر از آن خبرتان بدهم؟ براي اهل تقوا نزد پروردگارشان بهشتهائي است که در کف آنها نهرها جاري است که در آن جاودانند و همسراني پاک و رضايتي از جانب خداوند دارند . و خداوند به بندگان خويش بيناست (15) همانها که ميگويند پروردگارا ايمان آورديم پس گناهانمان را بيامرز و از عذاب آن آتش نگهمان دار (16) آنها صابران و صادقان و متواضعان و بخشندگان و آمرزش خواهان سحرها هستند (17)**

**خداوند شهادت ميدهد که خدائي جز خودش نيست و ملائکه و عالماني که به عدالت قيام ميکنند نيز همين را گواهي ميکنند. خدائي جز او نيست که پيروزمند فرزانه است (18) دين، نزد خدا اسلام است و اهل کتاب اختلاف نورزيدند مگر پس از اينکه آن علم بسويشان آمد، و منظورشان تعدي بين خويش بود، و کسي که به آيات خدا کفر ورزد، خداوند البته تند حساب است (19)** {پس اگر با تو به چون و چرا برخاستند بگو من وپيروانم روي خويش را تسليم خداوند کرده ايم، و به اهل کتاب و مردم معمولي که مکتب خاصي نديده اند، بگو آيا شما هم تسليم (خدا) مي باشيد؟ پس اگر تسليم بودند، هدايت يافته اند، و اگر پشت کردند جز رساندن (پيام) چيزي بر عهده تو نيست، و خداوند خودش بکار بندگانش بيناست }(20) **البته کساني که به آيات خدا کفر ميورزند، و پيامبران و كساني را كه به چيزهائي پسنديده فرمان ميدهند و از چيز ناپسند باز ميدارند به ناحق مي کشند، به عذابي دردناک مژده شان ده (21)** { آنها کساني هستند که اعمالشان در دنيا و آخرت نابود شده و ياوراني ندارند} (22) **آيا آنان را نمي بيني که نصيبي از کتاب دارند، و بسوي کتاب خدا دعوت ميشوند تا بين آنها حکم کند، با وجود اين عده اي از آنان پشت مي کنند و روگردانند؟ (23)** {اين به آن خاطر است که ميگويند آتش غير از چند روز مختصري بما نميرسد. و در دين خويش و آنچه که افترا مي زنند مغرور شدند.(24) پس چه حالي خواهند داشت وقتيکه در روزي که شکي در آن نيست جمعشان کنيم، و به هر کس آنچه که کسب کرده بطور کامل داده شود، و هيچ ظلمي نشوند} (25)

**بگو خداوندا مالک فرمانروايي توئي . فرمانروائي را به هر که خواهي ميدهي ، و از هر که خواهي بازميستاني ، و هر که را خواهي عزت ميدهي ، و هرکه را خواهي به ذلت مي اندازي ، خير بدست توست ، که البته برهرچيز توانائي (26) و شب را در روز و روز را در شب داخل ميکني ، و زنده را از مرده و مرده را از زنده بيرون مي آوري ، و هر که را خواهي بي حساب روزي ميدهي (27)**

**مسلمانان نبايد بجاي مسلمانان کافران را دوست خويش بگيرند، و اگر کسي چنين کند هيچ نسبتي نزد خداوند ندارد، مگر اينکه با آنان تقيه کنيد. و خداوند شما ها را از خويش برحذر ميدارد و بازگشت بسوي اوست (28)**  {بگو آنچه در دلهاتان است، چه پنهان و چه آشکارش کنيد خداوند آنرا ميداند، و همچنين همه آن چيز هائي را که در آسمانها و زمين است ميداند، و خداوند به هر چيزي تواناست.(29) روزي که هر کس هر کار خير يا بدي را که کرده در نزد خويش حاضر مي يابد و دوست دارد بين او و کاربدش فاصله اي طولاني باشد و خداوند شما را از خويش برحذر ميدارد و خداوند به بندگان دلسوز است}(30) **بگو اگر خدا را دوست ميداريد مرا پيروي کنيد ، تا خداوند شما را دوست داشته باشد و گناهانتان را بيامرزد ، و خداوند آمرزگار مهربان است (31) بگو خدا ورسول را اطاعت کنيد و اگر پشت کردند (بدانند که) خداوند کافران را دوست نميدارد (32)**

**خداوند آدم و نوح و آل ابراهيم وآل عمران را برجهانيان برگزيد (33) نسل هائي که بعضي شان از بعضي ديگرند و خداوند شنواي داناست (34) هنگامي که زن عمران گفت پروردگارا آنچه را که در شکمم هست نذر تو کرده ام که خدمتکار خالص** (دين) **تو باشد . پس از من بپذير که توشنواي دانائي (35) و هنگاميکه وضع حملش کرد گفت پروردگارا دختر زائيده ام**-{ و خداوند بهتر ميدانست چه زائيده}-{و پسر ماننددختر نيست} **و من او را مريم ناميده ام و او را و فرزندانش را از** (شر) **شيطان رانده شده در پناه تو در مي آورم (36) و پروردگارش به نيكي قبولش کرد ، و او را بخوبي پرورش داد، وزکريا کفالتش را بعهده گرفت . هر بار که زکريا در محراب بر او وارد ميشد نزدش روزيي مي يافت . ميگفت ای مريم اينها از کجا برايت آمده؟ ميگفت از نزد خدا ، که خداوند به هر کس که خواهد بي حساب روزي ميدهد (37) اينجا بود که زکريا پروردگارش را خواند و گفت پروردگارا از جانب خويش نسلي پاک بمن ده که تو شنونده دعائي (38) پس ملائکه او را در حالي که در محراب** (به عبادت) **ايستاده بود ندادادند که خداوند به يحيي مژده ات ميدهد که تصديق کننده کلمه اي از خداوند است ، و آقا ، و تنها ، و پيغمبري از صالحان است (39) گفت پروردگارا چطور ممکن است پسري داشته باشم در حاليکه به سن و سال رسيده ام و زنم هم نازا است؟ گفت چنين است . خداوند آنچه بخواهد ميکند (40) گفت پروردگارا برايم علامتي قرار ده . گفت علامتت اين است که سه روز با مردم ، جز با اشاره ، حرف نميزني . و پروردگارت را ياد کن و شبها و صبحها تسبيح گوي (41) و** (یادکن) **هنگامي** (را) **که ملائکه مي گفتند اي مريم خداوند تو را برگزيده و پاکت نموده و تو را بر همه زنان برتري داده است (42) اي مريم براي پروردگارت فروتني کن و سجده و رکوع کن و با رکوع کنندگان باش (43) اين از خبرهاي غيبي است . و تو نزد آنها نبودي که قرعه هاي خويش را مي انداختند که کدامشان کفيل مريم شود ونزدشان نبودي که با هم ستيزه مي کردند (44) هنگاميکه ملائکه گفتند اي مريم خداوند تو را به کلمه اي از خويش که اسمش مسيح عيسي پسر مريم باشد مژده ميدهد که در دنيا و آخرت آبرومند ، و از مقربان است (45) چه آن هنگام که در گهواره است ، و چه هنگام بزرگسالي ، با مردم سخن ميگويد و از شايستگان است (46)** {گفت پروردگارا چگونه ممکن است فرزندي داشته باشم در حاليکه بشري بمن دست نزده؟ گفت چنين است . خداوند آنچه بخواهد مي آفريند . هنگاميکه به وجود چيزي تصميم گرفت ، جز اين نيست که ميگويد: باش ، پس ميشود}(47)  **و او را کتاب و حکمت و تورات و انجيل مي آموزد (48) و رسولي بسوي بني اسرائيل** (قرارش ميدهد كه خواهد گفت) **من با معجزه اي از پروردگارتان بسويتان آمده ام و اينکه از گِل چيزي مانند پرنده ميسازم و در آن ميدمم و به اذن خدا پرنده اي ميشود ، و کور مادرزاد و پيس را شفا ميدهم ، و مردگان را به اذن خدا زنده ميكنم ، و به شما خبر ميدهم چه ميخوريد و چه در خانه هاتان ذخيره مي کنيد . البته دراين برايتان نشانه اي است اگر ايمان داشته باشيد (49) و آنچه از تورات را كه قبل از من بوده تصديق ميكنم ، و بعضي چيزها را که بر شما حرام شده بود حلال مي كنم ، و با معجزه اي از جانب پروردگارتان بسويتان آمده ام . پس از خداوند پروا کرده و اطاعتم کنيد (50) زيرا که خداوند پروردگار من و شماست . و عبادتش کنيد که راه راست همين است (51) پس چون عيسي از آنها احساس کفر کرد گفت چه کساني در راه خدا ياران منند؟ حواريون گفتند ما ياران** (راه) **خدائيم . به خدا ايمان آورديم و تو نيز شهادت ده که ما مسلم ميباشيم (52) پروردگارا به آنچه فرو فرستادي ايمان آورديم و از رسول پيروي کرديم پس ما را همراه گواهان منظور فرما (53) و نيرنگ زدند و خداوند نيز نيرنگ زد وخداوند بهترين نيرنگ زن است (54) هنگاميکه خداوند گفت اي عيسي تو را به تمامي دريافت خواهم کرد ، و نيز بالابرنده ات بسوي خويش ، و پاک کننده ات از کافران هستم ، و پيروانت را برکافران تا روز قيامت برتري خواهم داد ، آنگاه بازگشت شما بسوي من است ، و بين شما درباره آنچه اختلاف ميکرديد حکم خواهم کرد (55) ولي کافران را به عذابي شديد در دنيا و آخرت عذاب خواهم نمود و ياراني نخواهند داشت (56) و مومناني که عمل شايسته کنند پاداششان بطور کامل به آنان داده خواهد شد و خداوند ظالمان را دوست ندارد (57) اين چيزيست که از آيات و پندهاي محکم برتو ميخوانيم (58) البته مَثَل عيسي نزد خداوند مانند مثل آدم است که از خاک آفريدش سپس به او گفت: باش پس شد (59) حق از جانب پروردگار توست ، پس مبادا از دو دلان باشي (60) پس هر کس که درباره او پس از اينکه آن علم بسويت آمد ، با تو ، به چون و چرا مي پردازد ، بگو بيائيد پسرانمان و پسرانتان ، و زنانمان و زنانتان ، و خودهامان و خودهاتان را فرا بخوانيم ، سپس مباهله کنيم ، و لعنت خدا را بر دروغگويان قرار دهيم (61) اين البته از قصه هاي حق است و جز خدا هيچ خدائي نيست و البته خداوند پيروزمند فرزانه است (62) و اگر روي گرداندند خداوند به حال مفسدان داناتر است (63)**

**بگو اي اهل کتاب بيائيد بسوي کلمه اي که بين ما و شما مورد توافق است** (همراهشويم) **که جز خدا را نپرستيم و با او هيچ شريک نگيريم و بعضي از ما بعضي ديگر را بجاي خداوند به پروردگاري نگيرد . پس اگر پشت کردند به آنان بگوئيد گواه باشيد که ما مسلم ميباشيم (64) اي اهل کتاب چرا درباره ابراهيم چون و چرا مي کنيد ، در حاليکه تورات و انجيل پس از او نازل شده ، آيا نمي انديشيد؟(65) شما که به چون و چرا درباره آنچه علمش را داريد پرداخته ايد چرا به چون و چرا درباره چيزي مي پردازيد که علمش را نداريد؟ خداوند ميداند و شما نميدانيد (66) ابراهيم نه يهودي و نه مسيحي بود ، وليکن معتدل و تسليم** (خدا) **بود ، و از مشرکان هم نبود (67) سزاوارترين مردم به ابراهيم کساني هستند که پيرويش کرده اند و اين پيامبر و مومنان** (چنانند) **، و خداوند دوست و سرپرست مومنان است (68)**

**طائفه اي از اهل کتاب دوست دارند کاش گمراهتان ميکردند ، و گمراه نمي کنند مگر خودشان را و متوجه نيستند (69) اي اهل کتاب چرا به آيات خدا کفر ميورزيد در حاليکه خودتان شاهد هستيد؟ (70) اي اهل کتاب چرا باطل را لباس حق مي پوشانيد و حق را کتمان مي کنيد در حاليکه ميدانيد** (کهداريد اين کار را مي کنيد)**؟(71) وعّده اي از اهل کتاب ميگويند به آنچه که بر مسلمانان نازل شده اول روز ايمان بياوريد ، و آخر روز کافر شويد ، شايد** (از اسلام) **برگردند (72) و** (همچنين ميگويند) **به کسي ايمان نياوريد مگر اينکه از دين شما پيروي کند .** {بگو هدايت واقعي هدايت خدائي است} **. مبادا كسي بپندارد كه مانند آنچه** (از دين) **به شما داده شده به ديگران هم ممكن است داده شود و مبادا بتوانند نزد پروردگارتان با شما چون و چرا كنند .** {بگو فضل بدست خداست.به هر کس که خواهد ميدهد، و خداوند وسعت بخش داناست }(73) {هر کس را که بخواهد به رحمتش اختصاص ميدهد و خداوند صاحب آن فضل بزرگ است}(74) **و از اهل کتاب کساني هستند که اگر مال زيادي نزد او امانت بگذاري به تو پس ميدهند و از آنان كساني هم هستند که اگر ديناري نزد آنها به امانت بگذاري به تو پس نميدهند ، مگر اينکه بالاي سرآن بماني . اين به آن علت است که ميگويند ما درباره مردم معمولي مورد سرزنش قرار نميگيريم ، و بر خدا دروغ مي بندند در حاليکه ميدانند (75) بله. هر کس که به عهدش وفا کند و تقوا پيشه نمايد البته خداوند تقوا پيشگان را دوست ميدارد (76) آنها که عهد خدا و قسم هايشان را به قيمتي اندک مي فروشند ، در آخرت نصيبي ندارند ، و خداوند با آنها سخن نمي گويد ، و در روز قيامت به آنان نظر نمي کند ، و رشدشان هم نميدهد ، و عذابي دردناک خواهند داشت (77) و از آنان کساني هم هستند که زبانهايشان را طوري تکان ميدهند که فکر کني از کتاب است ، در حاليکه از کتاب نيست ، و ميگويند اين از جانب خداست ، در حاليکه از جانب خدا نيست ، و بر خدا دروغ مي بندند در حاليکه ميدانند (78)**

**به هيچکس نميرسد که خداوند به او کتاب و حکم و نبوت بدهد آنگاه او به مردم بگويد بجاي خدا مرا عبادت کنيد ، وليکن** (چنين کسي ميگويد) **شما كه كتاب را آموزش داده و درسش را ميخوانيد گرايشتان مخصوص به پروردگار باشد (79) و** (چنين کسي) **به شما نمي گويد که ملائکه و پيغمبران را پروردگاران خويش بگيريد . آيا شما را پس از اينکه تسليم** (خدا) **شده باشيد به کفر امر ميکند؟(80) و هنگاميکه خداوند از پيامبران پيمان گرفت که وقتيکه چيزي از کتاب و حکمت به شما دادم ، سپس رسولي بسويتان آمد که تصديق کننده آن چيزيست که نزد شماست ، حتما بايد به او ايمان آورده و ياريش کنيد، و از آنها پرسيد آيا به اين موضوع اقرار داريد و در اين مورد تعهد ميدهيد؟ گفتند اقرار داريم ، گفت گواه باشيد که من نيز با شما از گواهانم (81) پس هر کس که پس از آن** (به این پیمان) **پشت کند از فاسقان است (82) آيا غير از دين خدا چيزي ميخواهند؟ در حاليکه هر کس که در آسمانها و زمين است خواه و ناخواه تسليم اوهستند و بسوي او باز ميگردند (83) بگو به خدا ايمان آورديم ، و نيز به آنچه بر ما نازل شده ، و نيز آنچه بر ابراهيم و اسمعيل و اسحاق و يعقوب و اسباط نازل شده و آنچه به موسي و عيسي و پيامبران از جانب پروردگارشان داده شده ، هيچيک از آنان را از ديگران جدا نمي کنيم و تسليم او هستيم (84) و هر کس که بخواهد غير از اسلام ديني بپذيرد هرگز از او پذيرفته نخواهد شد ، و همو در آخرت از زيانکاران است (85) چگونه خداوند قومي را هدايت خواهد کرد در حاليکه پس از ايمانشان کفر ورزيدند ، در حالي كه شاهد بودند که آن رسول حق است ، و آن دلايل روشن بسويشان آمده بود؟ و خداوند ظالمان را هدايت نخواهد نمود (86) سزاي آنها اين است که خداوند و ملائکه و همگي مردم لعنتشان کنند (87) که در آن جاودان باشند و آن عذاب تخفيفي برايشان نداشته باشد و مهلتي نيابند (88) مگر کساني که پس از آن توبه نموده و و روششان را اصلاح كنند که البته خداوند آمرزگار مهربان است (89) البته آنان که پس از ايمانشان کافر شدند ، سپس کفرشان زياد شد توبه شان قبول نميشود و آنها ظالمانند (90) و البته آنانکه کفر ورزيدند و در كفرمردند ، هرگز از هيچيک آنها عوض قبول نميشود ، حتي اگر به اندازه زمين طلا دهند . آنها عذابي دردناک خواهند داشت و ياوراني ندارند (91)**

**هرگز به نيکي نمي رسيد مگر اينکه از آنچه که دوست ميداريد انفاق کنيد ، و هر چه انفاق کنيد خداوند به آن داناست (92)**

**همه غذاها بر بني اسرائيل حلال بود ، مگر آنچه را که يعقوب قبل از آنکه تورات نازل شود بر خويش حرام كرده بود . بگو پس تورات را بياوريد و تلاوتش کنيد اگر راست ميگوئيد (93) پس اگر کسي پس از آن به خداوند دروغ ببندد از ظالمان است (94) بگو خدا راست گفت ، دين ابراهيم را پيروي کنيد که معتدل بود و از مشرکان نيز نبود (95)**

**اولين خانه اي که براي مردم قرار داده شده ، همان است که در مکه واقع است که پر برکت ميباشد ، و براي همه جهانيان** (موجب) **هدايتي است (96) در آن نشانه هاي روشن است .** (ونيز) **مقام ابراهيم و هر کس که داخل آن شود در امان است و براي خداوند برعهده مردم اين است که قصد آن خانه کنند ، اگر استطاعت رفتن بسوي آن را داشته باشند . و هر کس که کفر ورزد خداوند البته از تمام جهانيان بي نياز است (97)**

**بگو اي اهل کتاب چرا به آيات خدا کفر ميورزيد در حاليکه خداوند به آنچه ميكنيد گواه است؟ (98) بگو اي اهل کتاب چرا مردم را از راه خدا و اينکه کسي به آن ايمان بياورد باز ميداريد ، در حاليکه خودتان هم گواه** (حقانيت) **آن هستيد؟ و البته خداوند از آنچه ميکنيد غافل نيست (99)**

**اي مسلمانان اگر از عده اي از اهل کتاب پيروي کنيد شما را پس از ايمانتان به کفر باز ميگردانند (100) و چگونه كفر ورزيد در حاليکه آيات خدا بر شما خوانده ميشود و رسولش در بين شماست؟ و کسي که خود را به خداوند بسپارد بسوي صراط مستقيم هدايت شده است (101) اي مسلمانان از خداوند چنان پروا کنيد که سزاوار پروا کردن است و مبادا بميريد مگر اينکه مسلمان باشيد (102) و همگي ، خود را به ريسمان خداوند بسپاريد ، و متفرق نشويد ، و نعمت خدا را برخويش بيادآوريد، آن هنگامي که دشمنان يکديگر بوديد ، و خداوند بين شما الفت برقرار کرد ، و به نعمت او برادران يكديگر شديد ، وبر لبه پرتگاهي از آتش بوديد ، و شما را از آن برگرفت . خداوند آياتش را چنين برايتان بيان مي کند شايد هدايت يابيد (103) و بايد از ميان شما عده اي باشند که بسوي** (امور) **خير دعوت کنند ، و به چيزهاي پسنديده فرمان دهند و از چيزهاي ناپسند جلوگيري کنند ، و آنها همان رستگارانند (104) و مانند کساني نباشيد که متفرق شدند و اختلاف کردند ، آنهم پس از اينکه دليل هاي روشن بسويشان آمد ، که عذابي بزرگ خواهند داشت (105) روزي که چهره هائي سفيد و چهره هائي سياه است .به روسياهان** (خطاب ميشود) **آيا پس از ايمانتان کافر شديد؟ پس آن عذاب را بسبب آن کفري که مرتکب شديد بچشيد (106) و به روسفيدان نيز** (خطاب ميشود) **داخل رحمت خدا شوند که در آن جاودانند (107) اين آيات خداست که به حق بر تو ميخوانيم ، و خداوند هيچ ظلمي براي جهانيان نميخواهد (108) و آنچه در آسمانها و زمين است مال خداست و همه امور بسوي اوبر ميگردد (109)**

**شما بهترين گروهي هستيد که براي مردم پديد آورده شده ، که به چيز هاي پسنديده فرمان ميدهيد و از چيزهاي ناپسند جلوگيري مي کنيد ، و به خدا ايمان داريد، و اگر اهل کتاب هم ايمان مي آوردند برايشان بهتر بود . بعضي از آنها مومن ميباشند و اکثرشان گناهکارند (110) جز اذيت و آزاري که به شما برسانند ضرر** (مهمي نمیتوانند) **به شما بزنند ، واگرهم با شما بجنگند به شما پشت ميکنند ، آنگاه ياري نميشوند (111) هر جا که يافت شوند بر آنها خواري مقرر شده ، مگر اينکه به ريسماني از خدا و ريسماني از مردم** (چنگ زنند)، **و دچار خشمي از جانب خداوند گشته اند ، و** (نيز) **برآنها تهي دستي رقم زده شده ، زيرا که به آيات خداوند کفر ميورزيدند و پيغمبران را به ناحق مي کشتند ، و اين به آن جهت بود که عصيان ورزيده بودند و تجاوز ميکردند (112) آنها مساوي نيستند . از ميان اهل کتاب کساني هم هستند که** (به حق) **قيام ميكنند و آيات خدا را در لحظات شب ها ميخوانند و سجده ميکنند (113) و به خداوند و روز آخرت ايمان دارند ، و به کارهاي پسنديده فرمان ميدهند و از امور ناپسند جلوگيري مي کنند ، و در کارهاي خير از يکديگر سبقت ميجويند ، و آنها از صالحانند (114) و هر کار خيري که کنند حتما در نظر گرفته خواهد شد و خداوند به حال متقيان داناست (115) البته اموال و اولاد کافران در مقابل خداوند کاري برايشان نميسازد و اهل آن آتشند و در آن جاودانند (116) مثال آنچه در اين جهان خرج مي کنند مانند بادي است داراي سوز سرما که به کشت قومي که به خويش ظلم کرده اند ميوزد و نابودش مي کند ، و خداوند ظلمي به آنها نکرده ، وليکن آنها به خويش ظلم مي کنند (117) اي مسلمانان از غير خودتان دوست نزديك مگيريد ، که لحظه اي از شر رساني به شما کوتاهي نمي کنند ، و دوست دارند شما به زحمت بيفتيد ، و البته بغض و دشمني از زبانشان آشکار است ، ولي آنچه در دل پنهان ميكنند بزرگتر است . البته آيات خويش را برايتان بيان کرديم اگر در آن تعقل کنيد (118) شما کساني هستيد که دوستشان ميداريد در حاليکه آنها دوستتان نميدارند و شما به همه کتاب** (ها) **ايمان داريد، و هنگاميکه شما را مي بينند ميگويند ايمان داريم و وقتيکه به خلوت ميروند از شدت خشم** (نسبت به شما) **انگشت به دندان ميگزند . بگو با خشم خويش بميريد که خداوند به** (حقيقت) **دل ها داناست (119) اگر چيز خوبي به شما برسد ناراحت ميشوند ، و اگر چيز بدي به شما برخورد کند خوشحال ميشوند ، و اگر صبر کنيد و تقوا در پيش گيريد حيله هايشان ضرري به شما نميرساند ، که خداوند به آنچه مي کنند احاطه دارد (120)**

**و آن هنگام** (را به ياد آر) **که صبح از خانواده ات جدا شدي که محل جنگ را براي مسلمانان مشخص کني و خداوند شنواي داناست (121) آن هنگام که دو طائفه از شما تصميم به سستي گرفتند ، در حاليكه خداوند سرپرستشان بود ، و مومنان بايد به خداوند توکل کنند (122) و خداوند بود كه در** (جنگ) **بدر ياريتان داد ، در حاليکه شما ناتوانتر بوديد . پس ، از خدا پروا کنيد شايد شکر بگزاريد (123) آن هنگام که به مسلمانان ميگفتي آيا کافي نيست که پروردگارتان به سه هزار ملائکه فرود آينده کمکتان کند؟ (124) بله . اگر صبر کنيد و تقوا در پيش گيريد ، و آنها از خشم شان شتابان به اينجا بيايند پروردگارتان با پنچ هزار ملائکه نشاندار کمکتان مي کند (125) و خداوند آن را جز مژده اي برايتان قرار نداد، و اينكه دلتان به آن مطمئن شود ، و ياري جز از ناحيه خداوند نيست ، که خداوند پيروزمند فرزانه است (126) تا اينکه قسمتي از کافران را هلاک کند ، يا اينکه خوارشان کند ، و نا اميد شوند (127) تو درباره آن امر چيزي** (که در اختيار خودت باشد) **نداري . يا خداوند توبه شان مي پذيرد يا عذابشان ميكند و البته آنها ظالمند (128) و هر چه در آسمانها و زمين است مال خداست ، هر كه را خواهد مي آمرزد و هر كه را خواهد عذاب ميکند ، و خداوند آمرزگار مهربان است (129)**

**اي مسلمانان ربا مخوريد که چندين برابر شود . و از خدا پروا کنيد شايد رستگار شويد (130) و از آن آتش که براي کافران تهيه شده بپرهيزيد (131) و خدا و رسول را اطاعت کنيد شايد مورد مهر قرار گيريد (132) و بسوي آمرزشي از جانب پروردگارتان ، و بهشتي که عرض آن به پهناي آسمانها و زمين است ، و براي پروا داران تهيه شده، بشتابيد (133) همان کساني که چه در حال توانگري و چه در حال تنگدستي انفاق مي کنند و خشم خويش فرو ميخورند ، و مردم را مي بخشند ، و خداوند نيکوکاران را دوست دارد (134) و کساني که وقتي کار زشتي کردند يا به خويش ظلم نمودند خدا را ياد مي کنند و از گناهانشان آمرزش ميخواهند- و چه کسي غير از خداوند گناهان را مي آمرزد- و بر آنچه کرده اند آگاهانه اصرار نمي ورزند (135) پاداش آنها آمرزشي از جانب پروردگارشان و بهشتهائيست که در کف آنها جوي ها روان است ، که در آن جاودان باشند ، و پاداش عمل کنندگان چه نيکوست (136) قبل از شما سنت هائي بوده که از ميان رفته اند ، پس در زمين بگرديد و ببينيد عاقبت تکذيبگران چه بود (137) اين بياني براي مردم و هدايتي و موعظه اي براي پروا داران است (138)**

**و سست نشويد واندوهگين نباشيد و شما بالاتريد اگر ايمان داشته باشيد (139) اگر به شما آسيبي رسيد ، به آن قوم نيز آسيبي مانند آن رسيد . و ما اين روزگار را بين مردم دست به دست ميچرخانيم ، و تا اينکه خداوند ايمان داران را مشخص کند ، و از شما گواهاني برگيرد ، و خداوند ظالمان را دوست ندارد (140) و نيز اينكه مومنان را پاک کند و کافران را نابود فرمايد (141) آيا فکر کرده ايد داخل بهشت خواهيد شد در حالي كه خداوند کساني از شما را که جهاد کرده و صبر نموده اند مشخص ننموده باشد؟ (142) و همين شما بوديد که قبل از اينکه با آنان برخورد کنيد آرزوي مرگ ميکرديد . پس** (چه شد که) **اينک که آنرا ديده ايد نگرانيد (143) و محمد کسي نيست جز فرستاده اي که قبل از او نيز فرستادگاني** (بوده اند و) **گذشته اند . پس اگر او بميرد يا کشته شود آيا شما بر پاشنه هايتان خواهيد چرخيد؟ و هر کس که بر پاشنه هايش بچرخد به خداوند ضرري نميزند ، و البته خداوند بزودي شکرگزاران را پاداش ميدهد (144) و هيچکس را نميرسد که مگر به اذن خدا بميرد . سرنوشتي است سررسيد دار . و هر کس که متاع دنيا خواهد از آن به او ميدهيم ، و هر کس بهره آخرت خواهد از آن به او ميدهيم ، و بزودي شکرگزاران را پاداش خواهيم داد (145) و چه بسا پيامبراني بودند که خدا پرستان زيادي همراه آنها جنگيدند ، و از آنچه در راه خدا به آنان رسيد سست نشدند و تسليم نگرديدند ، و خداوند پايداران رادوست ميدارد (146) و سخن آنها ، جز اين نبود که ميگفتند پروردگارا گناهانمان و اسرافي را که در امر خويش کرديم ببخش ، و قدمهايمان را ثابت کن ، و ما را عليه کافران ياري فرما (147) پس خداوند نيز بهره مندي دنيا و برخورداري نيکوي آخرت را نصيب آنها فرمود ، که خداوند نيکوکاران را دوست ميدارد (148) اي مسلمانان اگر کافران را اطاعت کنيد شما را بر پاشنه هايتان مي چرخانند و زيانکار ميشويد (149) بلکه خداوند دوست دلسوز شماست و همو بهترين ياريگر است (150) بزودي در دلهاي کافران بواسطه شرکي که نسبت به خدا ورزيدند ، و خداوند دليلي براي آن نفرستاده است ، ترس مي اندازيم ، و جايگاهشان آن آتش است و جايگاه ظالمان چه بد است (151) و البته خداوند وعده اش را وفا كرد . آنهنگام که به فرمانش در جستجو** (ي کافران) **بوديد . تا اينکه سست شديد ، و در آن امر كشمكش کرديد ، و پس از اينکه آنچه را دوست داشتيد به شما نشان داد نافرماني کرديد . از شما کساني بودند که** (فقط) **دنيا را ميخواستند . آنگاه شما را از آنها منصرف کرد تا امتحانتان كند ، و از شما در گذشت ، و خداوند نسبت به مومنان صاحب بخشش است (152) آن هنگام که به بالا مي گريختيد ، و هيچ برنمي گشتيد ، و رسول خدا پشت سرتان بود و صدايتان ميزد ، آنگاه غمي روي غم بر شما فرود آمد ، تا بر آنچه از دستتان رفت ، و برسرتان آمد ، اندوهگين مشويد ، و خداوند به آنچه مي کنيد آگاه است (153) آنگاه ، پس از آن غم، چُرت آرامش بخشي بر شما فرستاد ، که طائفه اي از شما را فرا گرفت . و طائفه اي** (ديگر) **که بفكر جان خود بودند و راجع به خدا گمانهاي نا حق نموده بودند ، که همان گمان هاي جاهليت بود ، ميگفتند آيا چيزي از آن امر بدست ما هست؟ بگو آن امر همه اش بدست خداست . چيز هائي را در خويش پنهان مي کنند که براي تو بروز نميدهند ، ميگويند اگر چيزي از آن امر بدست ما بود در اينجا کشته نميشديم . بگو اگر در خانه هايتان هم بوديد آنهائي که برايشان قتل مقدر شده بود در خوابگاههايشان نيز برايشان پيش مي آمد و خداوند به حقيقت دل ها آگاه است (154) روزي که آن دو گروه با هم برخورد نمودند ، کساني که** (به جنگ) **پشت کردند ، جز اين نيست که شيطان بسبب بعضي چيزها که کسب نموده بودند آنها را لغزاند ، و البته خداوند بخشيدشان ، که خداوند آمرزشگر حليم است (155) اي مسلمانان مانند کساني نباشيد که کافر شدند و درباره برادرانشان که زمين را به مسافرت در نورديده ، و يا به جنگ رفته بودند ، ميگفتند اگر نزد ما مانده بودند نميمردند و کشته نميشدند . تا خداوند آنرا حسرتي در دلهاشان قرا دهد ، در حاليکه خداوند است که زنده ميکند و ميميراند و خداوند به آنچه مي کنيد بيناست (156) و اگر در راه خدا کشته شويد يا بميريد ، البته آمرزشي و رحمتي از جانب خدا از آنچه جمع مي کنند بهتر است (157) و اگر مرديد يا کشته شديد البته بسوي خداوند محشور خواهيد شد (158)**

**پس به سبب مهربانيي از جانب خداوند به آنان نرم گشته اي ، و اگر تند خوي سخت دلي بودي حتما از دور و برت پراکنده ميشدند . پس بر آنان ببخش ، و برايشان استغفار کن ، و درباره كارها با آنان مشورت کن . و هنگامي که تصميم گرفتي بر خداوند توکل کن که خداوند متوکلان را دوست ميدارد (159)**

**اگر خدا ياريتان کند کسي بر شما پيروز نخواهد شد و اگر شما را بحال خود رها کند، پس از او چه كسيست که ياريتان کند؟ و مومنان بايد به خدا توکل کنند (160)**  {و هيچ پيامبري را نميرسد که نيرنگ زند. و کسي که نيرنگ زند در روز قيامت با آن نيرنگش همراه خواهد بود. سپس هر کس آنچه را که کسب کرده بطور کامل دريافت خواهد کرد و هيچ ظلمي نميشوند.(161) آيا کسي که از چيزهاي مورد پسند خدا پيروي کرد مانند کسيست که چيزي آورده که موجب خشم خداست و جايگاهش جهنم است؟ و چه بد سرانجاميست.(162) آنها نزد خدا درجاتي دارند و خداوند به آنچه ميکنيد بيناست }(163) **البته خداوند بر مسلمانان منت گذاشت که در بين آنها رسولي از خودهاشان برانگيخت، که بر آنان آياتش را تلاوت ميکند، و رشدشان ميدهد، و کتاب و حکمت مي آموزدشان، و گرچه قبلا در گمراهيي آشکار بودند (164) آيا وقتيکه مصيبتي به شما اصابت کرد که دو برابر آن را به آنان رسانديد باز هم ميگوئيد اين از کجاست؟ بگو از جانب خودتان است که البته خداوند بر هر چيزي تواناست (165)**  {و آنچه که در روز برخورد دو گروه به شما رسيد به فرمان خدا بود، تا مومنان را مشخص کند.(166) و منافقان را نيز مشخص کند. همان کساني را که وقتي به آنان گفته شد بيائيد در راه خدا جنگ يا دفاع کنيد، جواب دادند اگر ميدانستيم جنگي در راه است حتما از شما پيروي ميکرديم. آنها در آن موقع به کفر نزديک تر بودند تا ايمان. با دهانهايشان چيزي مي گفتند که در دلهاشان نبود، و خداوند به آنچه پوشيده ميداشتند داناتر است.(167) همانها که به برادرانشان و کساني که نشستند ميگفتند اگر (شهيدان) اطاعتمان کرده بودند کشته نميشدند. بگو پس مرگ را از خود دور کنيد اگر راست ميگوئيد }(168)

**و مبادا کساني را که در راه خدا کشته شده اند مرده بپنداريد، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزي دارند.(169)**  و به آنچه خداوند از فضلش به آنها داده شادند، و به آناني که پشت سرشان هستند و هنوز به آنان نرسيده اند مژده ميدهند، که نترسيدو اندوهگين هم مباشيد.(170) به نعمتي از جانب خداوند و فضلي مژده ميدهند، و اينکه خداوند پاداش مومنان را ضايع نخواهد گزارد.(171) کساني که خداوند و رسولش را حتي پس از اينکه آن آسيب به آنان رسيداجابت کردند، براي نيکوکاران و تقواداران آنها پاداشي بزرگ خواهد بود.(172) همان ها که وقتي مردم به آنان مي گفتند که آنها براي (جنگ با) شما اجتماع کرده اند لذا از آنان بترسيد، (بجاي ترسيدن) ايمانشان زياد ميشد و ميگفتند خدا ما را بس است و خوب وکيلي است.(173) پس بسوي نعمتي از جانب خدا چرخيدند، و فضلي که بديي به آن نميرسد، واز (راه هاي) رضايت خدا پيروي کردند، وخداوند صاحب فضلي بزرگ است.(174) **جز اين نيست که شيطان است که دوستانش را ميترساند، پس از آنان نترسيد، و مرا بترسيد اگر مومن ميباشيد.(175)**

**و آنانکه در راه کفر با سرعت راه مي سپارند اندوهگينت نکند ، آنها به خداوند ضرري نمي رسانند ، خداوند ميخواهد که بهره اي از آخرت برايشان قرار ندهد و عذابي عظيم داشته باشند (176) البته کساني که کفر را به** (قيمت) **ايمان خريدند به خداوند ضرري نمي زنند و عذابي دردناک خواهند داشت (177) و کافران مپندارند که مهلتي که به آنها داده ايم بنفعشان است . جز اين نيست که مهلت ميدهيم تا گناه زياد کنند و عذابي خوار کننده خواهند داشت (178) و اينطور نيست که خداوند مسلمانان را در اين حالي که بر آن هستيد رها کند ، مگر اينکه خراب را از پسنديده جدا کند ، و اينطور نيست که خداوند شما را بر غيب آگاه کند ، وليکن اينطور است که خداوند از ميان فرستادگانش کساني را که بخواهد برمي گزيند . پس به خدا و رسولانش ايمان بياوريد و اگر ايمان آورديد و تقوا پيشه نموديد آنگاه اجري بزرگ خواهيد داشت (179) و مبادا آنانکه خداوند از فضل خويش به آنان داد ، و بخل ميورزند ، اينطور خيال کنند که اين** (بخل) **بنفعشان است ، بلکه به ضررشان است . زيرا آنچه که در آن بخل ورزيده اند در روز قيامت طوق گردنشان خواهد شد ، و ميراث آسمانها و زمين مال خداست و او به آنچه ميکنيد آگاه است (180)**

**البته خداوند قول آنها را شنيد که گفتند خداوند فقير است و ما غني هستيم . بزودي آنچه را که گفته اند مي نويسيم ، و نيز اينکه پيامبران را به ناحق مي کشتند ، و خواهيم گفت عذاب آن آتش را بچشيد (181) اين بخاطر آن چيز هائي است که قبلا انجام داديد و البته خداوند نسبت به بندگانش ظالم نيست (182) همانهائي که گفتند خداوند با ما عهد کرده که به هيچ پيغمبري ايمان نياوريم مگر اينکه براي ما يک قربانيي بياورد که آتش آن را بخورد ، بگو رسولاني قبل از من با نشانه هاي روشن و نيز آنچه که ميگوئيد بسويتان آمدند ، پس چرا آنها را کشتيد اگر راست ميگوئيد (183) پس اگر تکذيبت کردند ، قبل از تو نيز فرستادگاني که با نشانه هاي روشن و نيز کتاب ها و آن کتاب نورافشان آمده بودند ، تکذيب شدند (184) هر کسي چشنده مرگ است ، و جز اين نيست که پاداشهايتان در روز قيامت بطور کامل به شما داده خواهد شد . پس اگر کسي از آن آتش دور شد و داخل بهشت گرديد برنده است . و زندگي دنيا جز برخورداريي فريبنده نيست (185) البته در اموالتان و جانهايتان امتحان هائي خواهيد شد ، و از کساني که قبل از شما به آنان کتاب داده شده و نيز از مشرکان آزار هاي زيادي خواهيد ديد ، و اگر صبر کنيد و تقوا پيشه نمائيد ، آن از جمله** (نشانه هاي) **محکم کردن کارهاست (186) و هنگاميکه خداوند از اهل کتاب پيمان گرفت که حتما بايد** (مطالب آن کتاب) **را براي مردم بيان کنيد و نبايد کتمانش کنيد ، اما آن را پشت سرشان انداختند وآن را به قيمت ناچيزي فروختند ، و چه معامله بدي کردند (187) مبادا فکر کني آنهائي که به آنچه بدست آوردند شادند و دوست دارند بخاطر کاري که نکرده اند ستايش شوند از عذاب رهائيي خواهند داشت ، بلکه عذابي دردناک خواهند داشت (188)**

**و فرمانروائي آسمانها و زمين مال خداست و همو بر چيزي تواناست (189) البته در آفرينش آسمانها و زمين و گردش شب وروز براي خردمندان نشانه هائيست (190)** {همانها که خداوند را ايستاده و نشسته و بر پهلوها ياد كرده و در آفرينش آسمانها و زمين تفکر مي کنند (و ميگويند) پروردگارا اينها را به باطل نيافريده اي، پس ما را از عذاب آن آتش حفظ کن.(191) پروردگارا هر کس را که داخل آن آتش کني خوارش نموده اي و ظالمان هيچ ياوري ندارند.(192) پروردگارا گوش به مناديي سپرديم که به ايمان ميخواند، که به پروردگارتان ايمان آوريد، و ما ايمان آورده ايم، پس گناهانمان را بيامرز و بدي هايمان را بپوشان و ما را با نيکان در يافت کن.(193) پروردگارا و بما آنچه که به رسولانت وعده داده اي بده، و روز قيامت خوارمان مکن، که تو البته وعده ات را خلاف نخواهي کرد }(194) **پس پروردگارشان اجابتشان کرد که البته عمل عاملي از شما را -چه زن باشد و چه مرد- که از يكديگرند، ضايع نخواهم كرد. و آنها که هجرت کردند و از شهرهاشان اخراج شدند، و در راه من مورد اذيت قرار گرفتند، و جنگ کردند و کشته شدند، حتما بدي هايشان را خواهم پوشاند و حتما به بهشت هائي وارد شان خواهم نمود که نهرها د رآن جاريست که برخورداريي از جانب خداوند است و برخورداري خوب نزد خداست (195)**

**جنب و جوش کفار در شهرها گولت نزند (196)** {برخورداريي اندك است،سپس جايگاهشان جهنم است و بد آرامگاهيست }(197) **ليکن اهل تقوا نزد پروردگارشان بهشتهائي دارند که در کف آنها نهرها جاريست که در آن جاودانند، و اين پيشکشيي است از جانب پروردگارشان، و چيزي که نزد خداست براي خوبان بهتر است (198)** {و البته از اهل کتاب هم کساني هستند که به خدا، و نيز به آنچه که بر شما نازل شده، و آنچه بر خودشان نازل شده،ايمان دارند، و براي خدا متواضعند، و آيات خدا را به قيمتي ناچيز نمي فروشند. پاداش آنها نزد پروردگارشان محفوظ بوده و خداوند تند حساب است }(199)  **اي مسلمانان ! صبر کنيد و ديگران را نيز به صبر سفارش کنيد ، و (دلها را به يکديگر) وصل کنيد، و تقوا داشته باشيد. شايد رستگار شويد (200)**

مرحله دهم

**تثبیت حکومت ایمانی**

**و در پیش گرفتن رویکرد ِ**

**حل مشکلات درونی و بیرونی جامعه نوپا ،**

**ضمن ادامه حرکت معنوی رو به تعالی**

**سوره تغابن**

|  |
| --- |
| **درس: اي مسلمانان! همت خويش را بلند داريد، و بهشت را هدف قرار دهيد، و با ايمان و تقوا و انفاق و..... بدستش آوريد.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**هر آنچه در آسمانها و زمين است خداوند را به پاكي ميستايد . همو که فرمانروائي از آن او و ستايش مخصوص اوست ، و همو بر هر چيزي تواناست (1) اوست کسي که شما را آفريده ، آنگاه بعضي از شما کافر و بعضي مومن هستيد ، و خداوند بر آنچه مي کنيد بيناست (2) آسمان ها و زمين را مطابق حق آفريد ، و شما را صورتگري کرد و صورتهايتان را زيبا نمود ، و سرانجام بسوي اوست (3) علم آنچه را که در آسمانها و زمين است دارد ، و آنچه را که پنهان ميداريد يا آشکار مي کنيد ميداند ، و به آنچه در دل هايتان هست داناست (4)**

**آيا داستان کافراني که قبلا مي زيستند به شما نرسيده؟ که چگونه فرجام بد كارشان را چشيدند و عذابي دردناک خواهند داشت؟(5)**  {علت آن نيز اين بود که فرستادگان (خداي)شان با دلايل و نشانه هاي روشن بسويشان آمدند، اما آنها گفتند آيا يک بشر هدايتمان کند؟ پس کفر ورزيدند و پشت کردند و از خداوند بي نيازي جستند، و خداوند بي نياز ستوده است }(6) **کافران پنداشتند هرگز برانگيخته نخواهند شد. بگو بلي و قسم به پروردگارم که حتما برانگيخته خواهيد شد ، سپس از آنچه انجام داده ايد آگاه تان خواهند كرد ، و اين براي خداوند آسان است (7)**

**پس به خدا و رسولش و نوري که فرستاديم ايمان بياوريد ، و خداوند به آنچه ميکنيد آگاه است (8)** {هنگامي که در روز گردآوري جمعتان کند ، آن روز روزِ افسوس خوردن است. و کسي که به خداوند ايمان بياورد و عمل شايسته کند زشتيهايش را مي پوشاند، و آنها را داخل بهشتهائي که نهرها از کف آن جاريست مي نمايد، که در آن براي هميشه جاودان خواهند بود، و اين پيروزي بزرگ است (9)  **و كساني که کفر ورزيدند و آيات ما را تکذيب کردند ياران آتشند که در آن جاودانند ، و بد سرانجامي است (10)**

**هيچ مصيبتي جز به اذن خدا نمي رسد، و کسي که به خدا ايمان بياورد دلش را هدايت مي کند ، و خداوند به هر چيزي داناست (11) و اطاعت خدا و اطاعت پيامبر کنيد . پس اگر پشت کرديد جز اين نيست که رسولمان فقط عهده دار رساندن آشکار پيام است (12) خداوند که خدائي جز او نيست ،** (شايسته است که) **مومنان بر او توکل کنند (13) اي مسلمانان ! البته بعضي از همسرانتان و اولادتان دشمنان شما هستند ، پس از آنها احتياط کنيد ، و اگر درگذريد و ببخشيد ، خداوند نيز بخششگر مهربان است (14) جز اين نيست که اموالتان و اولادتان مايه آزمايش شما هستند ، درحاليکه نزد خداوند پاداشي بزرگ هست (15) پس تا ميتوانيد تقوا پيشه کنيد ، و بشنويد ، و اطاعت کنيد ، و مالي براي** (آخرتِ) **خودهاتان خرج کنيد ، و کسي که موفق شود خود را از بخل خويش حفظ کند رستگار است (16) اگر به خداوند قرضي نيکو دهيد برايتان چند برابرش مي کند ، و مي بخشدتان ، و خداوند سپاسگزار با وقار است (17) داناي نهان و آشکار و پيروزمند فرزانه است (18)**

**سوره حدید**

|  |
| --- |
| **درس: اي مسلمانان نسبت به ايمان و تقوا و انفاق بسيار کوشا باشيد.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**آنچه در آسمانها و زمين است خدا را به پاکي مي ستايد و همو پيروزمند فرزانه است (1) فرمانروائي آسمانها و زمين از ان اوست ، زنده مي کند و ميميراند ، و همو بر هر چيزي تواناست (2) همو اول و آخر و ظاهر و باطن است و به هر چيزي داناست (3) اوست که آسمانها و زمين را در شش مرحله آفريد ، و آنگاه به عرش مستولي شد ، ميداند چه به زمين فرو مي رود ، و چه از آن خارج ميشود ، و چه از آسمان نازل ميشود ، و چه بطرف آن بالا ميرود ، و هر جا که باشيد با شماست ، و خداوند به آنچه مي کنيد بيناست (4) فرمانروائي آسمانها و زمين از آن اوست و همه امور بسوي او باز ميگردد (5) شب را در روز داخل مي کند و روز را در شب فرو ميبرد و همو به آنچه در دلها ميگذرد داناست (6)**

**به خدا و رسولش ايمان بياوريد و از چيزي که شما را در آن جانشين كرده انفاق کنيد، كه پاداش کساني که ايمان آورده و انفاق کنند بزرگ است (7) و چه تان شده که به خدا ايمان نمي آوريد ، در حالي که پيامبر دعوتتان ميکند كه به پروردگارتان ايمان بياوريد و البته** (خداوند) **از شما پيمان نيز گرفته ، در صورتيکه** (اين را) **باور داشته باشيد (8) اوست کسي که بر بنده اش آياتي روشن ميفرستد تا شما را از تاريکي ها بسوي نور بياورد ، و خداوند نسبت به شما دلسوز مهربان است (9) و چه تان شده که در راه خدا انفاق نمي کنيد در حاليکه ميراث آسمانها و زمين از آن خداست؟ کسي که قبل از پيروزي انفاق و کارزار ميکند مساوي نيست . مرتبه او از کسي که بعدا انفاق و کارزار کند بالاتر است . و البته خداوند به هر دو گروه وعده نيکو داده ، و خداوند به اعمال شما آگاه است (10)کيست که به خداوند قرضي نيکو دهد تا او هم آنرا برايش دو چندان کند و پاداش ارجمند نيز از آن او باشد (11)**

**روزي که مردان و زنان مومن را مي بيني که نورشان در مقابلشان و به اطرافشان مي شتابد، مژده تان باد که بهشتهائي در انتظارتان است که نهرها در کف آنها جاريست و در آن جاودانيد، و پيروزي بزرگ نيز همين است (12) روزي که مردان و زنان منافق به مومنان ميگويند توجهي بما کنيد تا از نورتان بهره اي گيريم، به آنان گفته ميشود به پس و پشت خود برگرديد و نوري برگيريد. آنگاه بين آنها ديواري زده ميشود که دري دارد که داخل آن رحمت و بيرونش عذاب است (13)** {(منافقان) ندايشان ميدهند که: مگر ما با شما نبوديم؟ ميگويند: چرا، وليکن شما خود را فريفتيد، و (براي مومنان) انتظار (گرفتاري ها را) کشيديد، و شک کرديد، و آرزوها فريبتان داد، تا آنانكه فرمان خدا رسيد و (شيطان) شما را درباره خداوند فريفت.(14) لذا امروز ديگر نه از شما و نه از کافران فديه اي قبول نميشود، جايگاهتان آتش است، همان هم يارتان است، و بد سرانجاميست}(15)

**آيا هنوز وقت آن نشده که دلهاي مسلمانان براي خداوند و آنچه که از حق فرستاده نرم شود ، و مانند کساني که قبل از آنها کتابشان داده شده نباشند ، که در اثر مهلتي که يافتند سخت دل شدند و اکثرشان گناه پيشه اند؟ (16)**

**بدانيد که خداوند زمين را پس از مرگش زنده ميکند. البته نشانه ها را براي شما بيان مي کنيم شايد تعقل کنيد.(17) براي مردان و زنان تصدق دهنده و کساني که به خداوند قرض الحسنه ميدهند دو چندان خواهد شد و نيز پاداشي گرامي خواهند داشت (18)**  {کساني که به خدا و فرستادگانش ايمان آورده باشند همان راستگويانند، و نزد پروردگارشان حاضر و گواهند، پاداششان و نورشان را خواهند داشت، و کافران و تکذيب گران آيات ما ياران آتش خواهند بود} (19) **بدانيد که زندگي دنيا بازي،و سرگرمي،و زيور،و تفاخر بين خودتان درباره اموال و اولاد است. و مَثَل آن مانند باران تندي است که روياندن ان کشاورزان را به تحسين وا دارد،آنگاه آن روئيدني ها به زردي گرائيده و خشک شوند.و در آخرت (از طرفي)عذابي شديد و (از طرفي)آمرزشي از جانب خدا و رضايت او هست.و زندگي دنيا چيزي جز متاعي مايه فريب نيست (20)** {(لذا) بسوي آمرزشي از جانب پروردگارتان مسابقه دهيد و بهشتي که پهناي آن مانند پهناي آسمانها و زمين است که براي کساني آماده شده که به خدا و رسولانش ايمان آورده باشند. اين لطفي است از جانب خدا که بهر کس خواهد ميدهد و خداوند صاحب آن لطف بزرگ است} (21)

**هيچ مصيبتي ؛ چه در زمين و چه در خودهاتان ، رخ نميدهد مگر آنکه ­قبل از رخدادن ، در کتابي ثبت شده . البته اين امر براي خداوند آسان است (22)** {تا مبادا که بر آنچه از دستتان رفت تاسف خوريد، وبه آنچه بدستتان آمد شادماني کنيد، که خداوند هيچ خود پسند خودستائي را دوست ندارد.(23) همان ها که خودشان بخيلي ميکنند و مردم را نيز به بخيلي سفارش مي­کنند، و هر کس که روي بگرداند البته خداوند بي نياز پسنديده است} (24)

**رسولانمان را با دلايل روشن فرستاديم، و نيز کتاب و ترازو همراهشان نازل کرديم، تا مردم براي عدالت به پا خيزند. و آهن را نازل نموديم که سختيي شديد و منافعي براي مردم دارد، و نيز، تا خداوند،در نهان، مشخص کند که چه کساني او و فرستادگانش را ياري مي کنند. خداوند البته قوي پيروزمند است (25)**  {و محققا نوح و ابراهيم را به رسالت فرستاديم و در فرزندان آنها پيامبري و کتاب قرار داديم، آنگاه عده اي از آنها هدايت يافته و بسياري از آنها گناه پيشه شدند.(26) سپس پيامبران خود را در پي آنان آورديم، و عيسي پسر مريم را پس از آنها فرستاديم، و انجيل را به او داديم، و در دلهاي پيروانش رافت و مهرباني قرار داديم، و رهبانيتي كه اختراع کردند برايشان مقرر نکرده بوديم جز آنكه رضايت خداوند را جستجو كنند که آنطور که بايد و شايد رعايتش نکردند. در هر حال مومنان آنها را پاداش داديم و بسياري از آنها نيز گناه پيشه هستند}(27)

**اي مسلمانان ! از خدا پروا کنيد و به رسولش ايمان بياوريد تا دو نصيب از رحمتش را به شما بدهد ، و برايتان نوري قرار دهد که بوسيله آن راه برويد ، و شما را ببخشد ، و خداوند آمرزنده مهربان است (28) تا اهل کتاب بدانند که تسلطي بر چيزي از فضل خداوند ندارند ، و اينکه آن فضل فقط بدست خداست ، که بهر کس بخواهد ميدهد ، و خداوند صاحب آن فضل بزرگ است (29)**

**سوره احزاب**

|  |
| --- |
| **درس: اي مسلمانان! ايمان و تقواي واقعي داشته باشيد و مبادا مانند منافقين شويد.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**اي پيامبر ! از خداوند پروا کن ، و اطاعت کافران و منافقان مکن ، که خداوند داناي حکيم است (1) و آنچه را که از جانب پروردگارت بسويت وحي شده پيروي کن که خداوند به آنچه ميکنيد آگاه است (2) و بر خداوند توکل کن و همو بعنوان كارساز بس است (3)**

**خداوند دو قلب در سينه هاتان قرار نداده ، و همچنين زناني که آنها را «ظِهار» مي کنيد** (و ميگوئيد نزديكي با تو بر من مانند مادرم حرام است) **مادرانتان قرار نداده ، و همچنين فرزند خواندگان شما را فرزندان شما قرار نداده است . اينها سخنان شماست که به دهان هايتان مي آيد ولي خداوند سخن حق ميگويد و به سوي راه** (عادلانه) **هدايت مي کند (4) آنها را بنام پدرانشان بخوانيد . اين کار نزد خداوند عادلانه تر است . و اگر پدرانشان را نمي شناسيد برادران ديني شما و دوستانتان هستند . اگر در اين امر اشتباهي کنيد گناهي ندارد وليکن آنچه را عمدا** (انجام ميدهيد گناه دارد) **و خداوند آمرزشگر مهربان است (5) پيامبر نسبت به مومنان از خودهاشان سزاوارتر است ، و زنانش مادران آنها هستند ، و در کتاب خدا از لحاظ اولويت ، خويشاوندان نسبت به يكديگر نسبت به مومنان و مهاجران** (به ارث) **سزاوارترند . مگر اينکه بخواهيد راجع به دوستانتان کار خيري انجام داده باشيد** (که البته این خیرات است ، نه ارث) **. اين امر در آن کتاب** (که نزد خداست) **نوشته شده است (6)**

**وهنگامي را بياد آر که از پيامبران و از تو و نوح و ابراهيم و موسي و عيسي پسر مريم تعهدي سخت گرفتيم (7) تا** (خداوند) **از صدق راستگويان سئوال کند و براي کافران نيز عذابي سخت تهيه نموده است (8)**

**اي مسلمانان ! نعمت خداوند را بر خويش بياد آوريد . آن هنگام که لشکرياني بسويتان آمدند و ما بسوي آنها بادي و لشکرياني که نميديديد فرستاديم و خداوند به آنچه مي کنيد بيناست (9) هنگامي که** (لشکر دشمن) **از بالا دستتان و پائين دستتان بسويتان آمدند و چشمها** (از ترس) **خيره شد و دل ها به گلوگاه ها رسيد و درباره خداوند به گمانهائي** (ناصحيح) **پرداختيد (10) اينجا بود که مسلمانان امتحان شدند و به لرزه اي سخت افتادند (11) و هنگامي که منافقان ، و نيز آنهائي که در قلبهاشان مرضي هست ، ميگفتند خداوند و رسولش وعده اي جز فريب به ما ندادند (12) و نيز عده اي از آنها گفتند : اي اهل يثرب ! ديگر جاي ماندن نيست ، برگرديد . وعده اي از آنان از پيامبر اجازه** (برگشتن) **ميخواستند و ميگفتند خانه هاي ما بي حفاظ است ، با آنكه بي حفاظ نبوده ، و جز فرار منظور ديگري نداشتند (13) و اگر از هر طرف وارد آن خانه ها شده و از آنان درخواست مي شد که در فتنه داخل شوند حتما بسوي آن مي آمدند و جز اندکي درنگ نمي كردند (14) در حاليکه قبلا با خداوند پيمان نموده بودند که** (بهجنگ) **پشت نکنند و البته از عهد خدا باز خواست خواهد شد (15) بگو فرار از لحاظ مرگ يا قتل هرگز بنفع شما نخواهد بود و در آنصورت جز تا مدتي بسيار کم زندگي نخواهند کرد (16) بگو چه کسي شما را در مقابل خداوند مانع خواهد شد؟ اگر بخواهد به شما بديي يا رحمتي برساند؟ و آنها البته غير از خداوند سرپرست و ياوري ندارند (17) خداوند آنهائي را که** (پيوستن به جنگ را) **به تعويق مي اندازند مي شناسد ، كه به برادرانشان ميگويند بسوي ما بيائيد ، و جز اندکي به جنگ نمي آيند (18) آنها نسبت به شما بسيار بخيلند . هنگامي که مورد ترس پيش بيايد ، مي بيني چنان به تو مينگرند ، و چشمشان چنان ميچرخد که گوئي مرگ آنها را در ربوده . اما پس از اينکه مورد ترس برطرف شد فورا با زبانهائي تيز در حاليکه نسبت به مال بخيل هستند به ملاقاتتان مي آيند . آنها ايمان نياورده اند ، و خداوند اعمالشان را از بين ميبرد ، و اين کار براي خدا آسان است (19) مي پندارند آن گروه ها هنوز نرفته اند . و اگر برگردند دوست دارند کاش در بيابان ها و ميان چادرنشينان بودند و خبرهاي شما را** (از اين وآن) **مي پرسيدند ، و اگر هم در بين شما بودند ، جز اندکي مبارزه نميکردند (20) البته براي شما در رسول خدا الگوئي بسيار نيکوست . براي آنانکه اميد به خدا و روز آخرت دارند و خدا را بسيار ياد مي‌کنند (21) و هنگامي که مومنان ، آن گروه** ها (ي مهاجم) **را ديدند گفتند اين وعده ايست که خدا و رسولش بما داده بودند و خدا و رسولش راست گفتند و اين امر جز به ايمان و تسليمشان نيفزود (22) از مومنان مرداني هستند که عهد خويش را با خداوند وفا كردند ، و از آنها کساني هستند که در گذشته اند ، و بعضي هايشان هم منتظرند ، و چيزي را تغيير ندادند (23) تا خداوند راستان را به راستي شان پاداش دهد ، و منافقان را اگر خواهد عذاب کند يا توبه شان را بپذيرد ، که خداوند آمرزشگر مهربان است (24) و خداوند کافران را عليرغم خشم شان بدون آن كه به دستاويزي هم رسيده باشند برگرداند ، و مومنان را از جنگ كفايت فرمود ، و خداوند قوي دست نيافتني است (25) و آن دسته از اهل کتاب را که کافران را پشتيباني کرده بودند ، از قلعه هايشان پائين کشيد ، و در دلهايشان ترس انداخت ، که عده اي را کشتيد وعده اي را نيز به اسارت گرفتيد (26) و زمينشان و شهرهايشان و اموالشان و زميني را که برآن نتاختيد ، به شما داد ، و خداوند برهر چيزي تواناست (27)**

**اي پيامبر! به زنانت بگو اگر زندگي دنيا و زينتش را ميخواهيد بيائيد چيزي به شما بدهم و به خوبي رهايتان کنم (28) اما اگر خدا و رسولش و خانه آخرت را ميخواهيد خداوند براي نيکو کارانتان پاداشي عظيم آماده کرده است (29) اي زنان پيامبر! هر يک از شما که به زشتكاري آشكار دست زند عذابش دو چندان خواهد بود و اين براي خداوند آسان است (30) و هر يك از شما که براي خدا و رسولش تواضع نمايد و عمل صالح کند ، پاداشش دو چندان خواهد بود و برايش روزيي گرامي تهيه ديده ايم (31) اي زنان پيامبر! اگر شما تقوا پيشه کنيد مانند هيچ زن ديگري نيستيد ، پس هنگام سخن به فروتني نگرائيد ، مبادا آنکس که در دل او بيماريي هست به طمع بيفتد ، و سخن شايسته گوئيد (32) و در خانه خويش بمانيد ، و مانند زمان جاهليتِ نخست خودنمائي نکنيد ، و نماز بپاداريد و زکات دهيد و اطاعت خدا و رسولش کنيد . جز اين نيست که خداوند خواسته که پليدي را از شما اهل بيت بزدايد و شما را بخوبي پاکيزه کند (33) و از آنچه در خانه هاي شما از آيات خدا و حکمت تلاوت ميشود ياد کنيد که خداوند آگاه و دقيق است (34) البته خداوند براي زن و مرد مسلمان ، و مومن ، و متواضع ، و راستگو ، و صابر ، و فروتن ، و دهنده صدقه ، وروزه دار ، و از لحاظ جنسي عفيف ، و بسيار ياد کننده خدا ، مغفرت و پاداش عظيم تهيه ديده است (35)**

**مردان و زنان مومن را نرسد که وقتي خدا و رسولش به امري حکم نمودند خود را صاحب اختيار حساب کنند ، و هر کس که نسبت به خدا و رسولش نافرماني کند البته به گمراهيي آشکار افتاده است (36) و آن هنگام که به آنکسي که خداوند نعمتش داده بود ، و تو نيز نعمتش داده بودي ، ميگفتي زنت را نگهدار و از خدا پروا کن ، و چيزي را در نزد خود پنهان ميداشتي که خداوند آشکار کننده اش بود ، و از مردم ميترسيدي در حاليکه خداوند براي ترس تو سزاوارتر بود ، چنين بود تا هنگامي که زيد کامش را از او برگرفت او را به همسري تو در آورديم تا براي مسلمانان درباره ازدواج با همسران پسر خوانده هايشان پس از کام گيري آنها از آنان اشکالي نباشد . و سرانجام ، امر خدا شدني است (37) براي پيامبر درباره چيزي که خداوند براو واجب نموده اشکالي نيست . اين سنت الهي است که درباره گذشتگان نيز جاريست و امر خداوند اندازه دار و سنجيده است (38) کساني که رسالت هاي خداوند را تبليغ مي کنند ، و از خدا ميترسند و از غير او نميترسند** (خداوند پناهگاهشان است) **و خداوند براي حسابرسي کافي است (39) محمد پدر هيچکدام از مردان شما نيست ، وليکن رسول خدا و آخرين پيامبر است ، و خداوند به هر چيزي داناست (40)**

**اي مسلمانان! بسيار زياد ياد خدا کنيد (41) و صبحگاهان و غروب ها تسبيحش نماييد (42)** {هم او و هم ملائکه اش بر شما درود ميفرستند تا شما را از ظلمات بسوي نور در آورند و او به مومنان مهربان است.(43) درودشان در روزي که ملاقاتش کنند «سلام » است و برايشان پاداشي گرامي تهيه نموده است}(44)

**اي پيامبر! ما تو را بعنوان شاهد و مژده دهنده و هشدار دهنده فرستاده ايم (45) و دعوت کننده اي بسوي خدا ، و به فرمانش ، و چراغي روشنگر (46) و مومنان را مژده ده که از جانب خدا فضلي بزرگ خواهند داشت (47) و کافران و منافقان را اطاعت مکن ، و آزار و اذيت آنها را واگذار ، و بر خدا توکل کن و خداوند بعنوان نگهبان بس است (48)**

**اي مسلمانان ! اگر با زنان مسلمان ازدواج کرديد و آنگاه قبل از اينکه از آنان کام برگيريد طلاقشان داديد لازم نيست عّده نگهدارند كه بشماريد ، پس برخوردارشان کنيد، و به خوشي رهايشان نمائيد (49) اي پيامبر! همسرانت را بر تو حلال کرده ايم . چه آنها که حقشان را داده اي ، و چه آنها که مالک شده اي و خداوند بعنوان غنيمت نصيب تو کرده ، و نيز دختر عموها و دختر عمه ها و دختر دائي ها و دختر خاله هائي که با تو مهاجرت کرده اند ، و نيز زن مومني که** (مهر) **خويش را به پيامبر ببخشد ، و پيامبر هم بخواهد با او ازدواج کند ، که اين مورد مخصوص توست ، ما ميدانيم چه حکمي راجع به زنان مسلمانان و کنيزان آنها صادر کرده ايم . تا در اين خصوص اشکالي بر تو نباشد و خداوند آمرزگار مهربان است (50) هر يک از آنان را بخواهي ميتواني اميدوار کني و هر يک را که بخواهي ميتواني بخود نزديک نمائي و آن را هم که قبلا از او دوري گزيده اي** (ميتواني بگيري)  **اين به خوشنودي آنان ، و اينکه اندوهگين نشوند ، و اينکه همگي به آنچه به آنان داده اي راضي شوند ، نزديکتر است . و خداوند به آنچه در دلهاتان است آگاه است ، و خداوند داناي شکيباست (51) پس از اين ،** (که برايت برشمرديم) **ديگر هيچ زني برايت حلال نيست . و نيز حلال نيست که زنانت را با زنان ديگري جا بجا نمائي ، حتي اگر از زيبائي آنها خوشت بيايد ، مگر اينکه کنيزت باشند ، و خداوند بر هر چيزي مراقب است (52)**

**اي مسلمانان ! قبل از اينکه به شما اجازه دهند براي غذا داخل اتاق هاي پيامبر نشويد ، که قبل از غذا منتظر باشيد و به ظرفها نگاه کنيد ، وليکن اگر دعوتتان کردند داخل شويد ، و پس از اينکه غذا خورديد برويد ، و ننشينيد که گفتگو کنيد. اين کار پيامبر را اذيت مي کند و از شما خجالت ميکشد** (که بگويد بلند شويد وبرويد) **ولي خداوند از ذکر حق خجالت نمي کشد . و اگر از آن** (زن) **ها چيزي خواستيد ، از پشت پرده هائي بخواهيد ، که اين براي دلهاي شما و دلهاي آنان پاکتر است . و شما را نميرسد که رسول خدا را اذيت کنيد و نيز اينکه با زنان او پس از او هرگز ازدواج کنيد . که اين امر نزد خداوند** (گناهي) **بزرگ است (53) هر چيزي را که آشکار يا پنهان کنيد ، خداوند بر هر چيزي داناست (54) هيچ اشکالي راجع به زنان ، درباره پدرانشان و فرزندانشان و برادرانشان و برادرزادگان و خواهرزادگانشان و زنان و کنيزانشان نيست ،** (و لازم نيست خود را از آنان بپوشانند) **و ازخدا بترسيد ، که خداوند برهر چيزي گواه است (55)**

**خداوند و ملائکه اش بر پيامبر صلوات ميفرستند . اي مسلمانان شما نيز بر او صلوات فرستيد و به خوبي تسليم** (احکام) **باشيد (56) آنانکه خدا ورسولش را مي آزارند خداوند در دنيا و آخرت لعنتشان مي کند و برايشان عذابي خوار کننده تهيه نموده است (57) و کساني که مردان و زنان مومن را بدون اينکه گناهي کرده باشند اذيت کنند مرتکب بهتان و گناهي بزرگ شده اند (58) اي پيامبر! به همسرانت و دخترانت و زنان مسلمانان بگو ،** (قسمتي) **از چادرهايشان را بر خود پيش بکشند . اين نزديک تر است به اينکه** (به اين وسيله به مسلماني) **شناخته شوند ، و اذيت نشوند ، و خداوند آمرزگار مهربان است (59) اگر منافقان ، و آنانکه در قلبشان مرض است ، و نيز شايعه سازان مدينه دست برندارند ، البته تو را عليه آنان برمي انگيزيم ، آنگاه آنها جز مدت کمي مجاورت نخواهند بود (60) از رحمت خدا بدورند ، هر جا که يافته شوند گرفتار باشند ، و بسختي کشته شوند (61**) (اين) **سنت خدا** (است) **که درباره پيشينيان نيز جاري شد ، و هرگز براي سنت خدا تغييري نخواهي ديد (62)**

**مردم از تو درباره قيامت ميپرسند. بگو جز اين نيست که علم آن نزد خداست و چه ميداني شايد قيامت نزديک باشد (63) البته خداوند کافران را از رحمت خويش دور ميکند و برايشان آتش سوزان مهيا نموده است (64)** {که در آن جاودان خواهند بود،نه دوست و سرپرستي و نه ياريگري مي يابند.(65) روزي که چهره شان در آتش دگرگون ميشود، ميگويند اي کاش اطاعت خدا و رسولش را کرده بوديم.(66) و ميگويند پروردگارا! اطاعت بزرگانمان کرديم اما ما را گمراه کردند.(67) پروردگارا! عذابشان را دو برابر کن و آنها را کاملا از رحمت خويش دور ساز}(68)

**اي مسلمانان! مانند کساني نباشيد که موسي را اذيت کردند اما خدا از آنچه ميگفتند تبرئه اش کرد و همو نزد خداوند آبرومند بود (69) اي مسلمانان! از خدا پروا کنيد و سخني گوئيد که مانند سد (محکم) باشد (70)**  {تا (خداوند) اعمالتان را اصلاح کند و گناهانتان بيامرزد و هر کس که اطاعت خدا و رسولش کند البته به پيروزي بزرگي دست يافته است }(71)

**ما آن امانت را به آسمانها و زمين و کوه ها عرضه نموديم، اما آنها زير بارش نرفتند، و از آن ترسيدند، و انسان آن را برداشت، که او بسيار نادان ظلم پيشه بود (72)**  {تا خداوند منافقان و مشرکان را عذاب کند، و مومنان را بيامرزد، و خداوند آمرزگار مهربان است }(73)

**سوره نساء**

|  |
| --- |
| **درس: اي مسلمانان! مسلماني خويش را با دور شدن از صفات کافرانه و منافقانه و عمل به احکام (فردي و اجتماعي) ارتقاء دهيد.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**اي مردم ! از پروردگارتان که شما را آفريده پروا کنيد .** (همو که شما را) **از يک نَفْس و جفتش را نيز از همان آفريد ، و از آنها مردان و زنان زيادي پراکند و از خداوندي پروا کنيد که به** (احترام) **او ازيکديگر درخواست مي کنيد ، و نيز درباره خويشاوندان** (ازخدا) **پروا کنيد که همو مراقب شماست (1)**

**و اموال يتيمان را به آنان بدهيد و مال نامرغوب را با مرغوب عوض مکنيد** (که مالمرغوب يتيمان را بگيريد و بجاي آن نامرغوب بدهيد) **و اموال آنان را بسوي اموال خودتان اضافه نکنيد که بخوريد كه گناهي بزرگ است (2) و اگر خوف داريد که نتوانيد درباره يتيمان به عدالت رفتار کنيد ، از ميان زناني** (ديگر) **که مناسب شماست ميتوانيد براي ازدواج دو تا و سه تا و چهار تا اختيار کنيد و اگر خوف داريد که عدالت نکنيد يکي بگيريد يا** (با) **کنيزتان** (اکتفا کنيد) **که اين از لحاظ اينکه از عدالت دور نيفتيد بهتر است (3) و مهريه هاي زنان را به شيريني بدهيد ، و اگر باخوشي برايتان از چيزي** (از آن) **گذشتند بخوريدش که گوارايتان باد (4) و اموالتان را که خداوند مايه قوام شما قرار داده به كم خردان مدهيد . واز آن اموال روزي شان دهيد و بپوشانيد شان و با آنها به نيکوئي سخن گوئيد (5) و يتيمان را تا وقتيکه به شرايط ازدواج برسند امتحان کنيد ، پس اگر در آنها رشدي يافتيد اموالشان را به آنها برگردانيد ، و** (قبل از اين مرحله) **اموالشان را با اسراف و تند تند نخوريد که مبادا بزرگ شود** (واموالش را بخواهد) **و کسي که بي نياز است بايد خودداري کند ، و کسي که فقير است بايد مطابق عرف بخورد ، و هنگامي که اموالشان را به آنها برميگردانيد بر آنها گواه بگيريد ، و البته خداوند براي حسابرسي بس است (6) مردان از آنچه والدين و خويشاوندان بجا ميگذارند نصيبي دارند ، و زنان نيز همچنين . چه کم باشد چه زياد . نصيبي است که معين شده است (7) و هنگاميکه موقع قسمت فرارسيد و نزديکان و يتيمان و بيچارگان حاضر بودند ، از آن** (چيزي هم) **به آنان بدهيد و به آنان سخن نيکو بگوئيد (8) و کساني که اگر از پس خويش اولادي ضعيف برجا مي گذارند ، و** (از اجحافديگران) **بر آنان خواهند ترسيد ، بايد** (از اجحاف کردن بر ديگران) **بترسند ، و بايد تقوا کنند ، و سخني** (مانند سد) **محکم گويند (9) آنان که اموال يتيمان را از روي ظلم ميخورند جز اين نيست که در شکم هايشان آتش ميخورند ، و بزودي به آتش سوزنده اي مي افتند (10) خداوند درباره اولادتان سفارش مي کند که سهم هر پسر دو برابر هر دختر باشد ، پس اگر** (وارثان) **زناني بيش از دو تا بودند دو ثلث ارث سهم آنان است ، و اگر يکي باشد سهمش نصف است ، و سهم پدر و مادر هر کدام يک ششم مال ارثي است ، در صورتيکه فرزندي داشته باشد ، و اگر فرزندي نداشته باشد و ورثه او فقط والدينش باشند ، سهم مادر يک سوم است و اگر برادراني داشته باشد سهم مادر يک ششم است ، پس از اينکه وصيت او را** (از مالش) **انجام داديد يا قرضش را پرداختيد . شما نميدانيد پدرانتان يا فرزندانتان کدامشان برايتان پر منفعت ترند . اين تعييني است از جانب خدا و البته خداوند داناي حکيم است (11) و نصف آنچه زنانتان بجا مي گذارند ، اگر فرزند نداشته باشند مال شماست ، و اگر فرزند داشته باشند سهم شما يک چهارم از بجا گذاشته آنهاست ، پس از اينکه وصيت او را** (ازمالش) **انجام داديد يا قرضش را پرداختيد . و سهم آنها از آنچه شما بجا گذاشتيد يک چهارم است اگر فرزندي نداشته باشيد و اگر فرزند داشته باشيد سهم آنها يک هشتم بجا گذاشته شماست پس از انجام وصيتي که کرده ايد . و اگر مردي وارث برادر و خواهرش باشد يا اينکه زني باشد که برادري داشته باشد يا خواهري داشته باشد سهم هر يک از آنها يک ششم است و اگر بيش از آن باشند پس همگي در يک سوم شريک اند ، البته پس از انجام وصيت که** (بحال ورثه) **بسيار ضرر رسان نباشد ، و پرداخت قرض . اين توصيه اي است از جانب خداوند و خداوند داناي حليم است (12) اين حدود خداست ، و کسي که خدا و رسولش را اطاعت کند او را داخل بهشتهائي ميکند که نهرها در کف آن جاريست که در آن جاودانند و رستگاري بزرگ همين است (13) و هر کس که خدا ورسولش را نافرماني کند و از حدودش تجاوز نمايد او را داخل آتشي مي کند که در آن جاودان است و عذابي خوار کننده خواهد داشت (14)**

**زناني از شما که مرتکب عمل زشت ميشوند چهار شاهد برآنها بخواهيد ، پس اگر شهادت دادند آنها را در خانه ها نگهداريد تا مرگ آنها را دريابد يا خداوند برايشان راهي باز کند (15) و دو نفري از شما که مرتکب آن عمل زشت شوند آزارشان کنيد ، و اگر توبه کردند و اصلاح نمودند از آنها در گذريد ،که خداوند توبه پذير مهربان است (16) البته توبه برعهده خداست براي کساني که کار زشت را از روي جهالت مي کنند ، و بزودي توبه مي کنند ، كه خداوند توبه آنها را مي پذيرد و خداوند داناي حکيم است (17) و توبه براي کساني نيست که کارهاي زشت مي کنند تا اينکه مرگشان در رسد ، و بگويند همين الان توبه کردم ، و نيز توبه براي کساني نيست که کافر بميرند . براي آنها عذابي دردناک آماده کرده ايم (18) اي مسلمانان ، برايتان حلال نيست که از زنان بر خلاف ميل آنان** (با نگاه داشتن در نكاح خود) **ميراث ببريد و يا اينکه آنها رادر تنگنا قرار دهيد ، تا اينکه قسمتي از آنچه را که به آنها داده ايد ببريد ، مگر اينکه کار بسيار زشتي مرتکب شوند . و با آنها مطابق عرف معاشرت کنيد و اگر از آنها خوشتان نمي آيد** (بدانيد که) **چه بسا چيزي را بدتان مي ايد و حال آنکه خداوند در ان خير زيادي قرار داده است (19) و اگر خواستيد همسري را بجاي همسري ديگر قرار دهيد و به يکي از آنها مال بسيار زيادي داده ايد چيزي از آن را از او پس نگيريد ، آيا آنرا پس مي گيريد در حاليکه** (اين کار) **بهتان و گناهي آشکار است؟ (20) و چگونه ميگيريد در حاليکه بعضي از شما از بعضي ديگر کام گرفته و آنها از شما پيمان محکمي گرفته اند (21) و با آن کساني که پدرانتان با آنها ازدواج کرده اند ازدواج مکنيد مگر آنچه قبلا** (پيش از اسلام) **گذشته است ، که کاري بسيار زشت و** (سبب) **خشم** (خدا) **و راه بسيار بديست (22) مادرانتان بر شما** (از لحاظازدواج) **حرام شده است** (وهمچنين) **دخترانتان و خواهرانتان و عمه هايتان و خاله هايتان و خواهرزاده هايتان و برادرزاده هايتان و مادران شيري شما و خواهران شيري شما و مادران زنان شما و دخترانيکه از زناني باشند که با آنها زناشوئي کرده ايد و اگر زناشوئي نکرده ايد اشکالي ندارد . ونيز کساني که بر پسران صلبي شما حلالند و نيز اينکه در يک زمان با دو خواهر ازدواج کنيد مگر آنچه قبلا بوده که خداوند آمرزگار مهربان است (23) و** (نيز حراماستبر شما) **زنان شوهردار مگر اينکه كنيزتان باشند . اين نوشته خداست برعهده شما ، و غير از اينها برايتان حلال است ، که با اموالتان زنان خوب بجوئيد نه اينکه بدکاره باشند ، پس اگر زناني را صيغه کرديد مزدشان را که معين شده است بدهيد ، و اشکالي ندارد که پس از تعيين ، به آنچه که هر دو طرف به آن راضي هستيد عمل کنيد که خداوند داناي حکيم است (24) و کساني از شما که توانائي مالي براي ازدواج با زنان عفيف مسلمان ندارند با کنيزانتان که از جوانان مسلمان باشند ازدواج کنند ، و خداوند به ايمان بعضي از شما نسبت به بعض ديگر داناتر است . پس با اجازه خانواده شان با آنان ازدواج کنيد و اجرتشان را مطابق عرف بپردازيد و آنها بايد خود نگهدار باشند و بدکاره و رفيق باز نباشند ، و وقتيکه ازدواج کردند اگر مرتکب کار بسيار زشتي شدند برآنان نصف عذاب زنان آزاد اعمال ميشود . اين براي کساني است که نگران آن هستند که مبادا به سختي** (گناه) **بيفتند و اگر** (اينطور نبود و نگرانبه گناه افتادن نباشيد) **صبر کنيد** (و با کنيزان ازدواج نکنيد) **برايتان بهتر است و خداوند آمرزگار مهربان است (25) خداوند ميخواهد برايتان بيان کند ، و شما را به سنت هاي گذشتگان هدايت نمايد ، و بسوي شما** (به رحمت) **بازگردد ، و خداوند داناي حکيم است (26) و خداوند ميخواهد بسوي شما** (به رحمت) **بازگردد ، و آنان که شهوات را پيروي ميکنند ميخواهند شما به انحراف عظيمي دچار گرديد (27) خداوند ميخواهد بر شما آسان کند ، و انسان ضعيف آفريده شده است (28)**

**اي مسلمانان اموالتان را بين خويش به باطل مخوريد مگر اينکه تجارتي از روي رضايت متقابل باشد و خودهاتان را مکشيد که خداوند نسبت به شما مهربان است (29) و اگر کسي اين کار را از روي ظلم و تعدي کند ، بزودي او را در آتشي مي اندازيم و اين برخداوند آسان است (30) اگر از گناهان بزرگي که از آن نهي شده ايد دوري کنيد بدي هايتان را ميپوشانيم و شما را به جايگاهي گرامي داخل مي کنيم (31) و از آنچه که خداوند از فضل خويش بعضي را بر بعضي برتري داده تمنا مکنيد ، زيرا که مردان از آنچه کسب مي کنند نصيبي دارند و زنان نيز همينطور، و از فضل خدا بخواهيد که او به همه چيز داناست (32) و براي همگان سزاوارهائي قرار داده ايم درباره آنچه پدران و نزديکان بجا ميگذارند اما درباره کساني که با آنان پيمان** (مثلازناشوئي) **بسته ايد نصيبشان را بدهيد که خداوند بر همه چيز گواه است (33)**

**مردان سرپرستان زنانند ، بسبب آنچه که خداوند بعضي شان را بر بعضي برتري داده و بسبب خرجي که از اموالشان مي کنند ، و زنان شايسته متواضعِ نگهدارنده پنهاني ها به حفظ خدا** [چه خوبند] **، و اما درباره زناني که از نافرماني شان نگراني داريد ، موعظه شان کنيد ، و سپس در رختخواب ها از آنها دوري کنيد ، و سپس بزنيد شان . پس اگر اطاعتتان کردند ديگر عليه آنها راهي جستجو نکنيد که خداوند بلند مرتبه بزرگ است (34) و** [شما بستگان آن زن و شوهر] **اگر نگران جدائي آنها هستيد ، يک داور از خانواده مرد و يک داور از خانواده زن برانگيزيد . اگر خواستار اصلاح باشند خداوند بين آنها توافق ايجاد خواهد کرد که خداوند داناي آگاه است (35)**

**و عبادت خدا کنيد و چيزي با او شريک مکنيد، و به والدين و نزديکان و يتيمان و بيچارگان و همسايه نزديک و همسايه دور و رفيق مصاحب و در راه مانده و بردگانتان احسان کنيد که خداوند کسي را که خود بزرگ بين و فخر فروش باشد دوست نميدارد (36)** {همانهائي که بخل ميورزند و مردم را نيز به بخل واميدارند، و آنچه را که خداوند از فضلش به آنها داده کتمان مي کنند، و براي کافران عذابي خوار کننده آماده نموده ايم.(37) و (نيز) آنهائي که اموالشان را براي نشان دادن به مردم خرج مي کنند، و به خداوند و روز آخرت ايمان ندارند، و هر کس که شيطان از نزديکانش باشد چه نزديکان بدي دارد.(38) و چه ميشد که به خدا و روز آخرت ايمان مي آوردند، و از آنچه خداوند روزي شان کرده خرج ميکردند، و خداوند هم به کارشان دانا بود.(39) خداوند به سنگيني ذره اي هم ظلم نمي کند، و اگر حسنه اي باشد دوچندانش ميکند، و از جانب خويش بابت آن پاداشي عظيم ميدهد.(40) پس چگونه خواهد بود که از هر امتي گواهي بياوريم و تو را نيز بر اينها گواه بگيريم.(41) در آنروز کافران و کساني که پيامبر را نافرماني کردند دوست ميداشتند کاش با خاک يکسان ميشدند و گفته خدا را کتمان نمي نمودند}(42) **اي مسلمانان! در حال مستي به نماز نزديک مشويد تا اينکه بدانيد چه ميگوئيد، و نيز در حاليکه جنب ميباشيد (به نماز نزديک مشويد)- مگر اينکه رهگذر باشيد -تا اينکه غسل کنيد، و اگر مريض يا مسافر باشيد و يا از مدفوع برگشته ايد يا با زنان تماس برقرار کرده ايد و آب نمي يابيد، با خاکي پاک خوشايند تيمم کنيد، و صورت و دستهايتان را مسح کنيد که خداوند آمرزگار بخشنده است (43)**

**آيا آناني را که از کتاب نصيبي برده اند نمي بيني که خريدار گمراهي اند و ميخواهند شما نيز گمراه شويد (44) خداوند دشمنانتان را بهتر مي شناسد و خداوند بعنوان سرپرست و ياريگر بس است (45) از يهوديان کساني هستند که کلام را از مواضع آن تحريف مي کنند و ميگويند «شنيديم و نافرماني کرديم » و “بشنو که نشنوي» و«رعايتمان کن » و اين ها را بازبانهايشان بنحوي ميچرخانند** (تا مانند کلمات تورات بنظر رسد) **و در دين طعنه ميزنند و اگر ميگفتند “شنيديم و اطاعت کرديم » و «بشنو و منظورمان دار» برايشان بهتر و پايدارتر بود وليکن خداوند بسبب کفرشان لعنتشان کرده و جز عده کمي از آنان ايمان نمي آورند (46) اي اهل کتاب ! به چيزي که فرستاده ايم که تصديق کننده چيزيست که نزد شماست ايمان بياوريد ، قبل از اينکه صورتهائي را از ريخت بياندازيم و آنها را به پشتها برگردانيم يا لعنتشان کنيم ، همانطور که اهل روز شنبه را لعنت کرديم و امر خدا انجام گرديد (47)** {خداوند شرک را نمي آمرزد ، و غير از آن را براي کسي که خواهد مي آمرزد ، و کسي که به خداوند شرک ورزد ، گناهي عظيم را از روي افترا مرتکب شده است (48) آيا نمي بيني آنان را که خويش را پاكيزه مي انگارند؟ بلکه اين خداوند است که هر که را خواهد پاكيزه ميدارد و حتي باندازه کمي هم ظلم نخواهند شد (49) ببين چگونه به خداوند افتراي دروغ مي بندند و همين براي آنها بعنوان گناهي آشکار بس است}(50) **آيا نمي بيني آنان را که نصيبي از کتاب يافتند ، به بت و طاغوت ايمان مي آورند ، و درباره کافران چنين ميگويند که اينها از مسلمانان هدايت يافته ترند (51) آنها کساني هستند که خداوند لعنتشان کرده و کسي را هم که خداوند لعنت کند هرگز برايش ياوري نخواهي يافت (52) مگر در آن امر نصيبي دارند؟ در آنصورت به مردم پشيزي نخواهندداد (53) يا اينكه به مردم درباره آنچه که خداوند از فضل خويش به آنان داده حسد ميورزند . البته ما به آل ابراهيم آن کتاب و حکمت را داديم و به آنها فرمانروائيي عظيم بخشيديم (54) و بعضي شان به آن ايمان آورده و بعضي شان از آن جلوگيري كردند ، و جهنم از جهت سوزانندگي بس است (55) البته کساني که به آياتمان کفر ميورزند بزودي آنها را داخل آتشي مي کنيم که هر گاه پوستهايشان سخت شود پوستشان را عوض مي کنيم تا آن عذاب را بچشند ، که خداوند پيروزمند فرزانه است (56) و کساني که ايمان آورده و عمل شايسته انجام داده اند بزودي آنها را داخل بهشتهائي مي کنيم که نهرها در کف آنها جاريست و در آن براي هميشه جاودانند و در آن همسراني پاکيزه خواهند داشت و آنها را داخل سايه هائي گسترده در خواهيم آورد (57)**

**خداوند به شما ميفرمايد که امانت را به اهل آن ادا کنيد و هنگاميکه بين مردم حکم مي کنيد به عدل حکم کنيد . خداوند خوب موعظه اي مي کند . خداوند شنواي بيناست (58)**

**اي مسلمانان! خدا ورسول و زمامدارانِ از ميان خودتان را اطاعت کنيد. و اگر درباره چيزي به نزاع برخواستيد موضوع را به خدا و رسول ارجاع کنيد اگر به خدا و آخرت ايمان داريد. اين بهتر و سرانجامش نيکوتر است (59) آيا آنهائي را نديدي که فکر مي کنند به آنچه بر تو نازل شده و آنچه قبل از تو نازل شده ايمان آورده اند اما در عين حال ميخواهند محاکمه خويش را نزد طاغوت برگزار کنند؟در حاليکه مامورند به آن کفر بورزند و شيطان ميخواهد به گمراهي دوري گمراهشان کند (60)** {و هنگامي که به آنان گفته ميشود بسوي آنچه خداوند نازل کرده و بسوي رسول بيائيد منافقان را مي بيني که بشدت آنها را از تو باز ميدارند.(61) پس چگونه است که وقتي مصيبتي بواسطه آنچه قبلا انجام دادند به آنها رسيد، آنگاه نزد تو مي آيند و قسم به خدا ميخورند که ما جز نيکوکاري و هماهنگي منظوري نداشتيم.(62) آنها کساني هستند که خداوند از دل آنها خبر دارد. پس از آنها روي گردان و موعظه شان کن و به آنها سخناني دلنشين رسا بگو }(63) **و هيچ رسولي را نفرستاديم مگر اينکه به اذن خدا اطاعت شود و اگر آنها وقتيکه به خويش ظلم کردند بسوي تو بيايند، و از خداوند آمرزش بخواهند، و رسول هم برايشان آمرزش بخواهد، حتما خداوند را توبه پذير مهربان خواهند يافت (64)** {نه! به پروردگارت قسم که آنها ايمان نمي آورند مگر اينکه تو را درباره آنچه بينشان بوجود آمده است داور کنند، آنگاه در خودهاشان در آنچه که قضاوت کرده اي ناراحتيي نيابند و بخوبي تسليم باشند.(65) و اگر بر آنها مقرر ميکرديم که خود را بکشيد يا از شهرتان بيرون رويد، مگر عده کمي، بقيه قبول نميکردند. و اگر آنچه را که به ان موعظه ميشدند انجام ميدادند برايشان بهتر و استوارتر بود.(66) و در آنصورت از نزد خويش به آنها پاداشي عظيم ميداديم.(67) و به راه راست هدايتشان ميکرديم }(68) **و کسي که خدا و رسول را اطاعت کند با آنهائي خواهد بود که خداوند نعمتشان داده،از پيامبران و راستگويان و شهداء و صالحان، و آنها چه همراهان خوبي هستند(69)** {اين فضلي است از جانب خدا، و خداوند به دانائي بسنده است }(70)

**اي مسلمانان آمادگيتان را حفظ كنيد ، سپس دسته دسته يا دستجمعي** (بسويجهاد) **حرکت کنيد (71) و از شما کساني هستند که کندي مي کنند ، و اگر به شما مصيبتي رسيد ميگويند خداوند بمن لطف کرد که با آنها شهيد نشدم (72) و اگر فضلي از جانب خداوند به شما رسيد** {گوئي که اصلا دوستيي بين او و شما نبوده}  **ميگويد کاش با آنها بودم و جايزه بزرگي ميبردم (73) پس آنانکه زندگي دنيا را به آخرت ميفروشند بايد در راه خدا بجنگند ، و کسي که در راه خدا بجنگد و کشته شود يا پيروزشود بزودي پاداشي عظيم به اوميدهيم (74) و چه تان است که در راه خدا و مردان و زنان و بچگاني که ضعيف نگهداشته شده اند نمي جنگيد؟ که ميگويند پروردگارا ما را از اين شهري که اهلش ظالمند خارج کن ، و از جانب خويش برايمان سرپرستي قرار داده ، و از جانب خويش برايمان ياوري بگمار (75) آنانکه ايمان آورده اند در راه خدا ميجنگند و آنانکه کفر ورزيدند در راه طاغوت مي جنگند . پس با دوستان شيطان بجنگيد که حيله شيطان ضعيف است (76) آيا كساني را نديدي که به آنان گفته شده بود دست** (از شمشير) **بکشيد و نماز بپاداريد و زکات دهيد اما هنگاميکه جنگ مقرر شد ناگهان عده اي از آنان چنان شده اند که از آن** (دشمن) **ها هم مانند خدا بلکه هم شديدتر ميترسند ، و ميگويند پروردگارا چرا جنگ بر ما مقرر کردي ، کاش تا سرآمدي نزديک به تاخير مي انداختي . بگو برخورداري دنيا کم است و آخرت براي اهل تقوا بهتر است ، و حتي به اندازه بسيار ناچيزي هم ظلم نخواهند شد (77)** {هر جا که باشيد مرگ شما را مي ربايد ، حتي اگر در برج هائي محکم باشيد ، و هنگاميکه به شما چيز خوبي برسد ميگويند اين از جانب خدا بوده ، و اگر چيز بدي برسد ميگويند اين از جانب تو بوده . بگو همه اش از جانب خدا بوده. اين ها چه شان است که به اين زودي ها سخني را نمي فهمند؟ (78) هر چيز خوبي که به تو برسد از جانب خداست ، و هر چيز بدي که به تو برسد از خودت است ، و تو را براي مردم رسول فرستاديم و خداوند هم بعنوان گواه كافي است (79) کسي که رسول را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده ، و ما تو را نگهبان آنها قرار نداديم}(80) **و اظهار اطاعت مي کنند اما همينکه از نزد تو بيرون ميروند بطور پنهاني چيزي مغاير قول تو ميگويند ، و البته خداوند آنچه را که پنهاني ميگويند مي نويسد . پس ، از آنان روي بگردان و بر خدا توکل کن و خداوند بعنوان وکيل کافي است (81) آيا در قرآن تدبر نمي کنند در حاليکه اگر از جانب غير خدا بود اختلاف زيادي در آن مي يافتند؟(82) و هنگامي که موردي از امنيت يا نگراني برايشان پيش آيد آنرا منتشر مي کنند و اگر آن را به رسول و يا کارگزارانِ از بين خودشان منتقل ميکردند آنان که ميتوانند استنباط کنند ، آن را ميفهميدند . و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود جز عده کمي از شما شيطان را پيروي ميکرديد (83) پس در راه خدا بجنگ ، واين تکليف جز بر خودت نيست ، و مسلمانان را نيز** (بر آن) **تشويق کن . چه بسا که خداوند نيروي کافران را از شما باز دارد و خداوند از لحاظ نيرو و عذاب قوي تر است (84)**

**کسي که شفاعت نيکوئي کند نصيبي از آن دارد ، و کسي که ميانجيگري بدي کند سهمي از آن را خواهد داشت ، و خداوند بر هر چيزي به وقتش** (به حسابش) **ميرسد (85) و هنگامي که به شما کلمه خوشايندي ميگويند شما بهترش را يا لااقل مانند آن را بگوئيد ، که خداوند حسابرس هر چيزي است (86) خداوند که خدائي جز او نيست شما را حتما در روز قيامت که شکي در آن نيست جمع خواهد کرد ، و چه کسي از خداوند راستگوتر است؟ (87)**

**چه تان شده که درباره منافقان دو دسته شده ايد در حاليکه خداوند بسبب آنچه که انجام داده اند سرنگونشان کرده؟ آيا ميخواهيد کسي را که خدا گمراه کرده هدايتش کنيد، در حاليکه کسي را که خدا گمراه کرده باشد هرگز براي او راهي نخواهي يافت (88) دوست دارند کاش شما هم کافر شويد همانطور که آنها هستند تا مساوي گرديد. پس، از آنها دوستاني برمگيريد تا اينکه در راه خدا مهاجرت کنند. پس اگر پشت کردند هر جا که پيداشان کرديد بگيريدشان و بکشيدشان و از آنها دوست و ياوري برمگيريد (89)** {مگر اينکه به قومي که بين شما و آنها پيماني هست وصل شوند، يا اگر دلتنگ هستند و نميخواهند نه با شما و نه با قوم خويش بجنگند و ضمنا نميخواهند بسويتان بيايند (پيگيري نكنيد)، درحاليکه اگر خدا ميخواست و آنها را مسلط ميکرد حتما با شما مي جنگيدند. اگر از شما کناره گرفتند و با شما نجنگيدند و (دست) صلح بسوي شما افکندند (البته در اين حالت) خداوند برايتان عليه آنها راهي قرار نداده است}(90) **بزودي عده اي ديگر را مي يابيد که هم ميخواهند خيال شما را راحت کنند و هم خيال قوم خودشان را. هر دفعه که بسوي فتنه اي رانده شوند در آن مي افتند، پس اگر اينها از شما کناره گيري نکردند و (دست) صلح بسوي شما نيفکندند و دست از شما باز نداشتند هر جا که يافتيدشان بگيريدشان و بکشيدشان و آنها کساني هستند که ما براي شما عليه آنها دليلي آشکار قرار داديم (91)**

**و هيچ مسلماني را نميرسد که مسلمان ديگري را بکشد مگر اينکه بر اثر خطا باشد ، و کسي که مسلماني را از روي خطا بکشد بايد بنده اي آزاد کند و ديه اي به خانواده او تسليم نمايد ، مگر اينکه آنها تصدق کنند و اگر** (مقتول) **از قومي بود که دشمن شما بودند ولي خودش مسلمان بود ، بايد بنده اي** (که آزاد ميکنيد) **مسلمان باشد ، و اگر** (مقتول) **از قومي بود که طرف پيمان شما هستند ، ديه اي که به خانواده اش تسليم شود و آزاد کردن بنده اي مسلمان** (بر عهده تان است) **و کسي که نمي يابد دو ماه پي در پي روزه بگيرد که** (سبب) **بازگشت** (نظر لطف از جانب) **خداست و خداوند داناي حکيم است (92) و کسي که مسلماني را عمدا بکشد سزايش جهنم است که در آن جاودان خواهد بود و غضب خداوند و لعنتش بر او واقع خواهد شد و برايش عذابي عظيم آماده کرده است (93) اي مسلمانان ! وقتي که در زمين** (به مسافرت) **راه مي سپاريد بررسي کنيد ، و به کسي که** (دست) **صلح بسوي شما دراز كرد نگوئيد تو مومن نيستي ، که بهره ناچيز زندگي دنيا را جستجو کنيد و غنيمت هاي بسيار نزد خداوند است . خودتان هم قبلا همانطور بوديد و خداوند بر شما منت گذاشت . پس بررسي کنيد که خداوند به آنچه مي کنيد بيناست (94)**

**مسلمانان بر جاي نشسته اي که ضرري نمي کنند، و مجاهداني که در راه خدا با مال و جان خويش جهاد مي کنند، مساوي نيستند. خداوند مجاهدان با مال و جان را نسبت به نشستگان به درجه اي برتري داده است، و گر چه به هر دو وعده نيکو ميدهد، اما مجاهدان را بر نشستگان به پاداشي عظيم برتري داده است (95)**  {درجاتي از جانب خويش و آمرزشي و رحمتي. و خداوند آمرزگار مهربان است }(96) **از كساني که ملائکه آنها را ظالم برخويش مي يابند و جانشان را ميگيرند مي پرسند در چه کاري بوديد؟ ميگويند در آن سرزمين مستضعف بوديم. ميگويند آيا زمين خدا وسيع نبود که در آن مهاجرت کنيد؟ و جايگاه آنها جهنم است و چه سرانجام بديست (97)**  {مگر مردان و زنان و بچه هائي که (واقعا) مستضعف باشند که نتوانند حيله اي بينديشند و راهي بيابند.(98) در مورد آنها چه بسا که خداوند ببخشدشان و خداوند آمرزگار بخشنده است }(99)  **و کسي که در راه خدا مهاجرت کند در زمين پناه ها و گشايش هاي زيادي خواهد يافت، و کسي که از خانه اش براي مهاجرت بسوي (دين) خدا و رسولش خارج شود سپس مرگ اورا در ربايد، پاداشش برعهده خداست و خداوند آمرزگار مهربان است (100)**

**و هنگامي که به سفر ميرويد اشکالي ندارد که از نمازتان کوتاه کنيد ، در صورتيكه ميترسيد که کافران شما را به فتنه بياندازند زيرا که کافران دشمن آشکار شما هستند (101) و هنگامي که تو در ميان آنها هستي و براي آنها نماز بر پا داشته اي بايد عده اي از آنها با تو برخيزند و اسلحه هايشان را برگيرند و هنگام سجده در پشت سرت باشند و طائفه ديگري که نماز نخوانده اند بيايند و با تو نماز بگزارند و بايد** (وسائل) **احتياط خويش و اسلحه شان را برگيرند . کافران دوست دارند شما از سلاح و اموالتان غافل شويد و آنها يکباره بر شما بتازند . و اشکالي ندارد اگر از باران آزاري به شما ميرسد يا مريض باشيد سلاح هايتان را بگذاريد** (اما در هر حالوسائل) **احتياط خويش را برگيريد که خداوند براي کافران عذابي خوار کننده آماده نموده است (102) و هنگاميكه نماز را تمام کرديد خداوند را در حال ايستاده و نشسته و بر پهلوهايتان ياد کنيد ، و هنگامي که اطمينان پيدا کرديد نماز بپاداريد زيرا که نماز براي مومنان در اوقات معين مقرر شده است (103)**

**در جستجوي آن قوم** (دشمن) **سست نشويد ، زيرا اگر شما به رنج مي افتيد آنها نيز به رنج مي افتند ، همانطور که شما به رنج مي افتيد ، و شما از جانب خدا اميدي داريد که آنها ندارند ، و خداوند داناي حکيم است (104) ما آن کتاب را به حق بر تو نازل کرديم تا بين مردم بوسيله آنچه که خداوند به تو نشان داده حکم کني ، لذا در مورد خائنان طرفداري مکن (105) و از خدا آمرزش بخواه زيرا که او آمرزگار مهربان است (106) و از آنان که به خودهاشان خيانت مي کنند دفاع مکن که خداوند خيانتکار گناهکار را دوست نميدارد (107)** (همانهائي که) **از مردم پنهان مي کنند ولي از خدا پنهان نمي کنند در حاليکه او با آنهاست . همان موقعي که آن قولي را که نمي پسندد شبانه** (برنامه ريزي) **مي کنند و خداوند به آنچه مي کنند احاطه دارد (108) شما که از آنها در زندگي اين دنيا دفاع ميکنيد ، چه کسي از آنها درروز قيامت دفاع خواهد کرد يا چه کسي حامي آنها خواهد بود؟ (109)**

**کسي که عمل بد کند يا به خويش ظلم کند آنگاه از خداوند آمرزش بخواهد خدا را آمرزشگر مهربان خواهد يافت (110) و کسي که گناهي کند جز اين نيست که به ضرر خويش کرده و خداوند داناي حکيم است (111) و کسي که خطائي يا گناهي کسب کند آنگاه آنرا به شخص ديگري نسبت دهدالبته بهتاني و گناهي آشکار برخودحمل کرده است (112)**

**و اگر فضل خدا و رحمتش بر تو نبود طائفه اي از آنها همتشان را بر اين قرار ميدادند که گمراهت کنند ، و جز خود هاشان را گمراه نمي کنند و ضرري به تو نميزنند ، و خداوند آن کتاب و حکمت را بر تو نازل کرده و چيزي به تو آموخته که نميدانستي ، و فضل خدا بر تو بسيار بزرگ است (113)**

**در بسياري از رازگوئي هاي آنها خيري نيست ، مگر کسي که توصيه اي به صدقه اي يا کار نيکي يا اصلاحي بين مردم كند ، و اگر کسي اين کارها را به جستجوي رضايت خداوند انجام دهد بزودي پاداشي عظيم به او خواهيم داد (114) و کسي که پس از روشن شدن هدايت برايش باز هم رسول را اذيت کند و راهي غير از راه مسلمانان در پيش بگيرد ، چيزي را که به سرپرستي گرفته سرپرستش قرار ميدهيم و به جهنم مي اندازيمش و چه سرانجام بديست (115)**

**خداوند شرک را نمي آمرزد ولي غير از آن را براي کسي که خواهد مي آمرزد و کسي که به خداوند شرک ورزد البته به گمراهيي بسيار دور افتاده است (116) جز اين نيست که غير از او را (به دعا) نمي خوانند مگر مادگاني را، و غير از او جز شيطان سرکشي را نمي­خوانند (117)**  {که خداوند لعنتش کرده و او گفته که از بندگانت نصيبي معين برخواهم گرفت.(118) و حتما گمراهشان خواهم کرد، و به آرزو خواهمشان افکند، و فرمانشان خواهم داد که گوش چارپايان را بشکافند، و اينكه آفرينش خدا را دگرگون كنند، و کسي که شيطان را بجاي خدا دوست و سرپرست خويش بگيرد البته زيان آشکاري نموده است.(119) وعده شان ميدهد، و به آرزو مي افکندشان، وشيطان وعده اي جز فريب نميدهد.(120) جايگاهشان جهنم است و از آن گريزگاهي نمي يابند }(121) **و کساني که ايمان آورده و عمل شايسته كنند بزودي آنها را داخل بهشتهائي مينمائيم که در کف آنها نهرها جاريست که براي هميشه در آن جاودان خواهند بود. وعده حقي است از جانب خدا وچه کسي از خداوند راستگوتر است؟ (122)**

**نه به خواسته شماست و نه به خواسته اهل کتاب. هر کس که کار زشتي کند سزايش را مي بيند وکسي غير از او دوست و سرپرست و ياريگر نخواهيد يافت (123)**  {و هر کس که از کارهاي شايسته انجام دهد چه زن باشد و چه مرد و مومن هم باشد داخل بهشت خواهد شد و باندازه کمي هم مورد ظلم واقع نخواهد شد.(124) و دين چه کسي بهتر است از دين کسي که خود را تسليم خدا کند و نيکوکار هم باشد و از دين معتدل ابراهيم پيروي کند؟ و خداوند ابراهيم را دوست خويش گرفته بود} (125) **و آنچه در آسمانها و زمين است مال خداست و خداوند به همه چيز احاطه دارد (126)**

**درباره زنان از تو ميپرسند ، بگو خداوند درباره آنها فتوايتان ميدهد ، و در آنچه که در آن کتاب بر شما تلاوت ميشود درباره دختران يتيمي که مقرري** (ارث) **آنها را نمي پردازيد و ميل ازدواج با آنان را داريد ، و نيز درباره بچه هاي مستضعف ، و درباره يتيمان ، اين است که در مورد آنان به عدالت رفتار کنيد و هر کار خيري که کنيد خداوند به آن داناست (127) و اگر زني درباره شوهرش نگران بي توجهي و رويگرداندن بود اشکالي ندارد که بين خودشان سازشي کنند و سازش بهتر است ، و البته بخل در روان اشخاص تحريک ميشود ، و اگر نيکوکاري کنيد و تقوا در پيش گيريد خداوند البته به آنچه ميکنيد آگاه است (128) و هرگز نميتوانيد بين زنان عدالت کنيد ولو اينکه براين امر بسيار مايل باشيد . پس ، تمام تمايلتان را به يکطرف ندهيد و** (آن يکي را) **مانند آويزان نگذاريد ، واگر اصلاح کنيد و تقوا درپيش گيريد خداوند هم آمرزگار مهربان است (129) و اگر جدا شوند خداوند از وسع خويش هر يک را بي نياز خواهد کرد و خداوند وسعت بخش حکيم است (130)**

**و آنچه در آسمانها و زمين است مال خداست و قبل از شما به اهل کتاب و** (اکنوننيز) **به شما توصيه مي کنيم که تقوا پيشه کنيد و اگر کفر ورزيد آنچه در آسمانها و زمين است مال خداست و خداوند بي نياز ستوده است (131) و آنچه در آسمانها و زمين است مال خداست و خداوند براي كارسازي شما کافيست (132) اگر بخواهد ، اي مردم ، شما را ميبرد و ديگراني را ميآورد و خداوند بر اين امر تواناست (133) هر کس که بهره دنيا بخواهد،** (بداند) **نزد خدا ، هم بهره دنيا هست و هم آخرت و خداوند شنواي بيناست (134)**

**اي مسلمانان ! براي عدالت بسيار قيام کنيد ، و براي خداوند به گواهي** (دادن) **اقدام کنيد ، ولو اينکه** (ظاهرا) **به ضرر شما يا والدين و نزديکان تان باشد .** (زيرا) **اگر بي نياز يا فقير باشند خداوند به آنها سزاوار تر است ، و از خواسته دل پيروي نکنيد که** (بهيکطرف) **متمايل شويد ، و اگر منحرف شويد يا اصلا روبرگردانيد ، خداوند به آنچه ميکنيد آگاه است (135)**

**اي مسلمانان ! به خدا و رسولش و آن کتابي که بر رسولش نازل کرد و آن کتابهايي که قبلا نازل کرد ايمان بياوريد ، و کسي که به خداوند و ملائکه اش و کتابهايش و پيامبرانش و روز آخرت کفر ورزد ، البته به گمراهي بسيار دوري افتاده است (136) کساني که ايمان آوردند و سپس کافر شدند و آنگاه ايمان آوردند و باز هم کافر شدند و سپس بيشتر کافر شدند خداوند اينطور نيست که بيامرزدشان و اينطور نيست که به راهي هدايتشان کند (137) منافقان را به عذابي دردناک مژده شان ده (138) همانها که کافران را بجاي مومنان دوست گرفتند. آيا نزد آنها عزت ميجويند؟ در حاليکه تمام عزت ها نزد خداوند است؟(139) و البته در آن کتاب بر شما چنين نازل شده که وقتي شنيديد به آيات خدا کافر ميشوند و مسخره اش مي کنند با آنها ننشينيد تا اينکه وارد يک گفتگوي ديگر شوند زيرا که در آنصورت شما هم مانند آنها خواهيد بود. البته خداوند همگي منافقان و کافران را در جهنم جمع خواهد کرد (140) همانهائي که شما را زير نظر دارند ، اگر از جانب خدا پيروزيي نصيب شما شد ميگويند آيا با شما نبوديم؟ و اگر کافران نصيبي بردند** (به کافران) **ميگويند آيا شما را عليه آنها هدايت و شما را از آنها دور نميکرديم . و البته خداوند روز قيامت بين شما حکم خواهد کرد و خداوند هرگز براي کافران عليه مومنان راهي قرار نداده است (141) منافقان با خداوند نيرنگ مي کنند در حاليکه همو نيرنگ کننده آنهاست ، و هنگاميکه براي نماز بپا مي خيزند با کسالت بپا مي خيزند ، ريا مي کنند ، و خدا را جز کمي ياد نمي کنند (142) سرگردانند . نه بسوي اينها هستند و نه بسوي اينها . و هر کس را که خداوند گمراهش کند هرگز براي او راهي نخواهي يافت (143) اي مسلمانان ! کافران را بجاي مومنان دوست و سرپرست خويش مگيريد . آيا ميخواهيد براي خداوند عليه خويش دليلي آشکار قرار دهيد؟(144) البته منافقان در پائين ترين پله جهنم قرار ميگيرند و هرگز ياوري برايشان نخواهي يافت (145) مگر آنهائي که توبه کنند ، و** (خطاهاي سابق خويش را) **اصلاح کنند ، و به خداوند تکيه کنند ، و دين خويش را براي خداوند خالص کنند ، که در آنصورت با مومنان هستند و خداوند نيز بزودي به مومنان پاداشي عظيم خواهد داد (146) اگر ايمان آوريد و شکر بگزاريد چرا خداوند عذابتان كند؟ و خداوند شاکري داناست (147)**

**خداوند سخن بد را که به صداي بلند باشد دوست ندارد مگر اينکه** (گوينده اش) **مورد ظلم** (قرار گرفته) **باشد و خداوند شنواي داناست (148) اگر خيري را آشکار کنيد يا مخفيانه انجامش دهيد يا از بديي عفو کنيد خداوند نيز بسيار بخشنده تواناست(149)**

**کساني که به خدا و رسولانش کافر ميشوند و ميخواهند بين خدا و رسولانش جدائي بياندازند و ميگويند به بعضي** (از آيات) **ايمان داريم و به بعضي ديگر کافريم و ميخواهند بين آن دو** (دسته آيات) **راهي برگزينند (150) آنها حقا کافرند و براي کافران عذابي خوار کننده آماده کرده ايم (151) و کساني که به خدا و رسولانش ايمان آورده و بين آنها جدائي نمي اندازند بزودي پاداشهايشان را ميدهيم و خداوند آمرزگار مهربان است (152)**

**اهل کتاب از تو ميخواهند بر آنها کتابي از آسمان نازل کني . و البته از موسي بزرگتر از اين را خواستند و گفتند خداوند را به آشکاري بما نشان ده ، و بسبب ظلمشان صاعقه آنها را بگرفت ، و سپس پس از آنکه آن دلايل روشن بسويشان آمده بود آن گوساله را** (به پرستش) **برگرفتند ، و ما آن را عفو کرديم و به موسي دليل آشکاري داديم (153) و طور را برفرازشان بلند کرديم** (تا) **به پيمانشان** (وفادار بمانند) ، **و به آنها گفتيم از آن درب بحال سجده وارد شويد ، و گفتيم در روز شنبه تعدي مکنيد و از آنها پيماني سخت بگرفتيم (154) پس به سبب نقض پيمانشان ، و کفرشان به آيات خدا ، و قتل ناحق پيامبرانشان ، و گفتارشان که دلهاي ما در پوشش است ،** (نه فقط اينها) **بلکه خداوند بسبب کفرشان بر دلهاشان مُهر زد ، و بهمين خاطر جز عده کمي از آنها ايمان نمي آورند (155) و** (نيز) **بسبب کفرشان و گفتارشان در مورد مريم که بهتاني بزرگ بود (156)** و (همچنین) **قولشان که ما مسيح عيسي پسر مريم رسول خدا را کشتيم ، و البته نه کشتندش و نه دارش زدند وليکن بر آنان مشتبه شد ، و کساني که در آن اختلاف کردند در شکي از آن هستند و علمي به آن ندارند مگر اينکه گمان را پيروي مي کنند ، و بطور حتم او را نکشته اند (157) بلکه خداوند او را بسوي خويش بالا برد و خداوند عزيز حکيم است (158) و هيچ اهل کتابي نيست مگر اينکه حتما قبل از مرگش به او ايمان خواهد آورد و او روز قيامت عليه آنها گواهي خواهد داد (159) و بسبب ظلمي که يهوديان کردند چيز هاي خوشايندي که حلالشان بود بر آنها حرام کرديم ، و نيز بخاطر آنهمه که از راه خدا جلوگيري مي کردند (160) و نيز بخاطر رباخواري شان در حاليکه از آن نهي شده بودند ، و بخاطر خوردن اموال مردم به باطل ، و براي کافرانِ آنها عذابي دردناک تهيه نموديم (161) ليکن فرو روندگان در علم از ميان آنها ، و مومنان آنها ، به آنچه برتو نازل شده ، و نيز به آنچه که قبل از تو نازل شده ، ايمان مي آورند.** (آنها) **بپادارنده نماز و دهنده زکات و ايمان آورنده به خدا و روز آخرت** (هستند) **و بزودي پاداش عظيمي به آنها خواهيم داد (162)**

**البته ما بسويت وحي کرديم ، همانطور که بسوي نوح و پيامبران پس از او وحي کرديم ، و بسوي ابراهيم و اسمعيل و اسحق و يعقوب و اسباط و عيسي و ايوب و يونس و هارون و سيلمان وحي کرديم ، و به داود هم زبوري داديم (163) و رسولاني که قبلا برايت گفتيم و رسولاني که قصه شان را نگفتيم و خداوند با موسي بطور خاصي سخن گفت (164) رسولاني که مژده دهنده و هشدار دهنده بودند تا اينکه پس از آنها مبادا براي مردم عليه خدا دليلي باشد و خداوند پيروزمند فرزانه است (165) ليکن خداوند در مورد آنچه بسوي تو نازل کرده گواهي ميدهد که آنرا به علمش نازل کرده و ملائکه نيز شهادت ميدهند و خداوند براي شهادت دادن کافيست (166) کساني که کافر شدند و از راه خدا بازداشتند البته به گمراهي بسيار دوري دچار شدند (167) آنانکه کافر شدند و ظلم کردند اينطور نيست که خداوند بيامرزدشان ، و اينطور نيست که آنها را به راهي هدايت کند (168) مگر راه جهنم که در آن براي هميشه جاودان خواهند بود و اين براي خدا آسان است (169)**

**اي مردم ! پيامبر از جانب پروردگارتان به حق بسويتان آمده ، پس اگر ايمان آوريد برايتان بهتر است ، و اگر کفر ورزيد آنچه در آسمانها و زمين است مال خداست و خداوند داناي حکيم است (170) اي اهل کتاب در دينتان غلو نکنيد و درباره خداوند جز به حق مگوئيد جز اين نيست که عيسي پسر مريم رسول خدا بود و کلمه اي که آنرا بسوي مريم القا کرد و روحي از او بود . پس به خدا و رسولانش ايمان بياوريد و نگوئيد** (خدا) **سه تاست و بس کنيد که برايتان بهتر است . جز اين نيست که خدا يکي است . منزه است که برايش فرزندي باشد . آنچه در آسمانها و زمين است مال اوست و خداوند براي نظارت کافي است (171) خود مسيح هرگز سرپيچي نمي کند که بنده اي براي خدا باشد و ملائکه مقرب نيز همچنين ، و هر کس که از بندگي او سرپيچي کند و بزرگي طلبد البته بزودي همگي آنها را نزد خويش جمع خواهد کرد (172) اما در مورد مومنان صاحب اعمال شايسته ، پاداش هايشان را بطور کامل ميدهد واز فضل خويش نيز برآن مي افزايد ، و اما در مورد گردنكشان و مستکبران ، آنها را به عذابي دردناک معذبشان ميکند و هيچ دوست و سرپرستي جز خداوند نخواهند داشت (173) اي مردم دليلي از جانب پروردگار بسويتان آمده و بسويتان نوري آشکار نازل نموده ايم (174) پس آنانکه به خداوند ايمان آورده و به او تکيه کرده اند آنها را در رحمتي از جانب خويش و فضلي داخل خواهد کرد و به جاده مستقيمي بسوي خويش هدايتشان خواهد نمود (175)**

**از تو فتوا ميخواهند . بگو خداوند درباره کلاله فتوا ميدهد: اگر مردي بميرد و فرزندي نداشته باشد ، و خواهري داشته باشد نصف** (مال) **بجا مانده مال اوست . و او نيز از آن** (خواهر) **ارث ميبرد اگر فرزندي نمي داشت و اگر آن** (خواهر) **ها دو تا باشند دو سوم** (مال) **بجا مانده مال آنهاست و اگر چند برادر و خواهر باشند نصيب هر مردي مانند دو زن است . خداوند برايتان بيان مي کند ، مبادا گمراه شويد ، و خداوند به همه چيز داناست (176)**

**سوره نور**

|  |
| --- |
| **درس: تاکيد بر عفت جنسي و مقررات مرتبط با تحکيم بنيان خانوادگي.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**سوره اي فرستاديم و** (مقررات آن را) **واجب نموديم و در آن آياتي روشن کننده فرستاديم شايد پند گيريد (1) هر يک از مرد و زن زناکار را صد شلاق بزنيد و در دين خدا نسبت به آنان رافت نشان ندهيد ، اگر به خدا و روز آخرت ايمان داريد ، و بايد عده اي از مسلمانان شاهد مجازاتشان باشند (2) مرد زناکار جز با زن زناکار يا مشرک ازدواج نکند و زن زناکار نيز جز با مرد زناکار و يا مشرک ازدواج ننمايد و آنها بر مسلمانان حرامند (3) و کساني که به زنان شوهردار نسبت زنا ميدهند و سپس چهار شاهد** (بر صحت ادعاي خويش) **نمي آورند هشتاد ضربه شلاقشان بزنيد و ديگر هرگز از آنها گواهيي قبول نکنيد و آنها گناهکارند (4) مگر کساني که پس از آن توبه کنند و** (رفتار خويش را) **اصلاح کنند که خداوند آمرزشگر مهربان است (5) وکساني که به زنان خويش نسبت زنا ميدهند و شاهدي جز خويشتن ندارند شهادت دادن آنها** (به اين صورت است که) **هر کدامشان چهار بار خدا را شاهد بگيرد که از راستگويان است (6) و** (بار) **پنجم اينکه لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگويان باشد (7) و مجازات را از آن زن دور ميکند** (در صورتيکه) **چهار بار خدا را شاهد بگيرد که او** (شوهرش) **از دروغگويان است (8) و** (بار) **پنجم اينکه غضب خدا بر او باد اگر او از راستگويان باشد (9) و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود** (از این رفتارهای نا صحیح تان چه ها که بر سرتان نمی آمد) **و اينکه خداوند بسيار توبه پذير فرزانه است** (چقدر زیاد به نفع تان شده است) **(10)**

**البته آنهائي که آن دروغ را در آوردند جمعي از شما بودند . آنرا براي خويش شري مپنداريد ، بلکه برايتان خير است . هر کدامشان از آن گناه** (قسمتي را) **کسب کرده ، و کسي که در ميان آنها سرپرستي و بزرگي داشته عذابي عظيم خواهد داشت (11) چرا وقتيکه آنرا شنيديد مردان و زنان مومن راجع به خويش گمان خير نبردند و نگفتند اين دروغي آشکار است؟ (12) چرا آنها راجع به آن چهار شاهد نياوردند؟ وقتيکه شاهد نياوردند نزد خداوند دروغگو ميباشند (13) و اگر فضل خدا و رحمت او در دنيا و آخرت بر شما نبود حتما درباره آنچه در آن افتاديد عذابي عظيم به شما ميرسيد (14) همان وقت كه آنرا با زبانهايتان فرا ميگرفتيد و با دهانهايتان چيزي را که راجع به آن علم نداشتيد ميگفتيد ، و آنرا آسان مي پنداشتيد ، در حاليکه نزد خداوند مهم بود ، (15) و چرا وقتيکه آنرا شنيديد نگفتيد ما را نميرسد که راجع به آن سخن بگوئيم؟** (و نگفتید) **خدايا منزّهي ، اين بهتاني بزرگ است (16) خداوند نصيحتتان ميکند که مبادا هرگز به مانند آن** (گناه) **باز گرديد اگر مومن ميباشيد (17) و خداوند آيات را برايتان بيان مي کند و خداوند داناي حکيم است (18)**{البته کساني که دوست دارند کارهاي زشت در بين مسلمانان شايع شود در دنيا و آخرت عذابي دردناک خواهند داشت، و خدا ميداند و شما نميدانيد (19) و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود و اينکه خداوند دلسوز مهربان است (چه ميکرديد)}(20)  **اي مسلمانان از گامهاي شيطان پيروي مکنيد و کسي که گامهاي شيطان را پيروي کند** (بداند که) **او به کارهاي زشت و ناپسند فرمان ميدهد ، و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود هرگز هيچيک از شما پاک نمي ماند وليکن خداوند است که هر کس را بخواهد پاک ميکند و خداوند شنواي داناست (21)** {و نبايد صاحبان رفاه و زيادت از بين شما خودداري کنند از اينکه (از مال خويش) به نزديکان و بيچارگان و مهاجران راه خدا بدهند ، و بايد عفو کنند و چشم بپوشند ، آيا دوست نداريد که خداوند ببخشدتان؟ و خداوند آمرزگار مهربان است}(22)  **البته کساني که به زنان شوهردارِ مومنِ غافل تهمت زنا ميزنند در دنيا و آخرت از رحمت خدا دورند و عذابي عظيم خواهند داشت (23) روزي که زبانهايشان و دستها و پاهايشان در مورد اعمالشان عليه آنها شهادت خواهند داد (24) در آن روز خداوند جزاي راستين آنها را بطور کامل خواهد داد و خواهند دانست که خداوند خودش حق آشکار است (25) زنان پليد براي مردان پليد و مردان پليد براي زنان پليد ، و زنان پسنديده براي مردان پسنديده و مردان پسنديده براي زنان پسنديده باشند . آنها از آنچه ميگويند بدورند و آمرزشي و روزيي نيکو خواهند داشت (26)**

**اي مسلمانان ! به خانه هائي غير از خانه هاي خودتان داخل نشويد مگر اينکه با آنها آشنائي بهم بزنيد و بر اهلش سلام کنيد . اين براي شما بهتر است . باشد كه پند گيريد (27) و اگر کسي را در آن نيافتيد داخلش نشويد مگر اينکه به شما اجازه دهند و اگر گفتند برگرديد ، برگرديد که براي شما پاکيزه تر است و خداوند به آنچه ميکنيد داناست (28) برايتان گناهي نيست که داخل خانه هاي غير مسکون که چيزي در آن داريد بشويد و خداوند آنچه را که آشکار و پنهان مي­کنيد ميداند (29)**

**به مردان مومن بگو** (قسمتي) **از نگاه هاي خويش را فرو پوشند و اندام جنسي خويش حفظ کنند . اين برايشان پاکتر است ، که خداوند به آنچه مي کنند آگاه است (30) و به زنان مومن بگو** (قسمتي) **از نگاه هاي خويش را فروپوشند و دامن خويش حفظ کنند و زينت خويش غير از آنچه ظاهر است آشكار نكنند ، و بايد روپوش هاي خود را بر گريبان هايشان بياندازند . و زينت خويش را آشکار نکنند مگر براي شوهرانشان ، يا پدرانشان ، يا پدران شوهرانشان ، يا پسرانشان ، يا پسران شوهرانشان ، يا برادرانشان ، يا پسران برادرانشان ، يا پسران خواهرانشان ، يا زنهايشان ، يا بردگانشان ، يا مردان تابعي که خواسته اي نسبت به زنان ندارند ، يا اطفالي که متوجه عورت هاي زنان نيستند ، و نيز نبايد پاهايشان را بکوبند كه قسمتي از زينت هاي آنها شناخته شود ، و همگي بسوي خدا توبه کنيد اي مومنان شايد رستگارشويد (31) و عزب هاتان و غلامان و کنيزان شايسته تان را به ازدواج در آوريد . اگر فقير باشند خداوند از فضل خويش بي نيازشان ميکند . و خداوند وسعت دهنده داناست (32) و آنهائي که ازدواجي نمي يابند بايد عفاف پيشه کنند تا اينکه خداوند از فضل خويش بي نيازشان کند . و کساني از بندگان شما که ميخواهند بتدريج خود را باز خريد کنند در صورتيکه خيري در آنان يافتيد قبول کنيد و از مال خدا که به شما داده به آنها بدهيد . و اگر کنيزان شما خواستار پاکدامني بودند آنها را به بدکاري وادار نکنيد تا چيزي از ظاهر زندگي دنيا بدست آوريد و کسي که آنها را مجبور کند خداوند پس از مجبور شدنشان آمرزنده مهربان است (33) و البته آيات روشنگري بسويتان نازل کرديم که مَثَلی از پيشينيانتان كه در گذشتند نيز هست ، و همچنين موعظه اي براي تقوا پيشگان است (34)**

**خداوند نور آسمانها و زمين است .** {مثال نورش مانند چراغداني است که در آن چراغيست . آن چراغ در شيشه ايست ، و شيشه گوئي که ستاره اي درخشان است كه از درختي پر برکت روغن دار که نه شرقي و نه غربيست ميسوزد. نزديک است روغنش روشن شود گر چه آتشي به آن نرسيده باشد. نوري فراز نوري است} **خداوند هر کس را که خواهد به نور خويش هدايت ميکند و براي مردم مثل ها ميزند و خداوند به همه چيز داناست (35) در خانه هائي که خداوند اجازه داده که بر پا شده و نام او ياد شود براي او در آنها صبحها و شبها تسبيح ميكنند (36)** {كساني که تجارتي و خريد و فروشي آنها را از ياد خدا و برپائي نماز و دادن زکات غافل نمي کند ، و از روزي که دلها و چشم ها در آن ميچرخند مي ترسند (37) تا خداوند پاداش کاري را که ميکردند به بهتر از آن به آنها بدهد ، و از فضل خويش نيز به آن بيفزايد ، و خداوند هر که را خواهد بدون حساب روزي ميدهد}(38)  **و آنانکه کافرند اعمالشان مانند سرابي است در بياباني که تشنه آنرا آب مي پندارد ، و وقتي به آن ميرسد چيزي نمي يابد ، و خداوند را نزد آن** (اعمال خويش) **مي يابد که حسابش را به تمامي ميدهد و خداوند تند حساب است (39) يا چون تاريکي هائي در دريائي عميق که موجي آنرا مي پوشاند که بالاي آن نيز موج ديگري است و روي آن ابري است . تاريکي هائي که پشت بر پشت يكديگرند . اگر دستش را در آورد ممکن است از شدت تاريکي آنرا نبيند . و کسي که خداوند برايش نوري قرار نداده ، نوري ندارد (40)**

**آيا نمي بيني که هر که در آسمانها و زمين است ، و نيز پرندگان بال گشاده ، او را تسبيح مي کنند؟ همگي نماز و تسبيح خويش را ميدانند . و خداوند به آنچه مي کنند داناست (41) و فرمانروائي آسمانها و زمين از آن خداست و بازگشت بسوي اوست (42) آيا نمي بيني خداوند ابرها را ايجاد کرده و سپس بين آنها پيوستگي برقرار ميکند سپس آنها را فشرده کرده و آنگاه مي بيني که باران از بين آنها بيرون مي آيد؟ و از آسمان از کوههائي** (از ابر) **تگرگ نازل مي کند و به هر کس که خواهد ميزند و از هر کس خواهد باز مي دارد ، آنطور که نزديک است برقش چشم ها را ببرد (43) خداوند شب و روز را ميگرداند ، که در اين براي صاحبان بصيرت عبرتي است (44) و خداوند است که همه جنبندگان را از آبي آفريده . برخي از آنها بر شكم مي خزند ، و برخي از آنهاست که بردو پا راه ميروند و برخي از آنها بر چهارپا راه ميروند . خداوند هر چه بخواهد مي آفريند که خداوند به هر چيزي تواناست (45) البته آياتي بيان کننده فرستاده ايم و خداوند هر که را خواهد بسوي صراطي مستقيم هدايت مي کند (46)**

**و ميگويند به خدا و رسول ايمان آورده ايم و اطاعت داريم ، آنگاه عده اي از آنها روي ميگردانند و مومن نيستند (47) و هنگاميکه بسوي خدا و رسولش دعوت ميشوند كه پيامبر بين آنها حکم کند عده اي از آنها روي ميگردانند (48) و اگر** (در نتیجهء حکم) **حق با آنها باشد اعتراف کنان بسوي او مي آيند (49) آيا در قلوبشان مرضي هست يا شک دارند يا ميترسند خدا و رسولش به آنها ظلم کنند؟ بلکه آنها خودشان ظالمند (50) جز اين نيست قول مومنان كه وقتي بسوي خدا و رسولش دعوت ميشوند که بين آنها حکم کند ، ميگويند شنيديم و اطاعت مي کنيم و آنها همان رستگارانند (51) و کسي که خدا و رسولش را اطاعت کند و از خدا بيم داشته باشد و از او پروا کند كاميار است (52) و سخت ترين قسم هاي خويش را ياد مي کنند که اگر به آنان امر کني حتما** (براي جهاد) **خارج ميشوند. بگو قسم نخوريد . اطاعت شناخته ميشود . خداوند به آنچه ميکنيد آگاه است (53) بگو خدا و رسول را اطاعت کنيد ، و اگر پشت کرديد ، آنچه که بر او واجب شده بر عهده اوست و آنچه بر شما واجب شده بر عهده شماست ، و اگر اطاعتش کرديد هدايت خواهيد شد ، و بر عهده رسول جز رساندن آشکار نيست (54) خداوند به کساني از شما که ايمان آورده و اعمال شايسته انجام داده اند وعده داده است که آنها را حتما در زمين جايگزين خواهد کرد ، همچنانکه پيشينيان آنها راجايگزين کرده ، و دينشان را که برايشان پسنديده مستقر خواهد كرد ، و پس از خوفشان امنيت را جايگزين خواهد نمود ، که مرا بپرستند و چيزي را با من شريک نگيرند ، و کسي که پس از آن کفر ورزد از فاسقان است (55) و نماز بپا داريد و زکات دهيد و رسول را اطاعت کنيد شايد رحمت شويد (56) و مپندار کافران در روي زمين** (خداوند را) **عاجز مي کنند . بلکه جايگاهشان آتش است و چه سرانجام بدي است (57)**

**اي مسلمانان ! بردگان شما و کساني که هنوز به بلوغ جنسي نرسيده اند بايد سه بار از شما اجازه بگيرند . قبل از نماز صبح ، و وقتي که لباستان را در ظهرها کم مي کنيد ، و پس از نماز عشاء . سه باري که زمان کم لباسي شماست . پس از آن نه بر شما و نه بر آنها گناهي نيست که دور و بر شما بچرخند . خداوند آيات را چنين برايتان بيان مي کند و خداوند داناي فرزانه است (58) و هنگامي که بچه ها به بلوغ جنسي رسيدند بايد اجازه بگيرند ، مانند کساني که قبلا اجازه ميگرفتند . خداوند آياتش را چنين برايتان بيان مي کند و خداوند داناي فرزانه است (59) و زنان باز نشسته اي که اميد ازدواجي ندارند اشکالي ندارد که جامه خويش را بگذارند ، در صورتيکه با زينت هايشان خود آرائي نکنند . و اگر خودداري کنند برايشان بهتر است . و خداوند شنواي داناست (60) اشکالي ندارد که کوران و لنگ ها و مريض ها و خودهاتان از خانه هاي خويش بخوريد ، يا خانه هاي پدرانتان يا خانه هاي مادرانتان ، يا خانه هاي برادرانتان يا خانه هاي خواهرانتان ، يا خانه هاي عموهايتان ، يا خانه هاي عمه هايتان ، يا خانه هاي دائي هايتان ، يا خانه هاي خاله هايتان ، يا** (جائي) **که کليدهايش را داريد ، يا** (خانه) **دوستتان . اشکالي ندارد که دستجمعي بخوريد يا جداگانه . و هنگامي که به خانه هائي در مي آئيد بر خودهاتان سلامي کنيد که تحيتي پسنديده از جانب خداوند است که پر برکت و خوشایند است . خداوند آيات را چنين برايتان بيان مي کند شايد به عقل در يابيد (61)**

**جز اين نيست که مومن کسي است که ايمان به خدا و رسول دارد و وقتي كه در يک کار دستجمعي با اوست بدون اجازه نميرود . کساني که از تو اجازه ميخواهند کساني هستند که به خدا و رسولش ايمان دارند ، پس اگر براي بعضي کارهايشان از تو اجازه خواستند به هر کس از آنها که خواستي اجازه بده ، و از خدا براي او آمرزش بخواه ، که خداوند آمرزگار مهربان است (62) پيامبر را در بين خويش آنطور كه همديگر را صدا ميزنيد خطاب نكنيد . البته خداوند کساني از شما را که پنهاني در ميروند مي شناسد . پس بايد کساني که با امرش مخالفت مي کنند بترسند که مبادا فتنه اي يا عذابي دردناک به آنان برسد (63) بدانيد: آنچه در آسمانها و زمين است مال خداست . ميداند شما در چه موقعيتي هستيد ، و روزي که بسوي او برميگردند خبر اعمالشان را به آنان ميدهد و خداوند به هر چيزي داناست (64)**

**سوره طلاق**

|  |
| --- |
| **درس: تقوا را رعايت کنيد و در خصوص طلاق خيلي رعايت کنيد.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**اي پيامبر ! هنگامي که زنان را طلاق ميدهيد آنها را تا سر آمد عّده شان طلاق دهيد وحساب عده را نگهداريد و از خداوند که پروردگارتان است پروا کنيد . آنها را از خانه هايشان بيرون نکنيد و خودشان هم خارج نشوند مگر اينکه كار زشت آشکاري مرتکب شوند . و اينها حدود خداست ، و کسي که از حدود خدا تجاوز کند بر خويش ظلم کرده . نمي داني شايد خداوند بعد از آن امري پديد آورد (1) پس هنگامي که به سر رسيد خويش رسيدند ، يا آنها را به نيکي نگهداريد ، يا به نيکي از انان جدا شويد ، و دو نفر از عادل هاي خودتان را به شهادت بگيريد و شهادت را هم براي خدا برپا داريد . اينها نکاتي است که اشخاصي که به خدا و آخرت ايمان دارند از ان پند ميگيرند و هر کس که تقوا پيشه کند خداوند برايش راه نجاتي قرار ميدهد (2) و از جائي که فکرش را هم نمي کند روزيش ميدهد ، و هر کس که به خدا توکل کند او را بس است . البته خداوند كار خود را به سرانجام ميرساند . البته خداوند براي هر چيزي اندازه اي قرار داده است (3) آن زنانتان که يائسه شده باشند در صورتيکه شکي داشته باشيد ، يا آنهائي که حيض نديده اند ، عدّه آنها سه ماه است . و عدّه زنان حامله تا وضع حمل است . و هر کس که تقوا پيشه کند خداوند از فرمان خويش براي او آسانيي قرار ميدهد (4) اين فرمان خداست که بسويتان نازل کرده ، و کسي که تقوا پيشه کند خداوند زشتي هايش را مي پوشاند و پاداشش را بزرگ ميفرمايد (5) آنان را در همان مساکني که بر حسب توانائي خود داريد سکونت دهيد ، و از جهت اينکه آنها را در تنگنا قرار دهيد به آنان ضرر نرسانيد ، و اگر حامله هستند خرجشان را بدهيد تا بزايند و اگر براي شما شير دادند مزدشان را بدهيد ، و بين خودتان به خوبي مشورت کنيد ، و اگر** (در توافق) **سخت گيري کرديد يکنفر ديگر شيرش دهد (6) توانگر بايد متناسب با توانائي خويش خرج كند ، و تنگدست بايد از آنچه خدا به او داده هزينه کند ، خداوند به هيچکس جز مطابق با قدرتي که به او داده تکليفي نمي کند . خداوند بزودی بعد از سختي آسانیي قرار ميدهد (7)**

**و چه بسيار شهرهائي بودند که مردمش از فرمان پروردگارشان و فرستادگانش سرپيچيدند ، و آنها را به حسابي شديد و عذابي نا شناخته بگرفتيم (8) آنگاه نتيجه بدِ کارشان را چشيدند و عاقبت امر آنها نيز خسارت بود (9) خداوند براي آنان** (در آخرت) **عذابي شديد تهيه ديده . پس اي خردمندانِ مومن تقوا پيشه کنيد كه خداوند بسوي شما پندي نازل کرده است (10) رسولي که آيات روشن کننده خدا را برشما ميخواند تا کساني را که ايمان آورده و اعمال صالح انجام ميدهند از تاريکيها خارج کرده بسوي نور ببرد . کسي که به خدا ايمان بياورد و عمل شايسته کند خداوند او را داخل باغ هائي مي کند که در کف آنها نهرها جاري است که هميشه در آنها جاودان خواهند بود ، و البته خداوند روزي او را نيکو نموده است (11)**

**خداوندي که هفت آسمان ، و از زمين نيز مانند آنها را ، آفريد . فرمان او پيوسته در بين آنها نازل ميشود ، تا بدانيد که خدا بر هر چيزي تواناست ، واينکه علم خدا به همه چيز احاطه دارد (12)**

**سوره حج**

|  |
| --- |
| **درس: اي مسلمانان! به تکاليف عبادي که از سوي خدايتان مقرر شده و لو اينکه سخت به نظر آيد رو کنيد، و راه خود را کاملاً از کافران جدا نمائيد.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**اي مردم از پروردگارتان پروا کنيد ، که لرزاندن قيامت چيز بسيار بزرگي است (1) روزي که آنرا ببينند شيردهندگان شيرخواران خويش را از ياد مي برند و حامله ها مي زايند و مردم را مي بيني که مَستند در حاليکه مست نيستند وليکن عذاب خداوند شديد است (2)**

**و از مردم کساني هستند که بدون اينکه علمي داشته باشند درباره خداوند مجادله مي کنند و هر شيطان شروري را پيروي مي نمايند (3) چنين مقرر شد که هر کس او را به دوستي و سرپرستي گرفت گمراهش کند و بسوي عذاب سوزاننده هدايتش ميكند (4)**

**اي مردم ! اگر درباره برانگيختگي** (روز قيامت) **شکي داريد** (توجه کنيد که) **ما شما را از خاکي ، و سپس از نطفه اي ، و سپس از علقه اي ، و سپس از مضغه اي ، شکل گرفته يا نگرفته ، آفريديم ، تا برايتان بيان کنيم . و در رحم ها آنچه بخواهيم تا سرآمدي معين ميگذاريم ، سپس شما را بصورت طفلي بيرون مي آوريم تا به نيروي خويش برسيد و از شما کساني هستند که ميميرند و کساني هم هستند که به فرتوتي ميرسند تا پس از اينکه به علم رسيده بودند به حالتي درآيند که علمي به چيزي نداشته باشند ، و زمين را مي بيني که افسرده است و تا آب بر آن فرو فرستيم فورا به جنبش در مي آيد و باد مي كند و هر گونه گياه شادابي ميروياند (5) اين بخاطر آن است که خداوند حق است و هموست که مرده را زنده مي کند و اينکه بر همه چيز تواناست (6) و اينکه روز قيامت خواهد آمد ، و اينکه خداوند كساني را که در قبرها هستند برخواهد انگيخت (7)**

**و از مردم کساني هستند که درباره خداوند بدون اينکه علمي يا هدايتي و يا کتاب نورافشاني داشته باشند جدل مي کنند (8)** (از روي تكبر) **پهلوي خويش را ميگردانند** (تا مردم را) **از راه خدا گمراه کنند . آنها در دنيا خواري خواهند داشت و روز قيامت به آنها عذاب آتش خواهيم چشاند (9)** [ خطاب میشود ] **اين بخاطر آن چيزهائي است که از پيش فرستادي و خداوند نسبت به بندگان خويش ظالم نيست (10) و از مردم کساني هستند که خداوند را بر طریق انحراف عبادت مي کنند ، اگر خيري به آنان برسد دلگرم ميشوند و اگر بلائي به آنها برسد روي خويش برميگردانند . آنها زيانکار دنيا و آخرتند که همان زيانکاري آشکار است (11) چيزي را بجز خداوند ميخوانند که نه سودي و نه ضرري برايشان دارد و گمراهي دور همين است (12) چيزي را ميخوانند که ضررش از نفعش نزديک تر است . چه يار و چه همدم بديست ! (13) خداوند کساني را که ايمان آورده و کارهاي شايسته کرده اند داخل بهشت هائي ميکند که نهرها در کف آن جاريست . خداوند هر چه بخواهد مي کند (14)**

**کسي که گمان ميکرد خداوند هرگز در دنيا و آخرت به او کمک نخواهد کرد ، سببي به آسمان بکشد ، آنگاه** (نظر خود را از چيز هاي ديگر) **قطع کند ، آنگاه** (از آن بالا) **ببيند آيا نيرنگش چيزي را که مايه خشم اوست** (از جمله الطاف الهي نسبت به پيامبر) **ازبين ميبرد؟ (15) و آنرا چنين نازل کرديم که آياتي با دلايل روشن است ، وچنين است كه خداوند هر کس را بخواهد هدايت مي کند (16) خداوند در روز قيامت بين مسلمانان و يهوديان و ستاره پرستان و مسيحيان و زرتشتيان و مشرکان حکم مي کند . خداوند بر هر چيزي گواه است (17) آيا نمي بيني که آنچه در آسمانها و زمين است ، و آفتاب و ماه و ستارگان ، و کوه ها و درختان ، و جنبندگان ، و بسياري از مردم ، و نيز بسياري از کساني که عذاب بر آنها فرود آمد ، براي خداوند سجده مي کنند؟ و کسي را که خداوند بخواهد خوار کند کسي نميتواند گرامي بدارد . خداوند هرچه بخواهد مي کند (18)**

**اينها دو گروهند که درباره پروردگارشان مجادله مي کنند و کافران پيراهني از آتش برايشان اختصاص يافته و از بالاي سرشان چركابه جوشان بر آنها ريخته ميشود (19) که پوست و آنچه را که در شکمها ست مي گدازد (20) و گرزهائي از آتش خواهند داشت (21) هر وقت که به علت فشار ناراحتي بخواهند از آن خارج شوند ، به آن برگردانده ميشوند** (و به آنان گفته ميشود) **عذاب آتش را بچشيد (22) خداوند مومنانِ داراي عمل صالح را داخل بهشت هائي مي کند که از کف آنها نهرها جاريست . دستبند هائي از طلا و مرواريد به دست مي کنند و لباسشان در آنجا حرير است (23) و به گفتار نيکو و راه پسنديده هدايت ميشوند (24) البته به کافرانی که** (مردم را) **از راه خدا و مسجد الحرام كه آنرا براي بومي و غير بومي يكسان قرار داديم ، باز مي دارند ، و نيز کسي را که در آن انحراف و ظلم بخواهد از عذابي دردناک مي چشانيم (25)**

**و هنگامي را ياد كن که ابراهيم را در محل آن خانه جاي داديم ،** (و گفتيم) **چيزي را شريکم مکن ، و خانه ام را براي طواف کنان و نمازگزاران و رکوع و سجده کنان پاکيزه دار (26) و در ميان مردم اعلام حج کن که بسويت بيايند . چه پياده ، و چه بر مرکب هاي لاغري که از هر دره عميقي آمده باشند (27) تا به منافع خويش برسند ، و نام خداوند را در روزهاي معيني بر چارپايان زبان بسته اي كه روزيشان كرده ايم ببرند** (و قرباني كنند) .(که) **از آن بخوريد و به تنگدست فقير نيز بخورانيد (28) آنگاه بايد چرکها را دور کرده ، و نذرهايشان را ادا ، و بر اين خانه کهن طواف کنند (29) چنين است . و هر کس که حرمت هاي خداوند را بزرگ دارد ، براي او نزد پروردگارش بهتر است . و چارپايان براي شما حلال شد ، غير از آن چيزهائي که بر شما خوانده ميشود . پس ، از پليدي ناشي از بت ها و نيز از گفتار نابجا دوري کنيد (30) براي خداوند معتدل و نامشرک باشيد ، و هرکس که شرک ورزد مانند آن است که از آسمان سقوط کرده و پرندگان او را ربوده باشند ، يا اينکه باد او را به مکاني دور بيفکند (31) چنين است . و هر کس که شعائر خداوند را بزرگ دارد نشانه تقواي دلهاست (32) برايتان تا سر آمدي معين در آن منافعي است ، آنگاه پايان آن** (مراسم) **، بسوي آن خانه کهن است (33) و براي هر امتي روشي قرار داديم تا نام خدا را بر آنچه از چارپايان روزيشان كرده ايم ياد کنند . و خدايتان يکي است ، پس تسليم او شويد و فروتنان را مژده ده (34) همانها که وقتي خداوند ياد ميشود دلهاشان ميلرزد و بر آنچه به آنان ميرسد صبر مي کنند و نماز بپا ميدارند و از آنچه روزيشان کرده ايم انفاق مي کنند (35) و** (قرباني) **شتران تنومند را برايتان از شعائر خداوند قرار داديم که در آن براي شما خير است ، پس نام خدا را بر آنها هنگام ايستادنشان ببريد . و وقتيکه پهلويشان به زمين آمد ، از آنها بخوريد و به فقير وسائل بخورانيد . بدينگونه آنها را رام شما کرديم شايد شکرگزار باشيد. (36) هرگز گوشت و خون آنها به خداوند نميرسد وليکن تقواي شما به او ميرسد . چنين برايتان رامشان کرديم تا خداوند را براي هدايتي که برايتان پيش آورد به بزرگي ياد کنيد و نيکوکاران را مژده ده (37)**

**خداوند از مومنان دفاع ميکند . خداوند هيچ خيانتکار ناسپاسي را دوست نميدارد (38) به آنانکه مورد جنگ قرار گرفتند اجازه داده شد** (بجنگند) **چونکه مورد ظلم قرار گرفتند و البته خداوند به ياري آنها تواناست (39) همانهائي که از شهرهايشان به ناحق اخراج شدند ، و اگر اينطور نبود که خداوند بعضي از مردم را بدست بعضي ديگر دفع ميکند حتما صومعه ها و کليساها و کنشت ها و مساجدي که در آن نام خدا بسيار ياد ميشود منهدم ميشد ، و خداوند کساني را که ياريش کنند ياري ميکند ،كه خداوند قوي و پيروزمند است (40) همانهائي که وقتي در زمين توانمندي داديم نماز بپا ميدارند و زکوة ميدهند و امربمعروف و نهي از منکر ميکنند و عاقبتِ همه کارها بسوي خداست (41)**

**و اگر تکذيب مي کنند** (چيز تازه اي نيست) **و قبل از آنها قوم نوح و عاد و ثمود نيز تکذيب کردند (42) و همچنين قوم ابراهيم و قوم لوط (43) و اهل مدين** (نيز) **و موسي نيز تکذيب شد و به کافران مهلت دادم آنگاه بگرفتمشان و تعرضم چگونه بود؟ (44) و چه بسا شهرهائي که هلاکشان کرديم كه ظالم بودند و عليرغم بناهاي بر پا ايستاده ، چاه هاي بلااستفاده و قصرهاي محکم خالي** (بر جاي گذاشتند) **(45) آيا در زمين نگشته اند تا دلهائي داشته باشند که با آن بينديشند يا گوشهائي که با آن بشنوند؟ و البته چشمها کور نيست وليکن قلبهائي که در سينه هاست کور است (46) و از تو آن عذاب را به عجله ميخواهند ، در حاليکه خداوند وعده اش را خلاف نمي کند ، و البته يک روز نزد پروردگارت مانند هزار سال از آن سالهائي است که مي شماريد (47) و چه بسا شهرهائي که مهلتشان دادم با آن كه ظالم بودند ، آنگاه بگرفتمشان ، و بازگشت بسوي من است (48) بگو اي مردم جز اين نيست که من براي شما هشدار دهنده اي آشکارم (49) و آنانکه ايمان آورده و عمل شايسته نموده اند آمرزشي و روزيي گرامي خواهند داشت (50) و آنانکه در آياتمان ميکوشند که ما را** (به خيال خود) **عاجز کنند اهل جهنمند (51)**

**و قبل از تو هيچ رسولي و هيچ پيامبري را نفرستاديم مگر اينکه وقتي آرزوئي ميکرد شيطان (چيزي) در آرزوي او مي انداخت، و خداوند آنچه را که شيطان القاء ميکرد از بين ميبرد، آنگاه آياتش را محکم ميکرد، وخداوند داناي حکيم است (52)**  {تا آنچه را که شيطان القاء کرده براي کساني که در دلشان مرضي هست و نيز براي سنگدلان فتنه اي قرار دهد و البته ظالمان در گمراهيي دور ميباشند.(53) و کساني که به آنان علم داده شده بدانند که آن حق و از جانب پرودگارتوست. و به آن ايمان آورند و قلوبشان براي آن نرم شود و البته خداوند هدايت کننده مومنان بسوي راهي راست است.(54) و کافران هميشه درباره آن در شک خواهند بود تا اينکه قيامت يا عذاب روزي بي حاصل بر آنان در آيد.(55) فرمانروائي در آن روز از آن خداوند است که ميان آنها حکم ميکند. آنگاه كساني که ايمان آورده و کارهاي شايسته کردند در بهشتهائي پر نعمت خواهند بود.(56) و كساني که کفر ورزيده و آياتمان را تکذيب نمودند عذابي خوار كننده خواهند داشت }(57)

**و كساني كه در راه خدا مهاجرت کرده و کشته شدند يا مردند البته خداوند به آنها روزيي نيکو خواهد داد و خداوند بهترين روزي دهنده است (58) تا آنها را داخل جايگاهي کند که به آن راضي باشند و خداوند داناي فرزانه است (59) چنين است . و اگر کسي به اندازه آنچه آزار ديده پيگيري کند ، سپس به او تعدي شود ، خداوند ياريش خواهد کرد که خداوند بخشنده آمرزگار است (60) اين به آن سبب است که خداوند شب را در روز و روز را در شب فرو ميبرد و شنواي بيناست (61) اين بدان علت است که خداوند حق است و آنچه غير از او مي خوانند باطل است و او والا مرتبه بزرگ است (62) آيا نمي بيني از آسمان آبي ميفرستد و زمين سرسبز مي شود؟ خداوند نازك بين آگاه است (63)**

**آنچه در آسمانها و زمين است از آن اوست و همو بي نياز ستوده است (64) آيا نمي بيني خداوند آنچه را در زمين است برايتان رام كرد و نيز کشتي که در دريا به امر او راه مي رود؟ و مانع ميشود آسمان ، مگر به اجازه اش ، بر زمين بيفتد؟ البته خداوند نسبت به مردم دلسوز مهربان است (65) وهموست که شما را زنده کرد سپس شما را می ميراند و سپس زنده تان مي کند . انسان البته ناسپاس است (66) براي هر مردمي راه و روشي قرار داديم که مطابق آن عمل مي كنند پس نبايد در آن امر با تو جدال کنند و تو مردم را بسوي پروردگارت دعوت کن زيرا که بر هدايتي مستقيم هستي (67)**

**و اگر با تو جدال کردند بگو خدا به اعمال شما داناتر است (68) خداوند در روز قيامت بين شما درباره چيزهائي که در آنها اختلاف داريد حکم مي کند (69) آيا نمي داني که خداوند آنچه را در آسمان و زمين است مي داند؟ البته آن در کتابي هست . البته اين براي خدا آسان است (70) و بجز خداوند چيزي را عبادت مي کنند که دليلي برايشان نفرستاده و علمي هم راجع به آن ندارند و ظالمان ياوري نخواهند داشت (71) و هنگامي که آيات روشنگر ما بر آنها خوانده مي شود در چهره هاي کافران ناخوشايندي مي بيني، نزديك است به کساني که آياتمان را بر آنها مي خوانند دست** (تعدي) **بگشايند . بگو آيا به بدتر از اين خبرتان بدهم؟ همان آتشي که خداوند وعده اش را به کافران داده و بازگشتگاه بدي است (72) اي مردم مثلي برايتان زده مي شود گوش فرا داريد . آنهائي را که بجز خداوند** (به دعا) **مي خوانيد يک مگس هم نمي آفرينند ولو اينکه همه با هم در اين کار مجتمع شوند . و اگر هم مگس چيزي از آنها بربايد نمي توانند ازآن پس بگيرند . طالب و مطلوب هردوشان ضعيفند (73) قدر خداوند را آنطور که بايد نداشتند . خداوند البته قوي پيروزمند است (74)**

**خداوند از ميان ملائکه فرستادگاني انتخاب مي کند و از ميان مردم نيز همچنين . خداوند شنواي بيناست (75) آنچه را که در جلوي روي آنهاست و آنچه را که پشت سر شان است ميداند و همه امور بسوي او باز ميگردد (76) اي مسلمانان رکوع و سجده نموده و پروردگارتان را عبادت نمائيد و کار هاي خير انجام دهيد شايد رستگار شويد (77) و در** (راه) **خدا آنطور که حق آنست جهاد كنيد . همو شما را برگزيده و درباره دين هيچ دشواريي براي شما قرار نداده . دين پدرتان ابراهيم که همو شما را قبلا مسلم ناميده و در اين خصوص رسول بايد برشما گواه باشد و شما هم بايد بر مردم گواه باشيد . پس نماز بپاداريد و زکات دهيد و به خداوند بستگي محکم داشته باشيد که همو سرپرست شماست و چه سرپرست خوبي و چه ياور نيكوئي است (78)**

**سوره فتح**

|  |
| --- |
| **درس: توصيف و نکوهش کافران و ناهمراهان، و مژده پيروزي بزرگ.**  **درب: مژده به پيامبر راجع به پيروزي بزرگ آشکار.** |

**سم الله الرحمن الرحيم**

**البته تو را با پيروزيي نمايان پيروز کرديم (1) تا خداوند گناهان گذشته و آينده ات را بيامرزد و نعمتش را بر تو تمام نموده و به جاده اي مستقم هدايتت کند (2) و به ياريي که از آن بالاتر نباشد ياريت کند (3)**

**هموست که آرامش را در دلهاي مومنان فرستاد تا ايماني به ايمانشان بيفزايد ، و لشکرهاي آسمانها و زمين از آن خداست ، و خداوند داناي فرزانه است (4)**  {تا زنان و مردان مومن را به بهشتهاي جاودان داخل کند که نهرها از کف آنها جاريست و در آن جاودان خواهند بود، و زشتي هايشان را بزدايد و اين نزد خدا پيروزيي بزرگ است(5) و مردان و زنان مشرک ومنافق را که به خدا گمانهاي بد ميبرند عذاب کند، و چرخش بد (روزگار) بر خودشان باد، و بر آنها غضب روا دارد و لعنتشان کند، و برايشان جهنم و سرانجام بد مهيا نمايد} (6) **و لشکريان آسمانها و زمين از آن خداست و خداوند پيروزمند فرزانه است (7)**

**تو را گواه و مژده بخش و هشدار دهنده فرستاديم (8) تا به خدا و رسولش ايمان بياورند و ياريش کنند و احترامش نمايند و** (خدا را) **شبها و صبحگاهان به پاكي بستايند (9) جز اين نيست آنان که با تو بيعت ميکنند البته با خدا بيعت ميکنند . دست خدا بالاي دستها يشان است . پس هر کس که پيمان بشکند جز اين نيست که به ضرر خود شکسته ، و چه کسي نسبت به عهد خويش از خدا با وفاتر است كه به زودي اجري عظيم عطا خواهد نمود؟ (10)**

**بزودي تخلف کنندگاني از اعراب بتو خواهند گفت اموالمان و خانواده مان مشغولمان کرد ، پس برايمان استغفار کن . با زبانشان چيزي ميگويند که در دلشان نيست . بگو چه کسي از شما در برابر خداوند حمايت ميکند ،** {اگر براي شما ضرري يا نفعيخواسته باشد؟} **بلکه خداوند از آنچه مي کنيد آگاه است (11) بلکه گمان کرده ايد که پيامبر و مومنان هرگز بسوي خانواده هايشان بر نميگردند ، واين در دلتان جلوه داده شد ، و گمانهاي بد برديد ، واينک قومي سرافکنده هستيد (12) و کسي که به خدا و رسولش ايمان نياورده باشد ، البته براي کافران آتش سوزان آماده نموده ايم (13) و فرمانروائي آسمانها و زمين از آن خداست . هر كه را بخواهد مي بخشد و هر كه را بخواهد عذاب ميکند ، و خداوند بخشنده مهربان است (14) هنگاميکه بسوي غنيمت ها ميرويد که تصرف کنيد بزودي تخلف کنندگان خواهند گفت بگذاريد دنبالتان بيائيم . ميخواهند کلام خدا را عوض کنند . بگو هرگز همراهمان نخواهيد آمد . خداوند از قبل چنين گفته است . پس خواهند گفت بلکه بر ما حسد ميورزيد .** (نه) **بلکه آنها جز چيز کمي نمي فهمند (15) به تخلف کنندگان اعراب بگو بزودي دعوت مي شويد با قومي پر صلابت برخورد کنيد ، تا با آنان کارزار کنيد يا تسليم شوند . پس اگر اطاعت کنيد خداوند اجري نيکو به شما ميدهد و اگر پشت کنيد** {همچنانکه قبلا پشت کرديد} **شما را به عذابي دردناک معذب ميکند (16) نه بر نابينا گناهيست و نه بر لنگ و نه بر مريض** (که در جنگ شرکت نکنند) **و کسي که خدا و رسولش را اطاعت کند او را به بهشتهائي که در کف آن نهر ها جاريست داخل ميکند ، و کسي که** (در جنگ به دشمن) **پشت کند به عذابي دردناک عذابش مي کند (17)**

**البته خداوند از مومنيني که زير آن درخت با تو بيعت کردند راضي شده ، و دانست چه در دلشان ميگذرد و آرامش را بر آنها فرو فرستاد و پيروزيي نزديک عطايشان کرد (18) و غنيمت هاي زيادي که خواهند گرفت و خداوند پيروزمند فرزانه است (19) خداوند غنيمت هاي زيادي به شما وعده داد که بدست مي آوريد و اين يکي را برايتان جلو انداخت ، و دست مردم را از شما كوتاه كرد ، تا نشانه اي براي مومنان باشيد ، و شما را به جاده اي مستقيم هدايت کند (20) و چيز ديگري که قدرتش را نداشتيد و همو به آن احاطه دارد و خداوند بر هر چيزي تواناست (21) و اگر کافران با شما کارزار كرده بودند حتما به جنگ پشت ميكردند و آنگاه نه ياوري و نه دوستي مي يافتند (22)** **اين سنت خداست که قبلا هم جاري شد و تو در سنت خدا تغييري نخواهي يافت** **(23)** {و هموست که در دل مکه، پس از اينکه شما را پيروز كرد دست آنها را از شما و دست شما را از آنها كوتاه كرد. و خداوند به آنچه ميکنيد بيناست.(24) آنها همانها بودند که کفر ورزيده بودند و از ورودتان به مسجد الحرام جلوگيري نموده و مانع رسيدن قربانيهاي شما به قربانگاه شده بودند. و اگر نبود مردان و زنان مومني که آنها را نمي شناسيد، و ممکن بود زير دست و پاي شما بيفتند، و بدون اينکه بدانيد به آثار سوء آن گرفتار شويد، (خداوند اينگونه رفتار نمي کرد بلکه) اگر آنها از کفار جدا شده بودند، البته کافران را به عذابي دردناک عذاب مي کرد. و خداوند هر کس را بخواهد در رحمت خويش داخل خواهد نمود.}(25) **به ياد آر هنگامي را که کافران در دلشان حميت جاهليت قرار داده بودند و خداوند آرامش خويش را به رسولش و بر مومنان فرو ريخت ، و آنها را ملزم به کلمه تقوا کرد که نسبت به آن سزاوارتر هم بودند زيرا اهل آن بودند ، و خداوند به هر چيزي داناست (26)**

**البته خداوند خواب رسولش را راست درآورد که** {اگر خدا بخواهد} **با ايمني وارد مسجد الحرام خواهيد شد** {بدون اينکه ترسي داشته باشيد، سرتان را خواهيد تراشيد و موهايتان را کوتاهخواهيد كرد} **و چيزي ميداند که شما نميدانيد و قبل از آن پيروزيي نزديک قرار داد (27)** {هموست که رسولش را با هدايت و دين حق فرستاد تا آنرا بر همه اديان غالب کند و خداوند براي شاهد بودن کافيست} (28) **محمد رسول خداست. و آنانکه با او هستند بر كافران سخت گير و ميان خويش مهربانند. آنها را مي بيني که بسيار در رکوع و سجودند و فضل خدا و رضايتش را جستجو مي کنند.و علامتشان در صورتشان از اثر سجود نمايان است.** {اين وصف آنان است در تورات ودر انجيل که مانند زراعتي هستند که از شدت برکت جوانه هائي ميزنند و آن جوانه ها ضخيم ميشوند و مستقيم بر پاي خود مي ايستند بطوري که کشاورزان را به شگفت مي آورند} **تا خداوند کفار را بواسطه آنها به خشم آورد. خداوند از بين آنها به مومنان ودارندگان اعمال شايسته وعده مغفرت و پاداش عظيم داده است (29)**

**سوره ممتحنه**

|  |
| --- |
| **درس: اصول اعتقادي تان را مبناي درجه ارتباط خويش با ديگران قرار دهيد.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**اي مسلمانان! دشمنم و دشمنتان را دوست نگيريد** {که با حالت دوستانه ملاقاتشان کنيد، در حاليکه به آنچه از حق که بسويتان آمده کفر ميورزند، و رسول و شما را بعلت اينکه به خداوند پروردگارتان ايمان آورده ايد اخراج مي کنند } **اگر بخاطر من و کسب رضايتم براي جهاد (از وطن تان) خارج ميشويد نبايد پنهاني با آنان دوستي کنيد و من به آنچه پنهان ميداريد و آشکار مي کنيد داناترم و هر کدام از شما که اين کار را بکند بطور قطع از راه مستقيم منحرف شده است (1)** اگر بر شما دست يابند دشمنانتان خواهند بود و دست و زبان خويش را عليه شما به بدي باز خواهند کرد و دوست دارند کافر شويد (2) **روز قيامت اولاد و ارحام شما فايده اي برايتان نخواهند داشت . (در آن روز) بين شما فاصله مي افتد. و خداوند به اعمال شما بيناست.(3)**

**براي شما الگوي خوبي در ابراهيم و همراهان اوست هنگامي که به قوم خويش گفتند: مااز شما وآنچه که بجز خدا ميپرستيد بيزاريم. به شما کفر ميورزيم واز حالا تا قيامت ميان ماوشما دشمني و نفرت خواهد بود مگر اينکه به خداي واحد ايمان بياوريد. غيراز گفتار ابراهيم که به پدرش گفت: براي تو استغفار خواهم کرد و البته هيچ کار ديگري در مقابل خدا از من ساخته نيست. پروردگارا برتو توکل مي کنيم وبسوي تو باز ميگرديم و سرانجام بسوي توست (4)** {خدايا ما را آماج فتنه کافران قرار مده، و ببخشمان، زيرا که تو پيروزمند فرزانه اي }(5)  **البته براي آندسته از شما که اميد به خدا و آخرت دارند در آنان الگوي پسنديده ايست و هر کس هم که پشت کند، خداوند بي نياز پسنديده است (6)**

**چه بسا که خداوند** (بعدا) **بين** (شما و) **همانها که با آنان** (بخاطر خدا) **دشمني کرده ايد دوستي بر قرار کند. و خداوند تواناست ، و خداوند بخشنده مهربان است (7) در مورد آنانکه در امر دين با شما مبارزه نکردند و شما را از ديارتان اخراج نکردند ، خداوند نهي تان نمي کند که به آنان نيکي کنيد و درباره آنان رفتار عادلانه داشته باشيد . زيرا که خداوند عدالت پيشگان را دوست ميدارد (8) خداوند فقط شما را نهي مي کند که کساني را که در امر دين با شما مبارزه کردند و شما را از ديارتان بيرون کردند و يا در اين کار پشتيباني کردند ، دوست بداريد . و هر کس که دوستشان بدارد از ظالمان است (9)**

**اي مسلمانان ! هنگامي که زنان مسلمان مهاجر بسوي شما آمدند امتحانشان کنيد .** {البته خداوند به ايمان آنها داناتر است} **پس اگر آنها را مومنه يافتيد بسوي کفار برشان نگردانيد . نه اينها براي آنها حلالند ونه آنها براي اينها . وآنچه آنها خرجشان کرده اند بهشان بدهيد و گناهي ندارد پس از اينکه اجر و مهرشان را بدهيد با آنان ازدواج کنيد . وبه دامن زنان کافر چنگ نيندازيد . بايد آنچه را که خرج کرده ايد مطالبه کنيد و آنها هم بايد آنچه خرج کرده اند مطالبه کنند . اين حکم خداست که بين شما حکم مي کند . و خداوند داناي فرزانه است (10) و اگر از زنان شما بعضي ها بسوي کفار رفتند و شما موضوع را** (وخرج و هزينه اي راکه کرده ايد) **تعقيب نموديد ، پس به كساني هم که زنانشان** (ازپيش آنها) **رفته اند همانند آنچه را که خرج کرده اند بدهيد . واز خدائي که به او ايمان پيدا کرده ايد پروا کنيد (11) اي پيامبر! هنگامي که زنان مسلماني بسوي تو آمدند که با تو بيعت کنند که چيزي را با خدا وند شريک قرار ندهند ، و سرقت نکنند ، و زنا نکنند ، و اولادشان را نکشند ، و برآنچه بين دست وپايشان است به کسي بهتان نزنند ، و درباره هيچ کار پسنديده اي با تو مخالفت نکنند ، تو نيز بيعت آنان را بپذير و براي آنان از خداوند آمرزش بخواه زيرا که خداوند بخشنده مهربان است (12)**

**اي مسلمانان ! با قومي که خدا غضبشان کرده دوستي نکنيد . که آنها اميدي به آخرت ندارند همانطور که کفار از مردگان نا اميد ند (13)**

**سوره نصر**

|  |
| --- |
| **درس: مژده پيروزي و آموزش «اخلاق پس از پيروزي»** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**وقتي که ياري خدا با پيروزي بيايد ، (1) و ببيني که مردم گروه گروه داخل دين خدا شوند ، (2) پس** (به شکرانه آن) **پروردگارت را حمد و تسبيح گوي و استغفار کن که او بسيار توبه پذير است (3)**

**سوره توبه (برائت)**

|  |
| --- |
| **درس: با کفار ومنافقان به سختي مقابله کنيد و به انها سخت بگيريد، که پيروزي دنيوي و بهشت اخروي پاداشتان خواهد بود.** |

(اين) **اعلام بيزاريي از جانب خدا و رسولش بسوي آن کساني از مشرکان است که با آنها پيمان بسته بوديد (1) پس چهار ماه در زمين بگرديد و بدانيد که نميتوانيد خدا را عاجز کنيد و خداوند خوار کننده کافران است (2) و** (اين) **اعلامي از جانب خدا و رسولش به مردم در آن حج بزرگ است که خداوند و رسولش از مشرکان بيزارند . پس اگر توبه کرديد برايتان بهتر است و اگر پشت کنيد بدانيد که نميتوانيد خدا را به ستوه آوريد و کافران را به عذابي دردناک نويد ده (3) غير از مشرکاني که با شما پيمان دارند و چيزي از آن را نقض نکرده و بر ضد شما کسي را ياري نکرده اند . که در مورد آنها پيمانشان را تا مدتش تمام کنيد که خداوند با تقواها را دوست ميدارد (4) و هنگامي که ماه هاي حرام تمام شد هر جا که مشرکان را ديديد بکشيدشان و بگيريدشان و محاصره شان کنيد و براي آنها در هر کمينگاهي كمين كنيد . و اگر توبه کردند و نماز بپاداشتند و زکات دادند راهشان را باز کنيد که خداوند آمرزگار مهربان است (5) و اگر يکي از مشرکان از تو پناه خواست به او پناه ده تا کلام خدا را بشنود ، آنگاه او را به پناهگاهش برسان ، زيرا که آنها مردمي هستند که نميدانند (6) چگونه ممکن است مشرکان پيماني نزد خدا و رسولش داشته باشند؟ مگر در مورد آنها ئيكه نزد مسجدالحرام پيمان بستند . در مورد آنان تا آنجا که به پيمان وفادار ميمانند شما نيز وفادار بمانيد که خداوند تقوا داران را دوست دارد (7) چگونه است که اگر بر شما غالب شوند نه خويشاوندي را رعايت مي کنند و نه پيمان را . شما را با زبان راضي مي کنند و دلهاشان با آن مخالفت دارد و اکثرشان گناهکارند (8) آيات خدا را به بهائي اندک ميفروشند و از راه خدا باز ميدارند . چه کار بديست که مي کنند (9) درباره مومنان نه خويشاوندي را رعايت مي کنند و نه پيماني را وتجاوزکارند (10) اما اگر توبه کردند و نماز بپاداشتند و زکات دادند برادران ديني شما هستند ، و ما آيات را براي مردمي دانا تشريح مي کنيم (11) و اگر سوگندهايشان را پس از پيمانشان شکستند ، و در دين به شما طعنه زدند ، با بزرگان کافران بجنگيد که آنها اهل پايبندي به قسم ها نيستند شايد** (به اين روش) **دست بکشند (12) آيا با قومي که سوگندهايشان را شکستند و به اخراج پيامبر همت گماشتند نمي جنگيد؟ در حاليكه همانها بودند که شروع** (بهتعرض) **کردند؟ آيا از آنها ميترسيد ، خداوند به اينکه از او بترسيد سزاوارتر است اگر مومن ميباشيد (13) با آنان بجنگيد که خداوند به دست شما آنها را عذاب و خوارشان ميكند و شما را عليه آنها ياري ، و دلهاي مومنان را شفا ميدهد (14) و غيظ دلهاي آنها را ميبرد و خداوند بر هر که بخواهد بازگشت ميکند و خداوند داناي فرزانه است (15)**

**آيا پنداشته ايد خداوند بدون اينکه معلوم کند که کدامتان در راه خدا جهاد کرده و غير از خدا و رسولش و مومنان همرازي نگرفته اند ، رهايتان مي کند؟ و خداوند به آنچه مي کنيد آگاه است (16) مشرکان را نميرسد که مساجد خدا را در عين حالي که برخويش گواهي کفر ميدهند آباد کنند . اعمال آنها نابود و خودشان هم در جهنم جاودانند (17) جز اين نيست که مساجد خدا را کساني آباد مي کنند که به خدا و روز آخرت ايمان داشته و نماز بپادارند و زکات داده و جز از خدا نترسند و جاي اميدواريست که آنها از هدايت يافتگان باشند (18) آيا آب دادن به حاجيان و آبادسازي مسجدالحرام را مانند** (کار) **کسي قرار داده ايد که به خدا و آخرت ايمان داشته و در راه خدا جهاد کرده است؟ نزد خدا مساوي نيست و خداوند ظالمان را هدايت نميکند (19) کساني که ايمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جان جهاد نموده اند نزد خداوند بلندمرتبه تر بوده و همانها رستگارند (20) پروردگارشان به رحمت خويش ، و رضايتي ، و بهشتهائي که خواهند داشت ، و در آن مقيم خواهند بود ، مژده شان ميدهد (21) که در آن براي هميشه جاودانند ،که پاداشي بزرگ نزد خداوند است (22) اي مسلمانان ! پدرانتان و برادرانتان را در صورتي که کفر را به ايمان ترجيح دادند دوست نگيريد . و هر کس چنين کند از ظالمان است (23) بگو اگر پدرانتان و فرزندانتان ، و برادرانتان ، و همسرانتان ، و فاميلتان ، و اموالي که فراهم کرده ايد ، و تجارتي که از کسادي آن نگرانيد ، و خانه هائي که از آنها خشنوديد ، از خدا و رسولش و جهاد در راه او برايتان محبوب تر است ، پس منتظر باشيد تا خدا امر خويش را بياورد و خداوند نافرمانها راهدايت نميفرمايد (24) البته خداوند شما را در جاهاي زيادي ياري کرد ، و همچنين در روز** (جنگ) **حنين که خيلي از کثرت خويش خوشتان آمده بود ، اما فايده اي برايتان نکرده و زمين عليرغم گشاديش بر شما تنگ شد . آنگاه برگشته و پا به فرار گذاشتيد (25) آنگاه خداوند آرامشش را برپيامبرش و بر مومنان نازل کرد و نيروهائي فرستاد که شما نمي ديديد و کافران را عذاب کرد و سزاي کافران هم همين است (26) و خداوند پس از آن بر هر کس که بخواهد** (به لطف) **بازميگردد وخداوند آمرزگار مهربان است (27) اي مسلمانان ! جز اين نيست که مشرکان پليدند . پس ، از امسال به بعد نبايد به مسجدالحرام نزديک شوند ، و اگر از تنگدستي ميترسيد بزودي خداوند از فضل خويش اگر خواهد بي نيازتان مي کند که خداوند داناي حکيم است (28)**

**با آنانکه از اهل کتابند و به خدا و آخرت ايمان ندارند و آنچه را که خدا و رسولش حرام کرده حرام نميدانند و به دين حق نمي گروند بجنگيد تا اينكه با دست خويش جزيه دهند و سرافکنده باشند (29) و يهوديان ميگويند عزير پسر خداست و مسيحيان ميگويند مسيح پسر خداست . اين سخن آنهاست که به زبان خويش ميگويند . شبيه گفتار کافران قبل است . خدا بكشدشان چگونه** (از حق) **منحرف ميشوند (30)** (يهوديان) **روحانيان ،** (و مسيحيان) **رهبانان خويش و نيز عيسي پسر مريم را ، بجاي خداوند به پروردگاري برگرفتند در حاليکه جز اين مامور نبودند که خداي واحد را بپرستند که خدائي جز او نيست وازآنچه با او شريک ميگيرند منزه است (31) ميخواهند نور خدا را بادهانهايشان خاموش کنند و خداوند جز اين را نمي پذيرد که نورش را کامل کند ولو اينکه کافران نپسندند (32) هموست كه رسولش را با دين حق فرستاد که آنرا برهمه دين ها غالب گرداند ولو اينکه مشرکان نپسندند (33) اي مسلمانان ! بسياري از روحانيون** (يهودي) **و رهبانان** (مسيحي) **اموال مردم را به باطل ميخورند و از راه خدا باز ميدارند ، و کساني را که طلا و نقره جمع نموده و در راه خدا خرج نمي کنند به عذابي دردناک مژده شان ده (34) روزي که آنها را در آتش جهنم سرخ نموده و با آن پيشاني هايشان و پهلوهايشان و پشتهايشان را داغ بنهند که اين چيزيست که براي خود جمع کرده بوديد اكنون بچشيد آنچه را که انباشته بوديد (35)**

**تعداد ماه ها نزد خدا و در کتاب وي دوازده ماه است ،** (از همان) **روزي که آسمانها و زمين را آفريد ،که از آنها چهار تايش حرام است . اين دين استوار است . پس در آن به خويش ظلم مکنيد و همگيتان با مشرکان بجنگيد همانطور که همگيشان با شما مي جنگند و بدانيد که خداوند با تقوا پيشگان است (36) جز اين نيست که به تاخير انداختن** (حرمت ماه حرام) **زيادتي در کفر است که کافران به آن گمراه ميشوند که يک سال آن را حرام و يکسال حلالش ميدارند ، تا تعداد آنچه را که خداوند حرام کرده يکسان کنند . بدي اعمالشان برايشان زينت داده شده و خداوند کافران را هدايت نمي کند (37)**

**اي مسلمانان! چه تان شده که وقتي به شما گفته ميشود در راه خدا رهسپار شويد بسوي زمين سنگين شده ايد؟ آيا به زندگي دنيا در مقابل آخرت راضي شده ايد؟ در حاليکه برخورداري زندگي دنيا در قبال آخرت جز چيز کمي نيست (38)** {اگر رهسپار نشويد به عذابي دردناک عذابتان نموده و مردمي ديگر را جايگزين شما ميکند و ضرري به او نميزنيد و خداوند به هر چيز تواناست.(39) اگر ياريش نکنيد البته خداوند ياريش کرده، همان موقعي که کافران او را كه يكي از دو نفر بود بيرونش کردند. آن هنگام که در غار بودند، موقعي که او به همراهش ميگفت اندوهگين مباش که خدا با ماست. آنگاه خداوند آرامش خويش را براو نازل کرد و او را با لشگرياني که نمي ديدند ياري داد و کلمه کافران را فروتر و کلمه خويش را بالاتر قرار داد و خداوند عزيز حکيم است }(40) **چه سبکبار وچه گرانبار رهسپار شويد و با جان و مالهاتان در راه خدا جهاد کنيد. اين برايتان بهتر است اگر بدانيد (41)**

**اگر غنيمتي نزديک و سفري کوتاه باشد حتما پيرويت ميکردند وليکن آن راه بنظرشان دور و سخت مي آيد و بزودي به خدا سوگند ميخورند كه اگر استطاعت ميداشتيم حتما همراه شما خارج ميشديم . خود را هلاک مي کنند و خداوند ميداند دروغ ميگويند (42)** {خدا ببخشدت ! چرا اجازه شان دادي؟ پيش از اينکه راستگويان برايت مشخص شوند و دروغگويان را بشناسي؟ (43) آنهائي که به خدا و روز آخرت ايمان دارند از تو اجازه نميگيرند که با اموالشان و جانهايشان جهاد کنند و خداوند به حال تقوا داران داناست (44) فقط کساني که به خدا و روز آخرت ايمان ندارند از تو اجازه ميخواهند و دلشان شک دارد و در ترديد خويش سرگردانند (45) و اگر تصميم به خروج داشتند براي آن تهيه اي ميديدند وليکن خداوند برانگيختنشان را خوش نداشت و بازشان داشت و گفته شد با نشستگان بنشينيد (46) اگر با شما خارج هم ميشدند جز خرابي در کار شما نمي افزودند و در بين شما براي شرّ مي شتافتند و فتنه بوجود مي آوردند و در ميان شما براي آنها خبرچيني ميکردند و خداوند به حال ظالمان داناست (47) البته قبلا هم دنبال فتنه بودند و کارها را برتو وارونه کردند تا اينکه حق آمد و امر خدا غالب شد و آنها آن را دوست نداشتند }(48) **و از آنان کساني هستند که ميگويند اجازه ام ده و مرا به فتنه ميانداز ، بدانيد در فتنه افتاده اند و جهنم بر کافران احاطه دارد (49) اگر چيز خوبي به تو برسد ناراحت ميشوند واگر چيز بدي به تو برسد ميگويند ما** (صلاح) **کار خود را قبلا** (در نظر) **گرفته بوديم و با خوشحالي برميگردند (50) بگو چيزي بما نميرسد مگر آنچه خداوند برايمان مقرر کرده ، همو سرپرست ما است و مومنان بايد بر خدا توکل کنند (51) بگو آيا انتظار داريد جز يکي از دو چيز خوب بما برسد؟ و ما انتظار داريم که خداوند عذابي از جانب خويش ، يا بدست ما ، به شما برساند . پس شما منتظر باشيد و ما نيز منتظر ميمانيم (52) بگو انفاق کنيد ، چه با تمايل و چه با ناراحتي . خداوند هرگز از شما قبول نخواهد کرد زيرا که شما مردمي نافرمانيد (53) و چيزي مانع قبول انفاقشان نشد جز اينکه به خدا و رسولش کافرند و به نماز جز با کسالت نمي آيند و انفاق هم جز با کراهت نمي کنند (54) پس اموالشان و اولادشان ترا به شگفت نياندازد . جز اين نيست که خداوند ميخواهد در زندگي دنيا بوسيله آن عذابشان کند و جانشان برود و کافر باشند (55) و به خدا قسم ميخورند که از شما هستند ولي از شما نيستند و مردمي پراکنده اند (56) اگر پناهگاهي يا غارهائي يا گريزگاهي مي يافتند حتما با شتاب بسوي آن مي شتافتند (57) و از آنها کساني هستند که درباره صدقات نکوهشت مي کنند و اگر از آن به آنان داده شود راضي ميشوند و اگر داده نشود خشمگين ميگردند (58) و اگر به آنچه خدا و رسولش به آنان ميدهند راضي ميشدند** (برايشان بهتر بود و مي بايد) **ميگفتند خداوند بسِ مان است و بزودي خداوند و رسولش از فضل خويش بما خواهند داد و ما بسوي خدا رغبت داريم (59) جز اين نيست که صدقات مخصوص فقراء ، و بيچارگان ، و ماموران انجام آن ، و براي دلجوئي ، و براي آزادکردن بندگان ، و بدهکاران ، و در راه خدا ، و در راه ماندگان است . كه از جانب خدا تعيين شده و خداوند داناي حکيم است (60) و از آنها کساني هستند که پيامبر را اذيت مي کنند و ميگويند او خوش باور است بگو اين برايتان بهتر است . به خدا ايمان دارد و** (سخن) **مومنان را باور ميکند و رحمتي براي ايمان آوردگان شماست . و کساني که پيامبر را اذيت مي کنند عذابي دردناک خواهند داشت (61) به خدا قسم ميخورند که راضي تان کنند ، در حاليکه خداوند و رسولش به اينکه راضي شوند سزاوارترند اگر آنها مومن ميبودند (62) آيا نمي دانند کسي که با خدا و رسولش تندي کند سزايش جهنم است که در آن جاودان است و خواري عظيم همان است؟ (63) منافقان مي ترسند مبادا سوره اي عليه آنها نازل شود ، و خبر از آنچه در دلهايشان است بدهد . بگو مسخره کنيد و خداوند البته آنچه را که از آن ميترسيد بيرون خواهد آورد (64) و اگر از آنها بپرسي ميگويند داشتيم گفتگو و تفريح ميکرديم بگو آيا خدا و آياتش و رسولش را مسخره ميکرديد؟ (65) عذر خواهي نکنيد . البته که شما پس از ايمانتان کافر شديد . اگر طائفه اي از شما را هم عفو کنيم طائفه ديگري راعذاب خواهيم کرد زيرا که مجرم بوده اند (66) منافقان همسان همديگرند . به کار ناپسند امر مي کنند ، و از کار پسنديده نهي مي کنند ، و دستشان را** (ازانفاق) **مي بندند . خدا را فراموش کردند و او نيز آنها را فراموش کرد ، زيرا که منافقان نا فرمانند (67) خداوند به منافقان و کافران وعده آتش جهنم را داده که در آن جاودان باشند ، همان بس شان است و خداوند لعنتشان کرده و عذابي پايدار خواهند داشت (68) مانند کساني که قبل از شما بودند که از شما قوي تر و مالدارتر و پر نفوس تر بودند ، و به آنچه نصيبشان بود برخوردار شدند و شما هم از نصيب خويش مانند آنان برخوردار شديد ، و شما هم** (در باطل) **فرو رفتيد چنانكه آنان فرو ميرفتند ، اعمال آنها در دنيا و آخرت از بين رفت و آنها همان زيانکارانند (69)**

**آيا خبر پيشينيان به آنها نرسيد؟ قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهيم و اصحاب مدين و دهکده هاي باژگون شده؟ که پيامبرانشان با دليل هاي روشن بسويشان آمدند؟ و خداوند اينطور نبود که ظلمشان کند وليکن خودشان به خويش ظلم ميکردند (70) و مومنان بعضي شان اولياءِ بعضي ديگرند . به کارهاي پسنديده امر مي کنند ، و از کارهاي ناپسند بازميدارند ، و نماز بپا مي کنند ، و زکات ميدهند ، و خدا و رسولش را اطاعت ميکنند . و خداوند بزودي به آنان رحم ميکند که خداوند پيروزمند فرزانه است (71) خداوند به مومنان وعده داده که بهشتهائي خواهند داشت که در کف آنها نهرها جاريست که در آن جاودان باشند ، و جايگاههائي دلپسند در بهشتهاي ماندگار داشته باشند ، و رضايتي از جانب خداوند که از آن مهمتر است ، و پيروزي بزرگ همان است (72)**

**اي پيامبر! با کافران و منافقان به جهاد پرداز و برآنها درشتي کن که جايگاهشان جهنم است و بد سرانجامي است (73) به خدا قسم ميخورند که نگفته اند وليکن کلمه کفر را گفته اند و پس از اسلامشان کافر شده اند و براي چيزي کوشش کرده اند که به آن نرسيده اند و ناراحت نيستند مگر به اين خاطر که خدا و رسولش آن** (مومنان) **را بي نياز کرده اند . پس اگر توبه کنند برايشان بهتر است و اگر پشت کنند خداوند در دنيا و آخرت به عذابي دردناک عذابشان خواهد نمود و در زمين سرپرست و ياوري نخواهند داشت (74) و از آنها کساني هستند که با خدا عهد کرده اند که اگر از فضلش به آنان دهد حتما تصدق خواهند کرد و از صالحان خواهند شد (75) اما هنگامي که از فضلش به آنان داد بخل ورزيدند و پشت کردند و روگردان شدند (76) پس نفاقي در دلهايشان انداخت که تا روز ملاقاتش** (در قيامت) **به دنبال آنان خواهد بود ، بسبب آن خلف وعده اي که نسبت به خدا کردند و آن دروغي که ميگفتند (77) آيا نمي دانند که خداوند راز و در گوشي هايشان را ميداند و اينکه خداوند داناي نهان ها است؟(78) همانها که مومنان بخشنده را درباره صدقات نکوهش ميکنند و همچنين کساني را که جز کوشش خويش چيزي نمي يابند . خداوند مسخره شان کرده و عذابي دردناک خواهند داشت (79) چه برايشان آمرزش بخواهي و چه نخواهي** (فرقي نمي کند) **حتي اگر هفتاد بار هم برايشان استغفار کني خداوند نمي آمرزدشان ، زيرا که به خدا و رسولش کافر شدند و خداوند فاسقان را هدايت نمي کند (80) بجا ماندگان خوشند که پشت سر رسول خدا** (راحت) **نشسته اند و جهاد با مال و جانشان در راه خدا را خوش نميداشتند و ميگفتند در گرما رهسپار نشويد ، بگو آتش جهنم گرمتر است اگر ميدانستند (81) پس بايد کم بخندند و زياد گريه کنند بسبب آنچه انجام داده اند (82) و اگر خداوند تو را بسوي طائفه اي از آنان برگرداند و از تو اجازه خروج** (براي جهاد) **خواستند بگو هرگز همراهم خارج نخواهيد شد و هرگز همراهم بادشمني نخواهيد جنگيد زيرا که شما اول بار به كناره جوئي راضي شديد ، پس با بجا ماندگان كناري بنشينيد (83) و هرگز بر هيچ مرده اي از آنان نماز مخوان و بر قبرش نايست که آنها به خدا و رسولش کافر شدند و گناهکار مردند (84) و اموال و اولادشان تو را به شگفتي نياندازد . جز اين نيست که خداوند ميخواهد در زندگي دنيا بوسيله آن عذابشان کند و جانشان برود و کافر باشند (85) و اگر سوره اي نازل شود که به خدا ايمان بياوريد و همراه رسولش جهاد کنيد توانگرانشان از تو اجازه ميخواهند و ميگويند بگذار با نشستگان بمانيم (86) راضي شده اند با بجا ماندگان بمانند وبردلهاشان مهرخورده و نمي فهمند (87) ليکن رسول و کساني که با وي ايمان آورده اند با اموال و جانهايشان جهاد مي کنند و خوبي ها مال آنهاست و آنها رستگارند (88) خداوند براي آنها بهشت هائي که نهرها در کف آنها جاريست که در آن جاودانند تهيه ديده است و پيروزي بزرگ همين است (89)**

**عده اي از اعراب بيابان­نشين با معذرت­خواهی مي­آيند كه اجازه** (جهاد) **شان دهي و آناني كه بخدا و رسولش دروغ گفتند** (در جايشان) **نشستند . بزودي به كافرانشان عذابي دردناك خواهد رسيد (90) بر ضعيفان و مريضان و برکساني که چيزي براي انفاق نمي يابند گناهي نيست** (كه به جهاد نيايند) **در صورتيکه براي** (راه) **خدا و رسولش خيرخواهي کنند . آري عليه نيکوکاران هيچ ايرادي نيست و خداوند آمرزگار مهربان است (91) و عليه کساني هم که وقتي بسويت مي آيند تا آنها را سوار کني** (کهبجنگ بروند) **و به آنان ميگوئي چيزي نمي يابم که سوارتان کنم** (نيز ايرادي نيست . همانهاكه) **با چشماني اشک ريز برميگردند و محزونند که چرا چيزي نمي يابند که انفاق کنند (92) جز اين نيست که ايراد فقط بر كساني است که از تو اجازه مي خواهند و غني هستند . راضي شده اند که با بجاماندگان باشند و خداوند بر دلشان مهرزده و نمي دانند (93) هنگامي که باز گرديد براي عذر خواهي بسويتان مي آيند ، بگو عذر خواهي نکنيد که ما هرگز سخنتان را باور نمي کنيم ، زيرا که خداوند از اخبارتان بما خبر داده است ، و بزودي خدا و رسولش عملتان را خواهند ديد سپس بسوي داناي پنهان و آشكار برميگرديد و به شما خبر خواهد داد که چه ميکرديد (94) بزودي وقتي که بسويشان برگشتيد برايتان به خدا قسم خواهند خورد تا از آنان چشم بپوشيد . از آنها روبرگردانيد كه پليدند و جايگاهشان جهنم است براي آنچه انجام ميدادند (95) برايتان قسم ميخورند تا از آنها راضي شويد و اگر شما هم راضي شويد خداوند از نافرمانان راضي نخواهد شد (96)**

**اعراب بياباني از لحاظ کفر و نفاق شديد ترند ، و سزاوارترند که حدود آنچه را خداوند بر رسولش نازل نموده ندانند ، و خداوند داناي حکيم است (97) و برخي از اعراب بياباني هستند که آنچه را انفاق نموده اند غرامت** (و ضرر) **ميدانند و براي شما چشم انتظار حوادث بد هستند . حوادث بد عليه خود آنها باد ، و خداوند شنواي داناست (98) و از اعراب کساني هم هستند که به خدا و روز آخرت ايمان دارند و آنچه را که انفاق نموده اند** (سبب) **نزديکي به خداوند و دعاي خير پيامبر ميشمارند . بدانيد که آنها** (سبب) **نزديکي آنها هست . بزودي خداوند آنها را در رحمتش داخل خواهد کرد که خداوند آمرزگار مهربان است (99) و پيشتازان اوليه از مهاجران و انصار و كساني به نيکوئي آنان را پيروي نمودند ، نيز مورد رضايت خداوند هستند ، و آنها هم از او راضي خواهند بود ، و برايشان بهشت هائي که در کف آنها نهرها جاريست آماده کرده که در آن براي هميشه جاودانند و اين همان پيروزي بزرگ است (100) و از اعرابي که دور و بر شما هستند عده اي منافقند و از اهل مدينه نيز همچنين ، که به نفاق خو كرده اند. آنها را نمي شناسي ولي ما مي شناسيم . آنها را دوبار عذاب خواهيم کرد ، سپس بسوي عذابي بزرگ باز ميگردند (101) و غير از آنها کساني هستند که به گناهانشان اعتراف نمودند . و عملي شايسته و عملي زشت را با هم مخلوط کردند . چه بسا که خداوند برآنها** (به توبه) **بازگردد که خداوند آمرزگار مهربان است (102) از اموال آنها صدقه اي برگير که بوسيله آن پاکشان کني و رشدشان دهي و برآنها صله کن که صله تو سبب آرامش آنهاست و خداوند شنواي داناست (103) آيا نمي دانند که خداوند توبه را از بندگانش مي پذيرد و صدقات را خودش دريافت مي کند و اينکه خداوند خودش بسيار توبه پذير مهربان است؟(104) و بگو عمل کنيد ، بزودي خداوند و رسولش و مومنان عملتان را خواهند ديد ، و بزودي بسوي داناي پنهان و آشکار باز خواهيد گشت و او شما را از آنچه انجام ميداديد خبر خواهد داد (105) و بقيه که اميدوار امر خدايند كه آيا عذابشان کند ، يا** (به توبه) **به آنان باز گردد ، و خداوند داناي حکيم است (106)**

**و** (مواظب) **كساني** (باش) **كه مسجدي را برگرفتند که ضرر زنند ، و بين مومنان تفرقه افکنند ، و كمينگاه کساني که قبلا با خدا و رسولش جنگيده بودند باشد ، و قسم ميخورند که جز نيکي منظوري نداريم ، وخداوند گواهي ميدهد که آنها دروغ ميگويند (107) در آن** هرگز (به نماز) **نايست . البته مسجدي که از روز اول بر اساس تقوا بنا شده باشد سزاوارتراست که در آن** (به نماز) **بايستي . در آن كساني هستند که دوست دارند پاکيزه شوند و خداوند پاکيزه خواهان را دوست دارد (108) آيا کسي که بنيان خود را بر پرواي از خدا و رضايتي از جانب او بنا نهاده بهتر است يا کسي که بنيان خويش بر لب سيلگاهي که فرو ريختني است نهاده که او را به آتش جهنم فرو ريزد؟ و خداوند ظالمان را هدايت نمي کند (109) بنياني که نهاده اند همواره موجب نگراني در دلهايشان است تا آنكه دلهاشان پاره شود و خداوند داناي حکيم است (110)**

**خداوند از مومنان جانها و مالها يشان را ميخرد، زيرا که بهشت از آنان است.در راه خدا مي جنگند، يا مي کشند يا کشته ميشوند. وعده حقي است بر عهده خدا (که) در تورات و انجيل و قرآن (گفته) و چه کسي از خدا به عهدش وفا دارتر است؟ پس به داد و ستدي كه كرده ايد شاد باشيد و پيروزي بزرگ همان است (111)** {(آنها) توبه کنندگان، عبادت کنندگان، ستايش کنندگان، سياحت کنندگان، رکوع و سجده کنندگان، امر کنندگان به کارهاي پسنديده، و نهي کنندگان از کارهاي ناپسند، و نگهدارندگان حدود خدا (هستند) ومومنان را مژده ده }(112)

**پيامبر و مومنان را نميرسد براي مشرکان استغفار کنند . حتي اگر نزديکانشان هم باشند .** (البته) **پس از آنکه برايشان روشن شد که آنان از ياران آن آتشند (113) و استغفار ابراهيم براي پدرش نيز بعلت وعده اي بود که به او داده بود ، اما هنگاميکه برايش روشن شد که او دشمن خداست از او اعلام بيزاري کرد که ابراهيم البته بسيار خدا ترس و حليم بود (114) و خداوند اينطور نيست که قومي را پس از هدايتشان گمراه کند ، مگر اينکه موارد تقوا را برايشان بيان کند ، که خداوند به همه چيز داناست (115)**

**فرمانروائي آسمانها و زمين از آن خداست . زنده ميکند ومي ميراند و شما جز خداوند سرپرست و ياوري نداريد (116) خداوند بر پيامبر و مهاجران و انصار** (به توبه) **بازگشت و نيز برآنان که در زمان تنگد ستي ، پس از اينکه نزديک بود قلوب عده اي از آنان بلغزد ، پيرويش کردند .آنگاه بر آنان** (به توبه) **بازگشت که البته او به آنان دلسوز مهربان است (117) و نيز بر آن سه نفر که بجا نشسته بودند تا اينکه زمين عليرغم فراخيش برآنها تنگ گرديد ، و جانهايشان نيز بر آنها تنگ گرديد ، و دريافتند که هيچ پناهگاهي جز خدا ندارند ، مگر اينکه بسوي او** (بروند) **که آنگاه** (خداوند) **برآنها نيز** (به توبه) **بازگشت تا توبه کنند که خداوند توبه پذير و مهربان است (118) اي مسلمانان ! از خدا پروا کنيد و با راستگويان باشيد (119) اهل مدينه و اعرابِ دور و برش را نميرسد که از** (امر) **رسول خدا تخلف کنند و اينکه جانهايشان را بر جان او ترجيح دهند . زيرا که هيچ تشنگيي ، و هيچ رنجي ، و هيچ مخمصه اي ، در راه خدا به آنان نميرسد و در هيچ جائي که کافران را به خشم آورد قدم نمي گذارند ، و هيچ زياني به دشمني نمي زنند ، مگر اينکه براي آنان عمل صالحي نوشته ميشود و البته خداوند پاداش نيکوکاران را ضايع نمي گذارد (120) وهمچنين هيچ خرجي نميکنند ، چه کوچک چه بزرگ ، وهيچ زميني را نمي پيمايند ، مگر اينکه برايشان نوشته ميشود ، تا خدا به بهتر از آنچه انجام ميدادند ياداششان دهد (121) مومنان نبايد همگي رهسپار شوند ، اما چرا از هر فرقه اي کساني کوچ نکنند تا در کار دين صاحب نظر شوند ، و قومشان را پس از بازگشت هشدار دهند ، شايد بپرهيزند (122) اي مسلمانان ! با کفاري که نزديک شما هستند بجنگيد ، و بايد در شما درشتي بيابند ، و بدانيد که خداوند با تقوا پيشگان است (123)**

**و چون سوره اي نازل شود کساني از آنها ميگويند اين** (سوره) **به ايمان کدامتان افزود؟ اهل ايمان ايمانشان زياد ميشود و شاد هم ميشوند (124) اما کساني که در دلهاشان مرضي هست پليديي به پليدي شان اضافه ميشود و در حاليکه کافرند ميميرند (125) آيا نمي بينند که در هر سال يک بار يا دوبار امتحان ميشوند ، اما باز هم توبه نمي کنند و پند نمي گيرند؟ (126) و وقتيکه سوره اي نازل ميشود بعضي از آنها بسوي بعضي ديگر نگاه ميکنند که آيا کسي متوجه شما هست؟ آنگاه برميگردند . خداوند دلهايشان را بگرداند كه آنها نمي فهمند (127)**

**البته بسويتان از** (جنس) **خودتان رسولي آمد که براي او گران است به رنج و ناراحتي بيفتيد ، و بر** (هدايت و نجات) **شما حريص است ، و به مومنان دلسوز و مهربان است (128) پس اگر برگشتند بگو خدا مرا بس است . خدائي جز او نيست . به او توکل کرده ام و همو پروردگار آن عرش بزرگ است (129)**

**سوره حجرات**

|  |
| --- |
| **درس: مقررات مربوط به بهبود روابط مسلمانان با يکديگر و نکوهش کساني که خود را خارج از آن قرار مي دهند.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**اي مسلمانان ! از خدا و رسولش جلو نيفتيد و از خدا پروا کنيد که خدا شنواي داناست (1) اي مسلمانان ! صدايتان را از صداي پيامبر بلند تر نکنيد و آنچنانکه با يکديگر صحبت مي کنيد با او بلند بلند سخن مگوييد . مبادا که اعمالتان از بين برود و متوجه نباشيد (2) البته آنانکه صدايشان را نزد رسول خدا پايين مي آورند جزء کساني هستند که خداوند قلوبشان را براي تقوا آزموده است و مغفرتي و پاداشي عظيم خواهند داشت (3) البته آنان که تو را از بيرون اتاقها صدا مي زنند بيشترشان خرد نمي ورزند (4) و اگر صبر مي کردند تا بسوي آنان خارج شوي برايشان بهتر بود و خداوند آمرزنده مهربان است (5)**

**اي مسلمانان ! اگر گناه پيشه اي با خبري بسويتان آمد تحقيق کنيد . مبادا به عده اي از روي جهالت مصيبتي برسد و آنگاه شما از کار خود پشيمان شويد (6) و بدانيد که رسول خدا در بين شماست ، که اگر در بسياري از کارها از شما پيروي کند ، خودتان به زحمت مي افتيد . وليکن خداوند ايمان را براي شما خوشايند کرد و آن را در دلهاي شما پسنديده نموده و کفر و گناه نافرماني را در نزدتان ناپسند كرد . آنها** (که چنين هستند) **رشد يافتگانند (7) که اين فضل و نعمتي است از جانب خداوند و خداوند داناي حکيم است (8)**

**و اگر دو طائفه از مسلمانان با يکديگر به کارزار پرداختند بين آنها آشتي برقرار کنيد ، و اگر يکي از آنها به ديگري ستم کرد ، با آنها کارزار کنيد تا به حکم خدا گردن نهد ، و اگر نهاد ، بين آنها به عدل ، صلح برقرار کنيد و انصاف دهيد ، که خداوند انصاف داران را دوست دارد (9) جز اين نيست که مومنان برادران يکديگرند . پس بين برادرانتان آشتي برقرار ، و از خداوند پروا کنيد شايد مورد رحمت قرار گيريد (10)**

**اي مسلمانان ! عده اي عده ديگر را مسخره نکنند ، چه بسا که آنها بهتر باشند ، و در مورد زنها هم همينطور. و عيوب خودهاتان را باز مگوئيد ، و لقب هاي زشت بر يکديگر مگذاريد . بد نامگذاريي است که پس از ايمان ، از گناه پيشگي ياد شود و کساني که توبه نکنند ستمكارند (11) اي مسلمانان ! از بسياري از گمانها بپرهيزيد ، و** (بدانید) **كه بعضي از گمانها گناه است ، و تجسس نکنيد ، و بعضي از شما غيبت بعضي ديگر را نکند ، آيا هيچ کدامتان دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ البته که از آن نفرت داريد . و از خدا پروا کنيد که خداوند توبه پذير مهربان است (12)**

**اي مردم ! شما را از يک مرد و يک زن آفريديم ، و به صورت تيره هاي بزرگ و تيره هاي کوچک قرارتان داديم تا شناخته شويد . البته گراميترين شما از نظر خداوند با تقواترين شماست . البته خداوند داناي آگاه است (13)**

**اعراب گفته اند ايمان آورده ايم، بگو ايمان نياورده ايد وليکن بگوئيد به اسلام گرويده ايم، و هنوز ايمان به قلوب شما داخل نشده. و اگر خدا و رسولش را اطاعت کنيد خداوند از پاداش اعمالتان چيزي کم نمي کند زيرا که او آمرزنده مهربان است (14)** {جز اين نيست که مومنان آنهايي هستند که به خدا و رسول ايمان آورده، و سپس شک نکرده، و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کرده اند، و همانها راستگو ميباشند} (15) **بگو مي خواهيد راجع به دين خويش چيزي به خداوند ياد بدهيد؟ در حاليکه خداوند آنچه را که در آسمانها و زمين است مي داند و همو به همه چيز داناست؟ (16) بر تو منت مي گذارند که مسلمان شده اند. بگو منت مسلماني خويش را بر من مگذاريد. بلکه اگر راست بگوئيد، خدا بر شما منت دارد که شما را به راه ايمان هدايت کرده است(17)**{خداوند البته پنهاني هاي آسمانها و زمين را ميداند و خداوند به آنچه ميکنيد بيناست}(18)

**سوره مجادله**

|  |
| --- |
| **درس: توصيف و نکوهش بعضي خصوصيات منافقانه و ذکر عاقبت آنها.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**خداوند سخن آن زني را که در باره همسرش با تو مجادله ميکرد شنيد که به خدا شکايت مي بُِرد . و خداوند مکالمه شما را مي شنود . که خداوند شنواي بيناست (1) کساني از شما که به زنان خود ميگويند حکم تو مانند حکم مادرم است** (و بمن حرامهستي) **البته که آنها مادرانشان نيستند ، مادرانشان هيچ کس نيست جز آنهائيکه آنان را زائيده اند ، و آنها البته سخني ناپسند و زور ميگويند . و خداوند بخشنده آمرزنده است (2) و کساني که به زنان خود ميگويند حکم تو مانند حکم مادرم است ، آنگاه از حرفشان بر ميگردند ، بايد قبل از اينکه آميزش کنند بنده اي آزاد کنند . اين پنديست که به آن موعظه مي شويد و خداوند به آنچه انجام مي دهيد بيناست (3) اما اگر کسي نمي يابد** (که بند ه اي آزاد کند) **بايد قبل از آميزش دو ماه پشت سر هم روزه بگيرد . و باز هم اگر نمي تواند ، بايد شصت فقير را غذا دهد . براي اين که به خدا و رسولش ايمان بياوريد و اين حدود خداست ، و کافران عذابي دردناک دارند (4**)

**کساني که با خدا و رسولش تندي مي کنند، خوار مي شوند، همچنان که پيشينيان آنها خوار شدند. و ما آياتي روشن نازل کرديم و کافران عذابي خوار کننده خواهند داشت (5)**  {روزي که خداوند همگي شان را بر انگيزد و خبر اعمالشان را به آنان بدهد. خدا آن (اعمال) را حساب کرده اما آنان فراموشش کرده اند و خداوند بر هر چيزي گواه است }(6)

**آيا نميداني خداوند آنچه را که در آسمانها وزمين است مي داند؟ هيچ صحبت درگوشي سه نفري نيست مگر آنکه خداوند چهارمي آنهاست ، و هيچ پنج نفري نيست مگر اينکه او ششمي آنهاست ، و هيچ کمتر وبيشتري نيست مگر اين که او با ايشان است ، هر جاکه باشند . آنگاه روز قيامت اعمالشان را به آنها خبر ميدهد ، كه خداوند به همه چيز داناست (7) آيا آنان را که از صحبت درگوشي نهي شدند ، اما به اين نهي توجهي نميکنند ، نديدي که صحبت هايشان هم راجع به گناه و تعدي و نافرماني رسول خدا است ، و هنگاميکه بسوي تو مي آيند طوري سلام ميکنند که با آنچه خدا توصيه کرده متفاوت است ، و با خويش ميگويند پس چرا خدا عليرغم اين که اينطور گفته ايم عذابمان نميکند؟ جهنم که در آن خواهند افتاد بس شان است وبد سر انجامي است (8) اي مسلمانان ! هنگامي که صحبت در گوشي مي کنيد ، صحبتتان مربوط به گناه و تعدي و نافرماني رسول خدا نباشد ، بلکه راجع به نيکي و تقوي باشد و از خداوندي که بسوي او محشور خواهيد شد پروا کنيد (9) جز اين نيست که صحبت درگوشي از شيطان است ، تا مومنان را افسرده کند ، وضرري به آنها نخواهد رسانيد مگر به اذن خدا . و مومنان بايد به خدا توکل کنند (10) اي مسلمانان ! وقتي که در مجالس به شما گفته ميشود جا باز کنيد ، اين کاررا بکنيد تا خداوند نيز به شما وسعت دهد ، و وقتيکه گفته ميشود برخيزيد ، اين کار را هم بکنيد . خداوند مومنان شما را بالا ميبرد و عالمان شما را نيز به چندين درجه بالاتر ميبرد و به اعمال شما آگاه است (11) اي مسلمانان ! وقتي که با رسول خدا در گوشي صحبت مي کنيد ، قبل از آن صدقه اي بدهيد . اين براي شما بهتر و پاکيزه تر است . پس اگر** (مالي برايصدقه) **نيافتيد ، خداوند آمرزنده مهربان است (12) آيا از اينکه قبل از هر صحبتِ در گوشي صدقه دهيد دريغ نموديد؟ اينک که اين کار را نکرديد و خداوند هم از شما در گذشت ، پس نماز بپاداريد و زکات دهيد و خداوند و رسولش را اطاعت کنيد و خداوند به اعمال شما آگاه است (13)**

**آيا آنهائي را که با قوم مغضوب خدا دوستي مي کنند نديدي؟ نه آنها جزء اينها هستند و نه اينها جزء آنها و دانسته به دروغ قسم مي خورند (14)** {خداوند براي آنها عذاب شديد آماده کرده. و البته عمل آنها بسيار بد است}(15)  **قسم هاي خود را مانند سپر قرار مي دهند، و از راه خدا باز مي دارند. پس عذابي خوار کننده خواهند داشت (16)**  {اموال و اولادشان در مقابل خداوند دردي از آنها دوا نخواهد کرد. آنها اهل آتشند و در آن جاودان خواهند بود.(17) روزي که خداوند همگي آنها را بر انگيزد، در آن روز براي خداوند هم قسم خواهند خورد همانطور که براي شما قسم مي خورند و تصور مي کنند قدر و منزلتي دارند. آگاه باشيد که آنها دروغگويند }(18) **شيطان بر آنها چيره شده، و ذکر خدا را از يادشان برده، آنها جزء حزب شيطانند. بدانيد که حزب شيطان زيانکار است (19)** {آنهائي که با خدا و رسول او تندي مي کنند به نهايت خواري در خواهند افتاد.(20) خداوند مقرر کرده که او و رسولانش حتما غالب خواهند بود. البته خداوند قوي پيروزمند است }(21)  **هرگز نخواهي ديد کساني که ايمان به خداوند و روز قيامت داشته باشند با کساني که با خدا و رسولش تندي مي کنند دوستي برقرار کنند. حتي اگر پدرانشان يا فرزندانشان، يا برادرانشان، يا فاميلشان باشند . ايمان در قلوب آنها تثبيت شده و خداوند آنها را بواسطه روحي از جانب خويش تقويت ميفرمايد و داخل بهشتهائي که در کف آنها نهرها جاريست مي نمايد که در آن جاودان باشند. خداوند از آنها راضي و آنها هم از او راضي خواهند بود. آنها جزء حزب خدايند. بدانيد که البته حزب خدا رستگار است (22)**

**سوره تحریم**

|  |
| --- |
| **درس: بهانه نياوريد. تقواي واقعي اصيل پيشه کنيد.**  **درب: همه بايد تقوا داشته باشند، و پيامبر بايد تقواي محکم­تري داشته باشد.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**اي پيامبر! چرا براي کسب رضايت زنانت آنچه را که خدا برايت حلال کرده بر خود حرام ميکني؟ و خداوند آمرزگار مهربان است (1) خداوند كفاره شكستن قسم هايتان را براي شما واجب نموده** (و آنرا چاره اي برايتان قرار داده) **و خداوند دوست و سرپرست شما است و همو داناي فرزانه است (2)**

**و هنگامي که پيغمبر نزد بعضي از زنانش رازي را سپرد ، و چون آن زن آن راز را افشاء کرد ، و خداوند پيغمبر را بر اين امر آگاه نمود ، و پيامبر گوشه اي از اين موضوع را اعلام و از بقيه خودداري نمود ، و او را از اين امر با خبر ساخت ، آن زن گفت چه کسي خبرت کرده؟ گفت آن داناي آگاه خبرم داد (3)** [خداوند چنین مقرر کرده ] **اگر شما دو زن توبه کنيد دلهاي شما** (ازانحراف به استقامت) **باز گشته ، و اگر هم بر ضد او با يکديگر همکاري کنيد ، پس** (بدانيد) **خداوند سرپرست اوست ، و جبرئيل و** (آن) **مومن شايسته دوست اويند ، و ملائکه نيز علاوه بر همه اينها پشتيبان او هستند (4) چه بسا که د رصورتيکه شما را طلاق دهد پروردگارش زناني بهتر از شما نصيبش کند . زناني که مسلمان و مومن و خاشع و توبه کار و عبادتگر و روزه دار باشند . اعم از اينکه با کره باشند يا قبلا شوهر دار بوده باشند (5)**

**اي مسلمانان ! خودتان و اهل تان را از آتشي که گيرانه اش آدمي و سنگ است حفظ کنيد ، که فرشتگاني درشت خو نگهبان آنند و هرگز خدا را در مورد دستوراتش نافرماني نمي کنند و آنچه را که دستورشان دهد انجام ميدهند (6)** [در آن شرایط به آنان خطابمیشود] **اي کافران ! امروز ديگر معذرت خواهي نکنيد زيرا جز اين نيست که جزاي آنچه را که کرده ايد مي بينيد (7) اي مسلمانان ! بسوي خدا توبه کنيد ، توبه اي خالص ، شايد خداوندتان زشتي هاي شما را بپوشاند و شما را داخل باغهائي کند که نهرها درکف آن جاريست . روزي که خداوند پيغمبر و کسان همراه او را خوار نمي کند ، نورشان پيشاپيش آنها و اطرافشان مي دود ، ميگويند پروردگارا نورمان را كامل کن و بيامرزمان ، که تو بر هر چيز توانائي (8)**

**اي پيامبر ! با کافران و منافقان بجنگ و بر آنان سخت گيري کن . جايگاه آنها جهنم است و بد سرانجامي است (9)**

**خداوند براي کافران ، زن نوح و زن لوط را مثل زد که تحت** (عقد ازدواج) **دو بنده صالح از بندگان ما بودند اما به آنان خيانت کردند و آن دو** (پيغمبر) **در مقابل خدا بدردشان نخوردند و به آنها گفته شد با** (ساير) **وارد شوندگان داخل آتش شويد (10) و خداوند براي مومنان ، زن فرعون را مَثَل زد ، هنگامي که گفت پروردگارا نزد خود برايم خانه اي در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و عملش و نيز از قوم ظالمان نجات ده (11) و مريم دختر عمران که دامن خويش را پاک نگهداشت و از روح خود در آن دميديم و کلمات پروردگارش و کتاب هايش را تصديق کرد و از فروتنان بود (12)**

**سوره مائده**

|  |
| --- |
| **درس: احکامي فردي و اجتماعي با زمينه "اي مسلمانان کفار ويهود و نصاري چنين اند شما آنطور نباشيد."**  **درب: نمونه­ای از احکام عبادتی فردی.** |

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**اي مسلمانان ! به قرارداد ها وفا کنيد ،** (گوشت) **چارپايان برايتان حلال شد . مگر آنچه** (حكم) **آنها برايتان خوانده ميشود ، غير از صيدي که شما در حال احرام** (از حيواناتشکار شدني محلي) **کنيد** (كه آن هم حرام است) **که خداوند هر چه بخواهد حکم ميکند (1) اي مسلمانان ! شعائر خدائي را حلال نشماريد ، و نيز ماه حرام را ، و نيز حيوان قرباني را ، و نه** (قرباني) **قلاده دار را ، و نه پناه آورندگان به آن خانه را ، که فضلي و رضايتي از جانب پروردگارشان را ميجويند . و هنگامي که از احرام بدر آمديد** (عيبي ندارد که) **شکار کنيد ، و مبادا که دشمني قومي که شما را از مسجدالحرام بازداشتند به گناه بياندازد تان که تعدي کنيد ، و بر نيکي و تقوا همکاري کنيد ، و برگناه وتعدي همکاري مکنيد ، و از خداوند پروا کنيد که او درپيگيري شديد است (2) مردار و خون و گوشت خوک و آنچه** (هنگام ذبح) **براي غير خدا نامبرده شده ، و خفه شده ، و با ضربت کشته شده ، و پرتاب شده ، و يا شاخ خورده** (و کشته شده) **و آنچه حيوان درنده خورده ، مگر آنکه تذکيه** (و ذبح) **کرده باشيد ، و آنچه براي بتها ذبح شده ، و آنچه با تيرها** (ي قرعهکشي) **قسمت شده ، بر شما حرام شد . آنها گناه است . امروز کافران از دين شما نوميد شدند ، از آنها نترسيد و از من بترسيد . امروز دينتان را برايتان کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را برايتان بعنوان دين پسنديدم . پس اگر کسي به مخمصه** (مردناز گرسنگي) **افتاد و ناچار شد** (از آنها بخورد) **نه آنقدر که به گناه دچار شود ، البته خداوند آمرزگار مهربان است (3) از تو مي پرسند چه چيزي برآنها حلال است ، بگو چيزهاي پسنديده برايتان حلال شده است ، و از حيوانات شکاري تعليم يافته ، از سگان ، که از آنچه خداوند به شما ياد داده به آنان تعليم ميدهيد ، چيزي را که برايتان نگه ميدارند بخوريد ، و نام خدا را بر آن ياد کنيد ، و از خداوند پروا کنيد که او تند حساب است (4) امروز چيزهاي دلپسند برايتان حلال شد ، و طعام اهل کتاب نيز برايتان حلال است ، و طعام شما هم براي آنها حلال است ، و** (ازدواج با) **زنان پاکدامن مسلمان و زنان پاکدامن از کساني که قبل از شما کتابشان داده شده ، هنگامي که اجرتشان را بدهيد ، و به منظور پاکدامني باشد ، نه اينکه بدکاري و رفيق بازي باشد ، برايتان حلال است ، و کسي که به ايمان کفر ورزد عملش از بين رفته و همو در آخرت از زيانکاران است (5)**

**اي مسلمانان ! هنگامي که براي نماز بپا خواستيد رويتان و دستها را تا آرنج ها بشوئيد ، و قسمتي از سرتان و پاهايتان را تا برآمدگي روي پا مسح کنيد ، و اگر جنب بوديد طهارت کنيد ، و اگر مريض يا در سفر بوديد و يا از مدفوع آمديد يا اينکه با زنان تماس داشته ايد و آب نمي يابيد با خاک خوب پسنديده تيمم کنيد ، و از آن بخشي از صورت و دستهاتان را مسح کنيد . خداوند نميخواهد براي شما سختي اي پيش بياورد وليکن ميخواهد پاکتان کند و نعمتش رابر شما تمام نمايد شايد شکر بگزاريد (6) و نعمت خداوند را بر خويش بياد آوريد و پيماني که از شما بگرفت ، آن هنگام که گفتيد شنيديم و اطاعت کرديم ، و از خدا پروا كنيد که خداوند به آنچه در سينه هاست آگاه است (7)**

**اي مسلمانان ! براي خدا بپا خيزيد و با عدالت گواهي دهيد . و مبادا دشمني قومي شما را وا دارد که عدالت نکنيد . عدالت کنيد که به تقوا نزديکتر است . و از خدا پروا کنيد که خداوند به آنچه ميکنيد آگاه است (8) خداوند به کساني که ايمان آورده و عمل شايسته کرده اند وعده داده که آمرزشي و پاداشي عظيم خواهند داشت (9) و کساني که کافر شده و آياتمان را تکذيب کردند از ياران جهنم خواهند بود (10) اي مسلمانان ! نعمت خدا را بر خويش بياد آوريد آن هنگام که عده اي سعي کردند دستشان را عليه شما بگشايند و او دستشان را از شما كوتاه كرد ، و از خدا پروا کنيد و مومنان بايد برخداوند توکل کنند (11)**

**و البته خداوند پيمان بني اسرائيل را گرفت ، و از آنها دوازده مراقب برگزيد ، و گفت اگر نماز بپاداريد و زکات دهيد و به رسولانم ايمان آوريد و احترام و تقويتشان کنيد و به خداوند قرض الحسنه دهيد بديهايتان را مي پوشانم و شما را داخل بهشتهائي ميکنم که در کف آنها نهرها جاريست . اما هر کس از شما که پس از آن کفر ورزد راه اعتدال را گم كرده است (12) پس بسبب شکستن پيمانشان لعنتشان کرديم ، كه دلهاشان را سخت نموديم و کلام را از مواضع آن تحريف كرده ، و سهم خويش را از اينکه از آن پند بگيرند فراموش کردند ، و هميشه برخيانتي از آنها مطلع خواهي شد ، جز عده کمي از آنها** (كه چنين نيستند) **پس عفوشان کن و در گذر که خداوند نيکوکاران را دوست ميدارد (13) و از کساني که ميگويند مسيحي هستيم پيمانشان را گرفتيم ، و آنها هم نصيب خويش را از پندي که بايد ميگرفتند فراموش کردند ، پس بين آنها تا روز قيامت دشمني و کينه ورزي بوجود آورديم و بزودي خداوند به آنچه ميساختند خبرشان ميدهد (14) اي اهل کتاب ! اينک رسول ما بسويتان آمده که بسياري از آن چيزهائي را که از آن کتاب مخفي ميداشتيد برايتان بيان کند و بسياري را ببخشد . اينک از جانب خداوند بسويتان نوري و کتابي آشکار آمده است (15) که خداوند بسبب آن هر کس را که رضايتش را پيروي کند به راه هاي سلامت هدايت ميکند ، و آنها را به اذن خويش از تاريکيها بسوي نور بيرون مي آورد ، و بسوي جاده مستقيم هدايتشان مي کند (16) البته کساني که گفتند خداوند همان مسيح پسر مريم است کفر ورزيدند . بگو اگر خدا بخواهد مسيح پسر مريم و مادرش و همه اهل زمين را هلاك کند چه کسي ميتواند جلوگيري کند؟ و فرمانروائي آسمانها و زمين و هر چه بين آنهاست از آن او است . هر چه بخواهد مي آفريند و خداوند برهر چيزي تواناست (17) و يهوديان و مسيحيان گفتند ما فرزندان خدا و دوستان اوئيم . بگو پس چرا بسبب گناهانتان عذابتان مي کند؟ بلکه شما بشري از آنانکه آفريده هستيد ، هر کس را که خواهد مي آمرزد و هر کس را خواهد عذاب مي کند و فرمانروائي آسمانها و زمين و بين آنها از آن خداست و بازگشت بسوي اوست (18) اي اهل کتاب ! اينک رسولمان پس از دوره اي از نبود پيامبران بسويتان آمده که برايتان بيان کند ، تا مبادا بگوئيد که مژده دهنده اي و هشدار دهنده اي بسويمان نيامد ، اينک مژده دهنده و هشدار دهنده بسويتان آمده است و خداوند بر همه چيز تواناست (19)**

**و هنگاميکه موسي به قومش گفت: اي قوم ! نعمت خدا را برخويش بياد آوريد که در ميان شما پيامبراني قرار داد و شما را پادشاهاني نمود و به شما چيزهائي داد که به هيچيک از جهانيان نداد (20) اي قوم ! به آن سرزمين مقدسي که خدا برايتان مقرر نموده وارد شويد و به پشت برنگرديد که زيانکار خواهيد شد (21) گفتند اي موسي قومي بسيار جبار در آن هستند و ما هرگز داخل آن نخواهيم شد مگر اينكه از آن خارج شوند و اگر از آن خارج شدند ما داخل خواهيم شد (22) دو نفر از آنانکه از خدا ميترسيدند و به آنها نعمت داده بود گفتند به آن درب داخل شويد ، و هنگاميکه داخلش شديد غالب خواهيد شد ، و بر خدا توکل کنيد اگر مومن ميباشيد (23) گفتند اي موسي ! ما هرگز تا ابد مادام که آنها در آن هستند داخل آن نخواهيم شد ، پس تو و پروردگارت برويد و با آنان بجنگيد و ما همين جا نشسته ايم (24) گفت پروردگارا من اختيار چيزي جز خودم و برادرم را ندارم ، پس بين ما و فاسقان جدائي افکن (25) گفت** (وارد شدن به آن شهر) **چهل سال برآنان حرام شده** (و بايد) **در زمين سرگردان باشند و تو برای قومي فاسق اندوهگين مباش (26)**

**و خبر دو پسر آدم را بر آنها به حق بخوان ، که قربانيي پيش آوردند و از يکي از آنها قبول شد و از ديگري قبول نشد ،گفت حتما تو را خواهم کشت ،گفت جز اين نيست که خداوند از تقوا پيشگان قبول ميکند (27) اگر دستت را بسويم بگشائي که مرا بکشي ، دستم را بسويت دراز نمي كنم که بکشمت ، زيرا از خداوند پروردگار جهانيان ميترسم (28) ميخواهم گناه مرا و گناه خودت را بر دوش بگيري و از ياران آن آتش شوي ، و اين سزاي ظالمان است (29) پس نَفْس او قتل برادرش را برايش آسان کرد ، و کشتش ، و از زيانکاران شد (30) آنگاه خداوند کلاغي را برانگيخت که زمين را مي كاويد تا به او نشان دهد که چگونه جسد برادرش را پنهان کند؟ گفت واي بر من آيا عاجز شده ام که مثل اين کلاغ باشم و جسد برادرم را پنهان کنم و از پشيمانان شد (31) به اين خاطر بر بني اسرائيل مقرر نموديم که اگر کسي ، کسي را بدون اينکه شخصي را کشته باشد ، يا مرتکب فسادي در زمين شده باشد ، بکشد ، مانند آن است که همه مردم را جميعا کشته باشد . و کسي که کسي را زنده بدارد مانند آن است که تمام مردم را زنده داشته باشد . و البته رسولانمان با نشانه هاي روشن بسويشان آمدند ، آنگاه بسياري از آنها پس از آن در زمين از اسرافگران گرديدند (32)**

**جز اين نيست که سزاي کساني که با خدا و رسولش مي جنگند و در زمين به فساد بر مي خيزند ، اين است که کشته شوند يا به دار کشيده شوند ، يا دست و پاي آنها به خلاف يکديگر بريده شود ، يا از آن زمين تبعيد شوند . اين در دنيا برايشان خواري است ، و در آخرت عذابي عظيم خواهند داشت (33) مگر کساني که پيش از آنکه برآنها دست يابيد توبه کنند . بدانيد که خداوند آمرزگار مهربان است (34) اي مسلمانان ! از خدا پروا کنيد ، و بسوي او راه بجوئيد ، و در راهش جهاد کنيد ، شايد رستگار شويد (35) البته کافران اگر دو برابر آنچه در زمين هست مال آنها باشد ، و بخواهند بجاي عذاب روز قيامت بدهند ، از آنها قبول نميشود و عذابي دردناک خواهند داشت (36) ميخواهند از آن آتش خارج شوند ولي از آن خارج شدني نخواهند بود و عذابي ماندني خواهند داشت (37) و در مورد مرد و زن سارق ، دستهايشان را قطع کنيد . اين سزاي عملشان است که مجازاتي از جانب خدا است ، و خداوند پيروزمند فرزانه است (38) و کسي که پس از ظلمش توبه کند و اصلاح نمايد ، خداوند نيز بر او بازگشت خواهد نمود ، که خداوند آمرزگار مهربان است (39) آيا نمي داني که فرمانروائي آسمانها و زمين از آن خداست؟ و هر که را بخواهد عذاب مي کند و هر که را بخواهد مي آمرزد و خدا بر هر چيزي تواناست؟ (40)**

**اي پيامبر ! مبادا کار کساني که در کفر سرعت ميگيرند اندوهگينت کند ، کار همان کساني که با دهان هايشان ميگويند ايمان آورديم ولي دلشان ايمان نياورده ، و بعضي از يهوديان که به دروغ گوش ميسپارند و براي ديگراني که** (هنوز) **بسويت نيامده اند جاسوسي ميكنند . کلام را از مواضع آن تحريف مي کنند ، و ميگويند اگر اين** (حكمي كه ما ميگوئيم) **به شما داده شده ، بگيريدش و اگر داده نشد بر حذر باشيد . و کسي که خدا بخواهد به فتنه اش اندازد کسي نميتواند در مقابل خداوند برايش کاري کند . آنها کساني هستند که خداوند نخواسته دلهاشان را پاک کند . در دنيا خواري و در آخرت عذابي عظيم خواهند داشت (41) گوش كنندگان دروغ و خورنده حرام هستند ، و اگر بسويت آمدند ، يا بين آنها حکم کن ، يا از آنان روي برگردان ، و اگر از آنان روي برگرداني هرگز نميتوانند ضرري به تو بزنند ، و اگر هم حکم ميکني به عدالت حکم کن که خداوند عادلان را دوست ميدارد (42) و چگونه تو را به قضاوت ميخوانند در حاليکه تورات بينشان است که حکم خدا در آن است؟ آنگاه، پس از آن ، بر مي گردند و مومن نمي باشند (43)**

**البته تورات را نازل کرديم که در آن هدايتي و نوري هست که پيامبراني که تسليم** (امرخدا) **بودند ، مطابق آن حكم ميكردند . براي يهوديان ، و خداشناسان ، و روحانيون يهودي ، مطابق آنچه که** (اينان) **از کتاب خدا حفظ بودند و بر آن شهادت ميدادند . پس از مردم نترسيد و از من پروا کنيد و آياتم را به بهائي اندک مفروشيد و کساني که به آنچه خداوند نازل کرده حکم نکنند از کافرانند (44) و در آن برايشان مقرر کرديم که جان در مقابل جان ، و چشم در مقابل چشم ، و بيني در مقابل بيني ، و گوش در برابر گوش ، و دندان در مقابل دندان ، و جراحت ها ،** (به مانند خويش) **قصاص شود . پس اگر کسي بخشش کند** (و از قصاص بگذرد) **کفاره اي** (براي گناهانش) **خواهد بود . وکساني که به آنچه خدا نازل کرده حکم نکنند از ظالمانند (45) و عيسي پسر مريم را پس از آنها فرستاديم که توراتِ پيش از خويش را تصديق ميکرد ، و به او انجيل را داديم که در آن هدايتي و نوري بود ، و آنچه را قبل از آن از تورات** (فرستاده بوديم) **تصديق ميكرد ، و هدايتي و موعظه اي براي تقوا پيشگان بود (46) و اهل انجيل نيز بايد به آنچه که خدا در آن نازل کرده حکم کنند و کساني که به آنچه خدا نازل کرده حکم نکنند از فاسقانند (47) و اين کتاب را به حق بر تو نازل کرديم که تصديق کننده چيزيست که قبل از آن ، از آن کتاب ها** (نازل شده) **بود ، و برآن نگهبان است ، پس بين آنها به آنچه خداوند نازل کرده حکم کن ، و از هوا و هوس هاي آنان عليرغم آنچه که از حق بسويت آمده پيروي مکن . براي همگي تان شريعت و روشي قرار داديم ، و اگر خدا ميخواست همه تان را يکجور قرار ميداد ، وليکن ميخواهد در آنچه به شما داده بيازمايدتان ، و در کارهاي خير سبقت گيريد . بازگشت همگي شما بسوي خداست . پس همو درباره آنچه که اختلاف ميکرديد شما را آگاه خواهد نمود (48) و بين آنها به آنچه خدا نازل کرده حکم کن ، و از هوا و هوس آنها پيروي مكن ، و برحذر باش که مبادا تو را به فتنه اندازند ، که از قسمتي از آنچه خدا نازل کرده** (اندکي) **منحرف شوي ، پس اگر روي برگرداندند بدان که خداوند ميخواهد براي بعضي از گناهانشان مصيبتي به آنان وارد کند ، و اينکه اکثر مردم از فاسقانند (49) آيا حکم جاهليت را جستجو مي کنند؟ و چه کسي حکمش از خدا براي قومي که يقين دارند بهتر است؟(50)**

**اي مسلمانان ! يهوديان و مسيحيان را دوست و سرپرست خويش مگيريد . بعضي از آنها دوستان بعضي ديگرند . پس اگر کسي از شما آنان را دوست و سرپرست بگيرد از آنان است . خداوند البته قوم ظالمان را هدايت نمي کند (51) كساني را که در دلهاشان مرضي هست مي بيني كه با سرعت در ميان آنها رفت و آمد ميکنند ، ميگويند ميترسيم حادثه بدي بما برسد ، وچه بسا که خداوند پيروزي يا امري از جانب خويش بياورد و آنها در آنچه که در** (دلهاي) **خويش پنهان ميداشتند پشيمان گردند (52) و مومنان گويند آيا اينها کساني بودند که سخت ترين قسم هاي خويش را به خدا ميخوردند که با شما هستند؟** (واینک ایگونه رفتار میکنند؟) **اعمالشان نابود شد و زيانکار گرديدند (53) اي مسلمانان ! اگر کسي از شما از دينش برگردد** (باکي نيست) **و خداوند بزودي قومي را خواهد آورد که دوستشان دارد و دوستش دارند که در مقابل مومنان متواضع و در برابر کافران عزتمندند . در راه خدا جهاد مي کنند و از سرزنش سرزنش کننده اي نگراني ندارند . اين فضل خداست که به هر کس خواهد ميدهد و خداوند وسعت بخش داناست (54) جز اين نيست که دوست و سرپرست شما خداوند ، و رسولش ، و مومناني هستند که نماز بپاميدارند و زکات ميدهند در حاليکه در رکوعند (55) و کسي که خدا و رسولش و مومنان را دوست و سرپرست بگيرد البته حزب خدا غالب خواهد بود (56)**

**اي مسلمانان ! كساني را که دين تان را به مسخره و بازيچه ميگيرند دوست و سرپرست مگيريد و از خدا پروا کنيد اگر مومن ميباشيد (57)** (همانها که) **وقتي شما را به نماز ميخوانند ، به سخره و بازيچه تان ميگيرند ، زيرا که بي خرد ميباشند (58) بگو اي اهل کتاب آيا به اين خاطر با ما مي ستيزيد که به خدا و نيز به آنچه که بسوي ما نازل شده و آنچه قبلا نازل شده ايمان داريم؟ و اينکه اکثرتان گناهکاريد؟ (59) بگو آيا به بدتر از اين كيفر از نزد خدا خبرتان بدهم؟** (کساني) **که خداوند لعنتشان کرده ، و بر آنها غضب نموده ، و از آنها ميمون هائي و خوک هائي و بندگان طاغوت قرار داده . آنها از لحاظ جايگاه بدتر و از راه معتدل گمراه ترند (60) و هنگاميکه بسوي شما مي آيند ميگويند ايمان آورديم ، در حاليکه با کفر به درون آمده و با كفر بيرون رفته اند (61) و بسياري از آنها را ميبيني که در گناه و تعدي و حرام خواري سرعت بخرج ميدهند ، چه زشت است كاري که مي کنند (62) چرا** (باصطلاح) **علماء رباني و روحانيونشان آنها را از گفتار گناه و خوردن حرام نهي نمي كردند؟ و اين البته کار بسيار زشتي بود که مي كردند (63) و يهوديان ميگويند دست خدا بسته است . دستانشان بسته باد و براي آن سخنشان لعنت شوند ، بلکه دستهاي او باز است و هر طور که خواهد انفاق مي کند و البته عده اي از آنها چنان خواهند بود که آنچه از جانب پروردگارت برتو نازل شده طغيان و کفرشان را زياد خواهد کرد ، و بين آنها تا روز قيامت دشمني و نفرت انداختيم . هر بار که آتشي براي جنگ برمي افروزند خداوند آنرا مي نشاند ، و در زمين به فساد ميکوشند و خداوند مفسدان را دوست نميدارد (64) و اگر اهل کتاب ايمان مي آوردند و تقوا پيشه مينمودند بديهايشان را ميپوشانديم و آنها را داخل بهشتهاي پر نعمت مينموديم (65) و اگر همان تورات و انجيل و آنچه را که از سوي پروردگارشان بسويشان نازل شده بود را هم بپاميداشتند ، هم از بالاي سرشان و هم از زير پايشان** (نعمت) **ميخوردند . از آنها عده اي ميانه رو ، و بسياري از آنها بد كارند (66)**

**اي رسول ! آنچه را که از جانب پروردگارت بسويت نازل شده تبليغ کن ، و اگر نکني رسالتش را نرسانده اي ، و خداوند تو را از مردم حفظ ميکند ، خداوند قوم کافران را هدايت نمي کند (67)**

**بگو اي اهل کتاب ! تا تورات و انجيل و آنچه که از جانب پروردگارتان بسويتان نازل شده را بر پا نداريد بر چيزي نيستيد ، و آنچه که از جانب پروردگارت برتو نازل شده کفرو طغيان بسياري از آنها را خواهد افزود ، پس بر قوم کافران اندوهگين مباش (68) البته مسلمانان و يهوديان و ستاره پرستان و مسيحيان ، هر کس که به خداوند و روز آخرت ايمان آورده و عمل شايسته کند نه نگراني داشته باشد و نه اندوهگين باشد (69) البته پيمان بني اسرائيل را گرفتيم و رسولاني بسويشان فرستاديم ، هر بار که رسولي بسويشان آمد که مخالف هواي نفس شان بود ، عده اي را تکذيب ، و عدّه اي را کشتند (70) و چنين پنداشتند که امتحاني نخواهد بود ، و کور و کر شدند ، آنگاه خداوند** (به توبه) **به آنها بازگشت ، آنگاه باز هم بسياري از آنها کور و کر شدند ، و خداوند به آنچه ميکنند بيناست (71)**

**کساني که گفتند که خداوند همان مسيح پسر مريم است . کفر ورزيدند ، در حاليکه مسيح گفت اي بني اسرائيل خداوند را كه پروردگارم و پروردگار خودتان است عبادت کنيد ، زيرا کسي که به خداوند شرک ورزد البته خداوند بهشت را بر او حرام خواهد کرد ، و جايگاهش آتش خواهد بود ، و ياوراني نخواهند داشت (72) کساني که گفتند خداوند سومي آن سه تاست ، کفر ورزيدند و خدائي جز خداي واحد نيست ، واگر از آنچه ميگويند دست نکشند به کافران آنها عذابي دردناک خواهد رسيد (73) آيا بسوي خدا توبه نمي کنند ، و از او آمرزش نميخواهند ، در حاليکه خداوند آمرزگار مهربان است؟ (74) مسيح پسر مريم جز رسولي نبود که قبل از او نيز رسولاني گذشتند و مادرش هم بسيار راستگو بود . آنها غذا ميخوردند . ببين چگونه آيات را برايشان بيان مي کنيم آنگاه ببين به کجا رانده ميشوند (75) بگو آيا بجاي خدا چيزي را عبادت مي کنيد که برايتان مالک نفع و ضرري نيستند؟ در حاليکه خداوند شنواي داناست (76)**

**بگو اي اهل کتاب ! در دينتان به ناحق غلو نکنيد و از هوا و هوس قومي پيروي نكنيد که قبلا گمراه شده­اند ، و عده زيادي را هم گمراه کرده اند ، و از راه معتدل دور گشته اند (77) کافران بني اسرائيل بر زبان داود و عيسي پسر مريم لعنت شدند ، بخاطر عصياني که مي­ورزيدند و تجاوزي که مي­نمودند (78) آنها از کارهاي ناپسند نهي نمي­نمودند . چه کار زشتي بود كه مي­کردند (79) بسياري از آنان را مي بيني که کافران را به دوستي و سرپرستي ميگيرند . چيزي که براي خويش پيش مي­فرستند چه بد است ،** (نتيجه اش اين است) **که خداوند بر آنان خشم کند و در عذاب جاودان باشند (80) و اگر به خداوند و پيامبر و آنچه بر اونازل شده ايمان مي آوردند ، آنها را دوستان و سرپرستان خويش نمي گرفتند وليکن بسياري از آنها فاسقانند (81)**

**از لحاظ دشمني با مسلمانان ، يهوديان و مشرکان را شديد ترين دشمنان خواهي يافت ، و از لحاظ دوستي نسبت به آنان ، نزديکترين کسان آنهائي هستند که ميگويند مسيحي هستيم . و آن به اين علت است که کشيشان و راهبان از آنها هستند و گردنكشي نمي كنند (82) و هنگامي که به آنچه بر رسول خدا نازل شده گوش ميدهند ، مي بيني از چشمشان اشک سرازير شده ، بخاطرآنچه که از حق شناخته اند ، و ميگويند پروردگارا ايمان آورديم پس ما را از گواهان بنويس (83) وچه مان شده که ايمان به خدا و آنچه که از حق بسويمان آمده نياوريم؟ در حاليکه اميد داريم که پروردگارمان ما را در ميان صالحان قرار دهد؟(84) و خداوند بسبب آنچه گفتند به بهشتهائي که نهرها در آن جاريست پاداششان داد که در آن جاودان خواهند بود و اين پاداش نيکوکاران است (85) و کافران و تکذيبگران آياتمان اهل جهنم خواهند بود (86)**

**اي مسلمانان ! چيزهاي پسنديده اي را که خداوند برايتان حلال نموده حرام نشماريد ، و تجاوز مکنيد ، که خداوند تجاوز کاران را دوست نميدارد (87) و از آنچه حلال و پسنديده روزيتان کرده بخوريد ، و از خدائي پروا کنيد که به او ايمان داريد (88) خداوند شما را به قسم هاي لغوتان باز خواست نمي کند ، وليکن به آنچه که قسم ها را آگاهانه براي آن ياد كرده ايد باز خواست مي کند ، و کفاره** (شكستن) **آن اين است که ده بيچاره را از غذاهائي که بطور متوسط به خانواده تان ميخورانيد خوراک دهيد ، يا بپوشانيد ، يا بنده اي آزاد کنيد ، و کسي که اينها را نمي يابد سه روز روزه بگيرد . اين کفاره قسمهايتان است ، پس حرمت قسم هايتان را نگهداريد . خداوند آياتش را چنين برايتان بيان مي کند شايد شکرگزاريد (89) اي مسلمانان ! جز اين نيست که شراب و قمار و سنگ هاي قرباني و چوبهاي قرعه ، پليديي از عمل شيطان است . از آن ها دوري کنيد شايد رستگار شويد (90) جز اين نيست که شيطان ميخواهد با شراب و قمار بين شما دشمني و كينه بياندازد ، و شما را از ياد خدا و از نماز بازدارد ، آيا دست مي کشيد؟(91) و خدا و رسول را اطاعت کنيد ،** (و از اين ها) **دوري کنيد ، پس اگر روي برگردانديد بدانيد که بر عهده رسولمان جز پيام رساني آشکار نيست (92) بر مومنانِ داراي عمل شايسته گناهي نيست در آنچه خورده اند ، هنگامي که تقوا و ايمان و عمل صالح داشته باشند ، و آنگاه باز هم تقوا داشته و ايمان آورده ، و باز هم تقوا داشته و نيکوکاري کنند ، و خداوند نيکوکاران را دوست ميدارد (93) اي مسلمانان ! خداوند حتما شما را به چيزي از شکار که دست و نيزه شما به آن ميرسد مي آزمايد ، تا کسي را که از او در نهان ميترسد مشخص کند ، پس هر کس که پس از آن تعدي کند عذابي دردناک خواهد داشت (94) اي مسلمانان ! شکار را در حال احرام نکشيد و کسي که عمدا آنرا بکشد كيفرش چارپائي است مانند آنچه كشته شده ، که دو نفر عادل از بين شما به آن حکم کند ، که قرباني باشد که به کعبه برسد ، يا اينکه کفاره اش غذا دادن بيچارگان يا معادل آن روزه است ، تا وبال کارش را بچشد . خداوند آنچه را که قبلا صورت گرفته مي بخشد ، و کسي که به آن عمل بازگردد خداوند از او انتقام ميگيرد ، و خداوند پيروزمند انتقامگير است (95) صيد دريائي و خوردن آن برايتان حلال شد که برخورداريي برايتان و براي رهگذران باشد ، و صيد خشکي برايتان مادام که در احرام هستيد حرام شد ، و از خدائي که بسوي او محشور خواهيد شد پروا کنيد (96) خداوند کعبه بيت الحرام را مايه قوام مردم قرار داد ، و نيز ماه حرام را ، و** (نیز) **بردن قرباني** (بينشان) **و قرباني قلاده دار را . براي اينکه بدانيد خداوند آنچه را در آسمانها و زمين است ميداند و خداوند به همه چيز داناست (97) بدانيد که خداوند در پيگيري شديد است و نيز اينکه خداوند آمرزگار مهربان است (98) بر عهده رسول چيزي جز رساندن** (پيام) **نيست و خداوند آنچه را که آشکار و پنهان مي کنيد ميداند (99) بگو پليد و پسنديده مساوي نيست ، و لو اينکه زياديِ پليد تو را به تعجب اندازد ، پس اي خردمندان از خداوند پروا کنيد شايد رستگار شويد (100) اي مسلمانان ! از چيزهائي سئوال نکنيد که اگر برايتان آشکار شد ناراحت خواهيد شد ، و اگر هنگامي که قرآن نازل ميشود درباره آنها سئوال کنيد برايتان آشکار خواهد شد ، و خداوند آمرزگار حليم است (101) قومي قبل از شما نيز درباره اش سئوال کردند و سپس به آن کافر شدند (102) خداوند راجع به شتر ماده گوش بريده ، وشتر ماده نذرِ بت شده ، و ميش دوقلوی نر ، و ماده زائيده ، و شتر نرِ دارای ده نتاج ، حکمي قرار نداده وليکن کساني که بر خدا افتراي دروغ مي بندند** (چنين گفته اند) **و اکثرشان تعقل نمي کنند (103) و وقتيکه به آنها گفته شود به سوي آنچه خدا نازل کرده و نيز بسوي رسول خدا بيائيد ميگويند آنچه پدرانمان را بر آن يافته ايم ما را بس است . آيا حتي اگر هم پدرانشان چيزي نميدانستند و هدايت نشده بودند** (باز هم شايسته است از آنها پیروی کنند؟) **(104) اي مسلمانان ! مواظب خودهاتان باشید ! کسي که گمراه شده ، اگر شما هدايت شده باشيد ، ضرري به شما نخواهد زد . بازگشتگاه همگي تان بسوي خداست و اوشما را به آنچه انجام ميداديد آگاه خواهد کرد (105) اي مسلمانان !** (حکم) **شهادت دادن وقتي که مرگ يکي از شما در رسيد** (اين است که)  **هنگام وصيت دوعادل از شما يا دو نفر ديگراز غير شما** (باشند) **اگر در مسافرت هستيد و مصيبت مرگ به شما برخورد ، آنها را پس از نماز بازداريد ، و قسم به خدا بخورند که اگر شک داريد** (بدانيد) **ما آن** (امانت) **را به قيمتي نخواهيم فروخت ، گر چه** ( به) **خويشاوند باشد ، و شهادت خدا را کتمان نمي کنيم ، که در آنصورت از گناهکاران خواهيم بود (106) در صورتيکه معلوم شد آنها گناهي مرتکب شده اند دو نفر ديگر جاي آنها را ميگيرند ، از آن کساني که** (به ميت) **اولويت دارند ، و قسم به خدا ميخورند که شهادت ما از شهادت آنان حق تر است ، واگر تجاوز کنيم از ظالمان خواهيم بود (107) اين** (روش) **براي اينکه حقيقتِ** (مورد) **شهادت حاصل شود نزديک تر است ، يا اينکه** (شاهدان) **بترسند که** (ممکن است) **قسم هائي پس از قسم هاي آنها خورده شود ، و از خدا بترسيد و بشنويد و خداوند فاسقان را هدايت نمي کند (108)**

**روزي که خداوند پيامبران را جمع مي کند و ميگويد چه جوابي دريافت کرديد؟ ميگويند علمي نداريم که تو خودت داناي پنهاني ها هستي (109) هنگامي که خداوند ميگويد اي عيسي پسر مريم ! نعمتم را بر خويش و بر مادرت ياد کن ، آن هنگام که تو را به روح القدس تقويت کردم که چه در گهواره و چه در بزرگي با مردم سخن ميگفتي ، و هنگامي که آن کتاب و حکمت و تورات و انجيل را به تو آموختم ، و آن هنگام که از گِل چيزي مانند پرنده به اذنم مي ساختي و در آن مي دميدي و باذنم پرنده اي ميشد ، و کور مادرزاد و مريض پيس را به اذنم شفا ميدادي ، و به اذنم مردگان را زنده ميکردي ، و هنگامي که** (دست) **بني اسرائيل را از تو بازداشتم ، همان موقعي که با آن دلايل روشن بسويشان آمدي و کافرانشان گفتند اين چيزي جز جادوئي آشکار نيست (110) و هنگامي که به حواريون وحي کردم که بمن و رسولم ايمان آوريد ، و گفتند ايمان آورديم و شاهد باش که ما تسليم امر توئيم (111) آن هنگام که حواريون گفتند اي عيسي پسر مريم ، آيا پروردگارت ميتواند بر ما از آسمان سفره اي نازل کند؟ گفت از خدا بترسيد اگر مومن ميباشيد (112) گفتند ميخواهيم از آن بخوريم و دلهامان آرام شود و بدانيم که بما راست گفته اي و بر آن گواهي دهيم (113) عيسي پسر مريم گفت خداوندا بر ما سفره اي از آسمان بفرست که براي ما عيد باشد ، چه براي** (پيروان) **اول ما و چه آخر ما ، و نشانه اي از جانب تو باشد ، و روزيمان ده، و تو بهترين روزي دهنده اي (114) خداوند گفت من آنرا بر شما نازل خواهم کرد ، اما کسي از شما که بعدا کفر ورزد او را عذابي کنم که هيچکس را چنان عذابي نکرده باشم (115) و هنگامي که خداوند به عيسي پسر مريم بگويد آيا تو بمردم گفته اي که مرا و مادرم را بجاي خداوند به خدائي بگيريد؟ ميگويد تو منزهي . مرا نميرسد که درباره خويش چيزي خلاف حق بگويم ، اگر گفته بودم ميدانستي ، آنچه در ضمير من است ميداني ، و من آنچه را که در وجود تو هست نميدانم ، البته تو خودت داناي غيب هستي (116) من به آنها چيزي نگفتم مگر آنچه که مرا به آن مامور کردي ، که خدا را بپرستيد که پروردگار من و شماست ، و خودم برآنها مادام که بين آنها بودم گواهم ، و هنگامي که مرا به وفات رساندي خودت مراقب آنها بودي و تو برهر چيزي گواهي (117) اگر عذابشان کني بندگانت هستند ، و اگر بيامرزيشان البته خودت پيروزمند فرزانه اي (118) خداوند ميگويد اين روزي است که راستگوئيِ راستگویان فايده شان ميرساند . بهشتهائي خواهند داشت که در کف آنها نهرها جاريست و در آن براي هميشه جاودان خواهند بود ، خداوند از آنها راضي و آنها نيز از او راضي خواهند بود و پيروزي بزرگ هم همين است (119) فرمانروائي آسمانها و زمين و آنچه در آنهاست از آنِ خداست ، و همو بر هر چيزي تواناست (120)**

**پیوست یک**

**مبانی**

**1**

**قرآن چیست؟**

اگر به متن قرآن مراجعه شود مشاهده خواهد شد که کلماتی که نشاندهنده خطاب مستقیم خداوند به رسول اکرم (ص) باشد در قرآن بسیار زیاد است ، کلماتی مانند :

ما ادریک- تری- الم تر- لک- ربک- لاتطع- اعرض- تسئلهم- مایدریک- اتاک- هل اتیک- انت- سلهم- یسئلونک- سبح- یستفتونک- قل- تقوم- تولّ عنهم- سنقروئک- علیک- فارتقب- نیسرک- اذکر- فانظر- ذکّر- اذکر- قومک- معک- بشّرهم- رحمه ربک- سالتهم- ادفع- بینک- ینزغنک- جعلناک- رایت- الیک- اصبر- لاتستجعل- استغفر- استعذ- انذر- یجادلونک- اخرجک- رمیت - اذ رمیت- یریکهم الله - فی منامک- لا تستعجل- استغفر- استعذ- فانبذ- یا ایها المدثر- یا ایها المزمل- یا ایها النبی- یا ایها الرسول – کن – لاتکن – ارسلناک - ............. - .

البته در قرآن خطاب­هائی مانند «یا ایها الذین آمنوا»(ای کسانی که ایمان آورده اید) هم هست. و از آن کمتر «یا ایها الناس»(ای مردم) و در موارد بسیار کمتر «یا اهل الکتاب»(ای اهل کتاب – ای یهودیان یا ای مسیحیان یا هردو - ) و از آنهم کمتر «یا ایها الذین کفروا»(ای کافران) نیز دیده می­شود اما خطاب­های مستقیم خداوند به پیامبر آنقدر زیاد است که حالت کاملاً غالب را دارد و خطاب­های اخیرالذکر را می­توان فرع بر آنها دانست و بعبارت دیگر می­توان «یا ایها الذین آمنوا» را «یا ایها النبی قل للمسلمین : یا ایها الذین آمنوا» دانست.

این خطاب­های مستقیم در قرآن چنان زیاد است که صفحه­ای را نمی­یابیم که خالی از لااقل یکی از آنها باشد ، و برعکس ، فراوانیِ آنها طوریست که در بعضی از صفحات به ده­ها مورد هم می­رسد.

بنابراین اولین چیزی که راجع به سئوال «قرآن چیست؟» می­توان گفت این است که :

**«قرآن مجموعه­ای از نامه­های خداوند به پیامبر است»** {«مجموعه» است زیرا قرآن 114 سوره دارد و نامه است زیرا قرآن خود را «کتاب» هم نامیده و یکی از معانی کتاب «نامه» است}

اینک اگر این «نامه»های متعدد را از **لحاظ حالت** آنها مورد مطالعه قرار دهیم می­بینیم وجهِ غالبِ بسیاری از آنها شبیه به آنلاین است.

وقتی که در قرآن می­خوانیم خداوند به پیامبر می­گوید درباره فلان موضوع از تو می­پرسند (یسئلونک) به آنان چنین بگو (قل) این شبیه به آنلاین است . یا کافران چنین ایرادی می­گیرند تو اینطور جواب بده ، واضح است که آن آیه نمی­توانسته قبل از طرح آن ایراد نازل شده باشد و لذا این نوع آیات هم شبیه به آنلاین است ، یا وقتیکه به پیامبر توصیه می­شود در فلان موضوع با آنان وارد بگو مگو نشو (فلاتمار فیهم) این مطلب نیزشبیه به آنلاین است ، یا وقتی می­گوید از تو نظر می­خواهند (یستفتونک) به آنان بگو خدا چنین به شما نظرمی­دهد (قل الله یفتیکم) این هم شبیه به آنلاین است.

اگر دقت کنیم خواهیم داد این موارد ، یعنی آیات و پاراگراف­های شبیه به آنلاین در قرآن اکثریت مطلق دارد و لذا می­توانیم در پاسخ سئوال «قرآن چیست؟» بگوئیم :

**«قرآن عبارت است از مجموعه­ای از نامه­های خداوند به پیامبر که اکثراً شبیه به آنلاین بوده است»**

اما همین قرآن «هدی للناس» هم هست و در همین قرآن به مردم توصیه شده در آن تدبر هم بکنند (افلا یتدبرون القرآن ... سوره نساء وسوره محمد(ص)) و درهمین قرآن قلمرو ماموریت پیامبر را « همه مردم و همیشه » (ماارسلناک الا کافّه للناس) دانسته و لذا باید این موضوعات را هم به تعریف قرآن اضافه کنیم و در نتیجه جواب سئوال «قرآن چیست» چنین می­شود:

**«قرآن عبارت است از مجموعه­ای از نامه­های سرگشاده خداوند به پیامبر(ص) که در زمان نزول اکثراً آنلاین بوده و پس از نزول اولیه برای مردمِ همه زمانها و همه مکانها قابل استفاده است و سبب هدایت آنها می­باشد و ضمنا مردم تشویق به خوض وغور در محتوای آنها شده اند»**

اینک اگر درباره ویژگی این نامه ها سئوال بیشتری شود میباید گفت که قسمت معتنابهی از این نامه ها به «زبان مَثَََل» است .

یعنی چه ؟

در ادبیات ما عباراتی مانند «قرص ماه» و «قرص خورشید» زیاد به کار رفته است.

باید بدانیم که کلمه «قرص» به چیزی صفحه مانند گِرد اطلاق می­شود ، و از همین ریشه عبارت «قرص نان» معروف است. و می­دانیم که «قرص نان» یک چیز صفحه مانند گِرد به قطر حدود 20 تا 50 سانتیمتر است و تصوری هم که از خورشید و ماه به نظرمان می­آید چیزی در همین حدود است ، در حالی که می­دانیم خورشید و ماه ، نه قرص هستند و نه قطر آن­ها 20 تا 50 سانتیمتر است.

اما با وجود این­ هنوز هم غزل­سرایان «رخ یار» را به «قرص ماه» تشبیه می­کنند .

خداوند فرموده «و لقد ضربنا للناس فی هذا القرآن من کل مَثَل» (و البته در این قرآن برای مردم از هر مثلی زدیم) یعنی یکی از روش­های بیانی قرآنی استفاده از «زبان مَثَل» است ، و البته ، چنان­که می­دانیم یک خاصیت مهم مَثَل این است که یک مفهوم دور از ذهن به واسطه آن به ذهن نزدیک می­شود . مثلاً سنگ برای همه مفهوم است اما ممکن است فولاد برای همه مفهوم نباشد لذا اگر بگوئیم فولاد مثل سنگ سخت و سنگین است ، در حقیقت مثلی زده­ایم ، گرچه فولاد از سنگ هم سخت­تر و هم سنگین­تر است .

حجم زیادی از مطالب قرآن از این نوع است . یعنی مطالب خیلی دور از ذهن را ساده کرده و با به کار بردن «زبانِ مَثَل­» آن­را به ذهن مخاطب نزدیک کرده است.

واقعاً چگونه می­توان مفهوم نهایت عزت و قدرت و شوکت و عظمت و رفاه و زندگیِ پر از رضایت­مندی را توصیف کرد و چگونه می­توان گفت ای بشر، تو زندگیی­ در پیش خواهی داشت که نسبتِ آن به زندگیِ فعلی ِ تو ، مانند نسبتِ زندگی فعلیت به زندگی جنینی توست؟

وقتی­که در قرآن می­خوانیم زندگی آخرتی اشخاص پسندیده در باغ­هائی است که در زیر آنها نهرها جاریست و همسران پاکیزه در آنند و خوردنی­ها و سایه هایش دائمی است و غیره و غیره ، در حقیقت موضوع را ساده کرده و به صورت مَثَل بیان نموده زیرا همان­طور که این جهان را نمی­توان برای جنین توصیف کرد ، آن جهان را نیز نمی­شود برای ما توصیف کرد.

در اینجا باید توجه کنیم که کل مفاهیمی مانند توصیف نعمت­های بهشتی، و عذاب­های جهنمی و نحوه حساب و کتاب در قیامت و خود قیامت (و حتی حوادث مقارن وقوع آن و یا حتی قبل از وقوع اما نزدیک به آن) و مفاهیم دیگری مانند عرش و قلم و لوح و کرسی و ابلیس و ملائکه و جنّ و امثال آنها که در قرآن ذکر شده ، همگی به «زبان مَثَل» است و مخاطب قرآن باید همواره توجه داشته باشد که هنگام مطالعه قرآن وقتیکه به چنین مفاهیمی می­رسد ، کافیست معتقد باشد چنین چیزهائی (آنطور که قرآن بیان کرده) هست ، اما نباید انتظار داشته باشد چگونگی و کیفیت آنها را به طور دقیق درک کند زیرا این محال است ، همانطور که محال است بتوان کیفیت این جهان را برای جنینِ داخل رحم توصیف نمود .

لذا این راهم باید به جوابِ سئوالِ «قرآن چیست؟» اضافه نمود :

**«قرآن عبارت است از مجموعه­ای از نامه­های سرگشاده خداوند به پیامبر(ص) که در زمان نزول اکثراً آنلاین بوده و پس از نزول اولیه برای مردمِ همه زمانها و همه مکانها قابل استفاده است و سبب هدایت آنها می­باشد و بخش عمده ای از مطالبش را که درباره موضوعاتی است که درک آنها برای بشر محال است ، به زبانِ مَثَل بیان کرده است »**

امااگر این «نامه» ها را **ازلحاظ اینکه چه نوعی ازسخن هستند** مورد بررسی قرار دهیممی بینیم یکی از اسامیی که خداوند بر قرآن نهاده به ما کمک میکند تا بتوانیم «چه نوعی از سخن بودن» قرآن را معین کنیم .

خداوند علاوه بر اسامیی مانند هدی و تبیان و نور و ذکر و فرقان و غیره، قرآن را "موعظه" هم نامیده است (پس موعظه هم هست و لذا نمی­تواند با روش موعظه­گران بیگانه باشد)

روش موعظه­گران دو محور دارد که یکی از آنها این است که مطالب آنها «**جُنگ**»ی است حاوی مطالب متنوع که همه در جهت واحدی هستند . یعنی یک منظور در همه آنها دنبال می­شود . لذا اگر کسی بتواند منظور یکی از آن عناصر متنوع را دریابد منظور سایر عناصر را نیز دریافته است .

محور دیگر روش موعظه­گران این است که آنها در باره آنچه که به نظرشان «مهم­تر» می­آید ، «بیشتر» سخن می­گویند.

اینکه در روایاتی داریم که سوره اخلاص یک سوم و سوره کافرون یک چهارم قرآن است به این معنی است که چون خداوند به دو موضوعِ توحید و دوری از کافران خیلی اهمیت می­داده ، از لحاظ کمّی ، آن مقادیر قابل توجه (33% و 25%) را به آن دو موضوع اختصاص داده است .

اگر نکته اخیر را نیز به تعریف قرآن اضافه کنیم جواب سئوال «قرآن چیست؟» اینطور خواهد شد :

**«قرآن عبارت است از :**

**1 - مجموعه­ای از نامه­های سرگشاده خداوند به پیامبر(ص) که هرکدام از آنها سوره نامیده شده ،**

**2 – اکثر مطالب سوره ها در زمان نزول شبیه به آنلاین بوده ،**

**3 - و پس از نزول اولیه برای مردمِ همه زمانها و همه مکانها قابل استفاده است و سبب هدایت آنها می­باشد ،**

**4 - ضمنا مردم تشویق به خوض وغور در محتوای آنها شده اند،**

**5 - و بخش عمده ای از مطالبش که حاوی موضوعاتی است که درک آنها برای بشر محال است ، به زبانِ مَثَل گفته شده است،**

**6 – وهر سوره از لحاظ نوع سخن ، موعظه است ، ودر آن ، درباره مطالبِ دارایِ اهمیتِ بیشتر، بیشتر سخن گفته شده است »**

[موضوع انتهائیِ تعریفِ فوق ، یعنی رابطه کمیت و اهمیت ، اصلی ترین محور روش تفسیریِ این تفسیر است ! !]

**توضیح بیشتر :**

این موضوع ، یعنی استنباط های کیفی از نتایج کمّی یکی از عاقلانه ترین کارهای بشر است که برای آن میتوان نمونه های متنوعی برشمرد:

1 – خودِ روندِ رای گیری در مجامع رسمی ، مانند مجالس قانونگذاری و مجمع عمومی سازمان ملل (که کلمه های پرتکرار روسای جمهوری را می شمارند و از آن نتایج مفهومی میگیرند) خودش یک استنباط کیفی از نتایج کمّی است .

2 – کار دانشمندان علوم تجربی ، که در آزمایشاتشان در اثر تکرار یک آزمایش ، از نتایج کمّیِ یک آزمایش نتایج مفهومی میگیرند .

3 – مثال در این خصوص زیاد است ، اما همین دو مثال آنقدر شیوع و آنقدر در زندگی عادیِ همگی مان مستقیما تاثیر دارد که ما را از ذکر مثال های بیشتر معاف میکند .

ما هم در این تفسیر همین کار را کرده ایم :

در هر سوره پر تکرار ترین مفهوم را پیداکرده ، و آن را به عنوان محور سخن در نظر گرفته ایم .

**2**

**«تفسیر قرآن» چیست؟**

بهتر است در ابتدا مثالی بزنیم :

به یک کودک 4 – 3 ساله میگوئید خورشید را برایم وصف کن .

او یک چیزی شبیه دایره میکشد و داخلش را هم به رنگ زرد رنگ آمیزی میکند و چند شعاع هم از محیط آن به اطراف می پراکَنَد و میگوید خورشید این است .

آیا توصیفی که او از خورشید کرده صحیح است؟

بله . برای بچهء به آن سن صحیح است .

حالا اگر همان سئوال را از یک پروفسور نجوم که احیانا در سازمان ناسا هم یک شغل مهمی دارد بپرسید چه خواهد گفت؟

او در جواب شما – تازه اگر بخواهد خلاصه گوئی کند – صدها صفحه مطلب پر از فرمولها و نمودار ها و تعاریف پایه و چه و چه پر خواهد کرد و خواهد گفت خورشید این است .

آیا توصیفی که او از خورشید کرده صحیح است؟

بله . برای پروفسوری مانند او صحیح است .

حالا اگر همان سئوال را از خداوند که آفریدگار خورشید است بپرسیم جواب او چه خواهد بود؟

نمیدانیم . اما این را میدانیم که جواب خداوند را نه آن بچه ، و نه ما آدم های معمولی ، و نه آن پروفسور متخصص ، نخواهند فهمید

توصیف آن کودک از خورشید ، تفسیر او از خورشید ، و توصیف آن پروفسور هم تفسیر او از خورشید ، وجواب خداوند هم تفسیر خداوند از خورشید است و هر سه هم صحیح است .

تفسیر قرآن هم چنین چیزی است .

برای فهم بهتر مطلب بهتر است ابتدا سئوالی مطرح کنیم و پس از پاسخ دادن به آن به ادامه این بحث برگردیم :

سئوال : **آیا میتوان برهمه معانی قرآن کریم احاطه پیدا کرد؟**

جواب : **نه !**

ذیلا در توضیح «نه» فوق چند نمونه قرآنی می آوریم :

**نمونه اول** : در آیات 142 تا 149 سوره بقره موضوع تغییر قبله

مطرح است . یعنی پیامبر (ص) در وسط نماز نزدیک 180 درجه چرخید و از طرف مسجد الاقصی به طرف کعبه رو کرد و بقیه نماز را در جهت جدید ادامه داد وپس از پایان نماز در جواب نماز گزاران متعجب توضیح داد که این کار را به وحی کرده است و نه به نظر شخصی خویش .

امروز پس از اینهمه قرن ها و تکامل یافتن روش های مهندسی – واخیرا عکس برداری های ماهواره ای – معلوم شده است که جهتِ انتخابیِ آن روزِ پیامبر(ص) صحیح بوده است ، واین موضوعی است که تا اوایل قرن بیستم معلوم نشده بود .(مشروح مطلب را ذیل همان آیات (درسایتtafsir.jamal-ganjei.com درقسمت تفسیر در بخش 10 در اوایل سوره بقره مطالعه کنید)

**نمونه دوم** : آیات 4تا 7 سوره اِسراء بطور وضوح حاوی پیشگوئی وضعیت یهودیان است ومی باید قرن ها از نزول قرآن میگذشت تا آنطور که امروز فهمیده میشود فهمیده شود(مشروح این مطلب را هم درلینک 14 همان سایت اگر مایل بودید پیگیری فرمائید)

**نمونه های دیگر** : از این نوع نمونه ها چنان زیاد است که اگر فقط بخواهیم عناوین آنها را ذکر کنیم طولانی خواهد شد اما همین دو تا برای نشان دادن عدم امکان احاطه برقرآن کافی است زیرا درقرآن مطالبی هست که پس از 14 قرن ، بشرِ امروز تازه توانسته بعضی از وجوه معانی آن را دریابد وبه قرینه میتوان دانست که مطالبی هم هست که حتی بشر امروزهم به کنه آنها راه نیافته وپس از گذشت ازمنه و دهور برای بشر آینده کشف خواهد شد . یعنی اینکه بشر نمیتواند به کنه قرآن دست پیدا کند اما درعین حال تشویق شده به تدبر دائمی در آن بپردازد (مثال کودک و پرفسور و خداوند را که از یاد نبرده اید !)

یعنی اینکه هرکسی میتواند چیزی از قرآن بفهمد (تفسیر کودکانه) اما همگان تشویق شده اند فهم خویش را بالا ببرند (تفسیر عالمانه) اما ضمنا باید متوجه باشند که دست یابی به فهم کامل آن (یعنی تفسیری مطابق فهم خداوند) محال است .

اینک میتوانیم به سئوال مطرح شده درتیتراین فصل برگردیم وبپرسیم **منظور از«تفسیر قرآن » چیست ؟**

**منظور از «تفسیر قرآن» کوشش برای فهم قرآن توسط مخاطب های قرآن یعنی مردم هر عصر است که توسط خود قرآن به چنین کوششی تشویق شده اند .**

واضح است که خداوند از قرآن یک چیزی می فهمد و یک آدم عالِم یک چیزی می فهمد و علمای مختلف چیزهای مختلفی می فهمند و آدم عامی هم یک چیزی می فهمد . تفسیر هرکس از قرآن همان فهمی است که او از قرآن دارد.

مفسر با توجه به بضاعت علمی خویش ، و بکار گرفتن امکانات تحقیقی و فهمی خویش ، در نهایت میگوید که **او** از آن جمله یا آیه یا عبارت یا اشاره یا پاراگراف یا سوره چه می فهمد و آنچه **او** فهمیده ، **تفسیر او** از آن جمله یا آیه یا عبارت یا اشاره یا پاراگراف یا سوره است (مثال بچه وپروفسور و خداوند را مجددا یادآوری میکنیم)

این کار ، یعنی تفسیر قرآن ، یک کارِ علمیِ صِرف است ودرستیِ نِسبی هر تفسیر(مانند هرکار علمی در هر موضوع علمی دیگر) به میزان علم وقدرت استنباط مفسر بستگی دارد ولذا تفسیرها میتوانند مانند هر نتیجه علمیِ دیگر به خوب و بد وغلط و ضعیف و قابل قبول وعالی دسته بندی شوند .

**امروز چه نیازی به تفسیر خوب از قرآن داریم؟**

انسان ، صرفنظر از نوع زندگی و سطح برخوداریش از علوم ونتایج آن مشخصات ثابتی از خود بروز داده و مثلا انسان قدیم که پیاده وانسان امروز که اتوموبیل وجت سوار است همگی فضایل انسانی مشابهی از خود بروز داده اند ومیدهند ، فضایلی مانند حقیقت طلبی و عدالت خواهی وزیبائی دوستی وپیشرفت طلبی وامثال آن.

امروز هم انسان(صرف نظر از تفاوت های تکنولوژیک و سطح زندگی) از لحاظ دغدغه های خاطر مانند انسان های پیشین است و به قرینه میتوان گفت که انسان های فردا نیز(ازلحاظ همان دغدغه خاطرهای خاص انسانها) مانند انسان های امروز خواهند بود ولذا وقتیکه مفسر (درهر عصری) توانست جواب دغدغه خاطر های خودر از قرآن بگیرد دیگر مانعی نخواهد داشت که بهترین گزینه را اختیار کند .

اگر بخواهیم این مطلب را با توضیح بیشتر عرض کنیم میتوانیم چنین بگوئیم :

یک ربات – هرقدر هم که پیچیده و تکامل یافته باشد – «برنامه» ای دارد که بر اساس آن عمل میکند .

انسان برچه اساسی عمل میکند؟

انسان بر اساس «فکر» خویش عمل میکند .

البته در اینجا باید بگوئیم که «فکر» انسانی درجه بندی هایی دارد . مثلا اینکه «جزء از کلّ کوچکتر است» یک فکر است وهمه آن را دارند ، اما اینکه «جهان بر مبنای حکیمانه ای آفریده شده» نیز یک فکر است که فقط بعضی ها آن را دارند و منظورما از «فکر» این نوع از فکر ها است .

فکر انسان از کجا وارد ذهن او میشود ؟

انسان از منابع متعددی فکر میگیرد : خانواده ، دوستان ، رسانه ها ، دروس مدرسی ودانشگاهی ، تحقیقات و مطالعات شخصی ، وغیره وغیره .

قرآن هم یکی از منابع دریافت فکر است و ضمنا بهترین آنها هم هست ، و اگر کسی منبعِ اصلیِ دریافتِ فکرِ خودرا قرآن قراردهد کم کم چنان میشود که رفتار او در مقایسه با دیگران به بهترین رفتار تبدیل میشود و چون دیدیم که تفسیرهای مختلف از قرآن میتواند – بسته به نوع تفسیر و نوع مفسر – متفاوت و حتی متضاد باشد لذا همواره جای این دغدغه خاطر هست که « این تفسیری که دارم استفاده میکنم چقدر خوب و صحیح است ؟»

بنابر این ، شخصی که این دغدغه خاطر را دارد که رفتارهایش بر مبانی درستی مبتنی است یا نه ، - اگر قرآن را به عنوان بهترین منبع دریافت فکر پذیرفته باشد - دغدغه خاطر او به این دغدغه جدید منتقل میشود که آیا این تفسیری را که دارم استفاده میکنم بهترین تفسیر هست یانه ؟

چون همواره درطول تاریخ بشر همیشه آدم هائی با دغدغه خاطر های والای انسانی بوده اند وبازهم خواهند بود ، جوابِ سئوالِ تیترِ این قسمت – یعنی **«امروز چه نیازی به تفسیرخوب از قرآن** **داریم؟»** جواب آنها هم خواهد بود .

**3**

**اهمیت روش**

**ومعرفی روشی که در این تفسیر بکار میگیریم**

به یک نقاش هنرمند می­گویید یک دایره رسم کن. او این کار را به سهولت انجام می­دهد. به او می­گویید دایره دیگری رسم کن که درست مانند اولی و هم اندازه آن باشد ، او ممکن است بتواند . در هر حال دایره­ای رسم می­کند . اما نمی­توان مطمئن بود که به اندازه اولی است مگر اینکه امتحان شود . یعنی یکی از آنها بر دیگری منطبق شود . تازه اگر منطبق هم بشوند معلوم نیست دایره باشند . شاید بیضی­هایی باشند که بسیار شبیه دایره­اند و برای اثبات دایره بودن آنها باید آزمایش­هایی - نه چندان آسان – نمود .

تازه ، این کارِ سخت ، یعنی کشیدن دایره­ای که دایره باشد و دایره دیگری که مثل اولی باشد کار هر کس نیست . نقاش هنرمند می­خواهد . اما اگر یک ابزار ساده دایره­کشی ، یعنی یک پرگار، بدست حتی یک بچه هم بدهیم ، او قادر خواهد بود هر تعداد دایره­ای که از او خواسته شود بکشد . اگر شعاع خاصی را برایش مشخص کنیم می­تواند بینهایت دایره بکشد که همه با هم مساوی و بر هم قابل انطباق باشند .

مثال فوق **اهمیت روش** را برای ما روشن می­کند .

اگربتوان برای کشف «پیام»های سوره­ها روش مطمئنی ابداع کرد، آیا خدمت مهمی به علم تفسیر قرآن نیست؟

**روشی که در این تفسیر پیگیری می­شود :**

در این تفسیر تحلیلی دو قدم ذیل بطور واضح ملاحظه می­شود:

چنانکه قبلا در انتهای فصل 1 دیدیم خداوند قرآن را موعظه هم نامیده ولذا قرآن موعظه هم هست ولذا نمیتواند از نوعِ سخن گوئیِ موعظه گران به دور باشد ، و درهمانجا هم دیدیم که نوعِ سخنِ موعظه گران دو مشخصه دارد :

1 - مطالب آنها «جُنگ»ی است حاوی مطالب متنوع ، که همه در جهت واحدی هستند . یعنی یک منظور در همه آنها دنبال می­شود .

لذا اگر کسی بتواند منظور یکی از آن عناصر متنوع را دریابد منظور سایر عناصر را نیز دریافته است .

2 – آنها درباره آنچه که به نظرشان «مهم­تر» است ، «بیشتر» سخن می­گویند.

این دو محور میتوانند کمک کنند روشی ابداع کنیم که به کمک آن ، آدم های معمولی هم بتوانند به اندازه استعدادشان به تفسیر قرآن بپردازند . (مثال بچه وپرگار را که به یاد دارید!)

این روش دو محور دارد :

1 – ابتدا سعی میشود کشف شود محتوای هر سوره قرآن شامل چه موضوعاتی است .

2 – سپس سعی میشود کشف شود کدام موضوعات بیشترین حجم را در آن سوره به خود گرفته است .

ما براساس این دو محور الگوریتمی ساخته ایم که :

1 - به کمک آن ، پیام هر سوره براحتی استخراج میشود.

2 – سپس به کمک پیامِ استخراج شده سعی میشود سوره بازخوانی شود و در این حالت خودِ کاربر درک میکند که نسبت به قبل دارد بهتر می فهمد .

الگوریتم مورد بحث را (که شبیه همان پرگار دردست بچه دایره کَش است) در فصل 5 به وضوح کامل آموزش میدهیم ، اما بهتر است بدانید که کلِّ سوره های قرآن کریم به کمک همان الگوریتم پیام یابی شده ودر کتاب «راهنمای تحلیلی» در سایتِ tafsir.jamal-ganjei.com موجود است .

**4**

**«اصلی وفرعی» در محتوای قرآن**

دور و بر 40 سال پیش در قرآن های زیر نویس دارِ قطعِ بزرگ ، متعلق به انتشارات کتابفروشی اسلامیه ، و ناشران مشابه ، درانتهای قرآن ها دو فهرست دیده میشد : کشف الکلمات و کشف المطالب .

کشف الآیات کاربریِ یافتنِ کلماتِ موردِ جستجو را داشت که پس از پیدایش ورواج «المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم» (تالیف مرحوم فواد عبدالباقی مصری) از رونق افتاد و جستجو گران از مرجع کاملتر و بهتر اخیر الذکر استفاده میکردند که تصور این است که هنوز هم بهترین است وامروزه اینهمه سایت های جستجوی کلمات قرآنی ونیز کتاب هائی که به تقلید ازآن - علیرغم ظاهر بهتر و ابتکاراتی که برای افزودن به جذابیتشان بکار برده اند – پیدایش یافته اند ، نتوانستند جای آن را بگیرند .

درهمان برهه زمانی یک کتاب قطور دیدم که مولف آن کسی به نام «پرفسور ژول لابوم» - فرانسوی – بود وخود کتاب هم درقرن 18 نوشته و در اروپا منتشر شده بود و چیزی که از آن کتاب به یادم مانده این است که بحث مفصلی درباره ترتیب نزول سوره ها و نیز بحث مفصل دیگری درباره محتوای مطالب قرآنی داشت که برای من که در آن روزها تازه دانشجوی رشته مهندسی شده بودم جالب بود وعناوین موضوعاتی که برشمرده بود – تا آنجا که میتوانم به خاطر بیاورم - دور و بر دویست عنوان بود . البته بعدها دانستم که کسان دیگری (مانند « نولدکه » آلمانی وبعضی دیگر) تقریبا همزمان کارهای خوب تحقیقاتی مشابه دیگری کرده بودند . و همچنین دانستم که آن «کشف المطالب» انتهای قرآن های مذکور ، ترجمه یکی از معاریفِ آن روزها از کتاب ژول لابوم بوده که بدون ذکر نام او صورت گرفته است .

یک روز که در نمازخانه دانشگاه با چند نفر دیگر از دانشجویانِ همعلاقه به گپ و گفت مشغول بودیم تصمیم گرفتیم از بقیه دانشجویان نماز خوان بپرسیم که محتوای مطالب قرآن چیست .

نتیجه این تحقیق حیرت انگیز بود . تقریبا همگی پاسخ دهندگان حداکثر پنج یا شش عنوان میگفتند که همگی در وحدانیت خداوند و رسیدگی پس از مرگ و داستانهای عبرت آموز پیامبران مشترک و در عناصر بعدی متفرق و مختلف بودند .

بعدا جمع بندی من این شد که هردو جواب مقبول است : زیرا جواب پاسخ دهندگان تحقیق میدانی ناظر به « موضوعات اصلی » ، و مندرجات کتاب های ژول لابوم و نولدکه و کشف المطالب مذکور – وبعدا دکترمحمود رامیار- ناظر به زیرشاخه های آن موضوعاتِ اصلی بود .

بعدها درک کردم که خود قرآن نیز این دونوع تقسیم بندی را می پذیرد مثلا آنجا که میگوید «آتیناک **سبعا** من المثانی...» نظر به موضوعات اصلی دارد و آنجا که میفرماید «احکمت آیاته ثم **فصّلت**....» به زیر شاخه ها نظر دارد .

فکر اولیه این نوع تفسیر – چنانکه قبلا گفته ام – 41 سال قبل به ذهن جوان من خطور کرد و هر دوعنوانِ مذکور ، یعنی موضوعات اصلی و موضوعات فرعی ، یکی از دغدغه های خاطرم بود. با مراجعات مکرر در مکرر به خود متن قرآن دانستم که موضوعات اصلی قرآن از 12 عنوان اصلی بیرون نیست ، که هریک موضوعاتِ فرعی خودش را دارد که ذیلا به ترتیب الفباء می بینید:

**احکام**(اجتماعی – اخلاقی – فردی)

**آخرت**(قوانین جزاء – عذاب نعیم – سایر)

**پیامبر**(آموزش الهی به او – تقریرات الهی – هدف ارسال او – احکام خاص او – انتقاد الهی از او – تحسین الهی از او – تکریم او – توصیف او – دلداری به او – زنان او – مژده به او)

**پیامبران**(آدم – ابراهیم - ..........یونس)

**حکمت**(تعلیل – فلسفه و عرفان – قوانین حاکم بر....- مثال ها – فلسفه تاریخ – سایر)

**خداوند**(افعال – صفات – شئون خاص – سایر)

**قرآن**(توصیف – حجیت – نقش اصلی – وحی)

**قسم** ها(به عناصرطبیعی – به عناصر ماوراءحس – سایر)

**قیامت**(اهمیت – حوادث مقارن وقوع – توصیف – حتمیت – حکمت –قوانین جزاء – سایر)

**ماوراءحس**(روح – جن – شیطان – ملائکه - شب قدر – داستان آفرینش – سایر)

**مردم**(عموم مردم – خوبان - بدان – پیشینیان – انسان – سایر)

**حروف مقطعه**

**5**

**آموزشِ روش**

در اینجا یکی از سوره­های کوچک – سوره فجر - برگزیده شده تا ضمن آموزش روش ، ازطولانی شدن متن احتراز شود .

چنانکه در انتهای فصل 3 گفته ایم میخواهیم نشان دهیم که چگونه میتوانیم یک «عصاره» از سوره بدست آوریم که بتوانیم به کمک آن سوره را بهتر بفهمیم . برای این کار :

1- اولاً در جدولی مانند (جدول 1) اجزاء و عناصر سوره را کلمه­شماری می­کنیم.

﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

وَالْفَجْرِ ﴿1﴾ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ﴿2﴾ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ﴿3﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ ﴿4﴾ هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ ﴿5﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ﴿6﴾ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿7﴾ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ﴿8﴾ وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ﴿9﴾ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ﴿10﴾ الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ﴿11﴾ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ﴿12﴾ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ﴿13﴾ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴿14﴾ فَأَمَّا الْإِنسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ﴿15﴾ و َأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ﴿16﴾كَلَّا بَل لَّا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ﴿17﴾وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿18﴾ وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا ﴿19﴾ وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿20﴾ كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿21﴾ وَجَاء رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿22﴾ وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ﴿23﴾ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿24﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ﴿25﴾ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ﴿26﴾ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿27﴾ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿28﴾ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿29﴾ وَادْخُلِي جَنَّتِي ﴿30﴾

**جدول (1)**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| آیه | عنوان اصلی | عنوان فرعی | توضیح مختصر در صورت لزوم | تعداد کلمه |
| 5-1 | قسم | عناصر طبیعی | سپیده­دم، جفت و تک، انتهای شب | 14 |
| 13-6 | مردم | گذشتگان | فرعون و ثمود و ... طغیان، هلاکت | 35 |
| 14 | خداوند | افعال | کمین­کشی در مورد طاغیان | 3 |
| 16-15 | مردم | انسان | نکوهش، مال را ملاک دوری و نزدیکی به خدا تصور می­کنند | 21 |
| 20-17 | مردم | انسان | نکوهش، وظایف مالی­تان را انجام نمی­دهید | 18 |
| 23-21 | آخرت | قیامت | حوادث همزمان با وقوع قیامت | 20 |
| 26-23 | آخرت | جهنم | عذاب کافران | 14 |
| 30-27 | آخرت | بهشت | نعیم مؤمنان | 14 |
| جمع | | | | 139 |

2- در جدولی مانند (جدول 2) ، جمع تعداد کلمات هر **عنوان اصلی** را بدست آورده و به ترتیبِ نزولی(از زیاد به کم) مرتب می­کنیم:

**جدول (2)**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| ردیف | عنوان اصلی | توضیح مختصر در صورت نیاز | تعداد کلمه | درصد از کل |
| 1 | مردم |  | 74 | 2/53 |
| 2 | آخرت |  | 48 | 5/34 |
| 3 | قسم |  | 41 | 1/10 |
| 4 | خداوند |  | 3 | 2/2 |
| جمع | | | 139 | 100 |

3- اینک با توجه به (جدول 2) می­دانیم «بیشترین» تکیه مطالب سوره، «بترتیب» ، روی چه موضوعاتی است . اگر همین روند را پیگیری کنیم و بفهمیم هر «عنوان اصلی» (جدول 2) چه تقسیماتی دارد و شامل چه «عنوان­های فرعی» می­شود کمک زیادی به روشنی مطلب می­نماید و لذا دوباره به (جدول 1) برمی­گردیم و جدول­هایی تشکیل می­دهیم که «عنوان­های اصلی» آنها مشترک و بترتیبِ اکثریتِ (جدول 2) باشد.

**جدول (1/3)**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| آیه | عنوان اصلی | عنوان فرعی | توضیح مختصر در صورت لزوم | تعداد کلمه |
| 13-6  16 و 15  20-17 | مردم  مردم  مردم | گذشتگان  انسان  انسان | فرعون و ثمود و ... طغیان، هلاک  نکوهش، مال را ملاک فضیلت می­دانید  نکوهش، وظایف مالی­تان را انجام نمیدهید | 35  21  18 |
| جمع | | | | 74 |

4- به همان ترتیبی که از (جدول 1) به (جدول 2) رسیدیم، می­توانیم از (جدول 1/3) به (جدول 1/4) برسیم:

**(جدول 1/4)**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| عنوان اصلی | عنوان فرعی | توضیح مختصر در صورت لزوم | تعداد کلمه | درصد |
| مردم  مردم | انسان  گذشتگان | نکوهش، مال را ملاک فضیلت می­دانید و وظایف مالی خویش را انجام نمی­دهید  نکوهش، طغیان آنها و هلاکشان | 39  35 | 7/52  3/47 |
| جمع | | | 74 | 100 |

نکته غالب در این جدول، نکوهشِ «ملاکِ فضیلت دانستنِ مال» است. و این دستاوردمان در این مرحله است و چون این دستاورد در حقیقت از جدول 1/4بدست آمده است می­توانیم به اختصار آن را درج 1/4 بنامیم . بهتر این است که در این مرحله ، این دستاورد را ثبت کنیم:

|  |
| --- |
| **«درج 1/4»: نکوهش انسان­هائی که مال را ملاک فضیلت می­دانند و به وظایف مالی خود عمل نمی­کنند .** |

5- به همین ترتیب، بازاء هر عنوان اصلی در (جدول 2) ، یک (جدول 3) خواهیم داشت که یک (جدول 4) هم از آن بدست خواهد آمد و از آن نیز، یک «درج 4» خواهیم داشت:یعنی خواهیم داشت :

|  |
| --- |
| **«درج 2/4»: عذاب کافران و نعیم مؤمنان** |

|  |
| --- |
| **«درج 3/4»: زمان، نور، روشنائی** |
| **«درج 4/4»: خداوند در کمینگاه است** |

6- اینک همه دستاوردهایمان را (یعنی «درج 4»ها را) در یک جدول گردآوری می­نمائیم:

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| شماره جداول درج­ها | عنوان اصلی | عنوان فرعیِ دارای اکثریت | ذکر مختصر «درج» مربوطه | درصد |
| 1/4 | مردم | انسان | مال را ملاک فضیلت می­دانید و وظایف مالی خود را انجام نمی­دهید | 2/53 |
| 2/4 | آخرت | بهشت و جهنم | عذاب کافران و نعیم مؤمنان | 5/34 |
| 3/4 | قسم | عناصر طبیعی | زمان، نور، روشنائی | 1/10 |
| 4/4 | خداوند | افعال | در کمینگاه است | 2/2 |

7- اینک باید از جدول فوق که عناصر آن، هر کدامش یک «دستاورد» است، یک «**دستاوردِ دستاوردها**» بدست بیاوریم، یعنی همان عصاره مورد جستجو را که آن را «**درس**» سوره مینامیم .

برای این کار باید روی «جدول درج­ها» دقیق و متمرکز شویم.

با توجه به درصدها ، «وزن» همان ردیف اول جدول «درج­ها» بیش از 50% کل سوره است و لذا بیشترین سهم را در بوجود آمدن «درس» خواهد داشت.

بطور خلاصه ، دید حاصل از سطر اول، این است که در آن سطر، اشخاصی که مال را ملاک فضیلت می­دانند مورد نکوهش قرار می­گیرند. اگر با این دید به سطرهای دیگر نگاه کنیم، سطر 2 و سطر 4 را نیز با این مفهوم هماهنگ می­بینیم. به این معنا که در سطر 2 به این نوع افراد هشدار عذاب و به اضداد آنها وعده بهشت می­دهد و در سطر 4 نیز خداوند را در کمینگاه توصیف می­نماید که با همین معنا هماهنگ است. لذا با جمع­بندیی که از سه سطر مذکور بعمل می­آوریم می­توانیم به چنین خلاصه و عصاره ای برسیم :

|  |
| --- |
| **درس: نکوهش مال دوستی افراطی و ارزش دانستن آن و هشدار به کسانی که چنین صفتی دارند.** |

**قدم دوم** این خواهد بود که برای هر «پاراگراف» ، در روشنائیِ «درس» سوره ، نوعی «عصاره» پاراگراف بدست بیاوریم که میتوانیم اصطلاحا آن را «درب» بنامیم.

به عبارت دیگر **قدم دوم** ما این است که برای همه پاراگراف­ها «درب» آنها را پیدا کنیم :

در پاراگراف اول که آیات 1 تا 5 باشد ، صحبت از «قسم به روشنایی» و «قسم به شبهای دهگانه» و «قسم به جفت و تک» و «قسم به رفتن شب» است . از سوی دیگر در «درس» سوره از نکوهش افراط در مالدوستی ، و نکوهش ارزش دانستن آن ، و هشدار به کسانی که چنین هستند ، سخن رفته است .

برای پیدا کردن «درب» باید بین این دو مطلب ارتباط برقرار کنیم.

چه ارتباطی ممکن است وجود داشته باشد بین نکوهش­ و هشدارِ مندرج در درس ، و مواردی که به آنها قسم یاد شده است ؟

اگر دقت کنیم به سهولت در می یابیم که آن قسم­ها چهار مقوله اند :

1- دمیدن صبح

2- پایان یافتن شب

3- ده شب

4- جفت و تک

معلوم است دو مقوله اول مثبت و خیر و امیدبخش است ، طبعاً انتظار داریم دو مقوله دیگر هم همینطور باشد . از دو مقوله باقیمانده اگر روی مقوله «ده شب» متمرکز شویم بیادمان خواهد آمد که در مجموعه معارف اسلامی دو فقره «ده شب» داریم که خیلی مورد توجه و عنایت است که یکی ده شب آخر ماه رمضان و دیگری ده شب اول ذیحجه است که در آنها دعوت به نماز و ذکر و عبادت و کم­خوابی شده است .

مقوله دوم که جفت و تک باشد اساس دنیای ریاضیات و دنیای دیجیتالی است و همچنین اساس مقوله زاد و ولد هم هست (اینها هم که مثبت است)

بنابراین قسم ها را میتوان اینطورهم گفت : طلوع صبح ، ده شب ، جفت و تک ، پایان یافتن شب .

یا میتوانیم اینطور بگوئیم: طلوع ، عبادت ، زندگی ، طلوع بعدی .

بنابراین معنای قسم­های سوره فجر با توجه به درس و درب آن اینطور می­شود که در ابتدا فجری هست ، و در آخر هم فجری خواهد بود و مسیر رسیدن به فجر دوم قرینِ زندگیِ صحیح و زاد و ولد پسندیده و عبادت شایسته می­باشد. ( اگر فجر اول را (مثلاً) طلوع اسلام بگیریم، فجر دوم طلوع رویکرد جدیدی از اسلام خواهد بود که آشکار کننده محتوا و مزایای آن است)

یکنوع پاکی خام درشروع و سپس یکنوع پاکی تکامل یافته در نهایت ، که در ظرف زمان ودر مسیر عبادت و زندگی پسندیده حاصل میشود .

حالا اگر بخواهیم بین نکوهشِ مندرج در درس و این مفاهیم رابطه ای برقرار کنیم میتوان اینطور گفت : برای دور ماندن از نکوهش های مطرح شده می باید به زندگیی پسندیده ، همراه با عبادات شایسته آراسته شد ، که در آنصورت زندگیِ شایسته تری حاصل خواهد شد .

این دستاورد را خلاصه کرده و به عنوان عصاره پاراگراف اول درج میکنیم .

|  |
| --- |
| **درب 1(آیات 1تا5) : اظهار امیدواری به خروج بشریت از موارد هشدار و نکوهش از طریق زندگی پسندیدهء همراه با عبادت** |

این بود نمونه­ای از طرز استخراج درب پاراگراف­ها با توجه به درس و متن پاراگراف (**که«درب» هر پاراگراف، برآیند «درس» سوره و متن همان پاراگراف است**) اگر به همین ترتیب ادامه دهیم برای بقیه پاراگراف ها هم خواهیم داشت :

|  |
| --- |
| **درب 2(آیات 6 تا 14 ) : نکوهش اقوام جبار گذشته که طغیان و فساد کردند و نابود شدند و منظور از ظلم و فساد آنها گردآوری ثروت بیشتر (و قدرت حاصل از آن) بوده و دغدغه خاطر فضایل را نداشتند.** |
| **درب 3(آیات 15 تا 20) : نکوهش مال دوستی افراطی و ارزش دانستن آن و هشدار به کسانی که چنین صفتی دارند .** |
| **درب 4(آیات 21 تا 24) : روشن شدن ذهن آدمی در آن روز راجع به غلط بودن فکرش در خصوص مال و ارزش دانستن آن.** |

|  |
| --- |
| **درب 5: عاقبت آنکه ملاک ارزشهایش درست بود، بهشت، و عاقبت آن دیگری جهنم است.** |

باین ترتیب ملاحظه می­شود با استفاده از این روش توانستیم:

1- یک «عصاره» راجع به تمامیت سوره پیدا کنیم که آنرا از خود سوره بدست آوردیم و «درس» سوره نامیدیم.

2- تعدادی «عصاره» راجع به هر بند (یا هر پاراگراف) پیدا کردیم که آنرا نیز از **برآیند درس سوره و محتوای پاراگراف** بدست آوردیم و آنها را «درب»های آن پاراگراف­ها نامیدیم.

بعبارت دیگر چیزی را از بیرون سوره برآن تحمیل نکردیم ، بلکه برای فهم سوره از عناصری از داخل خود سوره­ کمک گرفتیم.

**سایر فواید این روش**

**اصلی ترین فایده این روش استخراج عصاره مطالب هر** **سوره است که مایه اصلی تفسیر وسبب فهم بهتر سوره میگردد .**

**مثالی لازم است :**

یکروز، برحسب اتفاق، در یک تاکسی، یک مسیر طولانی را می­پیمودم ، و باز هم برحسب اتفاق، راننده تاکسی کانال رادیو را عوض نکرد و لذا این توفیق حاصل شد که تفسیر پاراگراف آخر سوره هود را بشنوم .

عصاره محتوای سورۀ هود **امیدوار کردن پیامبر(ص) و پیروانش به پیروزی** **نهائی** است که در «درس» سوره متجلی است .

اما مفسر محترم ده­ها نکته فرمود ، و تقریباً همه هم قشنگ بود ، اما فقط متأسفانه هیچکدام به نکته اصلی هیچ اشاره­ای نداشت

کار آن مفسر محترم مانند کار کسی است که وقتی در جنگل است واز او میخواهند توصیفش کند میگوید این درختها که نمیگذارند جنگل را ببینم . او هم بعضی جزئیات را می بیند اما از درک کلّ موضوع جا میمانَد .

این روشِ «نکته­پردازی تفسیری» (که متاسفانه روشِ غالبِ رایج است) این اشکال را دارد که فقط منظور اصلی آیات و پاراگراف­ها را بیان نمی­کند !! و مثال آن ، همان مثال فیل معروف مولوی است که یکی در تاریکی پایش را لمس کرده بود و می­گفت یک ستون است و یکی خرطومش را لمس کرده بود و می­گفت ناودان است و همینطور هر کس یک جائی از او را لمس می­کرد و یک چیزی می­گفت که البته درست هم بود اما از تفسیرِ کلّیِ آن که «خود فیل» باشد خالی بود . آن مفسر محترم هم یک برداشتهائی از اینجا و آنجا فرموده بود اما فقط به منظور سوره ، مربوط نبود ! !

ما در این تفسیر، کوشش داریم نکته­های اصلی را که همان درس و درب باشد بیاییم ، یعنی اصل و کلیت موضوع را ، و یعنی «خود فیل» را نشان دهیم ، یعنی قبل از اینکه شروع به مطالعه متن سوره کنیم میخواهیم بدانیم متن مورد مطالعه «چه میخواهد بگوید»

در این کتاب ، «**درس**» ، همان **منظور اصلی سوره** است که در هر پاراگراف تکرار شده ، و «**درب**» خلاصه **منظوراصلی در هر پاراگراف** است ، و خواننده با توجه به مجموع «درس» و «درب» مطلب پاراگراف را می­گیرد، و اگر خواست توقف و تمرکزی هم بکند ، بسیاری از آن «نکته»ها را هم متوجه می­شود و بلکه بیشتر و بهتر.

**این ، فایده اصلی این روش است که مهم ترین منظور تفسیر را برآورده میکند .**

اما ، پس از اینکه کاربر به اندازه کافی این روش را بکارگرفت و با آن مانوس شد ، به وجوهی از فوایدِ دیگر بر می خورَد که هریک از آنها ضمن اینکه ارزش واهمیت زیادی دارد قبلا برایش آشنا نبوده ، و دراثر کاربری این روش برایش کشف شده ، و ما در اینجا چند مورد از آنها را ذکر می­کنیم :

**1 - استفاده از این روش ، سبب حفظِ خطِّ سیرِ مطلبِ سوره­هایِ بلند** **در ذهن تلاوت کننده میشود** .

مثالی میزنیم : فرض کنید دارید سوره توحید را تا حدودی با دقت تلاوت میکنید ، در این حالت مشکل چندانی ندارید .

اینک فرض کنید دارید همین کار را روی سوره شمس انجام میدهید ، اگر انجام دهید خواهیددید به همان آسانی سورهء توحید نخواهد بود .

حالا سوره اندکی طولانی تری انتخاب کنید (مثلا سوره فجر) خواهید دید بسیار مشکل تر شده ، بطوریکه وقتی روی قسمتی از آن تمرکز میکنید قسمت های دیگر از ذهنتان فرار میکنند (امتحان کنید تا مطلب را بهتر درک کنید) سوره های بلند (مثلا 4-3 صفحه ای) و سوره های خیلی بلند (مثلا سوره های بقره و همانندان آن) به هیچکس پا نمیدهند که بتواند روی آنها دقت کافی کرده وبجائی برسد که بتواند ادعا کند که آنهارا درک کرده است .

اما با استفاده از این روش این اشکال پیش نمی آید ، زیرا در این روش هرقدر هم که سوره طولانی باشد به تعدادی پاراگراف تفکیک شده و هر پاراگراف دوعنصرِ «درس» و «درب» را همراه خود دارد وکاربر در هر لحظه با توجه به «درس» میتواند بفهمد کلّ سوره بطور خلاصه چه میخواهد بگوید و در همان لحظه با نگاهی به «درب» میتواند بفهمد آن پاراگرافِ مورد مطالعه چه میخواهد بگوید و به این ترتیب نه تنها خط سیر مطلب هرگز از دست نمیرود بلکه در هر لحظه با اندک توجهی فورا در ذهن حاضر خواهد بود .

**2 - استفاده از این روش به تنظیم لیست مطمئنی از «ترتیب نزول** **سوره­ها» کمک می­کند .**

درباره اهمیتِ دانستنِ ترتیب نزول ، چون در فصل بعد (بخشِ اولِ کلیدهای تفسیر قرآن) بحث مشروحی کرده ایم ، اگر در اینجا بیاوریم آن بحث تکراری میشود ، درحالیکه واقعا جای مطرح کردن آن همانجاست ، اگر هم خلاصه ای در اینجا ذکر کنیم حیف است ، زیرا وقتیکه خواننده به آنجارسید توهمِ «این را میدانم» سبب میشود آن را با دقت نخواند ولذا در اینجا همینقدر عرض میکنیم که : به شرحی که در جای خودش خواهید دید دانستنِ ترتیب نزول مهم ترین عنصر علوم قرآنی است ، و **با استفاده از این روش** ، لیست هایِ مختلفِ موجودِ ترتیبِ نزول را اصلاح کرده ایم (برای اطلاع بیشتر مقاله «**تحقیقی در ترتیب نزول** **سوره ها**» را درسایت tafsir.jamal-ganjeiملاحظه کنید)

**3 - با استفاده از این روش برای قَسَم­های قرآنی معانی معقول و مقبول** **پیشنهاد می­شود .**

بعنوان مثال عرض می کنیم که در همین سوره فجر که بعنوان «آموزش» مورد استفاده واقع شده ، در ابتدای «قدم دوم» برای یافتن «دربِ» پاراگرافِ اول مجبور شدیم قَسَم­های این سوره را مورد تحلیل قرار دهیم .

نوعِ معنی­یابیِ قسم­هایِ قرآنی که دراین تفسیر انجام میشود همانطور است که در آنجا دیده اید (که ملهم از درس سوره­هاست و خودِ درسِ سوره­ها نیز مستخرج از خودِ سوره­هاست) و رجحان آن بر معنی­یابی هایِ مبتنی بر نقل قول و روایات و حدس وگمان و سلیقه شخصی و امثال آن واضح است .

**4 - با استفاده ازاین روش ، ابهام 1400 ساله حروف مقطعه گشوده شده** **، و برای آنها معانیی قابل پذیرش پیشنهاد می­شود .**

سوره­های دخان و زخرف و فصلت و جاثیه و احقاف و مؤمن (غافر) در ابتدای خویش با «حم» شروع می­شوند.

«درس» سوره­های فوق نیز کاملاً شبیه یکدیگر است و محتوای مشترک آنها «نکوهش عمد و اصرار در کفر و تکذیب پیامبر(ص)، علیرغم روشن شدن حقیقت» می­باشد .

ملاحظه فرمودید؟ شش سوره داریم که با «حم» شروع شده ، از طرف دیگر محتوای آنها نیز (که در «درس» آنها متجلی است) یکیست .

**این درحالی است که حجم آنها وظاهرشان چنان با یکدیگر متفاوت است که حتی اگر موضوع فوق به قرآن پژوهان متبحر هم بدون مقدمه گفته شود باور نخواهند کرد تا اینکه نزدیک بیایند و جلوی چشمشان عملیات استخراج عصاره سوره – یعنی همان «درس» - انجام شود تا اینکه ناباورانه مجبور شوند حقیقت فوق را تصدیق کنند .**

سوره­های هود و حجر و ابراهیم و یونس و یوسف نیز با «الر» شروع می­شوند . «درس» آنها نیز نوید رفع مشکلات پیامبر و پیروانش و پیروزی آنها بر مخالفانشان و موفقیت نهائی آنها در دنیا و آخرت می­باشد.

در اینجا نیز همان را می­بینیم که در مورد سوره های «حم» دار دیدیم . یعنی اینکه در اینجا نیز محتوای سوره­های «الر» دار، یکیست ، در حالیکه از لحاظ حجم سوره و مطالبی که به آنها پرداخته اند ، وغیره وغیره ، تفاوت های عظیمی دارند اما علیرغم این تفاوت های بزرگ ، عصاره محتوایشان یکیست .

سوره­های لقمان و سجده و عنکبوت و روم و بقره و آل­عمران نیز با «الم» شروع می­شوند.

در اینجا نیز علیرغم اختلاف ظاهریِ شدید ترِ بین آنها ، مشابهت بسیار نزدیکی را در «درس» این سوره­ها می­یابیم. سوره های لقمان وسجده تقریبا کمتر از یک دهم حجم سوره هائی مانند بقره و آل عمران را دارند اما با کمال تعجب مجبوریم قبول کنیم عصاره محتوایشان یکیست .

باتوجه به این دستاوردها ، اولین چیزی که راجع به حروف مقطعه میتوان گفت این است که **حروف مقطعه رابطه معنی داری با محتوای** **سوره مربوطه دارند .**

اگرهمه حروف مقطعه را یکجا به نظر آوریم ، اولین چیزی که به چشم می خورد این است که بعضی از آنها «تک» هستند (مانند یس و ص و ق وکهیعص و....) و بعضی دیگر «دارای تکرار» میباشند (مانند حم و الم و الر) و بعضی دیگر «ترکیبی»اند (مانند المص و المر)

دقت در محتوای سوره هائی دارای حروف مقطعه ای مانند المص و المر نشان میدهد که محتوای آنها به محتوای سوره های دارای الم نزدیک ، و از محتوای سوره های دارای حم دورند .

علاوه بر آن، محتوای سوره­های اخیر به محتوای سوره­های دارای «الر» نیز نزدیک­تر است تا به محتوای سوره­های «حم» دار.

دقت بیشتر در موضوع اخیر ما را متوجه قرابت بسیار زیاد محتوای سوره­های اعراف و رعد که حروف مقطعه آنها «المص» و «المر» است با سوره­های دارای «الم» می­کند.

از نکته اخیر متوجه می­شویم که حروف مقطعهء مذکور خاصیت جمع ­و تفریق پذیری دارند. یعنی می­توان با تفریق محتوای سوره­های مذکور معنی «ص» و «ر» را یافت.

با این ترتیب و به شرحی که در کتاب خویش بنام «**پیشنهادی برای** **رمزگشائی حروف مقطعه**» عرض کرده­ایم و در سایت سابق­الذکر موجود است می­توان به معنی تک تک حروف مقطعه مذکور نزدیک شد.

کشف مذکور بکر و بدیع است و در این هزار و چهارصد و اندی سال سابقه­ای برای آن ثبت نشده و مبنای آن ، نه نقل قول است و نه حدس و گمان و نه استحسان ونه روایات ، بلکه مبنای آن مشاهده و تعمق و تدبر است که در استخراج عصاره محتوای سوره ها متجلی است .

بعبارت دیگر معنی حروف مقطعه در محتوای سوره­های مربوط نهفته است ، و این قدمِ پیشنهادی ، فتح بابی است برای محققان آینده که معنی حروف مقطعه را در محتوای سوره ها بطور دقیق بیابند .

**موارد دیگری هم هست که برای رعایت اختصار از شرح آنها می­گذریم. اما ناچاریم بعضی از آنها را لا اقل در حد نام بردن ذکر کنیم . مثلا :**

**5 - با استفاده ازاین روش برای بسیاری از آیات معانی جدیدی** **پیشنهاد می­شود .**

**6 - کمک به یافتن معانی و نکات جدیدی که پیشینیان متعرض آنها** **نشده­اند .**

**7 - رفع اختلاف بین مفسران در بسیاری از جاهای پراختلاف .**

**8 - نشان دادن انسجام ارتباطیِ آیات در داخل سوره­ها .**

**کلیدهای تفسیر قرآن**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

علم تفسیر قرآن که اشرف علوم است، نیز، «کلید»هائی دارد که اگر از آن­ها استفاده شود درهای گنجینه­های خویش را برای خواهنده می­گشاید ، وگرنه ، کار برای او آسان نخواهد بود.

بعضی از آن­ کلیدها را که ما شناخته­ایم ذیلا عرض می­کنیم با این امید که آیندگان ، بقیه را بیابند:

1- ترجیح رعایت ترتیب نزول درعمل تفسیر .

2- تقطیع متن سوره به تعدادِ منطقیِ پاراگراف که اجزاء هر پاراگراف در داخل خویش همگنی داشته باشند.

3- توجه دقیق به اصلی و فرعی بودن اجزاء هر پاراگراف و به عبارت دیگر مشخص کردن دقیق «پرانتز»ها.

4 - بکارگیری معنیِ مناسبِ هر کلمه در محل موردنظر از میان معانی مختلفِ ممکنِ آن کلمه.

5- توجه به قسمت­هائی که در روال سخن تغییر به کار رفته، بطوریکه گوئی «التفات» صورت گرفته است.

6- توجه به جاهائی که گوئی سخن بطور ناتمام رها شده و تمام کردن آن به مخاطب واگذار شده است.

7- جستجو و توجه دائمی برای یافتن جواب این سئوال که «این پاراگراف چه می­خواهد بگوید»

کلیدهای هفت گانه فوق **علاوه** است بر مطالبی که باید بعنوان **«پیش­نیاز»** علم شریف تفسیر قرآن مورد توجه قرار گیرد.

برخی از «پیش­نیاز»های مذکور، عبارتند از:

1- آشنائی اجمالی با زبان و ادبیات عرب.

2- آشنائی اجمالی با تاریخ اسلام.

3- آشنائی اجمالی با تفاسیر و تاریخچه آن.

4- آشنائی اجمالی با آنچه مجموعاً به «علوم قرآنی» موسوم است.

5- و از همه مهم­تر آشنائی با خود قرآن (که در اثر مداومت زیاد بر تلاوت آن صورت می­گیرد .

**1**

**اهمیتِ ترتیب نزول**

**یک مثال ساده :**

کسی راپیداکنید که تاکنون قرآن نخوانده باشد،آنگاه به او بگوئید آیات 40 تا 103 سوره بقره را بخواند وبه شما بگوید چه فهمیده ، جواب او این خواهد بود : «چیزی نفهمیدم»

آنگاه به او بگوئید آیات 9 تا 99 سوره طه وپس از آن آیات 103 تا 171 سوره اعراف را بخواند و سپس آن قسمت سوره بقره را مجددا بخواند و بگوید چه فهمیده ، او این بار خواهد گفت : «خیلی از آن مطالب قبلی را اینک می فهمم»

بی اغراق ، رعایت ترتیب نزول درتفسیر قرآن بیش از 50٪ کار را آسان میکند .

می­گویند «تعرف الاشیاء باضدادها» یعنی چیزها را از روی ضدّ آن­ها می­توان شناخت، و ما از این باب می­گوئیم که عدم رعایت ترتیب نزول دو نوع ضرر دارد. یک نوع ضرر عینی و یک نوع ضرر عدم­النفع.

**الف) مثال برای انواع ضرر عدم­النفعِ حاصل از رعایت نکردنِ ترتیبِ نزول**

اگر شخصی قرآن را به ترتیب نزول بخواند متوجه یک امر بدیهی می­شود که پیامبر(ص) در ابتدای رسالت نوعاً به «اسم ربّ» ارجاع داده می­شد نه به «خود ربّ».

مثلاً در ابتدای وحی داریم: اقرا **باسم** ربک ... و اذکر **اسم** ربک و تبتل الیه ... سبح **اسم** ربک الاعلی ... و ... (که ازاین مثال ها زیاد هم هست) اما کم­کم که پیامبر در راه رسالت پیش می­رود و ظرفیت­هایش زیادتر می­شود آنگاه به «خود رب» ارجاع داده می­شود مثلاً گفته می­شود و اذکر **ربک** اذا نسیت ... و اعبد **ربک** حتی یاتیک الیقین ... و ... که این­ها هم خیلی زیاد است.

یک مفسر بزرگواری هست که تلفنی نمی­توان با او صحبت کرد. وقتی­که شخصی تلفنش را می­گیرد اول یک جوان جواب می­دهد اگر نتوانست جواب بگوید یک نفر دیگر را صدا می­زند و او هم اگر نتوانست نفر نهائی را صدا می­زند. این نفر نهائی کسی است که تقریباً در حکم خود آن مفسر بزرگوار است و درباره خویش گفته که من تقریباً همه نظرهای تفسیری «آقا» را می­دانم.

وقتی موضوع فوق بطور تلفنی سئوال شد اولی و دومی ندانستند، آخری هم گفت نمی­دانم و در نظرات تفسیری آقا به چنین چیزی برنخورده ام ، بعداً تلفن بزنید تا عرض کنم.

این یک مثال واضح برای عدم­النفع عظیم است که یک مفسر عالیقدرِ دارایِ حدود 60-50 سال سابقه علمی ، متوجه چنان موضوع بدیهیی نشده باشد و از این مثال­ها زیاد است و عدم توجه و اهمیت ندادن به ترتیب نزول علاوه بر اینکه دچار ضرر بدفهمی می­کند سبب دچار شدن به ضرر عدم­النفعِ فهمِ چیزهایِ عادی و واضح هم می­ شود.

**ب) مثال برای انواع ضررهای عینی**

ب-1) یکی از علماء بزرگ که تأثیرش بر علماء معاصر خویش و نیز بر علماء متأخر کاملاً آشکار است در تفسیر سوره انفطار ذیل آیه­ای که متضمن جمله «ما غرّک بربک الکریم» است فرمایشاتی فرموده ، از جمله در ردّ نظر بعضی از قدما که گفته­اند در این جمله «القاء عذر» صورت گرفته ، با ذکر سه آیه در سه سوره دیگر که مطلب آنها در مخالفت با «القاء عذر» است چنین فرموده که موضوع «القاء عذر» باطل است، ما عرض می­کنیم که صرفنظر از صحت یا بطلان موضوع «القاء عذر»، آن آیه­هایی که به عنوان مدرکِ بطلانِ «القاء عذر» مورد استفاده آن بزرگوار واقع شده، همگی از لحاظ ترتیب نزول، متأخر بر آن آیه سوره انفطار است و اگر **تنها دلیل ایشان** در بطلان القاء عذر آن آیات باشد، استدلالشان باطل می­شود.

از این نوع نمونه­ها نوعاً در تفاسیر رایج بسیار زیاد است، یعنی اینکه عدم رعایت ترتیب نزول مفسر را به اشتباه­ های بزرگ می­اندازد.

ب-2) دیگر اینکه همان بزرگوار ذیل آیه «الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات» در سوره عصر فرموده یعنی کسانی که عامل به همه اعمال صالح باشند، و این در حالیست که در سوره­های طه و مریم داریم که «... من یعمل من الصالحات ...» یعنی اگر شخصی مؤمن باشد و به انجام بعضی از اعمال صالح پرداخته باشد در آخرت نگران نباشد. اگر به این حقیقت توجه داشته باشیم که سوره عصر تقریباً شش سال قبل از سوره­های مریم و طه نازل شده ، این تناقض مهم پیش می­آید که خداوند در ابتدای نزول وحی فرموده باشد «به اعمال صالح» و ده سال بعد فرموده باشد «به بعضی از اعمال صالح».

ب-3) مثال دیگر اینکه تقریباً قاطبه مفسران «نفس واحده» مندرج در آیه اول سوره نساء و نیز آیه 189 سوره اعراف را بر حضرت آدم(ع) تطبیق کرده­اند که کاملاً خطاست زیرا مدلول آن نفس واحده در آیه 189 سوره اعراف دچار شرک می­شود که از ساحت حضرت آدم(ع) که پیامبر خدا بوده است به دور است.

**چه شد که اینطور شد؟**

مردم و علماء و مفسران، وقتیکه قرآن را به ترتیب رایج می­خوانند پس از سوره حمد به سوره بقره می­رسند و در همان اوایل سوره بقره داستان آفرینش است که شامل امتحان آدم و ملائکه و سجده فرشتگان و استنکاف ابلیس و اخراج او می­باشد (بگذریم از تصورات رایج راجع به چگونگیِ کلِّ داستانِ آفرینش).

سوره نساء و سوره اعراف نیز با فاصله بسیار کمی پس از سوره بقره است. طبیعی است که مفسر قرآن وقتی­که به سوره نساء و یا سوره اعراف می­رسد و این جمله را می­خواند که «خلقکم من نفس واحده» (شما را از نفس واحده آفرید) بطور عادی مفهوم «نفس واحده» را با مفهوم «آدم» خلط می­کند جمله «و خلق منها زوجها» (و جفتش را نیز از آن آفرید) را هم در همان جهت می­بیند و لذا به همان خطای فوق دچار می­شود، چنان­که شده­اند.

در حالیکه منظور از «نفس واحده» مورد بحث، اصل و ریشه بشر و بشریت است که در سوره شمس آمده، آنجا که می­گوید «و نفس و ما سویها ...» و چنانکه می­دانیم جنس زن و جنس مرد از لحاظ مشخصات کلی (و صرف­نظر از تفاوت­های اندامی و آناتومیک) یک چیز هستند و مشابهند و زن «انسان ماده» و مرد «انسان نر» است و خلاصه چه زن و چه مرد، هر دو «انسان» هستند و این­که فرموده جفتش را از آن قرار داد به این معنی است که از «برنامه خلقت انسان» یک برنامه دیگر انتزاع شد که عبارت باشد از «برنامه خلقت انسان ماده»

در هر حال، سوره شمس از لحاظ نزول تقریباً در ابتدای قرآن است اما از لحاظ مورد مطالعه واقع شدن در انتهای قرآن است و قرائتِ برعکسِ ترتیب نزولِ آن مانع از تأثیرپذیری شایسته از آن می­شود، چنان­که شده، و نتیجه­اش هم این شده که «نفس واحده» را در آیه 189 سوره اعراف به حضرت آدم تطبیق می­کنند و در آیه بعد نسبت به نتیجه غیرقابل قبول آن (شِرک حضرت آدم) سکوت می­کنند.

و کسی مرتکب چنین خطاهائی در تشخیص نمی­شود مگر اینکه رعایت ترتیب نزول در تفسیر آیات را ضروری نداند. و از این مثال­ها بسیار زیاد است و ابداً منحصر به آنچه گفته شد نیست و ما فقط سه نمونه از سه نوع را عرض کرده­ایم، در حالیکه هم انواع بیشتر از سه تاست و هم نمونه­هایِ داخلِ هر نوع بسیار زیاد است.

**حل بحث قدیمی ناسخ و منسوخ درگرو دانستن ترتیب نزول است**

یک بحث قدیمی در علم تفسیر هست که فلان آیه، فلان آیه را نسخ کرده است و بستر این بحث نیز آیه­ای است که می­فرماید «ما ننسخ من آیه او ننسها نات بخیر منها او مثلها ...» [هر آيه اي را که منسوخ کنيم يا آنرا از يادها ببريم بهتر از آن يا لااقل مثل آن را مي آوريم. ... (بقره/106)]

البته استفاده جهان­شناختی که از این آیه می­توان نمود این است که کل جهان و تاریخ بشر و هر مقوله کلی دیگری را که مورد توجه قرار دهیم خواهیم دید حرکت رو به بالا و حرکت رو به خیر و حُسن دارد که در محل خویش یک بحث فلسفی و عرفانی مهمی است و شیرین هم هست.

اما همین آیه از لحاظ فقهی جنبه کاربردی وسیعی دارد مثلاً در مورد شرب خمر در سوره بقره آیه­ای آمده که از آن فهمیده می­شود در شراب منافعی هست اما در عین حال در آن مضاری هم هست اما مضار آن از منافع آن بیشتر است. اما در سوره مائده در همین خصوص صراحتاً آمده که «آن پلید است که از عمل شیطان است و از آن دوری کنید» فقها می­گویند آیه اخیر (در سوره مائده) ناسخ آیه قبلی (در سوره بقره) است و حرف صحیحی هم هست و واضح هم هست زیرا نزول سوره مائده تقریبا نه سال پس از سوره بقره است.

اما این­که بقیه آیات ناسخ و موارد نظیر منسوخ آن­ها کدامند، یک بحث خیلی­خیلی مفصل و قدیمی را در تفسیر قرآن باز کرده و چه کوشش­ها و چه مناظرات و چه دعواها و حتی چه جنگ­ها را سبب شده که اگر کسی بخواهد در این خصوص تحقیقی انجام دهد نتیجه­اش کتاب بسیار قطوری خواهد شد اما اگر مسلمانان از همان بدو تدوین قرآن کریم آن­را به ترتیب نزول تفسیرمی­کردند، خود به­ خود، هر آیه، آیه نظیر متقدم خویش را نسخ می­کرد و دیگر این­همه مجادلات و دعواها و حتی جنگ­ها لازم نمیشد .

خلاصه اینکه رعایت ترتیب نزول به مفسر کمک شایانی میکند و عدم رعایت آن اورا به خطاهای سنگینی می اندازد .

**2**

**تقطیع منطقی متن سوره ها**

هر سوره قرآن یک واحد مستقلِ «گفتار»ی است که به لحاظ «موعظه» بودن حالت «جُنگ» را دارد و لذا برای فهم بهتر آن ، تفکیک به مؤلفه­های تشکیل دهنده­اش ضروری است.

تفکیک مذکور باید طوری باشد که هر قسمت در درون خویش وحدت موضوعی داشته باشد.

مثلاً در همان سوره فجر که در قسمت های قبل ملاحظه نموده­اید، چند آیه اول که همگی «قسم» بودند در درون خود وحدت موضوعی دارند و متمایز بودن آن­ها از آیات پاراگراف دوم که مربوط به اقوام پیشین است به سهولت قابل تشخیص است. اما همیشه و در همه سوره­ها این تمایز (آن­قدر که در سوره فجر آشکار است) آشکار نیست. در بعضی پاراگراف­های برخی سوره­ها چنان موضوعات مختلف در هم تنیده شده که تشخیص تمایز بخش­هائی از آنها نسبت به بخش­های دیگر به آسانی میسرنیست.

در این حالت کاربر بایدبا بذل دقت و حوصلة بیشتر کارِ تشخیص و تمایز را دنبال کند و حتی اگر لازم باشد از اینکه در جاهائی، یک پاراگراف فقط حاوی یک آیه باشد نگران نشود.

مثلاً اگر کاربر آیه 62 سوره بقره، یا آیه 82 سوره نساء را یک پاراگراف مستقل نبیند چطور باید آن­را به آیه­های قبل و بعد خویش وصل کند؟

اگر به دو آیه ذکر شده دقت کنیم خواهیم داد آنها با آیات قبل و بعد خود «هم موضوع» نیستند. لذا اگر آنها را پاراگراف مستقل در نظر نگیریم، چه کنیم؟

این موضوع منحصر به دو آیه ذکر شده نیست و مشابه­های بسیار زیادی دارد.

لذا اصل اساسی در تقطیع متن و تشکیل پاراگراف­ها، «همگن» بودن متن پاراگراف­هائیست که به وجود می­آید و تا وقتی که همه عناصر و جملات و آیات یک پاراگراف «همگن» نشده­اند، پاراگراف قابل تقطیع است. یعنی عمل تقطیع را باید آنقدر ادامه دهیم که همه عناصر آن «همگن» باشند.

3

**توجه به پرانتـزها**

چنانکه می­دانیم، امروزه در نگارش­های خویش برای بعضی موضوعات فرعی، که نسبت به «خط اصلی سخن» جنبه توضیحی و فرعی دارد پرانتز بکار می­بریم.

اما باید بدانیم که بکار بردن علائم کمک­کننده به خواننده، از قبیل نقطه و ویرگول و علامت سئوال و غیره، و از جمله پرانتز، تاریخچه طولانی ندارد و اگر متون دستنویسِ از صد سال به قبل را نگاه کنیم تقریباً می­شود گفت اثری از آنها دیده نمی­شود و این مشکل خواننده بود که می­باید بدون وجود علائم کمک­کننده، متن را به درستی بخواند و مطالب فرعی و توضیحی را از محور اصلی سخن تشخیص دهد و خط اصلی موضوع را گم نکند.

قرآن نیز از این مستثنی نیست و نقطه و ویرگول و علامت سئوال و علامت تعجب و پرانتز و غیره ندارد و تا مدت طولانی پس از نزول حتی اِعراب (زیر و زبر و ضمه و تشدید و غیره)نیز نداشت و این سبب می­شد که بعضی خوانندگان در اثر اشتباه در نحوه قرائت ، آنرا طوری بخوانند که آیه­ای به مفهوم غلط و حتی معکوس قرائت شود.

مثال در این باب زیاد است اما ضمن رعایت اختصار ناگزیر به ذکر دو مثال هستیم:

مثال اول: می­گویند یکی از سلاطین بر یکی از نزدیکان خویش خشم گرفت و دستور قتل او را داد. اطرافیان سلطان که فکر می­کردند ممکن است پشیمان شود از او بطور کتبی درخواست تجدیدنظر و تقاضای عفو مغضوب را کردند و سلطان در حاشیه تقاضای آنها نوشت «عفو لازم نیست بکشیدش». اطرافیان سلطان با دیدن حاشیه­نویسی سلطان خوشحال شدند و او را نکشتند اما احتیاطاً او را از دید سلطان دور نگه داشتند.

چندی گذشت و سلطان پشیمان شد و سراغ خانواده مغضوب را گرفت و می­خواست از آنان دلجوئی بنماید اما اطرافیان گفتند قربان او را نکشته­ایم.

البته سلطان از زنده بودن مغضوب خیلی خوشحال شد اما از اینکه چرا فرمانش بی­چون و چرا انجام نشده خشم گرفت اما اطرافیان گفتند نافرمانیی نکرده­ایم بلکه دستور خود سلطان بر زنده ماندن مغضوب دائر بوده.

سلطان متعجب شد و دستنویس خود را خواست.

پس از اینکه دستنویس را آوردند سلطان آنرا برای آنها چنین خواند: «عفو لازم نیست، بکشیدش!» اما اطرافیان گفتند معذرت می­خواهیم اما ما آنرا اینطور خوانده­ایم: «عفو! لازم نیست بکشیدش»

این مثال اهمیت علامت­گذاری­های کمک­کننده به خواننده “quotation mark” را در جلوگیری از عوض شدن معنی نوشته­ها نشان می­دهد و مثال­ها در این قسمت بسیار زیاد است اما روش ما خلاصه­گوئی است.

مثال دوم: در قرآن جمله­ای هست که این معنی را می­دهد که فقط کسانی که علم دارند از خداوند خشیت (ترس حاصل از احترام زیاد) خواهند داشت (... انما یخشی الله**َ** من عباده العلماء ...) این جمله که در آیه 28 فاطر است اغلب در همان قرن اول اسلام توسط نو مسلمانانی که از بلاد دیگر به اسلام پیوسته بودند چنین خوانده می­شد (... انما یخشی الله**ُ** من عباده العلماء ...) و چنین معنی می­داد که جز این نیست که خداوند از بندگان دانای خویش می­ترسد ...) و می­گویند این قبیل جملات که در اثر غلط­خوانی بکلی به معنی جملات و آیات قرآنی آسیب می­رساند، سبب اصلی همت اعراب به بهبود و تکامل خط کوفی و نیز اِعراب­گذاری کل قرآن شد. از این مثال­ها خیلی­زیاد است اما بعلت رعایت اختصار نمی­توانیم بیش از این ذکر کنیم.

پرانتزگذاری نیز چنین است، و به خواننده کمک می­کند که بفهمد چه چیزی اصلی و چه چیزی فرعی است و اگر پرانتزگذاری نباشد این اشکال پیش می­آید که حتی گاهی مفسران بزرگ نیز ممکن است در فهم بعضی از آیات و جملات به خطا رفته و به معنی آسیب برسانند.

آنچه ما در این تفسیر «پرانتزی» قلمداد می­کنیم در چهار دسته­بندی اساسی قرار می­گیرد که ذیلاً برای هر کدام مثالی می­زنیم:

**مثال 1:** بعضی از این مطالبِ پرانتزی طوریست که اگر به آنها بعنوان پرانتز نگاه نکنیم در فهم موضوع دچار انحراف فکری عظیم می­شویم:

مثلاً در سوره غاشیه چنین می­خوانیم: فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنتَ مُذَكِّرٌ ﴿21﴾ لَّسْتَ عَلَيْهِم بِمُصَيْطِرٍ ﴿22﴾ إِلَّا مَن تَوَلَّى وَكَفَرَ ﴿23﴾ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ﴿24﴾

پس تذکر بده. جز اين نيست که تو فقط تذکر دهنده اي(21) بر آنها چيره نيستي(22) غير از کسي که رو بر ميگرداند و کفر ميورزد(23) كه خداوند او را به آن عذاب بزرگتر عذاب مي­کند(24)

اگر مفسر قرآن از این حقیقت که آیه 22 یک آیه پرانتزی است غفلت کند دچار بدفهمی عظیمی می­شود و مطلب را اینطور خواهد فهمید که «ای پیامبر جز این نیست که تو پنددهنده هستی و بر آنان سیطره نداری مگر بر کسانی که پشت کرده­اند و کفر ورزیده­اند» (یعنی بر آنها سیطره داری و حق داری توی سر آنها هم بزنی و پندشان دهی تا هر طور شده به راه بیایند) که این تفسیری است بسیار غلط اما متأسفانه بعضی از مفسرین دچار چنین بدفهمی شده­اند و آیه را اینطور تفسیر کرده­اند و توجه نکرده­اند که این تفسیر با آیات بسیار زیاد دیگری از قرآن تضاد دارد و حتی با «انما»ی آیه 21 نیز نمی­خواند.

اما اگر آیه 22 را «پرانتزی» ببینیم و آنرا در جهت محدود کردن رسول خدا(ص) به فقط پنددهندگی و تذکار بدانیم خواهیم یافت که این معنی با آیات بسیار زیاد دیگری از قرآن سازگار است. و البته مثال در این موضوع زیاد است.

**مثال 2:** بعضی از این مطالب پرانتزی طوریست که اگر به آنها بعنوان پرانتز نگاه نکنیم خط سیر مطلب پاراگراف را از دست می­دهیم.

مثلاً آیه 102 سوره بقره از این لحاظ خیلی جالب است: وَاتَّبَعُواْ مَا تَتْلُواْ الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيْاطِينَ كَفَرُواْ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولاَ إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلاَ تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلاَّ بِإِذْنِ اللّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلاَ يَنفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُواْ لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الآخِرَةِ مِنْ خَلاَقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْاْ بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُواْ يَعْلَمُونَ ﴿102﴾

و آنچه را که شيطان ها در فرمانروائي سليمان خواندند، و سليمان کافر نبود وليکن آن شيطان ها كافر بودند، و به مردم جادو ياد ميدادند و نيز آنچه را که بر آن دو فرشته در بابل نازل شده بود که اسم آنها هاروت و ماروت بود به مردم ياد ميدادند، (هاروت و ماروت)آن چيزها را به مردم ياد نميدادند مگر اينکه ميگفتند ما وسيله امتحان هستيم پس مبادا کافر شوي، اما (مردم) از آنها چيزهائي را ياد ميگرفتند که بوسيله آنها بين مرد و همسرش جدائي مي افتاد و - البته آنها جز به اذن خدا به کسي ضرري نميرساند- و نيز از آنها چيزهائي ياد ميگرفتند که برايشان ضرر داشت و نفعي نداشت در حاليکه ميدانستند کسي که آن را جذب کند در آخرت بهره اي نخواهد داشت. و چه بداست چيزي که خود را به آن فروختند اگر بدانند.(102)

به قول مرحوم علامه در تفسیر المیزان آیه مذکور ظرفیت حمل 1.260.000 معنی را دارد. (علاقمندان به ذیل همان آیه در آن تفسیر مراجعه فرمایند) حالا اگر کسی بگوید خود این آیه (با آن پتانسیل عظیم حمل معانی­اش) یک آیه کاملاً فرعی (و به اصطلاح پرانتزی) است و اگر کسی نه تنها 1.260.000 معنی آن را، بلکه حتی اگر یکی از معانی آن را هم درک نکرد، در صورتیکه خط اصلی سخن را از دست نداده باشد، چیز زیادی را از دست نداده، چه واکنشی خواهید داشت؟

حقیقت این است که همینطور هم هست و آیه مذکور با آن ظرفیت کم­نظیرش کاملاً فرعی است و برای درک فرعی بودن آن کافیست چشم خود را بر آن ببندید و پس از اینکه آیه 101 سوره بقره را خواندید آیه 103 را شروع کنید می­بینید خط سیر مطلب دچار سکته­ای نشده است.

البته بگذریم که آیه 102 مذکور حاوی نکات و مطالب بسیار جالب و بدیعی می­باشد، اما آنهمه، در فرعی بودن آن تغییری ایجاد نمی­کند. بطوریکه می­توانید به همان روشی که عرض کردیم امتحان کنید.

اما اگر کسی آن را فرعی نبیند (که نوعاً مفسران محترم این کار را نکرده­اند) چنان در هزار توی چند تا از آن 1.260.000 معنیِ ممکن گیر می­کند که خدا به دادش برسد.

**مثال 3:** بعضی از این مطالبِ پرانتزی طوریست که اگر به آنها بعنوان مطالب پرانتزی نگاه نکنیم آن پاراگراف بطور کامل مفهوم نمی­شود.

در ابتدا به آیه آخر سوره مزمل توجه کنید، تقریباً همه مفسران فرموده­اند که این آیه مدتی بعد از بقیه مطالب سوره مزمل نازل شده و به دستور پیامبر اکرم(ص) در آنجا قرار داده شده، تشخیص آن نیز آسان است، زیرا هم از لحاظ محتوا با بقیه سوره مزمل هماهنگ است (و لذا جای آن همانجاست) و هم تفاوت­های چشمگیری با سایر آیات سوره مزمل دارد که نشان می­دهد در لحظه­ای که آن سوره داشته نازل می­شده، این آیه نمی­توانسته نازل شده باشد زیرا مطالبی در آن آیه هست که در آن لحظه هنوز وقوع نیافته بوده است و این نوع آیات در قرآن زیاد است (یعنی سوره­هائی هستند که یکجا نازل شده­اند اما سوره­هائی هم هستند که قسمتی از آنها در زمانی نازل شده و بقیه بعدتر – و گاهی بسیار بعدتر – نازل شده­اند و به دستور پیامبر اکرم(ص) در آن سوره قرار داده شده­اند).

البته تشخیص این موضوع در سوره مزمل آسان است اما همیشه و در همه سوره­ها آسان نیست و اگر مفسر به این نکته توجه نکند دچار خطا می­شود و تفسیری می­کند که نمی­تواند درست باشد.

مثلاً آیه­های 24 و 25 سوره فتح از این نوع آیات است و مفسران بسیار عالیقدر کل پاراگراف (از آیه 18 تا 26) را مربوط به واقعه حدیبیه دانسته­اند در حالیکه این دو آیه به شهادت محتوایش نمی­تواند مربوط به حدیبیه باشد و مربوط به فتح مکه است.

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُم بِبَطْنِ مَكَّةَ مِن بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿24﴾ هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيَ مَعْكُوفًا أَن يَبْلُغَ مَحِلَّهُ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ وَنِسَاء مُّؤْمِنَاتٌ لَّمْ تَعْلَمُوهُمْ أَن تَطَؤُوهُمْ فَتُصِيبَكُم مِّنْهُم مَّعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَن يَشَاء لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿25﴾

و هموست که در دل مکه، پس از اينکه شما را پيروز كرد دست آنها را از شما و دست شما را از آنها كوتاه كرد. و خداوند به آنچه ميکنيد بيناست.(24) آنها همانها بودند که کفر ورزيده بودند و از ورودتان به مسجد الحرام جلوگيري نموده و مانع رسيدن قربانيهاي شما به قربانگاه شده بودند. و اگر نبود مردان و زنان مومني که آنها را نمي شناسيد، و ممکن بود زير دست و پاي شما بيفتند، و بدون اينکه بدانيد به آثار سوء آن گرفتار شويد، (خداوند اينگونه رفتار نمي کرد بلکه) اگر آنها از کفار جدا شده بودند، البته کافران را به عذابي دردناک عذاب مي کرد. و خداوند هر کس را بخواهد در رحمت خويش داخل خواهد نمود.(25)

چنانکه ملاحظه می­فرمائید در این دو آیه این نکات وجود دارد:

1- اظفرکم علیهم (شما را بر آنان پیروز کرد) و چنانکه می­دانیم در حدیبیه پیروزیی نصیب مسلمانان نشد.

2- ببطن مکه (در شکم مکه) و فرموده­اند حدیبیه نزدیک مکه است و آنقدر نزدیک است که گوئی در شکم مکه است در حالیکه خود مکه از حدیبیه به مکه نزدیک­تر است زیرا فاصله­اش صفر است، و اصطلاحاً «شکم­تر» است.

3- مهم­تر از همه اینکه در حدیبیه «زیر دست و پا افتادن مردان و زنان» موضوعیتی نداشت زیرا در آنجا فقط مردان جنگی گرد آمده بودند که عبارت بودند از مسلمانان که می­خواستند داخل مکه شوند و مشرکان که می­خواستند مانع شوند.

خلاصه اینکه این دو آیه پس از فتح مکه نازل شد و به دستور پیامبر اکرم(ص) در محل فعلی قرار گرفت و اگر مفسر محترمی به این نکته توجه نکند در تفسیر مطلب دچار زحمت می­شود چنانکه شدند زیرا اگر نگاه کنید خواهید دید که درباره «اظفرکم» و «بطن مکه» مطالبی فرموده­اند که نمی­توان قبول کرد.

**مثال 4:** بعضی از این مطالب پرانتزی نکات بسیار عمیقی دارد که از متن اصلی پاراگراف بسیار بالاتر است.

البته اگر بخواهیم برای این نوع موارد مثال بزنیم آنقدر زیاد خواهد شد که واقعاً از حوصله بیرون است اما برای نمونه توجه خواننده گرامی را به جمله انتهائی آیه 2 سوره طلاق و کل آیه 3 و جمله انتهائی آیه 4 و جمله انتهائی آیه 5 و دو جمله انتهائی آیه 7 از همان سوره جلب می­کنیم که هر کدام از آنها مانند الماس­های درخشانی هستند که کاملاً معلوم است با خط سیر معمولی مطلب که تشریع یک امر حقوقی راجع به طلاق است اختلاف سطح دارد اما گرچه در آنجا بعنوان تعلیل خط سیر آن حکم حقوقی ذکر شده اما ارزش «معارفی» آنها بسیار بسیار بالاتر از آن حکم حقوقی است که توجه به پرانتزی بودن آنها به مفسر کمک می­کند.

**خلاصه اینکه توجه نکردن به این موضوع مهم ، یعنی بی توجهی به اینکه آیه مورد تفسیر «اصلی» یا «فرعی» است ، سبب میشود مفسر دچار خطا در فهم متن شود(چنانکه نمونه هایش زیاد است) ، یا لااقل از فهم صحیح دور بماند(که نمونه های این نیز زیاد است) .**

**4**

**یافتن مناسب ترین ترجمه**

یک کلمه ممکن است در مجموع چندین معنی داشته باشد که بدیهی است یکی از آن معانی در محل موردنظر به درد می­خورد.

مثلاً کلمه «شیر» سه معنی دارد که یکی شیر درنده و یکی شیر نوشیدنی و آخری یک نوع از اتصالات در سیستم لوله­کشی است.

واضح است که در جمله «حسن کوچولو صبحانه­اش را با شیر و بیسکویت شروع کرد» کدام معنی کلمه شیر موردنظر است اما همیشه به همین سادگی نیست و به خصوص در تفسیر آیات اگر «درس» و «درب» در نظر گرفته نشود و با توجه به آن­ها معنی مناسب کلمه در نظر گرفته نشود تفسیر نادرستی از آیه مربوطه ارائه میشود .

مثال در این خصوص خیلی زیاد است اما ذیلاً فقط یکی را عرض می­کنیم:

کلمه «عصر» - در سوره ای به همین نام - توسط مفسران و مترجمان به «زمان» برگردانده شده درحالیکه همه مشتقات این کلمه در قرآن به معنی «عصاره گیری» آمده است .

مفسران- که برای معنی این کلمه از همان معنیِ مشهور استفاده کرده اند - درتفسیر این کلمه دچار اختلاف شده وبعضی عصر را به «عصر رسول الله» تفسیر کرده اند واستدلالشان هم این است که عصر مذکور عصر آغاز چیزهایی بوده که از طریق وحی سبب تغییرات ماهوی درجهت تعالی بشریت شده ، و عده دیگری گفته اند نه خیر منظور «عصر امام زمان» است که با ظهورشان تعالیم پیامبر- ص - کامل میشود و برخی دیگر گفته اند چرا ترجیح بلا مرجح و تخصیص بلا مخصص میدهید و درنظر نمیگیرید که الف ولامِ روی کلمه عصر الف ولام جنس است(مثل والتین والزیتون و.....) وبعضی دیگر چیزهای دیگر گفته اند اما از این حقیقت دور افتاده اند که تمام مشتقات کلمهء عصر در قرآن در معانیی بکار رفته که مشتقات معنی عصاره گیری است و بازهم از این حقیقت غفلت کرده اند که که اگر منظور از کلمه عصر - زمان طولانی - بوده باشد کلمه مناسب آن «دهر» است که کرارا در قرآن استفاده شده است .

خلاصه اینکه وقتیکه یک کلمه معانی مختلف دارد باید آن معنیی را برگزید که با «درس» و «درب» و «لبّ مطلب» ( و یا هر نام دیگری که به «چکیده پاراگرافِ» مورد تفسیر بدهید) قرابت بیشتری داشته باشد وگرنه خطا پیش می آید چنانکه بسیار زیاد پیش آمده است .

**5**

**التفات**

اگر در سوره اسراء آیات 22 تا 39 را در نظر بگیرید ملاحظه خواهید کرد که مخاطب آیه 22 تا 30 مفرد است (و شخص پیامبر اکرم- ص- می­باشد) اما از آیه 31 تا 35 مخاطب جمع است و لذا مسلمانان مورد خطاب هستند و از آیه 36 تا 39 دوباره به همان مخاطبِ مفرد بر می­گردد.

این «تغییر مخاطب از سوی گوینده» را اصطلاحا «التفات» میگویند .

البته موضوع فوق در قرآن بسیار زیاد است اما تشخیص آنها به سادگیِ مورد فوق­الذکر نیست و اگر مفسر به این نکته توجه نکند در درک بسیاری از معانی در می­ماند.

**6**

**بکارگیری مخاطب**

در قرآن کریم در بسیاری از جاها خداوند مطلبی را ناتمام گذاشته و ظاهراً چنین بنظر می­آید که تکمیل آن مطلب ناتمام را به مخاطب واگذار کرده و این موارد زیاد است و ذیلاً یک مثال آن را عرض می­کنیم.

در آیه 10 سوره نور می­خوانیم:

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ﴿10﴾

و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود و اينکه خداوند بسيار توبه پذير فرزانه است.(10)

اگر به متن آیه توجه کنید به سهولت درک می­شود که انگار باید در انتهای آیه چیزی وجود داشته باشد که معنی آن تمام و کامل بشود و فعلاً جای آن خالیست. مثلاً اگر در انتهای آیه چنین چیزی اضافه می­شد: «همگی­تان معذب می­شدید» ، این حالتِ «احساسِ خالی بودنِ جایِ چیزی» به خواننده دست نمی­داد.

از این نوع موارد در قرآن کریم زیاد است و چه بسا علت آن نیز تحریک ذهن خواننده و مخاطب باشد که این جاهای خالی را با ذهن خویش پر کند و به این طریق رشد یابد.

همین حالت در سوره یوسف هم به وضوح دیده می­شود. در انتهای آیه 10 و ابتدای آیه 11 انگار چیزی از قلم افتاده است.

در یک صحنه، برادران دارند توطئه می­کنند که انتهای آیه 10 پایان آن صحنه است و ابتدای آیه 11 شروع به اجرای آن است.

چنین به نظر می­آید که بین انتهای آیه 10 و ابتدای آیه 11 جای چنین جمله­ای خالی است: «آنها پس از این­که مصمم شدند نزد پدرشان رفتند و ...» البته ذهن خواننده فوراً به این جمله منتقل می­شود و خودش آن چیزی را که به نظر کسری می­آید پر می­کند و لذا حذف چنین جمله­ای را باید از نوع عناصر فصاحت و بلاغتی قرآن حساب کرد.

در هر حال، در سوره یوسف در چند جا از این نوع «جملات محذوف به قرینه» وجود دارد که خواننده به راحتی می­فهمد اما در کل قرآن موارد بسیار زیادی از این نوع محذوفات وجود دارد که شناختن آنها به همان راحتی موارد مذکور نیست و اگر این نکته در نظر گرفته نشود معانی مهمی مغفول می­ماند.

**7**

**یافتن« عصاره مطلب »**

در این باره چه بگوئیم که اسّ اساس این روش تحلیلی همین است و تمام این «مقدمه» ها چیزی نیست جز برای تشریح و معرفی آن، بطوریکه در جائی روش کار توصیف شده، در جای دیگری مبانی آن ارائه گردیده، و در صفحات دیگری طرز کار آن آموزش داده شده، و در برخی دیگر از صفحات بعضی از فوائد آن ذکر شده، و اساساً روش ما بطور خلاصه بر این نکته مبتنی است که چه کنیم که لُبّ مطلب هر سوره را از خود همان سوره - قبلا - استخراج کنیم ، و قبل از شروع به تلاوت و تفسیر سوره ، اول بفهمیم که سوره چه می­خواهد بگوید .

لذا بهتر است خواننده گرامی، بار دیگر کلّ فصلِ مربوط را ببینند .

**از همین قلم :**

**تفسیر قرآن به نام : «سخن نو در تفسیر قرآن»**

**1- جلد 1 (شامل فهرست الفبائی تفسیرسوره ها ، مبانی و روش تفسیری ، و کلید های تفسیر قرآن ، و تفسیر چند سوره اولیه نزول قرآن به ترتیب نزول)**

**2- جلد های 2 تا 10( شامل تفسیر بقیه سوره ها به ترتیب نزول)**

این تفسیر ، چنانکه از بخش «مبانی» در جلد اول – ونیز از خودِ متن ِ تفسیر سوره ها - پیدا است ، کاملا «روش مند» و منظم و قابل آموزش است و چون به ترتیب نزول است خواننده هنگام مطالعه آن گوئی که پا به پای رسول خدا (ص) حرکت نموده و آن روزها را درک میکند و مطالبِ جنبیِ قابل ملاحظه ای رانیز علاوه بر متنِ خود تفسیر در می یابد که مجموعا از خواندن آن لذت معنوی زیادی می برد و از این لحاظ از هر تفسیری متمایز است .

**سایر کتاب ها**

**1 - پیدایش انسان ، برگزیدگی آدم ، ماهیت شیطان**

پس از انتشار کتاب «اصل انواع» در قرن 19 به قلم چارلز داروین کلیسای کاتولیک به شدت در مقابل آن موضع گرفت و آن را کفر آمیز خواند ، و از آن پس تا کنون هم این موضع را حفظ کرده ، و حق هم دارد زیرا در مندرجات و استنتاجات آن کتاب مطالبی هست که بطور وضوح مغایر نصوص «کتاب مقدس» آنها است . اما جای تعجب است که چرا علمای اسلام هم وارد همین موضع شدند زیرا مندرجات و استنتاجات آن کتاب با « کتاب مقدس مسلمانان» تضاد و تنافری ندارد ، زیرا او بر اساس مشاهده و تجربه به چیزی رسید و آن را نوشت ، و مشاهده و تجربه هم چیزی است که قرآن دائما همه را به آن دعوت میکند .

در این کتاب ، موضوع «پیدایش انسان در روی زمین» که روایتِ این جهانیِ پدیده مذکور است ، از موضوع «برگزیدگیِ آدم» که روایتِ فرا جهانیِ آن پدیده است ، جداگانه ، و تماما باذکر آیات قرآن و استنتاج از آن ، به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده که خلط دو بحث سبب آن سوء تفاهم بزرگ گردیده است و قرآن مخالفتی با نتایج علوم تجربی ندارد .

ضمنا چون ابلیس و شیطان نیز یکی از عناصر روایتِ فرا جهانیِ مذکور است در باره ماهیت شیطان نیز بحثی قرآنی در این کتاب وجود دارد .

**2- سره و ناسره در روایات معراج**

در این کتاب دو روایت از المیزان در باره معراج نقل شده که یکی موافق قرآن است ودیگری که خیلی هم بلند و طولانی – حدود بیست صفحه با قلم ریز - است ، چنانکه در متن کتاب بطور تفصیل نشان داده شده ، 16 مورد مخالفت با قرآن ، 10 مورد مخالفت با عقل ، و 4 مورد مخالفتِ قسمت هائی از روایت با قسمت های دیگری از همان روایت در آن است ، و این از باب نمونه است و نتیجه گرفته که در باب تفسیر قرآن می باید درستیِ روایات را از قرآن فهمید نه بر عکس ، و اینکه اگر مفسر به ترتیب نزول کار کند دچار این نوع خطا ها نمیشود .

**3- سیر و سلوک قرآنی**

«تعالی نفس» همیشه یکی از دغدغه های خاطر برخی از انسان ها بوده و از این پس هم خواهد بود ، و مکاتب گوناگون از قبیل متصوفه (اعم متصوفه مسلمان و مسیحی و یهودی ونیز هندی و بودایی و امثالهم) وغیره برای این دغدغه خاطر نسخه هائی پیچیده اند وکه نتیجه اش پیدایش اینهمه خانقاه و دیرِ رهبانی گری و اَشکال دیگرِ چیزی است که به عنوان محل«سیر و سلوک» و «تهذیب نفس» شناخته میشود ، در این کتاب ، از لحاظ قرآنی – که صالح ترین مرجع برای این مقوله است - به این دغدغه خاطر پرداخته و روشهای قرآنیِ سیر و سلوک و تهذیب نفس را بازگو نموده است .

**4 - شناختِ وجوهِ کلّی اعجاز قرآن**

در این کتاب از 9 لحاظِ کلّی به «غیر قابل گفتار بشر بودن» قرآن ، و اینکه گوینده قرآن باید کسی باشد که آنقدر علم داشته باشد که بتواند آسمانها و زمین و خود بشر را بیافریند ، پرداخته ، و نشان داده که چرا مسلمانان قرآن را – به حق – معجزه میدانند . این کتاب برای کسانی «مسلمانِ شناسنامه ای» بوده و مایلند در اصل مسلمانی خویش از شک و تردید بدر آیند خیلی مفید است .

**5 - آثار قوم لوط**

در این کتاب با ذکر آیات مرتبط به داستان قوم لوط و نوع عذاب آنها ، به کاوشگران و باستان شناسان سرنخ هائی از متن قرآن داده شده ، که کجا را مورد حفاری های باشتان شناسانه قرار دهند که آثار آن قوم را بیابند و از این طریق ، هم قسمتی از «ماقبل تاریخ» را به «دوره تاریخی» بیاورند ، و هم سند مهم دیگری بر اسنادِ موجودِ اعجاز قرآن بیافزایند .

**6 - حدود شفاعت**

این نگارنده در نوجوانی از یکی از وعاظ مشور آن زمان شنیده بود که بالای منبر میگفت «تو شیعه باش و زنا کن» و « سنّی چه حج کند و چه زنا کند یکی است» در این کتاب با این خرافه برخورد شده که کسی فکر نکند به صِرفِ مسلمان زادگی و شیعه زادگی همه چیزش مرتب است و مورد شفاعت واقع خواهد شد و حدّ و حدود شفاعت را با استفاده از متن خود قرآن باز گویی کرده است .

**7 – مسیر فرایند ظهور امام زمان (ع)**

در این کتاب تصوراتِ خرافیِ رایج در باره ظهور امام زمان (ع) را تصحیح کرده ، و علاوه بر آن ، مستندات قرآنیِ وجود آنحضرت را نیز بیان نموده ، ونیز به بررسیِ برخی از روایات مرتبط با «آخرالزمان» پرداخته ، و در مجموع نشان داده که این بخش از عقاید شیعیان چقدر صحیح ، و چقدر قرآنی ، و چقدر معقول است .

**8 – خلاصه ترین تفسیر قرآن**

این کتاب در حقیقت متن عربی ِ قرآنِ به ترتیبِ نزول است که هم – برحسب همگن بودنِ آیات - پاراگراف بندی شده ، و هم «درس» (عصاره مطلب سوره) و هم «درب ها» (عصاره مطلب پاراگراف ها) رادارد . وبرای کسی که مختصری عربی بداند خلاصه ترین تفسیر قرآن است و خود این نگارنده برای مطالعه روزانه قرآن از این کتاب استفاده میکند .

**9 – سخن نو در ترتیب نزول ، و زمان نزول سوره ها ، و حروف مقطعه**

این کتاب ضمن اینکه به سه موضوع جذابِ ( ترتیب نزول ، تاریخ نزول ، و حروف مقطعه) می پردازد و نو ترین سخن را در باره آنها عرضه میکند ، از این لحاظ که چگونه این روش تفسیری – که در تفسیر فوق الذکر استفاده شده - سبب گسترش و تعمیق دانش ما در باره سه مقوله فوق شده ، قابل توجه مفسران و محققان جوان است ، که از ابتدای کار تفسیر و تحقیق ، بدانند که چنین روشی هم هست که به پیدایش چنین نتایجی کمک کرده است .

مطالب فوق را میتوانید در سایت: tafsir.jamal-ganjei.com بیابید همچنین ایمیل : jamalganjei@gmail.com برای پاسخ به سوالات در خدمت است .